

مخج الذکر

با
ترجمہ فارسی

محمدی ای مشری

حسبکم

ترجمہ
حمید رضائی

با همکاری
رسول انستھی

سخا الذکر

فارسی-عربی



مرکز تحقیقات و نشر اسلامی
محمدی بی شمیری

جلد یکم

ترجمہ
حمید رضاشانی

با همکاری
رسول انستٹی

دین و عقلم



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۱۵۴



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

محمّدی ری شهری، محمّد، ۱۳۲۵ -

نهج الذکر. ترجمه فارسی / تالیف محمّد محمّدی ری شهری با همکاری رسول اقی؛ ترجمه حمیدرضا شیخی. - قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق = ۱۳۸۶ -

ج. - (پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۱۵۴) ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 302 - 8

ISBN : 978 - 964 - 493 - 303 - 5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتابنامه: ج ۴. ص. ۵۷۷ - ۱۵۹۹ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. ذکر - احادیث ۲. احادیث شیعه - قرن ۱۴. ۳. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴. الف. اقی، رسول، ۱۳۲۵ -
، نویسنده همکار. ب. شیخی، حمیدرضا، ۱۳۲۵ - ج. مترجم. د. عنوان.

۲۹۷/۲۱۸

BP ۱۴۱/۵/۵۷م ۴۱۳۸۶

فهرست نویسی پیش از انتشار، توسط کتابخانه تخصصی حدیث / قم

نهج الذكر همراه با ترجمه / ج ۱

محمد محمدی ری شهری

همکار: رسول افقی

مترجم: حمیدرضا شیخی

بازبین علمی: عبد الهادی سمودی، محمد احسانی فر، حیدر مسجدی

بازبین ترجمه: محمد مرادی

بازبین نهایی: حیدر مسجدی، دکتر ناصر حکمت

مصدریاب احادیث: عبد الحسین کالی، محمود کریمیان، علی نجفی، سید مهدی حسینی، داوود اُفقی

اعراب‌گذار: رسول افقی

مقابله‌گر با مصادر: رعد بهبهانی، عبد الکریم مسجدی

مجری آمادسازی پیش از نشر: محمد باقر تجلی

سرپرستار فارسی: محمدهادی خالقی

ویراستار فارسی: محمد باقری‌زاده اشعری، سید محمد دلال موسوی، مرتضی بهرامی غشودی

سرپرستار عربی: حسنین دباغ

ویراستار عربی و شرح لغات: نعمان نصری، ماجد صیمری، عبد الکریم مسجدی

فهرست‌ساز: محمد ضیاء سلطانی، رعد بهبهانی

نمونه‌خوان فارسی: علینقی نگران، سید هاشم شهرستانی، محمود سپاسی، مصطفی لوجی، محمد محمودی، مهدی جوهرچی

نمونه‌خوان عربی: عبد الکریم خالقی، حیدر وائلی

خوش‌نویس: حسن فرزادگان

حروفچین: حسین اقبامیان، علی اصغر ذریاب

صفحه‌آرا: محمد ضیاء سلطانی

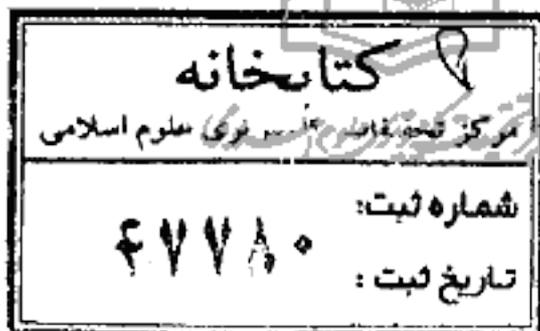
ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۷

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت دوره: ۲۵۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، نیش کوی ۱۲ پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.ب ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه و فروشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵ - فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵

صحن کاشانی) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم‌کف)

تلفن: ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان نغنی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکی، دست چپ، ساختمان کوثر)

تلفن: ۸۴۲۶۳۳۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 302 - 8

ISBN : 978 - 964 - 493 - 303 - 5



* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *

فهرست اجمالی

پیش‌گفتار ۷

بخش یکم: یاد کردن و فراموش کردن خدا

درآمد ۱۵

فصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدا ۲۷

فصل دوم: ویژگی‌های یاد خدا ۹۵

فصل سوم: معنای یاد خدا ۱۰۹

فصل چهارم: اقسام یاد خدا ۱۲۱

فصل پنجم: عوامل یاد خدا ۱۳۵

فصل ششم: آفت‌های یاد خدا ۱۴۳

فصل هفتم: آداب یاد خدا ۱۵۵

فصل هشتم: مهم‌ترین اوقات یاد خدا ۱۷۱

فصل نهم: برکت‌های یاد خدا ۲۱۳

فصل دهم: زیان‌های فراموش کردن خدا ۲۸۱

۶ نهج الذکر / ج ۱

بخش دوم: بسمله (گفتن «بسم الله»)

۳۰۹	درآمد
۳۱۹	فصل یکم: تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم»
۳۳۷	فصل دوم: ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحيم»
۳۵۷	فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم الله»
۳۹۳	فصل چهارم: آثار «بسم الله»
۴۰۹	فصل پنجم: آداب «بسم الله» گفتن

بخش سوم: تسبیح (گفتن «سبحان الله»)

۴۳۳	درآمد
۴۴۳	فصل یکم: تفسیر تسبیح
۴۵۱	فصل دوم: ویژگی های تسبیح
۴۶۳	فصل سوم: تشویق به تسبیحگویی
۴۸۱	فصل چهارم: برکات تسبیح گفتن
۴۸۹	فصل پنجم: اوقات تسبیح گفتن
۵۱۷	فصل ششم: تسبیحات چهارگانه

پیش‌گفتار

یاد خدا، رمز خودسازی و سازندگی و صعود به قلّه کمالات انسانی است. یاد خدا، بهترین سرمایه تأمین سعادت فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیا و آخرت است و در یک جمله: یاد خدا، یاد خویش است و فراموشی او، فراموشی خود! برای بهره‌برداری از این سرمایه عظیم، آگاهی نسبت به ارزش و اهمیت آن، و شناخت روش‌ها، آداب، آفات و آثار آن از منظر قرآن و احادیث، لازم و ضروری است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

برای تأمین شناخت‌های بایسته در این باره، تلاش‌های ارزنده و فراوانی صورت گرفته است؛ اما همان‌گونه که در مقدمه کتاب نهج الدعاء بیان شد، با عنایت به نیاز روزافزون تشنگان معارف اسلام ناب، بویژه مراکز پژوهشی و پژوهشگران علوم اسلامی، میدان برای تلاش بیشتر و ارائه مجموعه‌هایی کاربردی‌تر، باز است.

نهج الذکر، حرکتی نوین در جهت رسیدن به این آرمان بلند است که با نظامی نوین و سهل الوصول و درآمدها و تحلیل‌هایی کارآمد، در ده بخش، در خدمت فرهیختگان و تشنگان معارف زلال اسلامی قرار می‌گیرد.

در این کتاب، افزون بر تبیین مسائل کلی مربوط به یاد خدا، در باره ده عنوان

از بارزترین مصادیق ذکر در قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام به تفصیل مطالبی ارائه می‌گردد. این اذکار، عبارت‌اند از: «بَسْمَلَه»، «تَسْبِيح»، «تَحْمِيد»، «تَهْلِيل»، «تَكْبِير»، «حَوْقَلَه»، «اِسْتِثْنَاء»، «اِسْتِعَاذَه»، «اِسْتِغْفَار» و «صَلَوَات» بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان.

روش تدوین کتاب

روش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه، متکی به عناصر زیر است:

۱. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده‌اند، در واقع، حدیث پیامبر خدایند، همان‌گونه که امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ.^۱

ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می‌گوییم.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: *بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ*

حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي، وَحَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَحَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَحَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ علیه السلام، وَحَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، وَحَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَحَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.^۲

سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدم است و سخن جدم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و

۱. رجال الکشی: ج ۲ ص ۴۹۰ ش ۴۰۱، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۶۲.

۲. الکافی: ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴، الإرشاد: ج ۲ ص ۱۸۶، منية المرید: ص ۳۷۳، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۸.

نیز، ر.ک: اهل بیت در قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۲۶۱ (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست).

سخن پیامبر خدا، سخن خداوند متعال است.

به همین دلیل، در این کتاب، از همه احادیث روایت شده از پیامبر ﷺ و خاندان او، یکسان بهره گرفته شده است.

۲. کوشیده‌ایم تا در حدّ توان، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنت، به طور مستقیم، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای رایانه‌ای، آنها را زوی برگه‌های مخصوص، تنظیم نماییم تا زمینه‌گزینش کامل‌ترین، موثّق‌ترین و کهن‌ترین آنها فراهم آید. در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک، تنها از ادعیه‌ای که مستند به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ هستند، بهره گرفته‌ایم.

۳. سعی کرده‌ایم از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم، جز در این موارد:
الف - آن جا که نکته مهمی در تفاوت واژه‌ها و اصطلاحات، نهفته بوده است؛

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ب - در مواردی که متن حدیث، در متون شیعه و اهل سنت، تفاوت داشته است؛

ج - آن جا که متن حدیث، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است.

۴. در مواردی که متن‌های رسیده از پیامبر خدا و امامان ﷺ، متعدّد بوده‌اند، حدیث پیامبر ﷺ در متن، و نشانی روایات ائمه ﷺ با ذکر عنوان و منبع، در پانویس می‌آید، مگر آن که حدیث آنان، نکته تازه‌ای داشته باشد که در این صورت، آن حدیث نیز در متن، آورده می‌شود.

۵. در هر موضوع، پس از ذکر آیات مربوط به آن، روایات پیشوایان، به

ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی عج) آورده می‌شوند، مگر آن که روایتی در تفسیر آیات یاد شده باشد (که در این صورت، پیش از روایات دیگر می‌آید)، یا آن که تناسب موضوعی روایات، ترتیب دیگری را ایجاب کند.

۶. در آغاز هر روایت، تنها نام پیامبر ص یا امامی را آورده‌ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن که راوی، فعل آنان را نقل کرده باشد، یا سؤال و جوابی در میان باشد و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر ص یا آن امام نیست.

۷. به دلیل تعدد نام‌ها و لقب‌های پیامبر ص و امامان ع، نام واحدی را برای هر یک از آنان برگزیده‌ایم که به صورت ثابت، در اول روایت می‌آید و بر شخص مورد نظر، دلالت می‌کند.

۸. در پانوشت‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده‌اند؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده‌ایم.

۹. هر گاه دسترسی به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث مستقیماً از آنها نقل می‌شود. آن گاه، نشانی بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده می‌شود.

۱۰. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «ر. ک:»، به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود؛ چرا که در مواردی متن ارجاعی، با متن نقل شده تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال، با متن اصلی و موضوع بحث، مرتبط است.

۱۱. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به جهت تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست.

۱۲. هدف از «درآمد»هایی که برای فصل‌های کتاب، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج‌هایی که در پی احادیث آمده است، ارائه چشم‌انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است. گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث، پرداخته شده است.

۱۳. مهم‌ترین نکته در این شیوه، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان‌آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث، صورت پذیرفته است.

۱۴. یکی از آداب مهم نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ است. کلینی در الکافی از امام علی ﷺ روایت کرده است:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ، فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ.^۱

هنگامی که حدیثی را نقل می‌کنید، آن را به کسی نسبت دهید که که آن را روایت نموده، که اگر درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، بر عهده راوی است.

بنابر این، برای رعایت احتیاط، توصیه‌ای داریم که کسانی که می‌خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی، حدیثی برای دیگران نقل کنند، آن را مستقیماً به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ نسبت ندهند؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است، به آنان منسوب نمایند. برای نمونه، نگویند: «پیامبر ﷺ چنین

۱. الکافی: ج ۱ ص ۵۲ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۶۱ ح ۱۵.

فرمود» یا: «امام علیه السلام چنین فرمود؛ بلکه بگویند: «فلان کتاب، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است» و یا بگویند: «از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است».

سپاس و تقدیر

خداوند منان را سپاس گزارم که به ما توفیق تدوین این مجموعه نورانی و روشنگر را عنایت فرمود و از همه همکاران عزیز و بزرگووارم در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» که در گردآوری، تدوین، ارزیابی، تصحیح، ویرایش و نشر آن مساعدت کرده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم، بویژه از فضیلتی ارجمند، آقایان رسول افقی - که این کتاب با تلاش ایشان به ثمر رسید - و احسان سرخه‌ای - که در تهیه بخشی از متون اولیه آن، همکاری داشت - و از خداوند مهربان، پاداشی درخور فضل حضرتش برای آنان، مسئلت دارم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

وَاجْعَلْ لِسَانَنَا بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقُلُوبَنَا بِحُبِّكَ مَمْنِيًا.

محقق‌دی ری شهری

هشتم مرداد ۱۳۸۵

چهارم رجب ۱۴۲۷

بخش یکم

یاد کردن و فراموش کردن خدا

شامل:

درآمد	فصل یکم	تشویق به یاد کردن از خدا
	فصل دوم	ویژگی های یاد خدا
	فصل سوم	معنای یاد خدا
	فصل چهارم	انقسام یاد خدا
	فصل پنجم	عوامل یاد خدا
	فصل ششم	آفت های یاد خدا
	فصل هفتم	آداب یاد خدا
	فصل هشتم	مهم ترین اوقات یاد خدا
	فصل نهم	برکت های یاد خدا
	فصل دهم	زبان های فراموش کردن خدا



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «ذکر»

واژه‌شناسان برای ماده «ذکر»، دو معنا بیان کرده‌اند: یکی «یادکرد» در مقابل «فراموشی»، و دیگری «نری» در مقابل «مادگی».

ابن فارس، در این باره می‌گوید:

ذال و کاف و راه، دو اصل را تشکیل می‌دهد که همه کلمات این ماده، از این دو اصل، منقرع می‌شوند. «مذکر»، یعنی زنی که پسر زاییده است... «ذکور البقل»، یعنی گیاهان علفی ستبر، مانند اسطوخودوس... اصل دیگر به معنای یادآوری است، در مقابل فراموش کردن و از یاد بردن. سپس یادکرد زبانی نیز بر این معنا حمل شده و می‌گویند: «اجعله منک علی ذکر» به ضم ذال، یعنی: او را فراموش مکن.^۱

راغب اصفهانی، در تبیین معنای «ذکر» در مقابل «نسیان» می‌گوید:

معنای ذکر، حالتی است برای نفس که انسان به سبب آن، می‌تواند آنچه را آموخته، [در ذهن] نگه دارد و از این جهت، مانند «حفظ» است؛ منتها حفظ به معنای به یاد سپاری است، و ذکر به معنای یادآوری.

معنای دیگر «ذکر»، حاضر کردن چیزی در دل یا آوردن آن به زبان است.

لذا گفته می‌شود: ذکر، دو گونه است: ذکر قلبی و ذکر زبانی (لسانی)، و هر یک از این دو نیز بر دو گونه است: یکی یادآوری چیزی است که فراموش شده است، و دیگری به معنای ادامه حفظ و به یادسپاری است. به هر گفته‌ای نیز ذکر می‌گویند.^۱

ریشه‌یابی واژه ذکر، نشان می‌دهد که اصل در معنای آن، «یاد» در مقابل «فراموشی» است و استعمال آن در معانی دیگر، بدان مناسبت است که مورد استعمال، دارای خصوصیتی است که موجب یاد و توجه انسان به آن می‌شود، چنان که به پسر، از آن جهت «ذکر» و «مذکر» گفته شده که موجب زنده ماندن و بقای یاد و نام پدر می‌گردد.

ذکر، در قرآن و حدیث

کلمه «ذکر» در قرآن و احادیث اسلامی کاربردهای فراوانی دارد؛^۲ لیکن آنچه در



۱. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۲۸.

۲. مفسران گفته‌اند که «ذکر» در قرآن به چند معنا آمده است، از جمله:

اول، یاد زبانی، مانند آیه ۲۰۰ سوره بقره: «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا؛ همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، یا با یادکردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید».

دوم، یاد قلبی، مانند آیه ۱۳۵ سوره آل عمران: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَجِيشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ؛ و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند».

سوم، گفتار، مانند آیه ۴۲ سوره یوسف: «أَنْذَرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ؛ مرا نزد آقای خود به یاد آور» و آیه ۴۱ سوره مریم: «وَأَنْذَرْنَا فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ؛ و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز» و آیه ۵۱ سوره مریم: «وَأَنْذَرْنَا فِي الْكِتَابِ مُوسَى؛ و در این کتاب از موسی یاد کن».

چهارم، خبر، مانند آیه ۸۳ سوره کهف: «قُلْ سَأَلْتُكُمْ عَلَيْهِمْ مَتَى ذُكِّرُوا؛ بگو: به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند».

پنجم، پند و اندرز، مانند آیه ۴۴ سوره انعام: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ؛ پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم».

این جا مورد بررسی است، «یاد خداوند متعال» در مقابل «نسیان» و یا «غفلت» از اوست.

بر پایه آیات و احادیثی که در این بخش خواهد آمد، یاد خدا، فلسفه همه عبادات، هدف همه برنامه‌های تکامل‌آفرین اسلام، و بهترین و سازنده‌ترین اعمال جوارحی و جوانحی است، چنان که از پیامبر خدا روایت شده است:

إِنَّهُ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.^۱

« ششم، وحی، مانند آیه ۳ سوره صافات: «فَالْتَسِيلِيبِ ذِكْرًا» و به تلاوت‌کنندگان [آیات الهی]». هفتم، قرآن، مانند آیه ۵۰ سوره انبیا: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ» و این [کتاب] - که آن را نازل کرده‌ایم - پندی خجسته است».

هشتم، تورات و کتاب‌های آسمانی پیشین، مانند آیه ۴۳ سوره نحل: «فَسَبِّحُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لِاتَّقُونَ»؛ پس اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی جویا شوید».

نهم، شرافت و بزرگی، مانند آیه ۴۴ سوره زحرف: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ» و به راستی که [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکری است».

دهم، اطاعت کردن، مانند آیه ۱۵۲ سوره بقره: «فَاذْكُرُونِي أَنْزَلْتُكُمْ»؛ پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم». یازدهم، بیان کردن، مانند آیه ۶۳ سوره اعراف: «أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ»؛ آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده؟».

دوازدهم، نمازهای پنجگانه، مانند آیه ۲۳۹ سوره بقره: «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَنْذِرُوا اللَّهَ»؛ و چون ایمن شدید، خدا را یاد کنید».

سیزدهم، نماز جمعه، مانند آیه ۹ سوره جمعه: «فَاسْتَعِزُّوا إِلَيَّ يَوْمَ الذِّكْرِ اللَّهُ» وَتَزُوا النَّبِيَّ»؛ به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید».

چهاردهم، نماز عصر، مانند آیه ۳۲ سوره ص: «إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي»؛ واقعاً من، دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم».

پانزدهم، پیامبر، مانند آیه ۱۰ و ۱۱ سوره طلاق: «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا سُوْلًا»؛ راستی که خدا سوی شما تذکری فرو فرستاده است؛ پیامبری» که در این جا «أنزل» به معنای «أرسل» است. در آیاتی که برای این معانی بدانها استشهاد شده، احتمال معانی دیگری نیز می‌رود (نضرة النعيم: ص ۱۹۶۴-۱۹۶۵).

هیچ کاری در نزد خداوند متعال، محبوب‌تر، و در رهانیدن بنده از هر گونه بدی، در دنیا و آخرت، مؤثرتر از یادکرد خدا نیست.

بر این اساس، یاد خدا، تنها عبادتی است که در مقررات دینی، حد و مرزی برای آن معین نشده؛ بلکه در هر حال و در هر زمان و در هر مکانی مطلوب است و هر چه بیشتر، بهتر:

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ، فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ، فَرَضَ اللَّهُ عليه السلام الْفَرَائِضَ فَمَنْ أَدَاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ، وَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ، وَ الْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ، إِلَّا الذِّكْرَ، فَإِنَّ اللَّهَ عليه السلام لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ، وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ. ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ نِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾. ^۱ فَقَالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عليه السلام لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ.

قَالَ: وَ كَانَ أَبِي عليه السلام كَثِيرَ الذِّكْرِ، لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَ أَكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَ لَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَ مَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَ كُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَا رِقَابَ بِحَيْثُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. وَ كَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ. وَ يَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمْرَهُ بِالذِّكْرِ. ^۲

امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست، مگر این که حد و نهایتی دارد که بدان پایان می‌پذیرد، بجز یاد خدا که آن را حد و پایانی نیست. خداوند، فرایض (نمازهای واجب) را قرار داد. پس هر که آنها را به جا آورد، این خود، حد آنهاست. ماه رمضان را قرار داد که هر کس روزه آن را بگیرد، این، حد آن است و حج را قرار داد که هر کس حج بگذارد، این، حد آن است؛ مگر یاد خدا که خداوند به اندکی از آن، رضایت نداده و برای آن، مرزی که به آن منتهی شود، قرار نداده است.

۱. احزاب: آیه ۴۱ و ۴۲.

۲. ر.ک: ص ۴۰ ح ۳۱.

امام صادق علیه السلام سپس این آیه را تلاوت کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را یاد کنید، یادکردی بسیار، و هر بام و شام، او را تسبیح گویند» و فرمود: خداوند تعالی برای آن، حد و مرزی که بدان پایان پذیرد، قرار نداد.

[همچنین] فرمود: پدرم بسیار ذکر می‌گفت. من با ایشان راه می‌رفتم و ایشان، ذکر خدا می‌گفت. با ایشان غذا می‌خوردم و ایشان، ذکر خدا می‌گفت. گاه با مردم سخن می‌گفت و در عین حال، این کار، او را از یاد خدا باز نمی‌داشت. او را می‌دیدم که زبانش بر کامش چسبیده است و «لا إله إلا الله» می‌گوید. ما را جمع می‌کرد و دستور می‌داد ذکر بگوییم تا آن که آفتاب، طلوع می‌کرد. به کسانی از ما که قرآن خواندن بلد بودند، دستور می‌داد آن را قرائت کنند و به آنهایی که قرائت بلد نبودند، دستور می‌داد ذکر بگویند.



معنای ذکر

حقیقت ذکر، عبارت است از توجه دل به آفریدگار جهان و احساس این واقعیت که جهان، محضر خداست و انسان، در حضور اوست، و این معنا تحقق نمی‌یابد، مگر با دو شرط: یکی معرفت حقیقی نسبت به خداوند متعال، و دیگری توجه به او.

به بیان روشن‌تر، تا انسان، آفریدگار حقیقی جهان را نشناسد، نمی‌تواند او را یاد کند. بنا بر این، کسانی که چیزی غیر از معبود حقیقی را عبادت می‌کنند، در واقع، او را یاد نکرده‌اند؛ بلکه پندار خود را یاد کرده‌اند:

﴿إِن هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ^۱

این [بتان]، جز نام‌هایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نام‌گذاری کرده‌اید،

و خدا بر حقانیت آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. آنان، جز از گمان و آنچه که دلخواهشان است، پیروی نمی‌کنند.

هنگامی که انسان، خدای حقیقی را شناخت و خود را در محضر او دید، نخستین اثر یاد خداوند متعال، فرمانبری از اوست. از این رو، هر چه معرفت انسان نسبت به آفریدگار خود بیشتر گردد و بیشتر به یاد او باشد، اطاعتش از حضرت حق، افزون‌تر می‌شود.

بنا بر این، انجام دادن واجبات الهی و ترک محرمات، نشانه معرفت حقیقی و ذکر حقیقی است و کسی که با زبان ذکر می‌گوید، ولی کردارش با گفتار او هماهنگ نیست، غافل و ناسی (فراموشکار) شمرده می‌شود، نه ذاکر؛ چنان که از پیامبر خدا روایت شده است:

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ، وَإِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ. وَمَنْ عَصَى اللَّهَ فَقَدْ نَسِيَ اللَّهَ، وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ.^۱

کسی که از خدا اطاعت کند، در واقع او را یاد کرده است، هر چند نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد، و کسی که خدا را نافرمانی کند، در واقع، خدا را فراموش کرده است، هر چند نماز و روزه و تلاوت قرآنش بسیار باشد.

این تفسیر از ذکر، روشن می‌کند که حقیقت ذکر، توجه قلبی برآمده از معرفت حقیقی خدا و همراه با مسئولیت‌شناسی است.

دشوارترین فریضه

نکته قابل تأمل، این که احادیث اهل بیت علیهم‌السلام ذکر را به مفهومی که بیان شد، دشوارترین فریضه‌ای می‌دانند که در هر حال، انجام دادن آن، لازم است،^۲ بدین

۱. ر.ک: ص ۱۰۸ ح ۱۶۶.

۲. ر.ک: ص ۱۰۹ (حقیقت یاد خدا).

معنا که شخص مؤمن، باید نفس خود را چنان تربیت کند که ذکر، مَلَكَةٌ او گردد؛ یعنی یاد خدا به گونه‌ای در جانش نفوذ کند که وقتی گناهی برای او پیش می‌آید، یاد خدا مانع از انجام دادن آن شود و انواع ذکرها مقدمهٔ پیدایش این حالت معنوی است.

انواع ذکر

ذکر، گاه به اعتبار ابزارها و راه آن، به: ذکر زبان، ذکر قلب، ذکر نفس، ذکر روح، ذکر عقل، ذکر معرفت و ذکر سِرِّ، تقسیم می‌شود.^۱ گاه نیز به اعتبار همراهی دل با زبان، به: ذکر خالص - که در آن، قلب، همراه زبان ذاکر است - و ذکر صارف^۲ - که در آن، ذاکر، تنها یاد دیگران را نفی می‌نماید؛ اما یاد خدا در عمق دل وی وارد نمی‌گردد -، تقسیم می‌شود.^۳ گاه نیز به اعتبار موقعیت ذکر، به: یاد خدا هنگام انجام دادن واجبات، یاد خدا هنگام ترک محرمات، یاد خدا هنگام مصائب و مشکلات زندگی، یاد خدا هنگام خشم، یاد خدا هنگام شادی^۴ و ... تقسیم می‌شود. همچنین گاهی ذکر، به اعتبار آگاهی دیگران از آن، به: ذکر جلی^۵ و ذکر

۱. ر.ک: ص ۱۲۳ (هفت گونه یاد کردن).

۲. در بعضی نسخه‌ها به جای «ذکر صارف»، «ذکر صادق» آمده است و شارح مصباح الشریعة (عبد الرزاق گیلاتی)، در مقام تبیین فرق ذکر خالص و ذکر صادق، چنین گفته است: «ذکر الهی بر دو قسم است: یکی ذکر خالص است [که به هیچ نحو، مشوب به أغراض نباشد، نه دنیوی و نه اخروی و چنان که به نطقی ظاهر، به ذکر او متنطق است، به نطقی باطن هم به اوامر و نواهی او مدعن و به عظمت و بزرگواری او معتقد باشد.

دوم، ذکر صادق است. ذکر صادق، آن است که ذاکر، خدا را به هر صفتی که ذکر می‌کند، به مقتضای او عمل کند، مثل آن که هر گاه ذکرش «یا کافیی المہمات» باشد، در هیچ مهمتی از مهمات، رجوع به غیر او نکند و کفایت کارهای خود را به او واگذارد؛ و همچنین سایر اسما» (مصباح الشریعة: ص ۵۰).

۳. ر.ک: ص ۱۲۳ (یاد کردن خالص و یاد کردن صارف).

۴. ر.ک: ص ۱۲۱ (یاد کردن زبانی، یاد کردن در ...).

۵. ر.ک: ص ۱۲۹ (یاد کردن آشکار).

خفی^۱ تقسیم می شود.

عوامل ذکر

مهم ترین مسئله در این بخش، شناخت اسباب و عوامل ذکر و عوامل تداوم آن در زندگی است. آنچه با الهام از قرآن و احادیث اسلامی در تبیین این مسئله می توان گفت، این است که مهم ترین عوامل یاد خدا و تداوم آن، از این قرارند:

۱. پیکار با موانع یاد خدا

نخستین اقدام لازم برای تحصیل ذکر و تداوم آن، آفت زدایی از ذکر و مبارزه با موانع یاد خداست. بر پایه رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی، هر کاری که قدرت تعقل را در انسان ضعیف و ناکارآمد می کند (مانند: دنیاپرستی، شرابخواری، قماربازی، سرگرمی های نامشروع، آرزوی دراز و پُرخواری)، موجب سلطه یافتن شیطان بر مجاری ادراکی انسان و مانع از یاد خدا بودن است.^۲

مرکز تحقیقات کپی رایت و حقوق

۲. تقویت خداشناسی

پس از آفت زدایی از ذکر، هر اقدامی که به تقویت بنیه خداشناسی انسان بینجامد، به تداوم یاد او کمک می کند؛ زیرا خداوند متعال، کمال و جمال مطلق است. از این رو، هر چه بر معرفت انسان نسبت به او افزوده شود، بر محبتش افزوده می گردد و هر چه او را بیشتر دوست داشته باشد، بیشتر به یاد اوست:

مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ.^۳

هر کس چیزی را دوست داشته باشد، مشتاق یاد اوست.

۱. ر.ک: ص ۱۲۵ (یاد کردن نهانی).

۲. ر.ک: ص ۱۴۳ (آفت های یاد خدا).

۳. ر.ک: ص ۱۳۴ ح ۲۱۴.

عاشق، نمی تواند به یاد معشوق خود نباشد. از این رو، شیرینی یاد محبوب، در کام اهل معرفت، شیرین تر از خواب است:

سَهْرُ الْعَيُونِ بِذِكْرِ اللَّهِ خُلْصَانُ الْعَارِفِينَ، وَحُلْوَانُ الْمُقَرَّبِينَ.^۱

بیداری چشم ها به یاد خدا، عشق و علاقه عارفان و شیرینی مقربان است.

و چنان که در حدیث قدسی آمده است:

كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي. أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ

حَبِيبِهِ^۲؟

دروغ می گوید کسی که مدعی است مرا دوست دارد، اما چون شب می شود، می خوابد. مگر نه این است که هر عاشقی دوست دارد با معشوقش خلوت کند؟^۳



۳. یاد مرگ

در کنار آفت زدایی از یاد خدا و تقویت بنیه خداشناسی، یاد مرگ و پیامدهای آن نیز می تواند در توجه بیشتر انسان به خداوند متعال، مؤثر باشد.^۴

۴. دعا برای الهام شدن ذکر

یکی از مهم ترین عوامل ذکر، الهام است. به تعبیری که در حدیث نبوی آمده، الهام شدن ذکر خدا به دل، بزرگ ترین نعمت الهی است:

مَا مَنَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عِبَادِهِ بِمِثْلِ أَنْ يُلْهِمَهُمْ ذِكْرَهُ.^۵

۱. ر.ک: ص ۱۹۸ ح ۳۲۷.

۲. الأمالی، صدوق: ص ۴۳۸ ح ۵۷۷، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۳۲۹. نیز، ر.ک: أعلام اللدین: ص ۲۶۳، إرشاد القلوب: ص ۹۳، عیون الأخبار، ابن قتیبه: ج ۲ ص ۳۰۰.

۳. ر.ک: ص ۱۳۹ (به یاد آوردن قبر).

۴. ر.ک: ص ۱۳۶ ح ۲۱۶.

خداوند متعال به بندگانش نعمتی نداده که چون الهام کردنِ یاد خود به آنان باشد.

یکی از بزرگان اهل معرفت می فرمود: «تلاش کنید که خداوند متعال، خود، ذکرش را به شما الهام کند. الهامِ ذکر، همه لوازم آن و از جمله تداوم ذکر را به همراه دارد».

بر اساس رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام، دعا، یکی از مؤثرترین تلاش‌ها برای دستیابی به الهام ذکر و چشیدن حلاوت آن است. لذا پیشوایان اسلام، ضمن دعا، مکرر از خداوند متعال می خواهند که ذکر خود را به قلب آنها الهام نماید، چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده:

إلهی اوالهمنی ولها بذکرک الی ذکرک.^۱

خداوند! با یادت، در من شیدایی به یاد خودت را الهام کن.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

آداب ذکر

یاد خدا کردن، آدابی دارد که رعایت آنها برای بهره‌گیری بیشتر از برکات ذکر، ضروری است. مهم‌ترین این آداب، عبارت‌اند از: طهارت، خشوع، خلوص، تعظیم، نشاط، فراموش کردن خواسته‌های نفسانی، شوق نسبت به دیدار قلبی خدا، و از همه مهم‌تر، پرهیز از گناه.^۲

مهم‌ترین موارد ذکر

نیکو بودن یاد خدا، اختصاص به زمان، مکان و حال خاصی ندارد؛ بلکه ذکر در هر حالی نیکوست؛ اما با این وصف، در موارد خاصی یاد خدا مورد تأکید قرار

۱. ر.ک: ص ۱۳۶ ح ۲۱۹.

۲. آیات و احادیثی که دلالت بر تبیین آداب یاد شده دارند، در فصل هفتم آمده‌اند.

گرفته است و این، بدان معناست که یاد خدا در این موارد، ضرورت بیشتری دارد و آثار و برکات آن برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، بیشتر است. این موارد عبارت‌اند از: ۱. بامدادان و شامگاهان، ۲. از اول تا سیزدهم ماه ذی حجه، ۳. ماه رمضان، ۴. روز جمعه، ۵. هنگام جنگ، ۶. هنگام آهنگ کاری کردن، ۷. قسمت کردن، ۸. هنگام رعد و برق، ۹. هنگام غافل بودن مردم، ۱۰. تنهایی، ۱۱. هنگام گفتن، ۱۲. هنگام خوردن، ۱۳. هنگام خواب، ۱۴. هنگام برخاستن، ۱۵. در مسجد، ۱۶. در مکه، ۱۷. در خانه، ۱۸. در بازار، ۱۹. در سفر، ۲۰. هنگام گذر از کوه یا دشت، ۲۱. با هر یادکننده خدا.^۱

آثار و برکات ذکر گفتن انفرادی و اجتماعی

یاد خدا، آثار و برکات فراوانی برای زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی انسان دارد. در فصل نهم از این بخش، ۳۴ اثر برجسته یاد خدا مطرح شده که شماری از آنها آثار ذکر انفرادی و شماری دیگر برکات ذکر جمعی است.^۲ به دلیل اهمیت این موضوع، در پایان این بخش، آثار و برکات یاد خدا و همچنین زیان‌های فراموشی او، ضمن تحلیلی به طور مستقل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.^۳

۱. ر.ک: ص ۱۷۱-۲۱۱.

۲. ر.ک: ص ۲۱۳-۲۷۹.

۳. ر.ک: ص ۳۰۱ (تحلیلی درباره برکات یاد خدا و زیان‌های فراموش کردن او).

الفصل الأول

الحث على ذكر الله

١ / ١

الحث على كثرة الذكر

الكتاب

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنكُرُوا اللَّهَ نِكْرًا كَثِيرًا * وَسِيحُوا بِكُرْهٍ وَأَصِيلًا﴾^١
﴿وَأَذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾^٢

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^٣

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾^٤

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي *
وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي * هَمْرُونَ أَخِي * أَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي * كَيْ نُنسِخَكَ

١ . الأحزاب: ٤١ و ٤٢ .

٢ . الإنسان: ٢٥ .

٣ . الجمعة: ١٠ .

٤ . آل عمران: ٤١ .

فصل یکم تشویق به یاد کردن از خدا

۱/۱

خدا را بسیار یاد کنید



قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را یاد کنید، یادی بسیار، و صبح و شام، او را به پاکی
بستایید.»

«و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان، یاد کن.»

«و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را
بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.»

«گفت: «پروردگارا! برای من، نشانه‌ای قرار ده.» فرمود: «نشانه‌ات این است که سه روز با
مردم، جز به اشاره، سخن نگویی؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان [او
را] تسبیح گوی.»»

«گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز، و از زبانم گره
بکشای، [تا] سختم را بفهمند، و برای من، دست‌یاری از کسانی قرار ده؛ هارون، برادرم را.
پشتم را به او استوار کن و او را شریک کارم گردان تا تو را فراوان تسبیح گویم، و بسیار

كثيْرًا * وَتَذْكُرَكَ كَثِيْرًا^١.

﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيْرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^٢.

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيْلًا﴾^٣.

الحديث

١ . سنن الترمذي عن أبي سعيد الخدري: إِنْ رَسُوْلَ اللَّهِ ﷺ سُئِلَ: أَيُّ الْعِبَادِ أَفْضَلُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟

قَالَ: ﴿وَالذُّكْرِيْنَ اللَّهُ كَثِيْرًا وَالذُّكْرَاتُ﴾^٤.

٢ . رسول الله ﷺ: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ، فَقَدْ بَرِيَ مِنَ النُّفَاقِ^٥.

٣ . عنه ﷺ: مَنْ لَمْ يُكْثِرْ ذِكْرَ اللَّهِ، فَقَدْ بَرِيَ مِنَ الْإِيْمَانِ^٦.

٤ . عنه ﷺ: ذِكْرُ اللَّهِ عِلْمُ الْإِيْمَانِ، وَبِرَاءَةٌ مِنَ النُّفَاقِ، وَحِصْنٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَحِرْزٌ مِنَ النَّارِ^٧.

١ . طه: ٢٤ - ٢٤.

٢ . الشعراء: ٢٢٤ - ٢٢٧.

٣ . النساء: ١٤٢.

٤ . الأحزاب: ٣٥.

٥ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٥٨ ح ٣٣٧٦، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥١ ح ١١٧٢٠، مشكاة المصابيح: ج ١ ص ٤٩٩ ح ٢٢٨٠، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٩ وفيه صدره.

٦ . المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٨٦ ح ٦٩٣١، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٧٧، الفردوس: ج ٣ ص ٥٦٤ ح ٥٧٦٨ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٥ ح ١٨٢٧.

٧ . الدر المنثور: ج ٦ ص ٦٢٠ نقلاً عن الطبراني في المعجم الأوسط عن أبي هريرة.

٨ . تنبيه الغافلين: ص ٣٩٥ ح ٥٩٨ عن أنس؛ مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٨٥ ح ٥٨٦٨ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

به یاد تو باشیم».

«و شاعران را هم‌راهان پیروی می‌کنند. آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی‌ای سرگردان‌اند؟ و آنان‌اند که چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده‌اند و پس از آن که مورد ستم قرار گرفته‌اند، یاری خواسته‌اند. و کسانی که ستم کرده‌اند، به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه، برخواهند گشت».

«منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آن که او با آنان، نیرنگ خواهد کرد، چون به نماز ایستند، با کسانی می‌ایستند [و] با مردم، ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

حدیث

۱. سنن الترمذی - به نقل از ابو سعید خدری - از پیامبر خدا سؤال شد: در روز رستاخیز، کدام بنده نزد خداوند، منزلت والاتری دارد؟
فرمود: «آن مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند».
۲. پیامبر خدا ﷺ: کسی که خدا را بسیار یاد کند، از نفاق، رها شده است.
۳. پیامبر خدا ﷺ: کسی که بسیار یاد خدا نکند، از ایمان، دور شده است.
۴. پیامبر خدا ﷺ: یاد خدا، نشانه ایمان، مایه رهیدن از نفاق، دژی در برابر شیطان، و نگه‌دارنده از آتش است.

٥. عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ.^١
٦. الإمام علي عليه السلام: أَرْبَعٌ لَا تَصِيرُ إِلَّا لِلْعَجَبِ: طَوْلُ الصَّمْتِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ، وَقِلَّةُ الشَّيْءِ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَذِكْرُ اللَّهِ كثيراً؛ فَإِنَّهُ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تَعَالَى بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَبَرَاءَةً مِنَ النَّفَاقِ.^٢
٧. عنه عليه السلام: أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ؛ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الذِّكْرِ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ النَّفَاقِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَتَذَكِيرٌ لِصَاحِبِهِ عِنْدَ كُلِّ خَيْرٍ يَقْسِمُهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ، وَلَهُ دَوِيٌّ تَحْتَ الْعَرْشِ.^٣
٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ عَجَزَ مِنْكُمْ عَنِ اللَّيْلِ أَنْ يُكَابِدَهُ^٤، وَبَخَلَ بِالْمَالِ أَنْ يُنْفِقَهُ، وَجَبُنَ عَنِ الْعَدُوِّ أَنْ يُجَاهِدَهُ، فَلْيُكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.^٥
٩. عنه عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ، أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ.^٦
١٠. عنه عليه السلام: أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ كثيراً، حَتَّى يَقُولَ الْمُنَافِقُونَ: إِنَّكُمْ مُرَاوُونَ.^٧

١. الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٣ عن داوود بن سرحان عن الإمام الصادق عليه السلام.

٢. الجعفرينات: ص ٢٣٥ عن الإمام الكاظم عن أبيه عليه السلام.

٣. تحف العقول: ص ١٤٩، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٩٠ ح ٢.

٤. مكابدة الأمر: معاناة مشقته، وكابدت الأمر: إذا قاسيت شدته (لسان العرب: ج ٣ ص ٣٧٦ «كبد»).

٥. شعب الإيمان: ج ١ ص ٢٩١ ح ٥٠٨، المعجم الكبير: ج ١١ ص ٧٠ ح ١١١٢١ وليس فيه «ويخل بالمال أن

ينفقه» وكلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٨٥٢، الأمالي للشجري: ج ١ ص ٢٥٦ نحوه،

مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٩٥ ح ٥٠٩٣ نقلاً عن درر اللآلي وكلاهما عن ابن عباس.

٦. الكافي: ج ٢ ص ١٢٢ ح ٤ و ص ٥٠٠ ح ٥٠٥ كلاهما عن داوود الحمّار، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩١ عن عبد

الرحمن بن الحجّاج وكلّهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ١٢٧ ح ٢٦.

٧. الزهد لابن حنبل: ص ١٣٤، الزهد لابن المبارك: ص ٣٦٢ ح ١٠٢٢ وفيه «يظن» بدل «يقول» وكلاهما عن

أبي الجوزاء، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٣١ ح ١٢٧٨٦، حلية الأولياء: ج ٣ ص ٨١ كلاهما عن ابن عباس

نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٥٤ و ص ٢٣٩ ح ١٨٩٨ و ١٨٩٧.

۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بسیار یاد خدا کند، دو برات برایش نوشته شود: یکی برات رهایی از آتش، و دیگری برات رهایی از نفاق.

۶. امام علی ﷺ: چهار چیز است که پایانشان جز خوشایندی نیست: دم فرو بستن بسیار، مگر از خوبی؛ تنگ دستی با فروتنی؛ و فراوان یاد خداوند ﷻ نمودن؛ زیرا کسی که بسیار یاد خدا کند، خداوند متعال برایش برات آزادی از آتش و برات آزادی از نفاق می نویسد.

۷. امام علی ﷺ: خداوند ﷻ را بسیار یاد کنید؛ زیرا که یاد خدا بهترین یاد است، و مایه ایمنی از نفاق و رهایی از آتش است و صاحبش (ذاکر) را در هنگام هر خیری که خداوند ﷻ قسمت می کند، به یاد خدا می آورد، و یاد خدا در زیر عرش، طنین می افکند.

۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس از شما که نمی تواند رنج شب خیزی را تحمل کند و از خسیسی نمی تواند مالی انفاق کند و از جهاد کردن با دشمن می ترسد، پس خدا را بسیار یاد کند.

۹. پیامبر خدا ﷺ: هر که خدا را بسیار یاد کند، خداوند ﷻ او را در سایه سار بهشتش جای دهد.

۱۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ را فراوان یاد کنید تا جایی که منافقان بگویند: شما ریاکارید.

١١ . عنه ﷺ: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَلَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَلَا أَنْجَى لِعَبْدِهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ١

١٢ . مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله ﷺ: اسْتَكَثِرُوا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: الْمِلَّةُ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ ...

قَالَ: التَّكْبِيرُ، وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّسْبِيحُ، وَالتَّحْمِيدُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ٢

١٣ . المعجم الكبير عن مربع عن أم أنس - أَنَّهَا قَالَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ -: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي!

قَالَ: أَهْجُرِي الْمَعَاصِيَ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ الْهَجْرَةِ، وَحَافِظِي عَلَى الْفَرَائِضِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ

الْجِهَادِ، وَأَكْثِرِي مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّكَ لَا تَأْتِينَ ٣ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ كَثْرَةِ ذِكْرِهِ. ٤

١٤ . رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ تَوْبَةَ عَبْدِهِ مَا لَمْ يُغْرَغِرْ ٥. تَوَبُوا إِلَى رَبِّكُمْ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا،

وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ قَبْلَ أَنْ تُشْغَلُوا، وَصَلُوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ بِكَثْرَةِ ذِكْرِكُمْ

إِيَّاهُ. ٦

١ . شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٩٥ ح ٥٢١ عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٦.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٤ ح ١٨٨٩، مسند أبي

يعلى: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٣٧٩، تفسير الطبري: ج ٩ الجزء ١٥ ص ٢٥٥، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ١٥٩، كنز

العمال: ج ١٥ ص ٩٥١ ح ٤٣٦٥٤.

٣ . في المصدر: «لا تأتي»، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى.

٤ . المعجم الكبير: ج ٢٥ ص ١٢٩ ح ٣١٣، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٢١ ح ٦٧٣٥ و ص ٥١ ح ٦٨٢٢، كنز

العمال: ج ٢ ص ٢٤٥ ح ٣٩٣٥ نقلاً عن الترغيب في الذكر.

٥ . ما لم، يُغْرَغِرْ: أي ما لم تبلغ روحه حلقومه، فيكون بمنزلة الشيء الذي يتغرغر به المريض؛ والغرغرة:

أن يجعل المشروب في الفم ويرد إلى أصل الحلق ولا يبلع (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٠ «غرغرة»).

٦ . الدعوات: ص ٢٣٧ ح ٦٥٩، مستدرک الوسائل: ج ٦ ص ١٠ ح ٦٢٩٤ نقلاً عن القطب الراوندي في

لب اللباب وليس فيه «إن الله يقبل توبة عبده ما لم يغرغر»، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٩ ح ٥ و ج ٨١ ص ٢٤٠

۱۱. پیامبر خدا ﷺ: در همه حال، خداوند را بسیار یاد کنید؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند محبوب‌تر و برای بنده، نجات بخش‌تر از یاد خدا در دنیا و آخرت نیست.

۱۲. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا فرمود: «ماندگارهای نیک، بسیار انجام دهید».

گفته شد: ماندگارهای نیک، چیستند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «آیین».

گفته شد: آیین چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «گفتن "الله اکبر" و "لا إله إلا الله" و "سبحان الله" و "الحمد لله" و "لا حول و لا قوّة إلا بالله"».

۱۳. المعجم الكبير - به نقل از مربع - : امّ انس به پیامبر خدا گفت: مراسم فارسی نما، ای پیامبر خدا!

فرمود: «از گناهان دوری کن، که این، برترین هجرت است و واجبات را پاس بدار، که این، برترین جهاد است و بسیار یاد خدا باش؛ زیرا نزد خداوند، چیزی که برایش محبوب‌تر از بسیاری یاد او باشد، نیست».

۱۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، توبه بنده‌اش را تا آن گاه که به جان دادن نیفتاده است، می‌پذیرد. [پس] پیش از آن که بمیرید، به درگاه پروردگارتان توبه کنید و پیش از آن که از کارهای نیک باز مانید، به آنها مبادرت ورزید و با یاد کردن بسیار از خداوند، میان خود و او رابطه برقرار کنید.

١٥ . تهذيب الكمال عن سعيد بن سعيد بن المسيب: جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال: يا رسول الله، أخبرني بجلساء الله يوم القيامة، قال: هم الخائفون، الخاضعون، المتواضعون، الذاكرون الله كثيراً. ١

١٦ . مسند ابن حنبل عن معاذ عن رسول الله ﷺ، قال: إن رجلاً سأله فقال: أي المجاهدين أعظم أجراً؟

قال: أكثرهم لله تبارك وتعالى ذكراً. قال: فأبي الصائمين أعظم أجراً؟

قال: أكثرهم لله تبارك وتعالى ذكراً.

ثم ذكر لنا الصلاة، والزكاة، والحج، والصدقة، كل ذلك رسول الله ﷺ يقول:

أكثرهم لله تبارك وتعالى ذكراً. ٢

١٧ . الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله ﷺ: ألا أخبركم بخير أعمالكم لكم، وأرفعها في درجاتكم، وأزكاها عند مليككم، وخير لكم من الدينار والدرهم، وخير لكم من أن تلقوا عدوكم فتقتلوهم ويقتلوكم؟ فقالوا: بلى!

فقال: ذكر الله ﷻ كثيراً. ٣

١٨ . عنه عليه السلام: جاء رجل إلى النبي ﷺ، فقال: من خير أهل المسجد؟

فقال: أكثرهم لله ذكراً. ٤

١ . تهذيب الكمال: ج ٣١ ص ١٧٣، حلية الأولياء: ج ٨ ص ١٢٣.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٠٩ ح ١٥٦١٤، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ١٨٦ ح ٤٠٧، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٤١٦، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٨ ح ١٨٤٦ وراجع الزهد لابن المبارك: ص ٥٠١ ح ١٤٢٩.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ١٠٩ ح ٩٦ كلاهما عن ابن القداح، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٧ ح ٢٩.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١، عدة الداعي: ص ٢٣٤ وليس فيه «الله» وكلاهما عن ابن القداح، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢.

۱۵. تهذیب الکمال - به نقل از سعید بن مسیب :- مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا از همنشینان خدا در روز رستاخیز، خبر بده.

فرمود: «همنشینان خدا، عبارت‌اند از: بیمناکان، فروتنان، خاکساران، و آنان که بسیار خدا را یاد می‌کنند».

۱۶. مسند ابن جنبل - به نقل از مُعَاذ :- مردی از پیامبر خدا پرسید: پاداش کدام مجاهدان، بزرگ‌تر است؟

فرمود: «آنان که بیشتر خداوند - تبارک و تعالی - را یاد کنند».

پرسید: پاداش کدام روزه‌داران، بزرگ‌تر است؟

فرمود: «آنان که بیشتر خداوند - تبارک و تعالی - را یاد کنند».

به همین سان [آن مرد] از نماز و زکات و حج و صدقه (/زکات) پرسید و هر بار، پیامبر خدا می‌فرمود: «آنان که بیشتر خداوند - تبارک و تعالی - را یاد کنند».

۱۷. امام صادق ﷺ: پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما از بهترین اعمالتان که از همه اعمالتان بلند پایه‌تر و نزد خداوندگارتان، پاکیزه‌تر و برایتان از [انفاق] درهم و دینار بهتر است و از این که با دشمنتان رو به رو شوید و بکشید و کشته شوید، با ارزش‌تر است، خبر ندهم؟».

گفتند: چرا.

فرمود: «یاد کردن بسیار از خداوند ﷻ».

۱۸. امام صادق ﷺ: مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: بهترین اهل مسجد کیست؟

فرمود: «آن که بیشتر خدا را یاد کند».

١٩ . الإمام علي عليه السلام: إعلموا أنَّ الجِهَادَ الأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ، فَاسْتَعْمِلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ تَسْعِدُوا، وَارْقُضُوا الْقَالَ وَالْقِيلَ تَسْلَمُوا، وَأَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَغْنَمُوا.^١

٢٠ . عنه عليه السلام: قَدْ أَبْلَغَ اللَّهُ ﷻ إِلَيْكُمْ بِالْوَعْدِ، وَفَضَّلَ لَكُمْ الْقَوْلَ، وَعَلَّمَكُمْ السُّنَّةَ، وَشَرَحَ لَكُمْ الْمَنَاهِجَ؛ لِيُزِيحَ الْعِلَّةَ، وَحَثَّ عَلَى الذُّكْرِ، وَدَلَّ عَلَى التَّجَاةِ، وَإِنَّهُ مَنْ انْتَصَحَ لِلَّهِ وَاتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هَدَاهُ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَوَفَّقَهُ لِلرَّشَادِ، وَسَدَّدَهُ وَيَسَّرَهُ لِلْحُسْنَى، فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ مَحْفُوظٌ، وَعَدُوُّهُ خَائِفٌ مَغْرُورٌ، فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ ﷻ بِكَثْرَةِ الذُّكْرِ.^٢

٢١ . عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ - : فَإِنَّ أَحَبَّ إِخْوَانِي إِلَيَّ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا، وَأَشَدَّهُمْ مِنْهُ خَوْفًا. وَأَنَا أَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.^٣

٢٢ . عنه عليه السلام: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لِأَكْثَرِ النَّاسِ لَهُ ذِكْرًا، وَأَدْوَمُهُمْ لَهُ شُكْرًا، وَأَعْظَمُهُمْ عَلَى بَلَاءِهِ صَبْرًا.^٤

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

٢٣ . عنه عليه السلام: إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ، فَاسْتَشَعَرَ^٥ الْحُزْنَ، وَتَجَلَّبَبَ^٦ الْخَوْفَ، فَزَهَرَ بِصَبَاحِ الْهُدَى فِي قَلْبِهِ، وَأَعَدَّ الْقِرَى لِيَوْمِهِ النَّازِلِ بِهِ،

١ . غرر الحكم: ح ١١٠٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٢ ح ١٠١٨٣.

٢ . الكافي: ج ٨ ص ٣٨٩ ح ٥٨٦ عن محمد بن الحسين عن أبيه عن جده عن أبيه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٦٨ ح ٣٤.

٣ . تحف العقول: ص ١٧٧، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٨٦ ح ٧٣٣.

٤ . غرر الحكم: ح ٢٥٧١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٥ ح ٣٣٧٦.

٥ . استشعر فلان الخوف: أضمرته (تاج العروس: ج ٧ ص ٣٦ «شعرا»). أي جعل الخوف شعاراً له (بحار الأنوار: ج ٢ ص ٥٧).

٦ . تجلَّببَتِ المرأةُ: لبست الجلباب؛ وهو ما يغطي البدن من ثوب وغيره (المصباح المنير: ص ١٠٤ «جلبب»).

۱۹. امام علی علیه السلام: بدانید که جهاد بزرگ، جهاد با نفس است. پس به جهاد با نفس های خویش پردازید تا سعادت مند شوید و قیل و قال را و نهید تا به سلامت مانید، و خدا را بسیار یاد کنید تا سود برید.

۲۰. امام علی علیه السلام: خداوند تعالی پیام را به شما ابلاغ کرده و حقیقت را برایتان روشن ساخته و راه و رسم را به شما آموخته و راهها را برایتان هویدا کرده است تا عذر و بهانه را از میان بردارد، و به یاد او کردن [و دوری از غفلت]، تشویق کرده و راه نجات را نشان داده است.

هر کس پند خداوند را گوش کند و سخن او را راهنمای خود گیرد، خداوند، به درست ترین راه، ره نمونش می شود و به طریق حق، توفیقش می دهد و راهنمایی می کند و او را برای کار نیک، آماده می سازد؛ زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن او، ترسان و فریب خورده است. پس با بسیاری یاد [خدا] خویشتن را از [عذاب] خداوند نگه دارید.

۲۱. امام علی علیه السلام - از نامه ایشان به محمد بن ابی بکر - : محبوب ترین برادرانم نزد من، آن کس است که بیشتر به یاد خدا باشد و از خداوند، بیشتر بترسد، و من امیدوارم که تو - به خواست خدا - از جمله ایشان باشی.

۲۲. امام علی علیه السلام: اولیای خداوند، بیش از هر کس به یاد خدا هستند و پیوسته، او را سپاس می گویند و بر بلای او شکیباترین اند.

۲۳. امام علی علیه السلام: از جمله محبوب ترین بندگان خدا نزد او، آن بنده ای است که خداوند، او را در برابر نفسش یاری کرده است، و او جامه اندوه در پوشیده و ردای ترس [از خدا] به تن کرده است. پس چراغ هدایت در دلش روشن شده و برای آن روزی که میهمان او می شود (مرگ و پس از مرگ)، سفره پذیرایی (اعمال صالح) را آماده ساخته و دور (یعنی مرگ و قیامت) را نزدیک می بیند

فَقَرَّبَ عَلَى نَفْسِهِ الْبَعِيدَ، وَهَوَّنَ الشَّدِيدَ، نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَذَكَرَ فَاسْتَكْتَرَ. ١

٢٣ . عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ - : اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْتَبُ ذِكْرُكَ، وَيُتَابَعُ شُكْرُكَ، وَيَلْزَمُ عِبَادَتَكَ. ٢

٢٥ . عنه عليه السلام - فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - : خَاشِعاً قَلْبُهُ، ذَاكِراً رَبَّهُ ... مُحْكَمٌ أَمْرُهُ، كَثِيراً ذِكْرُهُ. ٣

٢٦ . عنه عليه السلام : الْمُؤْمِنُ ... وَقَوْرٌ ذَكُورٌ. ٤

٢٧ . عنه عليه السلام - مِمَّا كَانَ يُوصِي بِهِ أَصْحَابَهُ - : أَوْصِيكُمْ بِالْخَشْيَةِ مِنْ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ ... وَلْيَكُنْ نَظَرُكُمْ عِبْرًا، وَصَمْتُكُمْ فِكْرًا، وَقَوْلُكُمْ ذِكْرًا. ٥

٢٨ . الإمام الباقر عليه السلام - فِي ذِكْرِ صِفَاتِ شِيعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام - : مَا كَانُوا يُعْرِفُونَ ... إِلَّا بِالتَّوَاضُعِ، وَالتَّخَشُّعِ، وَالأَمَانَةِ، وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ. ٦

٢٩ . الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام : أَكْثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ

١ . نهج البلاغة: الخطبة ٨٧، أعلام الدين: ص ١٢٧ وفيه «فأكثر» بدل «فاستكثر»، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٥٦ ح ٣٦.

٢ . فلاح السائل: ص ٤٣٩ ح ٣٠٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١١٣ ح ١.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٢٣٠ ح ١ عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام، صفات الشيعة: ص ٩٩ ح ٣٥، الأمالي للصدوق: ص ٦٦٨ ح ٨٩٧ كلاهما عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليه السلام، كنز القوائد: ج ١ ص ٩١ عن نوف البكالي وليس فيه «محكما أمره»، التمهيد: ص ٧٢ ح ١٧٠، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣٤٤ ح ٥١.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ١ عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣٦٥ ح ٧٠.

٥ . تحف العقول: ص ٣٩٠ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٤٢ ح ٣٠ و ج ٧٨ ص ٣٠٥ ح ١.

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٧٤ ح ٣، صفات الشيعة: ص ٩٠ ح ٢٢، الأمالي للطوسي: ص ٧٣٥ ح ١٥٣٥، مستطرفات السرائر: ص ١٤٣ ح ١٠ وفيه «الإنابة» بدل «الأمانة» وكلها عن جابر، تحف العقول: ص ٢٩٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٧٥ ح ٢٨.

تشویق به یاد کردن از خدا ۳۹

و سختی‌ها را بر خود آسان کرده، می‌نگرد و می‌بیند، و [خدارا] یاد می‌کند و فراوان یاد می‌کند.

۲۴. امام علی علیه السلام - از دعای ایشان پس از نماز عشا - : بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که فراوان یاد تو می‌کنند و پیایی، سپاس تو می‌گویند و پیوسته به عبادت تو می‌پردازند.

۲۵. امام علی علیه السلام - در توصیف مؤمن - : دلش خاشع است، پروردگارش را یاد می‌کند... کارش استوار است و بسیار ذکر می‌گوید.

۲۶. امام علی علیه السلام : مؤمن ... باوقار و همواره به یاد خداست.

۲۷. امام علی علیه السلام - از اندرزهایی که به یارانش می‌داد - : شما را به ترس از خدا در نهان و آشکار، سفارش می‌کنم... و باید نگاه کردنتان، عبرت آموز باشد و سکوتتان، توأم با اندیشیدن و سختتان، یاد خدا باشد.

۲۸. امام علی علیه السلام - در بیان صفات پیروان اهل بیت علیهم السلام - : شناخته نمی‌شوند... مگر با فروتنی و خاکساری و امانتداری و بسیار یاد خدا بودن.

۲۹. امام باقر یا امام صادق علیهم السلام : ذکر «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» را بسیار بگویید؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند جل جلاله محبوب‌تر از گفتن «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» نیست.

إلى الله من التهليل والتكبير. ١

٣٠ . الإمام الصادق عليه السلام - لَمَا قِيلَ لَهُ مَنْ أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ؟ - : أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلَّهِ، وَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ. ٢

٣١ . الكافي عن ابن القنّاج عن الإمام الصادق عليه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذُّكْرُ؛ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ، فَرَضَ اللَّهُ الْفَرَائِضَ فَمَنْ أَدَاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ، وَشَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ، وَالْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ، إِلَّا الذُّكْرُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ، وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ ٣. فَقَالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ.

قال: وكان أبي عليه السلام كثير الذكر، لقد كنت أمشي معه وإنه ليذكر الله، وآكل معه الطعام وإنه ليذكر الله، ولقد كان يحدث القوم وما يشغله ذلك عن ذكر الله، وكنت أرى لسانه لازقاً بخنكته يقول: لا إله إلا الله. وكان يجمعنا فيأمرنا بالذكر حتى تطلع الشمس. ويأمر بالقراءة من كان يقرأ منا ومن كان لا يقرأ منا أمره بالذكر. ٤

٣٢ . الإمام الصادق عليه السلام: أَنْصِبِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَوَسِّهِمْ فِي مَالِكَ، وَارْضَ لَهُمْ بِمَا

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٢، عُدَّة الداعي: ص ٢٤٦، ثواب الأعمال: ص ١٨ ح ١٣ كلها عن فضيل، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٢ ح ٣٨ و ص ٢١٩ ح ٣.

٢ . المسحasin: ج ٢ ص ٢٣٢ ح ٢٤٩٩، تحف العقول: ص ٣٦٤، مشكاة الأنوار: ص ١١٢ ح ٢٥٧، جامع الأحاديث للقمي: ص ٢٠٤، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٤ ح ٤٣.

٣ . الأحزاب: ٤١ و ٤٢.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١، عُدَّة الداعي: ص ٢٣٣، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢.

۳۰. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به این پرسش که: گرامی ترین بندگان نزد خداوند کیست؟ - آن که بیشتر به یاد خدا باشد و در طاعت او بیشتر بکوشد.

۳۱. الکافی - به نقل از ابن قَدّاح - : امام صادق علیه السلام فرمود: «هر چیزی حدّ و مرزی دارد که در آن جا به پایان می رسد، مگر یاد خدا که آن را حدّ و مرزی پایان پذیر نیست. خداوند تعالی فرایض را واجب گردانید و هر کس آنها را به جای آورد، همان، حدّ آنهاست. ماه رمضان را واجب گردانید و هر کس این ماه را روزه بدارد، همان، حدّ اوست. حج را واجب گردانید و هر کس حج بگذارد، همان، حدّ اوست؛ بجز یاد خدا که خداوند تعالی به اندک از آن رضایت نداده و برایش حدّی که در آن جا پایان پذیرد، قرار نداده است.»

سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید، و بام و شام، او را به پاکی بستانید.»

سپس فرمود: «خداوند تعالی برای ذکر، حدّی پایان پذیر، قرار نداده است. پدرم [امام زین العابدین علیه السلام] بسیار [خدا را] یاد می کرد. من به همراه او می رفتم و او یاد خدا می کرد. با او غذا می خوردم و می دیدم که خدا را یاد می کند. با مردم، سخن (برایشان حدیث) می گفت؛ ولی این کار، او را از یاد خدا باز نمی داشت. من زبانش را می دیدم که پیوسته به کلامش چسبیده و "لا إله إلا الله" می گوید. ما را جمع می کرد و دستور می داد تا طلوع آفتاب، ذکر بگوییم و به هر یک از ما که قرآن خواندن بلد بودیم، می فرمود که قرآن بخوانیم و به آن که قرآن خواندن نمی دانست، دستور می داد ذکر بگوید.»

۳۲. امام صادق علیه السلام: با مردم، به انصاف باش و در دارایی خود، شریکشان گردان و برای ایشان، آن بپسند که برای خود می پسندی، و خدا را فراوان یاد کن و از

تَرْضَى لِنَفْسِكَ، وَاذْكُرِ اللَّهَ كَثِيرًا، وَإِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ. ١.

٣٣. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ ﷻ لِمُوسَى عليه السلام: اجْعَلْ لِسَانَكَ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِكَ تَسْلَمَ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. ٢.

٣٤. الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عليه السلام نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ: يَا مُوسَى... أَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تَغْنَمَ. ٣.

٣٥. إرشاد القلوب: كَانَ مِمَّا نَاجَى بِهِ الْبَارِي تَعَالَى دَاوُودَ عليه السلام: ... يَا دَاوُودُ! إِذَا جَنَّ عَلَيْكَ اللَّيْلُ فَانظُرْ إِلَى ارْتِفَاعِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ، وَسَبِّحْنِي وَأَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِي، حَتَّى أَذْكَرَكَ. ٤.

راجع: ص ٩٨ (خصائص الذكر / أفضل الأعمال)

وص ١١٢ (من يعدّ كثير الذكر).



الكتاب

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا تُسَبِّحُنَا فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾. ٥.

١. الأمل للمفيد: ص ١٨٢ ح ٤، الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٩ ح ٤٣ كلاهما عن عجلان أبي صالح، مشكاة الأنوار: ص ١٤٢ ح ٣٤١ عن علاء بن صالح وليس فيه «وإيّاك والكسل والضجر»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٢٧ ح ٩٩.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١٠، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٣ ح ٢٣.

٣. الكافي: ج ٨ ص ٤٢ ح ٨، تحف العقول: ص ٤٩٣، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٣٥ ح ١٣.

٤. إرشاد القلوب: ص ٨٦.

٥. آل عمران: ١٩٠ و ١٩١.

تنبلی و بی حوصلگی پرهیز.

۳۳. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی به موسی علیه السلام فرمود: «زیانت را در پس دلت قرار ده تا به سلامت مانی، و شب و روز، فراوان از من یاد کن».

۳۴. الکافی - به نقل از علی بن عیسی، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است - : خداوند - تبارک و تعالی - با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او فرمود: «ای موسی! ... شب و روز، مرا بسیار یاد کن تا سود ببری».

۳۵. إرشاد القلوب: از جمله سخنانی که آفریدگار متعال در گفتگوش با داوود علیه السلام فرمود، این بود که: «... ای داوود! چون شب بر تو فرا رسد، به برآمدن ستارگان در آسمان، بنگر و مرا به پاکی بستای و فراوان، مرا یاد کن تا من نیز تو را یاد کنم».

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

ر.ک: ص ۹۹ (ویژگی های یاد خدا / برترین اعمال)

و ص ۱۱۳ (کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می آیند).

۲ / ۱

ترغیب به یاد خدا در همه احوال

قرآن

﴿مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان، نشانه هایی [قانع کننده] است؛ همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آر미ده، یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [که:] «پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده ای. منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ، در امان بدار»﴾.

﴿فَإِذَا قُضِيَتْمُ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ فِيمَا وَفَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِنَّا اطْمَأْنَنُكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنِ الصَّلَاةُ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ جُنُبًا مَوْقُوتًا﴾^١.

الحديث

٣٦. معاني الأخبار عن أبي بصير: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله تعالى: ﴿انكفوا لله حق نكاته﴾^٢، قال: يطاع فلا يعصى، ويذكر فلا ينسى، ويشكر فلا يكفر.^٣

٣٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: سأل موسى عليه السلام ربه... قال: يا رب، أي عبادك أتقى؟ قال: الذي يذكر ولا ينسى.^٤

٣٨. عده الداعي عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أربع لا يصيبهن إلا مؤمن: الصمت؛ وهو أول العبادة، والتواضع لله سبحانه وتعالى، وذكر الله على كل حال، وقلة الشيء - يعني قلة المال -.^٥

٣٩. تاريخ الطبري عن ابن عباس: سأل موسى عليه السلام ربه تعالى فقال: أي رب، أي عبادك أحب إليك؟

قال: الذي يذكرني ولا ينساني.^٦

٤٠. الإمام علي عليه السلام - في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله -: قال الله تعالى: ... يا أحمد،

١. النساء: ١٠٣.

٢. آل عمران: ١٠٢.

٣. معاني الأخبار: ص ٢٤٠ ح ١، الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٧ ح ٣٧، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٩٤ ح ١٢٠، المحاسن: ج ١ ص ٣٢٣ ح ٦٤٨، تحف العقول: ص ٣٦٢، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٩٢ ح ٣١.

٤. صحيح ابن حبان: ج ١٤ ص ١٠١ ح ٦٢١٧ عن أبي هريرة، الدر المنثور: ج ٣ ص ٥٤١ نقلاً عن كتاب العلم عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٩٩ ح ٤٣٥٤٩.

٥. عده الداعي: ص ٢٣٤، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.

٦. تاريخ الطبري: ج ١ ص ٣٧١، الدر المنثور: ج ٥ ص ٤١٩ نقلاً عن ابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم والخطيب وابن عساكر عن ابن عباس؛ بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٢٨١ ح ١ نقلاً عن البيضاوي.

تشویق به یاد کردن از خدا ۴۵

«و چون نماز را به جای آوردید، خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرמידه، یاد کنید. پس چون آسوده خاطر شدید، نماز را [به طور کامل] به پا دارید؛ زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معین، مقرر شده است».

حدیث

۳۶. معانی الأخبار - به نقل از ابو بصیر - از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند تعالی پرسیدم: «از خدا پروا کنید، چنان که حق پروا کردن از اوست».

فرمود: «یعنی این که فرمانش برده شود و نافرمانی نشود، و همواره به یاد باشد و فراموش نشود، و سپاس‌گزاری شود و ناسپاسی نگردد».

۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید... و گفت: ای پروردگارا! پرهیزگارترین بندگانت کیست؟

فرمود: «کسی که به یاد من باشد و فراموشم نکند».

۳۸. عده الداعی: پیامبر خدا فرمود: «چهار چیز است که جز مؤمن، کسی به آنها دست نمی‌یابد: سکوت که آغازین عبادت است؛ فروتنی برای خداوند پاک و بلندمرتبه؛ یاد کردن خدا در همه حال؛ و کم چیز بودن» یعنی دارایی اندک داشتن.

۳۹. تاریخ الطبری - به نقل از ابن عباس -: موسی علیه السلام از پروردگارش تعالی پرسید و گفت: ای پروردگار من! کدام بنده‌ات نزد تو محبوب‌تر است؟
فرمود: «آن که به یاد من باشد و فراموشم نکند».

۴۰. امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله -: خداوند تعالی فرمود: «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین انسان‌ها باشی، پس به دنیا زاهد و به

إن أحببت أن تكونَ أوزعَ الناسِ فازهد في الدنيا وارغب في الآخرة. فقال: إلهي، كيف أزهد في الدنيا؟ فقال: خذ من الدنيا حَفناً مِنَ الطَّعامِ والشَّرابِ واللُّباسِ، ولا تَدخِر لِعَدِي، ودُم على ذكري.

قال الله ﷻ: ... يا أحمدُ، هل تدري أيُّ عيشٍ أهناُ وأيُّ حياةٍ أبقى؟ قال: اللهم لا.

قال: أمَّا العيشُ الهنيئُ فهوَ الَّذي لا يفتُرُ صاحبُه عن ذكري، ولا ينسى نِعمتي، ولا يجهلُ حقِّي، يطلُبُ رضائي ليلُهُ ونهارُهُ.^١

٣١. عنه ﷻ - من وصيته لابنه الحسن ﷺ -: كُن لله ذاكراً على كلِّ حالٍ.^٢

٣٢. عنه ﷻ: عَلَيْكَ بِلُزومِ الخِلالِ، وحُسنِ البِرِّ بِالعيالِ، وذِكْرِ اللهِ في كلِّ حالٍ.^٣

٣٣. عنه ﷻ: المُؤمِنُ دائِمُ الذِّكرِ، كَثِيرُ الفِكرِ، عَلِيُّ النِّعماءِ شاكِرٌ، وفي البلاءِ صابِرٌ.^٤

٣٤. عنه ﷻ: بِدوامِ ذِكْرِ اللهِ تَنجِبُ ٥ القَلْبَ ٦ عنِ الرِّسوى

٣٥. عنه ﷻ: مُداوِمَةُ الذِّكرِ خُلصانُ الأولياءِ ٧. ٨.

١. إرشاد القلوب: ص ١٩٩ و ٢٠٤، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١ و ٢٨ ح ٦.
٢. الأمالي للمفيد: ص ٢٢٢ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٨ ح ٤٨ كلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن ﷻ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٢ ح ٧.
٣. غرر الحكم: ح ٦١٣١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣٤ ح ٥٦٩٣.
٤. غرر الحكم: ح ١٩٣٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٨ ح ١٤٧٩ وفيه «دائم الفكر وكثير الذكر».
٥. انجباب الشهاب عن المدينة: أي انجمع وتقبض بعضه إلى بعض وانكشف عنها (النهاية: ج ١ ص ٣١٠ «جوب»).
٦. غرر الحكم: ح ٤٢٦٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٨ ح ٣٨٦٤.
٧. فلانٌ خُلصي كما تقول خِدني و خُلصاني: أي خالصتي؛ إذا خُلصت موذنتهما، وهم خُلصاني، يستوي فيه الواحد والجماعة (لسان العرب: ج ٧ ص ٢٨ «خلص»).
٨. غرر الحكم: ح ٩٧٥٧.

آخرت، راغب باش.»

پیامبر ﷺ گفت: خداوند! چگونه نسبت به دنیا زاهد باشم؟

فرمود: «از دنیا مُشتی آب و غذا و لباس بردار و برای فردا اندوخته مکن و همواره به یاد من باش.»

خداوند ﷻ فرمود: «... ای احمد! آیا می‌دانی که کدام زندگی، گواراتر و کدام حیات، ماندگارتر است؟»

پیامبر ﷺ گفت: بار خدایا! نه.

فرمود: «زندگی گوارا، آن زندگی‌ای است که صاحبش از یادکردن من، سست نشود و نعمت مرا فراموش نکند و حق مرا نادیده نگیرد و شب و روز، خشنودی مرا بجوید.»

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۴۱. امام علی علیه السلام - از سفارش ایشان به پسرش امام حسن علیه السلام -: در همه حال، به یاد خدا باش.

۴۲. امام علی علیه السلام: بر تو باد چنگ زدن به حلال، خوش رفتاری با خانواده، و یاد خدا در همه حال!

۴۳. امام علی علیه السلام: مؤمن، همواره به یاد خداست، بسیار می‌اندیشد، بر نعمت سپاس‌گزار است و در گرفتاری، شکیباست.

۴۴. امام علی علیه السلام: با مداومت بر یاد خداست که غفلت، زدوده می‌شود.

۴۵. امام علی علیه السلام: مداومت بر یاد خدا، دوست صمیمی اولیاست.

٢٦ . عنه ﷺ - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ - : يَا كَمِيلُ ، إِنَّ ذُنُوبَكَ أَكْثَرُ مِنْ حَسَنَاتِكَ ، وَغَفَلَتَكَ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِكَ ، وَنِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ عَمَلِكَ . يَا كَمِيلُ ، إِنَّكَ لَا تَخْلُو مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعَافِيَتِهِ إِيَّاكَ ، فَلَا تَخُلْ مِنْ تَحْمِيدِهِ ، وَتَمْجِيدِهِ ، وَتَسْبِيحِهِ ، وَتَقْدِيسِهِ ، وَشُكْرِهِ ، وَذِكْرِهِ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ ١ .

٢٧ . عنه ﷺ - مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كَمِيلٍ - : يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً ، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا ، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا .

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي ، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ ، قُوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي ، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي ، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ ، وَالذَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى أُسْرِحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ ، وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ ، وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ٢ .

٢٨ . رسول الله ﷺ : لِيَكُنْ أَحَدُكُمْ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ رَبِّهِ ، فَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ٣ .

٢٩ . مسند ابن حنبل عن عبد الله بن بسر: أتى النبي ﷺ أعرابيان، فقال أحدهما: من خير الرجال يا محمد؟

قال النبي ﷺ: من طال عمره، وحسن عمله.

وقال الآخر: إن شرائع الإسلام قد كثرت علينا، فباب نتمسك به جامع.

١ . تحف العقول: ص ١٧٤ ، بشارة المصطفى: ص ٢٨ عن كميل بن زياد، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧٣ ح ١ .

٢ . مصباح المنهجد: ص ٨٤٩ ، الإقبال: ج ٣ ص ٣٣٦ وفيه «المبادرين» بدل «البارزين» وكلاهما عن كميل .

٣ . إرشاد القلوب: ص ٩٥ .

۴۶. امام علی علیه السلام - از سفارش ایشان به کمیل بن زیاد - : ای کمیل! گناهان تو بیش از کارهای نیک توست، و غفلتت بیش از متذکر بودن، و نعمت‌های خدا به تو بیش از عمل توست. ای کمیل! تو از نعمت‌های خدا و عافیت او برکنار نیستی. پس هیچ گاه از ستایشگویی او و یاد کردنش به بزرگی و پاکی و قداست، و از سپاس‌گزاری‌اش، برکنار مباش و همواره او را یاد کن.

۴۷. امام علی علیه السلام - از دعای ایشان، معروف به «دعای کمیل» - : ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار! به حق تو و به مقام قدست، و به بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت، از تو درخواست می‌کنم که اوقات شب و روز مرا به یاد خودت، آباد گردانی و پیوسته، در خدمت خودت قرارم دهی و اعمالم را به درگاهت بپذیری تا آن که همه اعمال و آورادم یک‌بار شود و تا ابد، در خدمت تو باشم.

سرورم، ای آن که تکیه‌ام به اوست، ای آن که از احوال خویش به او شکوه می‌کنم، ای پروردگار، ای پروردگار! اقدام‌های مرا در خدمت به خودت، نیرومند گردان و دلم را در عقیده، استوار بدار و در ترس از خودت، به من کوشایی بخش و پیوسته مرا در خدمت خویش بدار، تا در میدان‌های مسابقه دهندگان، به سوی تو بدوانم و در میان پیشی‌گیرندگان به کوی تو بشتابم و در میان مشتاقان، شوق نزدیک شدن به تو، جانم را فرا گیرد و چونان نزدیک شدن اخلاص‌مندان، به تو نزدیک شوم و آن سان که اهل یقین از تو می‌ترسند، از تو بترسم و در کنار و پناه تو، با مؤمنان گرد آیم.

۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما باید از یاد پروردگارش تر و تازه باشد. بنا بر این، از غافلان مباش.

۴۹. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن بسر - : دو بادیه‌نشین به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. یکی از آن دو گفت: ای محمد! بهترین مردان، چه مردی است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آن مردی که عمرش دراز و کردارش نیک باشد».

دیگری گفت: احکام اسلام بر ما افزون شده است. دستور العملی بده که جامع باشد و ما به آن، چنگ زنیم.

قال: لا يزال لسانك رطباً من ذكر الله ^١.

٥٠. كنز العمال عن معاذ: آخر كلام فارقت عليه رسول الله ﷺ أن قلت: يا رسول الله، أي العمل خير وأقرب إلى الله؟

قال: أن تمسي وتصبح ولسانك رطب من ذكر الله ^٢.

٥١. الزهد لابن المبارك عن عبد الله بن بسر: قال رجل: يا رسول الله! أي العمل أفضل؟

قال: لا يزال لسانك رطباً من ذكر الله ^٣.

٥٢. رسول الله ﷺ: مررت ليلة أسري بي برجل مغيب في نور العرش؛ فقلت: من هذا ملك؟ قيل: لا، قلت: نبي؟ قيل: لا، قلت: من هو؟

قال: هذا رجل كان في الدنيا لسانه رطباً من ذكر الله، وقلبه معلقاً بالمساجد، ولم يستسب^٤ لوالديه قط ^٥.

٥٣. صحيح ابن حبان عن معاذ بن جبل: سألت رسول الله ﷺ: أي الأعمال أحب إلى الله؟

قال: أن تموت ولسانك رطب من ذكر الله ^٦.

مرآة الجنان في بيان نهج الذكر

١. مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٢١٠ ح ١٧٦٩٦ وص ٢١٤ ح ١٧٧١٤، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥١٩ ح ٦٥٢٦، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٥٨ ح ٣٣٧٥، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٦ ح ٣٧٩٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٢ وليس في الثلاثة الأخيرة صدره، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٧ ح ١٨٤١؛ الأمالي للشجري: ج ١ ص ٢٥٥.

٢. كنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٢ ح ٣٩٢٩ وج ١ ص ٤٤٠ ح ١٩٠٣ وج ٨ ص ٣١٩ ح ٢٣٠٩٩ وفي الأخيرين بزيادة «وإلى رسوله» بعد «إلى الله» وكلها نقلاً عن ابن النجار.

٣. الزهد لابن المبارك: ص ٣٢٨ ح ٩٣٥، التاريخ الكبير: ج ١ ص ٤١٦ ح ١٣٢٨ وليس فيه صدره.

٤. لم يستسب لوالديه: أي لم يعرضهما للسب ويجزئه إليهما؛ بأن يسب أبوي غيره فيسب أبويه مجازة له (أنظر النهاية: ج ٢ ص ٣٣٠ «سب»).

٥. الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٩٢ ح ٩٥ عن أبي المخارق.

٦. صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٠٠ ح ٨١٨، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٩٣ ح ١٨١ وص ١٠٦ ح ٢٠٨ وص ١٠٧ ح ٢١٢، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٦ ح ٢، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٧ ح ٣٩٣٩ نقلاً عن ابن شاهين وابن النجار.

فرمود: «همواره زیانت از یاد خداوند تبارک و تعالی تر و تازه باشد».

۵۰. کنز العقال - به نقل از مُعَاذ - : آخرین سخنی که با آن از پیامبر خدا جدا شدم، این

بود که گفتم: ای پیامبر خدا! کدام عمل، بهتر و نزد خداوند، مقرب تر است؟

فرمود: «این که صبح و شام، زیانت از یاد خداوند تبارک و تعالی تر و تازه باشد».

۵۱. اللزهد، ابن مبارک - به نقل از عبد الله بن بُسر - : مردی گفت: ای پیامبر خدا! کدام

عمل، برتر است؟

فرمود: «این که زیانت، پیوسته از یاد خدا تر و تازه باشد».

۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که مرا به معراج بردند، به مردی برخورددم که در نور عرش،

گم بود. گفتم: این کیست؟ فرشته است؟



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

گفته شد: «نه».

گفتم: پیامبر است؟

گفته شد: «نه».

گفتم: او کیست؟

گفتند: «این، مردی است که در دنیا زیانش از یاد خدا تر و تازه، و دلش

آویخته به مسجدها بود و هرگز برای پدر و مادرش ناسزا نخرید»^۱.

۵۳. صحیح ابن حبان - به نقل از مُعَاذ بن جبَل - : از پیامبر خدا پرسیدم: کدامین اعمال

نزد خدا محبوب تر است؟

فرمود: «این که تا دم مرگ، زیانت از یاد خدا تر و تازه باشد».

۱. یعنی به پدر و مادر دیگران، ناسزا نگفت تا آنها نیز، متقابلاً، به پدر و مادر او ناسزا بگویند یا به این

معناست که با اعمال ناشایست خود، موجب نفرین فرستادن مردم به پدر و مادرش نشد.

٥٢. رسول الله ﷺ: إِنَّ الَّذِينَ لَا تَزَالُ أَسِنَّهُمْ رَطْبَةً مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، يَدْخُلُ أَحَدُهُمُ الْجَنَّةَ وَهُوَ يَضْحَكُ^١.

٥٥. عنه ﷺ: لَا يَنْزِلُ بِأَحَدِكُمْ الْمَوْتُ إِلَّا وَفُوهُ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، لَا يَخْلُونَ قَلْبُ أَحَدِكُمْ أَبَدًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ^٢.

٥٦. الإمام عليّ عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْ تَمُوتَ وَلِسَانُكَ رَطْبٌ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ^٣.

٥٧. عنه ﷺ: لِسَانُ الْبِرِّ مُسْتَهْتَرٌ^٤ بِدَوَامِ الذِّكْرِ^٥.

٥٨. عنه ﷺ - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : مُخُّ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَالْوَرَعُ، وَهُمَا مِنْ أَعْمَالِ الْقُلُوبِ، وَأَحْسَنُ أَعْمَالِ الْجَوَارِحِ إِلَّا تَزَالَ مَالِكًا فَالْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ^٦.

٥٩. عنه ﷺ - فِي الدُّعَاءِ - : اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يُسَبِّحُونَ لَكَ آثَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتَرُونَ^٧.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ لَا يَمَلُونَ ذِكْرَكَ، وَلَا يَسْأَمُونَ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَيُسَبِّحُونَ لَكَ وَلَكَ يَسْجُدُونَ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَذْكُرُونَكَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى

١. مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٩٥ ح ٥٩٠٤ نقلًا عن درر اللاکي عن أبي الدرداء؛ المصنّف لابن أبي شیبة: ج ٧ ص ٧٢ ح ٨ و ج ٨ ص ١٦٨ ح ٨ و ص ٢٣٦ ح ٧، الزهد لابن حنبل: ص ١٦٩ کلها عن أبي الدرداء من دون إسناد إليه ﷺ، کنز العمال: ج ١ ص ٢٢٧ ح ١٨٣٩ و ص ٢٤٠ ح ١٩٠٤.

٢. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٦.

٣. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٤ وراجع جامع الأخبار: ص ١١٦ ح ٢٠٨.

٤. يقال: أهنر فلان بكذا واستهنر فهو مهتر ومستهتر: أي مولع به لا يتحدث بغيره، ولا يفعل غيره (النهاية: ج ٥ ص ٢٤٢ «هنر»).

٥. غرر الحکم: ح ٧٦١٧، عبون الحکم والمواعظ: ص ٤١٩ ح ٧٠٩٩.

٦. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٨.

٧. الفترّة: الانكسار والضعف (لسان العرب: ج ٥ ص ٢٣ «فتر»).

۵۴. پیامبر خدا ﷺ: آنان که زبان‌هایشان پیوسته از یاد خدا تر و تازه باشد، هر یک از ایشان، خندان و وارد بهشت می‌شوند.

۵۵. پیامبر خدا ﷺ: مبادا مرگ به سراغ یکی از شما بیاید، مگر آن که دهانش از یاد خدا تر و تازه باشد!

مبادا دل هر یک از شما از یاد خدا تهی باشد!

۵۶. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان - : برترین اعمال، این است که تا دم مرگ، زبانت به یاد خداوند پاک، تر و تازه باشد.

۵۷. امام علی علیه السلام: زبان نیکوکاران، شیفته مداومت بر یاد خداست.

۵۸. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان - : مغز ایمان، پرهیزگاری و پارسایی است، و این دو از اعمال دل‌اند. بهترین اعمال جوارح، این است که همواره، دهانت را به ذکر خداوند پاک، پُر کنی!

۵۹. امام علی علیه السلام - در دعا - : بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که در اوقات شب و روز، تسبیح تو را می‌گویند و سست نمی‌شوند.

بار خدایا! مرا از آنانی قرار ده که از یاد تو خسته نمی‌شوند و از عبادتت به ستوه نمی‌آیند و پیوسته، تو را تسبیح می‌گویند و سجدهات می‌کنند. بار خدایا!

جَنُوبِهِمْ^١.

٦٠. الزهد لابن المبارك عن عبد الله بن سلام: إِنَّ مُوسَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ قَالَ لِرَبِّهِ ﷻ: يَا رَبُّ! مَا الشُّكْرُ الَّذِي يَتَّبِعِي لَكَ؟

قال: يا موسى! لا يزال لسانك رطباً من ذكري^٢.

٦١. الإمام الباقر ﷻ: إِنَّ أَبْنَاءَ الآخِرَةِ... لا يَمَلُونَ من ذِكْرِ اللهِ^٣.

٦٢. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق ﷻ -: أَفْضَلُ الوَصَايَا وَأَلْزَمُهَا أَنْ لا تَنْسَى رَبَّكَ، وَأَنْ تَذْكُرَهُ دَائِماً، وَلا تَعْصِيَهُ، وَتَعْبُدَهُ قَاعِداً وَقَائِماً، وَلا تَغْتَرَّ بِنِعْمَتِهِ، وَاشْكُرْهُ أَبَداً^٤.

٣ / ١
الحُفَا عَلَى ذِكْرِ اللهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ

٦٣. رسول الله ﷺ: أَذْكَرُ اللهُ حَيْثُما كُنْتَ^٥.

٦٤. عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِمَعَاذِ بْنِ جَبَلٍ -: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللهِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ... وَأَذْكَرُ رَبَّكَ عِنْدَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ^٦.

١. الدرر الواقية: ص ٢٢٩ وص ١٤١ عن الإمام الصادق ﷻ، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٦٩ ح ٤.
٢. الزهد لابن المبارك: ص ٣٣٠ ح ٩٤٢، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٠٤ ح ٤٤٢٨، الدرر المستور: ج ١ ص ٣٧٠ نقلاً عن ابن أبي شيبة وابن أبي الدنيا.
٣. تحف العقول: ص ٢٨٧ عن جابر الجعفي، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ٢.
٤. مصباح الشريعة: ص ٤٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٠٠ ح ٢٧.
٥. كنز العمال: ج ١ ص ٤٤٣ ح ١٩١٣ نقلاً عن الترغيب في الذكر عن أبي ذر.
٦. تحف العقول: ص ٢٦، نزهة الناظر: ص ٣٠ ح ٩٢، إرشاد القلوب: ص ٧٣ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٢٧ ح ١٣٣ وراجع المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ١٥٩ ح ٣٣١ وص ١٧٥ ح ٣٧٤ وشعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٥ ح ٥٤٨ والزهد لهناد: ج ٢ ص ٥٢١ ح ١٠٧٤ وص ٥٣١ ح ١٠٩٢.

مرا از آنانی قرار ده که ایستاده و نشسته و خفته، تو را یاد می‌کنند.

۶۰. الزهد، ابن مبارک - به نقل از عبد الله بن سلام - : موسی - که درودهای خداوند بر او باد - به پروردگارش ﷺ گفت: ای پروردگار من! آن سپاسی که سزاوار توست، چیست؟

فرمود: «ای موسی! این که زیانت، پیوسته به ذکر من، تر و تازه باشد».

۶۱. امام باقر ﷺ: آخرت‌گرایان ... از یاد خدا، خسته و بیزار نمی‌شوند.

۶۲. مصباح الشریعة - در سخنی که به امام صادق ﷺ نسبت داده شده است - : برترین و ضرورترین توصیه‌ها این است که: پروردگارت را فراموش نکنی و همواره به یاد او باشی و نافرمانی‌اش نکنی، و ایستاده و نشسته، او را بندگی نمایی و به نعمتش مغرور نشوی و همواره، سپاس گزارش باشی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

تشویق به یاد خدا در همه جا

۶۳. پیامبر خدا ﷺ: هر جا که هستی، به یاد خدا باش.

۶۴. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به مُعَاذِ بْنِ جَبَل - : سفارش می‌کنم تو را به خداپرورایی، راستگویی، وفای به عهد ... و این که در کنار هر درخت و سنگی به یاد پروردگارت باش.

٦٥ . عنه عليه السلام - لمخنف بن يزيد - : يا مخنف ... أذكر الله عند كل حجرٍ ومدبرٍ^١ ، يشهد لك يوم القيامة^٢ .

٦٦ . عنه عليه السلام : يا أبا بكرٍ ، إذا رأيت الناس يسارعون في الدنيا فعليك بالآخرة ، واذكر الله عند كل حجرٍ ومدبرٍ يدعوك^٣ إذا ذكرته ، ولا تحقرن أحداً من المسلمين ؛ فإن صغير المسلمين عند الله كبير^٤ .

٦٧ . الإمام علي عليه السلام : أذكروا الله في كل مكان فإنه معكم^٥ .

٦٨ . لقمان عليه السلام - لابنه وهو يعظه - : يا بني ، أقل الكلام ، واذكر الله عليه السلام في كل مكان ؛ فإنه قد أنذرك ، وحذرك ، وبصرك ، وعلمك^٦ .



٦٩ . الإمام الباقر عليه السلام : مكتوب في التوراة التي لم تُغير أن موسى عليه السلام سأل ربه فقال : إلهي إنه يأتي عليّ مجالس أعزك وأجلك أن أذكرك فيها!

- ١ . المنذر : قطع الطين اليابس (القاموس المحيط : ج ٢ ص ١٣١ «مدر»).
- ٢ . كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥٣ ح ٤٣٣٩٣ نقلاً عن أبي نعيم عن مخنف بن يزيد ، الفردوس : ج ٥ ص ٤٠٣ ح ٨٥٥٨ عن مخيف بن زيد وفيه «مضر» بدل «مدر».
- ٣ . في كنز العمال : «يذكرك» بدل «يدعوك».
- ٤ . الفردوس : ج ٥ ص ٣٠٢ ح ٨٢٥٦ عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥١ ح ٤٣٣٨٥ نقلاً عن السلمي وج ١٦ ص ٢٢٧ ح ٤٤٢٩٧ .
- ٥ . الخصال : ص ٦١٣ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبياته عليه السلام ، تحف العقول : ص ١٠٣ وليس فيه «فإنه معكم» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٤ ح ١٦ .
- ٦ . الاختصاص : ص ٣٣٦ ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٢٧ ح ٢٢ نقلاً عن النوادر لجعفر بن الحسين وكلاهما عن الأوزاعي .

۶۵. پیامبر خدا ﷺ - به مِخْنَف بن یزید - : ای مِخْنَف! ... نزد هر سنگ و کلوخی خدا را یاد کن تا روز قیامت، به سود تو گواهی دهد.

۶۶. پیامبر خدا ﷺ: ای ابو بکر! هر گاه دیدی مردم در دنیا می‌شتابند، تو به آخرت روی آور و خدا را نزد هر سنگ و کلوخی یاد کن؛ زیرا هر گاه او را یاد کنی، او نیز تو را یاد می‌کند. هرگز هیچ مسلمانی را کوچک مشمار؛ زیرا کوچکِ مسلمانان هم نزد خدا بزرگ است.

۶۷. امام علیؑ: خدا را در هر مکانی یاد کنید؛ زیرا او با شماست.

۶۸. لقمانؑ - در اندرز به پسرش - : پسرم! کم سخن گو و خداوند ﷻ را در همه جا یاد کن، که او به تو هشدار داده و بر خَدَرْت داشته و بینایت نموده و آگاه و دانایت ساخته است.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
یاد خدا در همه حال سیکوست

۶۹. امام باقرؑ: در توراتِ تحریف نشده، نوشته شده است که موسیؑ از پروردگارش پرسید و گفت: معبود من! گاه وضعیتی برایم پیش می‌آید که من، تو را ارجمندتر و گرامی‌تر از آن می‌دانم که در آن وضعیت، تو را یاد کنم!

فَقَالَ: يَا مُوسَى، إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ ١.

٧٠. عنه عليه السلام - لِمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ - : يَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، لَا تَدَعَنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَلَوْ سَمِعْتَ الْمُنَادِيَ يُنَادِي بِالْأَذَانِ وَأَنْتَ عَلَى الْخَلَاءِ، فَادْكُرِ اللَّهَ عليه السلام وَقُلْ كَمَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ ٢.

٧١. الإمام الصادق عليه السلام: لَا بَأْسَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَأَنْتَ تَبُولُ؛ فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عليه السلام حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ، فَلَا تَسْأَمُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ ٣.

٧٢. تهذيب الأحكام عن زرارة ومحقق بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ: الْحَائِضُ وَالْجُنُبُ يَقْرَأَنِ شَيْئًا؟

قَالَ: نَعَمْ، مَا شَاءَ إِلَّا السَّجْدَةَ، وَيَذْكُرَانِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ ٤.

راجع: ص ٤٢ (الحث على ذكر الله في كل حال).



مرکز تحقیقات کلامی ٥/١ هجری

فَضْلُ الذِّكْرِ

الكتاب

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ﴾

١. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٨، عدة الداعي: ص ٢٣٩ كلاهما عن أبي حمزة، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٢٧ ح ٦٨، عوالي اللآلي: ج ٢ ص ١٩٠ ح ٧٨ كلاهما عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام، الدعوات: ص ١٨ ح ٦ والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٤١.
٢. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٨٨ ح ٨٩٢، علل الشرائع: ص ٢٨٤ ح ٢ عن محمد بن مسلم وليس فيه «المؤذن»، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٦ ح ٦.
٣. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٦، عدة الداعي: ص ٢٣٩ كلاهما عن الحلبي، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٩٠ ح ٤٧.
٤. تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٢٧ ح ٦٧، الاستبصار: ج ١ ص ١١٥ ح ٣٨٤، علل الشرائع: ص ٢٨٨ ح ١، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٤٤ ح ٩.

خداوند فرمود: «ای موسی! یاد من، در هر حالی نیکوست».

۷۰. امام باقر علیه السلام - به محمد بن مسلم - : ای محمد بن مسلم! یاد خدا را در هیچ حال واگذار. اگر در آبریزگاه بودی و بانگ اذان مؤذن را شنیدی، خدا را یاد کن و هر چه مؤذن می گوید، تو نیز بازگو.

۷۱. امام صادق علیه السلام: در حال ادرار کردن هم ذکر خدا گفتن عیبی ندارد؛ چرا که یاد خداوند تعالی در هر حالی خوب است. بنا بر این، از ذکر خدا خسته مشو.

۷۲. تهذیب الأحکام - به نقل از زراره و محمد بن مسلم - : به امام [باقر علیه السلام] گفتم: آیا حائض و جنب، می توانند قرآن بخوانند؟

فرمود: «آری؛ هر اندازه خواستند، بجز [آیات] سجده را، و می توانند در هر شرایطی خدا را یاد کنند».



ر.ک: ص ۴۲ (ترغیب به یاد کردن از خدا در همه احوال).

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۵/۱

جایگاه یادکننده خدا

قرآن

«مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان بالیعان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان

٦٠ نهج الذكر / ج ١

وَالصُّدِّقَاتِ وَالصُّبَيْرِينَ وَالصُّبْرَاتِ وَالْخَشِيعِينَ وَالْخَشِيعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ
وَالصُّنَمِينَ وَالصُّنَمَاتِ وَالْحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَفِظَاتِ وَالذُّكْرَيْنِ اللَّهُ كَثِيرًا وَالذُّكْرَاتِ
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^١.

﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾^٢.

الحديث

٧٣. رسول الله ﷺ - لِأَبِي رَزِينٍ - : يَا أَبَا رَزِينِ، إِذَا خَلَوْتَ فَحَرِّكْ لِسَانَكَ بِذِكْرِ اللَّهِ ﷻ،
فَإِنَّكَ لَا تَزَالُ فِي صَلَاةٍ مَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ؛ إِنْ كُنْتَ فِي عَلَانِيَةٍ فَكَصَلَاةِ الْعَلَانِيَةِ، وَإِنْ
كُنْتَ خَالِيًا فَكَصَلَاةِ الْخَلْوَةِ^٣.

٧٤. عنه ﷺ: لَا تَزَالُ مُصَلِّيًا قَائِمًا مَا ذَكَرْتَ اللَّهَ قَائِمًا وَقَاعِدًا، أَوْ فِي سَوْقِكَ، أَوْ فِي
نَادِيكَ^٤، أَوْ حَيْثُ كُنْتَ^٥.

٧٥. الإمام الباقر ﷺ: لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ فِي صَلَاةٍ مَا كَانَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ ﷻ؛ قَائِمًا كَانَ أَوْ
جَالِسًا أَوْ مُضْطَجِعًا، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى
جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا تُسَبِّحُكَ فَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ﴾^٦.

١. الأحزاب: ٣٥.

٢. المعارج: ٢٣.

٣. أسد الغابة: ج ٦ ص ١٠٦، حلية الأولياء: ج ١ ص ٣٦٦ كلاهما عن عبد الرحمن بن عوف.

٤. النادي: المنتدى؛ وهو مجلس القوم ما داموا مجتمعين فيه (المعجم الوسيط: ج ٢ ص ٩١٢ (ندا)).

٥. شعب الإيمان: ج ١ ص ٤١٢ ح ٥٦٩ عن يحيى بن أبي كثير، كنز العمال: ج ١ ص ٤٤٦ ح ١٩٢٧.

٦. آل عمران: ١٩١.

٧. الأمالي للمفيد: ص ٣١٠ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٧٩ ح ١١٦، تفسير العياشي: ج ١ ص ٢١١ ح ١٧٢ وص

٢١٤ ح ١٨٥ كلها عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٤.

و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبیا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان، آمرزشی و پاداشی بزرگ، فراهم ساخته است. ﴿
﴿همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند﴾.

حدیث

۷۳. پیامبر خدا ﷺ - به ابو رزین - : ای ابو رزین! هر گاه خلوت کردی، زبانت را به ذکر خداوند ﷻ بجنبان؛ زیرا تا زمانی که ذکر پروردگارت را بگویی، پیوسته در حال نمازی. اگر در آشکار باشی، مانند نماز آشکار است، و اگر در خلوت باشی، مانند نماز در خلوت است.

۷۴. پیامبر خدا ﷺ: تا زمانی که خدا را یاد کنی، ایستاده باشی یا نشسته، در بازار یا در انجمن و یا هر کجای دیگر که باشی، پیوسته در حال نماز و عبادتی.

۷۵. امام باقر ﷺ: مؤمن، تا زمانی که خدا را یاد کند، ایستاده باشد یا نشسته و یا دراز کشیده، پیوسته در حال نماز است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿آنان که خدا را، ایستاده و نشسته و به پهلو خفته، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، [می‌گویند]: ای پروردگار ما! تو این همه را بیهوده نیافریده‌ای. منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش [دوزخ]، نکه دار﴾.

- ٧٦ . رسول الله ﷺ: قَالَ اللهُ ﷻ: عَبْدِي ، أَنَا عِنْدَ ظَنِّكَ بِي ، وَأَنَا مَعَكَ إِذَا ذَكَرْتَنِي .^١
- ٧٧ . عنه ﷺ: إِنَّ اللهُ ﷻ يَقُولُ: أَنَا مَعَ عَبْدِي إِذَا هُوَ ذَكَرَنِي وَتَحَرَّكَتْ بِي شَفَاتُهُ .^٢
- ٧٨ . عنه ﷺ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى ﷺ سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ: يَا رَبُّ ، أَقْرَبُ أَنْتَ مِنِّي فَأَنَا جِئِكَ ، أَمْ بَعِيدٌ فَأَنَا دِئِكَ ؟
فَأَوْحَى إِلَيْهِ: يَا مُوسَى ، أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذَكَرْنِي .
فَقَالَ مُوسَى: فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ ؟
فَقَالَ: الَّذِينَ يَذْكُرُونِي فَأَذْكُرُهُمْ ، وَيَتَحَابُّونَ فِيَّ فَأَحِبُّهُمْ ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسَوْءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ .^٣
- ٧٩ . عنه ﷺ: إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ ﷺ لَمَّا نَاجَى رَبَّهُ قَالَ: يَا رَبُّ أَبْعِيدُ أَنْتَ مِنِّي فَأَنَا دِئِكَ ، أَمْ قَرِيبٌ فَأَنَا جِئِكَ ؟
فَأَوْحَى اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ: أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذَكَرْنِي .
فَقَالَ مُوسَى ﷺ: يَا رَبُّ إِنِّي أَكُونُ فِي حَالٍ أَجْلُكَ أَنْ أذْكَرَكَ فِيهَا !
فَقَالَ: يَا مُوسَى ، أذْكَرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ .^٤

- ١ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٤ ح ١٨٢٨ عن أنس ، تاریخ بغداد: ج ٢ ص ٢٣ و ج ٧ ص ١٠٩ كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٣٥ ح ٥٨٤٧ و ص ١٣٧ ح ٥٨٥٩ .
- ٢ . سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٦ ح ٣٧٩٢ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٦٤٧ ح ١٠٩٦٨ ، تاریخ دمشق: ج ٧٠ ص ٥٢ كلاهما عن أبي هريرة و ص ٥٣ وفيهما « ما ذكرني » بدل « إذا هو ذكرني » ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٤ كلاهما عن أبي الدرداء ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٨٦٩ .
- ٣ . عذة الداعي: ص ٢٣٥ ، الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٤ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر ﷺ ، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٢ ح ٢٠ .
- ٤ . التوحيد: ص ١٨٢ ح ١٧ ، عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ١ ص ١٢٧ ح ٢٢ كلاهما عن داوود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن أبيه ﷺ ، علل الشرائع: ص ٢٨٤ ح ١ عن أبي بصير عن الإمام الصادق ﷺ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٨ ح ٥٨ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت ﷺ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٥ ح ٦ ؛ حلية الأولياء: ج ٦ ص ٤٢ عن كعب وزاد فيه « قال: وما هي؟ قال: المجنابة والغائط » قبل « فقال: يا موسى اذكرني » .

۷۶. پیامبر خدا ﷺ: خدای ﷻ فرمود: «بنده من! من، آن جایم که توبه من گمان بری، و هر گاه مرا یاد کنی، من با تو هستم».

۷۷. پیامبر خدا ﷺ: خدای ﷻ می فرماید: «من با بنده خویش هستم، هر آن گاه که او مرا یاد کند و لبانش به یاد من بجنبد».

۷۸. پیامبر خدا ﷺ: در تورات تحریف نشده، نوشته شده است که موسی ﷺ از پروردگارش پرسید و گفت: ای پروردگار من! آیا توبه من نزدیکی تا با تو نجوا کنم، یا دوری تا آوازت دهم؟

خداوند به او وحی فرمود: «ای موسی! من، همنشین کسی هستم که مرا یاد کند».

موسی ﷺ گفت: در آن روز که پرده‌ای جز پرده تو نیست، چه کسی در پرده توست؟

فرمود: «آنان که مرا یاد می کنند و من، یادشان می کنم و برای من، یکدیگر را دوست می دارند و من نیز دوستشان می دارم. اینان، کسانی هستند که هر گاه بخواهم به زمینیان گزندی برسانم، به یاد ایشان می رفتم و به خاطر آنان، گزند را از زمینیان می گردانم».

۷۹. پیامبر خدا ﷺ: موسی بن عمران ﷺ آن گاه که با پروردگارش به راز و نیاز پرداخت، گفت: ای پروردگار من! آیا تو از من دوری تا که آوازت دهم، یا نزدیکی تا آهسته بخوانمت؟

خداوند ﷻ به او وحی فرمود: «من، همنشین کسی هستم که مرا یاد کند».

موسی ﷺ گفت: ای پروردگار من! [گاه] در وضعیتی هستم که تو را ارجمندتر از آن می دانم که در آن وضع، یادت کنم!

فرمود: «ای موسی! در هر وضعیتی مرا یاد کن».

٨٠. عنه عليه السلام: قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ، أَقْرَبُ أَنْتَ [فَ] أُنَاجِيكَ، أَمْ بَعِيدُ [فَ] أُنَادِيكَ؟
فَإِنِّي أَحْسُ حِسَّ صَوْتِكَ وَلَا أُرَاكَ! فَأَيْنَ أَنْتَ؟

فَقَالَ اللَّهُ: خَلَقَكَ، وَأَمَامَكَ، وَعَنْ يَمِينِكَ، وَعَنْ شِمَالِكَ. يَا مُوسَى! إِنِّي جَلِيسُ
عَبْدِي حِينَ يَذْكُرُنِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا دَعَانِي.^٢

٨١. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا بَنَ آدَمَ، إِنَّكَ إِذَا مَا ذَكَرْتَنِي شَكَرْتَنِي، وَإِذَا نَسَيْتَنِي
كَفَرْتَنِي.^٣

٨٢. عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ، وَمَنْ كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ.^٤

٨٣. عنه عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُومُ بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ يُرِيدُ الصَّلَاةَ، إِلَّا تَزَخَّرَتْ لَهُ الْأَرْضُ.^٥

٨٤. عنه عليه السلام: مَا مِنْ صَبَاحٍ وَلَا رَوَاحٍ إِلَّا وَيَقَاعُ الْأَرْضِ يُنَادِي بَعْضُهَا بَعْضًا: يَا جَارَةَ،
هَلْ مَرَّ بِكَ الْيَوْمَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى، أَوْ عَبْدٌ وَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَيْكَ سَاجِدًا لِلَّهِ؟ فَمِنْ قَائِلَةٍ:
لَا، وَمِنْ قَائِلَةٍ: نَعَمْ.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

فَإِذَا قَالَتْ: نَعَمْ، إِهْتَزَّتْ وَانْشَرَحَتْ، وَتَرَى أَنَّ لَهَا فَضْلًا عَلَى جَارَتِهَا.^٦

١. ما بين المعقوفين أثبتناه في هذا المورد وفي سابقه من كنز العمال.

٢. الفردوس: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٤٥٢٣ عن ثوبان مولى رسول الله عليه السلام، كنز العمال: ج ١ ص ٢٢٣ ح ١٨٧١.

٣. حلية الأولياء: ج ٤ ص ٣٢٨، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٢٠٠ ح ٧٢٦٥ وفيه «إذا ذكرتني»، تاريخ بغداد:
ج ١٢ ص ١١، الفردوس: ج ٣ ص ١٨١ ح ٤٤٩١ وفيهما «وما نسبتني» وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال:
ج ١ ص ٤٤٤ ح ١٩١٥ وج ٣ ص ٢٥٦ ح ٦٤٢٧.

٤. مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٩٦ ح ٥٩٠٥ نقلًا عن تفسير أبي الفتح الرازي.

٥. مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ١٤٨ ح ٤٠٩٦، تنبيه الغافلين: ص ٥٢٧ ح ٨٦٨ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١
ص ٤٢٣ ح ١٨١٧ نقلًا عن أبي الشيخ في كتاب العظمة.

٦. الرّواح: نقيض الصباح، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (المصباح: ج ١ ص ٣٦٨ روح).

٧. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٣ ح ٢٦٦١، أعلام الدين: ص ١٩٧ كلاهما عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٧

۸۰. پیامبر خدا ﷺ: موسی ﷺ گفت: ای پروردگار من! آیا تو نزدیکی تا آهسته بخوانمت، یا دوری که صدایت بزخم؟ زیرا من، همه صدای تو را می شنوم؛ اما نمی بینمت! پس تو کجایی؟

خداوند فرمود: «پشت سر تو، و پیش روی تو، و در سمت راست و سمت چپ تو. ای موسی! من، آن گاه که بنده ام مرا یاد کند، همنشین اویم و هر گاه مرا بخواند، با او هستم».

۸۱. پیامبر خدا ﷺ: خدای متعال فرمود: «ای پسر آدم! تو هر گاه مرا یاد کنی، سپاسم گفته ای و هر گاه فراموشم کنی، ناسپاسی ام کرده ای».

۸۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که خدا را یاد کند، در واقع، سپاسش گفته است و هر که یادش نکند، در واقع، ناسپاسی اش کرده است.

۸۳. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده ای نیست که در بیابانی از زمین به قصد نماز بایستد، مگر آن که زمین برایش آراسته می شود.

۸۴. پیامبر خدا ﷺ: هیچ صبحگاه و شبانگاهی نیست، مگر آن که قطعات زمین به یکدیگر می گویند: «ای همسایه! آیا امروز، یادکننده خدای متعال بر تو گذشت، یا بنده ای که پیشانی خویش را برای سجده خداوند متعال بر تو بگذارد؟». پس یکی می گوید: «نه» و دیگری می گوید: «چرا».

٨٥. عنه عليه السلام: عَلَامَةُ حُبِّ اللَّهِ حُبُّ ذِكْرِ اللَّهِ، وَعَلَامَةُ بُغْضِ اللَّهِ بُغْضُ ذِكْرِ اللَّهِ. ١.

٨٦. الإمام علي عليه السلام: ذَاكِرُ اللَّهِ - سُبْحَانَهُ - مُجَالِسُهُ. ٢.

٨٧. عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ قُوَّةُ النَّفْسِ، وَمُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ. ٣.

٨٨. عَدَّةُ الدَّاعِي عَنْهُمْ عليهم السلام: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ قِيعَانًا ٤، فَإِذَا أَخَذَ الذَّاكِرُ فِي الذِّكْرِ أَخَذَتِ الْمَلَائِكَةُ

فِي غَرَسِ الْأَشْجَارِ، فَرُبَّمَا وَقَفَ بَعْضُ الْمَلَائِكَةِ، فَيَقَالُ لَهُ: لِمَ وَقَفْتَ؟ فَيَقُولُ: إِنَّ

صَاحِبِي قَدْ فَتَرَ - يَعْنِي عَنِ الذِّكْرِ - ٥.

٨٩. إحياء علوم الدين: فِي أَخْبَارِ دَاوُدَ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: يَا دَاوُدُ، أْبْلِغْ أَهْلَ أَرْضِي

أَتِي حَبِيبٌ لِمَنْ أَحَبَّنِي، وَجَلِيسٌ لِمَنْ جَالَسَنِي، وَمُؤْنِسٌ لِمَنْ أُنْسَ بِذِكْرِي،

وَصَاحِبٌ لِمَنْ صَاحَبَّنِي، وَمُخْتَارٌ لِمَنْ اخْتَارَنِي، وَمُطِيعٌ لِمَنْ أَطَاعَنِي. ٦.

٩٠. شُعْبُ الْإِيمَانِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ النَّاسِ أَعْظَمُ دَرَجَةً؟ قَالَ:

الذَّاكِرِينَ اللَّهَ. ٧.

١. شُعْبُ الْإِيمَانِ: ج ١ ص ٣٦٧ ح ٤١٠، معجم السفر: ص ١٩٣ ح ١٧٦٤ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١

ص ٤١٧ ح ١٧٧٦؛ جامع الأخبار: ص ٣٥٢ ح ٩٧٩، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٥٢ ح ٣٢.

٢. غرر الحكم: ح ٥١٥٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٠.

٣. غرر الحكم: ح ٥١٦٦ وح ٣٢٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦٠٠ وفيهما «الذكر مجالسة

المحبوب».

٤. القاع: أرض واسعة سهلة مطمئنة مستوية خرة، لا حزونة فيها ولا ارتفاع ولا انهباط، والجمع: أقواع

وأقوع وقبعان (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٠٤ قوع ١).

٥. عَدَّةُ الدَّاعِي: ص ٢٣٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٣ ح ٤٢.

٦. إحياء علوم الدين: ج ٢ ص ٤٦٩، مسكن الفؤاد: ص ٢٧، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٦ ح ٢٨.

٧. شُعْبُ الْإِيمَانِ: ج ١ ص ٤١٩ ح ٥٨٩، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٥ وص ٤١٥ ح ١٧٥٩ نحوه.

اگر بگویید: «چرا»، به وجد می آید و شادمان می شود و خود را بر هم کنارش برتر می بیند.

۸۵. پیامبر خدا ﷺ: نشانه دوست داشتن خدا، دوست داشتن یاد خداست، و نشانه بیزاری از خدا، بیزاری از یاد خداست.

۸۶. امام علی ﷺ: یاد کننده خدای سبحان، همنشین اوست.

۸۷. امام علی ﷺ: یاد خدا، خوراک جانها، و همنشینی با محبوب است.

۸۸. عذة الداعی - از معصومان ﷺ: - در بهشت، دشت هایی است که هر گاه یاد کننده [ای خدا] شروع به ذکر گفتن کند، فرشتگان، شروع به کاشتن درخت می کنند. گاه فرشته ای دست از کار می کشد. به او گفته می شود: چرا دست از کار کشیدی؟ می گوید: دوستم باز ایستاد (یعنی از گفتن ذکر خدا).

۸۹. إحياء علوم الدين: در خبرهای داوود ﷺ آمده است: خدای متعال فرمود: «ای داوود! به اهل زمینم برسان که من، دوستدار کسی هستم که دوستم بدارد، و همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند، و مونس کسی هستم که با یاد من، انس گیرد، و یار کسی هستم که یار من باشد، و برگزیننده کسی هستم که مرا برگزیند، و فرمان بردار کسی هستم که از من فرمان ببرد».

۹۰. شعب الإيمان - به نقل از ابو سعید خدری - : گفته شد: ای پیامبر خدا! کدام یک از مردمان، درجه اش بالاتر است؟

٩١ . الإمام علي عليه السلام: ذاكِرُ اللهِ مِنَ الْفَائِزِينَ ١.

٩٢ . عنه عليه السلام: أَهْلُ الذُّكْرِ، أَهْلُ اللهِ وَخَاصَّتُهُ ٢.

٩٣ . إرشاد القلوب: قَالَ سُبْحَانُهُ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ: أَهْلُ ذِكْرِي فِي ضِيَاغَتِي ٣.

٩٤ . الإمام علي عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ -: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ... يَا مُحَمَّدُ!

وَجَبَّتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَعَاطِفِينَ فِيَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِي

لِلْمُتَوَاصِلِينَ فِيَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيَّ ... نَعِيمُهُمْ فِي الدُّنْيَا ذِكْرِي

وَمَحَبَّتِي وَرِضَائِي عَنْهُمْ ٤.

٩٥ . مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله ﷺ: يَقُولُ الرَّبُّ ﷻ: سَيَعْلَمُ أَهْلُ

الْجَمْعِ الْيَوْمَ مَنْ أَهْلُ الْكَرَمِ. فَقِيلَ: وَمَنْ أَهْلُ الْكَرَمِ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: أَهْلُ الذُّكْرِ

فِي الْمَسَاجِدِ ٥.

٩٦ . رسول الله ﷺ: خِيَارُ أُمَّتِي فِيمَا أَنْبَأَنِي الْمَلَأُ الْأَعْلَى: قَوْمٌ يَضْحَكُونَ جَهْرًا فِي سَعَةِ

رَحْمَةِ رَبِّهِمْ ﷻ، وَيَبْكُونَ سِرًّا مِنْ خَوْفِ شِدَّةِ عَذَابِ رَبِّهِمْ ﷻ، يَذْكُرُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ

وَالْعَشِيِّ فِي الْبُيُوتِ الطَّيِّبَةِ الْمَسْجِدِ، وَيَدْعُوهُ بِالْسِتِّهِمْ رَغْبًا وَرَهْبًا ٦.

١ . غرر الحكم: ح ٥١٦٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٢.

٢ . غرر الحكم: ح ١٤٦٧.

٣ . إرشاد القلوب: ص ٨٢، أعلام الدين: ص ٢٧٩، عذة الداعي: ص ٢٣٨ وفيهما «نعمتي» بدل «ضياغتي»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢ ح ١٠.

٤ . إرشاد القلوب: ص ١٩٩، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦.

٥ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥١ ح ١١٧٢٢، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٣٨ ح ١٣٩٩، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٩٨ ح ٨١٦ وفيه «أهل مجالس الذكر في المساجد».

٦ . المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ١٩ ح ٤٢٩٤، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٧٨ ح ٥٧٦٥، لاها من عياض بن سليمان، كنز العمال: ج ١ ص ١٦٢ ح ٨١٥، ج ٢ ص ٢٧ ح ٣٠٠٠.

فرمود: «یادکنندگان خدا».

۹۱. امام علی علیه السلام: یادکننده خدا، از کامیابان است.

۹۲. امام علی علیه السلام: اهل ذکر، اهل خدا و خاصگان اویند.

۹۳. إرشاد القلوب: خداوند سبحان، در یکی از کتاب‌هایش فرموده است: «اهل یاد من، در میهمانی من هستند».

۹۴. امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : خدای متعال فرمود: «... ای

محمد! آنان که برای من یکدیگر را دوست بدارند، مستوجب محبت من هستند.

آنان که برای من به یکدیگر مهر ورزند، مستوجب محبت من هستند. آنان که

برای من با یکدیگر پیوند زنند، مستوجب محبت من هستند. آنان که بر من توکل

کنند، مستوجب محبت من هستند... نعمت و خوشی آنان در دنیا، یاد من و

محبت من و خشنودی من از آنان است».

۹۵. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو سعید خدری - پیامبر خدا فرمود: «[در روز قیامت]

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: "امروز، به زودی اهل محشر خواهند دانست که اهل کرم

کیان‌اند».

گفته شد: اهل کرم کیان‌اند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «آنان که در مسجدها به ذکر خدا می‌پردازند».

۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین امت من، آن گونه که ساکنان عالم بالا به من خبر داده‌اند،

مردمانی هستند که در گستره رحمت پروردگار خویش، آشکارا می‌خندند و

نهانی از ترس عذاب سخت پروردگارشان می‌گیرند. بام و شام، در خانه‌های

پاک، مسجدها، پروردگارشان را یاد می‌کنند، و از سر امید و بیم با زبان‌های

خویش، او را می‌خوانند.

٩٧ . الإمام علي عليه السلام - في وصف المتقين - : فَمِنْ عَلامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ ... يَعْمَلُ الأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلِيُّ وَجَلٍ ، يُمسي وَهَمُّهُ الشُّكْرُ ، وَيُصْبِحُ وَهَمُّهُ الذُّكْرُ

إِنْ كانَ فِي الغَافِلِينَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ ، وَإِنْ كانَ فِي الذَّاكِرِينَ لَمْ يُكْتَبَ مِنَ الغَافِلِينَ ١ .

٩٨ . عنه عليه السلام - في وصف شيعته - : صَفَرُ الوُجُوهِ مِنَ التَّهَجُّدِ ، عُمَشُ ٢ العُيُونِ مِنَ البُكَاءِ ، ذُبُلُ الشِّفاءِ مِنَ الذُّكْرِ ٣ .

٩٩ . عنه عليه السلام : المُؤْمِنُ ... حَيَّ قَلْبُهُ ، ذاكِرٌ لِسانُهُ ٤ .

١٠٠ . عنه عليه السلام - في وصف من هو من شيعته - : يُصْبِحُ وَشُغْلُهُ الذُّكْرُ ، وَيُمسي وَهَمُّهُ الشُّكْرُ ... خاشِعاً قَلْبُهُ ، ذاكِرٌ رَبَّهُ ... يَبِينُ صَبْرُهُ ، كَثيراً ذِكْرُهُ ٥ .

١٠١ . عنه عليه السلام : طَوَّبِي لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلى رَبِّها فَرْضَها ، وَعَرَكَتْ بِجَنبِها بُوْسَها ٦ ، وَهَجَرَتْ فِي اللَّيْلِ عُمُضَها ٧ ... فِي مَعْشَرٍ أَشْهَرَ عُيُونَهُمْ خَوْفَ مَعادِهِمْ ، وَتَجافَتَ عَن مَضاجِعِهِمْ

١ . نهج البلاغة: الخطبة ١٩٣ ، التمجيس: ص ٧٢ ح ١٧٠ ، تحف العقول: ص ١٦١ وليس فيه «وإن كان في الذاكرين ...» ، روضة الواعظين: ص ٤٨١ ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٦ ح ٥٠ ؛ مطالب السؤل: ص ٥٣ وليس فيه «يعمل الأعمال الصالحة وهو على وجل» .

٢ . العَمَشُ : ضعف البصر ، مع سيلان الدمع في أكثر الأوقات (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٨٠ «عمش»).

٣ . الأمالي للطوسي: ص ٥٧٦ ح ١١٨٩ عن نوف بن عبد الله البكالي ، مشكاة الأنوار: ص ١٢٧ ح ٢٩٣ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «إن شيعه علي خمص البطون ، ذبل الشفاء من الذكر» ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٧٧ ح ٣٤ .

٤ . مطالب السؤل: ص ٥٣ ؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٦ ح ٩٢ .

٥ . مطالب السؤل: ص ٥٤ عن نوف البكالي ؛ التمجيس: ص ٧٢ ح ١٧٠ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٩ ح ٩٦ .

٦ . «وَعَرَكَتْ بِجَنبِها بُوْسَها» : أي صبرت على بوسها والمشقة التي تنالها . يقال : قد عَرَكَ فلانٌ بجنبه الأذى : أي أغضى عنه وصبر عليه (شرح نهج البلاغة: ج ١٦ ص ٢٩٥) .

٧ . العَمُضُ : النوم (لسان العرب: ج ٧ ص ١٩٩ «عمض»).

۹۷. امام علی علیه السلام - در توصیف پرهیزگاران - : از جمله نشانه‌های هر یک ایشان، آن است که در دین نیرومندش می‌بینی ... کارهای نیک می‌کند و با این حال، بیمناک است، شب خود را می‌آغازد، در حالی که هم و غمّش سپاس‌گزاری از خداوند است، و صبح خویش را آغاز می‌کند، در حالی که هم و غمّش یاد خداست

اگر در جمع غافلان باشد، از شمار یاد کنندگان [خدا] نوشته شود و اگر در جمع یاد کنندگان باشد، از شمار غافلان، نوشته نمی‌شود [زیرا در هر دو صورت، به یاد خداست].

۹۸. امام علی علیه السلام - در توصیف پیروانش - : از شب زنده‌داری، رخسارشان زرد شده است، از [بسیاری] گریه، چشمانشان کم سو شده است و از یاد خدا، لبانشان خشکیده است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

۹۹. امام علی علیه السلام : مؤمن ... دلش زنده و زیانش گویا به ذکر خداست.

۱۰۰. امام علی علیه السلام - در توصیف کسی که از پیروان اوست - : شب خود را با ذکر [خدا] به صبح می‌رساند و روز خود را در حالی به شب می‌برد که هم و غمّش سپاس‌گزاری است ... دلش خاشع است، پیوسته به یاد پروردگار خویش است ... شکیبایی اش آشکار است، بسیار به یاد خداست.

۱۰۱. امام علی علیه السلام : خوشا به حال آن کس که وظیفه خویش را نسبت به پروردگارش به جای آورد و در برابر سختی‌ها، شکیبایی ورزید و شب‌هنگام، از خواب دوری کرد ... در میان گروهی که ترس از معاد، خواب را از چشمان آنان رُبوده است و از بسترهایشان، پهلو تهی دارند، و لب‌هایشان به یاد پروردگارشان زمزمه می‌کند

جُنُوبُهُمْ، وَهَمَمَتْ بِذِكْرِ رَبِّهِمْ شِفَاهُهُمْ، وَتَقَشَّعَتْ^١ بِطُولِ اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبُهُمْ،
«أَوْلَيْكَ حِزْبُ اللَّهِ إِلَّا إِنْ حِزَبَ اللَّهُ هُمْ الْمَفْلِحُونَ»^٢.

١٠٢. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَبْنَاءَ الْآخِرَةِ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ، الْعَامِلُونَ، الزَّاهِدُونَ، أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْفِقْهِ،
وَأَهْلُ فِكْرَةٍ وَاعْتِبَارٍ وَاخْتِبَارٍ، لَا يَمَلُّونَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.^٣

١٠٣. عنه عليه السلام: الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ، وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ، وَكَأَنَّ
الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الْفُقَهَاءُ؛ أَهْلُ فِكْرَةٍ وَعِبرَةٍ، لَمْ يُصَمِّهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ مَا سَمِعُوا
بِأَذَانِهِمْ، وَلَمْ يُعَمِّهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا رَأَوْا مِنَ الزَّيْنَةِ بِأَعْيُنِهِمْ، فَفَازُوا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ،
كَمَا فَازُوا بِذَلِكَ الْعِلْمِ.^٥

١٠٤. الإمام علي عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ - عِبَادَ اللَّهِ - تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ، وَأَنْصَبَ^٦ الخَوْفُ
بَدَنَهُ، وَأَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ^٧، وَأَظْلَمَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ^٨ يَوْمِهِ، وَظَلَفَ الزُّهْدُ
شَهَوَاتِهِ^٩، وَأَوْجَفَ^{١٠} الذِّكْرُ بِلِسَانِهِ^{١١}.

مركز تحقيقات كويتية علوم دينية

١. انقشع السحاب: إذا انكشف. وتقشع مثله (المصباح المنير: ص ٥٠٣ «انقشع»). أي تفرقت عنهم ذنوبهم
وزالت وانكشفت كما يتقشع السحاب.

٢. المجادلة: ٢٢.

٣. نهج البلاغة: الكتاب ٤٥، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٢٧٦ ح ٦٨٦.

٤. تحف العقول: ص ٢٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ٢.

٥. الكافي: ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦ عن جابر، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧؛ البداية والنهاية: ج ٩ ص ٣١٠ عن
جابر نحوه.

٦. النصب: التعب (النهاية: ج ٥ ص ٦٢ «نصب»).

٧. غرار النوم: قلته (النهاية: ج ٣ ص ٣٥٦ «غرر»).

٨. هواجر: جمع هاجرة؛ وهي اشتداد الحر نصف النهار (النهاية: ج ٥ ص ٢٤٦ «هجر»).

٩. ظلف الزهد شهواته: أي كفها ومنعها (النهاية: ج ٣ ص ١٥٩ «ظلف»).

١٠. أوجف الذكر بلسانه: أي حرّكه مسرعاً (النهاية: ج ٥ ص ١٥٧ «وجف»).

١١. نهج البلاغة: الخطبة ٨٣، غرر الحكم: ح ٦٦٠٠ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢٦ ح ٤٤.

و با آمرزش خواهی های طولانی، گناهانشان زدوده شده است. «اینان، حزب خدا هستند، و راستی که حزب خدا رستگارند».

۱۰۲. امام باقر^{علیه السلام}: فرزندان آخرت، آنان اند که ایمان دارند و عمل می کنند و به دنیا، دل نبسته اند و اهل دانش و فهم، و اهل اندیشیدن و عبرت گرفتن و آزمودن هستند، و از یاد خدا خسته نمی شوند.

۱۰۳. امام باقر^{علیه السلام}: آخرت، سرای ماندن است و دنیا، سرای نابودی و رفتن. اما اهل دنیا غافل اند و گویا تنها مؤمنان اند که می فهمند و اهل اندیشیدن و پند آموختن اند. آنچه با گوش هایشان شنیده اند، آنان را از یاد خداوند^{تعالی}، گرسناخته است، و هر زرق و برقی که چشمانشان دیده، از یاد خدا کورشان نگردانیده است. از این رو، به پاداش آخرت رسیده اند، چنان که به این دانش رسیده اند.

۱۰۴. امام علی^{علیه السلام}: بندگان خدا از خدا پروا دارید، به سان پروا داشتن خردمندی که اندیشیدن، دل او را به خود داشته است و ترس [از خدا و معاد] پیکرش را به رنج افکنده است و شب زنده داری، خواب از چشم او زبوده است و به امید [ثواب]، روزهای داغ را به تشنگی [روزه] گذرانیده است و بی رغبتی به دنیا، جلو خواهش های او را گرفته است و یاد خدا، پیوسته زبانش را به حرکت در آورده است.

١٠٥ . الإمام زين العابدين عليه السلام: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام: يَا رَبِّ، مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ تُظِلُّهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ؟

قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: الطَّاهِرَةُ قُلُوبُهُمْ، وَالتَّوْبَةُ أَيْدِيهِمْ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ جَلَالِي إِذَا ذَكَرُوا رَبَّهُمْ.^٢

١٠٦ . الإمام علي عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ صَمَتَ إِلَّا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.^٣

١٠٧ . الإمام الصادق عليه السلام - مِنْ دُعَاءِ عَلَمَةَ أَبِي بَصِيرٍ - : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَعَمَلَهُمْ ... وَعَمَلَ الذَّاكِرِينَ وَيَقِينَهُمْ.^٤

١٠٨ . مستدرک الوسائل عن لبّ اللباب: قَالَ مُوسَى عليه السلام: إِلَهِي مَنْ أَهْلَكَ؟ قَالَ: الْمُتَحَابُّونَ فِي الدِّينِ؛ يَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي، وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، الَّذِينَ إِذَا ذُكِرْتُ ذَكَرُوا، وَالَّذِينَ يُنْيِبُونَ^٥ إِلَى ذِكْرِي كَمَا تُنْيِبُ السُّورُ إِلَى أَوْكَارِهَا، وَالَّذِينَ إِذَا اسْتُجِلَّتْ مَحَارِمِي غَضِبُوا.^٦

راجع: ص ٢٦٠ (بركات النكر / نزول العلائكة).

- ١ . تَرِبَ الرَّجُلُ: إِذَا افْتَقَرَ، أَيْ لَصِقَ بِالتُّرَابِ (النهاية: ج ١ ص ١٨٤ «ترب»).
- ٢ . المحاسن: ج ١ ص ٧٩ ح ٤٥ عن عبد الله بن ميمون القداح، مشكاة الأنوار: ص ٢٥٣ ح ٧٢٨ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٥١ ح ٢٢؛ الزهد لابن حنبل: ص ٩٥، الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٥٣ ح ٥٣٧ كلاهما عن عطاء بن يسار نحوه.
- ٣ . غرر الحكم: ح ٥٩٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٣ ح ٥٤٧٥.
- ٤ . الكافي: ج ٢ ص ٥٩٣ ح ١٣ عن أبي بصير، مصباح المتهجد: ص ٢٧٨ ح ٢٨٣، بحار الأنوار: ج ١٩ ص ٣٠٣ ح ١٠.
- ٥ . أناب يُنْيِبُ إِنْابَةً: أَقْبَلَ وَرَجَعَ (النهاية: ج ٥ ص ١٢٣ «نوب»).
- ٦ . مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٢٢٤ ح ١٣٩٤٥ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

۱۰۵. امام زین العابدین علیه السلام: موسی بن عمران گفت: ای پروردگار من! خانواده تو که در آن روزی که سایه‌ای جز سایه تو نیست، آنان را در سایه عرشت در می‌آوری، کیستند؟

خداوند به او وحی فرمود: «پاک‌دلانِ تهی دست؛ آنان که هر گاه پروردگار خویش را یاد کنند، به یاد شکوه من می‌افتند».

۱۰۶. امام علی علیه السلام: خوشا آن که زبانش را جز از یاد خدا فرو بندد!

۱۰۷. امام صادق علیه السلام - از دعایی که به ابو بصیر آموخت - : بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم گفتار و کردار توبه‌کنندگان را... و کردار و یقین یادکنندگان را.

۱۰۸. مستدرک الوسائل - به نقل از لبّ اللباب - : موسی علیه السلام گفت: معبودا! خانواده تو چه کسانی هستند؟

فرمود: «آنان که در دین با یکدیگر دوستی می‌ورزند، مسجدهای مرا از وجود و ذکر خود] آباد می‌کنند و سحرگاهان، آمرزش می‌طلبند؛ آنان که هر گاه یاد من به میان آید، یاد کنند و آنان که به یاد من باز آیند، چنان که عقاب‌ها به لانه‌هایشان باز می‌گردند. آنان که هر گاه حرام‌های من روا شمرده شود، به خشم می‌آیند».

٦/١

رجال الذكر

الكتاب

﴿فِي بُيُوتِ أَنْبَاءِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لِأَتْلِهِمْ
تَجَزَّةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ
وَالْأَبْصَارُ﴾^١

الحديث

١٠٩ . حلية الأولياء عن عقبة بن عامر: كُنَّا نَتَنَاوَبُ الرَّعِيَّةَ، فَلَمَّا كَانَ تَوْبَتِي سَرَحْتُ^٢ إِسْلِي
فَجِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يَخْطُبُ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: يُجْمَعُ النَّاسُ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ،
يَنْفَذُهُمُ^٣ الْبَصْرُ وَيُسَمِعُهُمُ الدَّاعِي، ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ: سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ لِمَنِ الْعِزُّ
وَالكِرْمُ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - .

ثُمَّ يَقُولُ: أَيْنَ الَّذِينَ كَانَتْ ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا
وَطَمَعًا﴾^٤ الْآيَةَ. ثُمَّ يُنَادِي: سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ لِمَنِ الْعِزُّ وَالكِرْمُ.

ثُمَّ يَقُولُ: أَيْنَ الَّذِينَ كَانَتْ ﴿لَأَتْلِهِمْ تَجَزَّةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - .

ثُمَّ يَقُولُ: أَيْنَ الْحَمَّادُونَ الَّذِينَ كَانُوا يَحْمَدُونَ اللَّهَ؟^٥

١ . النور: ٣٦ و ٣٧ .

٢ . سَرَحْتُ الْمَاشِيَةَ: أَخْرَجْتُهَا بِالْغَدَاةِ إِلَى الْمَرْعَى (لسان العرب: ج ٢ ص ٢٧٨ شرح).

٣ . يُقَالُ: نَفَذَ فِي بَصَرِهِ: إِذَا بَلَغَنِي وَجَاوَزَنِي (النهاية: ج ٥ ص ٩١ «نفذ»).

٤ . السجدة: ١٦ .

٥ . حلية الأولياء: ج ٢ ص ٩، مسند إسحاق بن راهويه: ج ٥ ص ١٨٠ ح ٢٣٠٥، المنتخب من مسند عبد بن

حميد: ص ٢٥٧ ح ١٥٨١ كلاهما عن أسماء بنت يزيد نحوه، كثر العمل: ج ١٥ ص ٨٥٢ ح ٢٣٣٩١

و ٢٣٣٩٢ .

۶/۱ مردان یاد خدا

قرآن

﴿در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که رفعت یابند و نامش در آنها یاد شود. در آنها، هر بامداد و شامگاه، مردانی او را نیایش می‌کنند که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، باز نمی‌دارد [و] از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌هراسند﴾.

حدیث

۱۰۹. حلیة الأولیاء - به نقل از عقبه بن عامر -: ما به نوبت، شبانی می‌کردیم و چون نوبت من شد، شترانم را در چراگاه رها ساختم و نزد پیامبر خدا که خطبه می‌خواند، آمدم. شنیدم که می‌فرماید: «[در روز رستاخیز،] مردم در بیابانی چنان هموار، گرد می‌آیند که چشم، همه آنها را می‌بیند و صدای جارزننده، به همه آنها می‌رسد. سپس جارزننده‌ای سه بار جار می‌زند که: "به زودی، اهل محشر خواهند دانست که عزت و بزرگواری، از آن کیست!"

سپس می‌گوید: "کجایند آنان که پهلوهایشان را از بسترهایشان جدا می‌کنند و با بیم و امید، پروردگارشان را می‌خوانند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم، انفاق می‌کنند؟"

آن گاه بانگ می‌زند که: "به زودی، اهل محشر خواهند دانست که عزت و بزرگواری، از آن کیست!"

سپس سه بار می‌گوید: "کجایند آنان که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد؟"

آن گاه می‌گوید: "کجایند ستاینده‌گانی که خدا را می‌ستودند؟"

١١٠. الإمام علي عليه السلام - من كلام قاله عند تلاوته: «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» - : إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ^١، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ^٢، وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ. وَمَا بَرِحَ اللَّهُ - عَزَّتْ آوَاهُ - فِي الثَّرَهَةِ بَعْدَ الثَّرَهَةِ، وَفِي أَرْزَاقِ الْفَتَرَاتِ^٣، عِبَادٌ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ، وَكَلَّمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ، فَاسْتَصَبَحُوا بِنُورٍ يَقْظَةُ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْئِدَةِ، يُذَكِّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ، وَيُخَوِّفُونَ مَقَامَهُ، بِمَنْزِلَةِ الْأَدِلَّةِ فِي الْفَلَوَاتِ^٤، مَنْ أَخَذَ الْقَصْدَ^٥ حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ، وَبَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ، وَمَنْ أَخَذَ يَمِينًا وَشِمَالًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ، وَحَذَّرُوهُ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَكَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ، وَأَدِلَّةَ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ.

وَإِنَّ لِلذِّكْرِ لِأَهْلًا، أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ، يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَيَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَيَأْتِمِرُونَ بِهِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ، فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا، فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ، فَكَأَنَّمَا أَطَّلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرَزِخِ فِي طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ، وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا، فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا، حَتَّى كَأَنَّهُمْ يَرُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ، وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ.

١. الوقرة: هي المرة من الوقر؛ يُقْل السمع (النهاية: ج ٥ ص ٢١٣ «وقرة»).

٢. العشوة: المرة من العشاء؛ أي سوء البصر بالليل والنهار، أو العمى (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٦٢ «عشاء»).

٣. الفتره: ما بين الرسولين من رسل الله تعالى من الزمان الذي انقطعت فيه الرسالة (النهاية: ج ٣ ص ٤٠٨ «فتره»).

٤. الغلاة: القفر أو المفازة لا ماء فيها، أو الصحراء الواسعة (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٧٥ «غلاة»).

٥. القصد: الرشد. قصد في الأمر قصدًا: توسط وطلب الأشد، ولم يُجاوز الحد (المصباح المنير: ص ٥٠٥ «قصد»).

۱۱۰. امام علی علیه السلام - از سخن ایشان در هنگام تلاوت این آیه: ﴿و در آنها، هر بامداد و شامگاه، مردانی نیایش می‌کنند که نه تجارتي و نه داد و ستدي، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد﴾ :- خداوند پاک و والا، یاد [خود] را جلا دهنده دل‌ها قرار داد، به طوری که به سبب آن، دل‌های ناشنوا، شنوا، و دل‌های نابینا، بینا، و دل‌های سرکش، رام می‌شوند. خداوند - که نعمت‌هایش گران‌سنگ است - در هر برهه‌ای و در هر دوره‌ای، همواره بندگانی داشته که با آنان، در ژرفای اندیشه‌شان نجوا کرده، و در اندرون خرد‌هایشان، با ایشان سخن گفته است و در نتیجه، نور بیداری، در چشم و گوش و دل‌های آنان، فروزان گشته بوده است. [آنان] روزهای خدا را [به مردم] یادآور می‌شدند و از مقام او می‌ترسانیدند، چونان راه‌نمایان در بیابان‌ها که هر کس راه راست را در پیش می‌گرفت، راهش را می‌ستودند و نوید رهایی و نجاتش می‌دادند، و هر که را به راست و چپ می‌رفت، راهش را می‌نکوهیدند و از ناپودی بر حذرش می‌داشتند. آری. این چنین، چراغ‌هایی در آن تاریکی‌ها و راه‌نمایانی در آن شبهات بودند.

یاد خدا، اهلی دارد که آن را به جای این دنیا گرفته‌اند و از این رو، نه تجارتي و نه خرید و فروشی، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد. [آنان] روزهای زندگی را با یاد خدا می‌گذرانند و عوامل باز دارنده از حرام‌های خدا را در گوش بی‌خبران، فریاد می‌زنند و به دادگری فرمان می‌دهند و خود به این فرمان، عمل می‌کنند، و از زشتی‌ها باز می‌دارند و خود، از آنها باز می‌ایستند. پس، با آن که در دنیا به سر می‌برند، گویا دنیا را در نور دیده و به آخرت رسیده‌اند و فراسوی دنیا را مشاهده کرده‌اند، و گویا بر احوال نهان برزخیان - که روزگار درازی است در آن به سر می‌برند - پی برده‌اند، و [گویا] قیامت، وعده‌های خویش را برای ایشان، تحقق بخشیده است. پس، پرده آن را برای اهل دنیا کنار زده‌اند، تا جایی که گویا چیزهایی را می‌بینند که مردم نمی‌بینند و چیزهایی را می‌شنوند که مردم نمی‌شنوند.

فَلَوْ مَثَلَتْهُمْ لِعَقْلِكَ - فِي مَقَاوِمِهِمْ^١ الْمَحْمُودَةِ، وَمَجَالِسِهِمُ الْمَشْهُودَةِ، وَقَدْ نَشَرُوا دَوَابِنَ أَعْمَالِهِمْ، وَفَرَّغُوا لِمُحَاسَبَةِ أَنْفُسِهِمْ عَلَى كُلِّ صَغِيرَةٍ وَكَبِيرَةٍ أَمَرُوا بِهَا فَقَصَّرُوا عَنْهَا، أَوْ نُهُوا عَنْهَا فَفَرَّطُوا فِيهَا، وَحَمَلُوا ثِقَلَ أَوْزَارِهِمْ ظُهُورَهُمْ، فَضَعُفُوا عَنِ الْإِسْتِقْلَالِ بِهَا، فَشَجَّوْا^٢ نَشِيجًا، وَتَجَاوَبُوا نَحِييًّا، يَعْجُونَ إِلَى رَبِّهِمْ مِنْ مَقَامِ نَدَمٍ وَاعْتِرَافٍ - لَرَأَيْتَ أَعْلَامَ هُدًى، وَمَصَابِيحَ دُجَى، قَدْ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَفُتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَأُعِدَّتْ لَهُمْ مَقَاعِدُ الْكِرَامَاتِ، فِي مَقْعِدِ اطَّلَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِيهِ، فَرَضِيَ سَعِيَّهُمْ، وَحَمِدَ مَقَامَهُمْ. يَتَنَسَّمُونَ^٣ بِدُعَائِهِ رُوحَ^٤ التَّجَاوُزِ. رَهَائِنُ فَاقَةٍ إِلَى فَضْلِهِ، وَأَسَارَى ذِلَّةٍ لِعَظَمَتِهِ. جَرَحَ طَوْلُ الْأَسَى قُلُوبَهُمْ، وَطَوْلُ الْبُكَاءِ عُيُونَهُمْ. لِكُلِّ بَابٍ رَغْبَةٌ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ يَدُّ قَارِعَةٍ، يَسْأَلُونَ مَنْ لَا تَضِيقُ لَدَيْهِ الْمَنَادِحُ^٥، وَلَا يَخِيبُ عَلَيْهِ الرَّاعِبُونَ.

فَحَاسِبِ نَفْسِكَ لِنَفْسِكَ، فَإِنَّ غَيْرَهَا مِنَ الْأَنْفُسِ لَهَا حَاسِبٌ غَيْرُكَ.^٦

١١١ . الإمام الصادق عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿رِجَالٌ لَأَتْلِهِمْ تَجَنُّزَةٌ وَلَا يَنْبَغُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ - :

هُمُ الرِّجَالُ مِنْ بَيْنِ الرِّجَالِ عَلَى الْحَقِيقَةِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ حَفِظَ سَرَائِرَهُمْ عَنِ الرُّجُوعِ إِلَى غَيْرِهِ، فَلَا تَشْغَلُهُمُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا، وَلَا الْآخِرَةُ وَنَعِيمُهَا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى، لِأَنََّّهُمْ

١ . جمع مقام (بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٢٨).

٢ . نشج الباكي ينشج نشيجاً: غص بالبكاء في حلقه من غير انتحاب (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٠٩ «نشج»).

٣ . النَّسَمُ: نَفْسُ الرِّيحِ إِذَا كَانَ ضَعِيفًا كَالنَّسِيمِ. وَتَنَسَّمَ: تَنَفَّسَ. وَتَنَسَّمَ النَّسِيمُ: تَشَمَّهُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ١٨٠ «نسم»).

٤ . الرُّوحُ: الرَّاحَةُ وَالرَّحْمَةُ وَنَسِيمُ الرِّيحِ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٢٤ «روح»). أَي يَدْعُونَ وَيَتَوَقَّعُونَ بِدُعَائِهِ تَجَاوُزَهُ عَنِ ذُنُوبِهِمْ (بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٢٩).

٥ . النَّدْحُ: الْأَرْضُ الْوَاسِعَةُ، وَالْمَنَادِحُ: الْمَفَاوِزُ (الصَّحاح: ج ١ ص ٤٠٩ «ندح»).

٦ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٢، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٢٥ ح ٣٩.

اگر آنان را در ذهن خود، مجسم نمایی - که با وجود آن مقام‌های پسندیده و جایگاه‌های شکوهمندشان، کارنامه‌های خویش را گشوده‌اند و به حساب اعمال خود، رسیدگی می‌کنند، از هر عمل خُرد و کلانی که می‌بایست انجام می‌دادند و نداده‌اند، یا از انجام دادن آنها نهی شده‌اند، ولی آنها را به جا آورده‌اند، و بارِ گناهان خویش بر پشت می‌کشند و از حمل آنها ناتوان‌اند، و هِیْ هِیْ کَنان، می‌گیرند و زارزنان، هم‌نوایی می‌کنند و از سر پشیمانی و اعتراف [به گناهان]، به درگاه پروردگارشان فریاد کمک‌خواهی سر می‌دهند، آنان را نشانه‌های راهیابی و چراغ‌های تاریکی‌ها خواهی یافت که فرشتگان، آنان را در میان گرفته‌اند و آرامش بر ایشان فرود آمده است و درهای آسمان، به رویشان گشوده شده و کرسی‌های کرامت‌ها - در جایی که خداوند از آن جا بر ایشان اشراف دارد - آماده شده است و [خداوند] از تلاش آنان خرسند است و مقام ایشان را ستوده است.

[آنان] با نیایش به درگاهش نسیم عفو و بخشش را استشمام می‌کنند، گروگانِ نیازمندی به فضل اویند، و در برابر عظمتش اسیرانی ذلیل‌اند. درازی اندوه، دل‌هایشان را ریش ساخته و گریه‌های طولانی، چشمانشان را خسته کرده است. به هر دری به درگاه خداوند، دست نیاز و زاری می‌کوبند و از او که عرصه‌های فراخ بخشایشش، تنگی ندارد و هیچ خواهنده‌ای از درگاهش نومید باز نمی‌گردد، درخواست می‌کنند.

پس، تو خود به حساب خویش رسیدگی کن، که دیگران، خود حسابرسی دارند.

۱۱۱. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خداوند متعال: «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد» - : اینان، در میان دیگر مردان، مردان راستین‌اند؛ زیرا خداوند، درون‌های آنان را از پرداختن به غیر خود، نگه داشته است. از این رو، نه دنیا و زرق و برق آن، و نه آخرت و نعمت‌های آن، آنان را از

في بساتين الأنس. ١.

١١٢. تنبيه الخواطر: جاء في تفسير قوله تعالى: ﴿لَا تُلْهِبِهِمْ تِجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ أَنَّهُمْ كَانُوا حَدَادِينَ وَخَرَازِينَ، فَكَانَ أَحَدُهُمْ إِذَا رَفَعَ الْمِطْرَقَةَ أَوْ غَرَزَ الْإِسْفِيَّ^٢ فَيَسْمَعُ الْأَذَانَ، لَمْ يُخْرِجِ الْإِسْفِيَّ مِنَ الْمَغْرَزِ، وَلَمْ يَضْرِبِ بِالْمِطْرَقَةِ وَرَمَى بِهَا، وَقَامَ إِلَى الصَّلَاةِ.^٣

١١٣. الكافي عن الحسين بن بشار عن رجل رفعه - في قول الله ﷻ: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِبُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ﷻ﴾، إِذَا دَخَلَ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ أَدَّوْا إِلَى اللَّهِ حَقَّهُ فِيهَا.^٤

١١٤. الكافي عن أسباط بن سالم: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷻ، فَسَأَلْنَا عَنْ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمٍ مَا فَعَلَ؟ فَقُلْتُ: صَالِحٌ، وَلَكِنَّهُ قَدْ تَرَكَ التَّجَارَةَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷻ: عَمَلُ الشَّيْطَانِ - ثَلَاثًا - أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اشْتَرَى عِيرًا أَتَتْ مِنَ الشَّامِ فَاسْتَفْضَلَ فِيهَا مَا قَضَى دِينَهُ، وَقَسَمَ فِي قَرَابَتِهِ؟! يَقُولُ اللَّهُ ﷻ: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِبُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ - إِلَى آخِرِ الْآيَةِ - يَقُولُ الْقُصَّاصُ: إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَكُونُوا يَتَّجِرُونَ، كَذَبُوا! وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَدْعُونَ الصَّلَاةَ فِي مِيقَاتِهَا، وَهُوَ أَفْضَلُ مِمَّنْ حَضَرَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يَتَّجِرْ.^٥

١١٥. رسول الله ﷺ: قَالَ اللَّهُ ﷻ: إِنَّ أَوْلِيَانِي مِنَ عِبَادِي وَأَحِبَّائِي مِنَ خَلْقِي الَّذِينَ يُذَكِّرُونَ

١. إحقاق الحق: ج ١٢ ص ٢٧٣ نقلاً عن نزهة المجالس.
٢. الإسفي: المنيقب (لسان العرب: ج ١٤ ص ٤٢٨ شفهي).
٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٤٣.
٤. الكافي: ج ٥ ص ١٥٤ ح ٢١، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ٤.
٥. الكافي: ج ٥ ص ٧٥ ح ٨، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٦ ح ٨٩٧.

یاد خداوند بزرگ، باز نمی‌دارد؛ چرا که در بوستان‌های آنس به سر می‌برند.

۱۱۲. **تغیبه الخواطر:** در تفسیر این سخن خداوند متعال: «نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد»، آمده است که: اینان، آهنگر و چرمدوز بودند و هر یک از ایشان، اگر پتک را بالا برده و یا درفش را در چرم فرو برده بود و صدای اذان را می‌شنید، درفش را بیرون نمی‌کشید و پتک را فرود نمی‌آورد و آن را به کناری می‌انداخت و به نماز می‌ایستاد.

۱۱۳. **الکافی** - به نقل از حسین بن بشّار، از مردی که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم‌السلام رسانده است، در باره این سخن خداوند جل و علا: «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد» - : آنان، بازرگانانی هستند که تجارت و داد و ستد، از یاد خدا بازشان نمی‌دارد. هر گاه وقت نماز شود، به گزاردن حقّ خدا (نماز) می‌پردازند.

۱۱۴. **الکافی** - به نقل از اسباط بن سالم - : خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدیم. پرسید: «از عمر بن مسلم، چه خبر؟».

گفتم: خوب است؛ اما تجارت را رها کرده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «کار شیطان است! (سه بار). مگر نمی‌داند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم [کالای] کاروانی را که از شام آمده بود، خرید و در آن، چندان سود کرد که قرضش را پرداخت و [باقی مانده‌اش را] در میان خویشاوندانش تقسیم کرد؟ خداوند جل و علا می‌فرماید: «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، باز نمی‌دارد [و] از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌هراسند».

ناقلان می‌گویند: این مردان، تجارت نمی‌کرده‌اند. دروغ می‌گویند! [اینان داد و ستد و تجارت می‌کرده‌اند!] اما نماز در وقت را رها نمی‌کرده‌اند و چنین کسی، بهتر از کسی است که تجارت نمی‌کند و در نماز، حاضر می‌شود.

۱۱۵. **پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:** خداوند جل و علا فرموده است: «اولیای من از بندگانم و دوستان من از

بِذِكْرِي، وَأَذْكَرُ بِذِكْرِهِمْ^١.

١١٦ . الإمام الحسين عليه السلام: سَأَلْتُ أَبِي عَنِ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يَجْلِسُ وَلَا يَقُومُ إِلَّا عَلَى ذِكْرِي^٢.

١١٧ . مستدرك الوسائل عن أبي سعيد الخدري: لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾^٣ اشْتَقَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى، حَتَّى قَالَ الْكُفَّارُ: إِنَّهُ جُنٌّ^٤.
١١٨ . صحيح مسلم عن عائشة: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ^٥.

١١٩ . الإمام الهادي عليه السلام - في الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الْكَبِيرَةِ - : وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجَسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ^٦.

١٢٠ . عِدَّةُ الدَّاعِي: يُرَوَى عَنِ سَيِّدِنَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يَفْرَعُ مِنَ الْجِهَادِ، يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَالْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ، فَإِذَا يَفْرَعُ مِنْ ذَلِكَ اشْتَقَلَ فِي حَائِطٍ^٧ لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ بِيَدِهِ، وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ^٨.

- ١ . حلية الأولياء: ج ١ ص ٦ عن عمرو بن الجموح، المعجم الأوسط: ج ١ ص ٢٠٣ ح ٦٥١ عن عمرو بن الحمق وسقط منه «قال الله صلى الله عليه وآله»، كتر العمال: ج ١ ص ٤٤٠ ح ١٩٠٢.
- ٢ . الطبقات الكبرى: ج ١ ص ٤٢٤، المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ١٤٧.
- ٣ . الأحزاب: ٤١.
- ٤ . مستدرك الوسائل: ج ٥ ص ٢٩٦ ح ٥٩٠٥ نقلاً عن تفسير أبي الفتح الرازي.
- ٥ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٢٨٢ ح ١١٧، سنن أبي داود: ج ١ ص ٥ ح ١٨، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ١١٠ ح ٣٠٢، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٢٢ ح ٢٤٤٦٤، كتر العمال: ج ٧ ص ٦٥ ح ١٧٩٨٠.
- ٦ . تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٩٧ ح ١٧٧، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٦١١ ح ٣٢١٣ كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعي، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٢٧٤ ح ١ عن موسى بن عمران النخعي، البلد الأمين: ص ٢٩٩، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٣٤٤ ح ٣٠ و ج ١٠٢ ص ١٢٩ ح ٤ ولقي الثلاثة الأخيرة «أدتمتم ذكره».
- ٧ . الحائط: البستان من النخيل إذا كان عليه حائط؛ وهو الجدار (النهاية: ج ١ ص ٤٦٢ حوطه).
- ٨ . عِدَّةُ الدَّاعِي: ص ١٠١، إرشاد القلوب: ص ٢١٨، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ١٦ ح ٧٠.

آفریدگانم، کسانی هستند که هر گاه یاد من به میان آید، از آنان نیز یاد می‌شود و هر گاه یاد آنان به میان آید، از من نیز یاد می‌شود».

۱۱۶. امام حسین علیه السلام: از پدرم [امام علی علیه السلام] در باره نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم. فرمود: «پیامبر خدا، نمی‌نشست و بر نمی‌خواست، مگر با یاد کردن از خدا».

۱۱۷. مستدرک الوسائل - به نقل از ابو سعید خدری -: چون این سخن خداوند متعال: ﴿خدا را بسیار یاد کنید﴾ نازل شد، پیامبر خدا، چندان سرگرم یاد خداوند متعال شد که کافران گفتند: او دیوانه شده است!

۱۱۸. صحیح مسلم - به نقل از عایشه -: پیامبر صلی الله علیه و آله در همه اوقاتش، خدا را یاد می‌کرد.

۱۱۹. امام هادی علیه السلام - در زیارت «جامعه کبیره» -: و پلیدی را از شما زدود و پاک پاکتان نمود. پس شما نیز در برابر مقام پرشکوه او تعظیم کردید و منزلتش را بزرگ داشتید و بزرگواری‌اش را ارج نهادید و پیوسته، به یاد او پرداختید.

۱۲۰. عده الداعی: در باره سرورمان امیر مؤمنان، روایت شده است که چون از جهاد فراغت می‌یافت، به آموزش دادن مردم و قضاوت میان آنان می‌پرداخت و چون از این کار می‌آسود، در باغ خرمایی که داشت، به کار می‌پرداخت و در همان حال، ذکر خداوند صلی الله علیه و آله می‌گفت.

١٢١. الإمام الرضا عليه السلام - في زيارة الإمام الحسين عليه السلام - : السَّلَامُ عَلَيَّ مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ. ١

راجع: ص ٢٠ ح ٣٦.

٧ / ١

مَفَاتِيحُ الذِّكْرِ

١٢٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَفَاتِيحَ لِذِكْرِ اللَّهِ؛ إِذَا رُؤُوا ذُكِرَ اللَّهُ. ٢

١٢٣. عنه صلى الله عليه وآله - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ٣ - : يُذَكِّرُ اللَّهُ بِرُؤْيَيْهِمْ. ٤

١٢٤. نوادر الأصول عن ابن عباس: قيل: يا رسول الله، مَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ؟ قَالَ: الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذُكِرَ اللَّهُ. ٥

١٢٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا أُبَيِّتُكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟ ... خِيَارِكُمْ الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذُكِرَ اللَّهُ. ٦

١٢٦. نوادر الأصول عن أنس: قالوا: يا رسول الله، أَيُّنَا أَفْضَلُ كَيْ نَتَّخِذَهُ جَلِيساً مُعَلِّماً؟ قَالَ:

١. الكافي: ج ٤ ص ٥٧٨ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٠٢ ح ١٧٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٦٠٨ ح ٣٣٢١٢ كلاهما في زيارة الإمام الكاظم عليه السلام وكلها عن علي بن حسان، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٠٧ ح ٦٦.

٢. المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٠٥ ح ١٠٤٧٦ عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٩.

٣. يونس: ٦٢.

٤. المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١١ ح ١٢٣٢٥ عن ابن عباس، مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٨٠ ح ١٦٧٧٨ نقلاً عن الطبراني وفيه «بذكرهم» بدل «برؤيتهم»، الدر المنثور: ج ٤ ص ٣٧٠ نقلاً عن ابن أبي شيبة وأبي الشيخ وابن مردويه عن سعيد بن جبير.

٥. نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٠٢، الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٤٨ ح ٢٧ عن سعيد بن جبير، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨٣.

٦. سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٩ ح ٤١١٩، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٤٤٢ ح ٢٧٦٧٠ وص ٤٤٣ ح ٢٧٦٧٢، حلية الأولياء: ج ١ ص ٦٦ عن أسماء بنت يزيد، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٨ وص ٤٤٠ ح ١٩٠١.

۱۲۱. امام رضا علیه السلام - در زیارت امام حسین علیه السلام :- سلام بر جایگاه‌های یاد خدا!

ر.ک: ص ۲۱ ح ۲۱.

۷/۱

کلیدهای یاد خدا

۱۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برخی از مردمان، کلیدهای یاد خدایند. دیدن آنان، یادآور خداست.

۱۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در باره این سخن خداوند متعال: ﴿هان! اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه اندوهگین می‌شوند﴾ :- با دیدن آنها، انسان به یاد خدا می‌افتد.

۱۲۴. نوادر الأصول - به نقل از ابن عباس :- گفته شد: ای پیامبر خدا! اولیای خدا کیستند؟ فرمود: «کسانی که دیدن آنها، یادآور خداست».

۱۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا به شما از بهترینتان خبر ندهم؟ ... بهترین شما، آنانی هستند که هر گاه دیده شوند، خداوند تعالی به یاد می‌آید.

۱۲۶. نوادر الأصول - به نقل از انس :- گفتند: ای پیامبر خدا! برترین ما، چه کسی است تا او را همنشین و آموزگار خود بگیریم؟

الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ لِرُؤْيَتِهِمْ ١.

- ١٢٧ . رسول الله ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى ٢.
- ١٢٨ . عنه ﷺ: قَالَتِ الْخَوَارِيزُونَ لِعِيسَى عليه السلام: يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ؟ قَالَ: مَنْ يُذَكِّرُكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتُهُ، وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَتَهُ، وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ ٣.
- ١٢٩ . الأمامي للطوسي عن ابن عباس: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْجُلَسَاءِ خَيْرٌ؟ قَالَ: مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتُهُ، وَزَادَكُمْ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَتَهُ، وَذَكَرَكُمْ بِالْآخِرَةِ عَمَلُهُ ٢.
- ١٣٠ . الإمام علي عليه السلام: قُولُوا الْخَيْرَ تُعْرَفُوا بِهِ، وَاعْمَلُوا الْخَيْرَ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ، وَلَا تَكُونُوا عَجَلًا ٥ مَذَابِيعَ ٦، فَإِنَّ خِيَارَكُمْ الَّذِينَ إِذَا نُظِرَ إِلَيْهِمْ ذَكَرَ اللَّهُ، وَشِرَارُكُمْ الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفْرَقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَبَةِ، الْمُبْتَغُونَ لِلْبِرَاءِ الْمَعَايِبَ ٧.
- ١٣١ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا رَأَى أَخَاهُ، كَانَ حَيَاةً لِدِينِهِ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ ﷻ ٨.

١ . نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٠٤، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٤.

٢ . الزهد لابن المبارك: ص ٣٤٠ ح ٩٥٨ عن الحسن.

٣ . الكافي: ج ١ ص ٣٩ ح ٣ عن الفضل بن أبي قرة عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٤٤، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٣ ح ١٨ نقلاً عن عوالي اللالكى؛ كنز العمال: ج ٩ ص ١٧٨ ح ٢٥٥٨٨ نقلاً عن العسكري في الأمثال عن ابن عباس نحوه.

٤ . الأمامي للطوسي: ص ١٥٧ ح ٢٦٢، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٨٦ ح ٣؛ نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٠٣ عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٧٨٧ و ج ٩ ص ٢٨ ح ٢٤٧٦٤ وفيه «خير جلسائكم من يذكركم».

٥ . عَجَلًا: جمع عَجُول.

٦ . مَذَابِيعُ: جمع مَذْيَاعٍ، وهو الذي لا يكتف السَّرَّ، والإذاعة ضدها التَّقِيَّةُ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٦٥٠ «ذيع»).

٧ . الكافي: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ١٢ عن أبي الحسن الأصبهاني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٨١ ح ٢٩.

٨ . «إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ»: أي ذلك المسلم أو الأخ. ويمكن أن يُقرأ على المجهول فيشملهما (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ٤١٩).

٩ . الكافي: ج ٨ ص ٣١٦ ح ٤٩٦ عن أبي خديجة.

فرمود: «کسانی که هر گاه دیده شوند، دیدنشان، آدمی را به یاد خدا می‌اندازد».

۱۲۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، بندگانی دارد که مشاهده آنها، یادآور خداوند متعال است.

۱۲۸. پیامبر خدا ﷺ: حواریان به عیسی ﷺ گفتند: ای روح خدا! با چه کسی همنشینی کنیم؟

فرمود: «با کسی که دیدن او، شما را به یاد خدا می‌اندازد و سخنش، بر دانش شما می‌افزاید و کردارش، شما را به آخرت، راغب می‌سازد».

۱۲۹. الأمالی، طوسی - به نقل از ابن عباس -: گفته شد: ای پیامبر خدا! کدام همشین، خوب‌تر است؟

فرمود: «کسی که مشاهده او، شما را به یاد خدا بیاندازد و گفتارش، بر دانش شما بیفزاید و کردارش، آخرت را به یاد شما آورد».

۱۳۰. امام علی ﷺ: نیک بگوئید تا بدان شناخته شوید، و نیک انجام دهید تا از اهل آن باشید، و شتابکار و سخن‌پراکن مباشید؛ زیرا بهترین شما، کسانی هستند که دیدن آنها خدا را به یاد می‌آورد، و بدتریتان، سخن‌چینان‌اند؛ آنان که میان دوستان، جدایی می‌افکنند و برای بی‌گناهان، عیب می‌تراشند.

۱۳۱. امام صادق ﷺ: مسلمان، هر گاه برادرش را ببیند، چنانچه خداوند ﷻ را یاد کند، مایه زنده شدن دین او می‌شود.

١٣٢ . الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ نَفْسُ خَاتَمِ عَيْسَى عليه السلام حَرْفَيْنِ اشْتَقَّهُمَا مِنَ الْإِنْجِيلِ: طَوْبِي لِعَبْدٍ ذَكَرَ اللَّهَ مِنْ أَجْلِهِ، وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ نُسِيَ اللَّهُ مِنْ أَجْلِهِ ١.

٨ / ١ النَّوَادِرُ

١٣٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: خَيْرُ سَاعَاتِ الْمُؤْمِنِ حِينَ يَذْكُرُ اللَّهَ صلى الله عليه وآله ٢.

١٣٤ . عنه عليه السلام - فِي وَصْفِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ - : تَنَعَّمَ النَّاسُ بِالدُّنْيَا، وَتَنَعَّمُوا بِذِكْرِ اللَّهِ ٣.

١٣٥ . عنه عليه السلام: إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ يُرَاعُونَ ٤ الشَّمْسَ، وَالْقَمَرَ، وَالنُّجُومَ، وَالْأُظْلَةَ؛ لِذِكْرِ اللَّهِ ٥.

١٣٦ . عنه عليه السلام: مَا تَوَطَّنَ رَجُلٌ مُسْلِمٌ الْمَسَاجِدَ لِلصَّلَاةِ وَالذِّكْرِ، إِلَّا تَبَشَّشَ ٦ اللَّهُ لَهُ كَمَا يَتَبَشَّشُ أَهْلُ الْغَائِبِ بِغَائِبِهِمْ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمْ ٧.

١٣٧ . عنه عليه السلام: إِنَّ لِكُلِّ سَاعٍ غَايَةً، وَغَايَةُ ابْنِ آدَمَ الْمَوْتُ، فَعَلَيْكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ

١ . الأُمالي للصدوق: ص ٥٤٢ ح ٧٢٦، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٥٥ ح ٢٠٦ كلاهما عن الحسين بن خالد الصيرفي، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٦٣ ح ١.

٢ . الفردوس: ج ٢ ص ٤٣ ح ٢٢٤٤ عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ٤ ص ٣٥٥ ح ١٠٨٧١.

٣ . إرشاد القلوب: ص ١٣٥.

٤ . راعى النجوم: راقبها، وانتظر مغيبها (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٣٥ رعي). أي يراعون الشمس والقمر و... ويراقبونها لمعرفة أوقات الصلوات والعبادات.

٥ . المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ١١٥ ح ١٦٣، السنن الكبرى: ج ١ ص ٥٥٨ ح ١٧٨١، الدعاء للطبراني: ص ٥٢٤ ح ١٨٧٦ كلها عن ابن أبي أوفى، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٨٣ ح ٢٠٩٠٢.

٦ . التبشُّر: فرح الصديق بالصديق، واللطف في المسألة، والإقبال عليه، وقد تبشَّرتُ به أبشُّ. وهذا مثل ضربه لتلقيه إياه ببرّه وتقريبه وإكرامه (النهاية: ج ١ ص ١٣٠ «تبشش»).

٧ . سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٦٢ ح ٨٠٠، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٢٠ ح ٨٣٥٨، المستدرك على الصحيحين: ج ١ ص ٣٣٢ ح ٧٧١ وليس فيه «والذكر» وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٧ ص ٥٧٩ ح ٢٠٣٤١.

تشویق به یاد کردن از خدا ۹۱

۱۳۲. امام رضا علیه السلام: نقش انگشتی عیسی علیه السلام، دو جمله بود که آنها را از انجیل گرفته بود: «خوشا به حال بنده‌ای که به واسطه او، خداوند به یاد آورده می‌شود! و بدایا به حال بنده‌ای که به واسطه او خداوند، فراموش می‌گردد!».

۸/۱

کوناگون

۱۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین اوقات مؤمن، زمانی است که خداوند تبارک و تعالی را یاد می‌کند.
۱۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در وصف اولیای خدا - : مردم، به دنیا خوش‌اند و آنان به یاد خدا خوش‌اند.
۱۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین بندگان خدا، آنان‌اند که برای یاد کردن خدا، خورشید و ماه و ستارگان و سایه‌ها را زیر نظر دارند.
۱۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مرد مسلمانی در مسجدها برای نماز و یاد خدا اقامت‌گزیند، خداوند، از وجود او چنان شاد می‌شود که کسانِ مسافر از بازگشتن مسافرشان به نزد خود، شادمان می‌شوند.
۱۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر دَونده‌ای، خطّ پایانی دارد و خطّ پایان آدمیزاد، مرگ است.

يُسَهِّلُكُمْ^١ وَيُرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ^٢.

١٣٨ . عنه عليه السلام: تَحَابُّوا بِذِكْرِ اللَّهِ وَرُوحِهِ^٣.

١٣٩ . الإمام علي عليه السلام: الذِّكْرُ أَفْضَلُ الْغَنِيمَتَيْنِ^٥.

١٤٠ . عنه عليه السلام: كُنْ لِلَّهِ مُطِيعاً، وَبِذِكْرِهِ آنِساً، وَتَمَثَّلْ فِي حَالِ تَوَلِّيكَ عَنْهُ إِقْبَالَهُ عَلَيْكَ؛ يَدْعُوكَ

إِلَى عَفْوِهِ، وَيَتَعَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ^٦.

١٤١ . الإمام الصادق عليه السلام - فِي خُطْبَةٍ يَذْكُرُ فِيهَا حَالَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَالْأَيْمَةِ عليها السلام - : فَبَلَغَ رَسُولُ

اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا أُرْسِلَ بِهِ، وَصَدَعَ^٧ بِمَا أُمِرَ، وَأَدَّى مَا حُمِّلَ مِنْ أَنْقَالِ النَّبُوءَةِ، وَصَبَرَ لِزُرِّيهِ،

وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى النَّجَاةِ، وَحَثَّهُمْ عَلَى الذِّكْرِ^٨.



مركز تحقيقات وپژوهش علوم اسلامی

١ . كذا في المصدر، وفي فيض القدير ج ٢ ص ٦٤٥ ح ٢٤١٢: «يُسَلِّكُمْ» وهو الأنسب. والمراد أن ذكر الله صلى الله عليه وآله

ينسيكم هموم الدنيا (أنظر لسان العرب: ج ١٤ ص ٣٩٤ «سلا»).

٢ . أسد الغابة: ج ١ ص ٥٥٠، كثر العمال: ج ١ ص ٤١٦ ح ١٧٦٥ وج ١٥ ص ٥٥٠ ح ٤٢١٣١ كلاهما نقلاً عن

البنغوي وكأها عن جلاس بن عمرو.

٣ . قال السيد الرضي عليه السلام في ذيل الحديث: «أراد بالروح هاهنا القرآن، تشبيهاً له بالروح القائمة بالحيوان

المصححة لانتفاع الأبدان». والمعنى: تَحَابُّوا بِذِكْرِ اللَّهِ وَيَقْرَأُوهُ. وراجع النهاية: ج ٢ ص ٢٧٢ «روح».

٤ . المجازات النبوية: ص ٤٣ ح ٢٤.

٥ . غرر الحكم: ح ١٦٧٢.

٦ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٣، غرر الحكم: ح ٧١٨٧، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٩٢ ح ٥٩.

٧ . يقال: صَدَعْتُ بِالْحَقِّ إِذَا تَكَلَّمْتُ بِهِ جَهَاراً (الصحيح: ج ٣ ص ١٢٤٢ «صدع»).

٨ . الكافي: ج ١ ص ٤٤٥ ح ١٧ عن إسحاق بن غالب، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٣٦٩ ح ٨٠.

پس بر شما باد یاد خدا، که کار شما را سهولت می‌بخشد^۱ و به آخرت، راغب می‌گرداند!

۱۳۸. پیامبر خدا ﷺ: با یاد خدا و با روح او^۲ یکدیگر را دوست بدارید.

۱۳۹. امام علیؑ: یاد خدا، بهترین غنیمت است.

۱۴۰. امام علیؑ: فرمان‌بردار خدا و همدم یاد او باش و در آن حال که از او روی می‌گردانی، روی آوردن او را به خود، در نظر آور. او تو را به عفو خویش فرا می‌خواند و در فضل خویش، غوطه‌وَرَت می‌سازد.

۱۴۱. امام صادقؑ: در سخنرانی‌ای که در آن از پیامبر ﷺ و امامانؑ یاد می‌کند: پیامبر خدا، پیامی را که برای آن فرستاده شده بود، ابلاغ کرد و مأموریتش را اجرا نمود و بارهای نبوت را که بر دوش او نهاده شده بود، به منزل رساند و برای پروردگارش، شکیبایی ورزید و در راه او جهاد کرد و امتش را راه‌نمایی نمود و آنان را به نجات، فرا خواند و به یاد خدا تشویقشان کرد.

۱. در فیض القدير، «شما را آرامش می‌بخشد» آمده که این، مناسب‌تر است و مقصود، این است که یاد خداوند، غم و تشویش‌های دنیا را از یاد شما می‌برد.

۲. سید رضیؑ، در ذیل این حدیث می‌گوید: «مقصود از روح در این جا قرآن است، از باب تشبیه آن به روح که جانداران را زنده می‌دارد و باعث می‌شود که بدن‌ها قابل استفاده باشند» و معنایش این است که با یاد خدا و قرآن او، یکدیگر را دوست بدارید. نیز، ر.ک: النهایة: ذیل «روح».

الفصل الثاني

خصائص الذكر

١ / ٢

حكمة العبادة



الكتاب

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾^١

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾^٢

الحديث

١٣٢. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ، وَبَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ، وَرَمِي الْجِمَارِ؛ لِإِقَامَةِ

ذِكْرِ اللَّهِ^٣.

١٣٣. عنه ﷺ: إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ، وَأُمِرَ بِالْحَجِّ وَالطَّوْفِ، وَأُسْعِرَتِ الْعَنَابِكُ؛ لِإِقَامَةِ

١. طه: ١٤.

٢. العنكبوت: ٤٥. وراجع: بركات الذكر / ذكر الله لذاكره.

٣. سنن أبي داود: ج ٢ ص ١٧٩ ح ١٨٨٨، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٣١ ح ٢٤٤٠٥. المستدرک علی

الصحيحين: ج ١ ص ٦٣٠ ح ١٦٨٥، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٢٣٦ ح ٩٦٤٦ كلها عن عائشة، كنز العمال: ج ٥

ص ٤٩ ح ١٢٠٠٥.

فصل دوم

ویژگی های یاد خدا

۱/۲

حکمت عبادت



قرآن

«و به یاد من، نماز برپا دار.»

«و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است.»

حدیث

۱۴۲ . پیامبر خدا ﷺ: طواف کعبه، و [سعی] میان صفا و مروه، و رمی جمرات، برای زنده داشتن یاد خدایند.

۱۴۳ . پیامبر خدا ﷺ: واجب گشتن نماز، و دستور گزاردن حج و طواف، و تعیین

ذِكْرُ اللَّهِ ١

١٣٤ . الإمام الرضا عليه السلام - فيما جمعه الفضل بن شاذان من كلامه في علل الفرائض - : إن قال قائل: لِمَ أمر الله العباد ونهاهم؟ قيل: لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ بَقَاؤُهُمْ وَصَلَاحُهُمْ إِلَّا بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ، وَالْمَنْعِ عَنِ الْفَسَادِ وَالتَّغَاصِبِ.

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: لِمَ تَعَبَّدَهُمْ؟ قِيلَ: لِئَلَّا يَكُونُوا نَاسِينَ لِذِكْرِهِ، وَلَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ، وَلَا لَاهِينَ عَنِ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، إِذَا كَانَ فِيهِ صَلَاحُهُمْ وَفَسَادُهُمْ وَقَوَائِمُهُمْ، فَلَوْ تَرَكُوا بِغَيْرِ تَعَبُّدٍ لَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ، وَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ٢.

٢ / ٢

فَرِيضَةٌ عَلَى الْقَلْبِ وَاللِّسَانِ

١٣٥ . الإمام علي عليه السلام: إَعْلَمُوا أَنَّهُ [الله تعالى] لَنْ يَرْضَى عَنْكُمْ بِشَيْءٍ سَخِطَهُ عَلَيَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، وَلَنْ يَسْخَطَ عَلَيْكُمْ بِشَيْءٍ رَضِيَهُ مِنِّي مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، وَإِنَّمَا تَسِيرُونَ فِي أَثَرِ بَيْنٍ، وَتَتَكَلَّمُونَ بِرَجْعِ قَوْلٍ قَدْ قَالَهُ الرِّجَالُ مِنْ قَبْلِكُمْ، قَدْ كَفَأَكُمْ مَوْوَنَةَ دُنْيَاكُمْ، وَحَتُّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ، وَافْتَرَضَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الذِّكْرَ ٣.

١٣٦ . عنه عليه السلام - فِي بَيَانِ مَا فَرَضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَى جَوَارِحِ الْإِنْسَانِ - : فَأَمَّا مَا فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِيمَانِ: فَالْإِقْرَارُ، وَالْمَعْرِفَةُ، وَالْعَقْدُ عَلَيْهِ، وَالرِّضَا بِمَا فَرَضَهُ عَلَيْهِ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِهِ، وَالتَّذَكُّرُ، وَالتَّفَكُّرُ ٥.

١ . عوالي اللآلي: ج ١ ص ٣٢٣ ح ٦٠.

٢ . في المصدر: «إذاه»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣ . علل الشرائع: ص ٢٥٦، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٠٣ ح ١٠٣ كلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٦٣ ح ١.

٤ . نهج البلاغة: الخطبة ١٨٣، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٣١٩ ح ٣.

٥ . بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٧٤ ح ٢٩ نقلًا عن تفسير النعماني: ج ٩٣ ص ٥٠.

مناسک [حج]، در واقع برای زنده داشتن یاد خدایند.

۱۴۴. امام رضا علیه السلام - از سخنان ایشان در باره علت واجبات که فضل بن شاذان، آنها را گردآوری کرده است - : اگر کسی بگوید: «چرا خدا، به بندگان امر و نهی کرده است؟»، گفته می‌شود: چون ماندگاری و درستی آنان، جز با امر و نهی و جلوگیری از تباهی و تجاوز به یکدیگر، ممکن نیست.

اگر کسی بگوید: «چرا از آنان عبادت خواسته شده است؟»، گفته می‌شود: تا او را فراموش نکنند و تعالیمش را وانهند و از امر و نهی او غافل نشوند؛ چرا که درستی و تباهی و پایداری آنان، در گرو این است، و اگر بدون [دستور به] عبادت، رها می‌شدند، پس از گذشت زمانی دراز، سنگدل می‌شدند.



۱۴۵. امام علی علیه السلام: بدانید که خداوند تعالی هرگز آنچه را از پیشینیان شما نپسندیده است، از شما نیز نخواهد پسندید و هرگز آنچه را از مردمان پیش از شما پسندیده است، از شما ناپسند نمی‌دارد. شما در راهی روشن، گام برمی‌دارید [که گذشتگان شما رفته‌اند] و همان سخنی را واگویی می‌کنید که مردان پیش از شما گفته‌اند. خداوند، روزی دنیای شما را عهده‌دار شده و به سپاس‌گزاری تشویقتان کرده است و یاد کردن [از خود] را بر زبان‌هایتان واجب ساخته است.

۱۴۶. امام علی علیه السلام - در بیان وظایفی که خدای سبحان بر عهده اعضای انسان نهاده است - : آنچه بر دل واجب ساخته، ایمان است که عبارت است از: اقرار، و شناخت، و اعتقاد به او، و خرسندی به آنچه بر آن، واجب ساخته است، و گردن نهادن به فرمان او، و یاد کردن از او، و اندیشیدن.

١٣٧ . الإمام الحسن عليه السلام: إعلموا أن الله لم يخلقكم عبثاً، وليس بتارككم سدى^١ ... قد كفاكم مؤونة الدنيا، وفرغكم لعبادته، وحثكم على الشكر، وافترض عليكم الذكر^٢.

٣ / ٢

فريضة على أهل السموات والأرض

١٣٨ . رسول الله صلى الله عليه وسلم - في الدعاء - : يا الله، يا من وجب ذكره على أهل السموات والأرض^٣.

٤ / ٢

أفضل الأعمال

١٣٩ . رسول الله صلى الله عليه وسلم: ألا إن خير أعمالكم، وأزكاها عند مليككم، وأرفعها عند ربكم في درجاتكم، وخير ما أطلعت عليه الشمس؛ ذكر الله سبحانه وتعالى^٤.

١٥٠ . سنن ابن ماجه عن أبي الدرداء عن رسول الله صلى الله عليه وسلم: ألا أتيتكم بخير أعمالكم، وأرضاها عند مليككم، وأرفعها في درجاتكم، وخير لكم من إعطاء الذهب والورق^٥، ومن أن تلقوا عدوكم فتضربوا أعناقهم ويضربوا أعناقكم؟

قالوا: وما ذلك يا رسول الله؟!

- ١ . السدى: المهمل (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٧٢ سدا).
- ٢ . تحف العقول: ص ٢٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١١٠ ح ٥.
- ٣ . البلد الأمين: ص ٢٢٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٦٥ ح ١.
- ٤ . إرشاد القلوب: ص ٦٠.
- ٥ . الورق: الفضة (النهاية: ج ٥ ص ١٧٥ ورق).

۱۳۷. امام حسن علیه السلام: بدانید که خداوند، شما را بیهوده نیافریده و سرخود، رهایتان نکرده است.... روزی شما را در دنیا بر عهده گرفته و شما را برای عبادتش فراغت بخشیده و به شکرگزاری، تشویقتان کرده و یاد کردن [از خود] را بر شما واجب ساخته است.

۳/۲

وظیفه آسمانیان و زمینیان

۱۳۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعا -: ای خدا، ای آن که یادش بر آسمانیان و زمینیان، واجب است!



۱۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که بهترین اعمال شما و پاک‌ترین آنها در نزد مالکتان، و بلند مرتبه‌ترین آنها در پیشگاه پروردگارتان و بهترین چیزی که خورشید بر آن طلوع کرده، یاد خداوند پاک و بلند مرتبه است.

۱۵۰. سفن ابن ماجه - به نقل از ابو درداء -: پیامبر خدا فرمود: «آیا شما را از بهترین اعمالتان و پسندیده‌ترین آنها در نزد مالکتان، و بلند مرتبه‌ترین آنها - که برایتان از انفاق کردن زر و سیم و [حتی] از این که با دشمنتان رو به رو شوید و گردن آنها را بزنید و گردنتان را بزنند، بهتر است -، آگاهتان نسازم؟».

گفتند: آن چیست، ای پیامبر خدا؟

قال: ذكُر الله ١.

١٥١. رسول الله ﷺ - في مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ - : لا تَخْتَرِ عَلَيَّ ذِكْرَ اللَّهِ شَيْئاً ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : ﴿وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ ٢ ، وَيَقُولُ : ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكَرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾ ٣ .

١٥٢. عنه ﷺ : لَذِكْرُ اللَّهِ ﷻ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ، خَيْرٌ مِنْ حَطْمِ السُّيُوفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﷻ . ٥ .

١٥٣. كنز العمال عن معاذ عن رسول الله ﷺ : أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ ﷻ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى وَلَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ .
قيل : وَلَا الْقِتَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ؟

قال : لَوْ لَا ذِكْرُ اللَّهِ لَمْ يُؤْمَرْ بِالْقِتَالِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَلَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيَّ مَا أَمَرُوا بِهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى مَا كَتَبَ اللَّهُ الْقِتَالَ عَلَيَّ عِبَادِهِ ، فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى لَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْقِتَالِ فِي سَبِيلِهِ ، بَلْ هُوَ عَوْنٌ لَكُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ

١. سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٤٥ ح ٣٧٩٠، الموطأ: ج ١ ص ٢١١ ح ٢٤، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٦٤ ح ٢١٧٤١، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٥ كلها عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ١ ص ٢١٦ ح ١٧٦٧؛ الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ١٠٩ ح ٩٦ كلاهما عن ابن القُداح عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر ﷺ عنه ﷺ نحوه وفيهما ذكر الله كثيراً، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٧ ح ٢٩.

٢. العنكبوت: ٤٥.

٣. البقرة: ١٥٢.

٤. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٨ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٧ ح ١.

٥. قال الصدوق ﷺ: يعني: فمن ذكر الله ﷻ بالغدو، ويذكر ما كان منه في ليله من سوء عمله، واستغفر الله وتاب إليه، فإذا انتشر في ابتغاء ما قسم الله له انتشر وقد حطت عنه سيئاته وغفرت له ذنوبه. وإذا ذكر الله ﷻ بالأصال - وهي العشيّات - راجع نفسه فيما كان منه في يومه ذلك؛ من سرف على نفسه، وإضاعة لأمر ربه، فإذا ذكر الله عز وجل واستغفر الله تعالى وأناب، راح إلى أهله وقد غفرت له ذنوب يومه. وإنما تحمد الشهادة أيضاً إذا كانت من تائب إلى الله استغفر من معصية الله عز وجل (معاني الأخبار: ص ٤١١).

٦. معاني الأخبار: ص ٤١١ ح ١٠٠ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٩٨ ح ٦١؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٧٢ ح ٥٥ و ج ٨ ص ٢٣٥ ح ٢٢٥ كلاهما عن ابن عمر من دون إسناد إليه ﷺ، الفردوس: ج ٣ ص ٢٥٤ ح ٥٤٠٢ عن أنس وفيها «بالغداء والعشي»، كنز العمال: ج ١ ص ٢٢٦ ح ١٨٣٨.

فرمود: «یاد خدا».

۱۵۱. پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابن مسعود - : هیچ چیز را بر یاد خدا ترجیح مده؛ چرا که خداوند می‌فرماید: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است» و می‌فرماید: «پس یادم کنید تا یادتان کنم، و سپاسم گویند و ناسپاسی‌ام نکنند».

۱۵۲. پیامبر خدا ﷺ: یاد کردن از خداوند در بام و شام، از شکستن شمشیرها^۱ در راه خدا بهتر است.^۲

۱۵۳. کنز العمال - به نقل از معاذ - : پیامبر خدا فرمود: «در هر حالی، خداوند ﷻ را بسیار یاد کنید؛ زیرا هیچ عملی نزد خداوند متعال، محبوب‌تر و در رها نیدن بنده از هر بدی‌ای در دنیا و آخرت، کارگرتر از یاد خدا نیست».



گفته شد: حتی جنگیدن در راه خدا؟

فرمود: «اگر به خاطر یاد خدا نبود، به جنگ در راه خدا دستور داده نمی‌شد و اگر همه مردم به یاد خداوند متعال - که بدان فرمان داده شده‌اند - می‌بودند، خداوند جنگیدن را بر بندگانش واجب نمی‌ساخت. یاد خداوند متعال، مانع شما از جنگ در راه او نمی‌شود؛ بلکه کمک شما در این راه است...».

۱. یعنی: آن قدر شمشیر بزنی که شمشیر، در هم شکسته شود.

۲. شیخ صدوق رحمته الله علیه می‌گوید: منظور، این است که هر کس خداوند ﷻ را در بامدادان، یاد کند و عمل بد شیش را به یاد آورد و از خداوند، آمرزش بخواهد و توبه نماید و آن‌گاه در پی روزی تقدیر شده خدا برود، گناهانش فرو می‌ریزند و آمرزیده می‌شود، و هر گاه شامگاهان، خدا را به یاد آورد و درباره وضعیت که در روز از زیاده‌روی و تباه کردن فرمان پروردگارش داشته، به خود آید و خدای ﷻ را به یاد آورد و از آن خدای والا، آمرزش بخواهد و به درگاه او بنالد، به خانواده‌اش باز می‌گردد، در حالی که گناهان آن روزش آمرزیده شده‌اند. شهادت هم، وقتی از سوی شخص توبه کننده به پیشگاه خداوند و آمرزش خواه از نافرمانی خداوند ﷻ باشد، ستوده است.

قالوا: يا رسول الله، فإنَّ ذِكرَ الله لا يكفينا مِنَ الجِهادِ!

قال: وَلَا الجِهادُ يَكفي مِنَ ذِكرِ الله، ولا يَصْلُحُ الجِهادُ إِلَّا بِذِكرِ الله، وإِنَّمَا الجِهادُ شُعبَةٌ مِنَ شُعبِ ذِكرِ الله، وطوبى لِمَن أَكثَرَ فِي الجِهادِ مِنَ ذِكرِ الله، وكُلُّ كَلِمَةٍ بِسَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ، كُلُّ حَسَنَةٍ بِعَشْرِ، وَعِنْدَ الله مِنَ المَزِيدِ ما لا يُحصِيهِ غَيْرُهُ.^١

١٥٢ . الإمام الباقر عليه السلام: ما مِن شَيْءٍ أَحَبُّ إِلى الله مِنَ الذِّكرِ وَالشُّكْرِ.^٢

راجع: ص ٢٦ (الحديث على كثرة الذكر).

٥/٢

أشرف الحديث



- ١٥٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أشرف الحديث ذكر الله تعالى.^٣
- ١٥٦ . عنه عليه السلام: إنَّ أشرفَ الحديثِ ذِكرُ الله تَعَالَى، ورأسُ الحكمةِ طاعتهُ، وأصدقُ القولِ وأبلغُ الموعظةِ وأحسنُ القصصِ كتابُ الله.^٤
- ١٥٧ . الإمام علي عليه السلام: إنَّ أحسنَ الحديثِ ذِكرُ الله.^٥

١ . كنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣٩٣١ نقلًا عن ابن صصري في أماليه، وص ٢٤٦ ح ٣٩٣٧ نقلًا عن ابن شاهين في الترغيب في الذكر نحوه وليس فيه من «قالوا: يا رسول الله، فإنَّ ذِكرَ الله ...».

٢ . الدر المنثور: ج ١ ص ٣٦٨ نقلًا عن ابن أبي شيبه.

٣ . تفسير القمي: ج ١ ص ٢٩١، الاختصاص: ص ٣٤٢ عن أبي عبد الله البرقي، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٣٣ ح ٤٣، الدر المنثور: ج ٢ ص ٦٩٢ نقلًا عن البيهقي في الدلائل، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩١٩ ح ٤٣٥٨٧ نقلًا عن أبي نصر السجزي في الإيانة.

٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٢ ح ٥٨٦٨، الأمالي للصدوق: ص ٥٧٦ ح ٧٨٨ كلاهما عن أبي الصباح الكناني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٤ ح ٨.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٢١ ح ١٤٨٤، أعلام الدين: ص ١٠٠ وفيه «أنصتوا إلى ذكر الله فإنه أحسن الحديث».

ویژگی‌های یاد خدا ۱۰۳

گفتند: ای پیامبر خدا! یاد خدا [به تنهایی کافی نیست و] ما را از جهاد،

بی‌نیاز نمی‌کند!

فرمود: «جهاد هم شما را از یاد خدا بی‌نیاز نمی‌کند و جهاد، جز با یاد خدا، ارزشی ندارد. جهاد، در واقع، شاخه‌ای از شاخه‌های یاد خداست. خوشا به حال کسی که در جهاد، بسیار یاد خدا کند! هر کلمه‌ای [از ذکر خدا] برابر با هفتاد هزار کار نیک است و هر کار نیک، ده برابر به شمار می‌آید [و ده پاداش دارد]، و پاداش خداوند، چندان فراوان است که جز خود او، کسی از عهده‌ی شمارش آن بر نمی‌آید».

۱۵۲. امام باقر علیه السلام: هیچ چیزی نزد خدا، محبوب‌تر از یاد او و سپاس‌گزاری [از او] نیست.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی، و.ک: ص ۲۷ (خدا را بسیار یاد کنید).

۵/۲

پُرارج‌ترین سخن

۱۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پُرارج‌ترین سخن، یاد خداوند است.

۱۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پُرارج‌ترین سخن، یاد خداوند متعال است، و سرآمد حکمت [و

خردمندی]، فرمان‌برداری از اوست، و راست‌ترین گفته و رساترین پند و

نیکوترین داستان، کتاب خداست.

۱۵۷. امام علی علیه السلام: نیکوترین سخن، یاد خداست.

٦ / ٢

نور الإيمان

١٥٨ . الإمام علي عليه السلام: ذكر الله نور الإيمان.^١

٧ / ٢

شيمة المتقين

١٥٩ . الإمام علي عليه السلام: ذكر الله شيمة^٢ المتقين.^٣

١٦٠ . عنه عليه السلام: ذكر الله سجيئة كل محسن، وشيمة كل مؤمن.^٤

٨ / ٢

لذة المحبين

١٦١ . رسول الله صلى الله عليه وآله - في دعاء الجوشن الكبير - : يا من ذكره حلو، يا من فضله عميم.^٥

١٦٢ . عنه عليه السلام - في الدعاء - : اللهم اجعلنا مشغولين بأمرك ... شاكرين على نعمائك، متلذذين بذكرك.^٦

١٦٣ . الإمام علي عليه السلام: الذكر لذة المحبين.^٧

- ١ . غرر الحكم: ح ٥١٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٦.
- ٢ . الشيمة: الخلق (الصحاح: ج ٥ ص ١٩٦٤ «شيم»).
- ٣ . غرر الحكم: ح ٥١٦٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٣.
- ٤ . غرر الحكم: ح ٥١٧٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٤.
- ٥ . البلد الأمين: ص ٤٠٦، المصباح للكفعمي: ص ٣٤٠، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٩٠.
- ٦ . جامع الأخبار: ص ٣٦٤ ح ١٠١٣، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٦٠ ح ١٦.
- ٧ . غرر الحكم: ح ٦٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٢ ح ٥٤٥.

۶/۲
روشنایی ایمان

۱۵۸. امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنایی ایمان است.

۷/۲
خوی پرهیزگاران

۱۵۹. امام علی علیه السلام: یاد خدا کردن، خوی پرهیزگاران است.

۱۶۰. امام علی علیه السلام: یاد خدا کردن، خصلت هر نیکوکار و خوی هر مؤمنی است.



۱۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعای «جوشن کبیر» - ای آن که یادش شیرین است! ای آن که

احسانش فراگیر است!

۱۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعا - خداوندا! ما را به کار خودت سرگرم بدار... و [ما را] بر

نعمت‌هایت، سپاس‌گزار و از یادت، لذت‌برنده قرار بده.

۱۶۳. امام علی علیه السلام: یاد خدا، لذت عاشقان است.

١٦٢ . عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ مَسْرَّةٌ كُلُّ مُتَّقٍ، وَلَذَّةٌ كُلُّ مُوقِنٍ. ١.

١٦٥ . الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: يَا دَاوُدُ، بِي قَافِرِح، وَيَذِكْرِي فَتَلَذَّذْ،
وَبِمُنَاجَاتِي فَتَنَعَمْ، فَعَنْ قَرِيبِ أَخِي الدَّارِ مِنَ الْفَاسِقِينَ، وَأَجْعَلْ لِعَنْتِي عَلَى
الظَّالِمِينَ. ٢.



مركز تحقيقات کتب و علوم اسلامی

١ . غرر الحكم: ح ٥١٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٥.

٢ . الأمالي للصدوق: ص ٢٦٣ ح ٢٨٠ عن يونس بن ظبيان، روضة الواعظين: ص ٥٠٥، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٤ ح ٣.

۱۶۴. امام علی علیه السلام: یاد خدا، مایه شادی هر پرهیزگار و لذت هر اهل یقینی است.

۱۶۵. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «ای داوود! به من شاد باش و

از یاد من لذت ببر و به راز و نیاز با من خوش باش؛ چرا که به زودی، خانه را از

نابه کاران، خالی می‌گردانم و لعنتم را بر ستمکاران قرار می‌دهم».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

الفصل الثالث

نَسِيَةُ الذِّكْرِ

١ / ٣

حَقِيقَةُ الذِّكْرِ

١٦٦ . رسول الله ﷺ: مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ، وَإِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ. وَمَنْ عَصَى اللَّهَ فَقَدْ نَسِيَ اللَّهَ، وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ.^١

١٦٧ . عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّؑ - : يَا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ لَا تُطِيقُهَا هَذِهِ الْأُمَّةُ: الْمُوَاسَاةُ لِلْأَخِ فِي مَالِهِ، وَإِنصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَلَيْسَ هُوَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيَّ مَا يَحْرُمُ عَلَيَّ خَافَ اللَّهُ عِنْدَهُ وَتَرَكَهُ.^٢

- ١ . معاني الأخبار: ص ٣٩٩ ح ٥٦ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه ﷺ، الاختصاص: ص ٢٤٨، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢٢؛ المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ١٥٤ ح ٤١٣، أسد الغابة: ج ٥ ص ٤٠٣ كلاهما عن واقف مولى رسول الله ﷺ، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص ١٧ ح ٧٠ عن خالد بن أبي عمران، حلية الأولياء: ج ١٠ ص ٣٨٧ عن عبد الله بن مسعود وليس فيه «ومن عصى الله...».
- ٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٥٨ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن أبياته ﷺ، النخال: ص ١٢٥ ح ١٢٢ عن أنس بن محمد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبياته ﷺ.

فصل سوم

معنای یاد خدا

۱/۳

حقیقت یاد خدا

۱۶۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس از خدا فرمان برد، در حقیقت، از خدا یاد کرده است، اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد، و هر کس خدا را نافرمانی کند، در حقیقت، او را فراموش کرده است، اگر چه نماز و روزه و تلاوت قرآنش بسیار باشد.

۱۶۷. پیامبر خدا ﷺ: در سفارش به علی علیه السلام - ای علی! سه چیز است که این امت، طاقت آنها را ندارد: کمک مالی کردن به برادر خویش، انصاف داشتن با مردم، و به یاد خدا بودن در همه حال، و آن، گفتن «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله والله أكبر» نیست؛ بلکه این است که هر گاه با آنچه بر او حرام گشته است رو به رو شود، از خداوند تعالی بترسد و آن را مرتکب نشود.

١٦٨ . معاني الأخبار عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام: من أشد ما عمل العباد: إنصاف المرء من نفسه، ومواساة المرء أخاه، وذكر الله على كل حال.

قال: قلت: أصلحك الله، وما وجه ذكر الله على كل حال؟

قال: يذكر الله عند المعصية بهم، فيحول ذكر الله بينه وبين تلك المعصية، وهو قول الله عليه السلام: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَبِيفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^١.

١٦٩ . الإمام الصادق عليه السلام: من أشد ما فرض الله على خلقه ذكر الله كثيراً - ثم قال -: لا أعني: «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» وإن كان منه، ولكن ذكر الله عند ما أحل وحرّم؛ فإن كان طاعة عمل بها، وإن كان معصية تركها.^٢

١٧٠ . الكافي عن عبد الأعلى بن أعين: كتب بعض أصحابنا يسألون أبا عبد الله عليه السلام عن أشياء، وأمروني أن أسأله عن حق المسلم على أخيه، فسألته فلم يجبني، فلما جئت لأودّعه، فقلت: سألتك فلم تجبني؟! فقال: إني أخاف أن تكفروا!^٣ إن من أشد ما افترض الله على خلقه ثلاثاً: إنصاف المرء من نفسه حتى لا يرضى لأخيه من نفسه إلا بما يرضى لنفسه منه، ومواساة الأخ في المال، وذكر الله على كل حال، ليس «سبحان الله والحمد لله».

فقال: إني أخاف أن تكفروا!^٤ إن من أشد ما افترض الله على خلقه ثلاثاً: إنصاف المرء من نفسه حتى لا يرضى لأخيه من نفسه إلا بما يرضى لنفسه منه، ومواساة الأخ في المال، وذكر الله على كل حال، ليس «سبحان الله والحمد لله».

١ . الأعراف: ٢٠١. وطيف الشيطان وطائفه: إمامه بمس أو وسوسة (المصباح المنير: ص ٣٨٣ «طاف»).

٢ . معاني الأخبار: ص ١٩٢ ح ٢، الخصال: ص ١٣١ ح ١٣٨، جامع الأحاديث للقمي: ص ١٨٩، تحف العقول: ص ٣٧٨ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٧٩ ح ٣٦.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٨٠ ح ٤ عن أبي عبيدة وص ١٤٥ ح ٨، معاني الأخبار: ص ١٩٣ ح ٥٣ كلاهما عن الحسن (الحسين) البزار، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٩ ح ٢٠.

٤ . قال المجلسي عليه السلام: قوله عليه السلام: «أن تكفروا»، قيل: أي تخالفوا بعد العلم، وهو أحد معاني الكفر. وأقول: لعل المراد به أن تشكروا في الحكم أو فينا؛ لعظمته وصعوبته. أو تستخفوا به وهو مظنة الكفر (مرآة العقول: ج ٩ ص ٣٢).

۱۶۸. معانی الأخبار - به نقل از ابو بصیر :- امام باقر علیه السلام فرمود: «از جمله سخت‌ترین کارهای بندگان، سه چیز است: انصاف داشتن، کمک مالی کردن انسان به برادر خویش، و به یاد خدا بودن در همه حال».

گفتم: به سلامت باشید! به یاد خدا بودن در همه حال، به چه معناست؟
فرمود: «در هنگام رو به رو شدن با گناه و تصمیم به انجام دادن آن، خدا را به یاد آورد. پس یاد خدا، میان او و آن گناه، حائل می‌شود. این است سخن خداوند تعالی که می‌فرماید: «آنان که پرهیزگاری می‌کنند، چون وسوسه‌ای از شیطان به آنان برسد، خدا را یاد می‌کنند و به ناگاه، بینا می‌شوند».

۱۶۹. امام صادق علیه السلام: از سخت‌ترین چیزهایی که خداوند بر بندگان واجب ساخته، بسیار یاد کردن خداست. مقصودم، «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر» نیست، هر چند این هم یاد خداست. مقصودم، به یاد آوردن خدا در هنگام مواجه شدن با حلال و حرام اوست، که اگر فرمان بود، آن را به کار ببندد و اگر نافرمانی بود، رهاش کند.

۱۷۰. الکافی - به نقل از عبد الأعلى بن أعین :- برخی از شیعیان، ما نامه نوشتند و از امام صادق علیه السلام سؤالاتی کردند و به من مأموریت دادند که از ایشان در باره حق مسلمان بر برادرش بپرسم. من پرسیدم: اما ایشان پاسخم را نگفت. چون برای خدا حافظی خدمت ایشان رفتم، گفتم: از شما سؤالی کردم؛ اما پاسخم را ندادید!

فرمود: «می‌ترسم کافر شوید!» همانا از سخت‌ترین وظایفی که خداوند بر عهده خلقتش نهاده، سه چیز است: انصاف داشتن آدمی - به طوری که از جانب خود برای برادرش همان چیزی را بپسندد که از جانب او برای خود می‌پسندد -، و شریک کردن برادرش در مال خود، و به یاد خدا بودن در همه حال. یاد خدا هم [فقط] گفتن «سبحان الله و الحمد لله» نیست؛ بلکه به این معناست که هنگام

۱. علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: این که فرمود: «[می‌ترسم] کافر شوید»، به قولی، یعنی بعد از دانستن، خلاف آن عمل کنید، و این، یکی از معانی کفر است. من می‌گویم: شاید مراد، این باشد که: [می‌ترسم] در حکم یا در باره ما شک کنید؛ چرا که حق بزرگ و دشوار است، یا به این معناست که [می‌ترسم] آن را سبک بشمارید، و این خود، از مصادیق کفر است.

وَلَكِنْ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَدْعُهُ ١.

١٧١ . الإمام علي عليه السلام: لا تذكُر الله سبحانه ساهياً، ولا تنسه لاهياً، واذكره كاملاً يوافق فيه قلبك لسانك، ويطابق إضمارك إعلانك، ولن تذكره حقيقة الذكر حتى تنسى نفسك في ذكرك، وتفقدَها في أمرك ٢.

٢ / ٣

مَنْ يَعَدُّ ذَاكِرًا

١٧٢ . الإمام علي عليه السلام: سامعُ ذكرِ الله ذاكِرٌ ٣.

١٧٣ . الإمام الباقر عليه السلام: أيُّما مؤمنٍ حافظٌ على صلاةِ الفريضةِ فصلاًها لوقتِها فليس هو من الغافلين، فإن قرأ فيها بعنه آية فهو من الذاكرين ٤.

٣ / ٣

مَنْ يَعَدُّ كَثِيرَ الذِّكْرِ

١٧٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله: من استيقظ من الليل وأيقظ امرأته فصلياً ركعتين جميعاً، كتب من الذاكرين الله كثيراً والذاكرات ٥.

- ١ . الكافي: ج ٢ ص ١٧٠ ح ٣ و ص ١٤٤ ح ٣ عن جارود أبي المنذر وفي ذيله «لكن إذا ورد عليك شيء أمر الله ﷻ به أخذت به، أو إذا ورد عليك شيء نهى الله ﷻ عنه تركته» و ص ١٤٥ ح ٩، معاني الأخبار: ص ١٩٢ ح ١ كلاهما عن أبي أسامة زيد الشحام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٢٤٢ ح ٤١.
- ٢ . غرر الحكم: ح ١٠٣٥٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٥ ح ٩٥٦٧.
- ٣ . غرر الحكم: ح ٥٥٧٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٣ ح ٥٠٩٢.
- ٤ . المحاسن: ج ١ ص ١٢٣ ح ١٣٥ عن زرارة، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ٢٠ ح ٢٤ و ج ٨٥ ص ٤١ ح ٢٨.
- ٥ . إشارة إلى الآية ٣٥ من سورة الأحزاب.
- ٦ . سنن أبي داود: ج ٢ ص ٧٠ ح ١٤٥١، سنن ابن ماجة: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٣٣٥، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤٥٢ ح ٣٥٦١، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٧٠٦ ح ٤٦٤٥ كلها عن أبي سعيد الخدري وأبي هريرة، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٨٤ ح ٢١٤٠٠؛ مجمع البيان: ج ٨ ص ٥٦١ عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٥١ ح ٤٤.

مواجه شدن با آنچه خدا بر او حرام کرده است، به یاد او باشد و آن حرام را وانهد».

۱۷۱. امام علی علیه السلام: نه خدای سبحان را با بی توجهی یاد کن و نه از او غافل شو و [به کلی] فراموشش کن؛ بلکه با تمام وجودت او را یاد کن، آن سان که دلت با زبانت هم‌نوا باشد و نهانت با آشکارت، سازگار. تو حقیقتاً به یاد خدا نخواهی بود، مگر آن گاه که خودت را در یادی که می‌گویی، از یاد ببری و در وقت ذکر گفتن، خویشتن را گم کنی [و فانی در مذکور شوی].

۲ / ۳

کسانی که یادکننده خدا به شمار می‌آیند

۱۷۲. امام علی علیه السلام: شنونده یاد خدا [نیز] یادکننده خداست.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

۱۷۳. امام باقر علیه السلام: هر مؤمنی که نماز واجب را پاس بدارد و آن را به وقتش بخواند، از غافلان نیست و اگر در آن نماز یکصد آیه بخواند، از یادکنندگان است.

۳ / ۳

کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می‌آیند

۱۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در شب، بیدار شود و همسرش را هم بیدار کند و هر دو، دو رکعت نماز بخوانند، در شمار مردان و زنانی نوشته می‌شوند که بسیار یاد خدا می‌کنند.^۱

١٧٥ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ فِي السِّرِّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا، إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَانُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ

عَلَانِيَةً وَلَا يَذْكُرُونَهُ فِي السِّرِّ، فَقَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^١.

١٧٦ . الإمام الصادق عليه السلام - حِينَ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾^٢ مَا هَذَا الذِّكْرُ

الكثير؟ - : مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ ﷻ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ.^٣

١٧٧ . عنه عليه السلام: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ﷻ مِنْ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا

كَثِيرًا﴾^٥.

١٧٨ . عنه عليه السلام: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ ﷻ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿مَا ذُكِرْتُمْ

أَذْكُرْكُمْ﴾^٦.

١٧٩ . عنه عليه السلام: مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ ﷻ، كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ^٨.

١٨٠ . تهذيب الأحكام عن ابن بكير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷻ: قَوْلُ اللَّهِ ﷻ: ﴿أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾

مرآة العقاب في شرح أخبار آل البيت

١ . النساء: ١٤٢.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠١ ح ٢، الدعوات: ص ٢٠ ح ١٤ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٤١.

٣ . الأحزاب: ٤١.

٤ . معاني الأخبار: ص ١٩٣ ح ٥ عن محمد بن مسلم، المقنعة: ص ١٤٠ وفيه من سبَّح في عقب كل فريضة تسبيح الزهراء فاطمة صلوات الله عليها...، مجمع البيان: ج ٨ ص ٥٦٨ عن زرارة وحميران ابني أعين، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٣١ ح ٨ و ص ٣٣٥ ح ٢٢.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٤ عن زرارة بن أعين، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٤٥٤ ح ١٥ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام.

٦ . البقرة: ١٥٢.

٧ . معاني الأخبار: ص ١٩٤ ح ٥ عن محمد بن مسلم، تفسير العياشي: ج ١ ص ٦٧ ح ١٢٢ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٥ ح ١٩.

٨ . مجمع البيان: ج ٨ ص ٥٦١، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ١٧٦ و ج ٨٥ ص ٣٣٥ ح ٢٢ و ج ٨٧ ص ١٧٤.

۱۷۵. امام علی علیه السلام: هر که خداوند تعالی را در نهان یاد کند، خدا را بسیار یاد کرده است. منافقان، خداوند را در آشکار، یاد می کردند؛ اما در نهان، یادش نمی کردند. پس خداوند تعالی فرمود: «و با مردم، ریا می کنند و خدای را یاد نمی کنند، مگر اندکی».

۱۷۶. امام صادق علیه السلام - در پاسخ این سؤال که: «یاد بسیار» در این سخن خداوند تعالی: «خدا را یاد کنید، یادی بسیار» چیست؟ - کسی که تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید، خدا را بسیار یاد کرده است.

۱۷۷. امام صادق علیه السلام: تسبیح فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام از جمله همان «یاد بسیار» است که خداوند تعالی فرموده: «خدا را یاد کنید، یادی بسیار».

۱۷۸. امام صادق علیه السلام: تسبیح فاطمه علیها السلام از جمله یاد بسیار خداست که خداوند تعالی فرموده: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».

۱۷۹. امام صادق علیه السلام: هر کس شب در هنگام خوابیدن، تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید، از شمار مردان و زنانی است که بسیار یاد خدا می گویند.

۱۸۰. تهذیب الأحکام - به نقل از ابن بکیر - به امام صادق علیه السلام گفتم: مقصود از «یاد بسیار»

ماذا الذكر الكثير؟

قال: أن يُسَبِّحَ في دُبُرِ المَكْتُوبَةِ ثلاثينَ مرَّةً.^١

١٨١. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ - إذا ذَكَرَ العَبْدُ رَبَّهُ في اليومِ مئةَ مرَّةٍ، كانَ ذلكَ كثيراً.^٢

راجع: ص ٢٦ (الحديث على كثرة الذكر).

٤ / ٣

مَنْ ذَكَرَ عِبَادَةَ

١٨٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: ذِكْرُ اللَّهِ عِبَادَةٌ، وَذِكْرِي عِبَادَةٌ، وَذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ، وَذِكْرُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةٌ.^٣



١٨٣. عنه عليه السلام: ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.^٤

١٨٤. عنه عليه السلام: ذِكْرُ الْأَنْبِيَاءِ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَذِكْرُ الصَّالِحِينَ كَفَّارَةٌ، وَذِكْرُ الْمَوْتِ صَدَقَةٌ، وَذِكْرُ الْقَبْرِ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ.^٥

١. تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٥، قرب الإسناد: ص ١٦٩ ح ٦٢١ وفيه ما أدنى من بدل «مناذاة» بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٤ ح ٢٥.

٢. النوادر للأشعري: ص ١٣٧ ح ٣٥٧ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٣٨.

٣. الاختصاص: ص ٢٢٤ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٣٧٠ ح ٢٣٤ وج ٩٤ ص ٦٩ ح ٥٨.

٤. الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٣١٥١، المناقب لابن المغازلي: ص ٢٠٦ ح ٢٤٣ كلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج ١١ ص ٦٠١ ح ٣٢٨٩٤؛ مائة منقبة: ص ١٢٣ ح ٦٨، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٢٠٢ كلاهما عن عائشة، بحار الأنوار: ج ٣٨ ص ١٩٩.

٥. كنز العمال: ج ١١ ص ٤٧٧ ح ٣٢٢٢٧ وج ١٥ ص ٨٦٤ ح ٤٣٤٣٨ كلاهما نقلاً عن الفردوس، و ص ٩١٨ ح ٢٣٥٨٤ نقلاً عن الديلمي نحوه وكلها عن معاذ بن جبل، كشف الخفاء: ج ١ ص ٤١٩ ح ١٣٤٥.

در این سخن خداوند ﷻ: «خدا را یاد کنید، یادی بسیار» چیست؟

فرمود: «این که در پایان نماز واجب، سی مرتبه سبحان الله بگوید».

۱۸۱. امام صادق ﷺ - در باره این سخن خداوند متعال: «خدا را یاد کنید، یادی بسیار» - هر گاه بنده در روز، صد مرتبه پروردگارش را یاد کند، این، همان [یاد] بسیار است.

ر.ک: ص ۲۷ (خدا را بسیار یاد کنید).

۳ / ۳

کسانی که یاد کردن از آنان عبادت است

۱۸۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ را یاد کردن، عبادت است. مرا یاد کردن، عبادت است.

علی را یاد کردن، عبادت است، و امامان از نسل او را یاد کردن، عبادت است.

مرکز تحقیقات و نشر معارف اسلامی

۱۸۳. پیامبر خدا ﷺ: علی را یاد کردن، عبادت است.

۱۸۴. پیامبر خدا ﷺ: یاد کردن از پیامبران، عبادت است. یاد کردن از نیکان، عبادت است.

یاد کردن از مرگ، صدقه است، و یاد کردن از قبر، شما را به بهشت، نزدیک

می کند.

١٨٥ . عنه عليه السلام: عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ ٢.

١٨٦ . الإمام علي عليه السلام - مِنْ كِتَابِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَأَهْلِ مِصْرَ لَمَّا وَلَّاهُ عَلَيْهِمْ - : يَا عِبَادَ اللَّهِ! إِنْ اتَّقَيْتُمْ اللَّهَ، وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ؛ فَقَدْ عَبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ، وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ، وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ، وَأَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، وَاجْتَهَدْتُمْ بِأَفْضَلِ الْإِجْتِهَادِ ٣.

١٨٧ . الإمام الصادق عليه السلام: شَيْعَتُنَا الرَّحْمَاءُ بَيْنَهُمْ، الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ، (إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ) ٤ إِنْذَا ذُكِرْنَا ذُكِرَ اللَّهُ، وَإِذَا ذُكِرَ عَدُوُّنَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ ٥.

١٨٨ . عنه عليه السلام - لِداوودَ بْنِ سِرْحَانَ - : يَا دَاوُودُ، أَبْلِغْ مَوَالِيَّ عَنِّي السَّلَامَ، وَأَنْيَ أَقُولُ: رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذَاكَرَا أَمْرَنَا، فَإِنَّ ثَلَاثَهُمَا مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا، وَمَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَيَّ ذِكْرَنَا إِلَّا بَاهَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ. فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاسْتَغْلُوا بِالذِّكْرِ؛ فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمُذَاكَرَتِكُمْ إِحْيَاءَنَا، وَخَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا، وَدَعَا إِلَيَّ ذِكْرَنَا ٦.

١ . في بحار الأنوار: «ينزل»، وما أثبتناه من كشف الخفاء.

٢ . بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٤٩ ح ١٥ نقلًا عن مجموعة بخط بعض الأفاضل، كشف الخفاء: ج ٢ ص ٧٠ ح ١٧٧٢.

٣ . الأمالي للمفيد: ص ٢٤٣ ح ٣، الأمالي للطوسي: ص ٢٧ ح ٣١ كلاهما عن أبي إسحاق الهمداني، تحف العقول: ص ١٧٨، بشارة المصطفى: ص ٤٥، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٤٤.

٤ . ما بين الهلالين لا يوجد في بحار الأنوار، والظاهر زيادته أو كونه نسخة بدل عما بعده.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ١٨٦ ح ١ عن علي بن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٢٥٨ ح ٥٥.

٦ . الأمالي للطوسي: ص ٢٢٤ ح ٣٩٠، بشارة المصطفى: ص ١١٠ وليس فيه «وما اجتمع اثنان علي ذكرنا إلا باهى الله تعالى بهما الملائكة» وكلاهما عن معتب مولى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٠ ح ٨ و ج ٧٤ ص ٣٥٤ ح ٣١.

۱۸۵. پیامبر خدا ﷺ: در هنگام یاد کردن از نیکان، رحمت نازل می‌شود.

۱۸۶. امام علی علیه السلام - از نامه ایشان به محمد بن ابی بکر و مردم مصر، آن گاه که او را به حکومت بر ایشان گماشت -: ای بندگان خدا! اگر از خدا پروا دارید و [حق و حرمت] خاندان پیامبرتان را نگه دارید، بی گمان، خدا را به بهترین وجه بندگی کرده‌اید و به بهترین وجه، یادش نموده‌اید و به بهترین وجه، سپاسش گفته‌اید و به برترین مرتبه شکیب و سپاس، دست یازیده‌اید و به برترین کار و تلاش پرداخته‌اید.

۱۸۷. امام صادق علیه السلام: شیعیان ما، با یکدیگر مهربان‌اند. آنان‌اند که در خلوت و تنهایی خویش، خدا را یاد می‌کنند. یاد کردن از ما، یاد کردن از خداست. هر گاه از ما یاد شود، از خدا یاد شده است و هر گاه از دشمن ما یاد شود، از شیطان، یاد شده است.

۱۸۸. امام صادق علیه السلام - به داوود بن سیرجان -: ای داوود! سلام مرا به دوستانم برسان و از قول من به آنان بگو: خدا رحمت کند آن بنده‌ای را که با دیگری گرد آید و از کار ما سخن بگویند؛ زیرا که سومین آن دو، فرشته‌ای است که برایشان آمرزش می‌طلبد! هرگز دو نفر با هم گرد نیامدند و از ما یاد نکردند، مگر آن که خداوند متعال، به آن دو، بر فرشتگان، مباحات کرد. پس هر گاه با هم جمع شدید، به یاد کردن [از ما] پردازید؛ زیرا در گردهمایی و گفتگوی شما، زنده شدن [یاد و نام و مکتب] ماست. بهترین مردمان، پس از ما، کسی است که در باره کار ما گفتگو کند و به یاد کردن از ما فرا بخواند.

القَصْدُ الرَّابِعُ أَقْسَامُ الذِّكْرِ

١ / ٢

الذِّكْرُ بِالسَّانِ الذِّكْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَعِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ

١٨٩ . رسول الله ﷺ: الذُّكْرُ ذِكْرَانِ: ذِكْرُ اللَّهِ بِالسَّانِ فَحَسَنٌ، وَذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ فَتَمْسِكُ نَفْسَكَ عَنْهُ فَذَلِكَ أَفْضَلُ. (١) *بإسناد صحيح*

١٩٠ . الإمام علي عليه السلام: الذُّكْرُ ذِكْرَانِ: ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزاً. ٢

١٩١ . عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : الذُّكْرُ ذِكْرَانِ: أَحَدُهُمَا ذِكْرُ اللَّهِ وَتَحْمِيدُهُ، فَمَا أَحْسَنُهُ وَأَعْظَمَ أَجْرَهُ! وَالثَّانِي ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ، وَهُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْأَوَّلِ. ٣

١ . الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٩ ح ٣١٧٢ عن أنس .

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٩٠ ح ١١، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٦، مشكاة الأنوار: ص ١١٢ ح ٢٥٨ كلها عن الأصمغ بن نباتة، تحف العقول: ص ٢١٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٤ ح ٤٣ .

٣ . شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٥ .

فصل چهارم اقسام یاد خدا

۱/۳

یاد کردن زبانی، یاد کردن در مصیبت، و یاد کردن در مواجهه با حرام های خدا

۱۸۹. پیامبر خدا ﷺ: یاد کردن [از خدا]، دو گونه است: یاد کردن از خدا با زبان، که خوب است؛ و به یاد خدا بودن در هنگام رو به رو شدن با آنچه بر تو حرام کرده است و خویشنداری از ارتکاب آن، که این، برتر است.

۱۹۰. امام علی علیه السلام: یاد کردن از خدا، دو گونه است: یاد خدا کردن در هنگام مصیبت، و از این برتر، یاد خدا کردن در هنگام رو به رو شدن با حرام های اوست؛ زیرا تو را از ارتکاب آنها باز می دارد.

۱۹۱. امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان -: یاد خدا، دو گونه است: یکی بردن نام خدا و ستودن اوست، و چه نیکوست این یاد و چه بزرگ است پاداش آن! و دوم، به یاد خدا بودن در هنگام مواجه شدن با آنچه خدا حرام کرده است، و این، برتر از اولی است.

٢ / ٤

ذِكْرُ خَالِصٍ فِي ذِكْرِ صَارِفٍ

١٩٢ . مصباح الشريعة - فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصَّادِقِ عليه السلام - : الذُّكْرُ ذِكْرَانِ : ذِكْرُ خَالِصٍ بِمُؤَافَقَةِ الْقَلْبِ ، وَذِكْرُ صَارِفٍ^١ يَنْفِي ذِكْرَ غَيْرِهِ . كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : إِنِّي لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ ؛ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ .

فَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَجْعَلْ لِذِكْرِهِ مِقْدَاراً عِنْدَ عِلْمِهِ بِحَقِيقَةِ سَابِقَةِ ذِكْرِ اللَّهِ ﷻ لَهُ مِنْ قَبْلِ ذِكْرِهِ لَهُ ، فَمَنْ دُونَهُ أَوْلَى . فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ الْعَبْدَ بِالتَّوْفِيقِ لِذِكْرِهِ ، لَا يَقْدِرُ الْعَبْدُ عَلَى ذِكْرِهِ^٢ .

٣ / ٤

الأذكار السبعة

١٩٣ . الخصال عن عبد الله بن حامد رفعه إلى بعض الصالحين عليه السلام : الذُّكْرُ مَقْسُومٌ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءَ : اللِّسَانِ ، وَالرُّوحِ ، وَالنَّفْسِ ، وَالْعَقْلِ ، وَالْمَعْرِفَةِ ، وَالسَّرِّ ، وَالْقَلْبِ . وَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا يَحْتَاجُ إِلَى الْإِسْتِقَامَةِ .

فَأَمَّا اسْتِقَامَةُ اللِّسَانِ فَصِدْقُ الْإِقْرَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الرُّوحِ صِدْقُ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْعَقْلِ صِدْقُ الْإِعْتِبَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْمَعْرِفَةِ صِدْقُ الْإِفْتِخَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ السَّرِّ السُّرُورُ بِعَالَمِ الْأَسْرَارِ ، وَاسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ صِدْقُ الْيَقِينِ وَمَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ .

فَذِكْرُ اللِّسَانِ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ ، وَذِكْرُ النَّفْسِ الْجَهْدُ وَالْعَنَاءُ ، وَذِكْرُ الرُّوحِ الْخَوْفُ

١ . في الطبعة المعتمدة : « وَذِكْرُ صَادِقٍ » ، وَالْأَصْحَحُ مَا أَثْبَتْنَاهُ كَمَا فِي نَسْخَةِ أُخْرَى وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ .

٢ . مصباح الشريعة : ص ٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٣ .

یاد کردن خالص و یاد کردن صارف

۱۹۲. مصباح الشریعة - در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است :-
یاد کردن از خدا، دو گونه است: یکی یاد کردن خالص که با دل، سازگار و همراه است؛ و دیگری یاد کردن صارف^۱ که یاد جز او را از دل می‌زداید، چنان که پیامبر خدا فرمود: «من، ثنای تو را شمارش نمی‌توانم کرد. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته‌ای».

بنا بر این [حتی] پیامبر خدا، برای یاد کردن از خداوند، حدی تعیین نکرد؛ چون به راستی می‌دانست که پیش از آن که او به یاد خدا باشد، خداوند تعالی به یاد او بوده و هست. پس دیگران به طریق اولی نمی‌توانند [برای یاد کردن از خدا، حدی تعیین کنند]. پس هر که می‌خواهد خدای متعال را یاد کند، باید بداند که اگر خداوند توفیق یاد کردن از خود را به بنده ندهد، بنده، قادر به یاد کردن از او نیست.



۳ / ۴
مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
هفت گونه یاد کردن

۱۹۳. الخصال - به نقل از عبد الله بن حامد، از یکی از اهل بیت علیهم السلام :- یاد [خدا] میان هفت عضو، تقسیم شده است: زبان، روان، نفس (تن)، خرد، شناخت، درون، و دل. و هر یک از اینها را درستی باید.
درستی زبان، به اقرار راستین است. درستی روان، به آمرزش خواهی راستین است. درستی نفس^۲، به پوزش خواهی راستین است. درستی خرد، به پند آموختن راستین است. درستی شناخت، به افتخار راستین است. درستی درون، به شاد بودن به جهان نهان‌هاست، و درستی دل، به یقین راستین و شناخت [خدای] جبار است.

۱. در باره ذکر صارف، رک: ص ۲۱ (پانوش ۲).

۲. به قرینه ذکر «استقامة القلب» در ادامه متن حدیث، یا باید این جا «النفس» باشد و در استنساخ، خطایی رخ داده باشد و یا مراد از «القلب»، همان نفس و جان باشد.

وَالرَّجَاءُ، وَذِكْرُ الْقَلْبِ الصُّدْقِ وَالصَّفَاءِ، وَذِكْرُ الْعَقْلِ التَّعْظِيمِ وَالْحَيَاءِ، وَذِكْرُ الْمَعْرِفَةِ
التَّسْلِيمِ وَالرِّضَاءِ، وَذِكْرُ السِّرِّ عَلَى رُؤْيَةِ اللَّقَاءِ ١.

٣ / ٤

الذِّكْرُ الْخَفِيُّ

الكتاب

﴿وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ
الْغَافِلِينَ﴾ ٢.

الحديث

١٩٢ . الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: لَا يَكْتُبُ الْمَلِكُ إِلَّا مَا سَمِعَ، وَقَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَأَذْكُرُ رَبِّكَ
فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً﴾ فَلَا يَعْلَمُ ثَوَابَ ذَلِكَ الذِّكْرِ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ غَيْرُ اللَّهِ ﷻ
لِعَظَمَتِهِ ٣.

١٩٥ . رسول الله ﷺ: ﴿وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ﴾ يَعْنِي مُسْتَكِينًا ﴿وَخِيفَةً﴾ يَعْنِي خَوْفًا مِنْ عَذَابِهِ
﴿وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ﴾ يَعْنِي دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقِرَاءَةِ ﴿بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ يَعْنِي بِالْغَدَاةِ
وَالْعِشِيِّ ٥.

١ . في مشكاة الأنوار: «وذكر السر الروية واللقاء».

٢ . الخصال: ص ٤٠٤، مشكاة الأنوار: ص ١١٣ ح ٢٤١، روضة الواعظين: ص ٤٢٧، بحار الأنوار: ج ٩٣
ص ١٥٣ ح ١٤.

٣ . الأعراف: ٢٠٥.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٢ ح ٤، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٣ ح ١٤٤ وليس فيه «لعظمته»، عذة الداعي:
ص ٢٤٤، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٤٤ ح ١٣٤ وفيه «اسمع نفسه» بدل «سمع» وكلها عن زرارة، بحار الأنوار:
ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٦ و ص ٣٤٢ ح ١١.

٥ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ٤٤ ح ١٣٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٩ ح ٣٧.

پس، یاد کردن به زبان، ستایش و تمجید [خدا] است و یاد کردن به نفس
(/تن)، کوشش و رنج بردن است و یاد کردن به روان، بیم و امید است و یاد
کردن به دل، راستی و یکدلی است و یاد کردن به خرد، بزرگداشت و شرم [از
خدا] است و یاد کردن به شناخت، گردن نهادن و خرسندی است و یاد کردن به
درون، دیدار [و] ملاقات اوست.

۴ / ۳

یاد کردن نهانی

قرآن

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان، با زاری و ترس و بی صدای بلند، یاد

کن و از غافلان مباش.»

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

حدیث

۱۹۴. امام باقر یا امام صادق علیه السلام: فرشته، جز آنچه را می شنود، نمی نویسد، و خداوند تعالی

فرموده است: «و پروردگارت را در دل خویش با زاری و ترس، یاد کن.» پس

[اندازه] پاداش این یاد کردن درونی آدمی را به خاطر عظمتی که دارد، کسی جز

خداوند تعالی نمی داند.

۱۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «و پروردگارت را در دل خویش با تضرع، یاد کن» یعنی با حال

خواری «و ترس»، یعنی ترس از عذاب او، «و بی صدای بلند»، یعنی آهسته تر

از قرائت، «در بامدادان و شامگاهان»، یعنی در صبح و شب.

١٩٦ . الكافي عن العلاء بن كامل: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» عِنْدَ الْمَسَاءِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

قَالَ: قُلْتُ: بِبَيْدِهِ الْخَيْرُ!

قال: إِنَّ بَيْدِهِ الْخَيْرَ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ، عَشْرَ مَرَّاتٍ، و«أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ» حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَحِينَ تَغْرُبُ، عَشْرَ مَرَّاتٍ^١.

١٩٧ . الأمامي للطوسي عن أبي ذر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَذْكُرُ اللَّهَ ذِكْرًا خَامِلًا. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الذُّكْرُ الْخَامِلُ؟ قَالَ: الذُّكْرُ الْخَفِيُّ^٢.

١٩٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الذُّكْرِ الْخَفِيُّ^٣.

١٩٩ . عنه صلى الله عليه وآله: الذُّكْرُ^٤ الَّذِي لَا يَسْمَعُهُ الْخَفِظَةُ يُزِيدُ عَلَى الذُّكْرِ الَّذِي يَسْمَعُهُ الْخَفِظَةُ سَبْعِينَ ضِعْفًا^٥.

٢٠٠ . مسند أبي يعلى عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُفْضِلُ الذُّكْرَ الْخَفِيَّ الَّذِي لَا يَسْمَعُهُ

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢٧ ح ١٧، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٤٥ ح ١٣٦ عن الحسين بن المختار وزاد فيه «من همزات الشياطين، وأعوذ بك رب أن يحضرون، إن الله هو السميع العليم، عشر مرات» بعد «العليم»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦١ ح ٣٠.

٢ . الأمامي للطوسي: ص ٥٣٠ ح ١١٦٢، عدة الداعي: ص ٢٤٣، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٤٢ ح ١١١؛ الزهد لابن المبارك: ص ٥٠ ح ١٥٥ عن ضمرة بن حبيب، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٧.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٦٤ ح ١٤٧٧ وص ٣٨١ ح ١٥٥٩، مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٣٤٥ ح ٧٢٧، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٧ ح ٥٥٢ كلها عن سعد بن مالك وح ٥٥٤، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٩١ ح ٨٠٩ كلاهما عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٧ ح ١٧٧١.

٤ . في الفردوس: «الذكر الخفي الذي...».

٥ . شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٧ ح ٥٥٥، الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٩ ح ٣١٧٠ كلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٥٠ وص ٤٤٧ ح ١٩٢٩.

۱۹۶. الکافی - به نقل از علاء بن کامل :- از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «در هنگام شب، پروردگارت را در دل خویش، با زاری و ترس و بی صدای بلند، یاد کن» [و بگو]: «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او بر هر چیزی تواناست».

من گفتم: خیر، در دست اوست^۱.

فرمود: «البته که خیر، در دست اوست؛ اما چنان که به تو گفتم، بگو. ده بار [این جملات را بگو] و نیز هنگام طلوع و غروب خورشید، ده بار [بگو]: "به خدای شنوای دانا پناه می برم"».

۱۹۷. الأمالی، طوسی - به نقل از ابو ذر - پیامبر خدا فرمود: «ای ابو ذر! خدا را با یاد حامل، یاد کن».

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

گفتم: یاد حامل چیست؟

فرمود: «یاد کردن نهانی».

۱۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین یاد کردن [از خدا]، یاد کردن نهانی است.

۱۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کردن نهانی [از خدا] که [حتی] فرشتگان نگهبان [انسان]، آن را نشنوند، هفتاد بار بهتر از آن یاد کردنی است که فرشتگان نگهبان بشنوند.

۲۰۰. مُسْنَدُ أَبِي يَعْنَى - به نقل از عایشه :- پیامبر خدا، یاد کردن نهانی را که [حتی] فرشتگان نگهبان آن را نمی شنوند، هفتاد بار [بر یاد کردن آشکار از خدا] برتری

۱ - یعنی: این جمله را بر سخن امام علیه السلام افزودم.

الْحَفِظَةُ سَبْعِينَ ضِعْفًا فَيَقُولُ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَجَمَعَ اللَّهُ الْخَلَائِقَ لِحِسَابِهِمْ، وَجَاءَتِ الْحَفِظَةُ بِمَا حَفِظُوا وَكَتَبُوا، قَالَ اللَّهُ لَهُمْ: أَنْظَرُوا هَلْ بَقِيَ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ؟ فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا مَا تَرَكْنَا شَيْئًا مِمَّا عَلِمْنَا وَحَفِظْنَاهُ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَيْنَاهُ وَكَتَبْنَاهُ!

فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ: إِنَّ لَكَ عِنْدِي خَبْرًا لَا تَعْلَمُهُ وَأَنَا أَجْزِيكَ بِهِ؛ وَهُوَ

الذُّكْرُ الْخَفِيُّ ٢.

٢٠١. رسول الله ﷺ: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَكَتُوا فَكَانَ سُكُوتُهُمْ ذِكْرًا، وَنَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً،

وَنَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً ٣.

٢٠٢. الإمام علي عليه السلام - في صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - : حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ، وَبِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ... قَلْبُهُ بِذِكْرِ اللَّهِ

مَعْمُورٌ ٢.

راجع: ص ١٩٠ (أهم مواطن الذكر / عند الخلوة)

وص ٢١٢ ح ٢٥٥ - ٢٦٠.



مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی

الذُّكْرُ الْخَفِيُّ

٢٠٣. الإمام علي عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ شَغَلَ قَلْبَهُ بِالْفِكْرِ، وَلِسَانَهُ بِالذُّكْرِ ٥.

٢٠٤. عنه عليه السلام: إِشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِالطَّاعَةِ، وَالسِّتِّكُمْ بِالذُّكْرِ، وَقُلُوبَكُمْ بِالرِّضَا فِيمَا أَحْبَبْتُمْ

١. النُّبَاءُ: الْمُدَّخِرُ (المعجم الوسيط: ج ١ ص ٢١٣ «خبأ»).

٢. مسند أبي يعلى (طبعة دار الثقافة العربية): ج ٨ ص ١٨٢ ح ٤٧٣٨.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٢٥ عن عيسى النهريري عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص ٣٨٠

ح ٤٨٢ عن عيسى النهريري عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٢٢ ح ٦١٥

وفيها بزيادة «فكراً وتكلموا فكان كلامهم» بعد «سكوتهم»، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٨٨ ح ٢٣.

٤. تذكرة الخواص: ص ١٣٨ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٧٣ ح ٤١.

٥. غرر الحكم: ح ٥٩٤٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٩٩.

می‌داد و می‌فرمود: «چون روز قیامت شود و خداوند، خلاق را برای حسابرسی گرد آورد و فرشتگان نگهبان، آنچه را حفظ کرده‌اند و نوشته‌اند، بیاورند، خداوند به ایشان می‌فرماید: «ببینید آیا چیزی از [اعمال] او باقی مانده است؟». آنان می‌گویند: ای پروردگار ما! هر آنچه از او داشته‌ایم و حفظ کرده‌ایم، شمارش کرده و نوشته‌ایم.

پس خداوند - تبارک و تعالی - به او می‌گوید: «تو در نزد من، اندوخته‌ای داری که خودت از آن، بی‌خبری و برای آن، پاداشت می‌دهم، و آن، یاد کردن نهانی است».

۲۰۱. پیامبر خدا ﷺ: اولیای خدا، سکوت می‌کنند و سکوتشان یاد [خدا] است، و می‌نگرند و نگرستنشان توأم با عبرت آموختن است، و سخن می‌گویند و سخنشان حکمت است. مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی

۲۰۲. امام علی علیه السلام - در توصیف مؤمن - : اندوه او در دلش است و شادی او در چهره‌اش دل او به یاد خدا، آباد است.

ر.ک: ص ۱۹۱ (مهم‌ترین اوقات یاد خدا / در تنهایی) و ص ۲۱۵ ح ۳۵۵ - ۳۶۰.

۵/۳

یاد کردن آثار

۲۰۳. امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که دلش را به اندیشیدن، مشغول داشت و زبانش را به یاد خدا.

۲۰۴. امام علی علیه السلام: جان‌های خویش را به طاعت، مشغول دارید و زبان‌هایتان را به ذکر

وگرهتّم ١.

٢٠٥ . عنه عليه السلام: لِيَكُنْ جُلُّ كَلَامِكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ عليه السلام.^٢

٢٠٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَبْخَلِ النَّاسِ، وَأَكْسَلِ النَّاسِ، وَأَسْرَقِ النَّاسِ

أَمَّا أَكْسَلُ النَّاسِ: فَعَبْدٌ صَحِيحٌ فَارِعٌ لَا يَذْكُرُ اللَّهَ بِشَفَقَةٍ وَلَا بِلِسَانٍ.^٣

٢٠٧ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيهَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ بِهِ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ عليه السلام:

... يَا عِيسَىٰ، أَحْيِ ذِكْرِي بِلِسَانِكَ، وَلِيَكُنْ وُدِّي فِي قَلْبِكَ

يَا عِيسَىٰ، إِيكَ عَلَىٰ نَفْسِكَ فِي الصَّلَاةِ، وَأَنْقُلْ قَدَمَيْكَ إِلَىٰ مَوَاضِعِ الصَّلَوَاتِ،

وَأَسْمِعْنِي لَذَاذَةَ نُطْقِكَ بِذِكْرِي، فَإِنَّ صَنِيعِي إِلَيْكَ حَسَنٌ.^٤

٢٠٨ . الإمام علي عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كَمِيلٍ -: وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً^٥، وَ

قَلْبِي بِحُبِّكَ مَتِيماً^٦.

٢٠٩ . الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي الدُّعَاءِ -: وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ

١ . غرر الحكم: ح ٢٤٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٧ ح ٢٠٨٠.

٢ . الخصال: ص ٦٢٠ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١١٠، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٩٩ ح ١.

٣ . عدة الداعي: ص ٣٤، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٧، إرشاد القلوب: ص ٨٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٠٢ ح ٣٩.

٤ . الأمالي للصدوق: ص ٦٠٧ ح ٨٤١ عن أبي بصير، الكافي: ج ٨ ص ١٣٢ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٣٨، تحف العقول: ص ٤٩٧ وفيها «الخلوات» بدل «الصلاة»، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٠ ح ١٤.

٥ . لهج بالشئ: إذا ولى به (النهاية: ج ٤ ص ٢٨١ «لهج»).

٦ . متيم: أي معتمد مدلل. وتيمه الحب: إذا استولى عليه (النهاية: ج ١ ص ٢٠٣ «تيم»).

٧ . مصباح المتهجد: ص ٨٥٠ ح ٩١٠، الإقبال: ج ٣ ص ٢٣٧ كلاهما عن كميل، المصباح للكفعمي: ص ٧٤٣، البلد الأمين: ص ١٩١.

و دل‌هایتان را به رضایت از آنچه خوش دارید و خوش نمی‌دارید.

۲۰۵. امام علی علیه السلام: باید بیشترین گفتار شما، یاد خداوند تعالی باشد.

۲۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا بخیل‌ترین و تنبل‌ترین و دزدترین مردم را به شما شناسانم؟ ...

تنبل‌ترین مردم، آن بنده تن‌درست و پیکاری است که با لب و زبان، ذکر خدا نگوید.

۲۰۷. امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند - تبارک و تعالی - به عیسی بن مریم علیه السلام

این بود که: «... ای عیسی! یاد مرا با زبانت، زنده بدار و محبتم را در دلت بدار...»

ای عیسی! در نماز، بر حال خویشتن، گریه کن و به سوی جایگاه‌های نماز،

گام بردار و لذت زبان گشودنت به یاد مرا به من بشنوان؛ چرا که من با تو نیکی

کرده‌ام.»

۲۰۸. امام علی علیه السلام - از دعای ایشان معروف به «دعای کمیل» - : زبانم را پیوسته به یاد

خودت، گویا کن و دلم را اسیر محبت گردان.

۲۰۹. امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - : زبانم را به ستایش و سپاس و یاد و ثناگویی

عَلَيْكَ لِسَانِي ١.

٢١٠ . الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالنُّورَ

فِي بَصْرِي، وَالتَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَيَّ لِسَانِي ٢.

٢١١ . عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَاليَقِينَ فِي قَلْبِي،

وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَيَّ لِسَانِي،

وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ٣.

راجع: ص ٣٢ (الحث على ذكر الله في كل حال).



مركز تحقيقات كميبيوتر علوم إسلامي

١ . الصحيفة السجادية: ص ٩٨ الدعاء ٢٣.

٢ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٥ ح ٢٣٣، المقنعة: ص ١٧٦، مصباح المتهجد: ص ٥٤٧ ح ٦٣٧، الإقبال: ج ١

ص ١٠١، المصباح للكفعمي: ص ٧٥٢، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٢٧٤ ح ١.

٣ . فلاح السائل: ص ٢٥١ ح ١٥٣ عن وهب بن عبد ربه، جمال الأسبوع: ص ١٣٦ عن أبي بصير، الإقبال: ج ٢

ص ٢٣٠، العدد القوية: ص ٣٢٢ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، المناقب لابن

شهر آشوب: ج ٢ ص ٢٨٧ عن الإمام علي عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦ ح ٦

شایسته‌ات، گویا کن.

۲۱۰. امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و در دلم یقین، و در دیده‌ام روشنایی، و در سینه‌ام خلوص قرار بده و زبانم را شب و روز به یاد خودت گویا ساز.

۲۱۱. امام صادق علیه السلام: بار خدایا! در نگاهم روشنایی، و در دینم بینش، و در دلم یقین، و در کردارم اخلاص، و در روزی‌ام گشایش قرار ده و زبانم را شب و روز به یاد خودت گویا گردان و همواره تا زنده‌ام، مرا سپاس‌گزار خودت بدار.

و.ک: ص ۴۲ (ترغیب به یاد خدا بر همه احوال).



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الفصل الخامس

أسباب الذكر

١ / ٥

المعرفة

- ٢١٢ . الإمام علي عليه السلام: سَهَرُ الْعْيُونِ بِذِكْرِ اللَّهِ خُلْصَانُ الْعَارِفِينَ، وَحُلْوَانُ الْمُقَرَّبِينَ.^١
٢١٣ . إرشاد القلوب: كَانَ مَعًا نَاجِيٌ بِهِ الْبَارِي تَعَالَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَا دَاوُودُ، إِنَّ الْعَارِفِينَ كَحَلْوَا أَعْيُنُهُمْ بِمَرُودِ الشَّهْرِ، وَقَامُوا لَيْلَهُمْ يَسْهَرُونَ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ مَرْضَاتِي.^٢

٢ / ٥

المحبة

- ٢١٤ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ.^٣
٢١٥ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : حُبُّ اللَّهِ إِذَا أَضَاءَ عَلَيَّ سِرُّ عَبْدٍ أَخْلَاهُ عَن كُلِّ شَاغِلٍ، وَكُلُّ ذِكْرٍ سِوَى اللَّهِ تَعَالَى ظُلْمَةٌ.^٤

١ . غرر الحكم: ح ٥٦١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٦ ح ٥١٦٣ وفيه «ودأب» بدل «وحلوان».

٢ . الميزود: العليل الذي يكتحل به (ناج العروس: ج ٤ ص ٢٦٦ «رود»).

٣ . إرشاد القلوب: ص ٨٦.

٤ . غرر الحكم: ح ٧٨٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٣ ح ٨١١٨.

٥ . مصباح الشريعة: ص ٥٢١، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٣ ح ٢٣.

فصل پنجم

عوامل یاد خدا

۱/۵

شناخت

۲۱۲. امام علی علیه السلام: شب زنده داری با یاد خدا، بار دمساز عارفان و شیرینی مقربان است.

۲۱۳. إرشاد القلوب: از جمله نجواهای آفریدگار بزرگ با داود علیه السلام این بود که: «... ای

داوود! عارفان، چشمان خود را با میل شب زنده داری، سر مه می کشند و

شب هایشان را نمی خوابند و با این کار، خشنودی مرا می طلبند».

۲/۵

دوست داشتن

۲۱۴. امام علی علیه السلام: هر که چیزی را دوست بدارد، نام آن، همواره ورد زبانش می شود.

۲۱۵. مصباح الشریعة - در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : عشق به

خدا، هر گاه درون بنده ای را روشن گرداند، او را از هر هوسی تهی می کند. هر

یادی جز یاد خداوند بزرگ، تاریکی است.

٣ / ٥

الإلهام

٢١٦ . رسول الله ﷺ: ما من يوم ولا ليلة ولا ساعة إلا والله فيه صدقة يمنُّ بها على من يشاء من عباده، وما من الله تعالى على عباده بمثل أن يلهمهم ذكره.^١

٢١٧ . الإمام علي عليه السلام: الذكر ليس من مراسم اللسان، ولا من مناسم الفكر، ولكنَّه أوَّل من المذكور، وثانٍ من الذَّاكِر.^٢

٢١٨ . عنه عليه السلام: اللهمَّ إني أتقربُ إليك بِذِكْرِكَ، وأستشفعُ بك إلى نفسك، وأسألك بِجودِكَ أن تُدبِّتني من قُربِكَ، وأن تُوزعني شُكْرَكَ، وأن تُلهمني ذِكْرَكَ.^٣

٢١٩ . الإمام علي عليه السلام: إلهي، وألهمني وألهأ بِذِكْرِكَ إلى ذِكْرِكَ.^٤

٢٢٠ . الإمام زين العابدين عليه السلام - في المناجاة الإنجيلية - : سيدي، قد ذكرك بِالذِّكر الذي ألهمتنيهِ.^٥

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

٢٢١ . عنه عليه السلام: إلهي، فأجعلنا ممن ... ألهمته ذِكْرَكَ، وأوزعته شُكْرَكَ.^٦

- ١ . تفسير القرطبي: ج ٩ ص ٣٢٧، الدر المنثور: ج ١ ص ٣٤٣ نقلاً عن ابن أبي الدنيا، كنز العمال: ج ٧ ص ٨٠٨ ح ٢١٥١٠ نقلاً عن البزار وكلها عن أبي ذر وص ٨٠٩ ح ٢١٥١١ نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء.
- ٢ . المناسم: المذهب والوجه منه (لسان العرب: ج ١٢ ص ٥٧٦ «نسم»).
- والمراد أن الله تعالى هو الذي يوفق العبد ويهتئ له أسباب الذكر، فالذكر أولاً من الله، وثانياً من العبد الذي يباشر الذكر ويظهره على لسانه، كما أشير إليه في ذيل الحديث.
- ٣ . غرر الحكم: ح ٢٠٩١.
- ٤ . مصباح المنهجد: ص ٨٤٥ ح ٩١٠، الإقبال: ج ٣ ص ٣٣٢ كلاهما عن كميل، المصباح للكفعمي: ص ٧٣٨، البلد الأمين: ص ١٨٨.
- ٥ . الإقبال: ج ٣ ص ٢٩٨ عن ابن خالويه، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٨ ح ١٣ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.
- ٦ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٦٧ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.
- ٧ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٤٨ ح ٢١ نقلاً عن بعض الكتب.

۳/۵

الهام

۲۱۶. پیامبر خدا ﷺ: هیچ روز و شبی و ساعتی نیست، مگر این که خداوند در آن، صدقه‌ای دارد و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، عطا می‌کند و خداوند متعال به بندگانش، چیزی چونان الهام کردن یادش عطا نکرده است.

۲۱۷. امام علی ﷺ: خدا را یاد کردن، نه از آداب زبان است و نه از راه‌های اندیشه؛ بلکه نخست از یاد شونده (خدا) است و سپس از یاد کننده.^۱

۲۱۸. امام علی ﷺ: بار خدایا! با یاد تو، به درگاه تو تقرّب می‌جویم و تو را شفیع خویش در پیشگاهت قرار می‌دهم و به بخشندگی ات، از تو می‌خواهم که مرا به مقام قُرْبَت نزدیک گردانی و سپاس‌گزاری از خودت را در دلم افکنی و یاد خودت را به من الهام فرمایی.

۲۱۹. امام علی ﷺ: معبودا! شیفگی یاد پیاپی خودت را در دلم افکن.

۲۲۰. امام زین العابدین ﷺ - در «مناجات انجیلیه» - : آقای من! با یادی که تو آن را به من الهام فرمودی، یاد تو کردم.

۲۲۱. امام زین العابدین ﷺ: معبودا! ما را از کسانی قرار ده... که یادت را به آنان الهام فرمودی و سپاس‌گزاری از خودت را در دل آنان افکندی.

۱. یعنی این، خداوند متعال است که به بنده توفیق می‌دهد و اسباب یاد خود را برای بنده فراهم می‌آورد. پس ذکر، در مرتبه اول، از جانب خود خداست و سپس از بنده که به آن می‌پردازد و بر زبانش می‌آورد.

٢٢٢ . عنه عليه السلام - في مُتَاجَاةِ الذَّاكِرِينَ - : إلهي ، فَأَلْهِمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْعَلَاءِ ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ .^٢

٢٢٣ . عنه عليه السلام - في مُتَاجَاةِ الْعَارِفِينَ - : إلهي ، مَا أَلَدَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَيَّ الْقُلُوبِ !^٣

٢٢٤ . عنه عليه السلام - في زِيَارَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْمَعْرُوفَةِ بِزِيَارَةِ أَمِينِ اللَّهِ - : اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ ، مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ .^٤

٤ / ٥

ذِكْرُ الْقَبْرِ

٢٢٥ . سعد السعود: مِنْ زَبُورِ دَاوُدَ عليه السلام ... : لَوْ تَفَكَّرْتُمْ فِي خُشُونَةِ الثَّرَى^٥ ، وَوَحْشَةِ الْقَبْرِ وَظُلْمَتِهِ ، لَقَلَّ كَلَامُكُمْ ، وَكَثُرَ ذِكْرُكُمْ وَاسْتِغْثَالُكُمْ لِي .^٦

مرکز تحقیقات اسلامی ٥ / ٥

الْعَمَلُ بِرِضَاةِ اللَّهِ

٢٢٦ . الإمام علي عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم - : قَالَ اللَّهُ تعالى : ... مَنْ عَمِلَ بِرِضَائِي

١ . كذا ، والمنصوص عليه في اللغة : «الخلاء» .

٢ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥١ ح ٢١ نقلاً عن بعض الكتب .

٣ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥١ ح ٢١ نقلاً عن بعض الكتب .

٤ . كامل الزيارات: ص ٩٢ ح ٩٣ عن أبي علي مهدي بن صدقة الرقي عن الإمام الرضا عن أبيه عليه السلام ، مصباح

المتنهجد: ص ٧٣٨ ح ٨٢٩ ، الإقبال: ج ٢ ص ٢٧٣ ، المزار للشهيد الأول: ص ١١٥ والثلاثة الأخيرة عن جابر

الجعفي ، المصباح للكفعمي: ص ٦٣٩ والأربعة الأخيرة عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ١٠٠

ص ٢٦٤ ح ٢ .

٥ . في المصدر: «خشوفة الثرى» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٦ . سعد السعود: ص ٤٧ ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٤ .

۲۲۲ . امام زین العابدین علیه السلام - در «مناجات ذاکران» - : معبودا! یاد خودت را در تنهایی و در میان جمع، و در شب و روز، و در آشکار و نهان، و در آسایش و سختی به ما الهام فرما.

۲۲۳ . امام زین العابدین علیه السلام - در «مناجات عارفان» - : معبودا! چه لذتبخش است گذر نام و یاد تو بر دلها!

۲۲۴ . امام زین العابدین علیه السلام - در زیارت امیر مؤمنان علیه السلام، معروف به «زیارت امین الله» - : بار خدایا! جان مرا به تقدیرت مطمئن، به قضایت خرسند، و به یاد و مناجاتت آزمند گردان.



مرکز تحقیق و پژوهش
در یاد آوردن قرآنی

۲۲۵ . سعد السعود: از زبور داوود علیه السلام ... است که: «اگر در باره درشتی خاک [گور] و تنهایی و تاریکی قبر می اندیشیدید، بی گمان، کمتر سخن می گفتید و بیشتر مرا یاد می کردید و به من سرگرم می شدید».

۵/۵

کار کردن برای خشنودی خدا

۲۲۶ . امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : خداوند تعالی فرمود: «... هر کس برای خشنودی من کار کند، سه ویژگی را به او می دهم: شُکری را به او

الزُّمَةُ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَعْرَفُهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ، وَذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النُّسْيَانُ، وَمَحَبَّةً لَا يُؤَثِّرُ عَلَيَّ مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ.^١

٦ / ٥

تِلْكَ الْخِصَالُ

٢٢٧ . الإمام علي عليه السلام - في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله وسلم - : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: ... إلهي كيف أزهّد في الدنيا؟

فَقَالَ: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا حَفْنًا^٢ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَاللِّبَاسِ، وَلَا تَدَّخِرْ لِنَفْسِكَ، وَدُمَّ عَلَيَّ ذِكْرِي.

فَقَالَ: يَا رَبِّ كَيْفَ أَدومُ عَلَيَّ ذِكْرَكَ؟
فَقَالَ: بِالْخَلْوَةِ عَنِ النَّاسِ، وَبُغْضِكَ الْخُلُوفِ وَالْحَامِضِ، وَفَرَاغِ بَطْنِكَ وَبَيْتِكَ مِنَ الدُّنْيَا.^٣

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١ . إرشاد القلوب: ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٨ ح ٦

٢ . حَفْنَةٌ لِفُلَانٍ حَفْنَةٌ: أُعْطِيَ قَلِيلًا (المصباح: ج ٥ ص ١٠٢ - حفنه).

٣ . إرشاد القلوب: ص ١٩٩، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١ ح ٦

عوامل یاد خدا ۱۴۱

می شناسانم که جهل با آن آمیخته نباشد، یادی را به او می شناسانم که فراموشی با آن نباشد، و محبتی را به او می شناسانم که هیچ گاه محبت به مخلوق را بر محبت من برنگزیند».

۶/۵ چند عامل دیگر

۲۲۷. امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : در شب معراج، پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند

سبحان پرسید: ... معبودا! چگونه به دنیا زهد ورزم؟

فرمود: «از دنیا، مستی غذا و آب و لباس برگیر و [چیزی] برای فردا ذخیره

مکن و بر یاد من، مداومت کن».

[پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت: پروردگارا! چگونه بر یاد تو مداومت ورزم؟

فرمود: «با خلوت گزیدن از مردم، و خوش نداشتن شیرین و ترش، و نهی

داشتن شکم و خانهات از دنیا».

الفصل السادس

آفات الذكر

١ / ٦

وسوسة الشيطان

الكتاب

«أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^١

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»^٢

الحديث

٢٢٨ . الإمام علي عليه السلام: كُلُّ مَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ إِبْلِيسَ.^٣

٢٢٩ . عنه عليه السلام: كُلُّ مَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ.^٤

١ . المجادلة: ١٩.

٢ . المائدة: ٩١.

٣ . تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٧٠.

٤ . الأمالي للطوسي: ص ٣٣٦ ح ٦٨١ عن عبد الله بن علي عن الإمام الرضا عن أبيه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣

ص ١٥٧ ح ٢.

فصل ششم

آفت های یاد خدا

۱/۶
وسوسه شیطان

قرآن

«شیطان، بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است. آنان، حزب شیطان اند. آگاه باش

که حزب شیطان، همان زیانکاران اند.»

«همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار (بُرد و باخت)، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و

شما را از یاد خدا و از نماز، باز دارد. پس آیا شما دست بر می دارید؟»

حدیث

۲۲۸ . امام علی علیه السلام: هر آنچه از یاد خدا غافل گرداند، از ابلیس است.

۲۲۹ . امام علی علیه السلام: هر آنچه از یاد خدا غافل گرداند، از بُرد و باخت است.

٢٣٠ . الإمام الصادق عليه السلام: مَا اجْتَمَعَ مِنْ أَصْحَابِنَا جَمَاعَةً فِي ذِكْرِ اللَّهِ أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ ذِكْرِنَا، إِلَّا بَعَثَ إِبْلِيسُ شَيْطَانًا فِي عُنُقِهِ شَرِيطٌ لِيُفَرِّقَ جَمَاعَتَهُمْ.^١

٢٣١ . عنه عليه السلام: مَا قَعَدَ قَوْمٌ قَطُّ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى، إِلَّا بَعَثَ إِلَيْهِمْ إِبْلِيسُ شَيْطَانًا يَقَطِّعُ حَدِيثَهُمْ عَلَيْهِمْ.^٢

٢ / ٦

العالم المفتون بالدنيا

٢٣٢ . الإمام الكاظم عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: قُلْ لِعِبَادِي لَا يَجْعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا؛ فَيَصُدُّهُمْ عَنِ ذِكْرِي وَعَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي، أَوْلَيْكَ قُطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي، إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ.^٣

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

٣ / ٦

حُبُّ الدُّنْيَا

الكتاب

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتِلْهَكُمْ ءَامُولَكُمْ وَلَا ءَوْلَادَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ﴾.^٤

١ . شرح الأخبار: ج ٣ ص ٤٥٩ ح ١٣٤٤ عن علي بن حمزة.

٢ . تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٩ عن هشام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠ ح ٤٠ نقلاً عن الأمالي للطوسي عن هشام بن سالم.

٣ . تحف العقول: ص ٣٩٧ عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣١٢ ح ١.

٤ . المنافقون: ٩.

۲۳۰. امام صادق علیه السلام: هیچ گاه گروهی از یاران ما برای یاد کردن از خدا یا برای یاد کردن از ما گرد نمی‌آیند، مگر آن که ابلیس، شیطانی شلاق به گردن را می‌فرستد تا جمع آنان را بپراکند.

۲۳۱. امام صادق علیه السلام: هرگز عده‌ای برای یاد کردن از خداوند متعال گرد هم نمی‌نشینند، مگر آن که ابلیس، شیطانی نزد آنان می‌فرستد تا رشته سخن آنان را قطع کند.

۲/۶

عالم فریفته دنیا

۲۳۲. امام کاظم علیه السلام: خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود: «به بندگانم بگو که: عالم فریفته دنیایی را میان من و خود، قرار ندهند؛ چرا که آنان را از یاد من و از راه محبت من و راز و نیاز با من، باز می‌دارد. اینان، راهزنان بندگان من هستند. کمترین کاری که من با ایشان می‌کنم، این است که شیرینی محبتم و راز و نیاز با خودم را از دل‌هایشان می‌گیرم».

۳/۶

دنیادوستی

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [زنهار] اموال شما و فرزندان شما، شما را از یاد خدا غافل نگردانند و کسانی که چنین کنند، آنان، زیانکاران اند».

﴿فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ بَعْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾^١.

راجع: سورة ص، الآية ٣٢.

الحديث

٢٣٣ . الإمام الصادق عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ وَدَاعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام - : اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَلَا بِإِكْثَارِ فِيهَا فَتُلْهِمَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا، وَتَفْتِنَنِي زَهْرَتُهَا^٢.

٤ / ٦

سَوْءُ الْعَمَلِ

الكتاب

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ^٣ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾^٤.

الحديث

٢٣٣ . الإمام علي عليه السلام : مَنْ صَلَّى بِالْإِثْمِ، عَشِيَ^٥ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ^٦.

١ . النجم : ٢٩ .

٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٩٨ ح ٣٢٠٠، كامل الزيارات: ص ٤٣٦ ح ٦٦٩ كلاهما عن يوسف الكتاسي وص ٤٣٩ ح ٦٧٠ عن أبي حمزة الثمالي نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٢٨١ ح ١ وراجع تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٦٨ ح ١٩ والمزار للمفيد: ص ١٢٩ ومصباح المتهجد: ص ٧٢٨ ح ٨١٩ والمزار للشهيد الأزل: ص ١٣٨ .

٣ . أي غلب على قلوبهم كسب الذنوب كما يرين الخمر على عقل السكران، والرّين: الحجاب الكثيف (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٧٦١ رين).

٤ . المطففين: ١٤ و ١٥ .

٥ . قال الطريحي: قوله تعالى: ﴿وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ﴾ (الزخرف: ٣٦): أي يُظْلِمُ بَصَرَهُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، كَأَنَّ عَلَيْهِ غِشَاوَةٌ. يقال: عَشَوْتُ إِلَى النَّارِ: إِذَا اسْتَدَلَّتْ عَلَيْهَا بَصَرٌ ضَعِيفٌ. وقيل: يُعْرِضُ عَنْهُ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٢٢٠ «عشا»). وفي بحار الأنوار: «أعشى» .

٦ . الخصال: ص ٦٣٣ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١١٢ .

آفت‌های یاد خدا..... ۱۴۷

«پس، از هر که از یاد ما روی بر تافته و جز زندگی دنیا را نخواسته، روی برتاب».

ر.ک: ص: آیه ۳۲.

حدیث

۲۳۳. امام صادق علیه السلام - از دعای ایشان هنگام وداع با قبر امام حسین علیه السلام :- بار خدایا! مرا در دنیا از شکر نعمت غافل مگردان و نه چندان در دنیا بر نعمت بیفزای که خرمی شگفت آن، مرا سرگرم سازد و زرق و برقص مرا بفریبد.

۴/۶

بدی کردار

قرآن

«نه چنین است؛ بلکه آنچه مرتکب می‌شدند، بر دل‌هایشان زنگار نشانده است. زهی پندار! آنان در آن روز، از پروردگارشان، سخت در پرده‌اند».

حدیث

۲۳۳. امام علی علیه السلام: هر که [دلش] از گناه زنگار بگیرد، نسبت به یاد خداوند تعالی کور می‌شود.

٥ / ٦

طَوْلُ الْأَمَلِ

٢٣٥ . الإمام علي عليه السلام: إَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِي الْعَقْلَ، وَيُنْسِي الذِّكْرَ.^١

٦ / ٦

إِتِّبَاعُ الشَّهْوَةِ

٢٣٦ . الإمام علي عليه السلام: لَيْسَ فِي الْمَعَاصِي أَشَدُّ مِنْ إِتِّبَاعِ الشَّهْوَةِ، فَلَا تُطِيعُوهَا فَيَسْغَلَكُمُ عَنْ اللَّهِ.^٢

٧ / ٦

فُضُولُ النَّظَرِ

٢٣٧ . الإمام علي عليه السلام: لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقْلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ، فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَسْغَلَكُمُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ.^٣

٨ / ٦

الإِسْتِغْثَالُ بِذِكْرِ النَّاسِ

٢٣٨ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَغْثَلَ بِذِكْرِ النَّاسِ، قَطَعَهُ اللَّهُ شِبْحَانَهُ عَنْ ذِكْرِهِ.^٤
٢٣٩ . عنه عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُؤْنِسُكَ بِخَلْقِهِ، وَيُوجِّشُكَ مِنْ ذِكْرِهِ، فَقَدْ أَبْغَضَكَ.^٥

١ . نهج البلاغة: الخطبة ٨٦.

٢ . غرر الحكم: ح ٧٥٢٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١١ ح ٦٩٨٩ وفيه «فيقطعكم» بدل «فيشغلكم».

٣ . الخصال: ص ٦٢٩ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تحف العقول:

ص ١١٩، غرر الحكم: ح ٧٥١٩ وفيه «الجوارح» بدل «البدن»، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٠٧ ح ١.

٤ . غرر الحكم: ح ٨٢٢٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٥ ح ٧٨٢٣.

٥ . غرر الحكم: ح ٤٠٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٥ ح ٣٠٧١.

۵/۶
درازی آرزو

۲۳۵. امام علی علیه السلام: بدانید که آرزو، خرد را غافل می‌کند و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد.

۶/۶
پیروی از هوس

۲۳۶. امام علی علیه السلام: در میان گناهان، [گناهی] بدتر از پیروی کردن از هوس نیست. پس، آن را فرمان نبرید که شما را از خدا باز می‌دارد.



۲۳۷. امام علی علیه السلام: در بدن، عضوی کم‌سپاس‌تر از چشم نیست. پس، خواهش آن را بر آورده نسازید؛ چرا که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.

۸/۶
پروا ختن بی‌یاد مردم

۲۳۸. امام علی علیه السلام: هر که به یاد مردم پردازد، خداوند سبحان، او را از یاد خودش محروم می‌سازد.

۲۳۹. امام علی علیه السلام: هر گاه دیدی که خداوند، تو را با خلقش مأنوس و از یاد خودش بیگانه ساخته است، بی‌گمان، تو را دشمن داشته است.

٩ / ٦

الْخُصُومَةُ

٢٣٠ . الإمام الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ فِي الدِّينِ؛ فَإِنَّهَا تَشْغَلُ الْقَلْبَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عز وجل.^١

١٠ / ٦

عَدَمُ الْعَمَلِ بِالْعِلْمِ

٢٣١ . عِدَّةُ الدَّاعِي: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: إِنَّ أَهْوَنَ مَا أَنَا صَانِعٌ بِعَبْدٍ غَيْرِ عَامِلٍ بِعِلْمِهِ، مِنْ سَبْعِينَ عُقُوبَةً بَاطِنِيَّةً؛ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ قَلْبِهِ حَلَاوَةٌ ذِكْرِي.^٢

١١ / ٦



٢٣٢ . الإمام الصادق عليه السلام: الْمَلَاهِي الَّتِي تَصُدُّ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَكْرُوهَةٌ؛ كَالْغِنَاءِ وَضَرْبِ الْأُوتَارِ.^٣

١٢ / ٦

الْجَهْلُ

٢٣٣ . تحف العقول - في ذكر مسائل شمعون الزاهب للنبي عليه السلام - : قَالَ شَمْعُونُ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَعْلَامِ الْجَاهِلِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ... لَا يُحِبُّ اللَّهُ وَلَا يُرَاقِبُهُ، وَلَا يَسْتَحْيِي

١ . الأمل للصدوق: ص ٥٠٣ ح ٦٩١، الكافي: ج ٢ ص ٣٠١ ح ٨ وليس فيه «في الدين»، كشف الغمّة: ج ٢

ص ٣٩٨ وليس فيهما «عن ذكر الله» وكلها عن عنبسة العابد، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٦

٢ . عِدَّةُ الدَّاعِي: ص ٦٩، مصباح الشريعة: ص ٣٢٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٢ ح ٢٥.

٣ . الخصال: ص ٦١٠ ح ٩ عن الأعمش، تحف العقول: ص ٢٢٣ عن الإمام الرضا عليه السلام وليس فيه «مكروهة»،

بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٢٢٩ ح ١.

۹/۶
ستیزه‌گری

۲۴۰. امام صادق علیه السلام: از ستیزه‌گری در دین بپرهیزید؛ زیرا دل را از یاد خداوند تبارک و تعالی باز می‌دارد.

۱۰/۶
عمل نکردن به علم

۲۴۱. عِدَّة الداعی: خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «از میان هفتاد کیفر درونی، کمترین کاری که با بنده عمل نکننده به علمش می‌کنم، این است که شیرینی یادم را از دلش بیرون می‌برم».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
سرگرمی‌ها

۲۴۲. امام صادق علیه السلام: سرگرمی‌هایی که از یاد خداوند - تبارک و تعالی - باز می‌دارند، ناپسندند، مانند: آوازه‌خوانی و تار زدن.

۱۲/۶
نادانی

۲۴۳. تحف العقول - در بیان پرسش‌های شمعونِ راهب از پیامبر صلی الله علیه و آله - : شمعون گفت: مرا از نشانه‌های نادان، خبر ده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... خدا را دوست ندارد و از او حساب نمی‌برد و از

مِنَ اللَّهِ وَلَا يَذْكُرُهُ^١.

١٣/٦

البِطْنَةُ وَالغُرَّةُ

٢٢٢ . الإمام زين العابدين عليه السلام: إَعْلَمْ وَيَحْكُ يَا بَنَ آدَمَ! إِنَّ قَسْوَةَ الْبِطْنَةِ^٢، وَكِظَّةَ الْمِلَاءِ^٣، وَسُكْرَ الشَّبَعِ، وَغُرَّةَ الْمَلِكِ^٤، مِمَّا يُبْطِطُ وَيُبْطِئُ عَنِ الْعَمَلِ، وَيُنْسِي الذِّكْرَ^٥.



مركز تحقيقات كميوتير علوم رسولي

- ١ . تحف العقول: ص ١٨، بحار الأنوار: ج ١ ص ١١٩ ح ١١.
- ٢ . البطنة: امتلاء البطن من الطعام (لسان العرب: ج ١٣ ص ٥٣ «بطن»).
- ٣ . الكِظَّةُ: غَمٌّ وَغِلْظَةٌ يَجِدُهَا فِي بَطْنِهِ وَامْتِلاءُ (لسان العرب: ج ٧ ص ٤٥٧ «كظظ»).
- ٤ . غُرَّةٌ: أَيِ اغْتِرَارِ (النهاية: ج ٣ ص ٣٥٥ «غرر»).
- ٥ . تحف العقول: ص ٢٧٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٢٩ ح ١.

خدا شرم نمی‌کند و او را در یاد ندارد».

۱۳/۶

پرخوری و غرور

۲۳۲. امام زین العابدین علیه السلام: بدان - ای بیچاره آدمیزاد - که پرخوری و سنگینی معده و مستی سیری و غرور قدرت، از عوامل باز دارنده و کند کننده عمل اند و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

الفصل السابع

آداب الذكر

١ / ٧

الطهارة



الكتاب

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فاطهروا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُسَبِّحَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^١

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا﴾^٢

١ . المائة : ٦

٢ . النساء : ٤٣ . جدير بالذكر أن الآيتين تدلان على وجوب الطهارة في الصلاة لا في مطلق الذكر .

فصل هفتم آداب یاد خدا

۱ / ۷



قرآن

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون به [عزم] نماز بر می‌خیزید، صورتتان را و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و سرهای خودتان را و پاهایتان را تا برآمدگی پیشین، مسح کنید و اگر جنب بودید، خود را پاک کنید (غسل نمایید) و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید، پس با خاکی پاک، تیمم کنید و از آن، به صورت و دست‌هایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد؛ لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بگزارید﴾.

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی، به نماز، نزدیک نشوید، تا زمانی که بدانید چه می‌گویید، و [نیز] در حال جنابت - مگر این که راه‌گذر باشید - تا این که غسل کنید. و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید، پس بر خاکی پاک، تیمم کنید و صورت و دست‌هایتان را مسح نمایید، که خدا بخشنده و آمرزنده است﴾.

الحديث

٢٣٥ . رسول الله ﷺ: إني كرهت أن أذكر الله ﷻ إلا على طهر^١.

٢ / ٧

الخشوع

الكتاب

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»^٢.

«وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^٣.

«وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ»^٤.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^٥.

الحديث

٢٣٦ . الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللهُ ﷻ لِمُوسَى عليه السلام: أَكْثَرُ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَكُنْ عِنْدَ ذِكْرِي

١ . سنن أبي داود: ج ١ ص ٥ ح ١٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٢٧٢ ح ٥٩٢ كلاهما عن المهاجر بن قنفذ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٤.

٢ . الحديد: ١٦.

٣ . الحج: ٣٤ و ٣٥، والمخبتين: أي المتواضعين (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٧٢ «خبت»).

٤ . الأعراف: ٢٠٥، والأصيل: العشي؛ وهو ما بعد صلاة العصر إلى الغروب، والجمع: أصل وأصال (المصباح المنير: ص ١٦ «أصل»).

٥ . الأنفال: ٢.

حدیث

۲۳۵ . پیامبر خدا ﷺ: من خوش ندارم که خداوند ﷻ را یاد کنم، مگر آن که با طهارت باشم.

۲ / ۷
شوع

قرآن

«آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده، نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش، بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار، بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟»



«و فروتنان را بشارت ده؛ همانان که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان خشیت می‌یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید، صبر پیشه‌گان‌اند و بر پا دارندگان نمازند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم، انفاق می‌کنند».

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان، با تضرع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش».

«مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان می‌ترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان می‌افزاید و بر پروردگار خود، توکل می‌کنند».

حدیث

۲۳۶ . امام صادق ﷺ: خداوند ﷻ به موسی ﷺ فرمود: «در شب و روز، مرا بسیار یاد کن و هنگام یاد کردن از من، خاشع و در بلایم، شکیا باش و به گاه یاد کردن

خَاشِعاً، وَعِنْدَ بِلَاتِي صَابِراً، وَاطْمَئِنَّ عِنْدَ ذِكْرِي، وَاعْبُدْنِي وَلَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً،
إِلَى الْمَصِيرِ.^١

٢٣٧ . الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليه السلام: فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ ﷻ بِهِ عَيْسَى عليه السلام: يَا عَيْسَى... إَعْلَمَ أَنَّ
دُنْيَاكَ مُؤَدِّيَتُكَ إِلَيَّ، وَأَنِّي آخِذُكَ بِعِلْمِي، فَكُنْ ذَلِيلَ النَّفْسِ عِنْدَ ذِكْرِي، خَاشِعَ الْقَلْبِ
حِينَ تَذَكَّرْنِي، يَقْظَانَ عِنْدَ نَوْمِ الْغَافِلِينَ.^٢

٣ / ٧

الْخُلُوصُ

٢٣٨ . الإمام علي عليه السلام: أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا خَالِصًا؛ تَحْيُوا بِهِ أَفْضَلَ الْحَيَاةِ، وَتَسْلُكُوا بِهِ طَرِيقَ
النَّجَاةِ.^٣



مرکز تحقیقات و نشر آثار علمی

٢٣٩ . رسول الله ﷺ: لَا يَقْبَلُ اللَّهُ ذِكْرَهُ إِلَّا مِمَّنْ اتَّقَى وَطَهَّرَ قَلْبَهُ، وَأَكْرَمُوا اللَّهَ أَنْ يَرَى مِنْكُمْ مَا
نَهَاكُمْ عَنْهُ.^٤

٢٥٠ . عنه عليه السلام: وَيَلْ لِمَنْ يُكْتَبُ ذِكْرَ اللَّهِ بِلسَانِهِ، وَيَعْصِي اللَّهَ فِي عَمَلِهِ.^٥

١ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٩، عذة الداعي: ص ٢٣٤ وفيه صدره إلى «خاشعاً»، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٣ ح ٢٢ وراجع تحف العقول: ص ٤٩١.

٢ . الكافي: ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٣.

٣ . الكافي: ج ٨ ص ١٧ ح ٣ عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٦.

٤ . كنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣٩٣١ نقلاً عن ابن صصري في أماليه عن معاذ.

٥ . الفردوس: ج ٤ ص ٤٠٠ ح ٧١٦٠ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٦ ح ٤٣٧٣٨.

از من، آرام باش و مرا بندگی کن و چیزی را انباز من مدار. حرکت، به سوی من است.»

۲۳۷. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از امامان علیهم السلام :- از جمله اندرزهای خداوند ﷻ به عیسی ﷺ این بود که: «ای عیسی! ... بدان که دنیایت، تو را به سوی من می کشاند و من با علم خویش، بر تو احاطه دارم. پس در هنگام یاد کردن از من، فروتن باش و آن گاه که مرا یاد می کنی، دلت خاشع باشد و آن گاه که غافلان در خواب [غفلت] اند، تو بیدار باش.»

۳ / ۷



۲۳۸. امام علی علیه السلام: خدا را خالصانه یاد کنید تا بدین وسیله، به بهترین وجه، زندگی کنید و راه نجات را بیوید.

۴ / ۷

پرهیزکاری

۲۳۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، ذکر خویش را نمی پذیرد، مگر از کسی که پرهیزگار و پاک دل باشد. حرمت خدا را نگه دارید و کاری نکنید که از شما آن عملی را ببیند که از آن، نهیتان کرده است.

۲۵۰. پیامبر خدا ﷺ: وای بر کسی که با زبانش ذکر خدا بسیار بگوید و در عمل، معصیت او کند!

٢٥١ . عنه عليه السلام: الذَّاكِرُ بِلا عَمَلٍ ، كَالرَّامِي بِلا وَتَرٍ^١.

٥ / ٧

التَّعْظِيمُ

٢٥٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله - في وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ - : يَا أَبَا ذَرٍّ ، لِيُعْظَمَ جَلَالُ اللَّهِ فِي صَدْرِكَ ، فَلَا تَذْكُرُهُ كَمَا يَذْكُرُهُ الْجَاهِلُ عِنْدَ الْكَلْبِ : «اللَّهُمَّ أَخْزِرْهُ» ، وَعِنْدَ الْخِنْزِيرِ : «اللَّهُمَّ أَخْزِرْهُ»^٢.

٢٥٣ . عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عَقِيبَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ مِنْ نَوَافِلِ الرُّوَالِ - : وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ ، وَالْخُشُوعَ لَكَ ، وَالْوَقَارَ وَالْحَيَاءَ مِنْكَ ، وَالتَّعْظِيمَ لِذِكْرِكَ ، وَالتَّقْدِيسَ لِمَجْدِكَ أَيَّامَ حَيَاتِي ، حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ^٣.

٢٥٤ . مصباح الشريعة - فيما نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام - : إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى بِالتَّعْظِيمِ خَالِصاً ؛ ارْتَفَعَ كُلُّ حِجَابٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ ... وَإِذَا غَفَلَ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ ؛ كَيْفَ تَرَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَوْقُوفاً مَحْجُوباً ، قَدْ قَسَا وَأَظْلَمَ مُنْذُ فَارَقَ نَوْرَ التَّعْظِيمِ^٤.

٦ / ٧

النَّشَاطُ

٢٥٥ . الإمام علي عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ صِفِّينَ - : وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي ... قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ ،

١ . جامع الأحاديث للقمي : ص ٧٩ .

٢ . مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٧٠ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٥٨ ، أعلام الدين : ص ١٩٦ كلهما عن أبي ذر ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٨٢ ح ٣ .

٣ . فلاح السائل : ص ٢٥٥ ح ١٥٤ عن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن الحسن عن فاطمة بنت الحسن عن أبيها الإمام الحسن بن علي عليه السلام ، مصباح المتعبد : ص ٤٢ ح ٥١ ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٦٥ ح ١٩ .

٤ . مصباح الشريعة : ص ٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٥٥ ح ٢٥ .

۲۵۱. پیامبر خدا ﷺ: ذکرگوی بی عمل، مانند کسی است که با کمان بی چله تیراندازی می‌کند.

۵/۷ بزرگداشت

۲۵۲. پیامبر خدا ﷺ: در سفارش‌های ایشان به ابو ذر غفاری: ای ابو ذرا باید که شکوه خداوند در سینه‌ات بزرگ باشد. او را چنان یاد مکن که شخص نادان در هنگام دیدن سگ، یاد می‌کند که: «خدایا! به حسابش برس» یا در هنگام دیدن خوک که: «خدایا! به حسابش برس».

۲۵۳. پیامبر خدا ﷺ: از دعای ایشان پس از هر یک از نافله‌های دو رکعتی ظهر: - بیم از خودت را، و امید به خودت را، و کبرتش در برابر خودت را، و آزر و شرم از خودت را، و بزرگداشت یادت را، و مقدس دانستن مقام با عظمتت را، در تمام مدت عمرم، روزی‌ام فرما تا آن که چون جان مرا می‌ستانی، از من راضی باشی.

۲۵۴. مصباح الشریعة - در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: - هر گاه بنده، خداوند متعال را با بزرگی و اخلاص یاد کند، هر حجایی که پیش از آن، میان او و خدا بوده است، کنار می‌رود... و هر گاه از یاد خدا غافل شود، او را چگونه می‌بینی؟ در حبس و حجاب است و بر اثر جدا شدن از نور عظمت [خدا]، سخت و تاریک شده است.

۶/۷ نشاط

۲۵۵. امام علی علیه السلام: از دعای ایشان در روز صفین: - از تو درخواست می‌کنم که...

وَنَشَاطًا لِدِكْرِكَ مَا اسْتَعْمَرْتَنِي فِي أَرْضِكَ. ١.

٢٥٦ . الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ - : اجْعَلْ قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ ، وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ ، وَرَغْبَتِي فِي ثَوَابِكَ. ٢.

٢٥٧ . عنه عليه السلام - فِي الْمُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ - : أَسْأَلُكَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَقْسَطَهَا ، وَمِنَ الْعِبَادَةِ أَنْسَطَهَا. ٣.

٧ / ٧

نَسْيَانُ النَّفْسِ ١

٢٥٨ . الإمام علي عليه السلام : لَا تَذْكُرِ اللَّهَ سُبْحَانَهُ سَاهِيًا ، وَلَا تَنْسَهُ لَاهِيًا ، وَاذْكُرْهُ كَامِلًا يُوَافِقُ فِيهِ قَلْبُكَ لِسَانَكَ ، وَيُطَابِقُ إِضْمَارُكَ إِعْلَانُكَ ، وَلَنْ تَذْكُرَهُ حَقِيقَةَ الذِّكْرِ حَتَّى تَنْسِيَ نَفْسَكَ فِي ذِكْرِكَ ، وَتَفْقِدَهَا فِي أَمْرِكَ. ٢.

٨ / ٧

الشَّوْقُ إِلَى اللَّقَاءِ

٢٥٩ . الإمام الرضا عليه السلام : مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ وَلَمْ يَشْتَقْ إِلَى لِقَائِهِ ، فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ. ٥.

١ . نهج الدعوات : ص ١٣٠ عن محمد بن النعمان الأحول عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٩

ح ٩.

٢ . المصباح للكفعمي : ص ١٦٩ ، البلد الأمين : ص ١٣٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٢٠٠ ح ٣١.

٣ . بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥٥ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب أنيس العابدين .

٤ . غرر الحكم : ح ١٠٣٥٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٥ ح ٩٥٦٧.

٥ . تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١١١ ، كنز القوائد : ج ١ ص ٣٣٠ عن أيوب بن نوح وفيه «يستبق» بدل «يشتنق» ، بحار

الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٥٦ ح ١١.

نیرومندی در عبادت و بانشاط بودن در یادت را روزی ام کنی، تا زمانی که در زمینت، زنده‌ام می‌داری.

۲۵۶. امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان در روز چهارشنبه - : نیروی مرا در طاعتت، و نشاطم را در عبادتت، و رغبتم را به ثوابت قرار ده.

۲۵۷. امام زین العابدین علیه السلام - در «مناجات انجیلیه» - : از گواهی دادن، عادلانه‌ترین آن را، و از عبادت، بانشاط‌ترینش را از تو درخواست می‌کنم.

۷ / ۷

فراموش کردن خود

۲۵۸. امام علی علیه السلام : خداوند سبحان را نه با بی‌توجهی یاد کن و نه از سر غفلت، فراموشش کن؛ بلکه او را کامل یاد نما، آن سان که دلت با زیانت، هم‌نوا باشد و نهانت با آشکارت، سازگار. تو به راستی به یاد خدا نخواهی بود، مگر آن گاه که خودت را در [هنگام] یاد کردنت [از خدا]، از یاد ببری و در وقت ذکر گفتن، خویشتن را گم کنی.

۸ / ۷

شوق داشتن به دیدار

۲۵۹. امام رضا علیه السلام : کسی که خدا را یاد کند و مشتاق دیدارش نباشد، در واقع، خویش را ریشخند کرده است.

النوادر

٢٦٠ . الدر المنثور عن جابر: إِنَّ رَجُلًا كَانَ يَرْفَعُ صَوْتَهُ بِالذِّكْرِ، فَقَالَ رَجُلٌ: لَوْ أَنَّ هَذَا خَفَضَ صَوْتَهُ!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: دَعُهُ فَإِنَّهُ أَوَاهُ. ١

٢٦١ . مسند ابن حنبل عن عقبه بن عامر: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ لِرَجُلٍ يُقَالُ لَهُ ذُو الْبِجَادِينَ: «إِنَّهُ أَوَاهُ»، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَ رَجُلًا كَثِيرَ الذِّكْرِ ﷺ فِي الْقُرْآنِ، وَيَرْفَعُ صَوْتَهُ فِي الدُّعَاءِ. ٢

٢٦٢ . رسول الله ﷺ: مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَالَ الْفِكْرِ، جَهْوَرِيَّ الذِّكْرِ. ٣

٢٦٣ . عنه ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى دَاوُودَ ﷺ أَنْ قُلْ لِلظُّلْمَةِ لَا يَذْكُرُونِي، فَإِنِّي أَذْكُرُ مَنْ ذَكَرَنِي، وَإِنَّ ذِكْرِي إِيَّاهُمْ أَنْ أَلْعَنَهُمْ. ٥

٢٦٤ . الإمام عليّ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالذُّعَاءَ، وَلَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ، وَلَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ، وَلَمْ يَحْزَنْ صَدْرُهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ. ٦

١ . الدر المنثور: ج ٤ ص ٣٠٥ نقلاً عن ابن مردويه.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٤٩ ح ١٧٤٦٠.

٣ . في المصدر: «جوهري الذكر»، وما أثبتناه من بحار الأنوار. قال العلامة المجلسي ﷺ: «جوال الفكر» أي فكره في الحركة دائماً. «جهوري الذكر» في القاموس: كلام جهوري: أي عال، أي يعلن ذكر الله، أو ذكره عال في الناس. وفي بعض النسخ: «جوهري» وكأنه كناية عن خلوص ذكره ونفاسه، والظاهر أنه تصحيف (بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٣).

٤ . التمهيد: ص ٧٤ ح ١٧١، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٠ ح ٤٥.

٥ . الفردوس: ج ١ ص ١٤١ ح ٤٩٨، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٤٦٦ ح ٩ وج ٨ ص ١١٥ ح ٩، الزهد لابن حنبل: ص ٩٢، شعب الإيمان: ج ٦ ص ٥٥ ح ٧٤٨٣ كلها عن ابن عباس وفي الأربعة الأخيرة من دون إسناد إليه ﷺ، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٠٢ ح ٧٦١٥ نقلاً عن ابن عساكر، فلاح السائل: ص ٩٤ ح ٣٠ عن داوود الرقي عن الإمام الصادق ﷺ، جامع الأخبار: ص ٤٣٧ ح ١٢٣١، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٣ كلاهما عن ابن عباس من دون إسناد إليه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣١٩ ح ٤٢ وراجع عدة الداعي: ص ١٢٩.

٦ . الكافي: ج ٢ ص ١٦ ح ٣ عن علي بن أسباط عن الإمام الرضا ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٢٩ ح ٥.

۹ / ۷

کوناگون

۲۶۰. الدر المنثور - به نقل از جابر :- مردی با صدای بلند، ذکر می گفت که مردی گفت:

کاش صدایش را پایین بیاورد!

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «رهاش کن. او نالنده است».

۲۶۱. مسند ابن حنبل - به نقل از عقبه بن عامر :- پیامبر ﷺ در باره مردی که او را «ذو

البجادین» می گویند، فرمود: «او نالنده است»، بدان سبب که او مردی بود که با

خواندن قرآن، بسیار یاد خداوند ﷻ می نمود و با صدای بلند، دعا می کرد.

۲۶۲. پیامبر خدا ﷺ: از صفات مؤمن، آن است که اندیشه‌ای پویا دارد و با صدای بلند،

ذکر می گوید.

۲۶۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ به داوود ﷺ وحی فرمود که: «به ستمکاران بگو که از من

یاد نکنند؛ زیرا هر که مرا یاد کند، من نیز او را یاد می کنم، و یاد کردن من از

ستمکاران، این است که لعنتشان می کنم».

۲۶۴. امام علی ﷺ: خوشا آن که عبادت و دعا را برای خدا خالص گرداند و دلش را به آنچه

چشمانش می بیند، مشغول نسازد و به خاطر آنچه گوش هایش می شنود، یاد

خدا را به فراموشی نسپارد و به خاطر آنچه به دیگران داده شده است، سینه اش

را اندوهگین نکند!

٢٦٥ . المصنّف لعبد الرزاق عن أبي قلابة: ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ^١: «فِيهِ خَيْرٌ»، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَرَجَ مَعَنَا حَاجًّا، فَإِذَا نَزَلْنَا لَمْ يَزَلْ يُصَلِّي حَتَّى نَرْتَجِلَ، وَإِذَا ارْتَعَلْنَا لَمْ يَزَلْ يَقْرَأُ وَيَذْكُرُ حَتَّى نَنْزِلَ.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: فَمَنْ كَانَ يَكْفِيهِ عَلْفَ نَاقَتِهِ وَصُنْعَ طَعَامِهِ؟

قَالُوا: كُنَّا!

قَالَ ﷺ: كُلُّكُمْ خَيْرٌ مِنْهُ. ٢

٢٦٦ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام -: مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ عَلَى الْحَقِيقَةِ

فَهُوَ مُطِيعٌ، وَمَنْ كَانَ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ. وَالطَّاعَةُ عَلَامَةُ الْهُدَايَةِ، وَالْمَعْصِيَةُ عَلَامَةُ الضَّلَالَةِ، وَأَصْلُهُمَا مِنَ الذِّكْرِ وَالغَفْلَةِ.

فَاجْعَلْ قَلْبَكَ قِبْلَةً لِلسَّانِكِ، لَا تُحَرِّكُهُ إِلَّا بِإِشَارَةِ الْقَلْبِ، وَمُوَافَقَةِ الْعَقْلِ، وَرِضَى الْإِيمَانِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ بِسِرِّكَ وَجَهْرِكَ، وَهُوَ عَالِمٌ بِمَا فِي الصُّدُورِ فَضلاً عَنْ غَيْرِهِ.

وَكُنْ كَالنَّازِعِ رُوحَهُ أَوْ كَالوَاقِفِ فِي الْعَرَضِ الْأَكْبَرِ، غَيْرَ شَاغِلٍ نَفْسَكَ عَمَّا عِنَّاكَ مِمَّا كَلَّفَكَ بِهِ رَبُّكَ؛ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَوَعْدِهِ وَوَعِيدِهِ. وَاغْسِلْ قَلْبَكَ بِمَاءِ الْحُزْنِ، وَلَا تَشْغَلْهَا بِدُونِ مَا كَلَّفَكَ.

وَاجْعَلْ ذِكْرَ اللَّهِ مِنْ أَجْلِ ذِكْرِهِ لَكَ؛ فَإِنَّهُ ذَكَرَكَ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنْكَ، فَذِكْرُهُ لَكَ أَجَلٌ وَأَشْهَى وَأَتَمُّ مِنْ ذِكْرِكَ لَهُ وَأَسْبَقُ.

١ . في مكارم الأخلاق: «فقليل له» بدل «فقال له»، والظاهر أنه الصواب.

٢ . المصنّف لعبد الرزاق: ج ١١ ص ٢٤٤ ح ٢٠٤٢٢ مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٦٤ ح ١٩٥٥، بحار الأنوار:

ج ٢٦ ص ٢٧٤ ح ٢٨.

۲۶۵. المصنّف، عبد الرزاق - به نقل از ابو قلابه -: نزد پیامبر ﷺ از مردی سخن به میان آمد و گفته شد: او مردی نیک است. [سپس] گفته شد: ای پیامبر خدا! یک بار، او با ما رهسپار حج شد و هر گاه در جایی فرود می آمدیم، او پیوسته نماز می خواند تا کوچ می کردیم. در راه نیز پیوسته قرآن می خواند و ذکر می گفت تا باز در منزلی فرود می آمدیم.

پیامبر ﷺ فرمود: «پس، چه کسی شترش را علف می داد و برای خود او غذا تهیه می کرد؟».

گفتند: همه ما.

فرمود: «همه شما از او نیک ترید».

۲۶۶. مصباح الشریعه - در حدیثی که به امام صادق ﷺ نسبت داده شده است -: کسی که حقیقتاً به یاد خداوند باشد، فرمان بردار خداست و کسی که از خدا غافل باشد، نافرمان است. فرمان برداری، نشانه ره یافتگی است و نافرمانی، نشانه گم راهی، و ریشه این هر دو، یاد [خدا] و غفلت [از او] است.

پس، دلت را قبله زبانت قرار ده و آن را جز با اشارت دل و موافقت خرد و رضایت ایمان، مَجْنِبَان؛ چرا که خداوند، به نهان و آشکار تو داناست و به آنچه در سینه هاست، آگاه است، چه رسد به آنچه در غیر سینه هاست [و از اعمال ظاهر است].

و همانند کسی باش که در حال جان کندن است، یا همانند کسی که در صحنه بزرگ [قیامت برای حسابرسی] ایستاده است، و خویشتن را از وظیفه ای که پروردگارت بر عهده تو نهاده است (یعنی امر و نهی و وعده و تهدیدش)، غافل مدار و دلت را با آب اندوه بشوی و آن را به غیر تکلیفی که بر تو نهاده است، مشغول مدار.

به یاد خدا باش، از آن روی که او به یاد توست. او تو را یاد می کند، با آن که بی نیاز از توست. پس، یاد کردن او از تو، ارزشمندتر و خواستنی تر و کامل تر و پیش تر از یاد کردن تو از اوست.

وَمَعْرِفَتِكَ بِذِكْرِهِ لَكَ يورثك الخُضوعَ، وَالإِسْتِحْيَاءَ، وَالإِنْكَسَارَ، وَيَتَوَلَّدُ مِنْ ذَلِكَ رُؤْيَا كَرَمِهِ وَفَضْلِهِ السَّابِقِ، وَتَخْلُصُ لَوَجْهِهِ، وَتَصَغُرُ عِنْدَ ذَلِكَ طَاعَاتُكَ وَإِنْ كَثُرَتْ فِي جَنْبِ مَنِيهِ.

وَرُؤْيَاكَ ذِكْرَكَ لَهُ تَوْرِثُكَ الرِّيَاءَ، وَالْعُجْبَ، وَالسَّفَهَ، وَالغِلْظَةَ فِي خَلْقِهِ، وَاسْتِكْثَارَ الطَّاعَةِ، وَنَسْيَانَ كَرَمِهِ وَفَضْلِهِ، وَلَا يَزِدَادُ بِذَلِكَ مِنْ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا، وَلَا يَسْتَجْلِبُ بِهِ عَلَى مُضِيِّ الأَيَّامِ إِلَّا وَحْشَةً.

وَالذُّكْرُ ذِكْرَانِ؛ ذِكْرٌ خَالِصٌ بِمُوَافَقَةِ القَلْبِ، وَذِكْرٌ صَارِفٌ^١ يَنْفِي ذِكْرَ غَيْرِهِ، كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ؛ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ.

فَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَجْعَلْ لِذِكْرِهِ مِقْدَارًا عِنْدَ عِلْمِهِ بِحَقِيقَةِ سَابِقَةِ ذِكْرِ اللَّهِ ﷻ لَهُ مِنْ قَبْلِ ذِكْرِهِ لَهُ، فَمَنْ دَوَّنَهُ أَوْلَى.

فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهُ العَبْدَ بِالتَّوْفِيقِ لِذِكْرِهِ، لَا يَقْدِرُ العَبْدُ عَلَى ذِكْرِهِ^٢.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١ . في الطبعة المعتمدة: «وذكر صادق»، والأصح ما أثبتناه كما في نسخة أخرى وبحار الأنوار.

٢ . مصباح الشريعة: ص ٢٣، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣٣.

آگاهی تو از این که او به یاد توست، موجب فروتنی و شرمنداری و شکسته‌نفسی تو می‌شود، و از این [آگاهی]، مشاهده کرم او و لطف ازلی اش زاده می‌شود و [در این صورت]، برای او خالص می‌شوی و طاعات، هر چند بسیار باشند، در برابر نعمت‌ها و الطاف او به نظرت خرد می‌آیند.

و این که به یاد او بودنت را در نظر آوری، موجب ریا و خودپسندی و گستاخی و درستی با خلق او و بسیار دیدن طاعت و فراموش کردن لطف و کرم او می‌شود و اینها، جز بر دور شدن از خداوند نمی‌افزاید و با گذشت ایام، جز تنهایی [و جدا شدن مردم از او را] به بار نمی‌آورد.

یاد خدا، دو گونه است: یکی یاد خالص که با دل، سازگار است؛ و یاد صارف که یاد جز او را از دل می‌زداید، چنان که پیامبر خدا فرمود: «من، ثنای تو را شمارش نمی‌توانم کرد. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته‌ای».

پس، پیامبر خدا برای یاد خدا، اندازه‌ای قرار نداد؛ چون به راستی می‌دانست که پیش از آن که او به یاد خدا باشد، خداوند ﷻ به یاد اوست. پس، دیگران، حتماً نمی‌توانند [برای یاد خدا اندازه‌ای تعیین کنند].

بنا بر این، هر که می‌خواهد خدای متعال را یاد کند، باید بداند که اگر خداوند، توفیق یاد کردن از خود را به بنده ندهد، بنده، قادر به یاد کردن از او نیست.

الفصل الثامن

أهم مواطن الذكر

١ / ٨

الغلاة والعشي



الكتاب

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾^١

﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾^٢

﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ﴾^٣

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلْمًا لَهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾^٤

١ . الكهف: ٢٨.

٢ . آل عمران: ٤١.

٣ . الأعراف: ٢٠٥.

٤ . الرعد: ١٥.

فصل هشتم

مهم‌ترین اوقات یاد خدا

۱/۸
بامدادان و شامگاهان



قرآن

«و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان بر مگیر که زیور زندگی دنیا را بجویی، و از آن کس که قلبش را از یاد خود، غافل ساخته‌ایم و از هوس خود، پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن.»

«و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان، [او را] تسبیح گوی.»

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان، با تضرع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش.»

«و هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، و [نیز] سایه‌هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می‌کنند.»

الحديث

٢٦٧. رسول الله ﷺ: قَالَ اللهُ ﷻ: يَا بَنَ آدَمَ، أَذْكَرْنِي بَعْدَ الْفَجْرِ سَاعَةً، وَأَذْكَرْنِي بَعْدَ الْعَصْرِ سَاعَةً، أَكْفِكَ مَا أَهَمَّكَ. ١

٢٦٨. عنه ﷺ: لِأَنَّ أَذْكَرَ اللهُ مَعَ قَوْمٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. وَلِأَنَّ أَذْكَرَ اللهُ مَعَ قَوْمٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. ٢

٢٦٩. عنه ﷺ: لِأَنَّ أَجْلِسَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللهُ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ. ٣

٢٧٠. عنه ﷺ: ذَكَرَ اللهُ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، أُبْلَغُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ. ٤

٢٧١. كتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ: إِنَّ إِبْلِيسَ إِنَّمَا يَبِثُّ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حِينَ تَغِيبُ الشَّمْسُ إِلَى مَغِيبِ الشَّفَقِ، وَيَبِثُّ جُنُودَ النَّهَارِ مِنْ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ.

١. تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٥٣٦، ثواب الأعمال: ص ٦٩ ح ٣٦٣ كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٩ ح ٩٦٥، الأمالي للصدوق: ص ٣٩٨ ح ٥١٤ عن وهب بن وهب القاضي عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ وفي الثلاثة الأخيرة «الغداة» بدل «الفجر»، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣١٩ ح ٣؛ الجامع الصغير: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٦٠٥٥ نقلاً عن أبي نعيم في الحلية عن أبي هريرة نحوه.

٢. شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٩ ح ٥٥٩ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢١ ح ١٧٩٩.

٣. السنن الكبرى: ج ٨ ص ٦٨ ح ١٥٩٦٠ وص ١٣٩ ح ١٦١٨٠، مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ١٥٣ ح ٤١١١، مسند الطيالسي: ص ٢٨١ ح ٢١٠٤، الفقيه والمتفقه: ج ١ ص ١١، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ١٤٨، كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٣ ح ٣٥٥١ نقلاً عن شعب الإيمان وكلها عن أنس نحوه.

٤. جامع الأحاديث للقمي: ص ٧٩، تفسير العياشي: ج ١ ص ٢٤٠ ح ١١٩ عن الحسين بن مسلم عن الإمام الباقر ﷺ وفيه «بعد طلوع الفجر» بدل «ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٣ ح ٢١٧٩ عن الإمام علي ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٢٩ ح ٢.

حدیث

۲۶۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ فرمود: «ای پسر آدم! پاسی پس از سپیده‌دم، مرا ذکر گوی و پاسی پس از عصر، مرا ذکر گوی تا خواسته‌های تو را برآورده سازم».

۲۶۸. پیامبر خدا ﷺ: این که خدای را به همراه عده‌ای، پس از نماز صبح تا بر آمدن آفتاب یاد کنم، برایم از دنیا و آنچه در آن است، خوش‌تر است، و این که خدای را به همراه عده‌ای پس از نماز عصر تا غروب آفتاب یاد کنم، برایم از دنیا و آنچه در آن است، خوش‌تر است.

۲۶۹. پیامبر خدا ﷺ: این که با عده‌ای که پس از نماز صبح تا طلوع خورشید به ذکر خدا می‌پردازند، بنشینم، برایم محبوب‌تر از هر آن چیزی است که آفتاب بر آن طلوع می‌کند.

۲۷۰. پیامبر خدا ﷺ: پرداختن به ذکر خدا از طلوع فجر تا طلوع خورشید، برای به دست آوردن روزی، مؤثرتر از سفر [تجارت] است.

۲۷۱. کتاب من لا یحضره الفقیه - به نقل از جابر -: امام باقر ﷺ فرمود: «ابلیس، سپاهیان شب را، از آن هنگام که خورشید غروب می‌کند تا ناپدید شدن شفق، [همه جا] پخش می‌کند و سپاهیان روز را، از آن هنگام که سپیده می‌دمد تا سر زدن آفتاب،

وَذَكَرَ أَنْ نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ:

أَكثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ ﷻ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ، وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ ﷻ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ،
وَعَوَّذُوا صِغَارَكُمْ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ، فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ^١.

٢٧٢ . الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا تَغَيَّرَتِ الشَّمْسُ فَادْكُرِ اللَّهَ ﷻ، وَإِنْ كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ يَشْغَلُونَكَ فَاقْمَمْ
وَادْعُ^٢.

راجع: ص ٢٦٠ و ٢٨٨ (الصباح والمساء) و ج ٢ ص ٢٢٢ (الصباح والمساء).

٢ / ٨

ذُو الْحِجَّةِ إِلَى الْيَوْمِ الثَّلَاثِ عَشَرَ

الكتاب

﴿وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ
أَتَقَى وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾^٣.

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ
لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا
وَأَطِيعُوا أَلْبَابَ الْمَقَابِرِ﴾^٤.

١ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٤٤٠، الكافي: ج ٢ ص ٥٢٢ ح ٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٣
ح ٢١٨٠، عذبة الداعي: ص ٢٤٢ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٤٥ ح ٢.
٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢٤ ح ٩، فلاح السائل: ص ٣٨٢ ح ٢٥٣، محاسبة النفس لابن طاروس: ص ٢٦ كلها عن
شهاب بن عبد ربه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٤٥ ح ٣.
٣ . البقرة: ٢٠٣.

٤ . الحج: ٢٧ و ٢٨. والضامر من الفرس: الخفيف اللحم من الأعمال لا من الهزال (مفردات ألفاظ القرآن:
ص ٥١٢ «ضمرة»). والفج: الطريق الواسع بين جبلين. أي مسلك بعيد غامض (مجمع البحرين: ج ٣
ص ١٣٦٣ «فجج»).

[همه جا] پخش می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود که پیامبر خدا می‌فرمود: «در این دو هنگام، خداوند تعالی را بسیار یاد کنید و از شرّ ابلیس و سپاهیان‌ش به خدای تعالی پناه ببرید و کودکان‌تان را نیز در این دو وقت، در پناه خدا در آورید؛ چرا که این دو وقت، اوقات غفلت‌اند».

۲۷۲. امام صادق علیه السلام: هر گاه خورشید غروب کرد، به ذکر خداوند تعالی بپرداز و اگر با عده‌ای بودی که تو را از ذکر خدا باز می‌دارند، از نزدشان برخیز و به دعا بپرداز.

ر.ک: ص ۳۶۱ و ۳۸۹ (بامداد و شامگاه) و ج ۲ ص ۲۳۲ (بامداد و شامگاه).



قرآن

«و خدا را در روزهایی معین، یاد کنید. پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد]، گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد]، گناهی بر او نیست. [این اختیار،] برای کسی است که [از محرّمات] پرهیز کرده باشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که نزد او آورده می‌شوید».

«و در میان مردم، برای [ادای] حج، بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می‌آیند - به سوی تو روی آورند تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دام‌های زبان‌بسته‌ای که روزی آنان کرده است، ببرند. پس، از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورائید».

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدُّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا
ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ﴾^١.

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِّن عَرَفَتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ
الْحَرَامِ وَأَذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِن كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِن الضَّالِّينَ﴾^٢.

الحديث

٢٧٣ . الإمام الصادق عليه السلام : قال أبي : قال علي عليه السلام : اذكروا الله في أيام معلومات^٣ ؛ قال : قال :
عشر ذي الحجة ، و أيام معدودت^٤ ؛ قال : أيام التشريق^٥ .

٢٧٢ . عنه عليه السلام - في قول الله في أيام معدودت : ﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ﴾ - هي أيام التشريق ؛
كانوا إذا أقاموا بمنى بعد النحر تفاخروا ، فقال الرجل منهم : كان أبي يفعل كذا وكذا ،
فقال الله جل ثناؤه : ﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِّن عَرَفَتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَأَذْكُرُوهُ
كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِن كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِن الضَّالِّينَ﴾ * ثم أبيضوا من حيث أفاض الناس وأستغفروا
الله إن الله غفورٌ رحيمٌ * ﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ﴾ [فادكروا الله كذكركم آباءكم أو
أشد ذكرا] .

قال : والتكبير : «الله أكبر ، الله أكبر ، لا إله إلا الله والله أكبر ، الله أكبر ، والله الحمد ،

١ . البقرة : ٢٠٠ .

٢ . البقرة : ١٩٨ .

٣ . إشارة إلى الآية ٢٨ من سورة الحج : ﴿وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾ .

٤ . إشارة إلى الآية ٢٠٣ من سورة البقرة : ﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ﴾ .

٥ . تهذيب الأحكام : ج ٥ ص ٤٢٧ ح ١٥٥٨ ، قرب الإسناد : ص ١٧ ح ٥٥ كلاهما عن حماد بن عيسى ،

تفسير القمي : ج ١ ص ٧١ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٩ ص ٣٠٧ ح ١٢ وراجع معاني الأخبار : ص ٢٩٧

ح ١-٣ .

٦ . ذكر في المصدر أول الآية وآخرها وأتمناها للفائدة .

«و چون آداب ویژه حجّ خود را به جای آورید، همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. و از مردم، کسی است که می‌گوید: «پروردگارا! به مادر همین دنیا عطا کن» و حال آن که برای او در آخرت، نصیبی نیست».

«بر شما گناهی نیست که [در سفر حج] فضل پروردگارتان (روزی خویش) را بجوید. پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام، یاد کنید. و یادش کنید، چنان که شما را که پیش‌تر از بی‌راهان بودید، فراراه آوزد».

حدیث

۲۷۳. امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر علیه السلام] فرمود که علی علیه السلام در باره [فرمان الهی] «خداوند را در روزهای معلوم» یاد کنید^۱، فرمود: یعنی در دهه ذی‌حجه، و در باره «روزهای تعیین شده»^۲ فرمود: یعنی ایام تشریق^۳.

۲۷۴. امام صادق علیه السلام: ... در باره این سخن خداوند تبارک و تعالی: «و خدا را در روزهای معین، یاد کنید» - مقصود، ایام تشریق است. [مردم در جاهلیت،] آن گاه که پس از قربانی کردن، در مینا می‌ایستادند، بزرگ‌دیگر فخر می‌فروختند. یکی از ایشان گفت: پدر من، چنین و چنان می‌کرد. پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید، و یادش کنید، چنان که شما را که پیش‌تر از بی‌راهان بودید، فراراه آوزد. پس، از همان جا که [انبوه] مردم روانه می‌شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند، آمرزش بخواهید، که خدا آمرزنده مهربان است. و چون آداب ویژه حجّ خود را به جای آورید، همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید»^۴.

و خدا را به بزرگی یاد کردن، این گونه است: «خدا بزرگ است. خدا بزرگ

۱. اشاره است به آیه ۲۸ از سوره حج: «و نام خدا را در روزهای معلوم... بیاورند».

۲. اشاره است به آیه ۲۰۳ از سوره بقره: «و خدا را در روزهای معین یاد کنید».

۳. به روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه، «ایام التشریق» می‌گویند.

۴. در مصدر، اول و آخر آیه آمده و ما، آن را به طور کامل آوردیم.

الله أكبر على ما هدانا، الله أكبر على ما رزقنا من بهيمة الأنعام»^١.

٢٧٥ . مستطرفات السرائر عن الحلبي: سألته [الإمام الصادق عليه السلام] عن قول الله: ﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدُّ ذِكْرًا﴾، قال عليه السلام:

كَانَ الْمُشْرِكُونَ يَفْتَخِرُونَ بِمَنْى إِذَا كَانَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ، فَيَقُولُونَ: كَانَ أَبُونَا كَذَا، وَكَانَ أَبُونَا كَذَا، فَيَذْكُرُونَ فَضْلَهُمْ، فَقَالَ: ﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدُّ ذِكْرًا﴾^٢.

٢٧٦ . رسول الله ﷺ: مَا مِنْ أَيَّامٍ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعَمَلِ فِيهِنَّ مِنْ هَذِهِ الْأَيَّامِ الْعَشْرِ، فَأَكْثِرُوا فِيهِنَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّحْمِيدِ^٣.

٢٧٧ . عنه عليه السلام: مَا مِنْ أَيَّامٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ، وَلَا الْعَمَلُ فِيهِنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ ﷻ مِنْ هَذِهِ الْأَيَّامِ الْعَشْرِ، فَأَكْثِرُوا فِيهِنَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهَا أَيَّامُ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَذِكْرِ اللَّهِ، وَإِنَّ صِيَامَ يَوْمٍ مِنْهَا يَعْدِلُ بِصِيَامِ سَنَةٍ، وَالْعَمَلُ فِيهِنَّ يُضَاعَفُ سَبْعِمِئَةً ضِعْفٍ^٤.

٢٧٨ . الإمام علي عليه السلام - في يوم النحر - : إِنَّ هَذَا يَوْمٌ حُرْمَتُهُ عَظِيمَةٌ، وَبَرَكَتُهُ مَأْمُوءَةٌ، وَالْمَغْفِرَةُ فِيهِ مَرْجُوءَةٌ، فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى، وَاسْتَغْفِرُوهُ وَتَوَبُوا إِلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ^٥.

١ . الكافي: ج ٤ ص ٥١٦ ح ٣ عن منصور بن حازم وراجع دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٢١ وبحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣١٣ ح ٤٧.

٢ . مستطرفات السرائر: ص ٣٥ ح ٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٣١١ ح ٣٢.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٦٥ ح ٥٢٢٧، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٥٤ ح ٣٧٥٠ وح ٣٧٥١ وكلها عن ابن عمر، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٤٥ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج ١٢ ص ٣١٨ ح ٣٥١٩٢.

٤ . شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣٥٦ ح ٣٧٥٨ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١٢ ص ٣١٨ ح ٣٥١٩٤.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٢٠ ح ١٤٨٤، مصباح المستهجد: ص ٦٦٤ ح ٧٣٠ عن جندب وفيه «وتعرضوا لتوابه بالتوبة والإنابة والخضوع...» بدل «واستغفروه وتوبوا إليه إنه هو التواب الرحيم»، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٠٠ ح ٤.

است. معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است. خدا بزرگ است و ستایش، خدای راست. خدا بزرگ است که ما را راهنمایی کرد. خدا بزرگ است که از حیوانات بی‌زبان، روزی ما فرمود».

۲۷۵. مستطرفات السرائر - به نقل از حلبی -: از ایشان (امام صادق علیه السلام) در باره این سخن خداوند: «همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید» پرسیدم. فرمود: «مشرکان، در ایام تشریق، در مینا بر یکدیگر می‌نازیدند و می‌گفتند: "پدر ما چنین بودا پدر ما چنان بودا" و از امتیازات آنان یاد می‌کردند. پس خداوند فرمود: «همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید»».

۲۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ ایامی نزد خدا با عظمت‌تر، و عمل کردن در آنها نزد او محبوب‌تر از این ده روز نیست. پس، در این روزها خداوند را به یگانگی و بزرگی و ستودگی، بسیار یاد کنید.

۲۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ ایامی نزد خدا برتر، و عمل کردن در آنها نزد خداوند محبوب‌تر از این ده روز نیست. پس، در این روزها خدا را به یگانگی و بزرگی، فراوان یاد کنید و نام او را بسیار ببرید؛ چرا که این روزها، روزهای تهلیل و تکبیر و ذکر خداست. روزه یک روز از این ده روز، با روزه یک سال، برابری می‌کند و عمل در این روزها هفتصد برابر می‌شود.

۲۷۸. امام علی علیه السلام - در روز قربان -: امروز، روزی محترم و بابرکت است و در این روز، به آمرزش امید می‌رود. پس خدای متعال را بسیار یاد کنید و از او آمرزش بطلبید و به درگاهش توبه کنید، که او آمرزگار و مهربان است.

٣ / ٨

شَهْرُ رَمَضَانَ

٢٧٩ . رسول الله ﷺ: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي رَمَضَانَ مَغْفُورٌ لَهُ، وَسَائِلُ اللَّهِ فِيهِ لَا يُخَيَّبُ.^١

٢٨٠ . عنه ﷺ: رَمَضَانُ شَهْرُ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اسْتَكْبَرُوا فِيهِ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ

وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّمْجِيدِ وَالتَّسْبِيحِ.^٢

٤ / ٨

يَوْمُ الْجُمُعَةِ

الكتاب

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ

خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.^٢ *مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی*

الحديث

٢٨١ . رسول الله ﷺ: تَسْبِيحَةٌ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ تَسْبِيحَةٍ فِي غَيْرِ يَوْمٍ

الْجُمُعَةِ.^٢

راجع: ج ٢ ص ٣٢٢ (قيمة الصلاة على النبي وآله يوم الجمعة وليلتها).

١ . المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٢٢٦ ح ٧٣٤١، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٣١١ ح ٣٦٢٧ كلاهما عن عمر بن

الخطاب، كنز العمال: ج ٨ ص ٤٦٤ ح ٢٣٦٧٦.

٢ . النوادر للأشعري: ص ١٧ ح ٢ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٦

ص ٣٨١ ح ٦.

٣ . الجمعة: ٩.

٤ . الفردوس: ج ٣ ص ٣٨٣ ح ٥١٦٦ عن أنس، كنز العمال: ج ٧ ص ٧١٩ ح ٢١٠٧٩.

۳ / ۸ ماه رمضان

۲۷۹. پیامبر خدا ﷺ: یادکننده خدا در رمضان، آمرزیده می‌شود و درخواست کننده از خدا در این ماه، ناکام نمی‌شود.

۲۸۰. پیامبر خدا ﷺ: رمضان، ماه خداوند - تبارک و تعالی - است. در این ماه، ذکر «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» و «الحمد لله» و تمجید^۱ و «سبحان الله»، بسیار بگویند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون برای نماز جمعه ندادن داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را وا گذارید. این برای شما بهتر است، اگر بدانید».

حدیث

۲۸۱. پیامبر خدا ﷺ: یک بار تسبیح گفتن خدا در روز جمعه، فضیلتش از هزار تسبیح در غیر روز جمعه، بیشتر است.

ر.ک: ج ۴ ص ۲۴۲ (ارزش درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او در روز و شب جمعه).

۱. مقصود از تمجید، گفتن هر گونه ذکری است که در آن، حمد و ثنا و شکر و تعظیم خداوند باشد (ر.ک: جواهر الکلام: ج ۱۱ ص ۲۰۹، نواب الأعمال: ص ۱۳-۱۴). م.

٥ / ٨

عِنْدَ الْقِتَالِ

الكتاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^١.

الحديث

٢٨٢ . سنن الترمذي عن عمارة بن زعكرة: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: إِنَّ عَبْدِي

كُلَّ عَبْدِي: الَّذِي يَذْكُرُنِي وَهُوَ مُلَاقٍ قِرْنَهُ - يَعْنِي عِنْدَ الْقِتَالِ -^٢.

٢٨٣ . رسول الله ﷺ: التَّسْبِيحَةُ مِنَ الْغَازِي سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ^٣.

٢٨٤ . عنه ﷺ: مَنْ كَبَّرَ تَكْبِيرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ، كَانَتْ كَصَخْرَةٍ فِي مِيزَانِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْقَلَ مِنْ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ. وَمَنْ قَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

رَافِعًا صَوْتَهُ بِهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ، وَمَنْ يَكْتُبُ لَهُ رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ جَمَعَ

اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَسَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ^٤.

٢٨٥ . الإمام علي عليه السلام: إِذَا لَقِيتُمْ عَدُوَّكُمْ فِي الْحَرْبِ فَأَقِلُّوا الْكَلَامَ، وَاذْكُرُوا اللَّهَ ﷻ، وَلَا تُؤَلُّوهُمْ

الْأَدْبَارَ فَتَسْخِطُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَتَسْتَوْجِبُوا غَضَبَهُ^٥.

راجع: ص ١٠٠ ح ١٥٣.

١ . الأنفال: ٤٥.

٢ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٧٠ ح ٣٥٨٠، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٦ ح ١٧٦٤.

٣ . الفردوس: ج ٢ ص ٧٦ ح ٢٤٢٥ عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج ٤ ص ٣٤٠ ح ١٠٧٩٧.

٤ . تنبيه الغافلين: ص ٢٩٩ ح ٧٨٨ عن ابن عمر.

٥ . الكافي: ج ٥ ص ٢٢ ح ٥ عن مفضل بن عمر ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص ٦١٧

ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ١٠٧، مكارم الأخلاق:

ج ١ ص ٣١٧ ح ١٠١٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٤ ح ١٦.

۵/۸ هنگام جنگ

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون با گروهی برخورد می‌کنید، پایداری ورزید، و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید».

حدیث

۲۸۲. سنن الترمذی - به نقل از عمارة بن زَعَكْرَه -: از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: «خداوند ﷻ می‌فرماید: بنده تمام عیار من، کسی است که در هنگام رو در رو شدن با هم‌اوردش» در هنگام جنگ، «مرا یاد کند».

۲۸۳. پیامبر خدا ﷺ: سبحان الله گفتنِ رزمنده [ای راه خدا]، برابر با هفتاد هزار کار نیک است و هر کار نیک هم، ده برابر پاداش دارد.

۲۸۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در راه خدا تکبیری بگوید، روز قیامت، آن تکبیر در ترازوی [اعمال] او، چونان کوهی خواهد بود سنگین‌تر از آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است. و هر کس در راه خدا با صدای بلند بگوید: «لا إله إلا الله و الله أكبر»، خداوند، در ازای آن، بزرگ‌ترین خشنودی‌اش را برای او می‌نویسد و هر که خداوند، بزرگ‌ترین خشنودی خود را برای او بنویسد، او را با محمد و ابراهیم و دیگر پیامبران ﷺ گرد می‌آورد.

۲۸۵. امام علی ﷺ: هر گاه در جنگ با دشمن رو در رو شدید، سختتان را کوتاه کنید و خدا را یاد کنید و به دشمنان پشت نکنید، که [با این کار]، خداوند - تبارک و تعالی - را می‌رنجانید و موجب خشم او می‌شوید.

٦ / ٨

عِنْدَ اللَّهِ وَالْحُكْمَةَ وَالْفِسْهَةَ

٢٨٦ . رسول الله ﷺ: أَذْكَرُ اللَّهِ عِنْدَ هَمِّكَ إِذَا هَمَمْتَ ، وَعِنْدَ لِسَانِكَ إِذَا حَكَمْتَ ، وَعِنْدَ يَدِكَ إِذَا قَسَمْتَ .^١

٧ / ٨

عِنْدَ الصَّاعِقَةِ

٢٨٧ . رسول الله ﷺ: إِذَا سَمِعْتُمُ الرَّعْدَ فَادْكُرُوا اللَّهَ ، فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُ ذَاكِرًا .^٢

٢٨٨ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الصَّاعِقَةَ تُصِيبُ الْمُؤْمِنَ وَالْكَافِرَ ، وَلَا تُصِيبُ ذَاكِرًا .^٣

٢٨٩ . عنه عليه السلام: إِنَّ الصَّاعِقَةَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرًا ﷺ .^٤

٢٩٠ . الكافي عن بريد بن معاوية عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الصَّوَاعِقَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرًا .

قَالَ: قُلْتُ: وَمَا الذَّاكِرُ؟ قَالَ: مَنْ قَرَأَ مِثَّةَ آيَةِ .^٥

٢٩١ . الإمام الصادق عليه السلام: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مِيتَةٍ إِلَّا الصَّاعِقَةَ ، لَا تَأْخُذُهُ وَهُوَ يَذْكُرُ اللَّهَ ﷻ .^٦

٢٩٢ . الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنِ مِيتَةِ الْمُؤْمِنِ ، قَالَ: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ

١ . كنز الفوائد: ج ٢ ص ٣١ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٧١ ح ٧ .

٢ . المعجم الكبير: ج ١١ ص ١٣٢ ح ١١٣٧١ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ٦ ص ١٥٦ ح ١٥٢٠٩ .

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٥١٦ ، علل الشرائع: ص ٤٦٣ ح ٧ عن معاوية بن عمار ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٧ ح ٢٦ ؛ حلية الأولياء: ج ٣ ص ١٨١ عن زياد بن خيثمة عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «الصواعق» بدل «إِنَّ الصَّاعِقَةَ» و«غير المؤمن» بدل «الكافر» .

٤ . الأمالي للصدوق: ص ٥٥٠ ح ٧٣٤ عن عبد الله بن حماد ، المحاسن: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٠٦٢ وليس فيه «اللَّهُ ﷻ» ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٦ ح ٢٢٣١ ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ١٤٧ ح ٤ .

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٢ ، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٣٨٥ ح ٣٤ .

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ١ عن أبي الصباح الكناني ، عدة الداعي: ص ٢٣٢ ، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٣٨٠ ح ٢٢ .

۶/۸

هنگام آهنگ کاری کردن و داوری و قیمت کردن

۲۸۶. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه آهنگ کاری کردی، خداوند را در هنگام تصمیم خود یاد کن، و هر گاه خواستی داوری کنی، خدا را با زیانت یاد کن، و هر گاه خواستی [چیزی را] قسمت کنی، خدا را در کار دستت یاد آور شو.

۷/۸

هنگام رعد و برق

۲۸۷. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه صدای رعد شنیدی، ذکر خدا بگویند؛ زیرا رعد به کسی که ذکر بگوید، آسیب نمی زند.

۲۸۸. امام صادق علیه السلام: صاعقه، به مؤمن و کافر اصابت می کند؛ اما به آن که ذکر خدا بگوید، اصابت نمی کند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۲۸۹. امام صادق علیه السلام: صاعقه به یادکننده خداوند تعالی اصابت نمی کند.

۲۹۰. الکافی - به نقل از برید بن معاویه -: امام صادق علیه السلام فرمود: «صاعقه ها به کسی که ذکر خدا می گویند، گزند نمی رسانند».

گفتم: ذاکر، چه کسی است؟

فرمود: «کسی که صد آیه بخواند».

۲۹۱. امام صادق علیه السلام: مؤمن به هر نوع مُردنی می میرد، مگر به صاعقه. صاعقه، مؤمن را که در حال ذکر خداوند تعالی باشد، نمی گیرد.

۲۹۲. الکافی - به نقل از ابو بصیر -: از امام صادق علیه السلام در باره نوع مُردن مؤمن پرسیدم. فرمود: «مؤمن به هر مرگی می میرد: غرق می شود، زیر آوار می رود، طعمه

مِيَّتَهُ؛ يَمُوتُ غَرْقاً، وَيَمُوتُ بِالْهَدْمِ، وَيُتَلَى بِالسَّبْعِ، وَيَمُوتُ بِالصَّاعِقَةِ؛ وَلَا تُصِيبُ ذَاكِرَ اللَّهِ ﷺ.^١

٨ / ٨

عِنْدَ غَفْلَةِ النَّاسِ

٢٩٣ . للمعجم الكبير عن عصمة بن مالك عن رسول الله ﷺ: أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ ﷻ سُبْحَةُ الْحَدِيثِ... قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا سُبْحَةُ الْحَدِيثِ؟

قَالَ: الْقَوْمُ يَتَحَدَّثُونَ وَالرَّجُلُ يُسَبِّحُ.^٢

٢٩٢ . الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَحَبَّ الشُّبْحَةِ إِلَى اللَّهِ ﷻ سُبْحَةُ الْحَدِيثِ... فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا سُبْحَةُ الْحَدِيثِ؟

قَالَ: يَكُونُ النَّاسُ فِي خَوْضِهَا وَبَاطِلِهَا وَلَهْوِهَا، فَنِعَمَ^٣ الرَّجُلُ عِنْدَ ذَلِكَ، فَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى وَيَذْكُرُهُ وَيُسَبِّحُهُ.^٤ *مرآة تحتية كويتية مطبوعه رسولي*

٢٩٥ . الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَحَبَّ الشُّبْحَةِ إِلَى اللَّهِ ﷻ سُبْحَةُ الْحَدِيثِ... قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا سُبْحَةُ الْحَدِيثِ؟

قَالَ: الرَّجُلُ يَسْمَعُ حِرْصَ الدُّنْيَا وَبَاطِلِهَا فَيَغْتَمُّ عِنْدَ ذَلِكَ، فَيَذْكُرُ اللَّهَ ﷻ.^٥

٢٩٦ . رسول الله ﷺ: ذَاكِرُ اللَّهِ ﷻ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِسِينَ، وَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِسِينَ لَهُ

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٠ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٣٨٥ ح ٣٥.

٢ . المعجم الكبير: ج ١٧ ص ١٨٥ ح ٤٩٦، الفردوس: ج ١ ص ٣٦٧ ح ١٢٧٨ وليس فيه «قلنا: يا رسول الله، وما سُبْحَةُ الْحَدِيثِ؟ قال»، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٠١ ح ٤٢٠٦٠.

٣ . وفي نسخة: «فيغم».

٤ . الجعفریات: ص ٢٢٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام.

٥ . معاني الأخبار: ص ٢٥٨ ح ١ عن السكوني، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٣٢٥ ح ٢.

درندگان می‌شود، با صاعقه می‌میرد؛ اما صاعقه به یادکننده خداوند ﷻ اصابت نمی‌کند».

۸ / ۸

هنگام غافل بودن مردم

۲۹۳. المعجم الكبير - به نقل از عصمة بن مالک -: پیامبر خدا فرمود: «محبوب‌ترین کار در نزد خداوند ﷻ، تسبیح سخن است...».

گفتیم: ای پیامبر خدا! تسبیح سخن چیست؟

فرمود: «این که عده‌ای سرگرم سخن گفتن باشند و انسان، تسبیح بگوید».

۲۹۴. امام علی ﷺ: پیامبر خدا فرمود: «محبوب‌ترین تسبیح در نزد خداوند ﷻ تسبیح سخن است...».



گفته شد: ای پیامبر خدا! تسبیح سخن چیست؟

فرمود: «[وقتی] مردم، غرق در یاوه و باطل و غفلت خود هستند، چه نیکوست که در این میان، آدمی مشغول دعا و ذکر و تسبیح خدا شود!».

۲۹۵. امام صادق ﷺ - به نقل از پدرانش ﷺ -: پیامبر خدا فرمود: «محبوب‌ترین تسبیح در نزد خداوند ﷻ، تسبیح سخن است...».

گفته شد: ای پیامبر خدا! تسبیح سخن چیست؟

فرمود: «این که انسان، سخنانی در باره آزمندی به دنیا و [زرق و برق] باطل آن بشنود و از شنیدن آنها اندوهناک شود و خداوند ﷻ را یاد کند».

۲۹۶. پیامبر خدا ﷺ: آن که در میان غافلان به یاد خداوند ﷻ باشد، همانند کسی است که به جای فراریان می‌جنگد و کسی که به جای فراریان بجنگد، [پاداش]

الجنة ١.

٢٩٧ . عنه عليه السلام: ذاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ بِمَنْزِلَةِ الصَّابِرِ فِي الْفَارِسِينَ ٢.

٢٩٨ . شعب الإيمان عن ابن عمر عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الَّذِي يُقَاتِلُ عَنِ الْفَارِسِينَ، وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ فِي وَسْطِ الشَّجَرِ الَّذِي قَدْ تَحَاتَّ ٢؛ يَعْنِي مِنَ الضَّرْبِ ٤. ٥.

٢٩٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِسِينَ، وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمِصْبَاحِ فِي الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ، وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ يُعْرِفُهُ اللهُ مَقْعَدَهُ وَلَا يُعَذِّبُ بَعْدَهُ، وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بَعْدَ كُلِّ فَصِيحٍ فِي السُّوقِ وَأَعْجَمِيٍّ، وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ يَنْظُرُ اللهُ إِلَيْهِ نَظْرَةً لَا يُعَذِّبُهُ اللهُ بَعْدَهَا أَبَدًا، وَذَاكِرُ اللهِ فِي السُّوقِ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نَوْزٌ يَوْمَ يَلْقَى اللهُ ٦.

٣٠٠ . عنه عليه السلام: ذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالَّذِي يُقَاتِلُ عَنِ الْفَارِسِينَ، وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الْمِصْبَاحِ فِي الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ، وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ فِي وَسْطِ

- ١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٢ ح ٢ عن السكوني، عده الداعي: ص ٢٤٢ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج ١ ص ١١٠ ح ٩٩ عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليه السلام وفيه «في» بدل «عن» في كلا الموضوعين و «نزوله الجنة» بدل «له الجنة»، جامع الأحاديث للقمي: ص ٧٩ وليس فيه «والمقاتل عن الفارسين»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٣ ح ٢٦٦١ عن أبي ذر نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣٢.
- ٢ . المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٦ ح ٩٧٩٧، حلية الأولياء: ج ٤ ص ٢٦٨، الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٢ ح ٣١٣٩ كلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٥ ح ١٨٣١.
- ٣ . تحات: أي تساقط (النهاية: ج ١ ص ٣٣٧ تحت «).
- ٤ . الضرب: هو الجليلد (النهاية: ج ٣ ص ٨٠ «ضرب»).
- ٥ . شعب الإيمان: ج ١ ص ٤١١ ح ٥٦٥، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٨٥٧.
- ٦ . في المصدر: «... يوم القيامة يلقى الله»، والصواب ما أثبتناه كما في كنز العمال. ولعل «القيامة» نسخة بدل «يلقى الله».
- ٧ . شعب الإيمان: ج ١ ص ٤١٢ ح ٥٦٧ عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٨٥٦.

بهشت دارد.

۲۹۷. پیامبر خدا ﷺ: کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد، به سان کسی [در میدان جهاد] است که دیگران می‌گریزند و او پایداری می‌کند.

۲۹۸. شعب‌الإیمان - به نقل از ابن عمر -: پیامبر خدا فرمود: «کسی که در میان غافلان به یاد خداوند باشد، همانند کسی است که دیگران می‌گریزند و او می‌رزمند. کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد، همانند درختی سرسبز است در میان درختانی که برگ‌هایشان از سرمای شدید، ریخته باشد».

۲۹۹. پیامبر خدا ﷺ: یاد کننده خدا در میان غافلان، همچون رزمنده در مقایسه با فراریان است. یاد کننده خدا در میان غافلان، همچون چراغ در اتاق تاریک است. آن که خدا را در میان غافلان یاد می‌کند، خداوند جایگاه او [در بهشت] را به وی می‌شناساند و از آن پس، او عذاب نمی‌شود. یاد کننده خدا در میان غافلان، به شمار همه انسان‌ها و بهایم در بازار، مزد دارد. خداوند به یاد کننده خدا در میان غافلان، نظری می‌افکند و از آن پس، هرگز او را عذاب نمی‌کند. و کسی که در بازار به یاد خدا باشد، در روزی که خدا را دیدار می‌کند، به عدد هر تار مویی نوری دارد.

۳۰۰. پیامبر خدا ﷺ: یاد کننده خدا در جمع غافلان، مانند کسی است که دیگران می‌گریزند و او می‌جنگد. یاد کننده خدا در جمع غافلان، مانند چراغ در اتاق تاریک است. یاد کننده خدا در جمع غافلان، مانند درخت سرسبز در میان

الشَّجَرِ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ يُعْرِفُهُ اللَّهُ مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ فَصِيحٍ وَأَعْجَمِيٍّ، قَالَ فَصِيحُ بَنُو آدَمَ وَالْأَعْجَمِيُّ الْبَهَائِمُ.^١

٣٠١. الإمام عليؑ - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ فِي وَسْطِ الْهَشِيمِ^٢، وَكَالذَّارِ الْعَامِرَةِ بَيْنَ الرُّبُوعِ الْخَرَبَةِ^٣.

٣٠٢. الإمام الصادقؑ: الذَّاكِرُ لِلَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْمُحَارِبِينَ^٤.

٣٠٣. عنهؑ: يَا أَهْلَ الْإِيمَانِ وَمَحَلَّ الْكِتْمَانِ، تَفَكَّرُوا وَتَذَكَّرُوا عِنْدَ غَفْلَةِ السَّاهِينَ^٥.

٣٠٤. الإمام عليؑ - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الْآخِرَةِ... أَعْيُنُهُمْ بَاكِيَةٌ، وَقُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ؛ إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ^٦.

راجع: ص ٢٠٦ (في السوق).



مرکز تحقیقات و پژوهش اسلامی
٩/٨
عِنْدَ الْخَلْوَةِ

٣٠٥. رسول الله ﷺ: إِذَا خَلَوْتَ فَأَكْثِرْ ذِكْرَ اللَّهِ^٧.

١. حلية الأولياء: ج ٦ ص ١٨١ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ١ ص ٢٢٥ ح ١٨٣٢.
٢. الهشيم من النبات: الياض المتكسر (النهاية: ج ٥ ص ٢٦٤ «هشم»).
٣. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٤٧ ح ٩٨٣.
٤. قوله: «في المحاربين»: أي الهاربين، أو الحاضرين في الحرب الذين لم يحاربوا. وفي بعض النسخ: «في الهاربين» (مرآة العقول: ج ١٢ ص ١٤٣).
٥. الكافي: ج ٢ ص ٥٠٢ ح ١ عن الحسين بن المختار، عذة الداعي: ص ٢٤٢ وفيه «عن الهاربين» بدل «في المحاربين».
٦. تحف العقول: ص ٣٧٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٥٨ ح ١٤١.
٧. إرشاد القلوب: ص ٢٠١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٤ ح ٦.
٨. جامع الأخبار: ص ٥١٢ ح ١٤٣٥.

درختان [خشکیده] است. آن که خدا در جمع غافلان یاد می‌کند، خداوند جایگاه او در بهشت را به وی می‌شناساند. آن که یادکننده خدا در جمع غافلان یاد می‌کند، خداوند به عدد هر گویا و گنگی، گناهانش را می‌آمرزد. گویا، آدمیان‌اند و گنگ، جانوران.

۳۰۱. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان - : یادکننده خدا در میان غافلان، همانند درخت (/بوته) سرسبز در میان گیاهان خشکیده، و همانند خانه آباد در میان خانه‌های ویران است.

۳۰۲. امام صادق علیه السلام: یادکننده خدا در جمع غافلان، همانند رزم‌آور^۱ در میان جنگجویان است.

۳۰۳. امام صادق علیه السلام: ای اهل ایمان و ای رازداران! بیندیشید و آن‌گاه که فراموشکاران در غفلت‌اند، شما یادآور [خدا] باشید.

۳۰۴. امام علی علیه السلام - در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : خدای متعال فرمود: «... ای احمد! نیکان و آخرت‌گرایان... دیدگان‌شان [همواره] گریان است و دل‌هایشان یادآور [خدا]. آن‌گاه که مردم از غافلان نوشته می‌شوند، آنان از یادکنندگان قلمداد می‌شوند».

ر.ک: ص ۲۰۷ (در بازار).

۹ / ۸ رتنایی

۳۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه تنها شدی، خدا را بسیار یاد کن.

۱. در فرهنگ قدیم عرب، «المقاتل (رزم‌آور)» به کسی گفته می‌شد که پیش از شروع جنگ دو سپاه، برای رزم تن به تن با برجستگان سپاه مقابل، پیشگام شود.

٣٠٦ . عنه عليه السلام: ذَاكِرُ اللَّهِ خَالِيًا، كَبَارِزٌ إِلَى الْكَافِرِ فِي الصُّفُوفِ خَالِيًا ١.

٣٠٧ . عنه عليه السلام: سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: ... وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ

عَيْنَاهُ ٣.

٣٠٨ . الإمام علي عليه السلام: إِشْحَنُ ٢ الْخَلْوَةَ بِالذِّكْرِ، وَاصْحَبِ النُّعَمَ بِالشُّكْرِ ٥.

٣٠٩ . عنه عليه السلام: كُنْ فِي الْمَلَأِ وَقَوْرًا، وَكُنْ فِي الْخَلَاءِ ذَكُورًا ٧.

٣١٠ . الإمام الباقر عليه السلام: تَعَرَّضْ لِرِقَّةِ الْقَلْبِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ فِي الْخَلَوَاتِ ٨.

٣١١ . الإمام الصادق عليه السلام: شِيعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا ٩.

٣١٢ . الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ فِي الثَّوْرَةِ مَكْتُوبًا، فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مُوسَى عليه السلام أَنْ قَالَ لَهُ:

١ . خَالِيًا - الأولى -: أي محلّ خالٍ لا يطلع عليه فيه إلا الله والحفظة. وخاليًا - الثانية -: أي ليس معه أحد.

فذكر الله في الخلوات يعدل في الثواب جوده بنفسه في القتال في الفلوات (فيض القدير: ج ٣ ص ٧٤٨).

٢ . الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣١٤٢ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٢٣ نقلًا عن الشيرازي في الألقاب.

٣ . صحيح البخاري: ج ١ ص ٢٢٤ ح ٦٢٩، صحيح مسلم: ج ٢ ص ٧١٥ ح ٩١، مستدرك حنبلي: ج ٣ ص ٤٤٠

ح ٩٦٧١، السنن الكبرى: ج ٤ ص ٣١٩ ح ٧٨٣٦ كلها عن أبي هريرة، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٩٨ ح ٢٣٩١

عن أبي هريرة أو عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٠٤ ح ٤٢٥٦١؛ الحاصل: ص ٣٤٣ ح ٧

عن أبي سعيد الخدري أو عن أبي هريرة وزاد في آخره «من خشية الله عليه السلام»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٣٠

ح ١٢.

٤ . اشحن: أي املاً؛ من شحن السفينة: ملأها (أنظر القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٣٩ «شحن»).

٥ . غرر الحكم: ح ٢٣٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٤ ح ٢٠٣٧.

٦ . كذا، والمنصوص عليه في اللغة: «الخلا».

٧ . غرر الحكم: ح ٧١٤٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٣ ح ٦٦٥٨.

٨ . تحف العقول: ص ٢٨٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٤ ح ١.

٩ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ٢، عدة الداعي: ص ٢٣٤ كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢

ح ٤٢.

۳۰۶. پیامبر خدا ﷺ: یاد کننده خدا در تنهایی، همانند کسی است که به تنهایی بر صف کافران، حمله‌ور شود.
۳۰۷. پیامبر خدا ﷺ: هفت نفرند که خداوند، آنان را در آن روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست، در سایه خویش در می‌آورد: ... و مردی که در تنهایی، خدا را یاد کند و دیدگانش اشکبار شود.
۳۰۸. امام علی علیه السلام: تنهایی را با یاد خدا پر کن و نعمت‌ها را با سپاس‌گزاری همراه ساز.
۳۰۹. امام علی علیه السلام: در جمع، باوقار باش و در تنهایی، ذکرگو.
۳۱۰. امام باقر علیه السلام: با ذکر گفتن بسیار در تنهایی هایت، رقت قلب بجوی.
۳۱۱. امام صادق علیه السلام: شیعیان ما، آنان‌اند که هرگاه خلوت کنند، خدا را فراوان یاد می‌کنند.
۳۱۲. امام باقر علیه السلام: در تورات نوشته شده است که از جمله سخنانی که خدای متعال در مناجات با موسی گفت، این بود که به او فرمود: «ای موسی! ... در تنهایی‌ات و در هنگام شادی لذت‌هایت، مرا یاد کن تا من نیز در گاه غفلت‌هایت به یاد تو باشم».

يا موسى... أذكرني في خلوتك وعند سرور لذتك، أذكرك عند غفلاتك. ١

٣١٣ . الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليه السلام: فيما وعظ الله عليه السلام به عيسى عليه السلام: ... يا عيسى، أظب لي قلبك، وأكثر ذكري في الخلوات. ٢

راجع: ص ١٢٣ (الذكر الخفي)

وص ٢١٢ ح ٢٥٥ - ٢٦٠.

١٠ / ٨

عند الكلام

٣١٢ . رسول الله عليه السلام: كل كلام لا يبدأ في أوله بذكر الله فهو أبتز. ٣

٣١٥ . عنه عليه السلام: كل كلام لا يذكر الله فيه فيبدأ به ويصلى علي فيه، فهو أقطع أكنع^٤ مَحْقُوقٌ^٥ من كل بركة. ٦

٣١٦ . عنه عليه السلام: كل أمر ذي بال لا يبدأ فيه بذكر الله أقطع. ٧

٣١٧ . عنه عليه السلام: أوصاني ربي يتسع: ... وأن يكون صمتي فكراً، ومنطقي ذكراً، ونظري

١ . الأمالي للمفيد: ص ٢١٠ ح ٤٦، الأمالي للصدوق: ص ٢٢٧ ح ٢٨٤ كلاهما عن حبيب السجستاني،

إرشاد القلوب: ص ١٠٥ عن الإمام زين العابدين عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٦٥، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٢٨ ح ٦.

٢ . الكافي: ج ٨ ص ١٤١ ح ١٠٣ و ج ٢ ص ٥٠٢ ح ٣ وفيه «ألن» بدل «أظب»، تحف العقول: ص ٥٠٠، أعلام الدين: ص ٢٣٣، عدة الداعي: ص ٢٤ وفيه «أذل» بدل «أظب»، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٨ ح ١٤.

٣ . عمل اليوم والليلة للنسائي: ص ٣٤٦ ح ٤٩٧ عن الزهري، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٨١ ح ٨٧٢٠ عن أبي هريرة وفيه «كل كلام أو أمر ذي بال لا يفتح...»، المصنف لعبد الرزاق: ج ١١ ص ١٦٣ ح ٢٠٢٠٨ وفيه «كل حديث ذي بال».

٤ . أكنع: أي ناقص أبتز (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٤ «كنع»). وفي كثر العمال: «أكنع» وهو تصحيف.

٥ . المتحقق: النقص والمحور والإبطال (النهاية: ج ٤ ص ٣٠٣ «محقق»).

٦ . كثر العمال: ج ٣ ص ٢٦٣ ح ٦٤٦٣ نقلاً عن أحمد بن محمد بن ميمون في فضائل علي عن أبي هريرة.

٧ . سنن الدارقطني: ج ١ ص ٢٢٩ ح ٢ عن أبي هريرة.

۳۱۳. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از امامان علیهم‌السلام :- از اندرزه‌های خداوند علیه‌السلام به عیسی علیه‌السلام این بود که: «... ای عیسی! دلت را برای من پاک گردان و در تنهایی‌ها مرا بسیار یاد کن».

ر.ک: ص ۱۲۵ (یاد کردن نهانی) و ص ۲۱۵ ح ۲۵۵ - ۲۶۰.

۱۰/۸ هنگام گفتن

۳۱۲. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: هر گفتاری که با نام خدا آغاز نشود، بی‌فرجام است.
۳۱۵. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: هر گفتاری که با یاد خدا آغاز نگردد و در آن، بر من درود فرستاده نشود، گفتاری بُریده و بی‌فرجام و تهی از هر برکتی است.
۳۱۶. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: هر کار مهمی که با نام خدا آغاز نشود، ناقص است.
۳۱۷. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: پروردگارم مرا به نه چیز، سفارش فرمود: ... و این که سکوتم همراه

عِبْرًا^١.

٣١٨ . الإمام علي عليه السلام: المؤمن إذا نظرَ اعتَبَرَ، وإذا سَكَتَ تَفَكَّرَ، وإذا تَكَلَّمَ ذَكَرَ، وإذا أُعْطِيَ شَكَرَ، وإذا ابْتُلِيَ صَبَرَ.^٢

٣١٩ . عنه عليه السلام: العاقل إذا سَكَتَ فَكَّرَ، وإذا نَطَقَ ذَكَرَ، وإذا نَظَرَ اعْتَبَرَ.^٣

٣٢٠ . عنه عليه السلام: العاقل من عَقَلَ^٤ لِسَانَهُ إِلَّا عَن ذِكْرِ اللَّهِ.^٥

٣٢١ . عنه عليه السلام: كُلُّ قَوْلٍ لَيْسَ لِلَّهِ فِيهِ ذِكْرٌ فَلَغْوٌ.^٦

٣٢٢ . الإمام زين العابدين عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَفْتِحُ مَقَالِي، وَبِشُكْرِكَ أَسْتَنْجِحُ سُؤَالِي.^٧



٣٢٣ . الإمام علي عليه السلام: أذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى الطَّعَامِ، وَلَا تَلْفُظُوا؛ فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ، وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ، يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَذِكْرُهُ وَحَمْدُهُ.^٩

١ . تحف العقول: ص ٣٦، مشكاة الأنوار: ص ١١٦ ح ٢٧٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٣٨ ح ٨

٢ . غرر الحكم: ح ٢٠٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٣ ح ١٦٣٣.

٣ . غرر الحكم: ح ١٨١٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٤ ح ١٣٩٩.

٤ . عقله: حَبَسَهُ (لسان العرب: ج ١١ ص ٤٥٩ وعقله).

٥ . غرر الحكم: ح ١٧٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢ ح ١٢٥٩.

٦ . الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٧، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٥ ح ٦

٧ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٣ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

٨ . اللَّغَطُ - وَيُخْرُكُ - : الصُّوْتُ وَالْجَلْبَةُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٨٣ - لفظه).

٩ . الكافي: ج ٦ ص ٢٩٦ ح ٢٣، المحاسن: ج ٢ ص ٢١٣ ح ١٦٣٥ كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام

الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ١٠٧ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٤ ح ٢١.

با اندیشیدن، و سخنم همراه با ذکر گفتن، و نگاهم عبرت‌آموز باشد.

۳۱۸. امام علی علیه السلام: مؤمن، هر گاه بنگردد، عبرت می‌گیرد، هر گاه سکوت کند، می‌اندیشد، هر گاه سخن بگوید، ذکر خدا می‌گوید، هر گاه به او عطا شود، سپاس‌گزاری می‌کند، و هر گاه گرفتار شود، شکیبایی می‌ورزد.

۳۱۹. امام علی علیه السلام: خردمند، هر گاه خاموش بماند، می‌اندیشد، هر گاه سخن بگوید، ذکر می‌گوید، و هر گاه بنگردد، پند می‌آموزد.

۳۲۰. امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که زیانش را جز از یاد خدا فرو می‌بندد.

۳۲۱. امام علی علیه السلام: هر سخنی که در آن یادی از خدا نباشد، سخنی یاره است.

۳۲۲. امام زین‌العابدین علیه السلام: به نام خدای مهرگستر مهربان. بار خدایا! با نام تو، گفتارم را آغاز می‌کنم و با سپاس‌گزاری از تو، برآورده شدن درخواستم را می‌جویم.

۱۱/۸
مرکز تحقیقات و پژوهش‌های
هنگام خوردن

۳۲۳. امام علی علیه السلام: هنگام غذا [خوردن]، خداوند را یاد کنید و هیاهو نکنید؛ چرا که آن، نعمتی از نعمت‌های خدا و روزی‌ای از روزی‌های اوست و در برابر آن، وظیفه دارید که از خداوند، سپاس‌گزاری کنید و از او یاد نمایید و ستایش او گوید.

١٢ / ٨

عِنْدَ النَّوْمِ

٣٢٢ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : اجعل كل نومك آخر عهدك من الدنيا، واذكر الله بقلبك ولسانك، وخف اطلاعه على سيرك^١.

١٣ / ٨

جَوْفُ اللَّيْلِ

- ٣٢٥ . الإمام علي عليه السلام : سهر العيون بذكر الله فرصة السعداء، ونزهة الأولياء^٢.
- ٣٢٦ . عنه عليه السلام : سهر الليل بذكر الله غنيمته الأولياء، وسجية^٣ الأتقياء^٤.
- ٣٢٧ . عنه عليه السلام : سهر العيون بذكر الله خلصان العارفين، وخلوان^٥ المقرئين^٦.
- ٣٢٨ . عنه عليه السلام : أفضل العبادة سهر العيون بذكر الله سبحانه^٧.

٣٢٩ . الإمام زين العابدين عليه السلام - في الدعاء - : **إلهي ومولاي** وغاية رجائي، أشرقت من عرشك على أرضيك وملائكتك وسكان سماواتك، وقد انقطعت الأصوات، وسكنت الحركات، والأحياء في المضاجع كالأموات، فوجدت عبادك في شتى الحالات: فمنه خائف لجا إليك فآمنته... وناسك أفسى بذكرك ليله فأحظيته، وبالفوز جازيته... إلهي فبحق الاسم الذي إذا دُعيت به أجبت، والحق الذي إذا

١ . مصباح الشريعة: ص ٢٥٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٨٩ ح ١٨.

٢ . غرر الحكم: ح ٥٦٢٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٥ ح ٥١٥٦.

٣ . سجية: أي طبيعة من غير تكلف (النهاية: ج ٢ ص ٢٢٥ «سجاء»).

٤ . غرر الحكم: ح ٥٦١٤.

٥ . أي لذة؛ حلالي الشيء: لذ (المصباح المنير: ص ١٤٩ «حلا»).

٦ . غرر الحكم: ح ٥٦١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٦ ح ٥١٦٣ وفيه «دأب» بدل «حلوان».

٧ . غرر الحكم: ح ٣١٤٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٢ ح ٢٤٢٨.

۱۲/۸
هنگام خوابیدن

۳۲۲. مصباح الشریعة - در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است :- هر
خُفَّتَتْ را آخرین دیدارت از دنیا بدان، و با دل و زیانت خدا را یاد کن، و از
آگاهی او بر نهانت بترس.

۱۳/۸
دل‌شب

۳۲۵. امام علی علیه السلام: شب‌زنده‌داری با یاد خدا، فرصت نیک‌بختان و تفرّج دوستان
خداست.

۳۲۶. امام علی علیه السلام: شب‌خیزی با یاد خدا، غنیمت دوستان [خدا] و خوی خدا ترسان
است.

۳۲۷. امام علی علیه السلام: شب‌زنده‌داری با یاد خدا، دوست صمیمی عارفان و شیرینی مقربان
است.

۳۲۸. امام علی علیه السلام: برترین عبادت، شب‌زنده‌داری با یاد خداوند سبحان است.

۳۲۹. امام زین‌العابدین علیه السلام - در دعا :- معبودا، سرورا، و ای فرجامین امید من! تو از فراز
عرشت بر زمین‌ها و فرشتگان و ساکنان آسمان‌هایت تابیدی. صداها خاموش
شده و جنب و جوش‌ها آرام گرفته و زندگان در بسترها چونان مردگان،
افتاده‌اند، و بندگان را در حالت‌های گونه‌گون یافته‌ای: یکی ترسان است و به
تو پناه آورده و تو در امانش داشته‌ای دیگری عابدی است که شب خویش را
به یاد تو سپری کرده و تو بهره‌مندش ساخته‌ای و رستگاری و کامیابی را پاداشش
داده‌ای معبودا! پس به حق آن نامی که هر گاه بدان خوانده شوی، پاسخ

٢٠٠ نهج الذكر / ج ١

أَقْسِمَتْ بِهِ أَوْجِبَتْ، وَبِصَلَوَاتِ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ، وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ خَافَ قَامَتَهُ... وَأَفْنَى بِذِكْرِكَ لَيْلَهُ فَأَحْظِيَّتَهُ، وَبِالْفُوزِ جَازِيَّتَهُ. ١

٣٣٠ . الكافي عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنْ شِئْتَ أَخْبَرْتُكَ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ!

قَالَ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تَذْهَبُ بِالْخَطِيئَةِ، وَقِيَامُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ بِذِكْرِ اللَّهِ. ثُمَّ قَرَأَ عليه السلام: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» ٢، ٣.



٣٣١ . سنن القرمذي عن ابن عمر: قَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ حَتَّى يَدْعُوَ بِهَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ لِأَصْحَابِهِ:

اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَمَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ تَارِنَا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمْنَا، وَانصُرْنَا عَلَيَّ مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ

١ . بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٠ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٢ . في المحاسن وبحار الأنوار: «يذكر».

٣ . السجدة: ١٦.

٤ . الكافي: ج ٢ ص ٢٤ ح ١٥، المحاسن: ج ١ ص ٢٥١ ح ١٠٣٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٢ ح ٧٠.

می‌دهی و به حق آن کسی که هر گاه به او سوگند داده شوی، می‌پذیری، و با دروذهای خاندان هدایتگر [پیامبر ﷺ] و فرشتگان مقرب، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و مرا از آنانی قرار ده که ترسیدند و تو در امانشان داشتی... و شب خود را به یاد تو گذراندند و تو بهره‌مندشان ساختی و رستگاری و کامیابی را پاداششان دادی.

۳۳۰. الکافی - به نقل از سلیمان بن خالد - امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر می‌خواهی، تو را از دروازه‌های نیکی آگاه سازم».

گفتم: آری، فدایت شوم!

فرمود: «روزه، سپر [در برابر شهوات و آتش دوزخ] است. صدقه، گناه را می‌زداید و شب‌زنده‌داری انسان با یاد خدا [نیز گناه را می‌زداید]».

ایشان سپس این آیه را خواند: «پهلوهایشان، از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد».

مرکز تحقیقاتی و آموزشی
هنگام برخاستن

۳۳۱. سنن القرمذی - به نقل از ابن عمر -: کمتر پیش می‌آمد که پیامبر خدا از مجلسی برخیزد و برای یارانش چنین دعا نکند: «بار خدایا! چنان ترسی از خود، قسمت ما کن که مانع ما از نافرمانی کردن تو شود، و [نیز] چنان طاعتی از خود که با آن، ما را به بهشت رسانی، و چنان یقینی که با آن، [تحمّل] مصیبت‌های دنیا را بر ما آسان گردانی، و ما را تا زمانی که زنده می‌داری، از شنوایی و بینایی و نیرویمان برخوردار بدار و آنها را وارث ما گردان (تا آخر عمر، برایمان باقی بدار)، و انتقام ما را از کسی که به ما ستم کرده است، بستان، و بر ضد کسی که با ما دشمنی می‌کند، یاری‌مان رسان، و مصیبت ما را در دینمان قرار مده، و دنیا را بزرگ‌ترین خواست ما و نهایت شناخت ما مگردان، و

عَلَيْنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا. ١

٣٣٢. منية المرید: إِنَّهُ ﷺ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنْ حَدِيثِهِ وَأَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ، يَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَخْطَأْنَا وَمَا تَعَمَّدْنَا، وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، أَنْتَ الْمُقَدَّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. ٢

٣٣٣. رسول الله ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتَالَ بِالمِكْيَالِ الْأَوْفَى مِنَ الْأَجْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلْيَكُنْ آخِرُ كَلَامِهِ فِي مَجْلِسِهِ: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ٣. ٢

راجع: ص ٥١٢ (أوقات التسبيح / عند القيام من المجلس).

وج ٢ ص ١٤٠ (ما ينبغي فيه الاستغفار من الأحوال / ختام المجلس).



مركز تحفة المسجد النبوي

٣٣٣. رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ - : يَا أَبَا ذَرٍّ، كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ، أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ، أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ. ٥

١. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٨ ح ٢٥٠٢، الزهد لابن المبارك: ص ١٤٤ ح ٤٣١ نحوه، كنز العمال: ج ٢

ص ٢٠٣ ح ٣٧٦٤ وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٠٩ ح ١٩٣٤.

٢. منية المرید: ص ٢٢٠، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٦٣ ح ١٣.

٣. الصافات: ١٨٠-١٨٢.

٤. مجمع البيان: ج ٨ ص ٧٢٢ عن الأصمغ بن نباتة عن الإمام عليّ ﷺ، الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٣ عن أبي بصير عن الإمام الباقر ﷺ، عذة الداعي: ص ٢٤١ عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠؛

حلية الأولياء: ج ٧ ص ١٢٣ عن الأصمغ بن نباتة عن الإمام عليّ ﷺ.

٥. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٥ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٥٢ كلاهما عن أبي ذرٍّ، بحار الأنوار: ج ٨٣

ص ٣٧٠ ح ٣٠ وراجع الفردوس: ج ٣ ص ٢٥٨ ح ٢٧٦٤ وكنز العمال: ج ٧ ص ٦٧١ ح ٢٠٨٤٠.

کسی را که به ما رحم نمی‌کند، بر ما مسلط مساز.»

۳۳۲. مُنِيَةُ الْمُرَيْدِ: پیامبر ﷺ هر گاه سخنش را به پایان می‌رساند و می‌خواست از جایش برخیزد، می‌گفت: «بار خدایا! گناهانی را که به خطا یا عمد، و در نهان یا آشکار، از ما سر زده است و تو بدانها داناتر از ما هستی، بر ما ببخشای. تویی که مقدم می‌داری و تویی که وا پس می‌نهی. معبودی جز تو نیست.»

۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که می‌خواهد در روز رستاخیز، برترین پیمانۀ مزد را دریافت کند، آخرین سخنش در مجلسش این باشد: «منزه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می‌کنند! و درود بر فرستادگان! و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است.»



ر.ک: ص ۵۱۲ (اوقات تسبیح گفتن / هنگام برخاستن از مجلس)

ج ۲ ص ۱۲۱ (مواقع مناسب برای آموزش خواهی / در پایان مجلس)

۱۵/۸

در سجده

۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به ابو ذر غفاری - : ای ابو ذر! هر نشستی در مسجد، بیهوده است، مگر برای سه کار: قرآن خواندن نمازگزار، یا ذکر خدا گفتن، یا پرسیدن در بارۀ دانشی.

٣٣٥ . الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَأَثْنِ عَلَيْهِ، وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ١.

٣٣٦ . الإمام الصادق والإمام العسكري عليهما السلام - فيما يُقالُ عند دُخولِ المَسْجِدِ - : اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ ٢.

٣٣٧ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَخَلَ سَوْقاً أَوْ مَسْجِداً جَمَاعَةً فَقَالَ مَرَّةً وَاحِدَةً: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» عَدَلَتْ لَهُ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ ٣.

١٦ / ٨

فِي مَكَّةَ

٣٣٨ . الإمام زين العابدين عليه السلام: تَسْبِيحَةُ بِمَكَّةَ، أَفْضَلُ مِنْ خَرَاكِ الْعِرَاقِينِ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ٤.

مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی
١٧ / ٨

فِي الْبَيْتِ

٣٣٩ . رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَثَلُ الْبَيْتِ الَّذِي يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ، وَالْبَيْتِ الَّذِي لَا يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ، مَثَلُ الْحَيِّ

١ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٥ ح ٢٣٣ عن أبي بصير.
٢ . فلاح السائل: ص ١٨٣ ح ٢٩١، جمال الأسبوع: ص ١٥٠ عن رجاء بن يحيى بن سامان العبرثاني الكاتب عن الإمام العسكري عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٧ ح ٢١.
٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٩٩ ح ٣٧٥٣، المحاسن: ج ١ ص ١١١ ح ١٠٢ كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٩ ح ٤ و ج ٧٦ ص ١٧٣ ح ٦.
٤ . تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٤٦٨ ح ١٦٤٠ عن خالد بن عماد القلانسي عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ٢٢٥٨ وفيه «تعديل» بدل «أفضل من»، المحاسن: ج ١ ص ١٤٤ ح ١٩٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، وفيه «تسبيح» بدل «تسبيحة» و«يعدل» بدل «أفضل من»، بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ٨٢ ح ٣٣.

مهم‌ترین اوقات یاد خدا ۲۰۵

۳۳۵. امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد مسجد شدی، حمد و ثنای خدا بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست.

۳۳۶. امام صادق و امام عسکری علیهما السلام - در باره آنچه هنگام وارد شدن به مسجد گفته می‌شود - : بار خدایا! گوش‌های دلم را برای یاد خودت بگشای.

۳۳۷. امام صادق علیه السلام: هر کس وارد بازاری یا مسجد قومی شود و یک بار بگوید: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی‌انباز نیست، و خدا، بسی بزرگ است، و ستایش فراوان، خدای راست، و خدا را هر بام و شام، به پاکی می‌ستایم، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر از خدای بلندمرتبه و با عظمت. و درود خدا بر محمد و خاندان او باد»، این، برای او با یک حج پذیرفته شده، برابری می‌کند.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی
۱۶/۸

درکه

۳۳۸. امام زین العابدین علیه السلام: یک بار تسبیح گفتن در مکه، برتر از انفاق کردن خراج دو عراق [عرب و عجم] در راه خداست.

۱۷/۸

درخانه

۳۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حکایت خانه‌ای که در آن خدا یاد می‌شود و خانه‌ای که در آن خدا

وَالْمَيْتِ ١.

٣٣٠. عنه عليه السلام: إِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي يُذَكَّرُ فِيهِ اسْمُ اللَّهِ، يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ٢.

٣٣١. الإمام علي عليه السلام: الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ، تَكْتُرُ بَرَكَتُهُ، وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ، وَيُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.

وَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَلَا يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ، تَقِلُّ بَرَكَتُهُ، وَتَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ ٣.



٣٣٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ فِي السُّوقِ مُخْلِصاً عِنْدَ غَفَلَةِ النَّاسِ وَشُغْلِهِمْ بِمَا هُمْ فِيهِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفِرَةً لَمْ تَخْطُرْ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ ٤.

٣٣٣. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَقَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ

١. صحيح مسلم: ج ١ ص ٥٣٩ ح ٢١١، مستد أبي يعلى: ج ٦ ص ٤١٠ ح ٧٢٦٩، الفردوس: ج ٤ ص ١٤٣

ح ٦٢٢٢ كلها عن أبي موسى، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨٢٠؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٥ ح ٢٢٢٦.

٢. كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨١٨ نقلاً عن أبي نعيم في المعرفة عن سابق.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٦١٠ ح ٣، عده الداعي: ص ٢٣٣ من دون إسناد إلى الإمام علي عليه السلام وكلاهما عن ابن

القُدَّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢.

٤. عده الداعي: ص ٢٤٢، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ١٠٢ ح ٤٧.

یاد نمی شود، حکایت زنده و مرده است .

۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ: خانه‌ای که در آن، نام خدا برده می شود، برای اهل آسمان، چنان پرتوافشان است که ستارگان برای اهل زمین، پرتوافشان‌اند.

۳۳۱. امام علی علیه السلام: خانه‌ای که در آن قرآن خوانده و نام خداوند تعالی برده شود، برکتش فراوان می شود و فرشتگان در آن، حاضر می شوند و شیاطین از آن، دور می شوند و برای اهل آسمان، چنان می درخشد که اختران برای اهل زمین می درخشند.

و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نمی شود و نام خداوند تعالی در آن برده نمی شود، برکتش کم می شود و فرشتگان از آن، دور و شیاطین در آن، حاضر می شوند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های
در بازار

۳۳۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در بازار، آن گاه که مردم در غفلت [از خدا] به سر می برند و سرگرم کار خویش‌اند، از سرِ اخلاص، خدا را یاد کند، خداوند، هزار ثواب برایش می نویسد و در روز رستاخیز، او را می آمرزد؛ آمرزشی که به دل هیچ بشری خطور نکرده باشد.

۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که چون به بازار درآید، بگوید: «معبودی جز خدای یگانه و بی‌انبار نیست. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند و خود، زنده نامیراست. خیر، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست»، خداوند به خاطر این، برای او هزار هزار ثواب می نویسد و هزار هزار گناه از او پاک می کند و هزار هزار بار درجه‌اش را بالا می برد.

ألفِ دَرَجَةٍ ١.

٣٣٣ . الإمام علي عليه السلام: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ ﷻ إِذَا دَخَلْتُمُ الْأَسْوَاقَ عِنْدَ اشْتِغَالِ النَّاسِ؛ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ، وَزِيَادَةٌ فِي الْحَسَنَاتِ، وَلَا تُكْتَبُوا فِي الْغَافِلِينَ ٢.

٣٣٥ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ ﷻ فِي الْأَسْوَاقِ، غَفَرَ لَهُ بِعَدَدِ أَهْلِهَا ٣.

راجع: ص ١٨٦ (عند غفلة للناس)

و ص ٢٠٤ ح ٣٣٧.

١٩ / ٨

فِي السَّفَرِ

٣٣٦ . الإمام علي عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ - : إِعْلَمْ أَنَّ مُرُوءَةَ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ مُرُوءَتَانِ: مُرُوءَةٌ فِي حَضْرٍ، وَمُرُوءَةٌ فِي سَفَرٍ ...

وَأَمَّا مُرُوءَةُ السَّفَرِ: فَبَدَلُ الزَّادِ، وَقِلَّةُ الْخِلَافِ عَلَيَّ مِنْ صَحْبِكَ، وَكَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ ﷻ فِي كُلِّ مَصْعَدٍ وَمَهْبِطٍ وَتُرُوقٍ وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ ٤.

٢٠ / ٨

عِنْدَ الْمُرُورِ بِالْجِبَالِ أَوْ بِقَاعِ الْأَرْضِ ٥

٣٣٧ . رسول الله ﷺ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَرَّ بِالْجِبَالِ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَهُ، شَمَخَ يَوْمَئِذٍ عَلَى الْجِبَالِ فَخْرًا

١ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٩١ ح ٣٤٢٨، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٤٧ ح ٢٥٩٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٢٢ ح ١٩٧٤ وفيه «و بنی له بیتاً فی الجنة» بدل «و رفع له ألف ألف درجة»، حلیة الأولیاء: ج ٢ ص ٣٥٥ کلها عن عمر بن الخطاب، کنز العمال: ج ٤ ص ٤٨ ح ٩٤٤٣.

٢ . النخصال: ص ١٤٦ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تحف العقول: ص ١٠٤، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٩٦ ح ١٩.

٣ . کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ٣ ص ٢٠٠ ح ٣٧٥٦.

٤ . النخصال: ص ٥٤ ح ٧١ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٠ ح ٥.

مهم‌ترین اوقات یاد خدا ۲۰۹

۳۳۲. امام علی علیه السلام: هر گاه به بازارها وارد می‌شوید و مردم سرگرم کارند، خدای تعالی را بسیار یادآور شوید؛ زیرا این کار، گناهان را می‌زداید و بر حسنات می‌افزاید و از غافلان نوشته نمی‌شوید.

۳۳۵. امام صادق علیه السلام: هر که در بازارها ذکر خداوند تعالی بگوید، به شمار اهل آنها از گناهانش آمرزیده می‌شود.

ر.ک: ص ۱۸۷ (هنگام غافل بودن مردم) و ص ۲۰۵ ح ۳۳۷.

۱۹ / ۸

در سفر

۳۳۶. امام علی علیه السلام - از سفارش ایشان به فرزندش محمد بن حنفیه - : بدان که رادمردی مسلمان، دو گونه است: رادمردی در غیر سفر و رادمردی در سفر.

رادمردی در سفر، عبارت است از: بخشیدن توشه [به هم سفر]، کمتر ناسازگاری کردن با آن که هم سفر توست، فراوان یاد کردن از خداوند تعالی در هر فراز و نشیبی و فرود آمدنی و برخاست و نشستی.

۲۰ / ۸

هنگام گذر از کوه یا دشت

۳۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده، هر گاه از کوهی گذر کند و نام خدا را ببرد، آن کوه، فخرکنان،

حَيْثُ يُذَكِّرُ اللهُ عِنْدَهُ. ١

٣٣٨ . عنه عليه السلام: ما من صباح ولا زواح^٢ إلا ويقاع الأرض تُنادي بعضها بعضاً: يا جارة هل مرَّ بك اليوم عبد صالح صلَّى عليك أو ذكَّر الله؟ فإن قالت: نعم! رأت لها بذلك عليها فضلاً. ٣

٣٣٩ . عنه عليه السلام: ما من عبد سلك وادياً فَيَسْتَبْطِئُ كَفَيْهِ فَيَذَكِّرُ اللهُ وَيَدْعُو، إِلَّا مَلَأَ اللهُ ذَلِكَ الْوَادِيَّ حَسَنَاتٍ، فَلْيَعْظُمِ ذَلِكَ الْوَادِي أَوْ لِيَصْغُر. ٤

٢١ / ٨

مَعَ كُلِّ ذَاكِرٍ

٣٥٠ . علل الشرائع عن زرارة: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا أَقُولُ إِذَا سَمِعْتُ الْأَذَانَ؟ قَالَ: أذَكِّرُ اللهُ مَعَ كُلِّ ذَاكِرٍ. ٥



مركز تحقيقات كليات علوم إيسوي

١ . الفردوس: ج ١ ص ١٩٦ ح ٧٣٩ عن أنس.

٢ . الزواح: تقيض الصباح، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (الصحاح: ج ١ ص ٣٦٨ روح).

٣ . المعجم الأوسط: ج ١ ص ١٧٧ ح ٥٦٢، حلية الأولياء: ج ٦ ص ١٧٤ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ٧ ص ٢٩٠ ح ١٨٩٢٩.

٤ . ثواب الأعمال: ص ١٨٣ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، جامع الأحاديث للقمي: ص ١١٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٩٢ ح ١٥.

٥ . علل الشرائع: ص ٢٨٤ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٧٦ ح ٦.

دیگر کوه‌ها را تحقیر می‌کند که نزد او خدا یاد شده است.

۳۳۸. پیامبر خدا ﷺ: هیچ صبح و عصری نیست، مگر آن که هر یک از قطعات زمین، دیگری را ندا می‌دهد که: ای همسایه، آیا امروز، بنده‌ای شایسته بر تو گذشت که روی تو نماز بگزارد یا خدا را یاد کند؟ اگر بگویند: «آری»، او این را دلیل برتری آن قطعه بر خود می‌بیند.

۳۳۹. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که از وادی‌ای گذر کند و دو دستش را بگشاید و خدا را یاد کرده و دعا کند، مگر آن که خداوند، آن وادی را از ثواب می‌آکند، خواه آن وادی، بزرگ باشد یا کوچک.



۳۵۰. علل الشرائع - به نقل از زراره -: به امام باقر علیه السلام گفتم: هر گاه اذان را می‌شنوم، چه بگویم؟

فرمود: «با هر یادکننده‌ای، تو نیز خدا را یاد کن».

الفصل الثامع

بركات الذكر

١ / ٩

ذكر الله ليذكره



مركز بحوث وتدرع علوم رعدى

الكتاب

﴿فَاذْكُرُونى اذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لى وَلَا تَكْفُرُوا﴾^١

الحديث

٣٥١ . رسول الله ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا أُعْطِيَ أَرْبَعًا، وَتَفْسِيرُ ذَلِكَ فى كِتَابِ الله ﷻ: مَنْ أُعْطِيَ

الذِّكْرَ ذَكَرَهُ اللهُ؛ لِأَنَّ الله يَقُولُ: ﴿اَذْكُرُونى اذْكُرْكُمْ﴾...^٢

٣٥٢ . عنه ﷺ: ﴿اَذْكُرُونى اذْكُرْكُمْ﴾ يَقُولُ: اذْكُرُونى يا مَعْشَرَ الْعِبَادِ بِطَاعَتى، اذْكُرْكُمْ

بِمَغْفِرَتى.^٣

٣٥٣ . عنه ﷺ: قَالَ اللهُ: اذْكُرُونى بِطَاعَتى اذْكُرْكُمْ بِمَغْفِرَتى، فَمَنْ ذَكَرَنِى وَهُوَ مُطِيعٌ

١ . البقرة: ١٥٢.

٢ . شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٢٦ ح ٤٥٢٩، الدر المنثور: ج ١ ص ٣٦٠ نقلًا عن الطبرانى وابن مردويه وكلاهما عن عبد الله بن مسعود.

٣ . الفردوس: ج ٣ ص ١٥٠ ح ٤٤٠٥ عن ابن عباس.

فصل نهم

برکت های یاد خدا

۱/۹

یاد کردن خدا از یاد کننده اش



قرآن

«پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکرانه ام را به جای آرید؛ و با من، ناسپاسی نکنید».

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

حدیث

۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ: به هر کس چهار چیز داده شود، چهار چیز دیگر نیز عطا می شود، و تفسیر این در کتاب خداوند ﷻ آمده است. به هر کس یاد کردن از خدا داده شود، خداوند نیز او را یاد می کند؛ زیرا خداوند می فرماید: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم»....

۳۵۲. پیامبر خدا ﷺ - [در باره آیه] «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» - ای گروه بندگان! با فرمانبری از من، مرا یاد کنید تا من هم با آمرزش خود، شما را یاد کنم.

۳۵۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند می فرماید: «با اطاعت از من، مرا یاد کنید تا من نیز با آمرزش خود، شما را یاد کنم. پس، هر که مرا یاد کند و فرمان بردار باشد، بر من است

فَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أذْكُرَهُ بِمَغْفِرَتِي، وَمَنْ ذَكَرَنِي وَهُوَ لِي عَاصٍ فَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أذْكُرَهُ بِمَقْتٍ^١.

٣٥٢. عنه عليه السلام: قَالَ سُبْحَانَهُ: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ بِنِعْمَتِي، وَاذْكُرُونِي بِالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ أَذْكُرْكُمْ بِالنِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ^٢.

٣٥٥. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تعالى: إِذَا ذَكَرَنِي عَبْدِي خَالِيًا ذَكَرْتُهُ خَالِيًا، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنَ الْمَلَأِ الَّذِي ذَكَرَنِي فِيهِ^٣.

٣٥٦. عنه عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تعالى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي؛ فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ^٤.

٣٥٧. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تعالى: لَا يَذْكُرُنِي عَبْدِي فِي نَفْسِهِ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنْ مَلَائِكَتِي، وَلَا يَذْكُرُنِي فِي مَلَأٍ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى^٥.

٣٥٨. المحاسن عن بشير الدهان عن الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تعالى: إِبْنِ آدَمَ، أَذْكُرُنِي فِي نَفْسِكَ أَذْكُرَكَ فِي نَفْسِي. إِبْنِ آدَمَ، أَذْكُرُنِي فِي خَلَاءٍ أَذْكُرَكَ فِي خَلَاءٍ. إِبْنِ آدَمَ، أَذْكُرُنِي فِي مَلَأٍ أَذْكُرَكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَأِكَ.

وقال: مَا مِنْ عَبْدٍ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ، إِلَّا ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ^٦.

١. الدر المنثور: ج ١ ص ٣٦٠ نقلاً عن ابن لال والديلمي وابن عساكر عن أبي هند الداري.

٢. عدة الداعي: ص ٢٣٨، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٣ ح ٤٢.

٣. الفردوس: ج ٣ ص ١٧٢ ح ٤٤٥٨، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٦ ح ٥٥١ نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٢ ح ١٨٦٦ نقلاً عن الطبراني وكلها عن ابن عباس.

٤. صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٦٩٤ ح ٦٩٧٠، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٦١ ح ٢، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٨١ ح ٣٦٠٣، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٥ ح ٣٨٢٢، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٦ ح ٥٥٠ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٢٢٥ ح ١١٣٥.

٥. المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ١٨٢ ح ٣٩١ عن معاذ بن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٠ ح ١٧٩٦.

٦. المحاسن: ج ١ ص ١١٠ ح ٩٨، عوالي اللالكئي: ج ١ ص ١٢٥ ح ٥٩ عن أبي هريرة نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣١.

که با آمرزش خویش، او را یاد کنم، و هر که مرا یاد کند، در حالی که نافرمان است، بر من است که با خشم [خویش]، او را یاد کنم».

۳۵۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند سبحان می‌فرماید: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» با نعمت بخشیدنم به شما. و مرا از طریق فرمانبری و بندگی، یاد کنید تا من نیز از طریق نعمت‌ها و نیکی و مهربانی و خشنودی [خویش]، شما را یاد کنم.

۳۵۵. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال می‌فرماید: «هر گاه بنده‌ام مرا در خلوت یاد کند، من او را در خلوت یاد می‌کنم، و اگر در میان جمع یاد کند، من او را در میان جمعی بهتر از آن جمع که او مرا یاد کرده است، یاد می‌کنم».

۳۵۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال می‌فرماید: «من آن گونه‌ام که بنده‌ام نسبت به من گمان می‌برد، و هر گاه مرا یاد کند، من با او هستم. پس اگر در درونش مرا یاد کند، من نیز در درونم او را یاد کنم، و اگر در میان جمعی مرا یاد کند، من او را در میان جمعی بهتر از آنان، یادش می‌کنم».

۳۵۷. پیامبر خدا ﷺ: خدای متعال می‌فرماید: «هر گاه بنده‌ام در تنهایی اش مرا یاد کند، من در میان جمعی از فرشتگانم یادش می‌کنم، و هر گاه در میان جمعی یاد کند، من در میان جمع برین (رفیق اعلی)،^۱ یادش می‌کنم».

۳۵۸. المحاسن - به نقل از بشیر دهان - امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای متعال می‌فرماید: ای پسر آدم! مرا در درونت یاد کن، تو را در درونم یاد کنم. ای پسر آدم! مرا در خلوت یاد کن، تو را در خلوت، یاد می‌کنم. ای پسر آدم! مرا در میان جمع یاد کن، من تو را در میان جمعی بهتر از جمع تو، یاد می‌کنم».

[سپس] فرمود: «هیچ بنده‌ای نیست که در میان جمعی از مردم خدا را یاد کند، مگر آن که خداوند در میان جمعی از فرشتگان، از او یاد می‌کند».

۱. مقصود، پیامبران یا پیامبران و صدیقان و شهیدان یا فرشتگان مقرب‌باند. م.

٣٥٩ . الكافي عن ابن فضال رفعه، قال: قَالَ اللهُ ﷻ لِعِيسَى ﷺ: يَا عِيسَى، أَذْكَرْنِي فِي نَفْسِكَ أَذْكَرَكَ فِي نَفْسِي، وَأَذْكَرْنِي فِي مَلَأِ (كَ) أَذْكَرَكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَأِ الْآدَمِيِّينَ ١.

٣٦٠ . الإمام الصادق ﷺ: قَالَ اللهُ ﷻ: مَنْ ذَكَرَنِي سِرًّا ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً ٢.

٣٦١ . رسول الله ﷺ: ﴿وَلْيَذْكُرِ اللهُ أَكْبَرَ﴾ ٣ ذِكْرُ اللهِ تَعَالَى إِيَّاكُمْ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِكُمْ إِيَّاهُ ٤.

٣٦٢ . الإمام الباقر ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلْيَذْكُرِ اللهُ أَكْبَرَ﴾ - يَقُولُ: ذِكْرُ اللهِ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِيَّاهُ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ: ﴿أَذْكَرُونِي أَذْكَرْتُمْ﴾ ٥؟

٣٦٣ . مستدرک الوسائل: قَالَ جَبْرِئِيلُ ﷺ لِلنَّبِيِّ ﷺ: إِنَّ اللهُ تَعَالَى يَقُولُ: أُعْطِيتُ أُمَّتَكَ مَا لَمْ أُعْطِهِ أُمَّةً مِنَ الْأُمَّمِ.

فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ يَا جَبْرِئِيلُ؟

قَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿فَأَذْكَرُونِي أَذْكَرْتُمْ﴾، وَلَمْ يَقُلْ هَذِهِ لِأَحَدٍ مِنَ الْأُمَّمِ ٦.

٣٦٤ . رسول الله ﷺ - لِقِسْرَةَ بِنْتِ رَوَاسِ الْكِنْدِيَّةِ - : أَيَا قِسْرَةَ! أَذْكَرِي اللهُ عِنْدَ الْخَطِيئَةِ يَذْكَرُكَ عِنْدَ الْمَغْفِرَةِ، وَأَطِيعِي زَوْجَكَ يَكْفِكَ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَبِرِّي وَالِدَيْكَ يَكْثُرُ خَيْرُ بَيْتِكَ ٧.

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠٢ ح ٣ وج ٨ ص ١٢٨ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم ﷺ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٣ عن أبي عبد الله ﷺ، تحف العقول: ص ٤٩٨، أعلام الدين: ص ٢٣٢ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت ﷺ، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٠٠ ح ١٠.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠١ ح ١، عذة الداعي: ص ٢٤٤، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٤٢ ح ١١.

٣ . العنكبوت: ٤٥.

٤ . الفردوس: ج ٤ ص ٤٠٦ ح ٧١٧٨، الدرر المنتورة: ج ٦ ص ٤٦٦ نقلاً عن ابن السني وابن مردويه وكلاهما عن ابن عمر.

٥ . تفسير القمي: ج ٢ ص ١٥٠ عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٩٩.

٦ . مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٢٨٦ ح ٥٨٧١ نقلاً عن مجموعة الشهيد ﷺ.

٧ . الإصابة: ج ٨ ص ٢٨٧، أسد الغابة: ج ٧ ص ٢٣٧ كلاهما عن قسرة بنت رواس الكندية، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٥٢ ح ٤٣٣٨٨ نقلاً عن أبي نعيم عن بسرة.

۳۵۹. الکافی - به نقل از ابن فضال، در حدیثی که سندش را به یکی از اهل بیت علیهم‌السلام رسانده است :- خداوند ﷻ به عیسی ﷺ فرمود: «ای عیسی! مرا در دلت یاد کن تا من نیز در دلم تو را یاد کنم، و در میان جمع یادم کن، تا من نیز در میان جمعی بهتر از آدمیان، تو را یاد کنم».

۳۶۰. امام صادق علیه‌السلام: خداوند ﷻ فرموده است: «هر کس در نهان مرا یاد کند، من در آشکار، یادش می‌کنم».

۳۶۱. پیامبر خدا ﷺ: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است»، [یعنی] یاد کرد خداوند متعال از شما، بزرگ‌تر از یادکرد شما از اوست.

۳۶۲. امام باقر علیه‌السلام - در باره این سخن خداوند متعال: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است» :- یادکرد خدا از نمازگزاران، بزرگ‌تر از یادکرد ایشان از اوست. نمی‌بینی که می‌فرماید: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم»؟

۳۶۳. مستدرک الوسائل: جبرئیل علیه‌السلام به پیامبر ﷺ گفت: خدای متعال می‌فرماید: «به امت تو چیزی عطا کرده‌ام که به هیچ امتی عطا نکرده‌ام».

پیامبر ﷺ فرمود: آن چیست، ای جبرئیل؟

گفت: «این فرموده او: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم»، و این را به هیچ یک از امت‌ها نفرموده است».

۳۶۴. پیامبر خدا ﷺ - به قسره دختر رواس کندی - ای قسره! به گناه گناه به یاد خدا باش تا او نیز به گناه آمرزش به یاد تو باشد، و از شوهرت اطاعت کن تا خداوند، تو را از گزند دنیا و آخرت، ننگه دارد، و به پدر و مادرت نیکی کن تا خیر [و برکت] خانه‌ات افزون شود.

٣٦٥ . عنه عليه السلام: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عز وجل، إِلَّا ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ. ١

٣٦٦ . عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَسْكَنَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ ... فَنَادَاهُمُ الرَّبُّ: عِبَادِي، اِرْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ عَمَلٍ وَلَا دَارِ نَصَبٍ، إِنَّمَا هِيَ دَارُ جَزَاءٍ وَثَوَابٍ، وَعِزَّتِي مَا خَلَقْتُهَا إِلَّا مِنْ أَجْلِكُمْ، وَمَا مِنْ سَاعَةٍ ذَكَرْتُمُونِي فِيهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا إِلَّا ذَكَرْتُكُمْ فَوْقَ عَرْشِي. ٢

٣٦٧ . عنه عليه السلام: اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ، وَلَا يَخْذُلُ مَنْ نَصَرَهُ. ٣

٣٦٨ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ ذَكَرَهُ. ٤

٣٦٩ . عنه عليه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ - : اذْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ ؛ فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ دَاعٍ دَعَاهُ. ٥

٣٧٠ . الإمام الحسن عليه السلام - لِرَجُلٍ بَرِيٍّ مِنْ عِيَلَةٍ كَانَتْ بِهِ - : إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ، وَأَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ. ٦

٣٧١ . الإمام الحسين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ - : يَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ. ٧

٣٧٢ . الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ لِدَوَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ - : أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ [الْعِبَادَ] بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَرْغِيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ، عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ

١ . التاريخ الكبير: ج ١ ص ٣٨٣ الرقم ١٢٢٦ عن أبي سعيد الخدري.

٢ . الدر المنثور: ج ٧ ص ٦٠٧ نقلاً عن ابن جرير عن أنس.

٣ . تاريخ المدينة: ج ٢ ص ٥٩٨ عن محمد بن إسحاق عن مشيخة بني عامر.

٤ . غرر الحكم: ح ٧٧٥٨.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٢٢ ح ١٢٦٣، مصباح المنهجد: ص ٢٨٤ ح ٥٠٩، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٩ ح ٦٨

٦ . تحف العقول: ص ٢٣٤ و ص ٢٨٠ عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٠٦ ح ٨

٧ . الإقبال (طبعة دار الكتب الإسلامية): ص ٣٥٠، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٦ ح ٣.

۳۶۵. پیامبر خدا ﷺ: هیچ گروهی برای یاد کردن از خداوند ﷻ گرد هم نیامدند، مگر آن که خداوند از آنان در میان کسانی که نزد او هستند، از ایشان یاد کرد.

۳۶۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هر گاه اهل بهشت را در بهشت جای دهد... پروردگار، ایشان را بانگ می‌دهد که: «ای بندگان من! سرهایتان را بلند کنید؛ زیرا این جا دیگر سرای عمل و خانه رنج [و زحمت] نیست، بلکه سرای مزد و پاداش است. به عزتم سوگند که این را جز به خاطر شما نیافریدم. هیچ لحظه‌ای در سرای دنیا نبود که در آن از من یاد کنید، مگر آن که من نیز در فراز عرشم از شما یاد کردم».

۳۶۷. پیامبر خدا ﷺ: بدانید که خداوند، کسی را که به یاد او باشد، فراموش نمی‌کند، و کسی را که یاری‌اش دهد، وا نمی‌گذارد.

۳۶۸. امام علی علیه السلام: هر که به یاد خدا باشد، خدا به یاد اوست.

۳۶۹. امام علی علیه السلام: از خطبه ایشان در روز جمعه -: به یاد خدا باشید تا به یاد شما باشد؛ زیرا هر کس به یاد او باشد، خدا نیز به یاد اوست، و از خداوند، از رحمت و فضلش درخواست کنید؛ زیرا هیچ کس نیست که از او بخواهد و از درگاهش نومید برگردد.

۳۷۰. امام حسن علیه السلام: به مردی که از بیماری بهبود یافته بود -: خداوند به یاد تو بوده است، پس به یاد او باش؛ و تو را بخشیده است، پس از او سپاس‌گزاری کن.

۳۷۱. امام حسین علیه السلام: از دعای ایشان در روز عرفه -: ای آن که جامه‌های هیبتش را بر قامت دوستانش پوشانده است و از این رو، در پیشگاه او به آمرزش خواهی ایستاده‌اند! تو پیش از آن که یاد کنندگان از تو یاد کنند، از آنان یاد می‌کنی.

۳۷۲. امام زین العابدین علیه السلام: از دعای وداع ایشان با ماه رمضان -: تو آنی که با سخنان غیبات و با ترغیبات که سعادت بندگان در آنهاست، آنان را به چیزی (حقایق غیبی) راه‌نمایی کردی که اگر آن را از ایشان پوشیده می‌داشتی، نه

أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ، وَلَمْ تَلْحَقَهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: «اذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»، وَقُلْتَ: «لَيْسَ شُكْرُكُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَلَيْسَ كَفْرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^١... فَذَكَرْكَ بِمَنِّكَ، وَشَكَرْكَ بِفَضْلِكَ^٢.

٣٧٣. الإمام زين العابدين عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنْسَاءِ وَالْإِحْيَاءِ، وَالْآخِرِ بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ، الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ، وَلَا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ، وَلَا يَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ^٣.

٣٧٤. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ ﷻ: مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ^٤.

٣٧٥. عنه عليه السلام: إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا: يَا بَنَ آدَمَ، أَذْكَرْنِي حِينَ تَغْضَبُ أَذْكَرَكَ عِنْدَ غَضَبِي؛ فَلَا أَمَحِّقُكَ فِيمَنْ أَمَحَّقُ. وَإِذَا ظَلِمْتَ بِمَظْلَمَةٍ فَارْضَ بِانْتِصَارِي لَكَ؛ فَإِنَّ انْتِصَارِي لَكَ خَيْرٌ مِنْ انْتِصَارِكَ لِنَفْسِكَ^٥.

٣٧٦. عنه عليه السلام - فِي رِسَالَتِهِ إِلَى جَمَاعَةٍ مِنْ شِيعَتِهِ وَأَصْحَابِهِ -: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ لَهُ، وَاللَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَذْكُرْهُ أَحَدٌ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا ذَكَرَهُ بِخَيْرٍ^٦.

٣٧٧. عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ -: وَاذْكَرْنِي يَا رَبِّ بِرِضَاكَ، وَلَا تَنْسِنِي حِينَ

١. إبراهيم: ٧.

٢. الصحيفة السجادية: ص ١٧٣ الدعاء ٤٥.

٣. المصباح للكفعمي: ص ١٢٨، البلد الأمين: ص ٨٧، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٣٤ ح ٢.

٤. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١٣، المحاسن: ج ١ ص ١١٠ ح ٩٨ عن بشير الدهان، عذبة الداعي: ص ٢٣٣،

بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٨ ح ٣١. وراجع: ص ٧٥ (الذكر الخفي) وص ٧٧ (الذكر الجلي).

٥. الكافي: ج ٢ ص ٣٠٤ ح ١٠ عن إسحاق بن عمار.

٦. الكافي: ج ٨ ص ٧ ح ١ عن إسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلد السراج، تحف العقول: ص ٣١٤.

دیدگان‌شان آن را در می‌یافت، و نه گوش‌هایشان می‌شنید، و نه اندیشه‌هایشان به آنها می‌رسید. پس فرمودی: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکرانه‌ام را به جای آرید؛ و با من ناسپاسی نکنید»، و فرمودی: «اگر سپاس گزارید، افزون‌تان دهم و اگر ناسپاسی کنید، بی‌گمان، عذاب من سخت است»... و بندگان هم به لطف تو یادت کردند، و به فضل تو سپاست گفتند.

۳۷۳. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدای مهرگستر مهربان. ستایش، خداوند را که پیش از آن که چیزی بیافریند و حیاتی خلق کند، وجود داشته است، و پس از نیستی همه چیزها خواهد بود؛ آن دانایی که هر کس را به یاد او باشد، فراموش نمی‌کند، و از [نعمت] آن کس که سپاسش گوید، نمی‌کاهد، و آن کس را که بخواندش، نومید نمی‌گرداند، و امید آن کس را که به او امید بندد، قطع نمی‌کند.

۳۷۴. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی فرموده است: «هر آن که مرا در جمعی از مردم یاد کند، او را در جمعی از فرشتگان، یاد می‌کنم».

۳۷۵. امام صادق علیه السلام: در تورات نوشته است: «ای فرزند آدم! در زمانی که به خشم می‌آیی، به یاد من باش تا در هنگام خشمم به یاد تو باشم و تو را با آنان که نابود می‌کنم، نابود نکنم؛ و هر گاه به تو ستمی شد، به انتقام‌گیری من برایت رضایت ده؛ زیرا من برای تو انتقام بگیرم، برایت بهتر است تا تو خود، انتقام خویش را بگیری».

۳۷۶. امام صادق علیه السلام: در نامه‌اش به گروهی از پیروان و یارانش: - تا می‌توانید، در هر ساعتی از ساعات شبانه روز، فراوان یاد خدا گوید؛ زیرا که خداوند فرمان داده است او را بسیار یاد کنند، و آن کس از مؤمنان که به یاد خدا باشد، خدا نیز به یاد اوست؛ و بدانید که هیچ یک از بندگان مؤمن خدا او را یاد نمی‌کند، مگر آن که خداوند از او به نیکی یاد نماید.

۳۷۷. امام صادق علیه السلام: - از دعای ایشان در روز عرفة: - ای پروردگار من! از من با خشنودیت یاد کن، و آن گاه که رحمت را پخش می‌کنی، مرا از یاد مبر، و

تَشْرُ رَحْمَتَكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ. ١

٣٧٨. عنه عليه السلام - كَانَ يَقُولُ -: اللَّهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ. ٢

٣٧٩. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام -: اجعل ذكر الله من أجل ذكره لك؛ فإنه ذكرك وهو غني عنك، فذكره لك أجل وأشهى وأتم من ذكرك له وأسبق. ومعرفتك بذكره لك يورثك الخضوع، والاستحياء، والانكسار، ويتولد من ذلك رؤية كرمه وفضله السابق، وتخلص لوجهه، وتصغر عند ذلك طاعتك وإن كثرت في جنب منه.

ورؤيتك ذكرك له تورثك الرياء، والعجب، والسفة، والغلظة في خلقه، واستكثار الطاعة ونسيان كرمه وفضله، ولا يزداد بذلك من الله إلا بعداً، ولا يستجلب به على مضي الأيام إلا وحشة. ٣

٣٨٠. الزهد للحسين بن سعيد عن زيد بن علي: أوحى الله عليه السلام إلى نبيه داود عليه السلام: إذا ذكرني عبدي حين يغضب، ذكرته يوم القيامة في جميع خلقي، ولا أمحقه فيما أمحق. ٤

٣٨١. الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وعظ الله عليه السلام به عيسى عليه السلام: ... يا عيسى، كن رحيماً مترحماً، وكن كما تشاء أن يكون العباد لك، وأكثر ذكر الموت ومفارقة الأهلين، ولا تله فإن اللهو يفسد صاحبه، ولا تغفل فإن الغافل مني بعيد، واذكرني بالصالحات حتى أذكرك. ٥

١. الإقبال: ج ٢ ص ١٢٧ عن سلمة بن الأكوع، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٤٦ ح ٤.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٥٨٦ ح ٢٤ عن ابن أبي يعفور، مصباح المتعبد: ص ٢٧٤، جمال الأسبوع: ص ١٤١ ح ١٧ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٠٠ ح ١٠.

٣. مصباح الشريعة: ص ٤٧.

٤. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٨ ح ٦٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٦٦ ح ١٨.

٥. الكافي: ج ٨ ص ١٣١-١٣٢ ح ١٠٣، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩١ ح ١٤.

روی مبارکت را به من بنما.

۳۷۸. امام صادق علیه السلام: بار خدایا! با لطف و رحمت خود، از من یاد کن و با گناه من، مرا یاد مکن، و از من بپذیر، و از فضلت بر من بیفزای. به [درگاه] تو التماس می‌کنم.

۳۷۹. مصباح الشریعة - در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : خدای را از آن روی یاد کن که او تو را یاد کرده است؛ چه، او با آن که از تو بی‌نیاز است، یادت کرده است. پس یاد کردن او از تو، مهم‌تر و خواستنی‌تر و کامل‌تر و پیش‌تر از یاد تو برای اوست.

این که بدانی او تو را یاد می‌کند، خود، برایت فروتنی و شرمساری و شکسته‌نفسی به بار می‌آورد، و این خود، باعث می‌گردد که بزرگواری و لطف پیشین او را نسبت به خودت ببینی و به او اخلاص ورزی، و در این هنگام، طاعت‌هایت، هر اندازه بسیار باشد، در کنار نواخت‌های او کوچک می‌آید.

ولی اگر یادکرد خویش از او را در نظر آوری، این، برایت خودنمایی و خودپسندی و نابخردی و درشتی کردن با خلق او، و افزون شمردن طاعت خویش و از یاد بردن بزرگواری و لطف او را به بار آورد، و بدین سان، جز بردوری تو از خدا افزوده نمی‌گردد، و با گذشت روزها، جز تنهایی به دست نمی‌آید.

۳۸۰. الزهد، حسین بن سعید - به نقل از زید بن علی - : خداوند تعالی به پیامبرش داود علیه السلام وحی فرمود: «هرگاه بنده‌ام، در آن هنگام که خشمگین می‌شود، مرا یاد کند، من به روز رستاخیز در میان همه آفریدگانم از او یاد می‌کنم و با آنان که هلاکشان می‌کنم، وی را به هلاکت نمی‌رسانم».

۳۸۱. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از امامان علیهم السلام - : از پندهای خداوند تعالی به عیسی علیه السلام این بود که: «... ای عیسی! مهربان و مهرخواه^۱ باش، و چنان باش که می‌خواهی بندگان [من] نسبت به تو باشند، و از مرگ و جدا شدن از خویشان، بسیار یاد کن، و سرگرم مشو؛ زیرا سرگرمی صاحبش را تباه می‌کند، و غافل مباش؛ زیرا شخص غافل، از من دور است، و با کارهای نیک مرا یاد کن تا من نیز تو را یاد کنم».

۱. یعنی از خداوند برای مردم، طلب مهر و رحمت کن.

٣٨٢ . جامع الأخبار: أوحى الله تعالى إلى عيسى بن مريم عليه السلام: يا عيسى، إني لا أنسى من ينساني، فكيف أنسى من يذكرني! أنا لا أبخل على من عصاني، فكيف أبخل على من يطيعني!١

٣٨٣ . لقمان عليه السلام - في مواعظه لابنه - : يا بُنَيَّ، ومن ذا الذي ذكره فلم يذكره!٢

٣٨٤ . مسكن الفؤاد: أوحى الله تعالى إلى بعض الصديقين: إن لي عباداً من عبادي يحبوني وأحبهم، ويستاقون إليّ وأستاق إليهم، ويذكرونني وأذكُرهم، فإن أخذت طريقتهم أحببتك، وإن عدلت عنهم مقتك.٣

٢ / ٩

طَرِيقُ الشَّيْطَانِ



الكتاب

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾.٤
﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ
إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.٥

الحديث

٣٨٥ . تفسير العياشي عن علي بن أبي حمزة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سألتُه في قول الله ع: ﴿إِنَّ
الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ ما ذلك الطائِف؟

١ . جامع الأخبار: ص ٥٠٩ ح ١٤١٧.

٢ . الاختصاص: ص ٣٣٧.

٣ . مسكن الفؤاد: ص ٢٨، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٦ ح ٢٨.

٤ . الأعراف: ٢٠١.

٥ . آل عمران: ١٣٥.

٦ . في بحار الأنوار: «عن قول الله».

۳۸۲. جامع الأخبار: خدای متعال به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! من [حتی] کسی را که فراموشم کند، فراموش نمی‌کنم. پس چگونه کسی را که به یاد من است، فراموش کنم؟! من [حتی] به کسی که نافرمانی‌ام کند، بخل نمی‌ورزم. پس چگونه به کسی که فرمانم می‌برد، بخل ورزم؟!».

۳۸۳. لقمان علیه السلام - در اندرزهایش به پسرش - : پسر عزیزم! کیست که او (خدا) را یاد کرد و او یادش نکرد؟!

۳۸۴. مسکن الفوائد: خدای متعال به یکی از صدیقان وحی فرمود که: «مرا در میان بندگانم، بندگانی است که دوستم می‌دارند و دوستشان می‌دارم، و مشتاق من‌اند و من، مشتاق آنانم، و مرا یاد می‌کنند و من، یادشان می‌کنم. پس اگر راه آنان در پیش گیری، تو را نیز دوست دارم، و اگر از راه آنان منحرف شوی، دشمنم می‌دارم.».



قرآن

﴿در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد می‌آورند و به ناگاه، بینا می‌شوند﴾.

﴿و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند، و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آن که می‌دانند [که گناه است]، پافشاری نمی‌کنند﴾.

حدیث

۳۸۵. تفسیر العیاشی - به نقل از علی بن ابی حمزه - : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند که: ﴿در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد می‌آورند و به ناگاه، بینا می‌شوند﴾ پرسیدم که: این وسوسه چیست؟

فَقَالَ: هُوَ السَّيِّئُ يَهُمُّ الْعَبْدُ بِهِ، ثُمَّ يَذْكُرُ اللَّهَ فَيُبْصِرُ وَيُقْصِرُ^١.

٣٨٦ . الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِذَا مَسَّهُمْ طَئِيفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ﴾؟

قال: هُوَ الْعَبْدُ يَهُمُّ بِالذَّنْبِ ثُمَّ يَتَذَكَّرُ فَيُحْسِنُ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ: ﴿تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ﴾.^٢

٣٨٧ . تفسير القمي: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَئِيفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ﴾؛ قال: وَإِذَا ذَكَرَهُمُ الشَّيْطَانُ الْمَعَاصِيَّ وَحَمَلَهُمْ عَلَيْهَا، يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ.^٣

٣٨٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا سَمِعَ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ اللَّهِ، ذَهَبَ حَتَّى يَكُونَ كَمَا كَانَ الرُّوحَاءُ^٤.

٣٨٩ . عنه صلى الله عليه وآله: عَلَى كُلِّ قَلْبٍ جَائِمٌ^٥ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ خَنَسَ الشَّيْطَانُ وَذَابَ، وَإِذَا تَرَكَ الذِّكْرَ التَّقَمَّهُ الشَّيْطَانُ فَجَذَبَهُ وَأَغْوَاهُ وَاسْتَرَلَهُ وَأَطْغَاهُ.^٦

مركز توثيق مكتبة أمير عجمي

١ . أقصر فلان عن الشيء يقصر إقصاراً: إذا كف عنه وانتهى. وأقصرت عن الشيء: كفتت ونزعت مع القدرة عليه (لسان العرب: ج ٥ ص ٩٧ «قصر»).

٢ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٤ ح ١٢٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٨٧ ح ١٤.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٤٣٤ ح ٧، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٤٣ ح ١٢٨ عن زيد بن أبي أسامة وص ٤٤ ح ١٣٠ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٧٣.

٤ . تفسير القمي: ج ١ ص ٢٥٣، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٧٣.

٥ . الرُّوحَاءُ: موضع بين الحرمين على ثلاثين أو أربعين ميلاً من المدينة، وقرية من رحبة الشام (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٢٥ «الرُّوح»). والمراد أنه ينأى بعيداً.

٦ . مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٤٧١ ح ٢٢٨٩ عن جابر.

٧ . يجثم في الأرض: أي يلزمها ويلتصق بها، وجثم الطائر جنوماً، وهو بمنزلة البروك للإبل (النهاية: ج ١ ص ٢٣٩ «جثم»).

٨ . عدّة الداعي: ص ١٩٢، إرشاد القلوب: ص ٦١ وفيه «خادم» بدل «جائم»، أعلام الدين: ص ٢٧٩ وفيه «خاتم» بدل «جائم»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٦١ ح ٤٢.

فرمود: «مقصود، گناه است که بنده قصد آن می‌کند، سپس به یاد خدا می‌افتد و چشمش باز می‌شود و خودداری می‌ورزد».

۳۸۶. الکافی - به نقل از ابو بصیر - از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم که: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه، بینا می‌شوند».

فرمود: «مقصود، این است که بنده، آهنگ گناه می‌کند؛ اما یادآور [خدا] می‌شود (به خود می‌آید) و خودداری می‌ورزد. این است فرموده او که: «[خدا را] به یاد آورند و به ناگاه، بینا می‌شوند».

۳۸۷. تفسیر القمی: [در باره آیه] «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه بینا می‌شوند»، فرمود: «هر گاه شیطان، آنان را به یاد گناهان بیندازد و بر آنها وادارشان کند به یاد خدا می‌افتند و به ناگاه، بینا می‌شوند».

۳۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، هر گاه نام و یاد خدا را بشنود، تا محل روحاء^۱ دور می‌شود.

۳۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، بر روی هر دلی بختک انداخته است. هر گاه آن دل، نام خدا را یاد کند، شیطان، وا پس می‌رود و ذوب می‌شود، و هر گاه یاد خدا را وا نهد، شیطان او را فرو می‌بلعد و به سوی خود می‌کشد و فرییش می‌دهد و می‌لغزاند و به سرکشی می‌افکند.

۱. محلی میان مکه و مدینه در سی و یا چهل میلی مدینه است و نیز روستایی در رجه شام است. به هر حال، مراد، جای دور دست است.

٣٩٠ . عنه عليه السلام: إِنَّ الشَّيْطَانَ وَاضِعُ خَطْمَهُ^١ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ، فَإِنْ ذَكَرَ اللهُ خَنَسَ، وَإِنْ نَسِيَ التَّقَمَّ قَلْبُهُ؛ فَذَلِكَ الْوَسْوَاسُ الْخَنَاسُ^٢.

٣٩١ . علل الشرائع عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَنَاسِ؟ قَالَ: إِنَّ إبليسَ يَلْتَقِمُ الْقَلْبَ؛ فَإِذَا ذُكِرَ اللهُ خَنَسَ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَ الْخَنَاسُ^٣.

٣٩٢ . رسول الله عليه السلام: إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللهَ تَعَالَى، اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ وَالْدُّنْيَا عَنْهُمْ، فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ لِلدُّنْيَا: أَلَا تَرَيْنَ مَا يَصْنَعُونَ؟

فَتَقُولُ الدُّنْيَا: دَعَهُمْ، فَلَوْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَخَذْتُ بِأَعْنَاقِهِمْ^٤.

٣٩٣ . فضائل الأشهر الثلاثة عن عبد الرحمن بن هبيرة: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللهِ عليه السلام يَوْمًا، فَقَالَ: رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَجَائِبَ! قَالَ: فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللهِ وَمَا رَأَيْتَ، حَدَّثْنَا فِدَاكَ أَنْفُسَنَا وَأَهْلُونَا وَأَوْلَادُنَا؟

فَقَالَ: ... رَأَيْتُ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي قَدِ احْتَوَشَتُهُ الشَّيَاطِينُ، فَجَاءَهُ ذِكْرُ اللهِ عليه السلام فَتَجَاءَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ^٥.

٣٩٤ . رسول الله عليه السلام: إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللهُ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عِشَاءَ.

- ١ . الخطم في السباع: مقادير أنوفها وأفواهها (النهاية: ج ٢ ص ٥٠ «خطم»).
- ٢ . مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٢٢٢ ح ٢٢٨٥، شعب الإيمان: ج ١ ص ٢٠٣ ح ٥٤٠، حلية الأولياء: ج ٦ ص ٢٦٨، مكائد الشيطان لابن أبي الدنيا: ص ٤٣ ح ٢٢ كلها عن أنس وليس فيها «فذلك الوسواس الخناس»، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨٢؛ بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ١٩٤.
- ٣ . علل الشرائع: ص ٥٢٦ ح ١، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ١٩٧ ح ٧.
- ٤ . أعلام الدين: ص ٢٧٣، إرشاد القلوب: ص ٦٠، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٨٩ ح ١٨.
- ٥ . فضائل الأشهر الثلاثة: ص ١١٢ ح ١٠٧، الأمالي للصدوق: ص ٣٠١ ح ٣٤٢ عن عبد الرحمن بن سمرة، روضة الواعظين: ص ٢٢٨ وفيه ذيله فقط، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٩٠ ح ١؛ المعجم الكبير: ج ٢٥ ص ٢٨٢ ح ٢٩ عن عبد الرحمن بن سمرة نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٢٦ ح ٢٣٥٩٢.

۳۹۰. پیامبر خدا ﷺ: شیطان، پوزه خود را بر روی دل آدمی نهاده است. هر گاه آدمی یاد خدا کند، شیطان، وا پس می‌رود، و هر گاه فراموش کند، دل او را فرو می‌بلعد. این است [معنای] وسوسه‌گرِ وا پس رونده.

۳۹۱. علل الشرائع - به نقل از ابو بصیر - از امام صادق علیه السلام در باره معنای «خنّاس» پرسیدم. فرمود: «ابلیس، دل را فرو می‌بلعد، و هر گاه خدا یاد شود، وا پس می‌رود. پس، بدین سبب، او را خنّاس (وا پس رونده) نامیده‌اند.

۳۹۲. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه عده‌ای گرد آیند و به یاد خدای متعال پردازند، شیطان و دنیا از ایشان کناره می‌گیرند، و شیطان به دنیا می‌گوید: نمی‌بینی چه می‌کنند؟ دنیا می‌گوید: مهم نیست؛ زیرا پراکنده که شدند، گردنشان را می‌گیرم.

۳۹۳. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از عبد الرحمان بن هبیره -: روزی نزد پیامبر خدا بودیم که فرمود: «دیروز عجایبی دیدم!».

گفتیم: چه دیدی، ای پیامبر خدا؟ خودمان و زنان و فرزندانمان به فدایت! برایمان باز گو.

فرمود: «... مردی از امتم را دیدم که اهریمنان، او را در میان گرفته‌اند، و یاد خداوند تعالی به یاری او آمده، از میان اهریمنان نجاتش داد».

۳۹۴. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه مرد وارد خانه‌اش شود و در هنگام ورودش و در هنگام غذا خوردنش نام خدا را بَرَد، شیطان می‌گوید: «شب و شام، مرگتان باد!».

وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَدْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ وَالْعِشَاءَ.^١

٣٩٥. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ: الذَّاكِرُونَ اللَّهَ، وَالبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَالمُسْتَغْفِرُونَ بِالأَسْحَارِ.^٢

٣٩٦. عنه عليه السلام: إِنْ اللَّهُ أَمَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَأْمُرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَعْمَلُوا بِهَا... فَقَالَ: ... أَمُرُّكُمْ أَنْ تَذْكُرُوا اللَّهَ؛ فَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ خَرَجَ العَدُوُّ فِي أثرِهِ سِرَاعاً، حَتَّى إِذَا أتَى عَلَى حِصْنٍ حَصِينٍ فَأَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنْهُمْ؛ كَذَلِكَ العَبْدُ لَا يُحْرَزُ نَفْسَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ.^٣

٣٩٧. الإمام علي عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ مَطْرَدَةٌ الشَّيْطَانِ.^٤

٣٩٨. عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ رَأْسُ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ، وَرِيحُهُ السَّلَامَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ.^٥

٣٩٩. عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ دِعَامَةُ الإِيمَانِ، وَعِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ.^٦

٤٠٠. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَعِيذُ وَأُعْتَصِمُ، وَبِرُكْنِكَ أَلُوذُ وَأَتَحَرِّمُ.^٧

١. صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٥٩٨ ح ١٠٣، سنن أبي داود: ج ٣ ص ٣٤٧ ح ٣٧٦٥، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٧٩ ح ٢٨٨٧، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ١١٥ ح ١٤٧٣٥ نحوه وكلها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٩٦ ح ٤١٥٣٤.

٢. إرشاد القلوب: ص ١٩٦ عن ابن عباس؛ كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٤١ ح ٤١٣٤٣ نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب نحوه.

٣. مسنن الترمذي: ج ٥ ص ١٤٨ ح ٢٨٦٣، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٩٠ ح ١٧١٧٠، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٨٣ ح ١٥٣٤، صحيح ابن حبان: ج ١٤ ص ١٢٤ ح ٦٢٣٣ كلها عن العارث الأشعري نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩١٤ ح ٤٣٥٧٧.

٤. غرر الحكم: ح ٥١٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٧.

٥. غرر الحكم: ح ٥١٧١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٢٦.

٦. غرر الحكم: ح ٥١٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٢٧.

٧. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٣ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

و هر گاه وارد شود و هنگام ورودش نام خدا را نبرد، شیطان می‌گوید: «شب بر شما خوش!» و هر گاه در هنگام غذا خوردنش نام خدا را نبرد، شیطان می‌گوید: «شب و شام، گوارایتان باد!».

۳۹۵. پیامبر خدا ﷺ: سه دسته‌اند که از اهریمن و سپاهش مصون‌اند: یادکنندگان خدا، گریه‌کنندگان از بیم خدا، و آمرزش خواهان در سحرگاهان.

۳۹۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند به یحیی پسر زکریا، پنج فرمان داد که هم خود به کار بیندد و هم به بنی اسرائیل بفرماید که به کارشان بندند.... پس فرمود: «... شما را فرمان می‌دهم که خدا را یاد کنید؛ زیرا داستان یاد خدا کردن، داستان آن مردی است که دشمن در پی او شتابان روان گشته است، و او به دژی استوار می‌رسد و خود را از گزند دشمن، نگه می‌دارد. بنده نیز خویشتن را از گزند شیطان، نگه نمی‌دارد، مگر با یاد و نام خدا.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

۳۹۷. امام علی ﷺ: یاد خدا، مایه رانده شدن شیطان است.

۳۹۸. امام علی ﷺ: یاد خدا، سرمایه هر مؤمنی است، و سود آن، به سلامت ماندن از شیطان.

۳۹۹. امام علی ﷺ: یاد خدا، ستون ایمان و نگه‌دارنده از شیطان است.

۴۰۰. امام زین العابدین ﷺ: بار خدایا! به یاد تو پناهنده و متوسل می‌شوم، و به کنج حمایت تو می‌گریزم و پناه می‌آورم.

٣٠١ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : لا يَتَمَكَّنُ الشَّيْطَانُ بِالْوَسْوَسَةِ مِنَ الْعَبْدِ إِلَّا وَقَدْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِ اللَّهِ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَسْكَنَ إِلَى نَهْيِهِ، وَنَسِيَ إِطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّهِ.^١

٣٠٢ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : إِذَا أَتَاكَ الشَّيْطَانُ مُوسِرًا لِيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ الْحَقِّ وَيُنْسِيكَ ذِكْرَ اللَّهِ، فَاسْتَعِذْ مِنْهُ بِرَبِّكَ وَرَبِّهِ؛ فَإِنَّهُ يُؤَيِّدُ الْحَقَّ عَلَى الْبَاطِلِ، وَيَنْصُرُ الْمَظْلُومَ، بِقَوْلِهِ عليه السلام: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^٢. وَلَنْ تَقْدِرَ عَلَى هَذَا وَمَعْرِفَةِ إِيَابِهِ وَمَذَاهِبِ وَسْوَسَتِهِ إِلَّا بِدَوَامِ الْمُرَاقَبَةِ وَالِاسْتِقَامَةِ عَلَى سَاطِرِ الْخِدْمَةِ وَهَيْبَةِ الْمُطَّلَعِ وَكَثْرَةِ الذِّكْرِ، وَأَمَّا الْمُهْمِلُ لِأَوْقَاتِهِ فَهُوَ صَيْدُ الشَّيْطَانِ.^٣



الكتاب

«الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^٤.

الحديث

٣٠٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَمَّا أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ... نُودِيْتُ: ... يَا مُحَمَّدُ، وَمَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ مِنْ أُمَّتِكَ فَلْيَدْعُنِي سِرًّا، وَلْيَقُلْ: ... وَبِذِكْرِكَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ قَلْبَ قَلْبِي مِنَ الْهُمُومِ إِلَى الرُّوحِ وَالذِّعَةِ، وَلَا تَشْغَلْنِي عَن ذِكْرِكَ بِتَرْكِكَ

١ . مصباح الشريعة: ص ٢٢٥، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٤ ح ٢.

٢ . النحل: ٩٩.

٣ . مصباح الشريعة: ص ٢٢٧، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٤ ح ٢.

٤ . الرعد: ٢٨.

۳۰۱. مصباح الشریعة - در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : شیطان، نمی‌تواند بنده را وسوسه کند، مگر آن که خدا را از یاد ببرد و فرمان او را سبک شمرده، و به نهی او روی آورده و فراموش کرده باشد که خداوند، از درون او آگاه است.

۳۰۲. مصباح الشریعة - در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : هر گاه شیطان، وسوسه‌کنان نزد تو آمد تا از راه حق، بیرونت ببرد و یاد خدا را فراموشت گرداند، از او به آن که پروردگار تو و اوست، پناه ببر، زیرا خداوند، حق را در برابر باطل کمک می‌کند، و ستم‌دیده را یاری می‌رساند، بنا به این فرموده خودش: «چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و به پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی نیست». تو هرگز بر این کار؛ توانا نمی‌شوی و آمدن او و راه‌های وسوسه‌اش را نمی‌شناسی، مگر با مراقبت پیوسته و پایداری بر بساط خدمت و ترس از مرگ و رستخیز و بسیاری یاد خدا؛ اما آن که اوقات خویش را به غفلت بگذراند، شکار شیطان است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۳ / ۹

آرامش دل

قرآن

«همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا، دل‌ها آرامش می‌یابد».

حدیث

۳۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آن شبی که به آسمان (معراج) برده شدم... به سویم ندا آمد که: «... ای محمد! هر آن کس از امت تو که دغدغه‌هایش بسیار شود، در نهان، مرا بخواند و بگوید: "... و با یاد توست که دل‌ها آرام می‌گیرد. ای دگرگون‌کننده دل‌ها و دیده‌ها! دل مرا از دغدغه‌ها به آسودگی و آرامش، دگرگون ساز

ما بي من الهموم، إني إليك متضرع^١.

٣٠٢. الإمام علي عليه السلام: إن رسول الله ﷺ لما نزلت هذه الآية: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ قال: ذاك من أحب الله ورسوله، وأحب أهل بيتي صادقاً غير كاذب، وأحب المؤمنين شاهداً وغائباً، ألا يذكر الله يتحابون^٢.

٣٠٥. عنه عليه السلام: ذكر الله جلاء الصدور، وطمانينة القلوب^٣.

٤ / ٩

إنسراح القلب^٤

الكتاب

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلنَّفْسِئِيَّةِ قُلُوبُهُمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^٤.



الحديث

٣٠٦. الإمام علي عليه السلام: الذكر ينسرح الصدر^٥.

٥ / ٩

جلاء القلب^٦

٣٠٧. رسول الله ﷺ: إن لكل شيء سقالة^٦، وإن سقالة القلوب ذكر الله، وما من شيء أنجى

١. البلد الأمين: ص ٥٠٦ عن الإمام الباقر عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٠٩ ح ١.

٢. كنز العمال: ج ٢ ص ٤٤٢ ح ٤٤٤٨ نقلاً عن ابن مردويه.

٣. غرر الحكم: ح ٥١٦٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٢٣.

٤. الزمر: ٢٢.

٥. غرر الحكم: ح ٨٣٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٢ ح ٥٤٢.

٦. السقل هو مثل السقل للسيف والثوب ونحوهما بالسین والصاد جميعاً، صقله صقلًا وصقلًا: جلاء (تاج

العروس: ج ١٤ ص ٣٢٩ سقل، وج ١٥ ص ٤٠٥ سقل).

و مگذار که دغدغه‌ها مرا از یاد تو باز بدارد. به تو التماس می‌کنم».

۴۰۴. امام علی علیه السلام: چون این آیه: «آگاه باش که با یاد خدا، دل‌ها آرام می‌گیرد» نازل شد، پیامبر خدا فرمود: «این برای کسی است که خدا و پیامبر او را دوست بدارد و اهل بیت مرا صادقانه و نه به دروغ، دوست بدارد و مؤمنان را در حضور و غیاب، دوست بدارد. آگاه باشید که با یاد خداست که یکدیگر را دوست می‌دارند».

۴۰۵. امام علی علیه السلام: یاد خدا، جلا دهندهٔ سینه‌ها و آرام‌بخش دل‌هاست.



قرآن

«پس آیا کسی که خدا، سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام، گشاده و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش است [همانند فرد تاریکدل است؟]. پس وای بر آنان که از سخت‌دلی، یاد خدا نمی‌کنند. اینان‌اند که در کم‌راهی آشکارند».

حدیث

۴۰۶. امام علی علیه السلام: یاد خدا، سینه را گشایش می‌بخشد.

۵/۹

جلای دل

۴۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی را صیقل دهنده‌ای است و صیقل دهندهٔ دل‌ها یاد

مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. ١

٢٠٨ . الإمام علي عليه السلام - مِنْ كَلَامٍ لَهُ عِنْدَ تِلَاوَتِهِ: ﴿يَسْبِغُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تَجَنُّرَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ ٢ - : إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذُّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ، وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ. ٣

٢٠٩ . الكافي عن صباح الحذاء عن أبي أسامة: زاملتُ ٤ أبا عبد الله عليه السلام فقال لي: اقرأ، قال: فَافْتَسَحْتُ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَقَرَأْتُهَا، فَفَرَّقَ وَبَكَى.

ثُمَّ قَالَ: يَا أبا أسامة، اِرْعُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَاحْذَرُوا النَّكْتَ ٥، فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى الْقَلْبِ تَارَاتٌ أَوْ سَاعَاتٌ - الشُّكُّ مِنْ صَبَاحٍ - لَيْسَ فِيهِ إِيْمَانٌ وَلَا كُفْرٌ، شِبْهُ الْخِرْقَةِ الْبَالِيَةِ أَوْ الْعِظْمِ النَّخِرِ.

يَا أبا أسامة، أَلَيْسَ رُبَّمَا تَفَقَّدْتَ قَلْبَكَ فَلَا تَذْكُرُ بِهِ خَيْرًا وَلَا شَرًّا، وَلَا تَدْرِي أَيْنَ هُوَ؟

قُلْتُ لَهُ: بَلَى، إِنَّهُ لَيُصِيبُنِي وَأَرَاهُ يُصِيبُ النَّاسَ! قَالَ: أَجَلٌ، لَيْسَ يَعْرِى مِنْهُ أَحَدٌ، قَالَ: فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَاحْذَرُوا النَّكْتَ، فَإِنَّهُ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا نَكَتَ إِيْمَانًا، وَإِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ ذَلِكَ نَكَتَ غَيْرَ ذَلِكَ.

١ . شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٩٦ ح ٥٢٢ عن عبد الله بن عمر، تنبيه الغافلين: ص ٣٩٧ ح ٦٠١ وفيه «لكل شيء صقال، وصقال القلب ذكر الله تعالى» فقط، الترغيب والترهيب: ج ٢ ص ٣٩٦ ح ١٠، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٨ ح ١٨٤٨.

٢ . النور: ٣٦ و ٣٧.

٣ . نهج البلاغة: الخطبة ١٢٢، غرر الحكم: ح ٣٥٧٣ ولم يذكر فيه الآية الشريفة، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٢٥ ح ٣٩.

٤ . الزميل: الرفيق في السفر الذي يعينك على أمورك (لسان العرب: ج ١١ ص ٣١٠ «زمل»).

٥ . اِرْعُوا قُلُوبَكُمْ: من الرعاية؛ أي احفظوها بذكره تعالى من وساوس الشيطان. والنكته: ما يلقيه الشيطان في القلب من الوسوس والشبهات (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ٣٩).

خداست. هیچ چیز مانند یاد خدا، آدمی را از عذاب خدا نجات نمی‌دهد.

۲۰۸. امام علی علیه السلام - از سخن ایشان به هنگام تلاوت «در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه، او را نیایش می‌کنند؛ مردانی که نه تجارت، و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، به خود مشغول نمی‌دارد» - : خداوند پاک و بلندمرتبه، یاد [خود] را جلا دهنده دل‌ها قرار داد. با یاد او دل‌های ناشنوا شنوا می‌شوند و دل‌های نابینا بینا می‌گردند و دل‌های ستیزه‌گر، رام می‌شوند.

۲۰۹. الکافی - به نقل از صباح حداء، از ابوأسامه - : با امام صادق علیه السلام در سفری همراه شدم، به من فرمود: «[چیزی از قرآن] بخوان».

من شروع به قرائت سوره‌ای از قرآن کردم. ایشان متأثر شد و گریست. سپس فرمود: «ای ابوأسامه! از دل‌های خود با یاد خداوند تعالی مواظبت کنید و مراقب نکته^۱ باشید؛ زیرا بارها (/ ساعاتی)^۲ بر دل می‌گذرد که نه ایمان در اوست و نه کفر؛ همانند خرقه کهنه یا استخوان پوسیده.

ای ابوأسامه! آیا نه این است که گاه دلت را گم می‌کنی و هیچ نیک و بدی با آن یاد نمی‌کنی و نمی‌دانی کجاست؟».

گفتم: چرا. این حالت به من دست می‌دهد و به گمانم، دیگران هم دچارش می‌شوند.

فرمود: «آری. هیچ کس از این حالت، خالی نیست. پس چون چنین شد، خدای تعالی را یاد کنید و مراقب نکته باشید؛ زیرا هر گاه او خیر بنده‌ای را بخواهد، نکته ایمان ایجاد می‌کند و هر گاه جز آن برایش بخواهد، نکته جز آن، ایجاد می‌نماید».

۱. تعبیر «نکت» که در متن عربی حدیث آمده، به معنای زدن چوبی بر زمین و خراش دادن زمین است. مراد از نکت، وارد شدن چیز فاسدی مانند کفر و نفاق در دل است که دل را تحت تأثیر قرار دهد. نکته به معنای نقطه (یعنی چرک و لک)، از همین اصل معنایی است.

۲. تردید از صباح است.

قُلْتُ: مَا غَيْرُ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ، مَا هُوَ؟

قَالَ: إِذَا أَرَادَ كُفْرًا نَكَتَ كُفْرًا. ١

٣١٠. الإمام عليؑ: الذِّكْرُ جِلَاءُ الْبَصَائِرِ، وَنُورُ السَّرَائِرِ. ٢

٦ / ٩

شِفَاءُ الْقَلْبِ

٣١١. رسول الله ﷺ: ذِكْرُ اللَّهِ شِفَاءُ الْقُلُوبِ. ٣

٣١٢. عنه ﷺ: عَلَيْكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ، وَإِيَّاكُمْ وَذِكْرَ النَّاسِ فَإِنَّهُ دَاءٌ. ٤

٣١٣. عنه ﷺ: إِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ شِفَاءٌ، وَإِنَّ ذِكْرَ النَّاسِ دَاءٌ. ٥

٣١٤. الإمام عليؑ: ذِكْرُ اللَّهِ دَوَاءٌ أَعْلَالِ النَّفُوسِ. ٦

٣١٥. عنه ﷺ: - مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كَمِيلٍ -: يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ. ٧

٧ / ٩

صَلَاحُ الْقَلْبِ

٣١٦. الإمام عليؑ: أَصْلُ صَلَاحِ الْقَلْبِ اسْتِغَالُهُ بِذِكْرِ اللَّهِ. ٨

١. الكافي: ج ٨ ص ١٦٧ ح ١٨٨، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٩ ح ٣٨.

٢. غرر الحكم: ح ١٣٧٧.

٣. كنز العمال: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٧٥ نقلاً عن الديلمي عن أنس.

٤. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٨.

٥. شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٥٩ ح ٧١٧ عن مكحول، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٨٣٧.

٦. غرر الحكم: ح ٥١٦٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٤.

٧. مصباح المتهجد: ص ٨٥٠ ح ٩١٠، الإقبال: ج ٣ ص ٣٣٧ كلاهما عن كميل، البلد الأمين: ص ١٩١.

٨. غرر الحكم: ح ٣٠٨٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٠ ح ٢٧٣٦.

- گفتم: فدایت شوم! مقصود از «جز آن» چیست؟
فرمود: «هر گاه کفر بنخواهد، نکته کفر ایجاد می‌کند».
۳۱۰. امام علی علیه السلام: یاد خدا، جلادهنده دیدگان و روشنایی درون‌هاست.

۶/۹ شفای دل

۳۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا، شفای دل‌هاست.
۳۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را یاد کنید، که یاد خدا درمان است، و مردم را یاد نکنید، که آن، درد [و بیماری] است.
۳۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد خدا، درمان است و یاد مردم، درد.
۳۱۴. امام علی علیه السلام: یاد خدا، داروی دردهای جان‌هاست.
۳۱۵. امام علی علیه السلام - از دعای ایشان، معروف به «دعای کمیل» -: ای کسی که نامش دوا و یادش شفاست.

۷/۹ بهبود دل

۳۱۶. امام علی علیه السلام: ریشه بهبود دل، پرداختن آن به یاد خداست.

٢١٧ . الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغِ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقِ السَّنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ.^١

٢١٨ . الإمام علي عليه السلام: مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ قُوَّةُ الْأَرْوَاحِ، وَمِفْتَاحُ الصَّلَاحِ.^٢

٨ / ٩

حَيَاةُ الْقَلْبِ

٢١٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: بِذِكْرِ اللَّهِ تَحْيَا الْقُلُوبُ، وَبِنِسْيَانِهِ مَوْتُهَا.^٣

٢٢٠ . عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - : نَبِّهْ بِالذِّكْرِ قَلْبَكَ، وَجَافِ^٤ عَنِ النَّوْمِ جَنبَكَ، وَاتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ.^٥

٢٢١ . الإمام علي عليه السلام: فِي الذِّكْرِ حَيَاةُ الْقُلُوبِ.^٦

٢٢٢ . عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ، وَنَوَّرَ عَقْلَهُ وَلَبَّهٗ.^٧

٢٢٣ . عنه عليه السلام: الذِّكْرُ نَوْرُ الْعَقْلِ، وَحَيَاةُ النَّفْسِ، وَجِلَاءُ الصُّدُورِ.^٨

٢٢٤ . الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي دُعَاءِ أَبِي حَمْرَةَ الشَّمَالِيِّ - : مَوْلَايَ، بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي، وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَّدَتِ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي.^٩

١ . الصحيفة السجادية: ص ٣٧ الدعاء ٥

٢ . غرر الحكم: ح ٩٨٣٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٧ ح ٩٠٠٦.

٣ . تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٠.

٤ . جفا جفته عن الفراش وتجافى: نبا عنه ولم يطمئن عليه. وجافيت جنبي عن الفراش فتجافى (لسان العرب: ج ١٤ ص ١٤٨ جفا).

٥ . تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٧.

٦ . غرر الحكم: ح ٦٤٤٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٤ ح ٥٩٩١.

٧ . غرر الحكم: ح ٨٨٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٨ ح ٨٣٠١ وفيه «استنار» بدل «نور».

٨ . غرر الحكم: ح ١٩٩٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٠ ح ١٥٢٣.

٩ . مصباح المتهجد: ص ٥٩٢ ح ٦٩١، الإقبال: ج ١ ص ١٦٨ كلاهما عن أبي حمزة الشعملي، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٨٩ ح ٢.

۴۱۷. امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست، و سلامت دل‌های ما را صرف یاد عظمت خودت گردان، و فراغت تن‌هایمان را صرف سپاس‌گزاری نعمت‌هایت، و گویایی زبان‌هایمان را صرف بیان نوازش‌هایت گردان.

۴۱۸. امام علی علیه السلام: مداومت بر یاد خدا، خوراک جان‌ها، و کلید بهبود [و درستی] است.

۸/۹ زنده شدن دل

۴۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با یاد خدا، دل‌ها زنده‌اند، و با فراموش کردن او می‌میرند.

۴۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به ابو ذر - دلت را با یاد [خدا] بیدار بدار، و پهلویت را از [بستر] خواب، دور گردان، و از پروردگارت، خدای یگانه، پروا داشته باش.

۴۲۱. امام علی علیه السلام: یاد خدا، حیات‌بخش دل‌هاست.

۴۲۲. امام علی علیه السلام: هر که خدای سبحان را یاد کند، خداوند، دلش را زنده می‌گرداند، و خرد و مغزش را روشن می‌سازد.

۴۲۳. امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنائی خرد، و زندگی‌بخش جان‌ها، و جلا دهندهٔ سینه‌هاست.

۴۲۴. امام زین العابدین علیه السلام - در دعای ابو حمزه ثمالی - : آقای من! با یاد توست که دلم زندگی می‌کند، و با راز و نیاز با توست که درد ترس را در من، فرو نشانده‌ای.

٢٢٥ . الإمام الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ ... صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ، وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً، وَعُيُوبَنَا مَسْتُورَةً، وَقَرَائِنَنَا مَشْكُورَةً، وَتَوَاقِلَنَا مَبْرُورَةً، وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً^١.

٢٢٦ . الإمام المهدي عليه السلام: إلهي وأسألك باسمك ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... وَتُغْنِيَنِي فَقْرِي، وَتَجْبِرَ كَسْرِي، وَتُحْيِيَنِي قُوَادِي بِذِكْرِكَ^٢.

٩ / ٩

عِمَارَةُ الْقَلْبِ

٢٢٧ . الإمام علي عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام - : أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ - أَي بُنْيٍّ - وَلُزُومِ أَمْرِهِ، وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ^٣.

٢٢٨ . عنه عليه السلام: إلهي ... أَنَادِيكَ بِقَلْبٍ قَرِيحٍ، وَأَنَاجِيكَ بِدَمْعِ سَفُوحٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ قُوَّتِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جُرَأْتِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْ جَهْلِي، وَأَتَعَلَّقُ بِعُرَى أَسْبَابِكَ مِنْ ذَنْبِي، وَأَعْمُرُ بِذِكْرِكَ قَلْبِي^٤.

١٠ / ٩

نُورُ الْقَلْبِ

٢٢٩ . الإمام علي عليه السلام: إِسْتَدِيمُوا الذِّكْرَ فَإِنَّهُ يُنِيرُ الْقَلْبَ، وَهُوَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ^٥.

١ . مصباح المتعبد: ص ٥٩ ح ٩٢، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٥٣ ح ٥٨ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي عن معاوية بن وهب البجلي.

٢ . مهج الدعوات: ص ٣٤٣، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٧٣ ح ٣٤.

٣ . نهج البلاغة: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٦٨، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١٧ ح ٢؛ كنز العمال: ج ١٦ ص ١٦٨ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ.

٤ . بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٤٦ ح ٥٦ نقلاً عن اختيار ابن الباقي.

٥ . غرر الحكم: ح ٢٥٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٢ ح ٢١٧٢.

۳۲۵. امام کاظم علیه السلام: بار خدایا!... بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و دل‌های ما را با یاد خودت زنده بدار، و گناهانمان را آمرزیده دار، و عیب‌هایمان را بپوش، و واجباتی را که به جا آورده‌ایم، پاداش ده و مستحباتمان را بپذیر و دل‌هایمان را به یاد خودت آبادان ساز.

۳۲۶. امام مهدی علیه السلام: معبودا! به نام تو از تو درخواست می‌کنم... که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی... و نیازمندی مرا به بی‌نیازی مبدل سازی، و شکستگی‌ام را ببندی، و دلم را به یاد خودت زنده داری.

۹ / ۹

آبادی دل

۳۲۷. امام علی علیه السلام - از سفارش‌های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام - : تو را - ای پسر - به ترس از خدا، و پایبندی به فرمان او، و آباد کردن دلت به یاد او سفارش می‌کنم.

۳۲۸. امام علی علیه السلام: معبودا!... با دلی ریش، صدایت می‌زنم و با اشکی ریزان، آهسته می‌خوانمت و از نیروی خویش به تو پناه می‌برم و از گستاخی خویش به تو پناه می‌برم و از نادانی خویش به تو پناه می‌آورم و از گناهان خود به دستگیره‌های رشته‌های تو چنگ می‌زنم و دلم را به یاد تو آباد می‌گردانم.

۱۰ / ۹

روشنایی دل

۳۲۹. امام علی علیه السلام: بر یاد خدا مداومت ورزید، که این کار، هم دل را نورانی می‌کند، و هم برترین عبادت است.

- ٢٣٠ . عنه عليه السلام: دَوَامُ الذِّكْرِ يُنِيرُ الْقَلْبَ وَالْفِكْرَ. ١.
- ٢٣١ . عنه عليه السلام: مَنْ كَثَّرَ ذِكْرَهُ اسْتَنَارَ لُبُّهُ. ٢.
- ٢٣٢ . عنه عليه السلام: نَمْرَةُ الذِّكْرِ اسْتِنَارَةُ الْقُلُوبِ. ٣.
- ٢٣٣ . عنه عليه السلام: الذِّكْرُ نُورٌ وَرُشْدٌ. النَّسْيَانُ ظُلْمَةٌ وَقَقْدٌ. ٤.
- ٢٣٤ . عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. ٥.
- ٢٣٥ . عنه عليه السلام: الذِّكْرُ يُؤْنِسُ اللَّبَّ، وَيُنِيرُ الْقَلْبَ، وَيَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ. ٦.
- ٢٣٦ . عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ يُنِيرُ الْبَصَائِرَ، وَيُؤْنِسُ الضَّمَائِرَ. ٧.



٢٣٧ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَلَزَمَ قَلْبَهُ فِكْرًا، وَلِسَانَهُ الذِّكْرَ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ إِيمَانًا وَرَحْمَةً، وَنُورًا وَحِكْمَةً. ٨.

٢٣٨ . الكافي عن السندي عن الإمام الباقر عليه السلام: مَا أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ ﷻ أَرْبَعِينَ يَوْمًا - أَوْ قَالَ: مَا أَجْتَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ ﷻ أَرْبَعِينَ يَوْمًا - إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ ﷻ فِي الدُّنْيَا، وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا

- ١ . غرر الحكم: ح ٥١٤٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٠ ح ٤٦٨٣.
- ٢ . غرر الحكم: ح ٩١٢٣.
- ٣ . غرر الحكم: ح ٤٦٣١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٨ ح ٤١٧٠.
- ٤ . غرر الحكم: ح ٦٠٢ و ٦٠٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٠ ح ١٢٩٠ و ١٢٩١.
- ٥ . غرر الحكم: ح ٦١٠٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣٥ ح ٥٧٢٨.
- ٦ . غرر الحكم: ح ١٨٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥ ح ١٤٢٩.
- ٧ . غرر الحكم: ح ٥١٦٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧٢٠.
- ٨ . إرشاد القلوب: ص ١٠٠.

۳۳۰ . امام علی علیه السلام: مداومت بر یاد خدا، دل و اندیشه را روشن می‌گرداند.

۳۳۱ . امام علی علیه السلام: هر که بسیار یاد خدا کند، دلش روشنایی می‌گیرد.

۳۳۲ . امام علی علیه السلام: ثمره یاد خدا، نورانی شدن دل‌هاست.

۳۳۳ . امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنایی و رهایی است، و فراموشی [او] تاریکی و گمراهی است.

۳۳۴ . امام علی علیه السلام: بر تو باد یاد خدا؛ زیرا یاد خدا، روشنایی دل است.

۳۳۵ . امام علی علیه السلام: یاد خدا، اندیشه را رام و دل را روشن می‌کند و رحمت [الهی] را فرود می‌آورد.

۳۳۶ . امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنایی بخش بیش‌ها، و رام‌کننده درون‌هاست.

مرکز تحقیقاتی پژوهش‌های اسلامی
حکمت دل

۳۳۷ . امام علی علیه السلام: هر که دلش را با اندیشیدن و زبانش را با یاد خدا همراه سازد، خداوند، دلش را از ایمان و مهر و روشنایی و حکمت، آکنده می‌سازد.

۳۳۸ . الکافی - به نقل از سندی: - امام باقر علیه السلام فرمود: «بنده، چهل روز ایمان به خداوند تعالی را خالص نگردانید» یا فرمود: «هیچ بنده‌ای چهل روز خداوند تعالی را به خوبی یاد نکرد، مگر آن که خداوند تعالی او را به دنیا زاهد گرداند و درد و درمان دنیا را به

ودواءها؛ فَأَثَبَتِ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ^١.

١٢/٩

هُدَايَةُ الْعُقُولِ

٣٣٩. الإمام علي^{عليه السلام}: الذُّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ، وَتَبْصِرَةُ النَّفُوسِ^٢.

٣٤٠. عنه^{عليه السلام}: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبْصَرَ^٣.

٣٤١. عنه^{عليه السلام}: لَا هِدَايَةَ كَالذُّكْرِ^٤.

١٣/٩

ذَجَاحُ الْأُمُورِ

٣٤٢. رسول الله^{صلى الله عليه وآله}: أذْكَرُ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى مَا تَطْلُبُ^٥.

٣٤٣. الإمام علي^{عليه السلام}: خَيْرُ مَا اسْتَنْجَحْتَ بِهِ الْأُمُورَ ذِكْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ^٦.

٣٤٤. عنه^{عليه السلام}: ذِكْرُ اللَّهِ تُسْتَنْجَحُ بِهِ الْأُمُورُ، وَتُسْتَنْبَرُ بِهِ الشَّرَائِرُ^٨.

١. جدير بالذكر أن الرواية الأولى دالة على أن الذكر المرافق للفكر هو الموجب لحصول الحكمة، وأما الرواية الثانية فإنها إنما تدل على عنوان الباب فيما لو كان قول الإمام هو: «ما أجمل عبد ذكر الله^{صلى الله عليه وآله} أربعين يوماً».

٢. الكافي: ج ٢ ص ١٦ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٤٠ ح ٨.

٣. غرر الحكم: ح ١٤٠٣.

٤. غرر الحكم: ح ٧٨٠٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٩ ح ٧٢٩٧.

٥. غرر الحكم: ح ١٠٤٦٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٣٦ ح ٩٨٢٨.

٦. تنبيه الغافلين: ص ٤٧١ ح ٧٣٢ عن عمارة، شرح نهج البلاغة: ج ١٥ ص ٦٥، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٥ نقلاً عن ابن عساكر عن عطاء بن أبي مسلم؛ بحار الأنوار: ج ٢١ ص ٦٠ ح ١١.

٧. غرر الحكم: ح ٤٩٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٨ ح ٤٥٢٧.

٨. غرر الحكم: ح ٥١٦٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٨.

او نمایاند و حکمت را در دلش استوار کرد و زبانش را به آن، گویا ساخت.»

۱۲/۹

راه‌نمای خردها

۳۳۹. امام علی علیه السلام: یاد خدا، مایهٔ هدایت خردها و بصیرت جان‌هاست.

۳۴۰. امام علی علیه السلام: هر که خدا را یاد کند، هدایت می‌شود.

۳۴۱. امام علی علیه السلام: هیچ هدایتی مانند یاد خدا نیست.

۱۳/۹

موفقیت در کارها

۳۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را یاد کن؛ زیرا یاد خدا، تو را در آنچه می‌طلبی، کمک می‌کند.

۳۴۳. امام علی علیه السلام: بهترین وسیلهٔ موفقیت تو در کارها، یاد خداوند سبحان است.

۳۴۴. امام علی علیه السلام: یاد خدا، مایهٔ موفقیت در کارها و نورانیت درون‌هاست.

١٣/٩

الرِّزْقُ بِغَيْرِ بِضَاعَةٍ

٢٢٥ . رسول الله ﷺ: اِتَّخِذُوا ذِكْرَ اللَّهِ تِجَارَةً، يَا تِكْمُ الرِّزْقُ بِغَيْرِ بِضَاعَةٍ ١.

٢٢٦ . عنه ﷺ: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ رَزَقَهُ اللَّهُ ٢.

١٥/٩

النَّجَاةُ مِنَ الشَّدَائِدِ

٢٢٧ . رسول الله ﷺ: كُلُّ أَحَدٍ يَمُوتُ عَطْشَانَ، إِلَّا ذَاكَرَ اللَّهَ ٣.

٢٢٨ . الإمام علي عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ طَارِدُ اللَّأْوَاءِ ٥ وَالْبُؤْسِ ٦.

٢٢٩ . الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عليه السلام، قَالَ مُوسَى: ... إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ لَمْ

يَفْتَرُ لِسَانَهُ عَن ذِكْرِكَ، وَالتَّصْرُّعِ وَالِاسْتِعَانَةِ لَكَ فِي الدُّنْيَا؟

قَالَ: يَا مُوسَى، أَعْيْنُهُ عَلَيَّ شَدَائِدِ الْآخِرَةِ ٧.

٢٥٠ . الإمام الهادي عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عليه السلام، قَالَ مُوسَى: ... إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ

ذَكَرَكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ؟

١ . في المصدر: «من بضاعه»، والتصويب من فيض القدير: ج ٣ ص ٤٦٥.

٢ . الفردوس: ج ٢ ص ١١٩ ح ٢٦٢٤، فردوس الأخبار: ج ٢ ص ١٩٣ ح ٢٤٢٦ وفيه «من غير طاعة» بدل «بغير بضاعه» وكلاهما عن الإمام علي عليه السلام.

٣ . دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١١٦ ح ٣٨٥، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٢٥ ح ١٢.

٤ . الدعوات: ص ٢٣٧ ح ٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٤٠ ح ٢٦.

٥ . اللأواء: الشدة وضيق المعيشة (النهاية: ج ٤ ص ٢٢١ ولأى).

٦ . غرر الحكم: ح ٥١٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٥ ح ٤٧١٥.

٧ . فضائل الأشهر الثلاثة: ص ٨٨ ح ٦٨ عن زياد بن المنذر، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤١٢ ح ١٣١.

۱۴/۹

روزی بی سرمایه

۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ: یاد خدا را [سرمایه] تجارت قرار دهید تا روزی، بی کالا و سرمایه به شما برسد.

۳۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هر که خدا را بسیار یاد کند، خداوند، روزی اش می‌دهد.

۱۵/۹

رسیدن از سختی با ذکر قاری ما

۳۳۷. پیامبر خدا ﷺ: هر شخصی تشنه می‌میرد، مگر ذکر گوی خدا.

۳۳۸. امام علی ﷺ: یاد خدا، دور کننده تنگ‌دستی و بینوایی است.

۳۳۹. امام باقر ﷺ: چون خداوند با موسی بن عمران ﷺ سخن گفت، موسی گفت: ...

معبودا! پاداش کسی که در دنیا زبانش از یاد تو و التماس و کمک جستن از تو سست نشود، چیست؟

فرمود: «ای موسی! او را در سختی‌های آخرت، کمک می‌کنم».

۳۵۰. امام هادی ﷺ: آن‌گاه که خداوند با موسی بن عمران ﷺ سخن گفت، موسی گفت:

معبودا! پاداش کسی که با زبان و دلش تو را یاد کند، چیست؟

قال: يا موسى، أظله يوم القيامة يظل عرشي، وأجعله في كنفى^١.

٢٥١. عنه عليه السلام - في الدعاء - : يا مَنْ تُحَلُّ بِأَسْمَائِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يُفَلُّ بِذِكْرِهِ حَدُّ

الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُدْعَى بِأَسْمَائِهِ الْعِظَامِ مِنْ ضَيْقِ الْمَخْرَجِ إِلَى مَحَلِّ الْقَرَجِ^٢.

راجع: ص ١٠٠ ح ١٥٢.

١٦/٩

حَسَنُ الذِّكْرِ

٢٥٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛ فَإِنَّهُ رَوْحُكَ^٣ فِي السَّمَاءِ، وَذِكْرُكَ فِي

الأَرْضِ^٤.

٢٥٣. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا؛ فَإِنَّهُ ذِكْرُكَ فِي السَّمَاءِ، وَنُورُكَ فِي

الأَرْضِ^٥.

٢٥٤. الإمام علي عليه السلام: مَنْ اشْتَغَلَ بِذِكْرِ اللَّهِ، طَيَّبَ اللَّهُ ذِكْرَهُ^٦.

١. الأملالي للصدوق: ص ٢٧٦ ح ٣٠٧ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني، روضة الواعظين: ص ٤٢٨، مشكاة

الأثورار: ص ١١٤ ح ٢٦٥ كلاهما عن موسى عليه السلام، بحار الأثوار: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢٣؛ البداية والنهاية: ج ٩ ص ٢٨٧ عن وهب عن موسى عليه السلام.

٢. مهج الدعوات: ص ٣٢٥ عن اليسع بن حمزة، بحار الأثوار: ج ٩٥ ص ٢٢٩ ح ٢٧.

٣. الرُّوح: الراحة والرحمة (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٢٤ روح).

٤. مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٦٣ ح ١١٧٧٤ عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٢٦ ح ٤٣٢٨٤.

٥. الخصال: ص ٥٢٥ ح ١٣، معاني الأخبار: ص ٣٢٤ ح ١ كلاهما عن أبي ذر، بحار الأثوار: ج ٩٣ ص ١٥٤

ح ١٥؛ المعجم الكبير: ج ٢ ص ١٥٧ ح ١٦٥١، الفردوس: ج ٣ ص ٣١ ح ٤٠٦٨ كلاهما عن أبي ذر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٠٩ ح ٤٣٥٧٢.

٦. غرر الحكم: ح ٨٢٣٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٥ ح ٧٨٣٢.

فرمود: «ای موسی! روز قیامت، او را در سایهٔ عرشم در می‌آورم و در پناه خویش می‌گیرم».

۳۵۱. امام هادی علیه السلام - در دعا - : ای آن که گِره‌های ناملايمات با نام‌های او باز می‌شوند! ای آن که تیزی سختی‌ها با یاد او کُند می‌شود! و ای آن که با خواندن نام‌های بزرگش از تنگنا به گشایش، راه بُرده می‌شود!

و.ک: ص ۱۰۱ ح ۱۵۲.

۱۶/۹

نیک‌نامی

۳۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد یاد خدا و تلاوت قرآن؛ زیرا این کار، مایهٔ خوش‌بویی تو در آسمان و نیک‌نامی‌ات در زمین است.

۳۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد تلاوت قرآن و یاد کردن بسیار از خدا؛ زیرا این کار در آسمان، برایت نام و در زمین، برایت نور است.

۳۵۴. امام علی علیه السلام: هر که به یاد خدا سرگرم شود، خداوند، نام و یاد او را خوش می‌گرداند.

١٧/٩

حُسْنُ الْعَمَلِ

٢٥٥ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ الذِّكْرِ، حَسُنَتْ أَعْمَالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ.^١

١٨/٩

كَفَارَةُ السَّيِّئَاتِ

٢٥٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: كَابِدُوا^٢ اللَّيْلَ بِالصَّلَاةِ، وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا؛ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ.^٣

٢٥٧ . الإمام علي عليه السلام: عَوَّدَ نَفْسَكَ الْإِسْتِهَارَ بِالذِّكْرِ وَالِاسْتِغْفَارِ، فَإِنَّهُ يَمْحُو عَنْكَ الْحَوْبَةَ^٤،

وَيُعْظِمُ لَكَ الْمَثُوبَةَ.^٥



مرکز تحقیقات کلامی و عقاید
١٩/٩ هجری

قُوَّةُ الْإِيمَانِ

٢٥٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّ الْقُرْآنَ وَالذِّكْرَ لَيُنْبِتَانِ الْإِيمَانَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ

الْمَاءُ الْعُشْبَ.^٦

١ . غرر الحكم: ح ٨٨٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٨ ح ١٢٩٧.

٢ . كابدت الأمر: إذا فاسيت شدته (الصحاح: ج ٢ ص ٥٣٠ «كبر»).

٣ . الأمالي للمفيد: ص ١٨٩ ح ١٦ عن جابر بن عبد الله الأنصاري، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٢٢٣ ح ٤٥.

٤ . الحوبة: الإثم (القاموس المحيط: ج ١ ص ٥٨ «حوب»).

٥ . غرر الحكم: ح ٦٢٣٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٤٠ ح ٥٧٩٢ وفيه «الاستكثار بالاستغفار» بدل «الاستهتار بالذكر والاستغفار».

٦ . كنز العمال: ج ١٥ ص ٢٢١ ح ٤٠٦٧٠ نقلاً عن الديلمي عن أنس.

۱۷/۹

نیک‌کرداری

۲۵۵. امام علی علیه السلام: هر که دلش را پیوسته به یاد خدا آباد بدارد، کردارهایش در نهان و آشکار، نیک می‌شود.

۱۸/۹

زدودن گناهان

۲۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رنج شب زنده‌داری با نماز را تحمل کنید، و خدای را بسیار یاد کنید تا گناهانتان را از شما بزُداید.

۲۵۷. امام علی علیه السلام: خویشتن را به دل دادن به یاد خدا و استغفار، خودِده؛ زیرا این کار، گناه را از تو می‌زداید و پاداش بزرگی نصیبت می‌کند.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی
۱۹/۹

تقویت ایمان

۲۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جانم در دست اوست، [تلاوت] قرآن و یاد [خدا]، ایمان را در دل می‌رویاند، چنان که آب، گیاه را می‌رویاند!

٢٠ / ٩

التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

٢٥٩ . كثر العمال عن خالد بن الوليد: جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال: إني سأئلك عما في الدنيا والآخرة، فقال له: سل عما بدا لك... قال: أحبُّ أن أكون أخصَّ الناس إلى الله تعالى.

قال: أكثر ذكر الله، تكن أخصَّ العباد إلى الله تعالى. ١

٢٦٠ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام -: إعراب القلوب أربعة أنواع: رَفَعُ وفتح وخفض ووقف.

فَرَفَعُ الْقَلْبِ فِي ذِكْرِ اللَّهِ، وَفَتَحَ الْقَلْبَ فِي الرِّضَا عَنِ اللَّهِ، وَخَفَضَ الْقَلْبَ فِي الْإِسْتِغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ، وَوَقَفَ الْقَلْبَ فِي الْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ.

الأتري أن العبد إذا ذكر الله تعالى بالتعظيم خالصاً، ارتفع كل حجاب بينه وبين الله من قبل ذلك... وإذا غفل عن ذكر الله كيف تراه بعد ذلك موقوفاً محجوباً، قد قسا وأظلم منذ فارق نور التعظيم.

فَعَلَامَةُ الرَّفَعِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: وَجُودُ الْمُوَافَقَةِ، وَفَقْدُ الْمُخَالَفَةِ، وَدَوَامُ الشُّوقِ....

وَعَلَامَةُ الْوَقْفِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: زَوَالُ خِلَاوَةِ الطَّاعَةِ، وَعَدْمُ مَرَارَةِ الْمَعْصِيَةِ، وَالتَّبَاشُ

عِلْمِ الْحَلَالِ بِالْحَرَامِ. ٢

١ . كثر العمال: ج ١٦ ص ١٢٧ ح ٤٤١٥٤ نقلاً عن أبي العباس المستغفري.

٢ . مصباح الشريعة: ص ٢٠، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٥ ح ٢٥.

۲۰ / ۹

نزویک شدن به خدا

۲۵۹. **کنز العمال** - به نقل از خالد بن ولید - : مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: می‌خواهم در باره دنیا و آخرت از شما پرسم.

به او فرمود: «آنچه می‌خواهی، پرس ...».

گفت: دوست می‌دارم که خاص‌ترین مردم نزد خدای متعال باشم.

فرمود: «خدا را بسیار یاد کن تا خاص‌ترین بندگان نزد خدای متعال باشی».

۲۶۰. **مصباح الشریعة** - در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : اعراب دل‌ها چهار تاست: رفع و فتح و جرّ و وقف.

رفع دل، در یاد خداست؛ فتح دل، در خشنودی از خداست؛ جرّ دل، در پرداختن به غیر خداست؛ و وقف دل، در غفلت از خداست.

مگر نمی‌بینی که بنده هر گاه، از سرِ اخلاص، خدای متعال را به بزرگی یاد کند، هر حجابی که پیش از آن میان او و خدا بوده است، مرتفع می‌شود... و هر گاه از یاد خدا غافل گردد، چگونه پس از آن، متوقف می‌شود و در حجاب می‌ماند؟ از آن زمان که از نور بزرگداشت [خدا] جدا شد، دلش سخت و تاریک شد.

پس، علامت رفع، سه چیز است: بودن سازگاری، نبود ناسازگاری، و دوام شوق ...

و علامت وقف، سه چیز است: از میان رفتن شیرینی فرمان‌برداری، نبود تلخی نافرمانی، و در آمیختن علم حلال به علم حرام.

٢١ / ٩

الأنس بالله

٢٦١ . الإمام علي عليه السلام: الذكر مفتاح الأنس^١.٢٦٢ . عنه عليه السلام: ذاكر الله مؤانسه^٢.٢٦٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله - في دعاء الجوشن الكبير -: يا أنيس الذاكرين^٣.

٢٦٤ . الإمام علي عليه السلام: اللهم إني أنس الأنسين لأوليائك، وأحضرهم بالكفاية للمتوكلين

عليك، تشاهدتهم في سرائرهم، وتطلع عليهم في ضمائرهم، وتعلم مبلغ بصائرهم،

فأسرارهم لك مكشوفة، وقلوبهم إليك ملهوفة، إن أوحشتهم الغربة أنسهم ذكرك^٤.

٢٦٥ . عدة الداعي: في بعض الأحاديث القدسية: أيما عبد أطلعت على قلبه فرأيت الغالب

عليه التمسك بذكرى، توليت سياسته، وكنت جليسه ومحادثة وأنيسه^٥.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
٢٢ / ٩
حسب الله

٢٦٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: من أكثر ذكر الله أحببه الله^٦.

٢٦٧ . عنه عليه السلام: - في وصيته لأبي ذر -: يا أبا ذر، إن أحبكم إلى الله جل ثناؤه أكثركم

١ . غرر الحكم: ح ٥٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠ ح ٨٨٦

٢ . غرر الحكم: ح ٥١٦٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤١.

٣ . البلد الأمين: ص ٤١٠، المصباح للكفعمي: ص ٣٤٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٩٥ ح ٣.

٤ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٧، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٢٩ ح ٤٠.

٥ . عدة الداعي: ص ٢٣٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ٣ عن داود بن سرحان، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٥ ح ١٤٨ عن عبد

الرحمن بن الحجاج وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٢٥ ح ١١؛ كنز العمال: ج ٣

ص ٢٤١ ح ٦٣٥٠ نقلًا عن الدارقطني في الأفراد عن عائشة.

۲۱ / ۹
همدمی با خدا

۴۶۱. امام علی علیه السلام: یاد خدا، کلید همدمی است.

۴۶۲. امام علی علیه السلام: یاد کننده خدا، همدم اوست.

۴۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعای «جوشن کبیر» - : ای همدمِ ذاکران.

۴۶۴. امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو برای دوستانت نزدیک‌ترین همدمانی، و برای کارسازی

توکل کنندگان به تو، آماده‌ترینی، در نهان‌هایشان، آنان را می‌بینی و از

درون‌هایشان آگاهی و اندازه‌بیش‌هایشان را می‌دانی. پس رازهای ایشان، برای

تو آشکار است و دل‌هایشان، آرزومندِ توست. اگر وحشت‌تنبهایی فرایشان



گیرد، یاد تو همدمشان می‌شود.

۴۶۵. عِدَّة الداعی: در یکی از احادیث قدسی آمده است: «هر بنده‌ای که بر دلش نظر افکنم

و ببینم که تمسک به یاد من بر آن چیره است، تربیت او را خود بر عهده می‌گیرم

و همنشین و همسخن و همدم او می‌شوم».

۲۲ / ۹
محبوبیت در نزد خداوند

۴۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خداوند تعالی را بسیار یاد کند، خداوند، او را دوست می‌دارد.

۴۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به ابو ذر - : ای ابو ذر! محبوب‌ترین شما نزد خداوند تعالی

ذِكْرُ لَهُ ١.

٣٦٨ . عنه عليه السلام: أَحَبُّهُمْ [النَّاسِ] إِلَى اللَّهِ أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا ٢.

٣٦٩ . الإمام علي عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُؤْنِسُكَ بِذِكْرِهِ، فَقَدْ أَحَبَّكَ ٣.

٣٧٠ . رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ، وَدِدْتُ أَنِّي أَعْلَمُ مَنْ تُحِبُّ مِنْ عِبَادِكَ فَأُحِبُّهُ!

قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي يُكْثِرُ مِنْ ذِكْرِي، فَأَنَا أُذِنْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَأُحِبُّهُ، وَإِذَا رَأَيْتَ

عَبْدِي لَا يَذْكُرُنِي، فَأَنَا حَجَبْتُهُ عَنِ ذَلِكَ، وَأَنَا أُبْغِضُهُ ٤.

٢٣ / ٩

لِقَاءُ اللَّهِ

٣٧١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَيَّ عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ بِي جَعَلْتُ نَعِيمَهُ

وَلَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي عَشِقْتُهُ وَعَشِقْتُهُ، فَإِذَا عَشِقْتَنِي

وَعَشِقْتُهُ رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَصِرْتُ مَعَالِمًا ٥ بَيْنَ عَيْنَيْهِ لَا يَسْهَوُ إِذَا سَهَا

النَّاسُ؛ أُولَئِكَ كَلَامُهُمُ الْإِنْبِيَاءِ، أُولَئِكَ الْأَبْطَالُ حَقًّا، أُولَئِكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ بِأَهْلِ

الْأَرْضِ عُقُوبَةً وَعَذَابًا ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ ذَلِكَ عَنْهُمْ ٦.

١ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٥ ح ٢٦٦١ عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٦ ح ٣.

٢ . إرشاد القلوب: ص ١٣٣.

٣ . غرر الحكم: ح ٤٠٤٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٥ ح ٣٠٧٠.

٤ . تاريخ دمشق: ج ٦١ ص ١٤٧ ح ١٢٥٦٥، الفردوس: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٤٥٣٤ كلاهما عن عمر، كنز العمال:

ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٨٧٠؛ الدعوات: ص ٢٠ ح ١٨ وليس فيه «قال موسى عليه السلام»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٠

ح ٤١.

٥ . المعلم: الأثر يستدل به على الطريق (الصحيح: ج ٥ ص ١٩٩١ «علم»). وفي كنز العمال: «... وصيرت ذلك

تغالباً عليه، لا يسهر...».

٦ . حلية الأولياء: ج ٦ ص ١٦٥ عن الحسن، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٣ ح ١٨٧٢.

کسی است که بیشتر به یاد او باشد.

۲۶۸. پیامبر خدا ﷺ: محبوب‌ترین مردم نزد خدا، کسی است که بیشتر از او یاد کند.

۲۶۹. امام علیؑ: هر گاه دیدی که خداوند سبحان، تو را با یادش مانوس ساخته است، بی‌گمان، دوستت دارد.

۳۷۰. پیامبر خدا ﷺ: موسیؑ گفت: ای خدای من! دوست دارم بدانم از بندگانت چه کسی را دوست داری تا من نیز دوستش بدارم.

خداوند فرمود: «هر گاه دیدی که بندهام مرا بسیار یاد می‌کند، من اجازه [و توفیق] این کار را به او داده‌ام. پس او را دوست می‌دارم؛ و هر گاه دیدی که بندهام مرا یاد نمی‌کند، من او را از این کار مانع شده‌ام، و من، دشمنش می‌دارم.»



مرکز تحقیقات قرآنی و حدیثی
۲۳/۹
ویدار خدا

۳۷۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال می‌فرماید: «هر گاه غالب حالات بندهام پرداختن به من باشد، خوشی و لذت او را در یاد کردنش از من قرار دهم، و هر گاه خوشی و ذلتش را در یادم قرار دهم، او عاشق من می‌شود و من، عاشق او می‌شوم، و هر گاه او عاشق من شود و من عاشق او، پرده میان خودم و او را کنار می‌زنم و نشانه‌هایی فرا چشم او می‌شوم، به طوری که هر گاه مردم اشتباه کنند، او اشتباه نمی‌کند. این گونه بندگان، سخنشان، سخن پیامبران است. اینان، پهلوانان حقیقی هستند. اینان، کسانی هستند که هر گاه بخواهم زمینیان را کیفر و عذاب کنم، به یاد ایشان می‌افتم و کیفر و عذاب را از مردمان می‌گردانم.»

٣٧٢ . إحياء علوم الدين: في أخبار داود عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيْهِ ... : يَا دَاوُدُ! إِنِّي خَلَقْتُ قُلُوبَ الْمُشْتَاقِينَ مِنْ رِضْوَانِي، وَنَعَّمْتُهَا بِنُورٍ وَجْهِي ...

فَقَالَ دَاوُدُ عليه السلام: يَا رَبِّ! بِمَ نَالُوا هَذَا مِنْكَ؟

قَالَ: بِحُسْنِ الظَّنِّ، وَالْكَفِّ عَنِ الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا، وَالْخَلْوَاتِ بِي، وَمُنَاجَاتِهِمْ لِي. وَإِنَّ هَذَا مَنْزِلٌ لَا يَنَالُهُ إِلَّا مَنْ رَفَضَ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا، وَلَمْ يَشْتَغَلْ بِشَيْءٍ مِنْ ذِكْرِهَا، وَفَرَّغَ قَلْبَهُ لِي، وَاخْتَارَنِي عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي، فَعِنْدَ ذَلِكَ أُعْطِفُ عَلَيْهِ وَأُفْرِغُ نَفْسَهُ، وَأَكْشِفُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ؛ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيَّ نَظَرَ النَّاطِرِ بِعَيْنِهِ إِلَى الشَّيْءِ ١.



٣٧٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ الْغَالِبَ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ بِي، نَقَلْتُ شَهْوَتَهُ فِي مَسَائِلِي وَمُنَاجَاتِي، فَإِذَا كَانَ عَبْدِي كَذَلِكَ فَأَرَادَ أَنْ يَسْهُوَ حُلْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ يَسْهُوَ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا، أَوْلِيكَ الْأَبْطَالُ حَقًّا ٢.

راجع: ص ٢٥٨ ح ٣٧١.

٢٥/٩

نَزُولُ الْمَلَائِكَةِ

٣٧٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطَّرِيقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذُّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا

١ . إحياء علوم الدين: ج ٤ ص ٤٧٠؛ المحجة البيضاء: ج ٨ ص ٥٩.

٢ . عدة الداعي: ص ٢٣٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.

۳۷۲. **إحياء علوم الدين:** در اخبار داوود عليه السلام آمده است: خدای متعال به او وحی فرمود که ...: «ای داوود! من، دل‌های مشتاقان را از خشنودی خود آفریدم، و آنها را از نور چهره‌ام برخوردار کردم...».

داوود عليه السلام گفت: بار پروردگارا! از چه رو، بدین مقام از تو دست یافتند؟

فرمود: «از نیک‌گمانی، و دست شستن از دنیا و دنیاخواهان، و خلوت‌ها و راز و نیازهایشان با من. این، منزلتی است که بدان نمی‌رسد، مگر کسی که دنیا و دنیاخواهان را رها کند و هیچ یاد آن نکند و دلش را برای من، خالی گرداند و مرا بر همه آفریدگانم برگزیند. در این صورت است که بدو روی می‌کنم و جانش را [از ماسوای خود] تهی می‌سازم و پرده میان خود و او را برمی‌دارم تا مرا چنان [عیان] بیند که بیننده با چشم خود، چیزی را ببیند».

۲۳/۹
مصونیت از اشتباه

۳۷۳. **پیامبر خدا صلى الله عليه وآله:** خداوند سبحان فرمود: «هر گاه بدانم که بنده‌ام غالباً به یاد من است، خواست او را به درخواست و راز و نیاز با خودم منتقل می‌کنم، و هر گاه بنده‌ام چنین [همواره] خواهان درخواست از من و راز و نیاز با من] باشد، اگر بخواهد اشتباه کند، مانع اشتباه کردنش می‌شوم. اینان، اولیای حقیقی من‌اند. اینان، پهلوانان حقیقی‌اند».

ر.ک: ص ۲۵۹ ح ۲۷۱.

۲۵/۹
فرود آمدن فرشتگان

۳۷۴. **پیامبر خدا صلى الله عليه وآله:** خداوند، فرشتگانی دارد که در گذرگاه‌ها در جستجوی اهل ذکر می‌گردند و هر گاه گروهی را ببینند که ذکر خدا می‌گویند، صدا می‌زنند که: بیایید حاجتتان را بگیرید، و با بال‌های خود، آنان را تا آسمان زیرین در میان می‌گیرند. پروردگارشان - با آن که خود از فرشتگان بهتر می‌داند - از آنان می‌پرسد:

يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَيَّ حَاجَتِكُمْ. فَيُحْفَوْنَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا.

فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ - وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ - : مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ تَقُولُ: يُسَبِّحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيُحَمِّدُونَكَ، وَيُتَجَدَّدُونَكَ. فَيَقُولُ: هَلْ رَأَوْنِي؟ فَيَقُولُونَ: وَاللَّهِ مَا رَأَوْكَ! فَيَقُولُ: وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي؟ يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً، وَأَشَدَّ لَكَ تَمَجِيداً، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحاً.

يَقُولُ: فَمَا يَسْأَلُونَنِي؟ [يَقُولُونَ] يَسْأَلُونَكَ الْجَنَّةَ. يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصاً، وَأَشَدَّ لَهَا طَلَباً، وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً.

قال: فَمِمَّ يَتَعَوَّدُونَ؟ يَقُولُونَ: مِنَ النَّارِ. يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا؟ يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَاراً، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً.

فَيَقُولُ: فَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ.

يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: فِيهِمْ فَلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ!

قال: هُمُ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ.^٢

٢٧٥ . المعجم الصغير عن ابن عباس: مَرَّ النَّبِيُّ ﷺ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُوَاحَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَهُوَ يُذَكِّرُ

١ . سقط ما بين المعقوفين من المصدر، وأنبأنا من المصادر الأخرى.

٢ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٣ ح ٦٠٤٥، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٦٩ ح ٢٥، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٢ ح ١٨٢١، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٥٧٩ ح ٣٦٠٠، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٦ ح ٥٧٤٢٨، إلهام عن أبي هريرة أو عن أبي سعيد الخدري وكلها نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٣ ح ١٧٤٧.

«بندگانم چه می‌گویند؟».

فرشتگان می‌گویند: تو را به پاکی و بزرگی می‌ستایند و سپاست می‌گویند و تمجیدت می‌کنند.

خداوند می‌فرماید: «آیا مرا دیده‌اند؟».

فرشتگان می‌گویند: به خدا سوگند که تو را ندیده‌اند!

خداوند می‌فرماید: «اگر مرا دیده بودند، چه می‌کردند؟».

فرشتگان می‌گویند: اگر تو را دیده بودند، بیشتر بندگی‌ات می‌کردند و بزرگت می‌داشتند و تسبیحت می‌گفتند.

خداوند می‌فرماید: «از من چه می‌خواهند؟».

[فرشتگان گویند:] از تو بهشت می‌خواهند.

خداوند می‌فرماید: «آیا آن را دیده‌اند؟».

فرشتگان می‌گویند: نه، به خدا سوگند - ای پروردگار -، آن را ندیده‌اند.

خداوند می‌فرماید: «پس اگر آن را دیده بودند، چه می‌کردند؟».

فرشتگان می‌گویند: اگر آن را دیده بودند، به آن، آزمندتر و طالب‌تر و راغب‌تر می‌بودند.

خداوند می‌فرماید: «از چه پناه می‌برند؟».

فرشتگان می‌گویند: از آتش دوزخ.

خداوند می‌فرماید: «آیا آن را دیده‌اند؟».

فرشتگان می‌گویند: نه به خدا سوگند - ای پروردگار -، آن را ندیده‌اند.

خداوند می‌فرماید: «پس اگر آن را دیده بودند، چه می‌کردند؟».

فرشتگان می‌گویند: اگر آن را دیده بودند، از آن گریزان‌تر و بیمناک‌تر می‌بودند.

خداوند می‌فرماید: «پس، گواه باشید که آنان را آمرزیدم».

فرشته‌ای از فرشتگان می‌گوید: در میان ایشان، فلانی است که از آنان نیست؛ بلکه برای حاجتی آمده است.

خداوند می‌فرماید: «آنان، هم‌نشین‌اند و به برکت آنان، هم‌نشینان، محروم

نمی‌شوند».

أصحابه، فقال رسول الله ﷺ: أما إنكم المَلَأُ الَّذِينَ أَمَرَنِي اللهُ أَنْ أَصِيرَ نَفْسِي مَعَكُمْ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعُشِيِّ﴾ إِلَى قَوْلِهِ: ﴿وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا﴾^١، أما إنه ما جَلَسَ عِدَّتُكُمْ إِلَّا جَلَسَ مَعَهُمْ عِدَّتَهُمْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، إِنْ سَبَّحُوا اللَّهَ سَبَّحُوهُ، وَإِنْ حَمِدُوا اللَّهَ حَمِدُوهُ، وَإِنْ كَبَّرُوا اللَّهَ كَبَّرُوهُ، ثُمَّ يَصْعَدُونَ إِلَى الرَّبِّ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ، فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا، عِبَادُكَ سَبَّحُوكَ فَسَبَّحْنَا، وَكَبَّرُوكَ فَكَبَّرْنَا، وَحَمِدُوكَ فَحَمِدْنَا.

فَيَقُولُ رَبَّنَا: يَا مَلَائِكَتِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ.

فَيَقُولُونَ: فِيهِمْ فَلَانٌ وَفُلَانٌ الْخَطَاءُ!

فَيَقُولُ: هُمُ الْقَوْمُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ.^٢

٢٧٦. رسول الله ﷺ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَمْرُونَ عَلَى خَلْقِ الذِّكْرِ، فَيَقُومُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ، وَيَبْكُونَ لِبُكَائِهِمْ، وَيُؤْمِنُونَ لِذَعَائِهِمْ، فَإِذَا صَجِدُوا [إِلَى] السَّمَاءِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي أَيْنَ كُنْتُمْ؟ - وَهُوَ أَعْلَمُ - فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا إِنَّا حَضَرْنَا مَجْلِسًا مِنْ مَجَالِسِ الذِّكْرِ، فَرَأَيْنَا أَقْوَامًا يُسَبِّحُونَكَ وَيُمَجِّدُونَكَ وَيُقَدِّسُونَكَ، وَيَخَافُونَ نَارَكَ.

فَيَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: يَا مَلَائِكَتِي، إِزُوهَا عَنْهُمْ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ، وَأَمَنْتُهُمْ مِمَّا يَخَافُونَ.

فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا، إِنَّ فِيهِمْ فَلَانًا وَإِنَّهُ لَمْ يَذْكُرْكَ!

١. الكهف: ٢٨.

٢. المعجم الصغير: ج ٢ ص ١٠٩، حلية الأولياء: ج ٥ ص ١١٧ عن عمر بن ذر عن أبيه، الدرر المشهور: ج ٥ ص ٣٨١ نقلًا عن ابن مردويه.

٣. ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

گذشت که یارانش را پند می داد. پیامبر خدا فرمود: «هان! شما، همان گروهی هستید که خداوند به من فرمود تا خودم را با شما بدارم». سپس این آیه را خواند: «و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند» تا: «و [اساس] کارش بر زیاده روی است». [و افزود:] «هان! هر تعداد از شما گرد هم بنشینند، به همان شمار، از فرشتگان با آنان می نشینند. اگر آنان خدا را تسبیح گویند، آن فرشتگان نیز او را تسبیح می گویند، و اگر خدا را سپاس گویند، آن فرشتگان نیز او را سپاس می گویند، و اگر خدا را به بزرگی یاد کنند، آنان نیز او را به بزرگی یاد می کنند. سپس به درگاه پروردگارشان می روند و به او - که البته از آنان بهتر می داند - می گویند: ای پروردگار ما! بندگانت، تو را تسبیح گفتند و ما نیز [هم صدا با آنان] تو را تسبیح گفتیم. آنان، تو را به بزرگی یاد کردند و ما نیز به بزرگی یاد کردیم. آنان، تو را سپاس گفتند و ما نیز سپاس گفتیم.

پس پروردگار ما می گوید: «ای فرشتگان من! گواه باشید که آنان را آمرزیدم». فرشتگان می گویند: فلان و بهمان گناه کار هم در میان ایشان بود! خداوند می فرماید: «آنان، جماعتی هستند که به برکت ایشان، هم نشینشان محروم نمی شود».

۴۷۶. پیامبر خدا ﷺ: فرشتگان بر مجالس ذکر [خدا] می گذرند و بر فراز سر ایشان می ایستند و با گریستن آنان می گیرند و برای دعایشان «آمین» می گویند. و چون به آسمان بر شوند، خدای متعال - با آن که خود بهتر می داند - می پرسد: «کجا بودید، ای فرشتگان من؟».

فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! در مجلسی از مجلس های ذکر، حاضر شدیم. مردمانی را دیدیم که تو را به پاکی و بزرگی و قداست می ستایند و از آتش تو بیمناک اند.

خدای سبحان می فرماید: «ای فرشتگان من! آتش را از آنان، دور گردانید و گواه باشید که ایشان را آمرزیدم، و از آنچه بیمناک اند، در امانشان داشتم».

فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! فلانی هم در میان ایشان بود و او ذکر تو را نمی گفت.

فَيَقُولُ: قَدْ غَفَرْتُ لَهُ بِمَجَالَسَتِهِ لَهُمْ؛ فَإِنَّ الذَّاكِرِينَ مَنْ لَا يَشْقَىٰ بِهِمْ جَلِيسُهُمْ.^١

٣٧٧. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تعالى يَقُولُ لِمَلَائِكَتِهِ عِنْدَ انْصِرَافِ أَهْلِ مَجَالِسِ الذِّكْرِ وَالْعِلْمِ إِلَىٰ مَنَازِلِهِمْ: أَكْتُبُوا ثَوَابَ مَا شَاهَدْتُمُوهُ مِنْ أَعْمَالِهِمْ. فَيَكْتُبُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ ثَوَابَ عَمَلِهِ، وَيَتْرَكُونَ بَعْضَ مَنْ حَضَرَ مَعَهُمْ فَلَا يَكْتُبُونَهُ.

فَيَقُولُ اللَّهُ تعالى: مَا لَكُمْ لَمْ تَكْتُبُوا فَلَانًا أَلَيْسَ كَانَ مَعَهُمْ، وَقَدْ شَهِدْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ، إِنَّهُ لَمْ يَشْرِكْ مَعَهُمْ بِحَرْفٍ، وَلَا تَكَلَّمَ مَعَهُمْ بِكَلِمَةٍ!

فَيَقُولُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ: أَلَيْسَ كَانَ جَلِيسَهُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بَلَىٰ يَا رَبِّ.

فَيَقُولُ: أَكْتُبُوهُ مَعَهُمْ، إِنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَشْقَىٰ بِهِمْ جَلِيسُهُمْ. فَيَكْتُبُوهُ مَعَهُمْ.

فَيَقُولُ تَعَالَىٰ: أَكْتُبُوا لَهُ ثَوَابًا مِثْلَ ثَوَابِ أَحَدِهِمْ.^٢

٣٧٨. الكافي عن عباد بن كثير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي مَرَرْتُ بِقَاصٍ يَقْصُ وَهُوَ يَقُولُ: هَذَا الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْقَىٰ بِهِ جَلِيسٌ.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هِيَاتَ، هِيَاتَ، أَخْطَأْتَ أَسْتَاهُمْ الْحُفْرَةَ.^٣ إِنَّ اللَّهَ مَلَائِكَةٌ سَيَّاحِينَ سِوَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، فَإِذَا مَرُّوا بِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، قَالُوا: قِفُوا فَقَدْ أَصَبْتُمْ حَاجَتَكُمْ، فَيَجْلِسُونَ فَيَتَفَقَّهُونَ مَعَهُمْ، فَإِذَا قَامُوا عَادُوا

١. عده الداعي: ص ٢٤١، أعلام الدين: ص ٢٨٠، إرشاد القلوب: ص ٦١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠.

٢. عوالي اللآلي: ج ٤ ص ٨ ح ٢٩، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٢ ح ١٥.

٣. الإخطاء: الذهاب إلى خلاف الصواب مع قصد الصواب، أو مطلقاً عمداً وغير عمد، والأستاه: جمع الإيست؛ وهي حلقة الدبر. والمراد بالحفرة: الكنيف الذي يتغوط فيه، وكان هذا كان مثلاً سائراً يضرب لمن استعمل كلاماً في غير موضعه أو أخطأ خطأ فاحشاً. وقد يقال: شبّهت أفواههم بالأستاه تفضيحاً لهم (مرآة العقول: ج ٩ ص ٨٤).

خداوند می‌فرماید: «او را هم به سبب همنشینی‌اش با ایشان آمرزیدم؛ زیرا ذاکران، کسانی هستند که به برکت آنان، همنشینان محروم نمی‌شود».

۳۷۷. امام صادق علیه السلام: چون اهل مجلس‌های ذکر و علم به خانه‌هایشان باز گردند، خداوند تعالی به فرشتگانش می‌فرماید: «ثواب اعمالی را که از ایشان دیده‌اید، بنویسید».

فرشتگان، برای هر یک ثواب عملش را بنویسند و یکی را که در انجمن آنان حاضر بوده‌اند، وا می‌نهند و برایش چیزی نمی‌نویسند.
خداوند تعالی می‌فرماید: «چرا برای فلانی ننوشتید؟ مگر نه این که با آنان بود و در جمعشان حضور داشت؟».

فرشتگان می‌گویند: «ای پروردگار ما! او حتی یک حرف با آنان شریک نشد و یک کلمه با ایشان هم سخنی نگردد».
خداوند تعالی می‌فرماید: «آیا نه این که با آنان، همنشین بود؟».
فرشتگان می‌گویند: چرا، ای پروردگار ما!

پس، خدای متعال می‌فرماید: «برای او نیز ثوابی چون ثواب یکی از آنان بنویسید».

۳۷۸. الکافی - به نقل از عبّاد بن کثیر - : به امام صادق علیه السلام گفتم: من بر داستان‌سرایی (نقالی) گذشتم که داستان نقل می‌کرد و می‌گفت: این است آن مجلسی که هر کس در آن بنشیند، محروم نمی‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیئات، هیئات! سوراخ دعا را گم کرده‌اند. خداوند را بجز گرامی‌فرشتگانِ نویسنده [ی اعمال بندگان]، فرشتگانی است که دوره می‌گردند و چون بر مردمی بگذرند که از محمّد و خاندان او یاد می‌کنند، می‌گویند: [همین جا] بایستید که به مراد خود رسیدید. پس می‌نشینند و با

مَرْضَاهُمْ، وَشَهِدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَتَعَاهَدُوا غَائِبَهُمْ، فَذَلِكَ الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْقَى
بِهِ جَلِيسٌ^١.

٢٦ / ٩

نُزُولُ الرَّحْمَةِ

٢٧٩ . المستدرک علی الصحیحین عن أبي عثمان: كان سلمان في عصابة^٢ يذكرون الله، فمرّ بهم
رسول الله ﷺ، فجاءهم قاصداً حتى دنا منهم، فكفوا عن الحديث إعظاماً لرسول الله ﷺ.
فقال: ما كنتم تقولون؟ فإني رأيت الرحمة تنزل عليكم، فأحببت أن أشارككم
فيها!^٣

٢٨٠ . الإمام علي عليه السلام: بذكر الله تستنزل الرحمة.^٤



نُزُولُ الشَّكِينَةِ

٢٨١ . رسول الله ﷺ: لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ،
وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الشَّكِينَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ.^٥

١ . الكافي: ج ٢ ص ١٨٦ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٢٥٩ ح ٥٧.

٢ . العصابة: الجماعة من الناس من العشرة إلى الأربعين، ولا واحد لها من لفظها (النهاية: ج ٣ ص ٢٢٣
(عصب)).

٣ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٢١٠ ح ٤١٩، الدر المنثور: ج ٥ ص ٣٨٢ نقلاً عن الزهد لابن حنبل عن
ثابت نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٧ ح ١٩٣٢.

٤ . غرر الحكم: ح ٤٢٠٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨١ ح ٣٨٥٦.

٥ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٤ ح ٣٩، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٦٠ ح ٣٢٧٨ نحوه، سنن ابن ماجه: ج ٢
ص ١٢٤٥ ح ٣٧٩١، مستدرك حنبل: ج ٤ ص ١٨٤ ح ١١٨٧٥ كلها عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، كنز
العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨٢٢ و ١٨٢٤، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٥ ح ٢٢٢٧، مشكاة الأنوار: ص ١١٤
ح ٢٦٤، روضة الواعظين: ص ٤٢٨.

آنان دانش می‌آموزند، و چون برخیزند، از بیمارانِ آنان عیادت می‌کنند و در تشییع جنازهٔ مردگانشان حاضر می‌شوند و از سفرهٔ رفته‌شان سرکشی می‌کنند. این است آن مجلسی که هر که در آن بنشیند، محروم نمی‌شود».

۲۶ / ۹

فرود آمدن رحمت

۳۷۹. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو عثمان - : سلمان با گروهی نشسته بود و از خدا یاد می‌کردند. پیامبر خدا بر آنان گذشت و به سوی ایشان آمد. چون نزدیک آنان رسید، به احترام پیامبر خدا از سخن گفتن، باز ایستادند.

فرمود: «چه می‌گفتید؟ زیرا دیدم رحمت بر شما فرو می‌بارد و دوست داشتم من نیز در آن [رحمت] با شما شریک شوم».

۳۸۰. امام علی علیه السلام: با یاد خدا، رحمت فرود می‌آید.

۲۷ / ۹

فرود آمدن آرامش

۳۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گروهی برای یادکردن خداوند تعالی ننشستند، مگر آن که فرشتگان، آنان را در میان گرفتند و رحمت، آنها را فرو پوشاند و آرامش، بر آنان فرود آمد و خداوند، در جمع کسانی که نزد او هستند، از ایشان یاد کرد.

٢٨٢ . عنه ﷺ: مَجَالِسُ الذِّكْرِ تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ ، وَتُخَفُّ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ ، وَتَغْشَاهُمُ الرَّحْمَةُ ، وَيَذَكِّرُهُمُ الرَّبُّ تَعَالَى عَلَى عَرْشِهِ ١ .

٢٨ / ٩

عَفْرَانُ اللَّهِ

٢٨٣ . رسول الله ﷺ: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ عَلَى ذِكْرِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ إِلَّا قِيلَ لَهُمْ: قَوْمُوا مَغْفُورًا لَكُمْ ٢ .

راجع: العنوان الآتي (تبديل السيئات الحسنات).

٢٩ / ٩

بَدَلُكَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ

٢٨٤ . رسول الله ﷺ: مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ ﷻ فِيهِ فَيَقُومُونَ حَتَّى يُقَالَ لَهُمْ: قَوْمُوا؛ قَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ، وَبَدَّلَ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ ٣ .

٢٨٥ . عنه ﷺ: مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ لَا يُرِيدُونَ بِذَلِكَ إِلَّا وَجْهَهُ ، إِلَّا نَادَاهُمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ قَوْمُوا مَغْفُورًا لَكُمْ ، فَقَدْ بَدَّلَتْ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ ٤ .

٢٨٦ . عنه ﷺ: مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا نَادَى بِهِمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: قَوْمُوا؛ فَقَدْ بَدَّلَتْ

١ . تاريخ بغداد: ج ٣ ص ١٢٨ ، حلية الأولياء: ج ٥ ص ١١٨ كلاهما عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨٢١ .

٢ . الإصابة: ج ٣ ص ١٧٥ عن سهيل بن الحنظلية، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٢ ح ١٨٠٩ .

٣ . المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢١٢ ح ٦٠٣٩ ، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٥٤ ح ٦٩٥ ، أسد الغابة: ج ٢ ص ٥٧٢ نحوه وكلها عن سهيل بن حنظلة ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٢ ح ١٨٠٨ .

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٨٦ ح ١٢٤٥٦ ، مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ١٦١ ح ٤١٢٧ ، حلية الأولياء: ج ٣ ص ١٠٨ كلها عن أنس ، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠١ ح ٥٣٤ عن عبد الله بن مغفل وليس فيه ولا يريدون بذلك إلا وجهه .، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٨ ح ١٨٩١ .

۲۸۲. پیامبر خدا ﷺ: بر انجمن‌های یاد خدا، آرامش فرود می‌آید. فرشتگان، آنان را در میان می‌گیرند. رحمت، آنها را فرو می‌پوشاند و خداوندگار متعال، در عرش خود، از ایشان یاد می‌کند.

۲۸/۹

آمزش خداوند

۲۸۳. پیامبر خدا ﷺ: هیچ گروهی برای یادکرد از خدا جمع نشدند، مگر آن که چون پراکنده شدند، به ایشان گفته می‌شود: «برخیزید که آمرزیده شدید».

ر.ک: عنوان بعدی (تبدیل شدن بدی‌ها به خوبی‌ها).

۲۹/۹

تبدیل شدن بدی‌ها به خوبی‌ها

۲۸۴. پیامبر خدا ﷺ: هیچ گروهی برای ذکر خداوند ﷻ گرد هم نمی‌نشینند، مگر آن که چون بخواهند برخیزند، به ایشان گفته می‌شود: «برخیزید، که خداوند، گناهان شما را آمرزید و بدی‌هایتان به خوبی تبدیل شده است».

۲۸۵. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه مردمی برای ذکر خدا گرد هم آیند و قصدشان از این کار، فقط رضای خدا باشد، مُنادی‌ای از آسمان، ندایشان می‌دهد که: «برخیزید که آمرزیده شدید؛ زیرا بدی‌های شما به نیکی تبدیل شد».

۲۸۶. پیامبر خدا ﷺ: هیچ گروهی برای ذکر خدا نمی‌نشینند، مگر این که [در پایان آن مجلس،] مُنادی‌ای از آسمان به آنان ندا می‌دهد: «برخیزید که بدی‌هایتان به

سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ، وَغُفِرَ لَكُمْ جَمِيعًا.

وما قَعَدَ عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ يَذْكُرُونَ اللَّهَ، إِلَّا قَعَدَ مَعَهُمْ عِدَّةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ١.

٣٠ / ٩

مُبَاهَاةُ اللَّهِ

٢٨٧ . صحيح مسلم عن معاوية: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ عَلَى حَلَقَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: مَا

أَجَلَسَكُمْ؟ قَالُوا: جَلَسْنَا نَذْكُرُ اللَّهَ وَنَحْمَدُهُ عَلَى مَا هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَه عَلَيْنَا.

قَالَ: اللَّهُ مَا أَجَلَسَكُمْ إِلَّا ذَاكَ؟ قَالُوا: وَاللَّهِ مَا أَجَلَسْنَا إِلَّا ذَاكَ!

قَالَ: أَمَا إِنِّي لَمْ أَسْتَحْلِفِكُمْ تَهْمَةً لَكُمْ، وَلَكِنَّهُ أَتَانِي جِبْرِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ ﷻ

يُبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ ٢.



٣١ / ٩

مِرْزَةُ الدُّخُولِ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ

٢٨٨ . سنن الترمذي عن أنس عن رسول الله ﷺ: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعَوْا. قَالَ: وَمَا

رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟

قَالَ: حَلَقُ الذُّكْرِ ٣.

١ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٦ ح ٢٢٣٣، عذة الداعي: ص ٢٣٨، مشكاة الأنوار: ص ١١٤ ح ٢٦٤، روضة

الواعظين: ص ٤٢٨، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٢ ح ٤٢.

٢ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٥ ح ٤٠، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٦٠ ح ٣٣٧٩، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٤٩،

مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٤ ح ١٦٨٢٥، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٩٦ ح ٨١٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧

ص ٧٤ ح ١٨، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٨٨٣.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٢ ح ٣٥١٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٠٢ ح ١٢٥٢٥، حلية الأولياء: ج ٦

ص ٢٦٨، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٨٨٥، منية العريد: ص ١٠٦، مشكاة الأنوار: ص ١١٤ ح ٢٦٤، روضة

الواعظين: ص ٤٢٨.

خوبی بدل شده و همه شما آمرزیده شدید».

و هیچ تعدادی از زمینیان برای ذکر خدا نمی‌نشینند، مگر این که تعدادی از فرشتگان نیز با آنان می‌نشینند.

۳۰ / ۹

مباهات کردن خداوند

۳۸۷. صحیح مسلم - به نقل از معاویه - : پیامبر خدا بر حلقه‌ای از یارانش گذشت. فرمود: «برای چه گرد هم نشسته‌اید؟».

گفتند: نشسته‌ایم و خدا را یاد می‌کنیم و او را بر نعمت اسلام که به ما داد و ما را بدان ره‌نمون شد، سپاس می‌گوییم.

فرمود: «شما را به خدا، فقط برای همین نشسته‌اید؟».

گفتند: به خدا که فقط برای همین نشسته‌ایم!

فرمود: «بدانید که من، از سرِ بدگمانی به شما سوگندتان ندادم؛ بلکه جبرئیل علیه السلام نزد آمد و مرا خبر داد که خداوند تعالی به وجود شما بر فرشتگان مباهات می‌کند».

۳۱ / ۹

در آمدن به باغ‌های بهشت

۳۸۸. سنن القرمذی: پیامبر خدا فرمود: «هر گاه به باغ‌های بهشت گذر کردید، به گشت پردازید».

آنس گفت: باغ‌های بهشت، کدام‌اند؟

فرمود: «انجمن‌های یاد خدا».

٣٨٩ . الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بادِرُوا إِلَى رِيَاضِ الْجَنَّةِ . قَالُوا: وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟
قَالَ: حَلَقُ الذِّكْرِ. ١

٣٩٠ . عِدَّةُ الدَّاعِي: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: اِرْتَعُوا فِي رِيَاضِ
الْجَنَّةِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَجَالِسُ الذِّكْرِ، أُغْدُوا وَرُوحُوا
وَادْكُرُوا. ٢

٣٩١ . الْمُسْتَدْرِكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ ﷺ، فَقَالَ: يَا أَيُّهَا
النَّاسُ! إِنَّ لِلَّهِ سَرَايَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَحُلُّ وَتَقِفُ عَلَى مَجَالِسِ الذِّكْرِ فِي الْأَرْضِ،
فَارْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ .
قَالُوا: وَأَيْنَ رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟

قَالَ: مَجَالِسُ الذِّكْرِ، فَاغْدُوا وَرُوحُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ، وَذَكِّرُوا أَنْفُسَكُمْ. ٣

٣٢ / ٩

مَرْتَبَاتُ كَوْنِهِ سَيِّدِي
نُورِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

٣٩٢ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ ذَاكِرَ اللَّهِ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ نُورٌ كَنُورِ الشَّمْسِ، أَوْ بُرْهَانٌ كَبُرْهَانِ
الشَّمْسِ. ٤

- ١ . الْأَمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ: ص ٢٢٤ ح ٥٩٢ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَنْ
الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، مَعَانِي الْأَخْبَارِ: ص ٣٢١ ح ١ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عليه السلام،
كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ: ج ٤ ص ٤٠٩ ح ٥٨٨٨، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢٠.
- ٢ . عِدَّةُ الدَّاعِي: ص ٢٣٨، أَعْلَامُ الدِّينِ: ص ٢٧٥، إِرْشَادُ الْقُلُوبِ: ص ٦٠ وَفِيهِ الذِّكْرُ غَدَاً وَرُوحاً فَادْكُرُوا
بَدَلُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ اُغْدُوا وَرُوحُوا وَادْكُرُوا، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٩٣ ص ١٦٣ ح ٢٢.
- ٣ . الْمُسْتَدْرِكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ: ج ١ ص ٦٧٢ ح ١٨٢٠، مُسْتَدَابِي بَعْلَى: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٨٦٠ وَص ٢٢٨
ح ٢١٢٥، الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ: ج ٣ ص ٦٧ ح ٢٥٠١ نَحْوَهُ، كُنْزُ الْعَمَالِ: ج ١ ص ٢٢٤ ح ١٨٧٧ وَص ٢٢٧
ح ١٨١٢؛ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج ٢ ص ٧٨ ح ٢١٩٤ نَحْوَهُ.
- ٤ . مَعْجَمُ السَّفَرِ: ص ١١٢ ح ٣٣٣ عَنْ أَنَسٍ.

۳۸۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «به سوی باغ‌های بهشت بشتابید».

گفتند: باغ‌های بهشت، کدام‌اند؟

فرمود: «انجمن‌های یاد خدا».

۳۹۰. عِدَّة الداعی: روایت شده است که پیامبر خدا بر یارانش در آمد و فرمود: «در باغ‌های

بهشت، گردش کنید».

گفتند: ای پیامبر خدا! باغ‌های بهشت، کدام‌اند؟

فرمود: «انجمن‌های یاد خدا. بام و شام، خدا را یاد کنید».

۳۹۱. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از جابر بن عبد الله - : پیامبر صلی الله علیه و آله بر یارانش

در آمد و فرمود: «ای مردم! خداوند، دسته‌هایی از فرشتگان دارد که در مجالس

ذکر روی زمین، فرود می‌آیند. پس در باغ‌های بهشت، گشت بزنید».

گفتند: باغ‌های بهشت، کجاست؟

فرمود: «مجالس ذکر [خدا]. پس بام و شام، به ذکر خدا پردازید و او را به

خود، یادآور شوید».

۳۲ / ۹

روشنایی در روز قیامت

۳۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کننده خدا، روز قیامت، در حالی می‌آید که روشنایی‌ای چون

روشنایی خورشید، یا دلیلی چون دلیل آفتاب دارد.

٣٩٣ . عنه ﷺ: لَيَبْعَثَنَّ اللهُ أَقْوَاماً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي وُجُوهِهِمُ النُّورُ عَلَى مَنَابِرِ اللُّؤْلُؤِ، يَغِطُّهُمْ النَّاسُ، لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ؛ هُمْ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللهِ مِنْ قَبَائِلَ شَتَّى وَبِلَادٍ شَتَّى، يَجْتَمِعُونَ عَلَى ذِكْرِ اللهِ يَذْكُرُونَهُ. ١.

٣٣ / ٩

سَبَقُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

٣٩٤ . سنن الترمذي عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ، قَالُوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: الْمُسْتَهْتَرُونَ فِي ذِكْرِ اللهِ ٢؛ يَضَعُ الذِّكْرُ عَنْهُمْ أَثْقَالَهُمْ، فَيَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِفَافاً. ٣.

٣٩٥ . مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ وَمَنِ الْمُفْرَدُونَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يُهْتَرُونَ فِي ذِكْرِ اللهِ. ٤.

٣٩٦ . صحيح مسلم عن أبي هريرة: كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ يَسِيرُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ، فَمَرَّ عَلَى جَبَلٍ يُقَالُ لَهُ: جُمْدَانُ، فَقَالَ: سِيرُوا، هَذَا جُمْدَانُ، سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ. قَالُوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: الذَّاكِرُونَ اللهُ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتُ. ٥.

١ . كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٨ ح ١٨٩٣ نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء.

٢ . يُقَالُ: أَهْتَرَ فلان بكذا واستهتر فهو مهتر به ومستهتر: أي مولع به لا يتحدث بغيره ولا يفعل غيره (النهاية: ج ٥ ص ٢٤٢ هتر).

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٧٧ ح ٣٥٩٦، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٧ ح ١٧٧٣.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢١٠ ح ٨٢٩٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٣ ح ١٨٢٣، التاريخ الكبير: ج ٨ ص ٤٢٨ ح ٣٦٥١، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٣٩٢٣.

٥ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٦٢ ح ٤، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٨٥ ح ٩٣٢٣ وفيه «جدان» بدل «جمدان» في كلا الموضعين، كنز العمال: ج ١ ص ٤١٧ ح ١٧٧٤.

۳۹۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، در روز قیامت، مردمانی را برمی‌انگیزد که چهره‌هایی نورانی دارند و بر منبرهایی از مرواریدند و مردم بر آنان، رشک می‌برند. آنان، نه پیامبرند و نه شهید. آنان، مردمانی از هر قبیله و آبادی‌اند که برای خدا یکدیگر را دوست می‌دارند، برای یادکرد خدا گرد هم می‌آیند و از او یاد می‌کنند.

۳۳ / ۹

پیشتازی در روز قیامت

۳۹۴. سنن القرمذی - به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا فرمود: «تنهایان، پیشی گرفتند».

گفتند: تنهایان کیستند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «سوداییان یاد خدا. یاد خدا، بارهای گران (گناهان) آنان را از دوش ایشان برمی‌دارد و روز رستاخیز، سبک‌بار [از گناه] می‌آیند».

۳۹۵. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا فرمود: «تنهایان، پیشی می‌گیرند».

گفتند: ای پیامبر خدا! تنهایان کیان‌اند؟

فرمود: «آنان که سودازده یاد خدایند».

۳۹۶. صحیح مسلم - به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا در راه مکه می‌رفت و بر کوهی به

نام جُمدان گذشت. فرمود: «به پیش! این، جُمدان است. تنهایان، پیشتازند».

گفتند: تنهایان، کیستند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «مردان و زنانی که فراوان، خدا را یاد می‌کنند».

٣٤ / ٩

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

- ٣٩٧ . رسول الله ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا، فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ١
- ٣٩٨ . عنه ﷺ: قَالَ اللهُ ﷻ: إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاشِعًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَجَسَدًا عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَزَوْجَةً مُؤْمِنَةً. ٢
- ٣٩٩ . الإمام زين العابدين ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَبَهَّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ٣
- ٥٠٠ . الإمام الصادق ﷺ: ثَلَاثَةٌ لَا يُصَيَّبُونَ إِلَّا خَيْرًا: أَوْلُو الصُّمْتِ، وَتَارِكُو الشَّرِّ، وَالْمُكْثِرُونَ ذِكْرَ اللهِ ﷻ. ٤



مركز تحقيقات كويت بر علوم رسول

١ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١ عن أبي القداح عن الإمام الصادق ﷺ.
 ٢ . الكافي: ج ٥ ص ٣٢٧ ح ٢ عن بريد بن معاوية العجلي عن الإمام الباقر ﷺ، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٩٤ ح ٧٠٥، مشكاة الأنوار: ص ٤٨١ ح ١٦٠٠ عن الإمام الباقر ﷺ وكلاهما نحوه وراجع الجعفریات: ص ٢٣٠ والمعجم الكبير: ج ١١ ص ١٠٩ ح ١١٢٧٥.
 ٣ . الصحيفة السجادية: ص ٨٧ الدعاء ٢٠.
 ٤ . نزهة الناظر: ص ١٠٨ ح ١٦.

۳۳/۹ خیر دنیا و آخرت

۳۹۷. پیامبر خدا ﷺ: به هر کس زبانی ذکر داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده است.
۳۹۸. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ فرمود: «هر گاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را به مسلمانی بدهم، به او دلی خاشع و زبانی ذکرگو و تنی شکیا در برابر بلا و همسری باایمان، عطا می‌کنم».
۳۹۹. امام زین العابدین ﷺ: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلتم، مرا متوجه یاد خودت گردان و در ایام فرصتم، مرا در طاعتت به کار گیر، و برای رسیدن به محبتت، راهی هموار برایم بگشای و بدین سان، خیر دنیا و آخرت را به تمامی عطایم فرما.
۵۰۰. امام صادق ﷺ: سه دسته‌اند که جز خوبی نمی‌بینند: خاموشی گزینان، ترک کنندگان بدی، و آنان که بسیار خداوند ﷻ را یاد می‌کنند.

الفصل العاشر

مَآزِ النِّسْيَانِ

١/١٠

نِسْيَانُ اللَّهِ

الكتاب

«الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^١

الحديث

٥٠١. الإمام عليؑ - في قوله تعالى: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» -: إنما يعني نسوا الله في دار الدنيا، لم يعملوا بطاعته، فنسيهم في الآخرة؛ أي لم يجعل لهم في ثوابه شيئاً فصاروا منسيين من الخير.^٢

٥٠٢. عيون أخبار الرضاؑ عن عبد العزيز بن مسلم: سألت الرضاؑ عن قول الله ﷻ: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ»، فقال: إن الله تعالى لا ينسى ولا يسهو، وإنما ينسى ويسهو المخلوق المحدث، ألا تسمعه ﷻ يقول: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا»^٣، وإنما يُجازي من نسيه ونسي

١. التوبة: ٦٧.

٢. التوحيد: ص ٢٥٩ ح ٥، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٩٦ ح ٨٦ نحوه وكلاهما عن أبي معمر السعداني،

الاحتجاج: ج ١ ص ٥٦٤ ح ١٣٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٩٩ ح ١.

٣. مريم: ٦٤.

فصل دهم

زیان های فراموش کردن خدا

۱/۱۰

فراموش شدن از جانب خدا

قرآن

«مردان و زنان دو چهره، [همانند] یکدیگرند. به کار ناپسند، و می‌دارند و از کار پسندیده، باز می‌دارند و دست‌های خود را [از انفاق] فرو می‌بندند. خدا را فراموش کردند. پس [خدا هم] فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقان‌اند که فاسق‌اند».

حدیث

۵۰۱. امام علی علیه السلام - در باره این سخن خدای متعال: «خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را فراموش کرد» -: یعنی آنان در سرای دنیا، خدا را فراموش کردند و طاعتش ننمودند، و خدا هم در آخرت، آنان را فراموش کرد؛ یعنی در پاداش خود، بهره‌ای برای آنان قرار نداد و در زمره فراموش شدگان از خیر در آمدند.

۵۰۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام - به نقل از عبد العزیز بن مسلم -: از امام رضا علیه السلام در باره این سخن خداوند تعالی پرسیدم: «خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را فراموش کرد».

فرمود: «خداوند متعال، فراموش یا اشتباه نمی‌کند؛ بلکه مخلوقی حادث است که دچار فراموشی و اشتباه می‌شود. آیا سخن خداوند تعالی را نشنیده‌ای که

لِقَاءِ يَوْمِهِ بِأَنْ يُنْسِيَهُمْ أَنْفُسَهُمْ، كَمَا قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾، وَقَالَ تَعَالَى: ﴿فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا﴾^١؛ أَي تَرَكُّهُمْ كَمَا تَرَكُوا الْإِسْتِعْدَادَ لِلِقَاءِ يَوْمِهِمْ هَذَا.^٢

٢/١٠

نَسْيَانُ النَّفْسِ

الكتاب

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾.^٣

الحديث

٥٠٣. الإمام علي عليه السلام: مَنْ نَسِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ، أَنْسَاهُ اللَّهَ نَفْسَهُ وَأَعْمَى قَلْبَهُ.^٤

٣/١٠

سُلْطَةُ الشَّيْطَانِ

الكتاب

﴿وَمَنْ يَغْشَ عَنْ بَخْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ * حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ

١. الأعراف: ٥١.

٢. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢٥ ح ١٨، التوحيد: ص ١٦٠ ح ١، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٦٤ ح ٤.

٣. الحشر: ١٩.

٤. غرر الحكم: ح ٨٧٥ وح ٧٧٩٧ نحوه، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٨ ح ٨٣٠٠.

می‌فرماید: «و پروردگار تو فراموشکار نیست»؛ اما خداوند، کسی را که او و روز دیدار او را فراموش کند، چنین سزا می‌دهد که خودشان را از یادشان می‌برد، چنان که خداوند ﷻ فرموده است: «و مانند آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خودشان را از یادشان بُرد. اینان، همان نافرمان‌اند»، و فرموده است: «پس امروز، ما ایشان را از یاد می‌بریم، چنان که ایشان، دیدار این روزشان را از یاد بردند»؛ یعنی همچنان که آنان، آماده شدن برای دیدار با چنین روزی را رها کردند، ما نیز [ایشان را] امروز، رها می‌کنیم.

۲/۱۰ خودفراموشی

قرآن

«و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد.

آنان، همان نافرمانان‌اند».

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

حدیث

۵۰۳. امام علی ﷺ: هر که خدای سبحان را فراموش کند، خداوند، خود او را از یادش می‌برد و دلش را کور می‌گرداند.

۳/۱۰ مسئط شدن شیطان

قرآن

«و هر کس از یاد [خدای] رحمان، دل بگرداند، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد. و مسلماً آنها، ایشان را از راه، باز می‌دارند و [ایشان] می‌پندارند که راه‌یافتگان‌اند تا آن گاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید، [خطاب به شیطان] می‌گوید: «ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود، که چه بد دمسازی هستی!» و امروز، هرگز [پشیمانی]

الْقَرِينُ * وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٢١﴾

الحديث

٥٠٢ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام -: لا يَتَمَكَّنُ الشَّيْطَانُ بِالْوَسْوَسَةِ مِنَ الْعَبْدِ إِلَّا وَقَدْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِ اللَّهِ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَسْكَنَ^٣ إِلَى نَهْيِهِ، وَنَسِيَ إِطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّهِ^٤.

٤ / ١٠

قَسْوَةَ الْقَلْبِ

٥٠٥ . الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاةِهِ: ... يَا مُوسَى، لَا تَنْسِنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَلَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ؛ فَإِنَّ نِسْيَانِي يُقْسِي الْقُلُوبَ، وَمَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ كَثْرَةُ الذُّنُوبِ^٥.

٥٠٦ . الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى، لَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، وَلَا تَدَّعِ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ، وَإِنَّ تَرْكَ ذِكْرِي

١ . قال العلامة الطباطبائي عليه السلام: أي من تعامى عن ذكر الرحمن ونظر إليه نظر الأعشى جثنا إليه بشيطان، وقد عبر تعالى عنه في موضع آخر بالإرسال فقال: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَلْوِذُهُمْ أَرْأَى﴾ (مريم: ٨٣)، وإضافة الذكر إلى الرحمن للإشارة إلى أنه رحمة (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٨ ص ١٠٢).

٢ . الزخرف: ٣٦-٣٩.

٣ . في بحار الأنوار: «أو سكن».

٤ . مصباح الشريعة: ص ٢٢٥، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٢٤ ح ٢.

٥ . الكافي: ج ٨ ص ٤٢-٤٥ ح ٨، تحف العقول: ص ٤٩٣، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٣٤ ح ١٣.

برای شما سود نمی‌بخشد؛ چون ستم کردید. در حقیقت، شما در عذاب، مشترک خواهید بود.^۱

حدیث

۵۰۲. مصباح الشریعة - در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : شیطان نمی‌تواند بنده را وسوسه کند، مگر آن که او از یاد خدا روی گردانیده و فرمان او را سبک شمرده باشد و نهی او را مرتکب شود و آگاه بودن خداوند از نهان و درون وی را فراموش کرده باشد.

۴/۱۰

نکب‌ولی

۵۰۵. الکافی - به نقل از علی بن عیسی، که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام می‌رساند - : خداوند - تبارک و تعالی - با موسی علیه السلام نجواکنان سخن گفت و در نجواهایش به او فرمود: «... ای موسی! مرا در هیچ حالی از یاد مبر و به فراوانی دارایی خود، شادمان مشو؛ زیرا از یاد بردن من، دل‌ها را سخت می‌گرداند. فراوانی ثروت، فراوانی گناه را به همراه دارد».

۵۰۶. امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای موسی! به دارایی بسیار، شادمان مشو و یاد مرا در هیچ حال، فرو مگذار؛ زیرا دارایی بسیار، [زشتی]

۱. علامه طباطبایی رحمته الله می‌گوید: یعنی کسی که از یاد خدای مهربان، خود را به کوری زند و به او چونان شخص کم‌بینا بنگرد، به سوی او شیطانی بیاوریم. در جایی دیگر با عبارت «بفرستیم» یاد کرده و فرموده است: «آیا ندیدی که ما بر کافران، شیاطینی فرستادیم که به جنبانندی، می‌جنبانندشان» (مریم: آیه ۸۳). اضافه ذکر به رحمان، اشاره به آن است که این ذکر و یاد، رحمت است (المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۸ ص ۱۰۲).

يُقْسِي الْقُلُوبَ ١.

٥٠٧. رسول الله ﷺ: لَا تُكثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ، وَإِنَّ أْبَعَدَ النَّاسِ مِنْ اللَّهِ الْقَلْبُ الْقَاسِي ٢.

٥٠٨. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ الْمَسِيحُ عليه السلام يَقُولُ: لَا تُكثِرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ، فَإِنَّ الَّذِينَ يُكثِرُونَ الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةٌ قُلُوبُهُمْ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ٢.

٥/١٠

مَوْتُ الْقَلْبِ

٥٠٩. الإمام الصادق عليه السلام: فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى عليه السلام، قَالَ: يَا مُوسَى، لَا تَنْسِنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَإِنَّ نِسْيَانِي يُمِيتُ الْقَلْبَ ٢.



٦/١٠

مَرْتَبَةُ ضَلَاةِ الْمَعِيشَةِ

الكتاب

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ

١. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٧ عن السكوني، علل الشرائع: ص ٨١ ح ٢ عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عنه عليه السلام، الخصال: ص ٣٩ ح ٢٣ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٠ ح ١.

٢. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٠٧ ح ٢٤١١، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٢٤٥ ح ٤٩٥١، الفردوس: ج ٥ ص ٦٥ ح ٧٢٧٥ كلها عن ابن عمر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٧ ح ١٨٤٠؛ الأمالي للطوسي: ص ٣ ح ١ عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٨١ ح ٢٨.

٣. الكافي: ج ٢ ص ١١٤ ح ١١ عن عمرو بن جميع، الأمالي للمفيد: ص ٢٠٩ ح ٤٣ عن ابن سنان، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٠١ ح ٧٥؛ الموطأ: ج ٢ ص ٩٨٦ ح ٨ عن عيسى بن عمار نحوه.

٤. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٨ ح ١١، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٤ ح ٢٤.

گناهان را از یاد می‌برد، و فرو نهادن یاد من، دل‌ها را سخت می‌گرداند».

۵۰۷. پیامبر خدا ﷺ: در غیر یاد خدا پُرگویی نکنید؛ زیرا پُرگویی در غیر یاد خدا، سنگ‌دلی می‌آورد، و دورترین مردم از خدا هم شخص سنگ‌دل است.

۵۰۸. امام صادق ﷺ: مسیح ﷺ می‌فرمود: «در غیر یاد خدا، سخن بسیار مگویید؛ زیرا آنان که در جز یاد خدا سخن بسیار می‌گویند، دل‌هایشان سخت است؛ اما خودشان نمی‌دانند».

۵/۱۰

مردن دل

۵۰۹. امام صادق ﷺ: از جمله سخنان نجو آمیزی که خدا با موسی ﷺ گفت، این بود که: «ای موسی! مرا در هیچ حال، فراموش مکن؛ زیرا فراموش کردن من، دل را می‌میراند».

۶/۱۰

زندگی فلاکت‌بار

«و هر کس از یاد من، دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز، او را نابینا محشور می‌کنیم. می‌گوید: «پروردگارا! چرا مرا نابینا محشور کردی

حَسْرَتِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا كَذَلِكَ الْيَوْمِ تَنْسَى *
وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنِ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى^١.

٧/١٠

سُرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

الكتاب

﴿قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ * رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ *
قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ * إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامِنَا فَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ * فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًا حَتَّىٰ أَنْسَوَكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ
تَضَحَّكُونَ﴾^٢.



مركز تحقيقات كويتية للدراس الإسلامية

١ . طه : ١٢٤-١٢٧.

قال العلامة الطباطبائي رحمه الله : قوله : ﴿فَأَرَأَيْتُمْ مَعِيشَةَ ضُنُكًا﴾ أي ضيقة، وذلك أن من نسي ربه وانقطع عن ذكره لم يبق له إلا أن يتعلق بالدنيا ويجعلها مطلوبه الوحيد الذي يسعى له، ويهتم بإصلاح معيشتة، والتوسع فيها والتمتع منها، والمعيشة التي أوتيتها لا تسعه سواء كانت قليلة أو كثيرة، لأنه كلما حصل منها وأقناها لم يرض نفسه بها وانتزعت إلى ما هو أزيد وأوسع، من غير أن يقف منها على حد، فهو دائماً في ضيق صدر وحق مآ وجد، متعلق القلب بما وراءه، مع ما يهجم عليه من الهمم والغم والحزن والقلق والاضطراب والخوف بنزول النوازل، وعروض العوارض، من موت ومرض وعاهة، وحسد حاسد وكيد كائد، وخيبة سعي وفراق حبيب.

ولو أنه عرف مقام ربه ذاكراً غير ناس، أيقن أن له حياة عند ربه لا يخالطها موت، وملاكاً لا يعتره زوال، وعزة لا يشوبها ذلة، وفرحاً وسروراً ورفعة وكرامة لا تقلد بقدر ولا تنتهي إلى أمد، وأن الدنيا دار مجاز وما حياتها في الآخرة إلا متاع، فلو عرف ذلك قنعت نفسه بما قدر له من الدنيا، ووسع ما أوتيه من المعيشة، من غير ضيق وضنك (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٤ ص ٢٢٥).

٢ . المؤمنون: ١٠٦-١١٠.

با آن که بینا بودم؟». می‌فرماید: «همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز، همان گونه فراموش می‌شوی». و این گونه، هر که را به افراط گراییده و به نشانه‌های پروردگارش نگروریده است، سزا می‌دهیم؛ و قطعاً شکنجه آخرت، سخت‌تر و پایدارتر است.^۱

۷/۱۰ بدی دنیا و آخرت

قرآن

«می‌گویند: «پروردگارا! شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. پروردگارا! ما را از این جا بیرون بر. پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم، در آن صورت، ستمگر خواهیم بود». می‌فرماید: «[بروید] در آن، کم شوید و با من، سخن مگویید». در حقیقت، دسته‌ای از بندگان من بودند که می‌گفتند: «پروردگارا! ایمان آوردیم، بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانانی». و شما آنان (مؤمنان) را به ریشخند گرفتید، تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بُردند و شما بر آنان می‌خندیدید».



۱. علامه طباطبایی رحمته‌الله می‌گوید: «فَإِنَّ لَهُ تَبِيعَةً خَسَنًا»، یعنی زندگی سخت و تنگ؛ زیرا کسی که پروردگارش را فراموش کند و از یاد او ببرد، تنها چیزی که برایش می‌ماند، این است که به دنیا بچسبد و آن را تنها مطلوب خود قرار دهد که برای آن بکوشد و در جهت زندگی‌اش و توسعه آن و برخوردار شدن از آن، اهتمام ورزد و به آن مقدار از معاش که به او داده شده، کم باشد یا بسیار، بسنده نکند؛ زیرا هر چه به دست آورد و مالک شود، بدان قانع نمی‌شود و بیشتر و بیشتر می‌خواهد و نقطه پایانی برای خواسته‌اش نیست. بنا بر این، هیچ‌گاه از آنچه به دست می‌آورد، خرسند نمی‌شود و به بیشتر از آن دل می‌بندد. از طرف دیگر، نگرانی و غم و اندوه و تشویش و اضطراب و ترس از دچار شدن به بلاها و روی آوردن ناملايمات، از قبیل مرگ و بیماری و آفت و حوادث بدخواهان و مکر مکاران و به نتیجه نرسیدن تلاش و جدا شدن از عزیزان، بر وی هجوم می‌آورند، در حالی که اگر مقام پروردگارش را بشناسد و پیوسته به یاد او باشد و فراموشش نکند و یقین کند که نزد پروردگارش حیاتی ناآمیخته با مرگ و ملکی زوال‌ناپذیر و عزتی دور از ذلت و شادمانی و سرور و رفعت و کرامتی بی‌اندازه و بی‌پایان خواهد داشت. نیز یقین خواهد کرد که دنیا، سرای گذر است و زندگی دنیا در برابر با زندگی آخرت، چند صباحی بیشتر نیست. آری! اگر اینها را بداند، آن‌گاه نفسش به آنچه از دنیا برایش مقدر شده است، خرسند و قانع خواهد شد و به همان زندگی و معاشی که داده شده، بسنده خواهد کرد، بدون آن که در زندگی‌اش احساس تنگی و سختی کند (المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۴ ص ۲۲۵).

﴿قَالُوا سُبْحٰنَكَ مَا كَانَ يُدْبِعِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ نُوبِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا﴾^١.

﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا * الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا﴾^٢.

﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَالْوَالِدُوا اسْتَفْتَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا * لِنَقِّنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾^٣.

﴿قُلْ مَنْ يَكْفُرْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمٰنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ﴾^٤.

الحديث

٥١٠. رسول الله ﷺ: ما من ساعة تمرُّ بابنِ آدمٍ لم يذكر الله فيها، إلا تحسَّرَ عليها يومَ القيامةِ.^٥

٥١١. عنه ﷺ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ ﷺ إِلَيَّ، وَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! رَبُّكَ يُقَرِّتُكَ السَّلَامَ، وَيَقُولُ لَكَ: كُلُّ سَاعَةٍ تَذْكُرُنِي فِيهَا فَهِيَ لَكَ عِنْدِي مُدَّخَرَةٌ، وَكُلُّ سَاعَةٍ لَا تَذْكُرُنِي فِيهَا فَهِيَ مِنْكَ ضَائِعَةٌ.^٦

٥١٢. عنه ﷺ: لَيْسَ يَتَحَسَّرُ أَهْلُ الْجَنَّةِ كَتَحَسَّرِهِمْ عَلَى سَاعَةٍ مِنْ نَهَارٍ مَضَتْ فِي دَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ ﷻ.^٧

١. الفرقان: ١٨.

٢. الكهف: ١٠٠ و ١٠١.

٣. الجن: ١٥-١٧.

٤. الأنبياء: ٤٢. والكلام: حفظ الشيء وتبقيته (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٧٢٥ كلاًه).

٥. شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٩٢ ح ٥١١، حلية الأولياء: ج ٥ ص ٣٦٢ كلاهما عن عائشة نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٢٤ ح ١٨١٩.

٦. إرشاد القلوب: ص ٤٩.

٧. الفردوس: ج ٣ ص ٤٠٨ ح ٥٢٤٤ عن معاذ بن جبل.

﴿می‌گویند: «منزهی تو! ما را نسزد که جز تو، دوستی برای خود بگیریم؛ ولی تو، آنان و پدرانشان را برخوردار کردی تا [آن‌جا که] یاد [تو] را فراموش کردند و گروهی هلاک‌شده بودند﴾.

﴿و آن روز، جهنم را آشکارا به کافران بنماییم؛ [به] همان کسانی که چشمان [بصیرت] آنها از یاد من در پرده بود، و توانایی شنیدن [حق را] نداشتند﴾.

﴿ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان می‌نوشانیم تا در این باره، آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون درآورد﴾.

﴿بگو: «چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می‌کند؟». [نه؛] بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی گردان‌اند﴾.

حدیث

۵۱۰. پیامبر خدا ﷺ: هر لحظه‌ای که بر آدمی بگذرد و در آن یاد خدا نکند، روز قیامت بر آن لحظه افسوس می‌خورد.

۵۱۱. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «هر لحظه‌ای که در آن [مرا] یاد می‌کنی، آن لحظه برای تو در نزد من ذخیره می‌شود، و هر لحظه‌ای که در آن یاد من نکنی، آن لحظه از تو تباه شده است».

۵۱۲. پیامبر خدا ﷺ: اهل بهشت، آن گونه که برای ساعتی از روز که در دنیا گذشته و یاد خدا نکرده‌اند، افسوس می‌خورند، برای چیز دیگری افسوس نمی‌خورند.

٥١٣. عنه عليه السلام: لَيْسَ يَتَحَسَّرُ أَهْلُ الْجَنَّةِ إِلَّا عَلَى سَاعَةٍ مَرَّتْ بِهِمْ لَمْ يَذْكُرُوا فِيهَا. ١
٥١٤. عنه عليه السلام: مَنْ قَعَدَ مَقْعَدًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةٌ^٢، وَمَنْ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لَا يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةٌ^٣.
٥١٥. عنه عليه السلام: مَنْ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَ عَلَيْهِ تِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَ عَلَيْهِ تِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ مَشَى مَمْشًى لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَ عَلَيْهِ تِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ٤
٥١٦. عنه عليه السلام: مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ تعالى، وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ، إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَوَبَالًا عَلَيْهِمْ. ٥
٥١٧. عنه عليه السلام: مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ فِيهِ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ تِرَةٌ، فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُمْ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُمْ. ٦
٥١٨. عنه عليه السلام: مَا مِنْ قَوْمٍ يَقُومُونَ مِنْ مَجْلِسٍ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ فِيهِ، إِلَّا قَامُوا عَنْ مِثْلِ حَيْفَةٍ

١ . المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٩٤ ح ١٨٢، شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٩٢ ح ٥١٢ و ٥١٣، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٧ ح ٣ كلها عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج ١ ص ٢٢٢ ح ١٨٠٦.

٢ . تِرَةٌ: أي نقصاً، والهاء فيه عوض من الواو المحذوفة، يقال: وَتَرَهُ يَتَرُهُ تِرَةً. وقيل: أراد بالثرة هاهنا الثبقة (النهاية: ج ٥ ص ١٤٩ وتره).

٣ . سنن أبي داود: ج ٤ ص ٢٦٤ ح ٤٨٥٦ وص ٣١٤ ح ٥٠٥٩ مع تقديم وتأخير وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٢٢٢ وراجع مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤٢٦ ح ٩٥٨٩ وصحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٣٣ ح ٨٥٣.

٤ . شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٠٣ ح ٥٤٣ عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١٦ ص ٦١ ح ٤٣٩٤٤.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٥، عذة الداعي: ص ٢٣١ وزاد في آخره «يوم القيامة» وكلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات: ص ٢١٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦١ ح ٤٢.

٦ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٦١ ح ٣٣٨٠، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٣٣ ح ١٠٢٨١، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٤ ح ١٨٢٦ كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٩ ص ١٤٩ ح ٢٥٢٦٢.

۵۱۳. پیامبر خدا ﷺ: اهل بهشت، افسوس نمی‌خورند، مگر برای لحظاتی که بر آنان گذشته و در آن لحظات، خدا را یاد نکرده‌اند.

۵۱۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در مجلسی بنشیند و در آن خدا را یاد نکند، این، از جانب خداوند برای او کاستی به حساب می‌آید، و هر که در بستری بخوابد و در آن خدا را یاد نکند، بر او از جانب خدا، کاستی به شمار می‌آید.

۵۱۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در بستری بخوابد و در آن، خدا را یاد نکند، روز قیامت، آن خفتن، مایه افسوس او خواهد شد، و هر کس در مجلسی بنشیند و در آن خدا را یاد نکند، روز قیامت، آن مجلس، مایه افسوس او خواهد شد، و هر کس در راهی برود و در آن، خدا را یاد نکند، روز قیامت، آن رفتن، مایه افسوس او خواهد شد.

۵۱۶. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه عده‌ای در مجلسی گرد آیند و نام خداوند را نبرند و بر پیامبرشان درود نفرستند، آن مجلس، مایه افسوس و گزند آنان خواهد شد.

۵۱۷. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه گروهی در مجلسی بنشینند و در آن مجلس، نام خدا را نبرند و بر پیامبرشان درود نفرستند، آن مجلس، مایه افسوس آنان خواهد شد. اگر خدا خواست، عذابشان می‌کند و اگر خواست، می‌بخشدشان.

۵۱۸. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه عده‌ای مجلسی را به پایان برند که در آن، نام خدا برده نشده است، چنان است که از سر لاشه الاغی برخاسته‌اند و برایشان مایه افسوس

حِمارٍ، وكانَ لَهُمْ حَسْرَةٌ.^١

٥١٩. عنه عليه السلام: ما جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لا يَذْكُرُونَ اللهَ فِيهِ، إِلاَّ كانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَإِنْ كانوا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَرَوْنَ ثَوابَ كُلِّ مَجْلِسٍ ذَكَرُوا اللهَ فِيهِ ولا يَرَوْنَ ثَوابَ ذَلِكَ الْمَجْلِسِ، فَيَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ.^٢

٥٢٠. الإمام الصادق عليه السلام: ما مِنْ مَجْلِسٍ يَجْتَمِعُ فِيهِ أَبرارٌ وفُجَّارٌ، فَيَقومُونَ عَلَيَّ غَيْرِ ذِكْرِ اللهِ عليه السلام، إِلاَّ كانَ حَسْرَةٌ عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ.^٣

٥٢١. عنه عليه السلام: ما اجْتَمَعَ في مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللهَ عليه السلام ولم يَذْكُرُوا، إِلاَّ كانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ.

- ثُمَّ قالَ: - قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ ذِكرَنا مِنْ ذِكرِ اللهِ، وَذِكرَ عَدُوِّنا مِنْ ذِكرِ الشَّيْطانِ.^٤

٥٢٢. داوود عليه السلام - في مُناجاةِهِ -: إِذا رَأَيْتَني أَجاوِزُ مَجالِسِ الذَّاكِرِينَ إِلى مَجالِسِ الغافِلِينَ فاكسِرِ رِجلي؛ فَإِنَّها نِعْمَةٌ تُنعمُ بِها عَلَيَّ.^٥

٥٢٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: قيلَ لي - أو أُوحِيَ إِلَيَّ -: إِعْلَمْ أَنَّ السَّاعَةَ الَّتِي لا تَذْكُرُنِي فيها لَيْسَتْ لَكَ، وَلَكِنَّها عَلَیکَ.^٦

١. سنن أبي داود: ج ٤ ص ٢٦٤ ح ٤٨٥٥، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٤٠ ح ٩٠٦٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٦٨ ح ١٨٠٨، تاریخ بغداد: ج ٩ ص ٣٨٨ کلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٩ ص ١٣٥ ح ٢٥٣٧٢.

٢. الدر المنثور: ج ٧ ص ٢٤١ نقلاً عن ابن مردويه عن أبي هريرة.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ١ عن الفضيل بن يسار، عده الداعي: ص ٢٣٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠.

٤. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٢، عده الداعي: ص ٢٤١ كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠.

٥. ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٢٤٧.

٦. الزهد لابن المبارك: ص ٣٢٨ ح ٩٣٦ عن حسان بن عطية.

خواهد شد.

۵۱۹. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه گروهی در مجلسی بنشینند و در آن، خدا را یاد نکنند، آن مجلس در روز قیامت، برایشان مایهٔ افسوس است، اگر چه اهل بهشت باشند و ثواب هر مجلسی را که در آن یاد خدا کرده‌اند، خواهند دید؛ ولی ثواب آن مجلس را نمی‌بینند و از این رو، مایهٔ افسوس آنان می‌شود.

۵۲۰. امام صادق ﷺ: هیچ مجلسی نیست که در آن، نیکان و بدان، گرد هم آیند و بی یاد خداوند ﷻ از آن برخیزند، مگر آن که در روز قیامت، آن مجلس، مایهٔ افسوس آنان می‌شود.

۵۲۱. امام صادق ﷺ: هر گاه گروهی در مجلسی گرد آیند و از خداوند ﷻ و از ما یاد نکنند، آن مجلس، در روز قیامت، مایهٔ افسوس آنان می‌شود ...

[پدرم] امام باقر ﷺ فرمود: «یاد کردن از ما، یاد کردن از خداست، و یاد کردن از دشمن ما، یاد کردن از شیطان است».

۵۲۲. داوود ﷺ - در مناجاتش - : هر گاه مرا دیدی که از مجالس یاد کنندگان [خدا] به مجالس غافلان [از یاد خدا] رفتم، پایم را بشکن؛ زیرا این کار، لطفی است که به من می‌کنی.

۵۲۳. پیامبر خدا ﷺ: به من گفته شد (/به من وحی شد) که: بدان آن ساعتی که در آن از من یاد نکنی، آن ساعت به سود تو نیست؛ بلکه به زیان توست.

٥٢٣. رسول الله ﷺ: أوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام: يا داود، كُلُّ سَاعَةٍ لَا تَذْكُرُنِي فِيهَا عَدِمَتَهَا مِنْ سَاعَةٍ^١.

٥٢٥. عنه ﷺ: بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ تَخَيَّلَ وَاخْتَالَ وَنَسِيَ الْكَبِيرَ الْمُتَعَالِ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ تَجَبَّرَ وَاعْتَدَى وَنَسِيَ الْجَبَّارَ الْأَعْلَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ سَهَا وَلَهَا وَنَسِيَ الْمَقَابِرَ وَالْبِلَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ عَتَا وَطَغَى وَنَسِيَ الْمُبْتَدَأَ وَالْمُنْتَهَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتَلُ الدُّنْيَا بِالذِّينِ^٢، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتَلُ الدِّينَ بِالشُّبُهَاتِ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ طَمَعُ يَقْوَدُهُ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ هَوَى يُضِلُّهُ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ رَغَبٌ يُذِلُّهُ^٣.

٥٢٦. الإمام علي عليه السلام: إلهي إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ الْوُلُوعُ بِذِكْرِكَ، وَلَمْ يَزُوهِ السَّفَرُ بِقُرْبِكَ، كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مَيْتَةً، وَمَيْتَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً^٤.

٥٢٧. رسول الله ﷺ - في موعظته لابن مسعود - : يَا بْنَ مَسْعُودِ، قَالَ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ * حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيُدْسِ الْقَرِينُ﴾^٥.

يَابْنَ مَسْعُودِ، إِنَّهُمْ لَيَعْيَبُونَ عَلِيَّ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّتِي وَفَرَائِضِ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

١. إرشاد القلوب: ص ٤٩، سعد السعود: ص ٤٨ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٥ ص ٢٤٠ ح ٥٨.

٢. يَخْتَلُ الدُّنْيَا بِالذِّينِ: أي يطلب الدنيا بعمل الآخرة؛ يقال: خَتَلَهُ يَخْتَلُهَا؛ إِذَا خَدَعَهُ وَرَاوَعَهُ (النهاية: ج ٢ ص ٩ «ختل»).

٣. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٣٢ ح ٢٤٤٨، المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ١٥٦ ح ٤٠١، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٥١ ح ٧٨٨٥، شعب الإيمان: ج ٦ ص ٢٨٧ ح ٨١٨١ كلها عن أسماء بنت عميس الخثعمية نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٩٧ ح ٤٤٠٥٤ وراجع النواذر للراوندي: ص ١٤٥ ح ١٩٨.

٤. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٩٥ ح ١٢ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي عن نوف البكالي.

٥. الزخرف: ٣٦-٣٨.

۵۲۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «ای داوود! هر ساعتی که در آن از من یاد نکنی، آن ساعت را تلف کرده‌ای».

۵۲۵. پیامبر خدا ﷺ: بد بنده‌ای است بنده‌ای که خودبین و متکبر باشد و خدای بزرگ و بلندمرتبه را فراموش کند. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که گردن‌فراز و متجاوز باشد و خدای جبّار و الا را فراموش کند. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که فراموشکار و غافل باشد و قبرستان و پوسیده شدن [جسم خود] را فراموش کند. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که سرکشی و طغیان کند و آغاز و فرجام [خود] را فراموش کند. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که دین را وسیله رسیدن به دنیا قرار دهد. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که با شبهه‌ها در کمین دین بنشیند. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که طمع، جلودار او باشد. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که هوس، گمراهش کند. بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که خواهش، خوارش کند.

۵۲۶. امام علی علیه السلام: معبودا! کسی که وَّلَعَ یاد تو، او را به خود مشغول نسازد و به جوار قرب تو رخت سفر برنهد، زندگی اش برای او مرگ است، و مُردنش مایه حسرت او.

۵۲۷. پیامبر خدا ﷺ: در اندرزش به ابن مسعود: ای پسر مسعود! خدای متعال فرموده است: «و هر که از یاد [خدای] مهربان، روی گرداند، بر او شیطانی بر گمارم که همنشین وی باشد. و آنان، ایشان را از راه، باز می‌دارند و گمان می‌برند که ره یافته‌اند، تا آن که چون نزد ما آید، می‌گوید: ای کاش میان من و تو، دوری خاور و باختر بود. پس چه بد همنشینی است!».

ای پسر مسعود! آنان بر کسی که از سنّت من و واجبات خدا پیروی کند، خُرده می‌گیرند. خداوند متعال فرموده است: «پس ایشان را به ریشخند گرفتید

﴿فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ * إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^١ . ٢

٥٢٨ . علل الشرائع عن المفضل بن عمر: سألت أبا عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن العشي، فقال: قلوبٌ خلت من ذكر الله، فأذاقها الله حُبَّ غيره.^٣



مركز بحوث ودراسات في العلوم الإسلامية

١ . المؤمنون: ١١٠ و ١١١ .

٢ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥١ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٢ ح ١ .

٣ . علل الشرائع: ص ١٤٠ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ٧٦٥ ح ١٠٢٩، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٥٨ ح ١ .

تا آن که یادم را از خاطر شما بردند و شما بر آنان می‌خندیدید. من امروز به سبب شکیبی که کردند، به آنان پاداش دادم، و آنان رستگارند».

۵۲۸. **علل الشرائع** - به نقل از مفضل بن عمر - : از ابو عبد الله امام صادق علیه السلام در باره عشق پرسیدم. فرمود: «دل‌هایی هستند که از یاد خدا تهی شده‌اند و خداوند هم محبت غیر خود را به آنها چشانیده است».



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تحلیلی درباره برکات یاد خدا و زیان های فراموش کردن او

چنان که گفتیم، یاد خدا، رمز خودسازی و سازندگی، و کلید ارتقا به سوی کمالات و مقامات انسانی است. یاد خدا، بهترین سرمایه تأمین رفاه فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی است و در یک جمله: یاد خدا، یاد خویش است و از یاد بُردن او، از یاد بُردن خود! آنچه را در قرآن و احادیث اسلامی برای تبیین این حقیقت آمده، در چند عنوان می توان خلاصه کرد:

مرکز تحقیقات کویته پژوهش های علمی

۱. جامع ترین برکات یاد خدا

خداوند متعال، وعده قطعی داده است که هر کس او را یاد کند، او نیز متقابلاً یاد کننده خود را یاد می نماید، و این، جامع ترین برکت ذکر است:

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ﴾^۱

مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.

همه آثار و برکات ذکر، در جمله ﴿أَذْكَرُكُمْ؛ تا شما را یاد کنم﴾ خلاصه شده است و بی تردید، یاد کردن خداوند متعال از یاد کننده خود، به معنای توجه علمی به او نیست؛ چرا که توجه علمی (آگاهی داشتن) او به همه چیز و همه کس،

یکسان است؛ بلکه مقصود، یاد کردن با نعمت و رحمت و احسان و رضوان است^۱ و بدین سان، مراتب نعمت و رحمت متقابل الهی نسبت به یاد کننده خود، متناسب با مراتب ذکر اوست. هر چه ذکر، عمیق تر و گسترده تر باشد، برکات الهی، ذاکر را بیشتر فرا خواهد گرفت.

بر این اساس، همه آثار و برکات ذکر که در عنوان دوم به بعد از فصل نهم آمده است، در واقع، تبیین چگونگی یاد کردن خدا از یاد کننده خود و تشریح نعمت‌هایی است که در نتیجه ذکر، عاید ذاکر می‌گردد.

۲. نقش یاد خدا در آفت‌زدایی از زندگی

نخستین اثر یاد کردن متقابل خداوند از ذاکر، آفت‌زدایی از زندگی اوست. همه آیات و احادیثی که می‌گویند ذکر، شیطان را از انسان دور می‌کند، گناهان را پاک می‌کند و بلکه به حسنات تبدیل می‌نماید، بیماری‌های جان را درمان می‌کند و دل را سالم می‌سازد،^۲ در واقع، تبیین کننده نقش ذکر در رفع آسیب‌های زندگی‌اند.

۳. نقش یاد خدا در سازندگی جان

اثر دیگر ذکر، سازندگی جان و پرورش روح است. آدمی در پرتو یاد خدا، دلش آرام می‌گیرد، سینه‌اش گشاده می‌گردد، روحش صیقل می‌یابد و جانش زنده و قلبش آباد می‌شود^۳ و بدین سان، به کمالات والای معنوی و مقامات بلند انسانی دست می‌یابد.

۱. ر.ک: فصل نهم، باب ۱ و ۲۶.

۲. ر.ک: فصل نهم، باب‌های ۲، ۶، ۷، ۱۸، ۲۸ و ۳۰.

۳. ر.ک: به فصل نهم، باب‌های ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ و ۲۷.

۴. نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی

یاد خدا، دل را نورانی می‌کند و انسان در پرتو این نورانیت، به علم، نور و حکمت حقیقی دست می‌یابد و در نتیجه، به نیروی بینش و بصیرت الهی مجهز می‌گردد و حقایقی را دریافت می‌کند که از مجاری تعلیم و تعلم، قابل تحصیل نیستند و در این هنگام، ایمان او به حقایق غیبی تقویت می‌گردد و به مرتبهٔ یقین می‌رسد و یقین، او را به مرز عصمت، نزدیک می‌گرداند.^۱

۵. نقش ذکر در نیکوکاری و خوش‌نامی

یاد خدا، هنگامی که در جان نفوذ کند، خودخواهی را - که به گفتهٔ امام خمینی علیه السلام، «اصلِ اصولِ فتنه‌ها» -^۲ و ریشهٔ رذایل اخلاقی است از بین می‌برد و جای خود را به خداخواهی می‌دهد و بدین سان، همهٔ کارهای انسان، نیکو می‌گردد و انسان نیکوکار، در دنیا و آخرت، خوش‌نام خواهد بود.^۳

۶. نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حل مشکلات زندگی

یاد خدا، علاوه بر این که کلید رسیدن به کمالات معنوی است، موجب گشایش در کارها و حل مشکلات زندگی و تأمین نیازهای مادی نیز هست؛ زیرا ذکر، تقوا می‌آفریند و خداوند متعال، تأمین نیازها و حل مشکلات انسان‌های

۱. ر.ک: فصل نهم، باب‌های ۱۰-۱۲ و ۲۴.

۲. ر.ک: صحیفهٔ امام: ج ۲۰ ص ۱۵۴، نامهٔ امام خمینی علیه السلام به فرزندش حاج سید احمد خمینی، مورخ پانزدهم ربیع اول ۱۴۰۷: «... فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به درآی که این، ارث شیطان است... و بدان که تمام گرفتاری‌های بنی آدم، از این ارث شیطانی است که اصلِ اصولِ فتنه است». ظاهراً مقصود امام از «اصول فتنه»، اخلاق رذیله است که ریشه در خودخواهی و خودبینی و انایت انسان دارد.

۳. ر.ک: فصل نهم، باب‌های ۱۶ و ۱۷.

پرهیزگار را تضمین کرده است.^۱ به سخن دیگر، یکی از مصادیق یاد کردن خدا از یاد کننده خود، تأمین نیازها و حل مشکلات اوست.^۲

۷. نقش ذکر در محبت

بزرگ‌ترین برکت یاد خدا و مهم‌ترین ثمره آن، محبت خداست. ذکر، در نخستین گام، ذاکر را از آلودگی‌های اخلاقی و عملی پاک می‌کند و زمینه نزدیک شدن او به بساط قرب الهی را فراهم می‌سازد و در گام دوم، انسان را به پروردگار خود، نزدیک می‌نماید و به تدریج، انسان با خدا انس می‌گیرد و به او عشق می‌ورزد و در گام سوم، محبت حقیقی، زمینه کمال معرفت و دیدار قلبی خدا را - که مقصد اعلای عارفان است - فراهم می‌سازد و ذاکرانی که به این مقصد رسیده‌اند، پیشتاز نیکان در قیامت‌اند.^۳

۸. نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت

در آغاز این مقال، توضیح دادیم که جامع‌ترین برکت ذکر، یاد کردن متقابل خداوند متعال از یاد کننده خویش است و در ادامه آن، با الهام گرفتن از قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام یادکرد متقابل خداوند را به آفت زدایی از زندگی، سازندگی جان، رسیدن به علم و حکمت و عصمت روانی، نیکوکاری و خوش‌نامی، تأمین رفاه مادی و در نهایت، دستیابی به کیمیای محبت خدا و مقصد اعلای انسانیت، تفسیر کردیم.

اکنون می‌گوییم که جامع‌ترین تفسیر یاد متقابل خداوند، تأمین خیر دنیا و

۱. ر.ک: فصل نهم، باب‌های ۱۳-۱۵.

۲. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او گشایشی فراهم می‌سازد و از جایی که گمان نمی‌برد، او را روزی می‌بخشد» (طلاق: آیه ۲ و ۳).

۳. ر.ک: فصل نهم، باب‌های ۲۰-۲۳ و ۲۳ و ۲۴.

تحلیلی در باره برکات یاد خدا و زیان‌های فراموش کردن او ۳۰۵

آخرت ذاکر است. این تفسیر را از کلام دقیق و زیبای امام زین العابدین علیه السلام - در صحیفه سجادیه - در مقام نیایش، اخذ کردیم که در پایان دعای «مکارم الأخلاق»، گویی به عنوان فشرده خواست‌های خود از خداوند متعال، در این دعا می‌فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَبَهَّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۱

بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در اوقات غفلت، مرا به یاد خودت متوجه گردان و در روزهای مهلت (زندگی)، مرا به طاعتت برگمار و مرا در راهی آسان و هموار به سوی محبتت پیر و با آن محبت، خیر دنیا و آخرت را برانم کامل گردان.

از این سخن نورانی می‌توان چنین استنباط کرد که اگر بیماری غفلت در انسان درمان شود و یاد خدا در دل او تداوم یابد، یاد حقیقی خدا، زمینه‌ساز فرمانبری مطلق از اوست و بدین سان، انسان می‌تواند با یاری پروردگار، به آسانی به کیمیای محبت او دست یابد و با این کیمیا، خیر دنیا و آخرت خود را کامل نماید.^۲

۹. زیان‌های فراموش کردن خدا

همان گونه که جامع‌ترین برکت یاد خدا، یاد کردن متقابل پروردگار از ذاکر است، خطرناک‌ترین زیان فراموشی خداوند متعال، فراموشی متقابل فراموشکار

۱. ر.ک: ص ۲۷۸ ح ۴۹۹.

۲. برای توضیح بیشتر در این زمینه، ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص ۴۳۱ (تحقیقی در باره بنیاد محبت خدا).

از جانب خداوند متعال است که به معنای رها کردن فراموشکار و قطع رحمت از او خواهد بود.

هنگامی که انسان به حال خود رها شود، دچار خودفراموشی می‌گردد:

﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسِنَهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾^۱

[به کلی] خدا را فراموش کردند، خدا هم نفوس آنان را از یادشان برد.

در این حال، شیطان بر آدمی مسلط می‌گردد و او را به کارهای ناشایست، وامی‌دارد و در اثر گناه، آینه دلش زنگار می‌گیرد و به قساوت قلب، مبتلا می‌شود. زندگی، بر چنین انسانی، سخت و تنگ می‌گردد و انواع بدی‌ها، مصیبت‌ها و گرفتاری‌های دنیا و آخرت، او را احاطه می‌نمایند.^۲



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. حشر: آیه ۱۹.

۲. ر.ک: ص ۲۸۱ (زیان‌های فراموش کردن خدا).

بخش دوم

بسمله: «گفتن بسم الله»

شامل:



- | | | |
|--------------------------------|---|-----------|
| تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم | : | فصل یکم |
| دشک های بسم الله الرحمن الرحیم | : | فصل دوم |
| جایگاه های ذکر بسم الله | : | فصل سوم |
| آثار بسم الله | : | فصل چهارم |
| آداب بسم الله گفتن | : | فصل پنجم |



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «بِسْمَلَه»

واژه «بِسْمَلَه»، مصدری است که از جمله «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» گرفته شده است و به همین جهت، به آن، مصدر جعلی یا منحوت گفته می‌شود؛ مانند «حوقله» که مصدر جعلی «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ» است و «هَيْلَلَه» که مصدر جعلی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ» است. *ترتیب اصلاح المنطق*

بنا بر این، معنای کلمه «بِسْمَلَه»، گفتن یا نوشتن ذکر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» است. ابن سِکِّیت می‌گوید:

گفته می‌شود: من «بِسْمَلَه» را افزودم، یعنی: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بسیار گفتم.^۱

اما مقصود ما از «بِسْمَلَه» در عنوان بخش دوم این کتاب، اشاره به متونی است که در باره تفسیر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» و ویژگی‌ها، فضایل، کاربردها و آداب گفتن این ذکر مبارک، وارد شده است. البته پیش از آن، توجه به این نکات، سودمند است:

۱. معنای «اسم»

در باره ریشه واژه «اسم»، اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را برگرفته از «وَسْم» به معنای علامت می‌دانند و برخی آن را مشتق از «سُمُو» به معنای علو و رفعت گفته‌اند؛ ولی با این وصف، می‌پذیرند که از لحاظ معنای لغوی به مفهوم نشانه است.^۱

۲. فرق اسم و صفت

صفت، دو معنا دارد. گاه به معنای مصدر «وصف» است و گاه به معنای اسم مصدر، یعنی علامت و نشانه‌ای که یکی از ویژگی‌های موصوف را بیان می‌کند. بنا بر معنای دوم، اسم و صفت، هر دو به معنای علامت و نشانه مسما و موصوف‌اند و تنها تفاوت آنها این است که اسم، شامل هر گونه علامتی می‌شود؛ اما صفت، علامت خاص است و در اصطلاح، نسبت میان آنها عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر صفتی اسم نیز هست و هر اسمی صفت نیست.^۲ مثلاً «زید» اسم است؛ ولی صفت نیست؛ لیکن «عالم»، هم اسم است و هم صفت.

۳. اتحاد اسم و صفت در باره خداوند

در احادیث اسلامی، اسم و صفت، در مورد خداوند متعال، یک معنا دارند. مثلاً «سمیع» و «بصیر» در برخی از احادیث، به عنوان صفت معرفی شده‌اند^۲ و در برخی از احادیث به عنوان اسم^۳ و برخی از احادیث، تصریح می‌کنند که اسما و

۱. ر.ک: الإنصاف فی مسائل الخلاف بین التحویین: ج ۶ ص ۱۶، المصباح المنیر: ص ۲۹۰، لسان العرب: ج ۱۴ ص ۴۰۱، مشکل إعراب القرآن: ج ۱۰ ص ۶.

۲. التوحید: ص ۱۴۶ ح ۱۴.

۳. التوحید: ص ۱۸۷.

صفات خداوند، تفاوتی ندارند، چنان که از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

إِنَّ الْأَسْمَاءَ صِفَاتٌ وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ.^۱

نام‌ها [ای خدا]، صفاتی هستند که خداوند، با آنها خود را وصف کرده است.

و نیز امام رضا علیه السلام در پاسخ محمد بن سنان که از «اسم» پرسیده بود، فرمود:

صِفَةٌ لِمَوْصُوفٍ.^۲

صفتی است برای یک موصوف.

بر این اساس، از منظر احادیث اسلامی، همه نام‌های خداوند (أَسْمَاءُ اللَّهِ)، صفات اویند و همه صفات خداوند، نام‌های او.

به سخن دیگر، ظاهراً خداوند متعال، اسم جامد و غیر مشتق که فقط علامت باشد، ندارد و در همه اسمای او، صفتی از صفات الهی لحاظ شده و حتی نام «الله»، ریشه اشتقاق دارد.^۳ مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی

۴. معنای اسما و صفات الهی

نکته بسیار دقیقی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام در تبیین معنای اسما و صفات الهی آمده، این است که آنها هویتی جدا از ذات مقدس الهی ندارند، چنان که از امام

۱. ر.ک: ص ۳۱۸ ح ۵۳۰.

۲. علامه مجلسی می‌گوید: جمله «صفتی است برای یک موصوف»؛ یعنی نشانه و علامتی است که بر یک ذات، دلالت می‌کند. پس اسم، غیر از ذات است. یا به این معناست که: نام‌های خداوند متعال، دلالت بر صفاتی دارند که بر او صدق می‌کنند. یا مراد از اسم در این جا همان است که پیش‌تر بدان اشاره کردیم؛ یعنی مفهوم کلی‌ای که لفظ برای آن وضع می‌شود (مرآة العقول: ج ۲ ص ۳۱).

۳. ر.ک: ص ۳۱۸ ح ۵۲۹.

۴. ر.ک: ص ۳۱۸ ح ۵۳۱.

رضای علیه السلام روایت شده است:

أَسْمَاءُ تَعْبِيرٌ، وَأَفْعَالُهُ تَفْهِيمٌ، وَذَاتُهُ حَقِيقَةٌ.^۱

نام‌های او تعبیرند و افعالش برای تفهیم و ذاتش حقیقت است.

همچنین امام رضای علیه السلام می‌فرماید:

الْإِسْمُ غَيْرُ الْمُسَمَّى، فَمَنْ عَبَدَ الْإِسْمَ دُونَ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَلَمْ يَعْبُدْ شَيْئاً، وَمَنْ
عَبَدَ الْإِسْمَ وَالْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَعَبَدَ اثْنَيْنِ، وَمَنْ عَبَدَ الْمَعْنَى دُونَ الْإِسْمِ فَذَاكَ
التَّوْحِيدُ.^۲

نام، غیر از نامور است. پس هر که نام را پرستد و نه معنا را، او کافر است و چیزی را نپرستیده است، و هر که نام و معنا را پرستد، او کافر است و دو چیز را پرستیده است، و هر که معنا را پرستد، نه نام را، این یکتاپرستی است.

بنا بر این، استعمال اسمای الهی، از یک سو نباید به گونه‌ای باشد که فاقد مفهوم و معنا باشد تا موجب تعطیل معرفت خداوند متعال گردد، چنان که از سوی دیگر، نباید برای آنها مفهومی جدا از ذات باری تعالی تصور کرد تا به تشبیه و شرک منتهی گردد؛ بلکه اسما و صفات الهی، چیزی جز تعبیر از ذات واجد همه کمالات و فاقد تمام کاستی‌ها نیستند.

۵. معنای ذکر «بسم الله»

بر پایه آنچه شیخ صدوق در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» از امام رضای علیه السلام روایت کرده است، ذکر «بسم الله»، در حقیقت، به معنای «نشان بندگی خدا را بر خود گذاشتن» است. متن روایت، چنین است:

۱. ر.ک: ص ۳۲۲ ح ۵۳۴.

۲. ر.ک: ص ۳۲۰ ح ۵۳۱.

مَعْنَى قَوْلِ الْقَائِلِ: «بِسْمِ اللَّهِ»، أَيْ أَيْسَمُ عَلَى نَفْسِي سِمَةً مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ ﷻ وَهِيَ الْعِبَادَةُ.^۱

وقتی گوینده می گوید: «به نام خدا»، یعنی: نشان و داغی از نشان‌ها و داغ‌های خداوند ﷻ را بر خود می نهم که همان بندگی باشد.

این تفسیر زیبا و دقیق، بدان معناست که تنها کسی می تواند در گفتن این ذکر هنگام انجام دادن کارها صادق باشد که حقیقتاً خود را مستقل نداند، بلکه بنده خدا بداند؛ چرا که این ذکر، نشانه بندگی است.

به تعبیر دیگر، کسی می تواند صادقانه «بسم الله» بگوید که باور کرده باشد هیچ توان و نیرویی برای انجام دادن کار، جز از جانب خداوند متعال نیست: «و لا حول و لا قوّة إلا بالله». چنین کسی به بیان منقول از امیر مؤمنان در تفسیر «بسم الله»، می تواند بگوید:



بِهَذَا الْإِسْمِ أَعْمَلُ هَذَا الْقَمَلَ.^۲
با این نام، این کار را به انجام می رسانم.

اما کسی که برای خداوند متعال در کار خود، نقشی قائل نیست، نمی تواند علامت بندگی بر خود بگذارد و ذکر شریف «بسم الله» را صادقانه بر زبان جاری سازد.

گفتنی است که در برخی از منابع، در تفسیر «بسم الله» از امام علی ﷻ نقل شده که فرمود:

لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا مِنْ بَاءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».^۳

۱. ر.ک: ص ۳۳۰ ح ۵۳۸.

۲. ر.ک: ص ۳۳۰ ح ۵۳۹.

۳. عوالي اللآلئ: ج ۴ ص ۱۰۲ ح ۱۵۰، إحقاق الحق: ج ۷ ص ۵۹۵ نقلاً عن الشعراني في لطائف المنن، وفيه «... لكم ثمانين بعيراً من معنى الباء».

اگر می‌خواستیم، هفتاد شتر را از تفسیر بای «بسم الله الرحمن الرحيم» بار می‌کردم.

اما در برخی روایات، به جای «من بآء بسم الله الرحمن الرحيم»، عبارت «فی تفسیر فاتحة الكتاب»^۱ آمده است که در این صورت، ارتباطی با این بحث ندارد؛ لیکن هر دو روایت، فاقد سند معتبرند و از این دو روایت ضعیف‌تر، حدیثی است که به امام علی علیه السلام نسبت داده شده که فرمود:

أَنَا النُّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ الْمَبْسُوطَةِ.^۲

من، همان نقطه زیر بای کشیده هستم.

۶. عظمت ذکر «بسم الله»

در احادیث اسلامی، شش ویژگی برجسته برای «بسم الله الرحمن الرحيم» آمده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی

۱. نزدیک‌ترین نام خدا به اسم اعظم است؛

۲. همه کتاب‌های آسمانی، با این نام آغاز شده‌اند؛

۳. نخستین سخنی است که بر پیامبر خدا نازل شد؛

۴. ارجمندترین آیه قرآن است؛

۵. تاج سوره‌های قرآن است؛^۳

۱. المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۴۳.

۲. مشارق أنوار الیقین: ص ۲۱. در بیابان المودة: ج ۱ ص ۲۱۳ ح ۱۵ آمده: «در الدر المنظم آمده است: همه اسرار کتاب‌های آسمانی، در قرآن آمده و همه آنچه در قرآن هست، در سوره فاتحه آمده است و همه آنچه در سوره فاتحه هست، در «بسم الله» آمده است و همه آنچه در «بسم الله» آمده است، در نقطه زیر بآء هست. امام علی علیه السلام فرموده است: «و من، نقطه زیر بآء بسم الله هستم.»

۳. به استثنای سوره توبه.

۶. جزئی از نماز است.

هر چند حکمت و حقیقت این ویژگی‌ها، برای ما به طور کامل معلوم نیست؛ لیکن بی تردید، این ویژگی‌ها نشان دهنده عظمت این ذکر و نقش مؤثر و تعیین کننده آن در خودسازی و سازندگی است. همچنین آداب گفتن^۱ و نوشتن و تأکید در برخورد توأم با احترام با نوشته این ذکر، دلیل دیگری بر اهمیت آن است.

۷. فضیلت تعلیم «بسم الله»

عظمت این ذکر و نقش آن در خودسازی و سازندگی، ایجاب می‌کند که تعلیم آن، از فضیلت فوق العاده‌ای برخوردار باشد. از این رو، شگفت‌آور نیست که پیامبر خدا می‌فرماید:

إِنَّ الْمُعَلَّمَ إِذَا قَالَ لِلصَّبِيِّ: قُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَقَالَ الصَّبِيُّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ، وَبَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ، وَبَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ مِنَ النَّارِ.^۲

معلم، هر گاه به کودک بگوید: بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم» و کودک بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم»، خداوند، یک بَرَات آزادی از دوزخ برای کودک، یکی برای معلم و یکی برای پدر و مادر او می‌نویسد.

۸. برکات ذکر «بسم الله»

ذکر «بسم الله» در آغاز هر کار، همان طور که نشانه عبودیت ذاکر است، صبغه

۱. ر. ک: ص ۴۰۹ (آداب «بسم الله گفتن»).

۲. تفسیر القرطبی: ج ۱ ص ۲۳۶، الکشف والبیان (تفسیر الثعلبی): ج ۱ ص ۹۱؛ مجمع البیان: ج ۱ ص ۹۰، جامع الأخبار: ص ۱۱۹ ح ۲۱۴، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۵۷ ح ۵۲.

الهی بودن کار را نیز می‌رساند، بدین معنا که این ذکر، کار را در جهت اهداف خداپسند قرار می‌دهد و از این رو، کاری که با «بسم الله» آغاز شود، رنگ الهی می‌گیرد و چون خداوند متعال، باقی و مبدأ برکات است، آن کار نیز باقی و پر برکت و سودمند خواهد بود، چنان که در حدیث قدسی آمده است:

إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ - : بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي، وَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أَتَمَّ لَهُ أَمْرَهُ، وَأَبَارِكَ لَهُ فِي أحوَالِهِ ...^۱

هر گاه بنده بگوید: «به نام خداوند مهرگستر مهربان» خداوند - جل جلاله - می‌فرماید: «بنده‌ام به نام من آغاز کرد. بر من است که کارهایش را برای او تمام گردانم و به او در احوالش برکت دهم...».

بر این اساس، آنچه در فصل چهارم در تبیین خواص «بسم الله» آمده (مانند: پناهجویی، درمان، اجابت دعا، تسبیح گفتن کوه‌ها همراه با ذاکر، حقیر شدن شیطان، مصونیت از شرّ اشرار، مصونیت از غرق شدن، دفع بلا و وحشت، سنگین شدن میزان عمل و رهایی از آتش دوزخ)، همه این امور در حقیقت، تبیین و تفصیل برکات این ذکر مبارک است.

البته باید توجه داشت که این برکات، در صورتی تحقق خواهند یافت که ذاکر، صادقانه این ذکر را بر زبان جاری سازد و هر چه صداقت او در گفتن این ذکر بیشتر شود، برکات بیشتری نصیب او خواهد شد.

۹. چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟

با عنایت به آنچه در تبیین برکات «بسم الله» بدان اشارت رفت، گفتن این ذکر در آغاز هر کاری نیکوست. از امام علی علیه السلام روایت شده است:

فَكُلْ أَمْرٍ يَعْمَلُهُ يَبْدَأُ فِيهِ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِنَّهُ يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ.^۱

هر کاری را که [آدمی] انجام می‌دهد، چنانچه با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کند، در آن کار به او برکت داده می‌شود.

لیکن در موارد خاصی، گفتن این ذکر از اهمیت و برکت بیشتری برخوردار است و آن، مواردی است که در فصل سوم، به تفصیل خواهد آمد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الفصل الأول

تفسير البسملة

١ / ١

معنى الاسم

٥٢٩ . الكافي عن محمد بن سنان عن الإمام الرضا عليه السلام، قال: سألتُهُ عَنِ الإِسْمِ مَا هُوَ؟ قَالَ: صِفَةٌ لِمَوْصُوفٍ^١.

٥٣٠ . الكافي عن عبد الرحمن بن أبي نجران: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - أَوْ قُلْتُ لَهُ -: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! نَعْبُدُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الْوَاحِدَ الْأَحَدَ الصَّمَدَ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِنَّ مَنْ عَبَدَ الإِسْمَ دُونَ الْمُسَمَّى بِالْأَسْمَاءِ أَشْرَكَ وَكَفَرَ وَجَحَدَ وَلَمْ يَعْبُدْ شَيْئاً، بَلِ اعْبُدِ اللَّهَ الْوَاحِدَ الْأَحَدَ الصَّمَدَ الْمُسَمَّى بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ دُونَ الْأَسْمَاءِ، إِنَّ الْأَسْمَاءَ صِفَاتٌ وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ^٣.

٥٣١ . الكافي عن هشام بن الحكم عن الإمام الرضا عليه السلام - عِنْدَمَا سَأَلُهُ عَنِ أَسْمَاءِ اللَّهِ وَاشْتِقَاقِهَا -:

١ . قال العلامة المجلسي رحمته الله: قوله عليه السلام: «صفة لموصوف»، أي سمة وعلامة تدل على ذات فهو غير الذات، أو المعنى أن أسماء الله تعالى تدل على صفات تصدق عليه، أو المراد بالاسم هنا ما أشرنا إليه سابقاً، أي المفهوم الكلّي الذي هو موضوع اللفظ (مرآة العقول: ج ٢ ص ٣١).

٢ . الكافي: ج ١ ص ١١٣ ح ٣، التوحيد: ص ١٩٢ ح ٥، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢٩ ح ٢٥، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٥٩ ح ٣.

٣ . الكافي: ج ١ ص ٨٧ ح ٣.

فصل یکم تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم»

۱ / ۱ معنای «اسم»

۵۲۹. الکافی - به نقل از محمد بن سنان - : از امام رضا علیه السلام در باره نام پرسیدم. فرمود:
«صفتی است برای یک موصوف».

۵۳۰. الکافی - به نقل از عبد الرحمن بن ابی نجران - : به امام باقر علیه السلام نوشتم (به ایشان گفتم): خداوند، مرا فدایت کندا ما بخشنده مهربان، یگانه یکتای بی نیاز را می پرستیم؟

فرمود: «هر که نام را به جای نامیده شده به نامها پرستد، مشرک و کافر و منکر است و چیزی نپرستیده است؛ بلکه تو خدای یگانه یکتای بی نیازی را که نامیده شده به این نامهاست، عبادت کن، نه نامها را. نامها، صفاتی هستند که او با آنها صفات خود را بیان کرده است».

۵۳۱. الکافی - به نقل از هشام بن حکم - : امام رضا علیه السلام، آن گاه که از ایشان، در باره نامهای خدا و اشتقاق آنها پرسید، فرمود: «ای هشام! الله، برگرفته از "إلاه

يا هِشَامُ، اللهُ مُشْتَقٌّ مِنْ إِلِهِ، وَالْإِلَهُ يَقْتَضِي مَالُوهَا، وَالْإِسْمُ غَيْرُ الْمُسَمَّى، فَمَنْ عَبَدَ
الْإِسْمَ دُونَ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَلَمْ يَعْبُدْ شَيْئاً، وَمَنْ عَبَدَ الْإِسْمَ وَالْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ^١ وَعَبَدَ
اِثْنَيْنِ، وَمَنْ عَبَدَ الْمَعْنَى دُونَ الْإِسْمِ فَذَلِكَ التَّوْحِيدُ، أَفَهَمْتَ يَا هِشَامُ؟ قَالَ: فَقُلْتُ:
زِدْنِي! قَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، فَلَوْ كَانَ الْإِسْمُ هُوَ الْمُسَمَّى لَكَانَ كُلُّ اسْمٍ مِنْهَا إِلَهًا،
وَلَكِنَّ اللَّهَ مَعْنَى يُدَلُّ عَلَيْهِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَكُلُّهَا غَيْرُهُ. يَا هِشَامُ، الْخُبْزُ اسْمٌ لِلْمَأْكُولِ،
وَالْمَاءُ اسْمٌ لِلْمَشْرُوبِ، وَالثَّوْبُ اسْمٌ لِلْمَلْبُوسِ، وَالنَّارُ اسْمٌ لِلْمُحْرَقِ، أَفَهَمْتَ يَا
هِشَامُ فَهَمًّا تَدْفَعُ بِهِ وَتُنَاضِلُ^٢ بِهِ أَعْدَاءَنَا وَالْمُتَّخِذِينَ مَعَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا غَيْرَهُ؟ قُلْتُ:
نَعَمْ، قَالَ: فَقَالَ: نَفَعَكَ اللَّهُ بِهِ وَتَبَّتْكَ يَا هِشَامُ.

قَالَ هِشَامُ: فَوَاللَّهِ مَا قَهَرَنِي أَحَدٌ فِي التَّوْحِيدِ حَتَّى قُمْتُ مَقَامِي هَذَا.^٣

٥٣٢. الكافي عن الفتح بن يزيد الجرجاني عن أبي الحسن عليه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَهُوَ اللَّطِيفُ
الْخَبِيرُ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
أَحَدٌ، لَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُ الْمُشَبِّهُةُ لَمْ يُعْرَفِ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِ، وَلَا الْمُنْشِئُ مِنَ
الْمُنْشَأِ، لَكِنَّهُ الْمُنْشِئُ، فَفَرَّقَ بَيْنَ مَنْ جَسَمَهُ وَصَوَّرَهُ وَأَنْشَأَهُ، إِذْ كَانَ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ،
وَلَا يُشَبَّهُهُ هُوَ شَيْئاً.

قُلْتُ: أَجَلْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، لَكِنَّكَ قُلْتَ: الْأَحَدُ الصَّمَدُ، وَقُلْتَ: لَا يُشَبِّهُهُ

١. في التوحيد والموضع الآخر من الكافي: «فقد أشرك».

٢. أناضل: أي أجادل وأخاصم وأدافع. وفلان يناضل عن فلان: إذا رامى عنه وحاجج، وتكلم بعذره، ودفع
عنه (النهاية: ج ٥ ص ٧٢ «نزل»).

٣. الكافي: ج ١ ص ٨٧ ح ٢ وص ١١٤ ح ٢، التوحيد: ص ٢٢٠ ح ١٣ وفيه «تنافر أعداءنا والملحدون في الله
والمشركين» بدل «تناضل به أعداءنا والمتخذين مع الله جل وعز»، الاحتجاج: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٢١٦، بحار
الأنوار: ج ٤ ص ١٥٧ ح ٢.

(پرستیدن) است، و «إلاه»، مقتضی «مألوه» (پرستش شونده) ای است. نام، غیر از نامور است. پس هر که نام، نه معنا [و ذات] را بپرستد، کافر است و در حقیقت، چیزی را نپرستیده است. هر که نام و معنا (ذات)، هر دو را بپرستد، کافر است و دو چیز پرستیده است، و هر که معنا را بپرستد، نه نام را، این، توحید است. فهمیدی ای هشام؟».

گفتم: بیشتر توضیح بده.

فرمود: «خداوند، نود و نه نام دارد. بنا بر این، اگر نام همان نامور باشد، برای هر نامی از این نام‌ها خدایی خواهد بود؛ اما خدا معنایی (ذاتی) است که این نام‌ها همگی بر او دلالت دارند، ولی همه این نام‌ها غیر از اوست (هیچ کس از این نام‌ها او نیست).

ای هشام! نان، نامی است برای خوردنی، و آب، نامی است برای نوشیدنی، و پوشاک، نامی است برای پوشیدنی، و آتش، نامی است برای آنچه سوزنده است؛ ولی هیچ یک از این نام‌ها مصداق خارجی خود نیستند. فهمیدی - ای هشام -، آن چنان که بتوانی پاسخ دشمنان ما و کسانی را که غیر خداوند را با او شریک می‌گردانند، بدهی و با آنان، مبارزه کنی؟».

گفتم: آری.

فرمود: «ای هشام! خداوند، تو را با این توضیحات، سود دهد و استوارت بدارد!».

به خدا سوگند، از زمانی که از آن مجلس برخاستم، دیگر کسی در بحث توحید، مرا شکست نداد.

۵۳۲. الکافی - به نقل از فتح بن یزید جرجانی - : از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرماید: «و اوست ریزبین آگاه، شنوای بینا، یگانه یکتای بی‌نیاز. نه فرزندی دارد و نه خود، فرزند کسی است و هیچ کس، همتای او نیست. اگر او چنان باشد که تشبیه‌کنندگان می‌گویند، آن گاه، نه آفریننده از آفریده شناخته می‌شود، و نه پدیدآورنده از پدیدآورده، در حالی که او پدیدآورنده است. او کسی را که جسم داده و کسی را که صورت داده و کسی را که پدید آورده، تفاوت گذاشته است؛ زیرا هیچ چیز به او نمی‌ماند و او نیز به چیزی مانند نیست.».

گفتم: همین طور است، فدایت شوم! اما فرمودی: «یکتای بی‌نیاز» و

شيء، والله واحد والإنسان واحد، أليس قد تشابهت الوجدانية؟ قال:

يا فتح، أحلت ببتك الله! إنما التشبيه في المعاني، فأما في الأسماء فهي واحدة وهي دالة على المسمى، وذلك أن الإنسان وإن قيل واحد فإنه يخبر أنه جنة واحدة وليس باثنين، والإنسان نفسه ليس بواحد؛ لأن أعضائه مختلفة وألوانه مختلفة، ومن ألوانه مختلفة غير واحد، وهو أجزاء مجزأة ليست بسواء؛ دمه غير لحمه، ولحمه غير دمه، وعصبه غير عروقه، وشعره غير بشره، وسواده غير بياضه، وكذلك سائر جميع الخلق، فالإنسان واحد في الاسم لا واحد في المعنى، والله جل جلاله هو واحد لا واحد غيره، لا اختلاف فيه ولا تفاوت ولا زيادة ولا نقصان...^٢



٥٣٣. الكافي عن ابن رثاب عن الإمام الصادق عليه السلام: من عبد الله بالتوهم فقد كفر، ومن عبد الاسم دون المعنى فقد كفر، ومن عبد الاسم والمعنى فقد أشرك، ومن عبد المعنى بإيقاع الأسماء عليه بصفاته التي وصف بها نفسه، فعقد عليه قلبه ونطق به لسانه في سرايره وعلايته؛ فأولئك أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام حقاً.

- وفي حديث آخر - : أولئك هم المؤمنون حقاً.^٣

٥٣٣. الإمام الرضا عليه السلام - من كلامه في التوحيد - : أسماؤه تعبير، وأفعاله تفهيم.

١. في المصدر: «ولا» بدل «لا»، والتصويب من المصادر الأخرى.

٢. الكافي: ج ١ ص ١١٨ ح ١، التوحيد: ص ١٨٥ ح ١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٢٧ ح ٢٣ وفيهما «كفوا أحد منشي الأشياء ومجسم الأجسام ومصور الصور، لو كان كما يقولون لم يعرف»، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٧٣ ح ٢.

٣. الكافي: ج ١ ص ٨٧ ح ١، التوحيد: ص ٢٢٠ ح ١٢، عذة الداعي: ص ٣١٥، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٦٦ ح ٧.

فرمودی: «هیچ چیز به او نمی ماند»، در حالی که می گوئیم: خدای واحد و انسان واحد. آیا نه این است که در واحد بودن، همانندند؟

فرمود: «سخن ناشدنی ای گفتی. ای فتح! خدایت استوار بداردا تشبیه، فقط در حوزه معانی است؛ اما در نامها [و لفظ] همه یکی هستند و نامها بر نامور، دلالت دارند. توضیح این که وقتی گفته شود: "انسان واحد"، در واقع، گزارش می شود که او یک فرد است و نه دو فرد؛ اما خود انسان، واحد (بسیط) نیست؛ چرا که اندامها و رنگهایش گونه گون است، و کسی که رنگهایش گونه گون باشد، واحد نیست و دارای اجزای جدا از هم و نایکسان است، خون او غیر از گوشت اوست، و گوشتش غیر از خونش، و عصبش غیر از رگهایش، و مویش غیر از پوستش، و سیاهی اش غیر از سفیدی اش. دیگر مخلوقات نیز همین گونه اند. پس انسان در نام [و لفظ]، واحد است، در معنا [و حقیقت]، واحد نیست، در حالی که خداوند ﷻ یکتاست و جز او یکتایی نیست. هیچ دوگونگی و تفاوت و فزونی و کاستی ای وجود ندارد....»

۵۳۳. الکافی - به نقل از ابن رثاب - : امام صادق ﷺ فرمود: «هر که خدا را با به وهم در آوردنش بپرستد، کافر است، و هر کس نام بدون معنا (ذات) را بپرستد، کافر است، و هر کس نام و معنا، هر دو را بپرستد، مشرک است، و هر کس معنا را بپرستد، با اطلاق کردن نامها بر او با همان صفاتی که خود، خویشان را بدانها وصف کرده است، و به این، اعتقاد قلبی داشته باشد و در نهانها و آشکارش آن را به زبان آورد، چنین کسانی پیروان راستین امیر مؤمنان هستند.»
و در حدیثی دیگر آمده است که فرمود: «چنین کسانی، مؤمن راستین هستند.»

۵۳۴. امام رضا ﷺ - از گفتار ایشان در باره توحید - : نامهای او برای بیان است،

٢ / ١

مَعْنَى اللَّهِ

٥٣٥ . الإمام الكاظم عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَن مَعْنَى اللَّهِ - : إِسْتَوْلَى عَلَيَّ مَا دَقَّ وَجَلَّ ٢.

٥٣٦ . الإمام الصادق عليه السلام - فِي جَوَابِ الرَّزْدِيقِيِّ حِينَ سَأَلَهُ : فَمَا هُوَ؟ - : هُوَ الرَّبُّ، وَهُوَ الْمَعْبُودُ، وَهُوَ اللَّهُ، وَلَيْسَ قَوْلِي : «اللَّهُ» إِثْبَاتَ هَذِهِ الْحُرُوفِ : أَلِفٍ وَوَاوٍ وَهَاءٍ، وَلَا رَاءٍ وَلَا بَاءٍ، وَلَكِنْ أَرْجِعُ ٣ إِلَى مَعْنَى وَشَيْءٍ خَالِقِ الْأَشْيَاءِ وَصَانِعِهَا، وَنَعْتِ هَذِهِ الْحُرُوفِ، وَهُوَ الْمَعْنَى سُمِّيَ بِهِ اللَّهُ، وَالرَّحْمَنُ، وَالرَّحِيمُ، وَالْعَزِيزُ، وَأَشْبَاهُ ذَلِكَ مِنْ أَسْمَائِهِ، وَهُوَ الْمَعْبُودُ جَلَّ وَعَزَّ ٤.

٥٣٧ . الإمام العسكري عليه السلام - فِي تَفْسِيرِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - : اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَتَّالَهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلُّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ، وَتَقَطُّعِ الْأَسْبَابِ مِنْ جَمِيعِ مَا سِوَاهُ، يَقُولُ : بِسْمِ اللَّهِ؛ أَيِ اسْتَعِينُ عَلَيَّ أُمُورِي كُلَّهَا بِاللَّهِ الَّذِي لَا تَحِقُّ الْعِبَادَةُ إِلَّا لَهُ، الْمَغِيثُ إِذَا اسْتُعِثَ، وَالْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ.

وَهُوَ مَا قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ عليه السلام : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، دُلَّنِي عَلَيَّ اللَّهُ مَا هُوَ؟ فَقَدْ أَكْثَرَ عَلَيَّ الْمُجَادِلُونَ وَحَيَّرُونِي!

١ . التوحيد: ص ٣٦ ح ٢، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٥١ ح ٥١ كلاهما عن محمد بن يحيى والقاسم بن أيوب العلوي، الاحتجاج: ج ٢ ص ٣٦١ ح ٢٨٣، تحف العقول: ص ٦٣ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٢٢٨ ح ٣.

٢ . الكافي: ج ١ ص ١١٤ ح ٣، التوحيد: ص ٢٣٠ ح ٤ وفيه «سألته»، معاني الأخبار: ص ٤ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ٣٧٢ ح ٨١٢ وفيه «عن معنى قول الله: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»»، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٨١ ح ٦.

٣ . ويمكن ضبطها أيضاً بهذا الشكل: ولكن أرجع ...

٤ . الكافي: ج ١ ص ٨٤ ح ٦، التوحيد: ص ٢٢٥ كلاهما عن هشام بن الحكم.

و افعالش برای فهماندن، و ذاتش حقیقت است.

۲/۱ معنای الله

۵۳۵. امام کاظم علیه السلام - در پاسخ به پرسش در باره معنای الله - : [یعنی] هر ریز و درشتی در قبضه قدرت اوست.

۵۳۶. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به زندقی که از ایشان پرسید: پس او (خداوند) چیست؟ - : او پروردگار است. او معبود است. او الله است. مقصودم از «الله»، حروف الف و لام و ها، و [مقصودم از ربّ] حروف راء و باء نیست؛ بلکه مقصود، معنا و آن وجودی است که آفریننده و سازنده موجودات و مصداق این حروف [و کلمات] است. او معنا [و ذاتی] است که الله و رحمان و رحیم و عزیز و مانند این نام‌ها بر او نهاده شده است. او معبود علیه السلام است.

۵۳۷. امام عسکری علیه السلام - در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» - : الله، آن موجودی است که هر آفریده‌ای به هنگام نیازها و سختی‌ها، آن گاه که امیدش از هر آنچه جز اوست، قطع و رشته‌ها از ما سوای او به کلی بُریده می‌شود، به او پناه می‌برد، می‌گوید: «بسم الله»؛ یعنی در همه کارهایم از آن خدایی کمک می‌جویم که پرستش، جز حقّ او نیست؛ همو که هر گاه فریادخواهی شود، به فریاد می‌رسد، و هر گاه او را بخوانند، پاسخ می‌دهد.

این، همان چیزی است که مردی به امام صادق علیه السلام گفت: ای فرزند پیامبر خدا! مرا به خدا راه نمایی کن که چیست؟ زیرا مجادله‌کنندگان، بر من هجوم آورده‌اند و سرگشته‌ام ساخته‌اند!

فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَهَلْ كُسِرَ بِكَ حَيْثُ لَا سَفِينَةَ تُنْجِيكَ وَلَا سِبَاخَةَ تُغْنِيكَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَهَلْ تَعَلَّقَ قَلْبُكَ هُنَالِكَ أَنَّ شَيْئاً مِنَ الْأَشْيَاءِ قَادِرٌ عَلَيَّ أَنْ يُخَلِّصَكَ مِنْ وَرَطْبَتِكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنجَاءِ حَيْثُ لَا مُنْجِي، وَعَلَى الْإِغَاثَةِ حَيْثُ لَا مُغِيث.

ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: وَلَرُبَّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ، وَيَمَحَقُ عَنْهُ وَصْمَةً^١ تَقْصِيرَهُ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قَالَ: وَقَامَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام، فَقَالَ: أَخْبِرْنِي مَا مَعْنَى «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟

فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَخْبِرْنِي عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَا مَعْنَاهُ؟

فَقَالَ: إِنَّ قَوْلَكَ «اللَّهُ» أَعْظَمُ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عليه السلام؛ وَهُوَ الْإِسْمُ الَّذِي لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَمَّى بِهِ غَيْرُ اللَّهِ، وَلَمْ يَنْسَمَ بِهِ مَخْلُوقٌ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: فَمَا تَفْسِيرُ قَوْلِهِ: «اللَّهُ»؟

قَالَ: هُوَ الَّذِي يَتَّأَلُهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلُّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ جَمِيعِ مَنْ دُونَهُ، وَتَقَطُّعِ الْأَسْبَابِ مِنْ كُلِّ مَنْ سِوَاهُ، وَذَلِكَ أَنَّ كُلَّ مُتَرَسِّسٍ فِي

١. الرِّضْمُ: الْعَيْبُ وَالْعَارُ. يُقَالُ: مَا فِي فُلَانٍ وَصْمَةٌ (الصَّحَاحُ: ج ٥ ص ٢٠٥٢ ووصم).

به او فرمود: «ای بنده خدا! آیا هرگز سوار کشتی شده‌ای؟»
گفت: آری.

فرمود: «آیا شده که کشتی‌ات درهم شکند و نه کشتی دیگری باشد که نجاتت دهد، و نه شنا کردن به کارت آید؟»
گفت: آری.

فرمود: «آیا در آن هنگام، از دلت گذشته است که موجودی از موجودات می‌تواند تو را از نابودی برهاند؟»
گفت: آری.

فرمود: «آن موجود، همان خداست که می‌تواند آن گاه که نجات‌بخشی نیست، نجاتت دهد و آن گاه که فریادرسی نیست، به فریادت برسد».

سپس فرمود: «گاه یکی از شیعیان ما در آغاز کار خود "بسم الله الرحمن الرحيم" نمی‌گوید و خداوند، او را به رنجی گرفتار می‌سازد تا او را متوجه سپاس‌گزاری و ستایش از خداوند - تبارک و تعالی - گرداند و لکنه ننگ کوتاهی در گفتن "بسم الله الرحمن الرحيم" را از او بزداید».

مردی نیز رو به امام زین العابدین علیه السلام کرد و گفت: مرا از معنای «بسم الله الرحمن الرحيم» خبر ده که چیست؟

فرمود: پدرم از برادرش حسن، از پدرش امیرمؤمنان برایم نقل کرد که مردی خطاب به امیرمؤمنان گفت: ای امیرمؤمنان! به من بگو که معنای "بسم الله الرحمن الرحيم" چیست؟

[امیرمؤمنان] فرمود: «کلمة الله» بزرگ‌ترین نام از نام‌های خداوند تبارک و تعالی است. این، نامی است که جز بر خدا نسزد و بر کسی ننهاد، و هیچ مخلوقی بدان نامیده نمی‌شود».

مرد گفت: تفسیر [و معنای] کلمة «الله» چیست؟

فرمود: «یعنی موجودی که هر مخلوقی در وقت نیازها و سختی‌ها، آن گاه که از هر آنچه جز اوست، قطع امید شود و رشته‌ها از ما سوای او به کلی بُریده گردد، به او پناه می‌برد؛ چرا که هر رئیسی و هر بزرگی در این دنیا، هر اندازه

هذه الدنيا ومُتَعَطِّمٍ فيها، وإن عَظُمَ غِنَاؤُهُ وَطُغْيَانُهُ، وَكَثُرَتْ حَوَائِجُ مَنْ دُونَهُ إِلَيْهِ، فَإِنَّهُمْ سَيَحْتَاجُونَ حَوَائِجَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا هَذَا الْمُتَعَاظِمُ، وَكَذَلِكَ هَذَا الْمُتَعَاظِمُ يَحْتَاجُ حَوَائِجَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا، فَيَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ وَفَاقَتِهِ، حَتَّى إِذَا كُفِيَ هَمَّهُ عَادَ إِلَى شِرْكِهِ. أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ ﷻ يَقُولُ: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَيْتُمْ عَذَابَ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ﴾^١.

فَقَالَ اللَّهُ ﷻ لِعِبَادِهِ: أَيُّهَا الْفُقَرَاءُ إِلَى رَحْمَتِي، إِنِّي قَدْ أَلَزَمْتُكُمُ الْحَاجَةَ إِلَيَّ فِي كُلِّ حَالٍ، وَذِلَّةَ الْعُبُودِيَّةِ فِي كُلِّ وَقْتٍ، فَإِلَيَّ فَافْزِعُوا فِي كُلِّ أَمْرٍ تَأْخُذُونَ فِيهِ وَتَرْجُونَ تَمَامَهُ وَبُلُوغَ غَايَتِهِ، فَإِنِّي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُعْطِيَكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى مَنَعِكُمْ، وَإِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَمْنَعَكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى إِعْطَائِكُمْ، فَأَنَا أَحَقُّ مَنْ سُئِلَ، وَأَوْلَى مَنْ تُضَرِّعُ إِلَيْهِ.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

فَقُولُوا عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ أَمْرٍ صَغِيرٍ أَوْ عَظِيمٍ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ أَيِ اسْتَعِينُ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَحِقُّ الْعِبَادَةُ لِغَيْرِهِ، الْمُغِيثُ إِذَا اسْتُغِيثَ، الْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ، الرَّحْمَنُ الَّذِي يَرْحَمُ بِبَسْطِ الرِّزْقِ عَلَيْنَا، الرَّحِيمُ بِنَا فِي أَدْيَانِنَا وَدُنْيَانَا وَآخِرَتِنَا، خَفَّفَ عَلَيْنَا الدِّينَ وَجَعَلَهُ سَهْلًا خَفِيفًا، وَهُوَ يَرْحَمُنَا بِتَمَيُّزِنَا مِنْ أَعْدَائِهِ.

ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ تَعَاطَاهُ فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَهُوَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ إِلَيْهِ، لَمْ يَنْفَكْ مِنْ إِحْدَى اثْنَتَيْنِ: إِمَّا بُلُوغَ حَاجَتِهِ

هم توانگر و قدرتمند باشد و فرودستانش به او نیازمند باشند، باز این فرودستان، نیازهایی خواهند داشت که آن بزرگ، از عهده برآوردن آنها بر نمی آید. خود آن بزرگ نیز نیازهایی پیدا می کند که قادر به تأمین آنها نیست. در این صورت، دست نیاز و درویشی به سوی خدا بر می دارد؛ اما چون خواسته اش برآورده شد، به شرک خویش باز می گردد. نشنیده ای که خداوند ﷻ می فرماید: «بگو: آیا دیده اید اگر عذاب خدا، یا رستاخیز آیدتان، آیا جز خدا را می خوانید، اگر راستگویید؟ نه، که تنها او را می خوانید و او - اگر بخواهد - اندوهی را که او را بدان می خوانید، از شما باز گشاید و آنچه را شریک قرار می دهید، از یاد ببرید».

پس، خداوند ﷻ به بندگانش می فرماید: «ای نیازمندان به رحمت من! شما را در هر حال، نیازمند خودم، و در هر زمان، بنده خوار خودم قرار داده ام. پس در هر کاری که در پیش می گیرید و به اتمام آن و رسیدن به نهایتش چشم امید بسته اید، به من متوسل شوید؛ زیرا من اگر بخواهم به شما عطا کنم، هیچ کس نمی تواند مانع شود، و اگر بخواهم مانع شوم، هیچ کس نمی تواند به شما عطا کند. پس من، سزاوارترین کس هستم برای این که از او چیزی بخواهند، و شایسته ترین کس هستم برای این که به او التماس شود.

بنا بر این، در آغاز هر کاری، کوچک یا بزرگ، "بسم الله الرحمن الرحيم" بگویید؛ یعنی در این کار، از خدایی کمک می گیریم که بندگی، سزاوار غیر از او نیست؛ همو که هر گاه از وی فریادخواهی شود، به فریاد می رسد، و هر گاه خوانده شود، پاسخ می دهد. بخشنده ای که از سر مهر، سفره روزی را بر ما گسترده است؛ مهربانی که در دین ما و دنیا و آخرت ما با ما مهربان است. دین را بر ما سبک گرفت و آن را آسان قرار داد، و با جدا ساختن ما از دشمنان خود، به ما رحم می آورد».

سپس فرمود: «پیامبر خدا فرمود: "هر که را پیشامدی اندوهگین گرداند و از روی اخلاص و توجه قلبی به خداوند بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم، از دو حال خارج نخواهد بود: یا در دنیا به حاجتش می رسد، یا این که نزد

فِي الدُّنْيَا، وَإِمَّا يُعَدُّ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَيُدْخَرُ لَدَيْهِ، وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلْمُؤْمِنِينَ ١.

راجع: ص ٣٣٠-ج ٥٢٠ و ص ٣٣٢ ح ٥٢١

موسوعة العقائد الإسلامية: ج ٣ (معرفة الله / القسم الثالث / الفصل الأول: أسماء الله / معنى «الله»).

٣ / ١

مَعْنَى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٥٣٨ . التوحيد عن الحسن بن علي بن فضال: سَأَلْتُ الرُّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عليه السلام عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ»، قَالَ: مَعْنَى قَوْلِ الْقَائِلِ: «بِسْمِ اللَّهِ» أَي اسْمُ عَلِيٍّ نَفْسِي سِمَةٌ مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ عليه السلام وَهِيَ الْعِبَادَةُ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا السِّمَةُ؟ فَقَالَ: الْعَلَامَةُ ٢.

٥٣٩ . الإمام الصادق عليه السلام: لَقَدْ دَخَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى عَلِيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ: ... يَا أَمِيرَ

الْمُؤْمِنِينَ، مَا تَفْسِيرُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟

قَالَ عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ أَوْ يَعْمَلَ عَمَلًا وَيَقُولُ «بِسْمِ اللَّهِ»: أَي بِهَذَا الْإِسْمِ أَعْمَلُ هَذَا الْعَمَلِ، فَكُلُّ أَمْرٍ يَعْمَلُهُ يَبْدَأُ فِيهِ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِنَّهُ يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ ٣.

٥٤٠ . معاني الأخبار عن صفوان بن يحيى عن حدثه عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟ فَقَالَ: الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ، وَالسِّينُ سِنَاءُ اللَّهِ، وَالْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ. قَالَ:

١ . التوحيد: ص ٢٣٠ ح ٥، معاني الأخبار: ص ٤ ح ٢ وفيه إلى «حيث لا مغيث»، التفسير المنسوب إلى الإمام

العسكري عليه السلام: ص ٢١ ح ٥ و ٦ و ٧ و ص ٢٧ ح ٩ كلها عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار، بحار الأنوار:

ج ٩٢ ص ٢٣٢ ح ١٤ و ص ٢٤٠ ح ٤٨.

٢ . التوحيد: ص ٢٢٩ ح ١، معاني الأخبار: ص ٣ ح ١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٦٠ ح ١٩، بحار الأنوار:

ج ٩٢ ص ٢٣٠ ح ٩.

٣ . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٥ ح ٧، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٤٢ ح ٤٨.

پروردگارش برای او به حساب می آید و برایش ذخیره می شود؛ و البته آنچه نزد خداست، برای مؤمنان، بهتر و ماندگارتر است^۱.

و.ک.ج ۵۴۰ و ح ۵۴۱

دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۵ (خداشناسی / بخش سوم / فصل یکم: معنای «اسماء الله» / معنای «الله»).

۳ / ۱

معنای «بسم الله الرحمن الرحيم»

۵۳۸. التوحید - به نقل از حسن بن علی بن فضال - از امام رضا علیه السلام در باره «بسم الله» پرسیدم. فرمود: «وقتی کسی می گوید: "بسم الله"، یعنی سیمه ای از سیمات خداوند بر خود می نهد و آن، سیمه بندگی است»^۱.

گفتم: «سیمه» چیست؟

فرمود: «نشانه».

۵۳۹. امام صادق علیه السلام: عبد الله بن یحیی بر امیر مؤمنان وارد شد و گفت: ... ای امیر مؤمنان! تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» چیست؟

فرمود: «بند»، هر گاه بخواند بخواند^۲ یا کاری انجام دهد و "بسم الله" بگوید، معنایش این است که من با این نام، این کار را انجام می دهم. پس، هرکاری را که انجام می دهد، با "بسم الله الرحمن الرحيم" آغاز کند، در آن کار به او برکت داده می شود».

۵۴۰. معانی الأخبار - به نقل از صفوان بن یحیی، از کسی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده است - از امام [صادق علیه السلام] در باره «بسم الله الرحمن الرحيم» سؤال شد. فرمود: «باء، به معنای بهای (نورانیّت / زیبایی) خداست، سین به معنای سنای (رفعت) خدا، میم به معنای مُلک (سلطنت و مالکیت) خدا».

۱. امام علیه السلام، کلمه «اسم» را برگرفته از ماده «وَسَم» دانسته است که مصدر آن «سَمَّ» است، به معنای نشانه و داغ.

۲. مقصود، خواندن قرآن است و شاید هم اعم از آن باشد.

قُلْتُ: اللهُ؟

قال: الألف آلاء الله على خلقه من النعم بولايتنا، واللام إزام الله خلقه ولايتنا.

قُلْتُ: قالها؟

فقال: هوان لمن خالف محمداً وآل محمد صلوات الله عليهم. قُلْتُ: الرَّحْمَنُ؟

قال: بِجَمِيعِ الْعَالَمِ. قُلْتُ: الرَّحِيمُ؟

قال: بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً.^۱

۵۳۱. الكافي عن عبد الله بن سنان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ تَفْسِيرِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ»، قَالَ:

الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ، وَالسِّينُ سَنَاءُ اللَّهِ، وَالْمِيمُ مَجْدُ اللَّهِ - وَرَوَى بَعْضُهُمْ: الْمِيمُ مُلْكُ

اللَّهِ -، وَاللَّهُ إِلَهٌ كُلُّ شَيْءٍ، الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ، وَالرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً.^{۲، ۳}

۱. معاني الأخبار: ص ۳ ح ۲، التوحيد: ص ۲۳۰ ح ۳، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۳۱ ح ۱۲.

۲. الكافي: ج ۱ ص ۱۱۴ ح ۱، التوحيد: ص ۲۳۰ ح ۲، معاني الأخبار: ص ۳ ح ۱، تفسیر القمّي: ج ۱ ص ۲۸
عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۳۱ ح ۱۱.

۳. علامه مجلسی رحمته الله، در بارة عبارت «باء، بهاء، خداست» می گوید: از بسیاری از اخبار، چنین پیداست که حروف مفرد، وضع ها و معانی متعددی دارند که جز حجت های الهی، کسی آنها را نمی داند، و این، یکی از ابعاد علوم ایشان و استنباطشان از قرآن است. اهل سنت، در بارة «الم (الف. لام. میم)» از ابن عباس روایت کرده اند که: الف، به معنای آلاء (نعمت های) خداست، و لام به معنای لطف او، و میم، نشانگر ملک او. «بهاء»، به معنای زیبایی و نیکویی است، «سنا»، به معنای رفعت و بلندی، و «مجد»، به معنای بزرگواری و شرافت.

ممکن است این مطلب بر پایه اشتقاق کبیر و مناسبت ذاتی میان الفاظ و معانی آنها باشد. بنا بر این، «باء»، چون مشترک میان معنای حرفی و بهاء است، پس باید میان معانی آن دو، مناسبتی باشد. همچنین است «اسم» و «سنا»، چون در «سین» اشتراک دارند، پس در معنای بلندی و رفعت نیز اشتراک دارند.

نیز «اسم»، چون با «مجد» و «ملک» (در حرف میم) اشتراک دارند، پس باید میان معانی آنها نیز مناسبتی باشد. این خود، موضوع پُر دامنه ای در لغت است که برای اهل تحقیق و جستجو، که مبانی و معانی را شناخته باشند، روشن می شود. پس مراد از این جمله ایشان که: «سین، سنای خداست»، این است که وجود این حرف (سین) در کلمه «اسم»، مناط حصول این معنا در آن است. به همین سان است بقیة

گفتم: «الله» چه؟

فرمود: «الف به معنای آلاء (نعمت‌های) خدا که نعمت ولایت ما را به خلقش ارزانی داشته است، لام به این معناست که خداوند، خلقش را به ولایت ما ملزم ساخته است».

گفتم: «هاء» چه؟

فرمود: «اشاره به هوان (خواری) کسی که با محمد و خاندان محمد - که درودهای خدا بر ایشان باد -، مخالف است».

گفتم: «الرحمن» چه؟

فرمود: «به معنای رحمتش نسبت به همه عالم».

گفتم: «الرحيم» چه؟

فرمود: «به معنای رحمتش در خصوص مؤمنان».

۵۴۱. الکافی - به نقل از عبد الله بن سنان - : از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر «بسم الله

الرحمن الرحيم» پرسیدم. فرمود: «باء» [اشاره به] بهای خداست، سین، به سنای خدا، میم، به مجد (شکوه و بزرگواری) خدا».

برخی روایت کرده‌اند [که فرمود]: «میم، به مُلک خدا [اشاره دارد] و الله، به این که او معبود هر چیزی است و رحمان، به مهربانی او با همه خلقش، و رحیم، به مهربانی اش با مؤمنان».

﴿ عبارات حدیث.﴾

تأمل در این مطلب، شدت استبعاد از ظاهر این کلام را از بین می‌برد. این بود آنچه در این جا به ذهن رسید. شاید این برداشت، به حقیقت نزدیک‌تر باشد تا آنچه یکی از بزرگان آورده و گفته است: چون تفسیر آن بر حسب معنای حرف اضافه است، و از طرفی «اسم»، برای کسی که آشنا به زبان باشد، نیازی به بیان ندارد، لذا ایشان بر حسب مدلولات دور، پاسخ داده است، یا چون تبرکاً و بیرون از مدلول اول به کار رفته است، آن را به غیر آن از آنچه در تبرک لحاظ می‌شود، تفسیر کرده است، و مراد از این تفسیر، یا این است که این حروف، چون در آغاز این کلمات، دال بر این صفات هستند، تبرکاً اخذ شده‌اند، یا این که این حروف بر این معانی دلالت دارند یا به این دلیل که با این معانی که برای آنها وضع شده‌اند، مناسب دارند، و چون در آغاز این کلمات قرار دارند، لذا مناسبشان از دیگر حروف آن

۵۳۲. رسول الله ﷺ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سُنَّةُ اللَّهِ، سَبَقَتْ رَحْمَةَ اللَّهِ عَظِيمَةً. ۱

راجع: موسوعة العقائد الإسلامية: ج ۳ (معرفه الله / القسم الثالث: للتعرف على أسماء الله).

«کلمات، بیشتر و دلالتشان بر معانی آنها قوی تر است، و یا به این دلیل که چون حرف «باء» دلالت بر ارتباط و اضافه دارد، و مناط ارتباط و اضافه به چیزی هم یافتن زیبایی و حُسن مطلوب برای طالب است، پس این حرف، دلالت بر حسن و بها دارد که خود، مطلوب هر طالبی است. پس، بر این پایه به «بهاء الله» تفسیر شده است. همچنین چون «اسم» از ماده «سَمَوُ» گرفته شده است که دلالت بر رفعت و بلندی و بزرگواری و شرافت دارد. پس هر یک از دو حرف به اضافه دیگری دلالت بر آن مطلوب دارد. پس به دلالت بر «سنا»، از باب مناسبت به «سین» نسبت داده شده است و آن را به سنای خدا تفسیر کرده است. دلالت بر مجد یا ملک نیز بر همین پایه مناسبت، به میم نسبت داده شده و آن را به مجد یا به روایت دیگری به ملک، تفسیر کرده است.

و «الله»، به این که او معبود هر چیزی است؛ یعنی مستحق و سزاوار عبودیت برای هر چیزی است. «رحمان به مهربانی او با همه خلقت»، بدان که رحمان، مبالغه‌ای بیشتر از رحیم دارد؛ چرا که بسیاری مینا بر بسیاری معنا دلالت دارد. رحمان را یک بار به اعتبار کمیت در نظر می‌گیریم و یک بار به اعتبار کیفیت. بنا بر اعتبار اول، گفته شده است: «یا رحمن الدنيا»، چون مهرورزی او مؤمن و کافر را در بر می‌گیرد، و «رحیم الآخرة»، چون در آخرت، مهر و رحمت او اختصاص به مؤمنان دارد. بنا بر اعتبار دوم، گفته شده است: «یا رحمن الدنيا والآخرة و رحیمهما»، که رحمان بر نعمت‌های بزرگ، اختصاص داده شده است و رحیم به نعمت‌های غیر بزرگ. دومی نیز احتمال دارد که بر وجه اول حمل شود؛ یعنی در هر دو سرا، رحمان است با نعمت‌های عام، و در هر دو سرا، رحیم است با نعمت‌های خاص؛ یعنی هدایت و توفیق در دنیا و نسبت درجات آن. وجه اخیر در این خبر، ظهور بیشتری دارد (مرآة العقول: ج ۲ ص ۳۷).

تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» ۳۳۵

۵۳۲. پیامبر خدا ﷺ: «بسم الله الرحمن الرحيم»، قانون خداست. رحمت خدا بر غضب او
پیشی دارد.

ر.ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۵ (خداشناسی / بخش سوم: آشنایی با نام‌های الهی).



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفصل الثاني

خصائص البسملة

١ / ٢

أقرب شيءٍ إلى الاسم الأعظم

٥٢٣ . المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس: إنَّ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانٍ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَقَالَ: هُوَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ، وَمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اسْمِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ إِلَّا كَمَا بَيْنَ سَوَادِ الْعَيْنِ وَبَيَاضِهَا مِنَ الْقُرْبِ^١.

٥٢٤ . الإمام الباقر ﷺ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ نَاطِرِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا^٢.

٥٢٥ . الإمام علي ﷺ - فِي مَعْنَى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - : إِنْ قَوْلَكَ «اللَّهُ» أَعْظَمُ اسْمٍ مِنَ أَسْمَاءِ اللَّهِ...^٣

١ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٢٣٨ ح ٢٠٢٧، الدر المنثور: ج ١ ص ٢٣ نقلاً عن البيهقي في شعب الإيمان والنخعي في تاريخه، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٩٦ ح ٢٠٢٧ نقلاً عن ابن النجار.

٢ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٨٩ ح ١١٥٩ عن عبد الله بن يحيى الكاهلي عن الإمام الصادق ﷺ، عيون أخبار الرضا ﷺ: ج ٢ ص ٥ ح ١١ عن محمد بن سنان، تفسير العياشي: ج ١ ص ٢١ ح ١٣ عن إسماعيل بن مهران وكلاهما عن الإمام الرضا ﷺ، تحف العقول: ص ٤٨٧ عن الإمام العسكري ﷺ وفيها «سواد» بدل «ناظر»، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٢٣ ح ١٥.

٣ . التوحيد: ص ٢٣١ ح ٥، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري ﷺ: ص ٢٧ ح ٩ كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عن الإمام الحسن ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٢٢ ح ١٤ و ص ٢٤٤ ح ٤٨. أنظر تمام الحديث في ص ١٨٢ ح ٥٢٧.

فصل دوم

ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحيم»

۱/۲

نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است

۵۳۳. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابن عباس - : عثمان بن عفان از پیامبر خدا، در

بارة «بسم الله الرحمن الرحيم» پرسید. ایشان فرمود: «نامی از نام های خداست و

نزدیکی آن به نام اعظم خدا، چونان نزدیکی سیاهی چشم به سفیدی آن است».

۵۳۴. امام باقر علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم»، به اسم اعظم خدا نزدیک تر از مردمک

چشم به سفیدی آن است.

۵۳۵. امام علی علیه السلام - در باره معنای «بسم الله الرحمن الرحيم» - : کلمة «الله»، بزرگ ترین نام

از نام های خداست.

٥٢٦ . الإمام الصادق عليه السلام - في قول الله تعالى: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^١ - :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هُوَ اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، وَالسَّبْعُ الْمَثَانِي أُمَّ الْكِتَابِ، يُتَنَّى بِهَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ^٢.

٥٢٧ . مُهْجِ الدَّعَوَاتِ عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اسْمُ

اللَّهِ الْأَكْبَرُ - أَوْ قَالَ - : الْأَعْظَمُ^٣.

٥٢٨ . الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِثَّةً مَرَّةً، كَانَ أَقْرَبَ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بِياضِهَا، وَإِنَّهُ دَخَلَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ^٤.

٢ / ٢ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ سَاوِيٌّ

٥٢٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ^٥.

٥٥٠ . الإمام الباقر عليه السلام: أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَإِذَا قَرَأْتَ

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَلَا تُبَالِي أَنْ لَا تَسْتَعِيدَ، وَإِذَا قَرَأْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ» سَتَرْتُكَ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ^٦.

١ . الحجر: ٨٧.

٢ . مستدرك الوسائل: ج ٤ ص ١٥٧ ح ٤٣٦٢ نقلاً عن كتاب التنزيل والتحرير للسياري، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٦.

٣ . مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٧٩ عن معاوية بن عمار، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٢٣ ح ١.

٤ . مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٧٩ عن سليمان بن جعفر الحميري، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٦٢ ح ٤١.

٥ . الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع: ج ١ ص ٤٠٧ ح ٥٢٧ عن فرات بن أحمد عن الإمام الباقر عليه السلام، كنز العمال: ج ١ ص ٥٥٥ ح ٢٤٩٠.

٦ . الكافي: ج ٣ ص ٣١٣ ح ٣ عن فرات بن أحمد.

۵۴۶. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خداوند تبارک و تعالی: «ما به تو سبع مثنائی و قرآن بزرگ را دادیم» -: «بسم الله الرحمن الرحيم»، بزرگ ترین نام خداست و سبع مثنائی، همان «ام الكتاب» (سوره فاتحه) است که در هر نمازی، دو بار خوانده می شود.
۵۴۷. مهج الدعوات - به نقل از معاویه بن عمار -: امام صادق علیه السلام فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم» اسم اکبر خداست یا فرمود: «اسم اعظم خداست».
۵۴۸. امام رضا علیه السلام: هر کس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم»، لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم»، به نام اعظم خدا نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن باشد. نام اعظم خدا، داخل در این جمله است.

۲ / ۲

سرآغاز هر کتاب آسمانی است

۵۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بسم الله الرحمن الرحيم»، سرآغاز هر کتاب [آسمانی] است.
۵۵۰. امام باقر علیه السلام: آغاز هر کتابی که از آسمان فرود آمده، «بسم الله الرحمن الرحيم» بوده است. پس هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» گفتی، دیگر باکی نیست که استعاده (أعوذ بالله من الشیطان الرجیم) نگویی؛ زیرا هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» بگویی، تو را از [گزند] آنچه میان آسمان و زمین است، می پوشاند.

- ٥٥١ . الإمام الصادق عليه السلام: ما نَزَلَ كِتَابٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا وَأَوَّلُهُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» .^١
- ٥٥٢ . عنه عليه السلام: ما أنزل الله من السماء كتاباً إلا وفاتحتها «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وإنما كان يُعرف انقضاء السورة بتزول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ابتداءً للأخرى .^٢



مركز تحقيقات كميوتير علوم رسولي

١ . المحاسن: ج ١ ص ١١١ ح ١٠٣ عن صفوان الجمال، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٤ ح ١٧ .
٢ . تفسير العياشي: ج ١ ص ١٩ ح ٥ عن صفوان الجمال، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٦ ح ٢٩ وراجع السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٣ ح ٢٣٧٦ .

۵۵۱. امام صادق علیه السلام: هیچ کتابی از آسمان نازل نشده، مگر آن که آغازش «بسم الله الرحمن الرحيم» است.

۵۵۲. امام صادق علیه السلام: خداوند، هیچ کتابی از آسمان فرو نفرستاد، مگر این که آغازش «بسم الله الرحمن الرحيم» بود، و پایان یافتن هر سوره و آغاز شدن سوره‌ای دیگر، با نازل شدن «بسم الله الرحمن الرحيم» دانسته می‌شد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

سخنی درباره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله»

ظاهراً نباید تردید کرد که همه کتاب های آسمانی، با نام خدا آغاز شده اند؛ ولی آیا جمله «بسم الله» در آغاز کتاب های آسمانی، با پسوند «الرحمن الرحیم» بوده یا نه؟ در این باره، دو دسته روایت وجود دارد:

دسته اول، روایاتی که تصریح می کنند همه کتاب های آسمانی، با جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شده اند، مانند روایاتی که ملاحظه شد.

دسته دوم، روایاتی که تصریح می کنند آیه «بسم الله الرحمن الرحیم»، قبل از پیامبر خدا بر هیچ پیامبری جز سلیمان علیه السلام نازل نشده است،^۱ مانند این روایت از امام علی علیه السلام:

إِنَّ اللَّهَ خَصَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَرَّفَهُ بِهَا وَلَمْ يُشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا
سَلِيمَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَحْكِي عَنْ بَلْقَيْسَ حِينَ
قَالَتْ: «أَلْقَى إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

۱. الأملی، صدوق: ص ۲۴۱ ح ۲۵۵، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: ص ۵۹۱ ح ۳۵۳، المعجم الأوسط: ج ۱ ص ۱۹۶ ح ۶۲۵، سنن الدارقطنی: ج ۱ ص ۳۱۰ ح ۲۹، فضائل القرآن، ابو عیید: ص ۲۱۶، الدر المنثور: ج ۱ ص ۲۰ (به نقل از ابن مردویه و بیهقی در شعب الإیمان).

الْرَّحِيمِ ﴿۱﴾

خداوند «بسم الله الرحمن الرحيم» را به محمد ﷺ اختصاص داد و او را به آن، مفتخر ساخت و هیچ یک از پیامبرانش را در آن، شریک او نکرد، بجز سلیمان ؑ را که به او نیز «بسم الله الرحمن الرحيم» عطا کرد، آن‌جا که به نقل از بلقیس می‌فرماید: «نامه‌ای از گروهی به من رسیده است. آن نامه از سلیمان است و [در آن آمده است:] بسم الله الرحمن الرحيم».

گفتنی است که از نظر سند، هر دو دسته روایات، ضعیف هستند؛ اما از نظر دلالت، می‌توان میان این دو دسته روایات، بدین شکل جمع کرد که امام ﷺ فرموده باشد: «أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نُزِّلَ مِنَ السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ؛ آغاز هر کتابی که از آسمان نازل شده، بسم الله است»، ولی راوی پنداشته که مقصود امام، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است؛ اما با توجه به تعدد روایات دسته اول، بعید به نظر می‌رسد که همه راویان، مرتکب چنین اشتباهی شده باشند. وجوه دیگری نیز برای جمع دلالتی این دو دسته روایت، گفته شده که از این وجه، ضعیف‌ترند.

۱. نمل: آیه ۲۹ و ۳۰.

۲. عیون أخبار الرضا ﷺ: ج ۱ ص ۳۰۱ ح ۶۰، الأمالی، صدوق: ص ۲۴۰ ح ۲۵۵، مجمع البیان: ج ۱ ص ۸۸، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری ﷺ: ص ۲۹ ح ۱۰، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۲۷ ح ۵.

٣ / ٢

أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ

٥٥٣ . رسول الله ﷺ: كَانَ جَبْرَائِيلُ ﷺ إِذَا جَاءَنِي بِالْوَحْيِ أَوَّلَ مَا يُلْقِي عَلَيَّ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.^١

٥٥٣ . الدر المنثور عن ابن عباس: أَوَّلُ مَا نَزَلَ جِبْرَائِيلُ ﷺ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ ﷺ قَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ ﷺ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ يَا مُحَمَّدُ، يَقُولُ: إِقْرَأْ بِذِكْرِ اللَّهِ، وَ﴿اللَّهُ﴾ ذُو الْأَلُوْهِيَّةِ وَالْمَعْبُوْدِيَّةِ عَلَيَّ خَلَقَهُ أَجْمَعِينَ، وَ﴿الرَّحْمَنِ﴾ الْفَعْلَانِ مِنَ الرَّحْمَةِ، وَ﴿الرَّحِيمِ﴾ الرَّفِيقُ الرَّقِيقُ بِمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْحَمَهُ، وَالْبَعِيدُ الشَّدِيدُ عَلَيَّ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُضْعِفَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ.^٢

٤ / ٢

أَعْظَمُ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

٥٥٥ . تفسير العياشي عن سليمان الجعفري: سئِلَ أَبُو الْحَسَنِ ﷺ: أَيُّ آيَةٍ أَعْظَمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.^٣

٥٥٦ . السنن الكبرى عن ابن عباس: إِنَّ الشَّيْطَانَ اسْتَرَقَ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ أَعْظَمَ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.^٤

٥ / ٢

تَبَجَّانُ السُّورِ

٥٥٧ . صحيح مسلم عن أنس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْزَلْتُ عَلَيَّ آيَةً سُوْرَةً، فَقَرَأْتُ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ

١ . سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٥ ح ١٣ عن ابن عمر.

٢ . الدر المنثور: ج ١ ص ٢٣ نقلاً عن ابن جرير وابن أبي حاتم.

٣ . تفسير العياشي: ج ١ ص ٢١ ح ١٤، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٨ ح ٣٧.

٤ . السنن الكبرى: ج ٢ ص ٧٣ ح ٢٤١٣.

۳ / ۲

نخستین چیزی که بر پیامبر ﷺ نازل شد

۵۵۳. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل ﷺ هر گاه برایم وحی می آورد، نخستین چیزی که بر من می افکند، «بسم الله الرحمن الرحيم» بود.

۵۵۴. الدر المنثور - به نقل از ابن عباس - : نخستین بار که جبرئیل ﷺ بر محمد ﷺ فرود آمد، به او گفت: «بسم الله» - ای محمد -، یعنی: با نام خدا بخوان و «الله»، یعنی کسی که إله و معبود همه خلق است. «الرحمن»، بر وزن «فعلان» است از رحمت، و «الرحيم»، یعنی نرم خو و مهربان است با کسی که دوست دارد به او رحم کند، و دور و سختگیر است نسبت به کسی که دوست دارد عذابش را دو چندان سازد.



با عظمت ترین آیه در کتاب خدا

۵۵۵. تفسیر العیاشی - به نقل از سلیمان جعفری - : از ابو الحسن ﷺ^۱ سؤال شد: با عظمت ترین آیه در کتاب خدا، کدام آیه است؟
فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم».

۵۵۶. السنن الکبری - به نقل از ابن عباس - : شیطان، با عظمت ترین آیه قرآن را از اهل قرآن دزدید: «بسم الله الرحمن الرحيم» را.

۵ / ۲

تاج سوره ها

۵۵۷. صحیح مسلم - به نقل از آنس - : پیامبر خدا فرمود: «لأختی پیش، سوره ای بر من

۱. منظور امام کاظم یا امام رضا ﷺ است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... ١.

٥٥٨ . رسول الله ﷺ: إِذَا قَرَأَ جِبْرِيلُ ﷺ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ عَلِمْتُ أَنَّ السُّورَةَ قَدْ خُتِمَتْ. ٢.

٥٥٩ . للمعجم الكبير عن ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ عَلِمَ أَنَّ السُّورَةَ قَدْ خُتِمَتْ، وَاسْتَقْبَلَ الْآخِرَى. ٣.

٥٦٠ . المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَعْلَمُ خَتَمَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزِلَ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾. ٢.

٥٦١ . المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس: كَانَ الْمُسْلِمُونَ لَا يَعْلَمُونَ انْقِضَاءَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزِلَ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، فَإِذَا نَزَلَتْ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ عَلِمُوا أَنَّ السُّورَةَ قَدْ انْقَضَتْ. ٥.

٥٦٢ . أسباب نزول القرآن عن عبد الله بن مسعود: كُنَّا لَا نَعْلَمُ فَصْلَ مَا بَيْنَ السُّورَتَيْنِ حَتَّى تَنْزِلَ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾. ٦.

١ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٠١ ح ٥٣، سنن النسائي: ج ٢ ص ١٣٤، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٤ ح ٢٣٨٠، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤١٨ ح ٣٩١٢٧؛ تفسير فرات: ص ٦١٠ ح ٧٦٧.

٢ . معجم السفر: ص ٣٤١ ح ١١٤٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٥ ح ٨٤٤ نحوه وكلاهما عن ابن عباس.

٣ . المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٦٤ ح ١٢٥٤٥، مجمع الزوائد: ج ٢ ص ٢٨٢ ح ٢٦٣٢ نقلاً عن البزار نحوه.

٤ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٦ ح ٨٤٥، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٠٩ ح ٧٨١، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٣ ح ٢٣٧٧ وفيهما «لا يعرف فصل» بدل «لا يعلم ختم»، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٦٤ ح ١٢٥٤٤، أسباب نزول القرآن: ص ٢١ ح ١٦.

٥ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٦ ح ٨٤٦، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٣ ح ٢٣٧٨، فضائل القرآن لأبي عبيد: ص ٢١٧ عن سعيد بن جبیر نحوه.

٦ . أسباب نزول القرآن: ص ٢١ ح ١٧، الدر المنثور: ج ١ ص ٢٠.

فرود آمد، و خواند: «بسم الله الرحمن الرحيم ...».

۵۵۸. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه جبرئیل علیه السلام «بسم الله الرحمن الرحيم» می گفت، می فهمیدم که سوره [ی قبلی] پایان یافته است.

۵۵۹. المعجم الكبير - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا، هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» بر او نازل می شد، در می یافت که سوره، پایان یافته و سوره دیگری آغاز شده است.

۵۶۰. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابن عباس - : پیامبر ﷺ زمانی به پایان یافتن سوره پی می برد که «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می شد.

۵۶۱. المستدرک علی الصحیحین: مسلمانان، پایان یافتن سوره را نمی دانستند تا آن که «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می شد، و چون «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می شد، می فهمیدند که سوره به پایان رسیده است.

۵۶۲. أسباب نزول القرآن - به نقل از عبد الله بن مسعود - : ما جدایی میان دو سوره را نمی دانستیم، مگر آن گاه که «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می شد.

٥٦٣ . أسباب نزول القرآن عن عبد الله بن عمر: نزلت ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ في كُلِّ سُورَةٍ. ١

٥٦٣ . الإمام الصادق عليه السلام: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ تيجانُ السُّورِ. ٢

٦ / ٢

مُفْتَحُ الصَّلَاةِ

٥٦٥ . سنن الترمذي عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَفْتَتِحُ صَلَاتَهُ بِـ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾. ٣

٥٦٦ . الكشف والبيان عن أبي هريرة: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ، إِذْ دَخَلَ

رَجُلٌ يُصَلِّي، وَافْتَتَحَ الصَّلَاةَ وَتَعَوَّذَ، ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فَسَمِعَ

النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ:

يَا رَجُلُ! قَطَعْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ الصَّلَاةَ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ مِنْ

الْحَمْدِ؛ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ تَرَكَ آيَةً، وَمَنْ تَرَكَ آيَةً مِنْهُ فَقَدْ قَطَعْتَ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ؟! ٤

٥٦٧ . الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ لِي: كَيْفَ تَقْرَأُ إِذَا

قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ؟

قُلْتُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، قَالَ: قُلْ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ * الْحَمْدُ لِلَّهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ. ٥

١ . أسباب نزول القرآن: ص ٢١ ح ١٨ .

٢ . نثر الدر: ج ١ ص ٣٥٢ .

٣ . سنن الترمذي: ج ٢ ص ١٤ ح ٢٤٥، سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٤ ح ٨ وص ٣٠٥ ح ١١، السنن الكبرى:

ج ٢ ص ٧٠ ح ٢٤٠٣ كلاهما عن ابن عمر .

٤ . الكشف والبيان (تفسير الثعلبي): ج ١ ص ١٠٤، الدر المنثور: ج ١ ص ٢١ وفيه «أفسد» بدل «قَطَعْتَ» .

٥ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٩ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٤٨ ح ٤٢؛ سنن الدارقطني:

ج ١ ص ٣٠٢ ح ٣ عن الحسين بن موسى عن الإمام الكاظم عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام وص ٣٠٨ ح ٢٢

عن الجهم بن عثمان عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام عن جابر .

۵۶۳. أسباب نزول القرآن - به نقل از عبد الله بن عمر -: «بسم الله الرحمن الرحيم»، با هر سوره ای نازل شده است.

۵۶۲. امام صادق علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم»، تاج سوره هاست.

۶/۲ آغاز نماز

۵۶۵. سنن الترمذی - به نقل از ابن عباس -: پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می کرد.

۵۶۶. الکشف والبیان - به نقل از ابو هریره -: با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و ایشان برای یارانش سخن می گفت که مردی وارد شد و به نماز ایستاد و نمازش را بست و استعاذه کرد و سپس گفت: «الحمد لله رب العالمین»

پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و فرمود: «ای مرد! نمازت را قطع کردی. مگر نمی دانی که «بسم الله الرحمن الرحيم»، جزء حمد است. پس هر که آن را ترک کند، در واقع، آیه ای را ترک کرده است، و هر کس آیه ای از حمد را ترک کند، نمازش منقطع شده است!؟»

۵۶۷. امام باقر علیه السلام - به نقل از جابر بن عبد الله انصاری -: پیامبر خدا به من فرمود: «هر گاه به نماز می ایستی، قرائت را چگونه می خوانی؟»

گفتم: [می گویم:] «الحمد لله رب العالمین».

فرمود: «بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمین»».

٥٦٨. رسول الله ﷺ: إِذَا قَرَأْتُمْ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» فَاقْرَؤُوا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، إِنَّهَا أُمُّ

الْقُرْآنِ، وَأُمُّ الْكِتَابِ، وَالسَّبْعُ الْمَثَانِي، وَ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» إِحْدَاهَا ١.

٥٦٩. عنه ﷺ - كَانَ يَقُولُ -: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» سَبْعُ آيَاتٍ، إِحْدَاهُنَّ «بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وَهِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ، وَهِيَ أُمُّ الْقُرْآنِ، وَهِيَ فَاتِحَةُ

الْكِتَابِ ٢.

(٥٧٠. عنه ﷺ: مَنْ تَرَكَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَقَدْ تَرَكَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ. ٣)

٥٧١. سنن الدارقطني عن أبي هريرة: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا قَرَأَ وَهُوَ يَوْمُ النَّاسِ، إِفْتَتَحَ الصَّلَاةَ بِ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ٤.

٥٧٢. المستدرک علی الصحیحین عن أم سلمة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَرَأَ فِي الصَّلَاةِ: «بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَعَدَّهَا آيَةً، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آيَتَيْنِ، «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ثَلَاثَ آيَاتٍ، «مَنْ لِكِ يَوْمِ الدِّينِ» أَرْبَعَ آيَاتٍ، وَقَالَ هَكَذَا: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

وَجَمَعَ خَمْسَ أَصَابِعِهِ ٥.

٥٧٣. الدر المنثور عن أم سلمة: قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَنْ لِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * أَهْدِنَا الصِّرَاطَ

١. سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣١٢ ح ٣٦، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٣٩٠ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٧ ص ٤٢٧ ح ١٩٦٦٥.

٢. السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٧ ح ٢٣٨٩، مجمع الزوائد: ج ٢ ص ٢٨٢ ح ٢٦٣٥ نقلًا عن المعجم الأوسط وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٥٦٠ ح ٢٥١٩.

٣. الكشف والبيان (تفسير الثعلبي): ج ١ ص ١٠٤ عن طلحة بن عبيد الله، الدر المنثور: ج ١ ص ٢١.

٤. سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٦ ح ١٧، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٩ ح ٢٣٩٦ عن منصور بن أبي مزاحم عن جده.

٥. المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٦ ح ٨٤٨، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٨٥، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ٢٤٨ ح ٤٩٣ نحوه.

۵۶۸. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه «الحمد لله» را [در نماز] می‌خوانید، «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم بخوانید. سوره حمد، أم القرآن و أم الكتاب^۱ و سبع مثنوی^۲ است، و «بسم الله الرحمن الرحيم»، یکی از آن هفت تاست.

۵۶۹. پیامبر خدا ﷺ: سوره حمد، هفت آیه دارد، یکی از آنها «بسم الله الرحمن الرحيم» است. این سوره، سبع مثنوی، قرآن عظیم، أم القرآن و فاتحة الكتاب^۳ است.

۵۷۰. پیامبر خدا ﷺ: هر کس «بسم الله الرحمن الرحيم» را ترک گوید، آیه‌ای از کتاب خدا را ترک گفته است.

۵۷۱. سنن الدارقطنی - به نقل از ابو هریره -: پیامبر ﷺ هر گاه نماز جماعت را برای مردم می‌خواند، قرائت نماز را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌کرد.

۵۷۲. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از أم سلمه -: پیامبر خدا در نماز «بسم الله الرحمن الرحيم» را خواند و آن را یک آیه شمرد، «الحمد لله رب العالمین» را آیه دوم، «الرحمن الرحيم» را آیه سوم، «مالك يوم الدين» را آیه چهارم، و «ایاتك نعبد وایاتك نستعین» که گفت، پنج انگشتش را جمع کرد.

۵۷۳. الدر المنثور - به نقل از أم سلمه -: پیامبر خدا خواند: «به نام خداوند بخشنده مهربان. ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. بخشنده مهربان است. صاحب روز جزاست. تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم. ما را به راه راست. راهنمایی کن؛ راه آنان که به ایشان نعمت دادی، نه آنان که

۱. أم الكتاب، یعنی: أم القرآن؛ مادر قرآن؛ اصل قرآن.

۲. سبع مثنوی، یعنی: هفت بند؛ هفت آیه؛ هفت ثنا.

۳. فاتحة الكتاب، یعنی: سرآغاز قرآن.

المُسْتَقِيم • صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، وقال: هِيَ سَبْعُ يَا أُمَّ سَلَمَةَ ١.

٥٧٢. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ تَمَامُهَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ٢.

٥٧٥. الإمام الحسين عليه السلام: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَخْبِرْنَا عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَهِيَ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقْرَأُهَا وَيَعُدُّهَا آيَةً مِنْهَا، وَيَقُولُ: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي ٣.

٥٧٦. سنن الدار قطنية عن عبد خير: سُئِلَ عَلِيُّ عليه السلام عَنِ السَّبْعِ الْمَثَانِي، فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّمَا هِيَ سِتُّ آيَاتٍ! فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ ٤.

٥٧٧. السنن الكبرى عن سعيد بن جبيرة: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنْ أَلْمَثَانِي» قَالَ: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ. قِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ: فَأَيُّنَ السَّابِعَةَ؟ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ٥.

١. الدر المنثور: ج ١ ص ١٢ نقلًا عن ابن الأنباري في المصاحف.

٢. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٣٠٢ ح ٦٠، الأمالي للصدوق: ص ٢٤٠ ح ٢٥٥ كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليه السلام، جامع الأخبار: ص ١٢٢ ح ٢٢٧ عن الإمام علي عليه السلام عنه، مجمع البيان: ج ١ ص ٨٨، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٩ ح ١٠ عن الإمام الحسن عن أبيه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٤٨ ح ٤٠ وج ٩٢ ص ٢٢٧ ح ٥.

٣. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٣٠١ ح ٥٩ عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص ٢٤٠ ح ٢٥٤، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٥٩ ح ٣٠، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٦٠ ح ٤٧ وج ٩٢ ص ٢٢٧ ح ٣.

٤. سنن الدار قطنية: ج ١ ص ٣١٣ ح ٤٠، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٨٨، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٩٦ ح ٤٠٤٨ و ص ٥٩٠ ح ٤٨٠٠.

٥. السنن الكبرى: ج ٢ ص ٦٦ ح ٢٣٨٧ وزاد في آخره «وروي ذلك عن علي عليه السلام»، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٣٧ ح ٢٠٢٤، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٢ ص ٩٤ ح ٢٦٢٩ عن عطاه نحوه.

مورد خشم قرار گرفته‌اند و نه گمراهان»، و فرمود: «این، شد هفت آیه، ای ام سلمه!».

۵۷۳. امام علی علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم»، آیه‌ای از فاتحة الكتاب است، فاتحة الكتاب، هفت آیه دارد و «بسم الله الرحمن الرحيم»، یکی از آنهاست.

۵۷۴. امام حسین علیه السلام: به امیر مؤمنان گفته شد: ای امیر مؤمنان! بفرما که آیا «بسم الله الرحمن الرحيم»، جزء فاتحة الكتاب است؟

فرمود: «آری. پیامبر خدا، آن را [در قرائت نماز] می‌خواند و آیه‌ای از «حمد» به شمار می‌آورد و می‌فرمود: «فاتحة الكتاب، هفت آیه است».

۵۷۵. سنن الدار قطنی - به نقل از عبد خیر - : از علی علیه السلام در باره سبع مثانی سؤال شد. فرمود: «سورة حمد است».



گفته شد: آن که شش آیه است!

فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم» هم آیه است».

۵۷۶. السنن الكبرى - به نقل از سعید بن جبیر - : از ابن عباس در باره آیه «و هر آینه به تو،

آن هفت آیه را دادیم»، نقل شده که گفت: مقصود، فاتحة الكتاب است.

به ابن عباس گفته شد: پس کو آیه هفتم؟

گفت: «بسم الله الرحمن الرحيم».

٢٥٢ نهج الذكر / ج ١

٥٧٨ . الكافي عن معاوية بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ مَعَ السُّورَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ.١



مركز تحقيقات كميوتير علوم رسدي

وزگی‌های «بسم الله الرحمن الرحيم» ۳۵۵

۵۷۸. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار - : به امام صادق علیه السلام گفتم: هر گاه به نماز می ایستم،

در سوره فاتحه قرآن، «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم بخوانم؟

فرمود: «آری».

گفتم: و هر گاه سوره فاتحه را خواندم، «بسم الله الرحمن الرحيم» را نیز با

سوره بخوانم؟

فرمود: «آری».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

الفصل الثالث
مَوَاضِعُ الْبَسْمَلَةِ

١ / ٣

الكتابة



الكتاب

«إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^١

مركز تحقيقات و ترویج علوم اسلامی

الحديث

- ٥٧٩ . رسول الله ﷺ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ^٢.
- ٥٨٠ . الدر المنثور عن الشعبي: كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَكْتُبُونَ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ»، فَكَتَبَ النَّبِيُّ ﷺ
أَوَّلَ مَا كَتَبَ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ»، حَتَّى نَزَلَتْ: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبْنَهَا وَمُزْسِنَهَا»^٣ فَكَتَبَ
«بِسْمِ اللَّهِ».
- ثُمَّ نَزَلَتْ: «ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ»^٤ فَكَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ».

١ . النمل: ٣٠.

٢ . الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع: ج ١ ص ٢٠٧ ح ٥٤٧ عن فرات بن أحمد عن الإمام الباقر عليه السلام،
كنز العمال: ج ١ ص ٥٥٥ ح ٢٤٩٠.

٣ . هود: ٤١.

٤ . الإسراء: ١١٠.

فصل سوم

جایگاه های ذکر «بسم الله»

۱/۳
نگارش

قرآن

«آن، [نامه‌ای] از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است: به نام خداوند مهزکستر

مرکز تحقیقات کلامی و تفسیری

مهربان».

حدیث

۵۷۹. پیامبر خدا ﷺ: «بسم الله الرحمن الرحيم»، سرآغاز هر کتابی است.

۵۸۰. الدر المنثور - به نقل از شعبی - : مردم جاهلیت می نوشتند: «به نام تو، ای خداوندا».

پیامبر ﷺ نیز در نخستین نبشته‌اش، نوشت: «به نام تو، ای خداوندا!»، تا آن که آیه

«رفتن و لنگر انداختنش، به نام خداست» نازل شد. از آن پس پیامبر ﷺ می نوشت:

«بسم الله».

سپس آیه «خدا را بخوانید یا رحمان را» نازل شد و از آن پس، پیامبر ﷺ

می نوشت: «بسم الله الرحمن».

ثُمَّ أَنْزَلَتْ آيَةَ الَّتِي فِي طَس: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَنَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
فَكُتِبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».^١

٥٨١. صحيح البخاري عن المسور بن مخرمة ومروان - في ذكر خبر صلح الحديبية - : جاء سهيل بن عمرو، فقال [للنبي ﷺ]: هاتِ اكتبِ بيننا وبينكم كتاباً، فدعا النبي ﷺ الكاتب، فقال النبي ﷺ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». قال سهيل: أمّا الرحمن، فوالله ما أدري ما هو؟! ولكن اكتب «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» كما كنت تكتب.

فَقَالَ الْمُسْلِمُونَ: وَاللَّهِ لَا نَكْتُبُهَا إِلَّا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: اكْتُبْ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ».^٢

٥٨٢. المراسيل عن أبي مالك: كان النبي ﷺ يكتب «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ»، فلما نزلت: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَنَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» كتبها.^٣

٥٨٣. تحف العقول عن داوود الصرمي: أمرني سيدي [الإمام الهادي ﷺ] بِحَوَائِجَ كَثِيرَةٍ، فَقَالَ ﷺ لِي: قُلْ: كَيْفَ تَقُولُ؟ فَلَمْ أَحْفَظْ مِثْلَمَا قَالَ لِي، فَمَدَّ الدَّوَاءَ وَكُتِبَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَذْكَرُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَالْأَمْرُ بِيَدِ اللَّهِ، فَتَبَسَّمتُ. فَقَالَ ﷺ: مَا لَكَ؟ قُلْتُ: خَيْرٌ. فَقَالَ: أَخْبِرْنِي؟

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، ذَكَرْتُ حَدِيثاً حَدَّثَنِي بِهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ جَدِّكَ الرِّضَاءِ، إِذَا أَمَرَ بِحَاجَةٍ كُتِبَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَذْكَرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

١. الدر المنثور: ج ٦ ص ٣٥٤ نقلاً عن عبد الرزاق وابن سعد وابن أبي شيبة وابن المنذر وابن أبي حاتم.
٢. صحيح البخاري: ج ٢ ص ٩٧٧ ح ٢٥٨١، السنن الكبرى: ج ٩ ص ٣٦٨ ح ١٨٨٠٧، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ١٣ ح ١٣، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ١٨٧ ح ٦٥٦، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ١٦٦ ح ٢٦٥٧ كلاهما عن عبد الله بن شداد نحوه.

٣. المراسيل: ص ٨٦ ح ٢.

سپس آیه‌ای که در سوره نمل است، نازل شد: «این، [نامه‌ای] از طرف سلیمان است و آن، چنین است: به نام خداوند مهزگستر مهربان». از آن پس، پیامبر خدا می‌نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم».

۵۸۱. صحیح البخاری - به نقل از مسور بن مخرمه و مروان، در نقل ماجرای صلح حدیبیه -: سهیل بن عمرو آمد و [به پیامبر ﷺ] گفت: بیا تا میان خود و شما پیمانی بنویسیم.

پیامبر ﷺ کاتب را فرا خواند و فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم».

سهیل گفت: به خدا سوگند که من نمی‌دانم رحمان چیست. بلکه همچنان که پیش‌تر می‌نوشتی، بنویس: «به نام تو، ای خداوند!».

مسلمانان گفتند: به خدا سوگند، جز «بسم الله الرحمن الرحیم» نمی‌نویسیم. پیامبر ﷺ فرمود: «بنویس: به نام تو، ای خداوند!».

۵۸۲. المراسیل - به نقل از ابو مالک -: پیامبر ﷺ [در مکتوباتش] می‌نوشت: «به نام تو، ای خداوند!»؛ اما چون این آیه نازل شد، «این، [نامه‌ای] از طرف سلیمان است و آن، چنین است: «به نام خداوند مهزگستر مهربان». از آن پس، پیامبر ﷺ همین (بسم الله الرحمن الرحیم) را می‌نوشت.

۵۸۳. تحف العقول - به نقل از داوود صرمی -: سرورم [امام هادی ﷺ] دستورهای بسیاری به من داد که انجام بدهم. سپس به من فرمود: «بگو که چه می‌گویی؟».

ولی من عین آنچه را به من فرموده بود، به یاد نداشتم. لذا دوات را برداشتم و نوشت: «به نام خداوند مهزگستر مهربان. به خواست خدا، به یادم خواهد ماند و کارها در دست خداست».

من لبخندی زدم. ایشان فرمود: «چه شد؟».

گفتم: خیر است.

فرمود: «به من بگو».

گفتم: فدایت شوم! به یاد حدیثی افتادم که مردی از یارانمان، از جد شما امام رضا ﷺ برایم گفت و آن این که هر گاه دستور کاری را می‌داد، می‌نوشت: «به نام

فَتَبَسَّمْتُ. ١

٥٨٤ . تحف العقول: كَانَ [الإمام الرضا] إذا أراد أن يكتب تذكرات حوائجِهِ، كَتَبَ: «بِسْمِ

اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَذْكَرُ إِنْ شَاءَ اللهُ»، ثُمَّ يَكْتُبُ مَا يُرِيدُ. ٢

٥٨٥ . كشف الغمّة: رُوِيَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ أَنَّهُ قَالَ لِمَوْلَاهُ نَافِذٍ: إِذَا كَتَبْتَ رُقْعَةً أَوْ

كِتَابًا فِي حَاجَةٍ، فَأَرَدْتَ أَنْ تُنْجِحَ حَاجَتَكَ الَّتِي تُرِيدُ، فَارْتَبِ رَأْسَ الرُّقْعَةِ بِقَلَمٍ غَيْرِ

مَدِيدٍ: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّ اللهَ وَعَدَ الصَّابِرِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ، وَالرِّزْقَ

مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ، جَعَلْنَا اللهُ وَإِبَائَكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».

قَالَ نَافِذٌ: فَكُنْتُ أَفْعَلُ ذَلِكَ فَتُنْجِحُ حَوَائِجِي. ٣

٥٨٦ . مستدرک الوسائل عن بعض الرواة من أصحابنا: قَالَ: مِنْ حَقِّ الْقَلَمِ عَلَيَّ مَنْ أَخَذَهُ، إِذَا

كَتَبْتُ أَنْ يَبْدَأَ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ٤

راجع: ص ٢٢٦ (آداب البسملة / تجويد الكتابة).

مرکز تحقیقات اسلامی

الصَّبَاحُ وَالْمَسَاءُ

٥٨٧ . رسول الله ﷺ - مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيٍِّّ - : يَا عَلِيُّ، أَغْدُ بِاسْمِ اللهِ؛ فَإِنَّ اللهَ بَارَكَ لِأُمَّتِي فِي

بُكُورِهَا. ٥

١ . تحف العقول: ص ٤٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٥٠ ح ٦.

٢ . تحف العقول: ص ٤٤٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٣٥ ح ١٢.

٣ . كشف الغمّة: ج ٢ ص ٢٧٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٥٠ ح ٨.

٤ . مستدرک الوسائل: ج ٨ ص ٤٣٤ ح ٩٩١٨ نقلاً عن التنزيل والتحریر للسياري.

٥ . تاريخ بغداد: ج ٣ ص ٥٤ ح ٩٩٧ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه ﷺ،

كنز العمال: ج ٧ ص ٨١٥ ح ٢١٥٣٧، الأمالي للطوسي: ص ١٣٦ ح ٢٢٠ وفيه «على اسم الله» بدل «باسم الله»،

جامع الأحاديث للقمي: ص ١٢٢ كلاهما عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني، كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٢٥ عن

أحمد بن علي بن ثابت وكلها عن الإمام الجواد عن آبائه ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٧٨ ح ٥٠.

جایگاه‌های ذکر «بسم الله» ۳۶۱

خداوند مهرگستر مهربان. به خواست خدا، یادم خواهد ماند». لذا لبخند زدم.
۵۸۴. تحف العقول: [امام رضا علیه السلام] هر گاه می‌خواست کارهای خود را یادداشت کند، می‌نوشت: «به نام خداوند مهرگستر مهربان. به خواست خدا، به یادم خواهد ماند». سپس مطالب خود را می‌نوشت.

۵۸۵. کشف الغمّة: روایت شده است که امام صادق علیه السلام به غلامش نافذ فرمود: «هر گاه کاغذی یا نامه‌ای برای حاجتی نوشتی و خواستی به حاجت خود بررسی، در بالای کاغذ، با قلمی ناآغشته به مرکب بنویس: «به نام خداوند مهرگستر مهربان. خدا به شکیبایان وعده داده است که از آنچه ناخوش دارند، نجات یابند و از جایی که گمان نمی‌کنند، روزی داده شوند. خدا ما و شما را از آن کسانی قرار دهد که نه بیمی به آنان می‌رسد و نه اندوهگین می‌شوند».

نافذ می‌گوید: از آن پس، من به این دستور، عمل می‌کردم و حاجت‌هایم برآورده می‌شد.

۵۸۶. مستدرک الوسائل - به نقل از یکی از راویان شیعه - : یکی از حقوق قلم بر کسی که آن را به دست می‌گیرد، این است که هر گاه چیزی می‌نویسد، با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کند.

ر. ک: ص ۲۲۷ (آداب بسم الله گفتن / نیکو نوشتن «بسم الله»).

۲/۳
بامداد و شامگاه

۵۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - : ای علی! بامدادان، با نام خدا در پی کار خود بیرون شو؛ زیرا خداوند برای امت من، در بامدادانشان برکت نهاده است.

٥٨٨ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: «أَبْتَدِئُ يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ»، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ الْعَبْدُ أَجْزَأَهُ مِمَّا نَسِيَ فِي يَوْمِهِ.^١

٥٨٩ . عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: «أَبْتَدِئُ فِي يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ»، أَجْزَأَهُ عَلَى مَا نَسِيَ مِنْ طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ.^٢

٥٩٠ . عنه عليه السلام: لَا تَدْعُ أَنْ تَقُولَ: «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ» فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ إِصْرَافاً لِكُلِّ سُوءٍ.^٣

٣ / ٣

الخُرُوجُ مِنَ الْبَيْتِ الدَّخُولِ فِيهِ

٥٩١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ مِنْ بَيْتِهِ فَقَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ»، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَهُ: سَلِمْتَ. فَإِذَا قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، قَالَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: كُفَيْتَ. فَإِذَا قَالَ: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَهُ: وَقِيَتْ.^٤

٥٩٢ . الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ: «بِاسْمِ اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٢٣ ح ٥ عن محمد بن مسلم، الأصول الستة عشر: ص ١٥١ عن محمد بن مسلم عن

الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٨ ح ٤٩.

٢ . دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١١٨ ح ٣٩٤، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٨٤ ح ٥٠.

٣ . المقنع: ص ٥٤٣، الدعوات: ص ٨٥ ح ٢١٨، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٣ ح ٤٥.

٤ . قرب الإسناد: ص ٦٦ ح ٢١١ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٦

۵۸۸. امام صادق علیه السلام: علی بن حسین - در روزه‌های خدا بر آن دو - هر گاه صبح خود را آغاز می‌کرد، می‌فرمود: «امروز خود را، پیش از فراموش کردنم و شتاب ورزیدنم، با نام خدا و به خواست خدا آغاز می‌کنم». پس هر گاه بنده چنین کند، او را از آنچه در آن روز فراموش کند، بسنده باشد.^۱

۵۸۹. امام صادق علیه السلام: هر کس هنگام صبح بگوید: «امروز خود را پیش از فراموشی و شتابکاری ام، به نام خدا آغاز می‌کنم»، همین ذکر، او را برای آنچه [از ذکر بسم الله] در هنگام خوردن یا نوشیدن فراموش کند، کفایت می‌نماید.

۵۹۰. امام صادق علیه السلام: گفتن ذکر «به نام خدا و به یاری خدا» را در هر بامداد و شامگاه، ترک مکن؛ زیرا این ذکر، هرگونه بدی و گزند را می‌گرداند.

۳/۳

هنگام خارج شدن از منزل، یا وارد شدن به آن

۵۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه شخص در هنگام خارج شدن از خانه اش بگوید: «به نام خدا»، فرشتگان به او می‌گویند: *به سلامت آمدی*

هر گاه بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به مدد خداوند»، فرشتگان به او می‌گویند: خدا یارت باد!

و هر گاه بگوید: «به خدا توکل کردم»، فرشتگان می‌گویند: خدا نگهدارت باد!

۵۹۲. امام باقر علیه السلام: هر کس در هنگام بیرون رفتن از منزلش بگوید: «به نام خدا. خدا مرا بس است. به خدا توکل می‌کنم. بار خدایا! در همه کارهایم، از تو خیر و خوبی درخواست می‌کنم، و از خواری در دنیا و عذاب آخرت، به تو پناه می‌آورم»،

۱. یعنی: پیش از آن که دچار فراموشی شود و بدون بردن نام خدا به کار دیگری بشتابد، در همان آغاز صبح، بگوید: «با نام خدا و به خواست خدا». پس هر گاه این جمله را بگوید، چنانچه در طول روز یادش برود قبل از کاری «بسم الله» بگوید، همان که در آغاز روز گفته است، برایش کفایت می‌کند و جای‌گزین مواردی خواهد شد که فراموش کند.

الْآخِرَةَ»، كَفَاهُ اللهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ ١.

٥٩٣. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ، فَقُلْ: «بِسْمِ اللهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ»، وَسَلِّمْ عَلَيَّ أَهْلِكَ. وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَقُلْ: «بِسْمِ اللهِ وَسَلَامٌ عَلَيَّ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ»؛ فَإِذَا قَالَ ذَلِكَ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ مَنْزِلِهِ ٢.

٥٩٢. الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ أَبِي عليه السلام إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ، لَا بِحَوْلِ مِنِّي وَلَا قُوَّتِي، بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ، فَأْتِنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ ٣.

راجع: ج ٣ ص ١٢٨ (أهم مواضع الحوقلة / عند الخروج من البيت).



مركز تحقيقات پژوهشی
الْوُضُوءُ

٥٩٥. رسول الله صلى الله عليه وآله - مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ عليه السلام - : يَا عَلِيُّ، إِذَا تَوَضَّأْتَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ، وَتَمَامَ الصَّلَاةِ، وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ، وَتَمَامَ مَغْفِرَتِكَ»، فَهَذَا زَكَاةُ الْوُضُوءِ ٢.

٥٩٦. عنه عليه السلام: إِنْ قَالَ [الْعَبْدُ] فِي أَوَّلِ وُضُوئِهِ: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، طَهَّرَتْ

١. الكافي: ج ٢ ص ٥٤١ ح ٣، المحاسن: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٢٣٩، الأمان: ص ١٠٦ كلها عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٠ ح ٢١.

٢. الأصول الستة عشر: ص ٧١ عن جابر، مشكاة الأنوار: ص ٣٤١ ح ١٠٩٣، جامع الأخبار: ص ٢٣١ ح ٥٩٢ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١١ ح ٤٦.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٤٢ ح ٧، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٦ ح ١١، المحاسن: ج ٢ ص ٩١ ح ١٢٤١ كلها عن محمد بن سنان، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٦٩ ح ١٣ و ص ١٧١ ح ٢١.

٤. جامع الأخبار: ص ١٦٥ ح ٣٩٤، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ٣١٧ ح ٩.

خداوند غم‌ها و نگرانی‌های دنیا و آخرت او را بر طرف می‌سازد.

۵۹۳. امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد خانه خویش شدی، بگو: «به نام خدا. گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست، و محمد - که درود خدا بر او و بر خاندانش باد - فرستاده خداست» و بر خانواده خود نیز سلام کن و اگر کسی در خانه نبود، بگو: «به نام خدا، و درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله. درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا». پس هر گاه کسی چنین بگوید، شیطان از خانه‌اش می‌گریزد.

۵۹۴. امام رضا علیه السلام: پدرم [امام کاظم علیه السلام] هر گاه از خانه‌اش بیرون می‌آمد، می‌گفت: «به نام خداوند مهرگستر مهربان. با توش و توان خدا بیرون می‌آیم. نه با توش و توانی از خویش، که با توش و توان تو - ای پروردگار من -، در جستجوی روزی تو می‌روم. پس آن را با عافیت به من عطا فرما».

و. کد ج ۳ ص ۱۲۹ (مهم‌ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوة الا بالله» / هنگام بیرون رفتن از خانه).

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
۴/۳

هنگام وضو گرفتن

۵۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - : ای علی! هر گاه وضو می‌گیری، بگو: «به نام خدا. بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم وضوی کامل و نماز کامل و خشنودی کاملت و آمرزش کاملت را»؛ زیرا این [ذکر]، زکات وضوست.

۵۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه [بنده] در آغاز وضویش بگوید: «به نام خداوند مهرگستر

أعضاؤه كلها من الذنوب^١.

٥٩٧. الإمام الباقر عليه السلام: إذا قُمتَ بالليلِ من منامِكَ قُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رَوْحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبُدَهُ....

ثُمَّ اسْتَكَ وَتَوَضَّأَ، فَإِذَا وَضَعْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ، فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

فإذا فرغت قُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^٢.

٥٩٨. الإمام علي عليه السلام: لَا يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ حَتَّى يُسَمِّيَ؛ يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ الْمَاءَ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ^٣.

٥٩٩. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ وَلَمْ يُسَمِّ، كَانَ لِلشَّيْطَانِ فِي وُضُوئِهِ شِرْكَ، وَإِنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ، وَكُلُّ شَيْءٍ صَنَعَهُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُسَمِّيَ عَلَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ كَانَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَ^٤.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

٥ / ٣

القيام إلى الصلاة

٦٠٠. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا قُمتَ^٥ إِلَى صَلَاتِكَ قُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَإِلَى اللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ، وَمَا

١. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٥٢١، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ٣١٦ ح ٧.

٢. الكافي: ج ٣ ص ٤٤٥ ح ١٢، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٣ ح ٤٦٧ و ج ١ ص ٧٦ ح ٢١ نحوه وكلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٨٨ ح ٥.

٣. النخبال: ص ٦٢٨ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن: ج ١ ص ١١٨ ح ١٢٠ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليه السلام وليس فيه «باسم الله وبالله»، تحف العقول: ص ١١٧، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ٣١٤ ح ١.

٤. المحاسن: ج ٢ ص ٢١١ ح ١٦٢٩ عن الفضيل، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٠٣ ح ٢٧.

٥. أي إذا أردت القيام (مرآة العقول: ج ١٥ ص ٤٠٣).

مهربان»، همه اعضایش از گناهان پاک می‌شود.

۵۹۷. امام باقر علیه السلام: هر گاه شب [برای نماز] از خواب برخاستی، بگو: «سپاس خداوند را که روح مرا به من باز گرداند تا او را ستایش و عبادت کنم...».

سپس مسواک بزن و وضو بگیر، و چون دستت را در آب گذاشتی، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا. بار خدایا! مرا از توبه کاران و از اهل طهارت و پاکی قرار ده».

و چون وضویت را تمام کردی، بگو: «سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است».

۵۹۸. امام علی علیه السلام: انسان نباید بدون بردن نام خدا وضو بگیرد؛ پیش از آن که دست به آب بزند، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا. بار خدایا! مرا از توبه کنندگان و از اهل طهارت و پاکی قرار ده».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۵۹۹. امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما وضو بگیرد و نام خدا را نبرد، شیطان در وضوی او شریک می‌شود. هنگام خوردن یا آشامیدن یا پوشیدن و هر کاری که انجام می‌دهد، باید نام خدا را ببرد؛ زیرا اگر چنین نکند، شیطان با او شریک می‌شود.

۵/۳

هنگام ایستادن برای نماز

۶۰۰. امام باقر علیه السلام: هر گاه به نماز ایستادی، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا و به سوی خدا و از جانب خدا، آنچه خدا خواهد. هیچ توش و توانی نیست مگر به مدد خدا. بار خدایا! مرا از زیارت کنندگان خانهات و آبادکنندگان مسجدهایت قرار ده،

شاءَ اللهُ، ولا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْني مِنْ زُوارِ بَيْتِكَ، وَعُمارِ مَساجِدِكَ،
وَافْتَحْ لي بابَ تَوْبَتِكَ، وَأغْلِقْ عَنِّي بابَ مَعْصِيَتِكَ وَكُلِّ مَعْصِيَةٍ، الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذي جَعَلْني
مِمَّنْ يُناجِيهِ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ، جَلَّ ثَنائُكَ»، ثُمَّ افْتَحِ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ.^١

٦ / ٣

دُخُولُ الْمَسْجِدِ وَالخُرُوجُ مِنْهُ

٦٠١ . فاطمة عليها السلام: إِنْ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ: بِاسْمِ اللهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ،
وَاعْفِرْ ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ.

وَإِذا خَرَجَ يَقُولُ: بِاسْمِ اللهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لي أَبْوابَ
فَضْلِكَ.^٢

٦٠٢ . عنها عليها السلام: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ: بِاسْمِ اللهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ
اللهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لي ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ.

وَإِذا خَرَجَ قَالَ: بِاسْمِ اللهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لي ذُنُوبِي، وَافْتَحْ
لي أَبْوابَ فَضْلِكَ.^٣

٦٠٣ . المصنّف لعبد الرزاق عن المطّلب بن عبد الله بن حنظب: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذا دَخَلَ
الْمَسْجِدَ قَالَ: بِاسْمِ اللهِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ، وَسَهِّلْ لي أَبْوابَ رِزْقِكَ.^٤

١ . الكافي: ج ٣ ص ٤٤٥ ح ١٢، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٢٣ ح ٤٤٧ كلاهما عن زرارة، دعائم الإسلام:
ج ١ ص ١٦٧ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٣٧٧ ح ٣٠.

٢ . دلائل الإمامة: ص ٧٥ ح ١٤ عن فاطمة الصغرى عن الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٣ ح ١٤
وفيه «اللهم صل على محمد وآل محمد» في كلا الموضعين.

٣ . سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٥٣ ح ٧٧١، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ١٥٩ ح ٢٦٤٧٩، المصنّف لابن أبي شيبة:
ج ١ ص ٣٧٣ ح ١ و ج ٧ ص ١٢٣ ح ١، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ١٦٧ ح ٦٧٢١ كلها عن عبد الله بن الحسن
عن أمه فاطمة بنت الحسين عليها السلام، كنز العمال: ج ٨ ص ٣٢١ ح ٣٣١٠٩.

٤ . المصنّف لعبد الرزاق: ج ١ ص ٤٢٦ ح ١٦٦٦، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٣٧٣ ح ٢ و ج ٧ ص ١٢٣
ح ٢ وليس فيهما «باسم الله».

و دَرِ توبه‌ات را برایم بگشای، و دَرِ نافرمانی‌ات و هر نوع گناه و نافرمانی را بر من ببند. سپاس خدای را که مرا از مناجات‌کنندگانش قرار داد. بار خدایا! با وجه خودت، به من رو کن. بزرگ است ثنای تو». سپس نماز را با تکبیر آغاز کن.

۶/۳

هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن

۶۰۱. فاطمه علیها السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مسجد می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. بار خدایا! بر محمد رحمت فرست، گناهانم را بیامرز و درهای رحمت را به رویم بگشای».

و هر گاه از مسجد خارج می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. بار خدایا! بر محمد رحمت فرست، گناهانم را بیامرز و درهای فضل و بخششت را بر من بگشای».

۶۰۲. فاطمه علیها السلام: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا، و درود بر پیامبر خدا. بار خدایا! گناهانم را بیامرز و درهای رحمت را برای من بگشای».

و هر گاه از مسجد بیرون می‌آمد، می‌گفت: «به نام خدا، و درود بر پیامبر خدا. بار خدایا! گناهانم را بیامرز و درهای بخششت را برایم بگشای».

۶۰۳. المصنّف، عبد الرزاق - به نقل از عبد المطلب بن عبد الله بن حنطب - : پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می‌شد، می‌گفت: «به نام خدا. بار خدایا! درهای رحمت را بر من بگشای و راه‌های روزی‌ات را برایم آسان گردان».

٦٠٢ . جامع الأخبار: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى وَيَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

و إِذَا خَرَجَ، يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَيَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.^١

٦٠٥ . الإمام عليؑ - كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ - : بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.^٢

٦٠٦ . تهذيب الأحكام عن سماعة: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ.



وَإِذَا خَرَجْتَ فَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ.^٣

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

الذبح

الكتاب

﴿فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ﴾.^٤

الحديث

٦٠٧ . الإمام عليؑ: إِذَا ذَبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.^٥

١ . جامع الأخبار: ص ١٧٥ ح ٤١٧، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٦ ح ١٩.

٢ . مسند زيد: ص ١٥٤، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٥٠، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٣ ح ١٢.

٣ . تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٦٣ ح ٧٢٢، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢١ ح ٨.

٤ . الأنعام: ١١٨.

٥ . دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٧٤ ح ٦٢٧، بحار الأنوار: ج ٦٥ ص ٣٢٨ ح ٤١.

۶۰۴. جامع الأخبار: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می‌شد، ابتدا پای راستش را می‌گذاشت و می‌گفت: «به نام خدا. به خدا توکل کردم، و نیرو و توانی نیست مگر به مدد خدا».

و هر گاه از مسجد خارج می‌شد، نخست پای چپش را بیرون می‌گذاشت و می‌گفت: «به نام خدا. به خدا پناه می‌برم از شیطان رانده شده».

۶۰۵. امام علی علیه السلام - در ذکر هنگام ورود به مسجد - : به نام خدا و به یاری خدا. درود و رحمت و برکات خدا، بر تو ای پیامبر! درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا.

۶۰۶. تهذیب الأحکام - به نقل از سماعه - : هر گاه داخل مسجد شدی، بگو: «به نام خدا، و درود بر پیامبر خدا. خدا و فرشتگانش بر محمد و خاندان محمد درود می‌فرستند. درود و رحمت و برکات خدا، بر ایشان باد. پروردگارا! گناهان مرا بیامرز و درهای بخششت را بر من بگشای». در هنگام خارج شدن نیز همین را بگو.

۷ / ۳

هنگام ذبح کردن حیوان

قرآن

«پس، اگر به آیات او ایمان دارید، از آنچه نام خدا [به هنگام ذبح] بر آن برده شده است، بخورید».

حدیث

۶۰۷. امام علی علیه السلام: هر گاه یکی از شما [حیوانی را] ذبح می‌کند، بگوید: «به نام خدا، و خدا بزرگ است».

٨ / ٣

الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ

٦٠٨ . رسول الله ﷺ - مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : يَا عَلِيُّ، إِذَا أَكَلْتَ فَقُلْ : «بِسْمِ اللَّهِ»، وَإِذَا فَرَعْتَ فَقُلْ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ فَإِنَّ حَافِظِيكَ لَا يَبْرَحَانِ يَكْتُبَانِ لَكَ الْحَسَنَاتِ حَتَّى تُبْعِدَهُ عَنْكَ.^١

٦٠٩ . رسول الله ﷺ: مَنْ أَكَلَ الْفَاكِهَةَ وَبَدَأَ بِبِسْمِ اللَّهِ لَمْ تَضُرَّهُ.^٢

٦١٠ . عنه ﷺ: زَيَّنُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبَقْلِ؛ فَإِنَّهَا مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ مَعَ التَّسْمِيَةِ.^٣

٦١١ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَكَلَ طَعَاماً فَسَمَّى اللَّهَ عَلَى أَوَّلِهِ، وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَى آخِرِهِ، لَمْ يُسَأَلْ عَنْ نَعِيمِ ذَلِكَ الطَّعَامِ كَائِنًا مَا كَانَ.^٤

٦١٢ . الكافي عن داوود بن فرقد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَيْفَ أُسَمِّي عَلَى الطَّعَامِ؟

فَقَالَ: إِذَا اخْتَلَفَتِ الْآيَةُ، فَسَمِّ عَلَى كُلِّ إِنَاءٍ.

قُلْتُ: فَإِنْ نَسِيتُ أَنْ أُسَمِّي؟

قَالَ: تَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ.^٥

٦١٣ . مكارم الأخلاق: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا شَرِبَ بَدَأَ فَسَمَّى وَحَسَا حَسَوَةً وَحَسَوَتَيْنِ، ثُمَّ يَقَطَعُ

١ . المحاسن: ج ٢ ص ٢١٠ ح ١٦٢٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧١ ح ١٢.
 ٢ . بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ١١٩ ح ١٠ نقلاً عن مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٦٨ ح ١٢١٣ عن ابن عباس وقد سقطت لفظة «باسم الله» من النسخة المطبوعة التي عندنا.
 ٣ . طب النبي ﷺ: ص ١١، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٨٢ ح ١٢٧٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٠٠ الفردوس: ج ٢ ص ٢٩٢ ح ٣٣٣٣ عن أبي أمامة، كنز العمال: ج ١٥ ص ٢٤٦ ح ٤٠٧٨١.
 ٤ . قرب الإسناد: ص ٩٠ ح ٣٠٢ عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، الكافي: ج ٦ ص ٢٩٤ ح ١٤ عن عبد الرحمن العرزمي عن الإمام الصادق عنه عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٦٨ ح ٢.
 ٥ . الكافي: ج ٦ ص ٢٩٥ ح ٢٠، تهذيب الأحكام: ج ٩ ص ٩٩ ح ٤٣١، المحاسن: ج ٢ ص ٢٢٠ ح ١٦٦٢، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٧٩ ح ٤٤.

۸/۳

هنگام خوردن و آشامیدن

۶۰۸. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به علی علیه السلام - : ای علی! هر گاه شروع به خوردن می‌کنی، بگو: «به نام خدا» و چون تمام کردی، بگو: «سپاس خدای را»؛ زیرا [اگر چنین کنی،] دو [فرشته] نگهبان تو، تا آن گاه که غذا را از خودت دفع کنی، پیوسته برایت ثواب می‌نویسند.

۶۰۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس میوه‌ای بخورد و به نام خدا شروع کند، آن میوه به او زیان نمی‌رساند.

۶۱۰. پیامبر خدا ﷺ: سفره‌هایتان را با سبزی بیارید؛ زیرا سبزی‌ها، همراه با بردن نام خدا، شیاطین را دور می‌کنند.

۶۱۱. امام علی علیه السلام: هر کس غذایی بخورد و در آغاز آن، نام خدا را ببرد و در پایش خدا را سپاس بگوید، در باره نعمت آن غذا - هر چه باشد -، بازخواست نخواهد شد.

۶۱۲. الکافی - به نقل از داوود بن فرقد - : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: هنگام غذا، چگونه بسم الله بگوییم؟

فرمود: «اگر ظرف‌ها متعدد بود، برای هر ظرف غذایی، بسم الله بگو».

گفتم: اگر فراموش کردم که بسم الله بگوییم، چه؟

فرمود: «می‌گویی: "به نام خدا برای آغاز و پایان این [غذا]"».

۶۱۳. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام آشامیدن، نخست نام خدا را می‌گفت و یکی دو

جرعه می‌نوشید. سپس قطع می‌کرد و خدا را سپاس می‌گفت. آن گاه، دوباره نام

فَيَحْمَدُ اللَّهَ، ثُمَّ يَعُودُ فَيُسَمِّي، ثُمَّ يَزِيدُ فِي الثَّالِثَةِ، ثُمَّ يَقَطُّعُ فَيَحْمَدُ اللَّهَ، فَكَانَ لَهُ ﷺ فِي شُرْبِهِ ثَلَاثُ تَسْمِيَّاتٍ وَثَلَاثُ تَحْمِيدَاتٍ، وَيَمُصُّ الْمَاءَ مَصًّا وَلَا يَعْبَهُ عِبًّا^٢.

٦١٢. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ فَقَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ» ثُمَّ شَرِبَ، ثُمَّ قَطَّعَهُ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ»، ثُمَّ قَطَّعَهُ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ»، ثُمَّ قَطَّعَهُ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ سَبَّحَ ذَلِكَ الْمَاءُ لَهُ مَا دَامَ فِي بَطْنِهِ إِلَى أَنْ يَخْرُجَ^٣.

٦١٥. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَشْرَبُ الشَّرْبَةَ مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ! ... إِنَّهُ لَيَأْخُذُ الْإِنَاءَ فَيَضَعُهُ عَلَى فِيهِ فَيُسَمِّي ثُمَّ يَشْرَبُ، فَيُنَحِّيهِ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ، فَيَحْمَدُ اللَّهَ، ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ، ثُمَّ يُنَحِّيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ، ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ، ثُمَّ يُنَحِّيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ؛ فَيُوجِبُ اللَّهُ بِهَا لَهُ الْجَنَّةَ^٤.

راجع: ص ٢٩٦ ح ٥٢



مرکز تحقیقات و پژوهش
التَّوَمُّ

٦١٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ عِنْدَ مَتَامِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، يَقُولُ اللَّهُ: مَلَأْتُكَ بِمِيٍّ! أَكْتُبُوا بِالْحَسَنَاتِ نَفْسَهُ إِلَى الصَّبَاحِ^٥.

١. العَبُّ: شَرِبَ الْمَاءَ مِنْ غَيْرِ مَصٍّ، وَقِيلَ: أَنْ يَشْرَبَ الْمَاءَ دَغْرَقَةً؛ أَي أَنْ يَصَبَّ الْمَاءَ مِرَّةً وَاحِدَةً، وَقِيلَ: الْعَبُّ الْجُرْعُ (لسان العرب: ج ١ ص ٥٧٢ «عَبَّ»).

٢. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج ١ ص ٧٦ ح ١١٣، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٦٦ ص ٤٧٢ ح ٥٤.

٣. الْكَافِي: ج ٦ ص ٣٨٤ ح ٣، الْمُحَاسِنُ: ج ٢ ص ٤٠٦ ح ٢٢٢٢٢٢٢ كِلَاهِمَا عَنْ عَمْرِو بْنِ يَزِيدَ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٦٦ ص ٤٦٩ ح ٢٨.

٤. الْكَافِي: ج ٢ ص ٩٦ ح ١٦ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، مَعَانِي الْأَخْبَارِ: ص ٣٨٥ ح ١٧، الْمُحَاسِنُ: ج ٢ ص ٤٠٦ ح ٢٢٢٢٢٢٢٢٢ كِلَاهِمَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٦٦ ص ٤٦٣ ح ١٥.

٥. جَامِعُ الْأَخْبَارِ: ص ١٢٠ ح ٢١٨، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٩٢ ص ٢٥٨ ح ٥٢.

خدا را می‌برد و در مرتبه سوم بیشتر می‌نوشید. سپس قطع می‌کرد و خدا را سپاس می‌گفت. ایشان در هنگام آشامیدنش، سه بار بسم الله و سه بار الحمد لله می‌گفت. آب را جرعه جرعه می‌آشامید و یکباره سر نمی‌کشید.

۶۱۴. امام صادق علیه السلام: هر گاه فردی از شما خواست آب بنوشد، بگوید: «به نام خدا» و سپس بیاشامد. آن گاه، قطع کند و بگوید: «سپاس، خدای را». سپس بیاشامد و بگوید: «به نام خدا». آن گاه، قطع کند و بگوید: «سپاس، خدای را». سپس بیاشامد و بگوید: «به نام خدا». آن گاه، قطع کند و بگوید: «سپاس، خدای را». [اگر چنین کند،] آن آب از زمانی که در شکم او جای می‌گیرد، تا زمانی که دفع شود، تسبیح [خدا] می‌گوید.

۶۱۵. امام صادق علیه السلام: گاه، مردی از شما جرعه‌ای آب می‌نوشد و خداوند، بدان سبب، بهشت را بر او واجب می‌گرداند. [بندین سان که] ظرف را بر می‌دارد و بر دهانش می‌گذارد و نام خدا را می‌برد و آن گاه می‌آشامد. سپس آن را از دهانش دور می‌کند. با آن که هنوز آب میل دارد، و خدا را سپاس می‌گوید. سپس دوباره شروع به آشامیدن می‌کند و باز ظرف را دور می‌کند و خدا را سپاس می‌گوید، و سه باره شروع به آشامیدن می‌کند و باز دور می‌برد و خدا را سپاس می‌گوید. پس خداوند تعالی به سبب این کارش، بهشت را بر او واجب می‌گرداند.

ر.ک: ص ۲۹۷ ح ۶۵۲

۹ / ۳

هنگام خوابیدن

۶۱۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده در هنگام خوابیدن بگوید: «به نام خداوند مهزگستر مهربان»، خداوند می‌فرماید: «فرشتگان من! نفس‌های او را تا صبح، ثواب بنویسید».

٦١٧. عنه عليه السلام - كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَنَامِهِ - : بِاسْمِ اللَّهِ أَمُوتُ وَأَحْيَا وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ، اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَأُدِّعْنِي أَمَانَتِي. ١

٦١٨. الإمام علي عليه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ، وَلْيَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ، وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ، عَلَيَّ مِلَّةُ إِبْرَاهِيمَ وَدِينُ مُحَمَّدٍ وَوِلَايَةُ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ». فَمَنْ قَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مَنَامِهِ حَفِظَ مِنَ اللَّصِّ، وَالْمُغِيرِ، وَالْهَدْمِ، وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ. ٢

٦١٩. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا تَوَسَّدَ الرَّجُلُ يَمِينَهُ، فَلْيَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَالْجِبَابُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». ثُمَّ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام. ٣

١٠/٣

مرکز تحقیقات اسلامی
اللبس

٦٢٠. الإمام الباقر عليه السلام - حِينَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَلْبَسُ الثَّوْبَ الْجَدِيدَ - : يَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُعِينُ وَتَقْوَى وَبِرَكَّةٍ، اللَّهُمَّ ارزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ، وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَأَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. ٤

١. مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٩٣ ح ١٧٥، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٠٢ ح ١٩.
٢. النخصل: ص ٦٣١ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١٢٠ وزاد في ذيله «حتى يتبته»، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩١ ح ١.
٣. تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١١٦ ح ٤٣٥، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٦٩ ح ١٣٥١، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٤٣ ح ٢٠٩٧ كلها عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٩٥ ح ١٢.
٤. مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٢٢ ح ٦٥٤، الكافي: ج ٦ ص ٤٥٨ ح ١ عن محمد بن مسلم وليس فيه «باسم الله وبالله».

۶۱۷. پیامبر خدا ﷺ - در ذکر هنگام خوابیدن - : به نام خدا می‌میرم و زندگی می‌کنم، و حرکت به سوی خداست. بار خدایا! ترس مرا به آرامش تبدیل فرما و عییم را بپوشان و امانتم را از طرف من پرداز.

۶۱۸. امام علی علیه السلام : هر گاه یکی از شما خواست بخوابد، دست راستش را زیر گونه راستش بگذارد و بگوید: «به نام خدا، پهلویم را برای خدا [بر زمین] نهادم، در حالی که بر آیین ابراهیم و دین محمد و پیروی و دوستی کسی هستم که خداوند، فرمانبری از او را واجب گردانیده است. آنچه خدا بخواهد، همان می‌شود و آنچه نخواهد، نمی‌شود».

هر کس این را در هنگام خوابش بگوید، از دزد و غارت و رفتن زیر آوار، محفوظ می‌ماند و فرشتگان برایش آمرزش می‌طلبند.

۶۱۹. امام باقر علیه السلام : هر گاه کسی گونه راست خود را بر بالین نهاد، بگوید: «به نام خدا. بار خدایا! خودم را تسلیم تو کردم و رو به سوی تو نمودم. کارم را به تو وانهادم و تو را پشت و پناهم قرار دادم و از سر بیم و امید به تو، بر تو توکل کردم. هیچ پناهی و گریزی از تو نیست، مگر به سوی خود تو. به کتابت که نازل کردی و به پیامبرت که فرستادی، ایمان آوردم». سپس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید.

۱۰/۳

هنگام پوشیدن

۶۲۰. امام باقر علیه السلام - در پاسخ به سؤال در باره کسی که جامه نو می‌پوشد - : بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا. بار خدایا! این جامه را جامه برکت و تقوا و برکت قرار ده. بار خدایا! در این جامه، حُسن عبادت، و به کار بستن طاعتت، و گزاردن شکر نعمت را روزی من فرما. سپاس، خدای را که بر من چیزی پوشاند که با آن، برهنگی ام را بپوشانم و در میان مردم، آراسته گردم».

١١ / ٣

التَّخَلِّي

٦٢١ . رسول الله ﷺ: إِذَا انْكَشَفَ أَحَدُكُمْ لِتَبْوَلٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ، فَلْيَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ»؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَعْضُ بِصَرَّةٍ^١.

٦٢٢ . الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَخْرَجَ فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِتِ، الرَّجْسِ النَّجْسِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ^٢.

٦٢٣ . فلاح السائل عن أبي خديجة: إِنَّ عَمْرَو بْنَ عُبَيْدٍ، وَوَأَصِلَ بْنَ عَطَاءٍ، وَبَشِيرًا الرَّحَّالَ سَأَلُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ حَدِّْ الْخَلَاءِ إِذَا دَخَلَهُ الرَّجُلُ، فَقَالَ:

إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، فَإِذَا جَلَسَ يَقْضِي حَاجَتَهُ قَالَ: «اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْأَذَى، وَهَنْتَنِي طَعَامِي»، فَإِذَا قَضَى حَاجَتَهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى، وَهَنَّانِي طَعَامِي»^٣.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١٢ / ٣

الْجَمَاعُ

٦٢٤ . رسول الله ﷺ - مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ ع - : يَا عَلِيُّ، إِذَا جَامَعْتَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي»، فَإِنْ قَضَى أَنْ يَكُونَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ، لَمْ

١ . تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٣٥٣ ح ١٠٤٧ عن محمد بن الحسين عن الحسن بن علي عن أبيه عن أبائه ع، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٥ ح ٤٣ عن الإمام الباقر ع، ثواب الأعمال: ص ٣٠ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عن أبائه عن الإمام علي ع، وفيهما بزيادة «عنه حتى يفرغ»، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٧٦ ح ٢٢ .

٢ . الكافي: ج ٣ ص ١٦ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٢٥ ح ٤٦٣ كلاهما عن معاوية بن عمار، فلاح السائل: ص ١١٨ ح ٥٤ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٧٩ ح ٢٧ .

٣ . فلاح السائل: ص ١١٩ ح ٥٦، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ١٧٩ ح ٢٨ .

۱۱/۳

هنگام قضای حاجت

۶۲۱. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه یکی از شما برای ادرار کردن یا کار دیگری، کشف عورت کرد، بگوید: «به نام خدا». در این صورت، شیطان چشم خود را می‌بندد.
۶۲۲. امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد آبریزگاه شدی، بگو: «به نام خدا. بار خدایا! از آن ناپاک ناپاک کننده، پلید آلوده، شیطانِ رانده شده، به تو پناه می‌برم».
۶۲۳. فلاح السائل - به نقل از ابو خدیجه -: عمرو بن عبید و واصل بن عطا و بشیر رحال، از امام صادق علیه السلام در باره آداب وارد شدن به خلا پرسیدند.
- فرمود: «هر گاه شخص وارد خلا شد، بگوید: "به نام خدا"، و چون برای قضای حاجت نشست، بگوید: "بار خدایا! ناراحتی را از من ببر و غذایی را که خورده‌ام، گوارایم ساز"، و چون قضای حاجت کرد، بگوید: "سپاس، خدای را که ناراحتی را از من دور ساخت و غذایی را که خورده‌ام، گوارایم ساخت"».

۱۲/۳

هنگام هم‌بستر شدن

۶۲۴. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به علی علیه السلام -: ای علی! هر گاه هم‌بستر شدی، بگو: «به نام خدا. خدایا! ما را از شیطان دور بدار و شیطان را از آنچه روزی من کرده‌ای،

يَضْرَهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا. ١.

٦٢٥. الإمام الصادق عليه السلام: إذا أراد الرجل أن يجامع أهله، فليسم الله ويدعوه بما قدر عليه... ٢.

٦٢٦. تفسير العياشي عن سليمان الجعفري: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: إذا أتى أحدكم أهله

فليكن قبل ذلك ملاحظاً؛ فإنه أبرُّ لقلبها، وأسألُ لسخيمتها^٤، فإذا أفضى إلي

حاجته قال: «باسم الله» ثلاثاً، فإن قدر أن يقرأ أي آية حَضَرَتْهُ مِنَ الْقُرْآنِ فَعَلَّ،

وإلا قد كَفَّتَهُ التَّسْمِيَةُ^٥.

١٣ / ٣

أَخَذَ الشَّارِبِ

٦٢٧. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَخَذَ مِنْ أَظْفَارِهِ وَشَارِبِهِ كُلِّ جُمُعَةٍ وَقَالَ حِينَ يَأْخُذُ: «بِاسْمِ اللَّهِ

وَبِاللَّهِ، وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»، لَمْ يَسْقُطْ مِنْهُ قَلَامَةٌ وَلَا جُرْازَةٌ^٧ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ

لَهُ بِهَا عِتْقَ نَسَمَةٍ^٨.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١. تحف العقول: ص ١٢، الكافي: ج ٥ ص ٥٠٣ ح ٣ عن أبي القداح عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليه السلام.

بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٦ ح ٥؛ صحيح البخاري: ج ٣ ص ١١٩٣ ح ٣٠٩٨، صحيح مسلم: ج ٢ ص ١٠٥٨

ح ١١٦، سنن الترمذي: ج ٣ ص ٤٠١ ح ١٠٩٢ كلها عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٣٤٥

ح ٤٤٨٤٧.

٢. دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١١ ح ٧٧٤.

٣. في تفسير البرهان: ج ١ ص ٩٩ ح ٢٤٦ «الين».

٤. السُّلُّ: انتزاعك الشيء وإخراجه في رفق (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٩٦ «سلل»).

٥. السُّخِيمَةُ: الجفد (النهاية: ج ٢ ص ٣٥١ «سخم»).

٦. تفسير العياشي: ج ١ ص ٢١ ح ١٤، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٨ ح ٣٧.

٧. جَزَّ الصَّوْفَ وَالشَّعْرَ: قَطَعَهُ. وَالجُرْازَةُ: مَا جُرَّ مِنْهُ (لسان العرب: ج ٥ ص ٣١٩ و ٣٢٠ «جززه»).

٨. الكافي: ج ٦ ص ٤٩١ ح ٩، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٣٧ ح ٦٢٧، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١

ص ١٢٦ ح ٣٠٣ كلها عن عبد الرحيم القصير، الخصال: ص ٣٩١ ح ٨٧ عن هشام بن سالم عن الإمام

الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ١٥٣ ح ٤٠٣ وفي الثلاثة الأخيرة «على سنة محمد وآل محمد».

دور بدار». پس اگر مقدر شد که از شما فرزندی به دنیا آید، هرگز شیطان به او گزندی نمی‌زند.

۶۲۵. امام صادق علیه السلام: هر گاه مرد خواست با همسرش نزدیکی کند، نام خدا را ببرد و هر دعایی که توانست، بخواند.

۶۲۶. تفسیر العیاشی - به نقل از سلیمان جعفری -: از ابوالحسن علیه السلام شنیدم که می‌فرماید: «هر گاه یکی از شما خواست با همسرش هم‌بستر شود، نخست نوازش کند؛ زیرا این کار، در به دست آوردن دل او و از بین بردن نفرت و تکدر خاطرش، بیشترین تأثیر را دارد. و چون کارش را انجام داد، سه بار بگوید: «به نام خدا» و اگر توانست هر آیه‌ای از قرآن را که به ذهنش می‌رسد بخواند، این کار را بکند و اگر نتوانست، همان بردن نام خدا برایش کافی است».



۶۲۷. امام باقر علیه السلام: هر کس هر جمعه ناخن‌ها و سیبش را بگیرد و هنگام گرفتن آنها بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا و بر سنت محمد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله»، هیچ چیده ناخن یا مویی از او بر زمین نمی‌افتد، مگر آن که خداوند به ازای آن، [ثواب] آزاد کردن یک برده را برایش می‌نویسد.

٦٢٨ . مكارم الأخلاق: إذا أخذ الشارب يقول^١: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ^٢.

١٤ / ٣

الرَّكْبُ

٦٢٩ . رسول الله ﷺ: مَنْ قَالَ إِذَا رَكِبَ الدَّابَّةَ: بِاسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَُمُ الْجَنَّةُ أَوْ رِثْمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^٣ و «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»^٤؛ حُفِظَتْ لَهُ نَفْسُهُ وَدَابَّتُهُ حَتَّى يَنْزَلَ^٥.

٦٣٠ . الأمامي للطوسي عن علي بن ربيعة الأسدي: رَكِبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ، فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرَّكَابِ قَالَ: «بِاسْمِ اللَّهِ»، فَلَمَّا اسْتَوَى عَلَى الدَّابَّةِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا وَحَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ، وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»»^٦.

٦٣١ . الأمان عن صفوان الجمال: إِنَّهُ [أَيُّ الصَّادِقِ] ﷺ لَمَّا رَكِبَ الْجَمَلَ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»^٧.

١ . في هامش المصدر: «كذا ورد الحديث، وهو مبني...».

٢ . مكارم الأخلاق: ج ١ ص ١٥٧ ح ٤٢٣، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١١٢ ح ١٤.

٣ . الأعراف: ٤٣.

٤ . الزخرف: ١٣. ومقرنين: أي مطيقين، من أقرن له: إذا أطلقه (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٧٢ وقرن ٥).

٥ . الكافي: ج ٦ ص ٥٤٠ ح ١٧، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٦٥ ح ٣٠٩، ثواب الأعمال: ص ٢٢٨ ح ١،

المحاسن: ج ٢ ص ٤٧٠ ح ٢٦٣١ كلها عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم ﷺ، بحار الأنوار: ج ٧٦

ص ٢٩٦ ح ٢٥.

٦ . الأمامي للطوسي: ص ٥١٥ ح ١١٢٦، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٥ ح ٢٣.

٧ . الأمان: ص ١٠٩، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٨ ح ٣٤.

۶۲۸. مکارم الأخلاق: در هنگام کوتاه کردن سبیل، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا و بر آیین پیامبر خدا ﷺ».

۱۴/۳

هنگام نشستن بر مرکب

۶۲۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس هنگام سوار شدن بر مرکب، بگوید: «به نام خدا. هیچ توش و توانی نیست، مگر به مدد خدا. ﴿خدا را سپاس که ما را به این [مسیر]، رهنمون شد، و اگر خدا ما را راهنمایی نمی‌کرد، ما خود، هدایت نمی‌یافتیم. در حقیقت، فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند. و به آنان ندا داده می‌شود که این، همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید، میراث یافته‌اید﴾ و ﴿منزه است خدایی که این را رام ما ساخت و ما بر آن، توانا نبودیم﴾، خودش و چارپایش، تا زمانی که پیاده شود، محفوظ خواهند بود.

۶۳۰. الأمانی، طوسی - به نقل از علی بن ربیعۃ اسدی -: امام علی علیه السلام بر مرکب نشست. چون پایش را در رکاب نهاد، گفت: «به نام خدا» و چون روی مرکب قرار گرفت، گفت: «سپاس، خدای را که گرمی مان بداشت و در خشکی و آب، ما را حمل کرد و از خوراکی‌های پاکیزه روزی مان داد و ما را بر بسیاری از آفریدگانش بسی برتری داد. ﴿منزه است خدایی که این [مرکب] را رام ما ساخت و ما بر آن توانا نبودیم﴾».

۶۳۱. الأمان - به نقل از صفوان جمّال -: هنگامی که امام صادق علیه السلام بر شتر نشست، گفت: «به نام خدا. هیچ توش و توانی نیست، جز به مدد خدا. ﴿منزه است خدایی که این را رام ما کرد و ما بر آن توانا نبودیم، و ما به سوی پروردگار خود، باز می‌گردیم﴾».

٦٣٢ . الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ ... فَإِذَا جَعَلْتَ رِجْلَكَ فِي الرَّكَابِ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ... ١

١٥/٣

السَّفَرُ

٦٣٣ . المزار الكبير - في ذكر ما يُقال عِنْدَ الْخُرُوجِ لِلسَّفَرِ - : وَتَقُولُ أَيْضاً مَا رُوِيَ عَنِ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: جَاءَنِي جِبْرِئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِكَ أَنْ أَحْفَظَهُ فِي سَفَرِهِ، وَأُوَدِّيَهُ سَالِماً، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ....

فَإِذَا وَضَعْتَ رِجْلَكَ عَلَى بَابِكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ٢

٦٣٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله - كَانَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الْغَرَزِ ٣ وَهُوَ يُرِيدُ السَّفَرَ يَقُولُ - : بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ ازْوِ لَنَا الْأَرْضَ، وَهَوِّنْ عَلَيْنَا السَّفَرَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ ٤، وَمِنْ كَأَبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ. ٥

١ . الكافي: ج ٤ ص ٢٨٤ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٥٠ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمار.

٢ . المزار الكبير: ص ٤٩، المزار للمفيد: ص ٦٢ وفيه من «فإذا وضعت...»، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٦٣ ح ٥٧.

٣ . الغرر: ركاب الرحل (لسان العرب: ج ٥ ص ٣٨٦ غرزة).

٤ . وَعْثَاءُ السَّفَرِ: أَي شِدَّتُهُ وَمَشَقَّتُهُ. وَأَصْلُهُ مِنَ الْوَعْثِ، وَهُوَ الرَّمْلُ، وَالْمَشْيُ فِيهِ يَشْتَدُّ عَلَى صَاحِبِهِ وَيَشَقُّ (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٥ . الموطأ: ج ٢ ص ٩٧٧ ح ٣٤، سنن أبي داود: ج ٣ ص ٢٣ ح ٢٥٩٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ١٠٩ ح ٢٤٨٤ كلاهما عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٥٠ ح ٢٣١١ عن ابن عباس، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤١٠ ح ١٠٣٠٣ عن عبد الله بن سرجس وكلها نحوه، كنز العمال: ج ٦ ص ٧١٤ ح ١٧٥٣٦.

۶۳۲. امام صادق علیه السلام: هر گاه به خواست خدا، از خانه‌ات به قصد حج و عمره خارج شدی، دعای فَرَج را بخوان... و چون پایت را در رکاب نهادی، بگو: «به نام خداوند مهرگستر مهربان. به نام خدا، و خدا بزرگ است...».

۱۵/۳

هنگام سفر

۶۳۳. المزار الکبیر - در بیان ذکرهایی که هنگام رفتن به سفر گفته می‌شود - : و نیز همان چیزی را می‌گویی که از سرورمان، پیامبر خدا، روایت شده است که فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: "ای محمد! هر کس از امت تو که می‌خواهد در سفرش از او محافظت کنم و او را به سلامت برسانم، بگوید: به نام خداوند مهرگستر مهربان. به خدا توکل کردم...".

و آن گاه که برای بیرون رفتن، پایت را دم در گذاشتی، بگو: "به نام خدا. به خدا ایمان دارم. بر خدا توکل کردم. هر چه خدا خواهد. توش و توانی نیست، مگر به مدد خدا".

۶۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هر گاه به قصد سفر، پایش را در رکاب می‌گذاشت، می‌فرمود -: به نام خدا. بار خدایا! تویی همراه در سفر، و جانشین [هر مسافری] در میان خانواده [اش]. بار خدایا! زمین را برای ما در هم پیچان (راهمان را کوتاه ساز)، و سفر را بر ما آسان گردان. بار خدایا! از سختی سفر و از اندوه بازگشت و از [روبه رو شدن با] صحنه بد در اموال و خانواده، به تو پناه می‌برم.

٦٣٥ . عنه عليه السلام - لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ - : إِذَا تَوَجَّهْتَ إِلَى سَبِيلِ الْحَجِّ ، ثُمَّ رَكِبْتَ رَاحِلَتَكَ ، ثُمَّ قُلْتَ : « بِاسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ » ، ثُمَّ مَضْتَ رَاحِلَتَكَ ، لَمْ تَضَعْ خُفًّا وَلَمْ تَرْفَعْ خُفًّا إِلَّا كُتِبَ لَكَ حَسَنَةٌ ، وَمُجِيَ عَنْكَ سَيِّئَةٌ ١ .

٦٣٦ . الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ ... ثُمَّ قُلْ : اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، ثُمَّ قُلْ : « بِاسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ ، وَبِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا » ٢ .

١٦ / ٣

كل أمر

٦٣٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ ابْتَدَأَ بِأَمْرِ وَقَالَ : « بِاسْمِ اللَّهِ » ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ٣ .

٦٣٨ . عنه عليه السلام : كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِاسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَجْذَمٌ ٤ .

٦٣٩ . الإمام الصادق عليه السلام : أَغْلِقُوا أَبْوَابَ الْمَعْصِيَةِ بِالِاسْتِعَاذَةِ ، وَافْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ ٥ .

- ١ - تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٠ ح ٥٧، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٢١٣٨ كلاهما عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عليه السلام، روضة الواعظين: ص ٣٩٤.
- ٢ . الكافي: ج ٤ ص ٢٨٤ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٥١ ح ١٥٤ كلاهما عن معاوية بن عمار.
- ٣ . كنز العمال: ج ١٠ ص ١٦٤ ح ٢٨٨٥٤ نقلًا عن الرافعي عن الإمام علي عليه السلام.
- ٤ . الجذم: القطع (المصباح المنير: ص ٩٤ «جذم»).
- ٥ . تلخيص الحبير: ج ١ ص ٧٦ ح ٧٠ عن أبي هريرة، تفسير الفخر الرازي: ج ١ ص ٢١٣، إحياء علوم الدين: ج ١ ص ٣٠٥ وفيهما «فهو أبت»، كنز العمال: ج ١ ص ٥٥٥ ح ٢٤٩١ نقلًا عن عبد القادر الرهاوي في الأربعين وفيه «فهو أقطع».
- ٦ . الدعوات: ص ٥٢ ح ١٣٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٧.

۶۳۵. پیامبر خدا ﷺ - به مردی از انصار -: هر گاه آهنگ سفر حج کردی و بر شترت نشستی و گفتی: «به نام خدا و ستایش، خدای را» و سپس شترت حرکت کرد، با هر سومی که بگذارد و بردارد، برای تو یک ثواب نوشته می‌شود و یک گناه از تو پاک می‌گردد.

۶۳۶. امام صادق علیه السلام: چون به خواست خدا، از خانه‌ات به قصد حج و عمره خارج شدی، دعای فرج را بخوان... و سپس بگو: «بار خدایا! مرا از هر زورگویی سرکشی و از هر شیطان متمردی، در پناه خود بگیر». سپس بگو: «به نام خدا داخل شدم، و به نام خدا خارج شدم، و در راه خدا [سفر می‌کنم]. بار خدایا! در این سفرم، پیش از آن که فراموش کنم یا شتاب ورزم، می‌گویم: به نام خدا و آنچه خدا خواهد».



مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

دربرکاری

۶۳۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس کاری را با «بسم الله» آغاز کند، خداوند، او را می‌آمرزد.
۶۳۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کار با اهمیتی که با نام خدا آغاز نشود، بی‌دنباله (ناتمام) است.
۶۳۹. امام صادق علیه السلام: درهای گناه را با پناه بردن به خدا [و گفتن «اعوذ بالله»] ببندید، و درهای طاعت را با بردن نام خدا باز کنید.

٦٣٠ . الإمام علي عليه السلام: قولوا عند افتتاح كل أمر صغير أو عظيم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^١

٦٣١ . الإمام الصادق عليه السلام: لا تدع «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وإن كان بعده شعر.^٢

٦٣٢ . عنه عليه السلام: لربما ترك في افتتاح أمر بعض شيعتنا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فبمتهجته الله بمكروه؛ لينبئه على شكر الله تعالى والثناء عليه، ويمحو عنه وصمة تقصيره عند تركه قول: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

لقد دخل عبد الله بن يحيى على أمير المؤمنين عليه السلام وبين يديه كرسي، فأمره بالجلوس عليه، فجلس، فمال به حتى سقط على رأسه، فأوضح^٣ عن عظم رأسه وسال الدم، فأمر أمير المؤمنين عليه السلام بماء فغسل عنه ذلك الدم.

ثم قال: أدن مني، فدنا منه، فوضع يده على موضعيه - وقد كان يجد من ألمها ما لا صبر له معه - ومسح يده عليها، وتقل فيها، فما هو إلا أن فعل ذلك حتى اندمل^٤، وصار كأنه لم يصبه شيء قط.

ثم قال أمير المؤمنين عليه السلام: يا عبد الله، الحمد لله الذي جعل تمحيص ذنوب^٥ شيعتنا في الدنيا بمخبتهم، لتسلم لهم طاعتهم ويستحقوا عليها ثوابها....

فقال عبد الله بن يحيى: يا أمير المؤمنين، قد أفدنتي وعلمتني، فإن رأيت أن تعرفني ذنبي الذي امتحنت به في هذا المجلس حتى لا أعود إلى مثله.

١ . التوحيد: ص ٢٣٢ ح ٥ عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليه السلام، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٨ ح ٩ عن الإمام الباقر عن أبيه عن جده عن الإمام الحسن عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٣ ح ١٤.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٦٧٢ ح ١ عن جميل بن دراج.

٣ . الموضحة: الشجة التي تبدي وضح العظام (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٥٥ ووضح).

٤ . اندمل: برئ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٧٧ ودمل).

٥ . تمحيص الذنوب: إزالتها (النهاية: ج ٤ ص ٣٠٢ ومحص).

۶۲۰. امام علی علیه السلام: در شروع هر کاری، کوچک یا بزرگ، بگویید: «بسم الله الرحمن الرحیم».

۶۲۱. امام صادق علیه السلام: گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» را وا مگذارید، هر چند پیش از خواندن شعری.

۶۲۲. امام صادق علیه السلام: گاه یکی از شیعیان ما، در آغاز کاری، گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» را ترک می‌گوید و از این رو، خداوند، او را به امر ناخوشایندی گرفتار می‌سازد تا وی را متوجه سپاس‌گزاری از خداوند بزرگ و ثنای او گرداند و لکن ننگِ تقصیر در ترک «بسم الله الرحمن الرحیم» را از او بزدايد.

یک بار عبد الله بن یحیی نزد امیر مؤمنان رفت. جلو ایشان چهارپایه‌ای بود و به عبد الله فرمود که روی آن چهارپایه بنشیند. تا عبد الله نشست، چهارپایه کج شد و او به سر افتاد و سرش شکست و خون جاری شد. امیر مؤمنان دستور داد آب آوردند و خونس را شستند. سپس فرمود: «نزدیک من بیا».

عبد الله نزدیک شد. ایشان دستش را بر شکاف سر او - که از شدت درد آن، تاب نمی‌آورد - نهاد و بر آن، دست کشید و در آن، آب دهان انداخت. بلافاصله، زخم سر به هم آمد، به طوری که انگار اصلاً صدمه‌ای ندیده است.

سپس امیر مؤمنان فرمود: «ای عبد الله! ستایش، خدا را که زدودن گناهان شیعیان ما را در دنیا با ایجاد رنج و گرفتاری برای آنان قرار داد تا همچنان طاعت‌هایشان برقرار بماند و برای آنها پاداش داده شوند...».

عبد الله بن یحیی گفت: ای امیر مؤمنان! مرا آگاه کردی و آموختی. اکنون اگر صلاح می‌دانی، به من بفرما که چه گناهی مرتکب شده بودم که به سبب آن، در این مجلس تنبیه شدم، تا دیگر آن را تکرار نکنم.

قال: تركك حين جلست أن تقول: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فجعل الله ذلك
لسهوك عما نذبت إليه تمحيصاً بما أصابك. أما علمت أن رسول الله ﷺ حدثني عن
الله ﷻ، أنه قال: كلُّ أمرٍ ذي بالٍ لم يُذكر «باسمِ الله» فيه فهو أبتَرُ؟!

فقلتُ: بلى يا أباي أنت وأمي، لا أتزكها بعدها.

قال: إذن تُحصن بذلك وتُسعد.

راجع: ص ٣٢٨ ح ٥٢٧



مركز تحقيقات وپژوهش علوم اسلامی

امیر مؤمنان فرمود: «وقتی نشستی، نگفتی: "بسم الله الرحمن الرحيم". پس خداوند، این تنبیه را برای غفلت تو از کاری قرار داد که به آن فرا خوانده شده‌ای، تا با این وسیله، تو را [از این گناه] پاک گرداند. مگر نمی‌دانی که پیامبر خدا برایم گفت که خداوند ﷻ فرمود: "هر کار مهمی که در آن، بسم الله گفته نشود، ناقص است" ^{۱۴}.

عبد الله بن یحیی گفت: بله، پدر و مادرم به فدایت! از این پس، آن را ترک نمی‌کنم.

امیر مؤمنان فرمود: «در این صورت، محفوظ و خوش بخت خواهی بود».

ر.ک: ص ۳۲۹ ح ۵۲۷



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الفضل الرابع آثار البسمة

١ / ٢

البركة

٦٣٣. رسول الله ﷺ: قَالَ اللهُ ﷻ: قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي، فَانصَفْتُهَا لِي وَانصَفْتُهَا لِعَبْدِي، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ. إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ: بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُنْعِمَ لَهُ أُمُورَهُ، وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ...^١

٢ / ٢

الإعصام

٦٣٤. الإمام عليّ عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِكَمِيلٍ - : يَا كَمِيلُ، سَمِّ كُلَّ يَوْمٍ بِاسْمِ اللهِ، وَقُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، وَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ.^٢

١. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٣٠٠ ح ٥٩، الأمالي للصدوق: ص ٢٣٩ ح ٢٥٣ كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن أبياته عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٢٦ ح ٣ و ج ٨٥ ص ٥٩ وراجع شعب الإيمان: ج ٢ ص ٤٤٧ ح ٢٣٦٢ وكنز العمال: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ٤٠٥٥.

٢. تحف العقول: ص ١٧١، بشارة المصطفى: ص ٢٥ عن كميل، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٦٨ ح ١ و ص ٢١٤

فصل چهارم

آثار «بسم الله»

۱ / ۲

برکت یافتن

۶۳۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ فرمود: «[سوره] فاتحة الكتاب را میان خودم و بندهام قسمت کرده‌ام؛ نصفش از آن من است و نصفش از آن بندهام، و آنچه بندهام بخواهد، به او می‌دهم».

هر گاه بنده بگوید: «به نام خداوند مهرگسترِ مهربان»، خداوند ﷻ می‌فرماید: «بندهام به نام من آغاز کرد و بر من است که کارهای او را برایش تمام گردانم و در احوالش به او برکت دهم...».

۲ / ۲

قرار گرفتن در پناه خدا

۶۳۴. امام علی ﷺ - در سفارش‌هایش به کمیل - ای کمیل! هر روز، نام خدا را ببر و بگو: «هیچ توش و توانی نیست، مگر به یاری خدا» و به خدا توکل کن.

٦٢٥ . عنه عليه السلام: إِنَّ اسْمَ اللَّهِ فَاتِقٌ لِلرُّتُوقِ^١، وَخَائِطٌ لِلدُّخُوقِ^٢، وَمُسَهِّلٌ لِلوُعُورِ، وَجُنَّةٌ عَنِ الشُّرُورِ، وَحِصْنٌ مِنْ مِحَنِ الدُّهُورِ، وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ، وَأَمَانٌ يَوْمَ النُّشُورِ^٣.

٦٢٦ . الإمام زين العابدين عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ كَلِمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ^٤، وَمَقَالَةِ الْمُتَحَرِّزِينَ^٥....

٦٢٧ . عنه عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ اسْتَعْنَتْ، وَبِاسْمِ اللَّهِ اسْتَجَرْتُ، وَبِهِ اعْتَصَمْتُ، وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ^٦.

٦٢٨ . الإمام العسكري عليه السلام: إِحْتَجَبْتُ بِحِجَابِ اللَّهِ... وَاحْتَطَّتْ عَلَيَّ نَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَالِي وَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ عِنَايَتِي بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^٧.

٦٢٩ . الإمام زين العابدين عليه السلام: أُعِيدُ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي، وَجَمِيعَ مَا تَلَحَّقَهُ عِنَايَتِي، وَجَمِيعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِي، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^٨.

٦٥٠ . عنه عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ، بِاسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَسْتَدْفِعُ كُلَّ مَكْرُوهٍ أَوَّلُهُ سَخَطُهُ، وَأَسْتَجْلِبُ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلُهُ رِضَاؤُهُ، وَآخِثِمُ^٩ لِي مِنْكَ يَا الْغُفْرَانِ يَا وَلِيَّ الْإِحْسَانِ^{١٠}.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١ . الرُّتُوقُ: ضِدُّ الْفَتْقِ، وَهُوَ الْإِلْتِمَامُ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٧٢ رتق).

٢ . الدُّخُوقُ: السُّقُوقُ (النهاية: ج ٢ ص ٢٦ دخرق).

٣ . مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٠٤ ح ٥٩٢٧ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

٤ . قال المجلسي عليه السلام: «كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ» الْمَضْبُوطُ فِي النِّسْخِ الرَّفْعِ، أَيِ التَّسْمِيَةِ كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ بِاللَّهِ يَفْتَتِحُونَ بِهَا فِي كُلِّ أَمْرٍ، وَيَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ خَبَرٌ «بِاسْمِ اللَّهِ» مِنْ غَيْرِ تَقْدِيرٍ، وَهُوَ بَعِيدٌ، وَلَعَلَّ الْجَزَّ أَظْهَرَ صِفَةَ لِلْأَسْمِ (بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٤١).

٥ . البلد الأمين: ص ١٠٠، المصباح للكفعمي: ص ١٤٤، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٥٢ ح ١١.

٦ . مهج الدعوات: ص ٣٥٦، البلد الأمين: ص ٥٤٩، المصباح للكفعمي: ص ٢٩١، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٧٤ ح ١.

٧ . مهج الدعوات: ص ٦٣، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٦٣ ح ١.

٨ . مهج الدعوات: ص ٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٣٦ ح ٥.

٩ . في البلد الأمين و بحار الأنوار: «فآخِثِمُ».

١٠ . المصباح للكفعمي: ص ١٦٤، البلد الأمين: ص ١٢٣، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٨١ ح ٢٥.

۶۲۵. امام علی علیه السلام: نام خدا، رفو کننده پارگی هاست، و دوزنده چاک‌ها، و هموارکننده ناهمواری‌ها، و سپر بدی‌ها، و سنگر در برابر رنج‌های روزگار، و شفابخش بیماری‌های سینه‌ها، و [مایه] امان در روز رستاخیز.

۶۲۶. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدا که سخن پناهجویان است^۱ و گفتار حمایت خواهان.

۶۲۷. امام زین العابدین علیه السلام: از نام خدا کمک گرفتم، و خود را در پناه نام خدا در آوردم، و به نام او چنگ زدم، و جز از خدا توفیق نجویم، و به او توکل کردم.

۶۲۸. امام عسکری علیه السلام: خود را در پس پرده خدا پوشاندم ... و خودم و همسر و فرزندانم و اموالم و هر آنچه را مورد توجه من است، در پناه «بسم الله الرحمن الرحيم» قرار دادم.

۶۲۹. امام زین العابدین علیه السلام: خودم و همسر و اموالم و فرزندانم و همه آنچه را مورد توجه من است، و همه نعمت‌هایی را که از خدا دارم، در پناه «بسم الله الرحمن الرحيم» در می‌آورم.

۶۵۰. امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدا که بهترین نام‌هاست و به نام خدا که پروردگار زمین و آسمان است، هر ناخوشایندی را - که در رأس آنها ناخشنودی خود اوست - از خودم دور می‌کنم و هر امر دوست داشتنی‌ای را - که در رأس آنها خشنودی خود اوست - به سوی خود می‌کشانم. عمر مرا به آمرزشت ختم فرما، ای صاحب احسان!

۱. علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: «کلمة المعتصمين»، در نسخه‌ها به رفع «هاء»، ضبط شده است، یعنی: «پردن نام خدا، سخن کسانی است که به خدا پناه می‌آورند و در هر کاری، به آن آغاز می‌کنند». احتمال هم دارد که خیر «بسم الله» باشد، بدون آن که چیزی را در تقدیر بگیریم. اما شاید جز آن، ظهور بیشتری داشته باشد که در این صورت، صفت اسم است.

٣ / ٢

الشِّفَاءُ

٦٥١ . رسول الله ﷺ : لَوْ قَرَأْتَ : « بِاسْمِ اللَّهِ » ؛ تَحْفَظُكَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى الْجَنَّةِ ، وَهُوَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ ١ .

٦٥٢ . الإمام علي عليه السلام : « بِاسْمِ اللَّهِ » شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَعَوْنٌ لِكُلِّ دَوَاءٍ ٢ .

٦٥٣ . عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلٍ - : يَا كُمَيْلُ ، إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَاسْمِ بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ الشِّفَاءُ مِنْ جَمِيعِ الْأَسْوَاءِ ٣ .

٦٥٤ . الإمام المهدي عليه السلام - فِي دُعَاءٍ لَهُ - : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاسْمِ اللَّهِ دَوَاءً ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءً ٤ .

٦٥٥ . المصنّف لابن أبي شيبة عن أبي هريرة : دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَنَا أَشْتَكِي ، فَقَالَ : أَلَا أُرْقِيكَ بِرُقِيَّةٍ ٥ عَلَّمَنِيهَا جِبْرِيلُ عليه السلام : بِاسْمِ اللَّهِ أُرْقِيكَ ، وَاللَّهُ يَشْفِيكَ مِنْ كُلِّ إِرْبٍ ٦ يُؤْذِيكَ ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ٧ ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٨ .

١ . مستدرک الوسائل : ج ٤ ص ٣٨٩ ح ٢٩٩٥ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب عن عبد الله بن مسعود وراجع بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢٥٨ ح ٥٢ .

٢ . نزهة الناظر : ص ٢٢ ، إرشاد القلوب : ص ٣٦٦ نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ٦٠ ح ٤ و ج ٩٢ ص ٢٥٩ ح ٥٣ ؛ تفسير القرطبي : ج ١ ص ١٠٧ .

٣ . بشارة المصطفى : ص ٢٥ عن كميل ، تحف العقول : ص ١٧١ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٦٧ ح ١ و ص ٢١٢ ح ٣٨ .

٤ . بحار الأنوار : ج ٥٣ ص ٢٢٦ نقلًا عن البلد الأمين .

٥ . الرُقِيَّةُ : العوذة التي يُرْفَى بِهَا صَاحِبُ الْأَفَةِ كَالْحُمَى وَالصَّرْعِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآفَاتِ (النهاية) : ج ٢ ص ٢٥٤ (رقية) .

٦ . الإِرْبُ : الذَّهَاءُ وَالتُّكْرُ (النهاية) : ج ١ ص ٣٦ «أرب» .

٧ . الْعُقْدُ : جَمْعُ عُقْدَةٍ ؛ وَهِيَ مَا تَعَقَّدُهَا السَّاحِرَةُ ، وَأَصْلُهُ مِنَ الْعَزِيمَةِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٥٧٧ «عقدة») .

٨ . المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ٧٨ ح ٦ و ص ٧٩ ح ١٦ عن أبي سعيد الخدري و ج ٥ ص ٢٢٣ ح ٦ عن عبادة بن الصامت و ج ٩ عن أبي سعيد الخدري وكلّهما نحوه ، كنز العمال : ج ١٠ ص ١٠٥ ح ٢٨٥٣٤ ؛ مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٢٦ ح ٢٥٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ١٧ ح ١٦ .

۳/۲ شفا بخشی

۶۵۱. پیامبر خدا ﷺ: اگر «بسم الله» بگویی، فرشتگان، تو را تا بهشت محافظت می‌کنند و آن، شفای هر دردی است.

۶۵۲. امام علی علیه السلام: «بسم الله»، شفای هر دردی و کمک هر دارویی است.

۶۵۳. امام علی علیه السلام - در سفارش‌هایش به کمیل - : ای کمیل! هر گاه خواستی غذا بخوری، نام خدا را ببر؛ چرا که با وجود نام او، هیچ دردی آسیب نمی‌رساند و در آن، شفای همهٔ بدی‌ها [و دردها] هست.

۶۵۴. امام مهدی علیه السلام - در یکی از دعاهایش - : به نام خداوند مهرگسترِ مهربان. «به نام خدا»، داروست و «ستایش، خدای را» شفاست.

۶۵۵. المصنّف، ابن ابی شیبّه - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا، نزد من که بیمار بودم، آمد و فرمود: «آیا تو را با تعویذی که جبرئیل علیه السلام آن را به من آموخت، افسون کنم؟ تو را با نام خدا افسون می‌کنم. خدا، تو را از هر دردی که رنجت می‌دهد، و از گزند دمندگان در گره‌ها (جادوگران)، و از گزند هر حسودی؛ آن گاه که حسادت ورزد،^۱ شفا می‌دهد».

۱. یا: از گزند هر شوژچشمی، آن گاه که چشم زخم زند.

٦٥٦ . الإمام الصادق عليه السلام: حَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَأَتَاهُ جَبْرَائِيلُ عليه السلام فَعَوَّذَهُ، فَقَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ يَا مُحَمَّدُ، وَبِاسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ، وَبِاسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُعْبِيكَ، بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَافِيكَ، بِاسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَلْتَهْنِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ، لَتَبَرَّأَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ ^١.

٤ / ٤

الإجابة

٦٥٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يُرَدُّ دُعَاءٌ أَوْلَاهُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ^٢.

٥ / ٤

تَسْبِيحُ الْجِبَالِ مَعَ مَنْ يَقْرَأُهَا

٦٥٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَوْقِنًا سَبَّحَتْ مَعَهُ الْجِبَالُ، إِلَّا أَنَّهُ لَا يُسْمَعُ ذَلِكَ مِنْهَا ^٣.

٦ / ٤

تَصَاغُرُ الشَّيْطَانِ

٦٥٩ . مسند ابن حنبل عن أبي تميمه الهجيمي عن كان رديف ^٤ النبي صلى الله عليه وآله: كُنْتُ رَدِيفَهُ عَلَى حِمَارٍ فَعَثَرَ الْحِمَارُ، فَقُلْتُ: تَعَسَّ الشَّيْطَانُ.

١ . الكافي: ج ٨ ص ١٠٩ ح ٨٨ عن بكر بن محمد الأزدي، قرب الإسناد: ص ٤٢ ح ١٣٤، مكارم الأخلاق:

ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٢٥٨٥ وفيهما «يعنيك» بدل «يعيبك»، طب الأنمة لابني بسطام: ص ٣٨، بحار الأنوار: ج ٩٥

ص ٦٥ ح ٤٤ وراجع كنز العمال: ج ١٠ ص ٧١ ح ٢٨٤٠٧.

٢ . ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٣٣٦، الدعوات: ص ٥٢ ح ١٣١، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٧.

٣ . الدر المنثور: ج ١ ص ٢٦ نقلاً عن أبي نعيم والديلمي عن عائشة.

٤ . الرديف: الذي تحمله خلقك على ظهر الدابة (المصباح المنير: ص ٢٢٤ ردف).

۶۵۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، تب کرد. جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را افسون کرد و گفت: «به نام خدا، تو را افسون می‌کنم، ای محمد! و به نام خدا، شفایت می‌دهم. به نام خدا از هر دردی که تو را رنج می‌دهد، به نام خدا و خدا، شفا دهنده توست. به نام خدا، این را بگیر که تو را به سلامت می‌دارد. به نام خداوند مهرگسترِ مهربان. سوگندی نخورم به جایگاه‌های ستارگان. به خواست خدا، حتماً بهبود می‌یابی.»

۴/۴

متجانب شدن دعا

۶۵۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز گردد، رد نمی‌شود.



۵/۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تسبیحی که با «بسم الله» گوید

۶۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از سرِ یقین بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم»، کوه‌ها هم صدا با او تسبیح خدا می‌گویند؛ اما تسبیح‌گویی آنها شنیده نمی‌شود.

۶/۴

کوچک شدن شیطان

۶۵۹. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو تمیمه هجیمی، از کسی که در ترک پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود: من پشت سرِ پیامبر صلی الله علیه و آله بر الاغی نشسته بودم که ناگاه، الاغ، سگندری خورد. من گفتم: مرگ بر شیطان!

فَقَالَ لِي النَّبِيُّ ﷺ: لَا تَقُلْ: تَعَسَّ الشَّيْطَانُ؛ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ: تَعَسَّ الشَّيْطَانُ تَعَاظَمَ الشَّيْطَانُ فِي نَفْسِهِ، وَقَالَ: صَرَعْتُهُ بِقَوَّتِي، فَإِذَا قُلْتَ: «بِاسْمِ اللَّهِ»، تَصَاغَرَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ حَتَّى يَكُونَ أَصْغَرَ مِنْ ذُبَابٍ.^١

٦٦٠. كنز العمال عن أسامة بن زيد: بَيَّنَّا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّ بَغْلَةً شَهْبَاءَ^٢، وَأَنَا رَدِفُهُ، إِذْ عَثَرَتْ الْبَغْلَةُ، فَقُلْتُ: تَعَسَّ إبليس، فَضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّ مَتَكِبِي، فَقَالَ:
يَا أُسَامَةَ، لَا تَقُلْ هَكَذَا؛ فَإِنَّ لِإِبْلِيسَ عِنْدَ ذَلِكَ نَخْرَةً^٣، يَقُولُ: ذَكَرَنِي وَنَسِيَ رَبَّهُ،
وَلَكِنْ قُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ.^٤

٧ / ٢

الإِحْتِجَازُ مِنَ الْأَشْرَارِ

٦٦١. الإمام الصادق عليه السلام - لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ -: يَا مُفْضَلُ، إِحْتَجِزْ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ بِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، إِقْرَأْهَا عَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمَالِكَ وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَمِنْ خَلْفِكَ وَمِنْ فَوْقِكَ وَمِنْ تَحْتِكَ، فَإِذَا دَخَلْتَ عَلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَاقْرَأْهَا حِينَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَاعْقِدْ بِيَدِكَ الْيُسْرَى، ثُمَّ لَا تُفَارِقْهَا حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ عِنْدِهِ.^٥

٦٦٢. الإمام الحسين عليه السلام - فِي الْمَنَاجَاةِ: اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي حِرْزِكَ... بِبِسْمِ اللَّهِ اسْتَشْفَيْتُ، وَبِاسْمِ اللَّهِ اسْتَكْفَيْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَبِهِ اسْتَعْنَيْتُ، وَإِلَيْهِ اسْتَعْدَيْتُ

١. مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٣٩ ح ٢٠٦١٤ وح ٢٠٦١٥ نحوه، سنن أبي داود: ج ٢ ص ٢٩٦ ح ٤٩٨٢ نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٢٤ ح ١٧٩٢، كنز العمال: ج ١ ص ٢٤٧ ح ١٢٤٤.
٢. الشُّهْبَةُ فِي الْأَلْوَانِ: الْبِيَاضُ الَّذِي غَلَبَ عَلَى السَّوَادِ (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ١٥٩ «شهب»).
٣. نَخْرٌ: مَدَّ الصَّوْتِ فِي خِيَاشِيمِهِ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ج ٢ ص ١٣٩ «نخر»).
٤. كنز العمال: ج ٣ ص ٨٨٨ ح ٩٠٤١ نقلاً عن الخطيب في المتفق والمفترق.
٥. الكافي: ج ٢ ص ٦٢٤ ح ٢٠، عذة الداعي: ص ٢٧٥ وفيه «احتجب» بدل «احتجز» وكلاهما عن المفصل بن عمر، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٥١ ح ٢٢.

پیامبر ﷺ فرمود: «مگو: "مرگ بر شیطان"; زیرا هر گاه بگویی: "مرگ بر شیطان"، شیطان در خودش احساس بزرگی و غرور می‌کند و می‌گوید: من با قدرت خود، آن [الاغ] را زمین زد. اما اگر بگویی: "به نام خدا"، شیطان، چنان احساس کوچکی می‌کند که اینگار از مگس هم کوچک‌تر است».

۶۶۰. کنز العمال - به نقل از أسامة بن زید - : پیامبر خدا بر استری خاکستری سوار بود و من در ترک وی نشسته بودم که ناگاه، استر، سیکندری خورد. من گفتم: مرگ بر ابلیس!

پیامبر خدا بر شانه من زد و فرمود: «ای أسامة! چنین مگو؛ زیرا ابلیس با شنیدن این حرف، خرناسی می‌کشد [و باد به غیب می‌اندازد] و می‌گوید: مرا یاد کرد و پروردگارش را از یاد برد؛ بلکه بگو: به نام خدا».



۷/۳

مژده محفوظ ماندن از اشراق

۶۶۱. امام صادق علیه السلام - به مفضل بن عمر - : ای مفضل! با «بسم الله الرحمن الرحيم» و [سوره] «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، خود را از [گزند] همه مردم، محفوظ بدار. آن را از سمت راست و سمت چپ و پیش رو و پشت سر و بالای سر و پایین پایت [در شش جهت خود] بنخوان، و هر گاه بر سلطان ستمگری وارد شدی، با دیدن او، سه بار آن (سوره توحید) را بنخوان و با دست چپت بشمار و سپس انگشتانت را همچنان بسته نگه دار^۱ تا زمانی که از نزد او خارج شوی.

۶۶۲. امام حسین علیه السلام - در نیایش - : بار خدایا! مرا در پناه و در دست خودت قرار ده ... با «به نام خدا»، شفا می‌جویم. با «به نام خدا» بندگی می‌جویم و بر خدا توکل می‌کنم

عَلَى كُلِّ ظَالِمٍ ظَلَمَ، وَغَاشِمٍ غَشَمَ، وَطَارِقٍ طَرَقَ، وَزَاجِرٍ زَجَرَ، ﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفِظًا
وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ﴾^١.

٨ / ٤

الْإِمَانُ مِنَ الْغَرَقِ^٢

الكتاب

﴿وَقَالَ أَرَكُبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِنَهَا وَمُرْسِنَهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^٣.

الحديث

٦٦٣. رسول الله ﷺ: أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْغَرَقِ إِذَا رَكِبُوا فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَقُولُوا: ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِنَهَا
وَمُرْسِنَهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾، ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾^٤ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ^٥.

٦٦٤. عنه ﷺ: أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْغَرَقِ إِذَا هُمْ رَكِبُوا السُّفُنَ فَقَرَّوْا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾، ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِنَهَا وَمُرْسِنَهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ﴾^٦.

١. يوسف: ٦٤.

٢. مَنَاجِجُ الدَّعَوَاتِ: ص ٣٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٧٤ ح ١.

٣. هود: ٤١.

٤. الزمر: ٦٧.

٥. عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ١٧٦ ح ٥٠٠، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ١٨١ ح ٦٧٤٨، الدعاء
للطبراني: ص ٢٥٥ ح ٨٠٣ كلها عن طلحة بن عبيد الله عن الإمام الحسين عليه السلام، كنز العمال: ج ٦ ص ٧٠٩
ح ١٧٥١٣.

٦. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٧٠ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه
عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عن الإمام علي عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٣٣ ح ٢٦٥٦، بحار
الأنوار: ج ٧٧ ص ٥٨ ح ٣؛ المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٩٧ ح ١٢٦٦١، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٨٤ ح ٦١٣٦
كلاهما عن ابن عباس وفيهما «أن يقولوا باسم الله الملك» بدل «فقرؤوا بسم الله الرحمن الرحيم».

و از او کمک می‌طلبیم، و از او در برابر هر ستمگری که ستم کند و هر بیدادگری که بیداد کند و هر کوبنده‌ای که بکوبد و هر بازدارنده‌ای که باز دارد، یاری می‌جویم ﴿که خدا بهترین نگهدار است و او مهربان‌ترین مهربانان است﴾.

۸ / ۴

«امان ماندن از غرق شدن»

قرآن

﴿و [نوح] گفت: «در آن سوار شوید. به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش. بی گمان، پروردگار من، آمرزنده مهربان است﴾.

حدیث

۶۶۳. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه امت من در کشتی نشینند و بگویند: «رفتن و لنگر افکندنش به نام خداست. بی گمان، پروردگارم، آمرزگار و مهربان است» ﴿و خدا را چنان که سزای اوست، ارج ننهند﴾ تا آخر آیه، از غرق شدن در امان خواهند بود.

۶۶۴. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه [کسانی از] امت من، سوار کشتی شوند و بخوانند: «به نام خداوند مهرگستر مهربان. ﴿و خدای را چنان که سزای اوست، ارج ننهند. در روز رستاخیز، سراسر زمین در مشیت اوست و آسمان‌ها در هم پیچیده به دست اویند. او منزّه است و برتر از آنچه شریک آورند﴾. «رفتن و لنگر انداختنش به نام خداست. بی گمان، پروردگارم، آمرزگار و مهربان است»، از غرق شدن، در امان خواهند بود.

٩ / ٢

صَرَفُ الْبَلَاءِ

٦٦٥ . الإمام علي عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعَتْ فِي وَرْطَةٍ أَوْ بَلِيَّةٍ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَصْرِفُ بِهَا عَنْكَ مَا يَشَاءُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ.^١

١٠ / ٢

دَفْعُ الْوَحْشَةِ

٦٦٦ . الكافي عن سليمان الجعفري: قُلْتُ لَهُ [أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام]: إِنِّي صَاحِبُ صَيْدِ السَّبْعِ،^٢ وَأَنَا أَيْتُ فِي اللَّيْلِ فِي الْخَرَابَاتِ وَأَتَوْحَّشُ، فَقَالَ لِي: قُلْ إِذَا دَخَلْتَ: «بِسْمِ اللَّهِ أُدْخِلُ» وَأَدْخِلْ رِجْلَكَ الْيُمْنَى، وَإِذَا خَرَجْتَ فَأُخْرِجْ رِجْلَكَ الْيُسْرَى، وَسَمِّ اللَّهَ؛ فَإِنَّكَ لَا تَرَى مَكْرُوهًا.^٣

١١ / ٢

ثِقَلُ الْمِيزَانِ

٦٦٧ . رسول الله ﷺ: إِنَّ أُمَّتِي يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُمْ يَقُولُونَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَتَنْقَلُ حَسَنَاتُهُمْ فِي الْمِيزَانِ، فَتَقُولُ الْأُمَّمُ: مَا أَرْجَحَ مَوَازِينَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ؟! فَتَقُولُ الْأَنْبِيَاءُ: إِنَّ ابْتِدَاءَ كَلَامِهِمْ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ؛ لَوْ وُضِعَتْ فِي كِفَّةٍ

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٧٣ ح ١٤ عن بكير، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٥٩ ح ٢٣٩١ نحوه، عذة الداعي:

ص ٢٦٤ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ١٩٤ ح ٢٤؛ الفردوس: ج ٥ ص ٢٢٢ ح ٨٣٢٣.

٢ . صاحب صيد السبع: أي أصيد السبع (مرأة العقول: ج ١٢ ص ٤٣٨).

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٥٧٠ ح ٤، المحاسن: ج ٢ ص ١١٩ ح ١٣٢٥، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٨ ح ٣٩ و ج ٩٥

ص ١٢٣ ح ٨.

۹/۳

گرداندن بلا

۶۶۵. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «ای علی! آیا چند کلمه‌ای به تو نیاموزم؟ هر گاه در مشکلی سخت یا بلایی افتادی، بگو: "به نام خداوند مهرگسترِ مهربان. هیچ توش و توانی نیست، مگر به مدد خدای بلندمرتبه و بزرگ؛" زیرا خداوند به برکت این دعا، آنچه از انواع بلا که خواهد، از تو می‌گرداند».

۱۰/۳

برطرف شدن وحشت

۶۶۶. الکافی - به نقل از سلیمان جعفری - به امام [ابو الحسن علیه السلام] گفتم: من، شکارچی حیوانات درنده هستم و شب‌ها در ویرانه‌ها می‌خوابم و دچار وحشت می‌شوم. فرمود: «هر گاه وارد [ویرانه‌ای] شدی، بگو: "به نام خدا وارد می‌شوم" و پای راستت را داخل بگذار و هنگامی که بیرون می‌آیی، نخست پای چپت را بیرون بگذار و نام خدا را ببر. در این صورت، ناراحتی نخواهی دید».

۱۱/۳

سنگین شدن ترازوی اعمال

۶۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امتم در روز قیامت، در حال گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» وارد می‌شوند، و کارهای نیکشان، در ترازو سنگین می‌شود. امت‌های دیگر می‌گویند: ترازوهای [اعمال] امت محمد، چه سنگین است! پیامبران می‌گویند: آغاز سخنشان، سه نام از نام‌های خدا بود که اگر آن سه

الميزان، ووُضِعَتْ سَيِّئَاتُ الْخَلْقِ فِي كَفَّةٍ أُخْرَى، لَرَجَحَتْ حَسَنَاتُهُمْ^١.

١٢/٤

النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ

٦٦٨. رسول الله ﷺ: إِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ عَلَى الصَّرَاطِ فَيَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» طَفِقَتْ

لَهَبُ النَّيْرَانِ، وَتَقُولُ: جُزْ يَا مُؤْمِنُ، فَإِنَّ نَوْرَكَ قَدْ أَطْفَأَ لَهَبِي^٢!

٦٦٩. عنه ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَجِّيَهُ اللَّهُ مِنَ الزَّبَانِيَةِ التُّسْعَةَ عَشَرَ، فَلْيَقْرَأْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ» فَإِنَّهَا تِسْعَةَ عَشَرَ حَرْفًا، لِيَجْعَلَ اللَّهُ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا جُنَّةً^٣ مِنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ^٤.



مركز تحقيقات كليات علوم إيسوي

١. ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٣٣٦.

٢. جامع الأخبار: ص ١٢٠ ح ٢١٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٥٨ ح ٥٢.

٣. الجنة: الوقاية (النهاية: ج ١ ص ٣٠٨ جنن).

٤. جامع الأخبار: ص ١١٩ ح ٢١٥، مجمع البيان: ج ١ ص ٩٠ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار:

ج ٩٢ ص ٢٥٧ ح ١٥٢، الدرر المشور: ج ١ ص ٢٦ نقلًا عن وكيع والثعلبي وراجع المناقب لابن شهر آشوب:

ج ٣ ص ٤٠١.

نام در یک کفه ترازو نهاده شوند و بدی‌ها و گناهان خلائق در کفه دیگر، باز کفه خوبی‌های آنان می‌چربد.

۱۲/۴ رسیدن از آتش دوزخ

۶۶۸. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه مؤمن بر صراط بگذرد و بگوید: «به نام خداوند مهرگستر مهربان»، زبانه آتش خاموش می‌شود و می‌گوید: عبور کن ای مؤمن! زیرا نور تو، زبانه مرا خاموش کرد!

۶۶۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس می‌خواهد که خداوند، او را از نگهبانان نوزده گانه دوزخ نجات دهد، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بخواند؛ زیرا این ذکر، نوزده حرف است، تا خداوند، هر حرفی از آن را سپرد او در برابر یکی از آن نگهبانان دوزخ قرار دهد.

الفصل الخامس

آداب البسملة

١/٥

الإجهاز



أ - أَحَقُّ مَا أُجْهَرَ بِهِ

٦٧٠ . الإمام الصادق عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَحَقُّ مَا أُجْهَرَ بِهِ^١، وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تعالى: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَخُذَهُ وَلَوْ أَنْتَ عَلَيَّ أَذْبَرْتَهُمْ نَقُورًا»^٢.

ب - إِجْهَازُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم بِهَا فِي الْقِرَاءَةِ

٦٧١ . الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم إِذَا تَهَجَّدَ بِالْقُرْآنِ تَسَمَّعَ لَهُ قُرَيْشٌ بِحُسْنِ صَوْتِهِ^٣، وَكَانَ إِذَا قَرَأَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَرَّوْا عَنْهُ^٤.

١ . جَهَرَ الْكَلَامَ وَبِالْكَلَامِ: أَعْلَنَ بِهِ، كَأَجْهَرَ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٩٤ «جهره»). وَجَهَرَ بِالْقَوْلِ: رَفَعَ بِهِ صَوْتَهُ (الصحيح: ج ٢ ص ٦١٨ «جهره»).

٢ . الإسراء: ٤٦.

٣ . تفسير القمي: ج ١ ص ٢٨ عن ابن أذينة، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٩٥ ح ٨٦ عن زرارة عن أحدهما عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٨٢ ح ٢٥.

٤ . في بحار الأنوار: «ليحسن قراءته».

٥ . تفسير القمي: ج ٢ ص ٢٠ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٨٢ ح ٢٥.

فصل پنجم آداب «بسم الله» گفتن

۱/۵

بلند گفتن

الف - سزاوارترین آیه به خواننده شدن با صدای بلند

۶۷۰. امام صادق علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم»، سزاوارترین چیز به خواننده شدن با صدای بلند است، و آن، همان آیه‌ای است که خداوند تعالی فرموده است: «و هر گاه در قرآن، پروردگارت را بر یکتایی‌اش یاد کنی، از سر بیزاری، پشت می‌کنند و می‌گریزند».

ب - بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۶۷۱. امام باقر علیه السلام: هر گاه پیامبر خدا، نیمه‌های شب [در نماز] قرآن تلاوت می‌کرد، به سبب صوت نیکویش، قریش به آن گوش می‌دادند، و چون «بسم الله الرحمن الرحيم» را می‌خواند، از او می‌گریختند.

٦٧٢ . المستدرک علی الصحیحین عن أبي هريرة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْهَرُ بِـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ١.

٦٧٣ . الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْهَرُ بِـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» يَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ، فَإِذَا سَمِعَهَا الْمُشْرِكُونَ وَلَوْ مُدْبِرِينَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَخُذَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْذَرِهِمْ نَقُورًا» ٢.

٦٧٤ . تفسير العياشي عن زيد بن علي: دَخَلْتُ عَلَىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَذَكَرَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَقَالَ: تَدْرِي مَا نَزَلَ فِي «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»? فَقُلْتُ: لَا!

فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَ يُصَلِّي بِفِنَاءِ الْكَعْبَةِ فَرَفَعَ صَوْتَهُ، وَكَانَ عُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ، وَشَيْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ، وَأَبُو جَهْلٍ بْنُ هِشَامٍ، وَجَمَاعَةٌ مِنْهُمْ يَسْتَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ. قَالَ: وَكَانَ يُكْتَبُ قِرَاءَةُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَيَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ.

قَالَ: فَيَقُولُونَ: إِنَّ مُحَمَّدًا لَيُرَدُّ دُاسِمَ رَبِّهِ تَرْدَادًا، إِنَّهُ لَيُجِبُّهُ! فَيَأْمُرُونَ مَنْ يَقُومُ فَيَسْتَمِعُ عَلَيْهِ، وَيَقُولُونَ: إِذَا جَازَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَأَعْلِمْنَا حَتَّى نَقُومَ فَنَسْتَمِعَ قِرَاءَتَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَخُذَهُ» بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَلَوْ عَلَىٰ أَنْذَرِهِمْ نَقُورًا» ٣.

٦٧٥ . الإمام الصادق عليه السلام: كَتَمُوا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَنِعَمَ - وَاللَّهِ - الْأَسْمَاءُ كَتَمُوهَا، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ إِلَىٰ مَنْزِلِهِ وَاجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ قُرَيْشٌ يَجْهَرُ بِـ «بِسْمِ اللَّهِ

١ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٧ ح ٨٥٠، سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣١٠ ح ٣٢ عن عائشة، السنن

الكبرى: ج ٢ ص ٦٩ ح ٢٣٩٧ وزاد في آخره «فترك الناس ذلك»، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٦ ح ٢٢١٦٤.

٢ . تفسير العياشي: ج ١ ص ٢٠ ح ٦، مستدرک الوسائل: ج ٤ ص ١٦٧ ح ٤٣٩٦ نقلًا عن أحمد بن محمد بن محمد أبي

عبد الله السيارى في كتاب التنزيل والتحرير وكلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٨٢

ح ٢٤.

٣ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٩٥ ح ٨٥، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٣ ح ٣.

۶۷۲. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند می گفت.

۶۷۳. امام باقر^{علیه السلام}: پیامبر خدا، «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گفت و قریش با شنیدن آن می گریختند. پس خداوند^{تعالی} این آیه را فرو فرستاد: «و هر گاه در قرآن، پروردگارت را بر یکتایی اش یاد کنی، از سر بیزاری، پشت می کنند و می گریزند».

۶۷۴. تفسیر العیاشی - به نقل از زید بن علی: خدمت امام باقر^{علیه السلام} رسیدم. امام^{علیه السلام} «بسم الله الرحمن الرحیم» گفت و سپس فرمود: «می دانی در باره "بسم الله الرحمن الرحیم" چه نازل شده است؟»
گفتم: خیر.

فرمود: «پیامبر خدا، قرآن را خوش تر از هر کس می خواند. ایشان در جلو کعبه نماز می گزارد و با صدای بلند می خواند. عتبه بن ربیع و شیبه بن ربیع و ابوجهل بن هشام و گروهی از ایشان (کافران) به خواندن او گوش می دادند. پیامبر^{صلی الله علیه و آله} "بسم الله الرحمن الرحیم" را بسیار می خواند و آن را با صدای بلند می گفت.

[قریش] می گفتند: محمد، نام خدایش را فراوان تکرار می کند و عاشق اوست! سپس کسی را مأمور می کردند که برخیزد و به نماز خواندن پیامبر^{صلی الله علیه و آله} گوش کند، و می گفتند: هر گاه «بسم الله الرحمن الرحیم» را رد کرد، به ما خبر ده تا برخیزیم و به قرائتش گوش دهیم. پس، خداوند در این باره نازل کرد: «و هر گاه در قرآن پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی (یعنی: بسم الله الرحمن الرحیم بگویی)، از سر بیزاری، پشت می کنند و می گریزند».

۶۷۵. امام صادق^{علیه السلام}: «بسم الله الرحمن الرحیم» را پنهان داشتند،^۱ و به خدا سوگند که بهترین نام ها را پنهان داشتند. پیامبر خدا، هر گاه وارد خانه اش می شد و قریش گرد او جمع می شدند، با صدای بلند «بسم الله الرحمن الرحیم» می گفت و قریش

۱. مقصود از پنهان داشتن، ترک کردن آن در سوره و آن را جزء سوره نشمردن است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَيَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ، فَتَوَلَّى قُرَيْشٌ فِرَاراً، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ فِي ذَلِكَ: ﴿وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَىٰ أُنْبُسِهِمْ نُقُورًا﴾^١.

٦٧٦ . تفسير فرات عن عمرو بن شمر: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ: إِنِّي أَوْمُّ قَوْمِي فَأَجْهَرُ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قَالَ: نَعَمْ، فَأَجْهَرُ بِهَا؛ قَدْ جَهَرَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتاً بِالْقُرْآنِ، فَإِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يُصَلِّي جَاءَ أَبُو جَهْلٍ وَالْمُشْرِكُونَ يَسْتَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ، فَإِذَا قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَضَعُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَهَرَبُوا، فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ ذَلِكَ جَاؤُوا فَاسْتَمَعُوا، وَكَانَ أَبُو جَهْلٍ يَقُولُ: إِنَّ ابْنَ أَبِي كَبْشَةَ لَيُرَدُّ اسْمَ رَبِّهِ، إِنَّهُ لَيَجِئُهُ!

فَقَالَ جَعْفَرُ ﷺ: صَدَقَ وَإِنْ كَانَ كَذُوباً. قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ: ﴿وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَىٰ أُنْبُسِهِمْ نُقُورًا﴾ وَهُوَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^٢.

ج - إجهاز النبي ﷺ بها في الصلاة

٦٧٧ . الإمام علي ﷺ: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَجْهَرُ فِي الْمَكْتُوباتِ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^٣.

٦٧٨ . عنه ﷺ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْهَرُ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعاً^٤.

٦٧٩ . رسول الله ﷺ: أَمَّنِي جَبْرِئِيلُ ﷺ عِنْدَ الْكَعْبَةِ، فَجَهَرَ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^٥.

١ . الكافي: ج ٨ ص ٢٦٦ ح ٣٨٧ عن هارون؛ الدر المنثور: ج ٥ ص ٢٩٨ نقلاً عن البخاري في تاريخه عن الإمام الباقر ﷺ، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٥٤ ح ٢٢٨٦ نقلاً عن ابن النجار عن الإمام الباقر ﷺ.

٢ . تفسير فرات: ص ٢٤١ ح ٣٢٧، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٨٤ ح ٢٩.

٣ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٤٣٩ ح ١١١١، سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٣ ح ٤ كلاهما عن أبي الطفيل، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٦ ح ٢٢١٦٦.

٤ . سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٢ ح ٢ عن عمر بن علي بن أبي طالب.

٥ . سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٩ ح ٢٧ عن النعمان بن بشير.

می‌گریختند. پس خداوند ﷻ این آیه را فرو فرستاد: «و هر گاه در قرآن، پروردگارت را به یکتایی‌اش یاد کنی، از سر بیزاری، پشت می‌کنند و می‌گریزند». ۶۷۶. تفسیر فرات - به نقل از عمرو بن شمر: از امام صادق ﷻ پرسیدم: من، پیش نماز قوم خود می‌شوم. آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند بگویم؟ فرمود: «آری. آن را بلند بگو. پیامبر خدا، آن را بلند می‌گفت».

سپس فرمود: «پیامبر خدا، قرآن را خوش‌تر از هر کسی می‌خواند. هر گاه شب برای نماز بر می‌خواست، ابو جهل و مشرکان می‌آمدند و به قرآن خواندن او، خوب گوش می‌دادند و چون «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌گفت، انگشتانشان را در گوش‌هایشان می‌گذاشتند و می‌گریختند، و آن را که تمام می‌کرد، دوباره می‌آمدند و گوش می‌دادند. ابو جهل می‌گفت: پسر ابو کبشه (یعنی پیامبر ﷻ)، نام خدایش را تکرار می‌کند و عاشق اوست!».

امام صادق ﷻ فرمود: «او راست می‌گفت، هر چند آدم بسیار دروغگویی بود. پس خداوند فرو فرستاد: «و هر گاه در قرآن پروردگارت را به یکتایی‌اش یاد کنی، از سر بیزاری، پشت می‌کنند و می‌گریزند»؛ و آن یعنی «بسم الله الرحمن الرحيم» بود».

ج - بلند گفتن آن در نماز، توسط پیامبر خدا ﷻ

۶۷۷. امام علی ﷻ: پیامبر ﷻ در نمازهای واجب، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می‌گفت.

۶۷۸. امام علی ﷻ: پیامبر خدا، «بسم الله الرحمن الرحيم» را در هر دو سوره [ی نماز]، با صدای بلند، قرائت می‌کرد.

۶۷۹. پیامبر خدا ﷻ: جبرئیل ﷻ در کنار کعبه، پیش نماز من شد و «بسم الله الرحمن الرحيم» را با صدای بلند گفت.

٦٨٠ . سنن الدارقطني عن الحكم بن عمير: صَلَّى خَلْفَ النَّبِيِّ ﷺ فَجَهَرَ فِي الصَّلَاةِ بِ«بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ، وَفِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَصَلَاةِ الْجُمُعَةِ ١.

٦٨١ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ جَهَرَ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ» ٢.

٦٨٢ . المستدرک علی الصحیحین عن أنس: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَجْهَرُ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ» ٣.

٦٨٣ . المغني: عَنِ أَنَسٍ أَنَّهُ صَلَّى وَجَهَرَ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وَقَالَ: أَقْتَدِي بِصَلَاةِ

رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ٤.

٦٨٤ . رسول الله ﷺ: عَلَّمَنِي جِبْرَائِيلُ ﷺ الصَّلَاةَ، فَقَامَ فَكَبَّرَ لَنَا، ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ» فِيمَا يُجْهَرُ بِهِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ٥.

د - إجهار أهل البيت ﷺ بها في الصلاة

٦٨٥ . السنن الكبرى عن الشعبي: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَصَلَّيْتُ وَرَاءَهُ، فَسَمِعْتُهُ يَجْهَرُ

بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ٦.

٦٨٦ . مسند زيد: زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَجْهَرُ

بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ٧.

١ . سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣١٠ ح ٣١، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٨ ح ٢٢١٧٩ نقلاً عن أبي نعيم.

٢ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٩٥ ح ٨٧ عن منصور بن حازم، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٤ ح ٣.

٣ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٣٥٨ ح ٨٥٣، الدر المنثور: ج ١ ص ٢٢ نقلاً عن الطبراني والدارقطني والبيهقي في شعب الإيمان.

٤ . المغني لابن قدامة: ج ١ ص ٥٢٢.

٥ . سنن الدارقطني: ج ١ ص ٣٠٧ ح ١٨ عن أبي هريرة.

٦ . السنن الكبرى: ج ٢ ص ٧٠ ح ٢٤٠١، كنز العمال: ج ٨ ص ١١٨ ح ٢٢١٧٧.

٧ . مسند زيد: ص ١٠٤.

۶۸۰. سنن الدارقطنی - به نقل از حکم بن عمیر - پشت سر پیامبر ﷺ به نماز ایستادم. در نماز، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند گفت، [همچنین] در نماز شب و در نماز صبح و نماز جمعه.

۶۸۱. امام صادق ﷺ: پیامبر خدا، هر گاه با مردم نماز می خواند، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند می گفت.

۶۸۲. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از آنس - شنیدم که پیامبر خدا «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گوید.

۶۸۳. المغنی: روایت شده است که آنس، نماز خواند و «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند گفت و اظهار داشت: من به نماز پیامبر خدا اقتدا می کنم.

۶۸۴. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل ﷺ نماز را به من آموخت. او ایستاد و برای ما تکبیر [نماز] گفت. سپس در هر رکعت از نمازهایی که بلند خوانده می شوند، «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند گفت.

د - بلند گفتن «بسم الله» در نماز، توسط اهل بیت ﷺ

۶۸۵. السنن الکبری - به نقل از شعبی -: علی بن ابی طالب ﷺ را دیدم و پشت سر او به نماز ایستادم. شنیدم که «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند گفت.

۶۸۶. مسند زید: زید بن علی، از پدرش [امام زین العابدین ﷺ]، از جدش [امام حسین ﷺ]، از علی بن ابی طالب ﷺ روایت کرده است که ایشان (علی ﷺ)، «بسم الله الرحمن الرحیم» را با صدای بلند می گفت.

٦٨٧ . الكافي عن صفوان الجمال: صَلَّى خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيَّاماً ، فَكَانَ إِذَا كَانَتْ صَلَاةٌ لَا

يُجَهَرُ فِيهَا ، جَهَرَ بِـ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ، وَكَانَ يَجَهَرُ فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعاً .^١

٦٨٨ . الأماشي للطوسي عن أبي حفص الصائغ: صَلَّى خَلْفَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ، فَجَهَرَ بِـ ﴿بِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ .^٢

٦٨٩ . قرب الإسناد عن حنان بن سدير: صَلَّى خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمَغْرِبَ ، فَتَعَوَّذَ جِهَاراً :

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ ، ثُمَّ جَهَرَ

بِـ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ .^٣

٦٩٠ . الإمام للرضا عليه السلام : الإِجْهَارُ بِـ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ سُنَّةٌ .^٤

٦٩١ . عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحاک: بَعَثَنِي الْمَأْمُونُ فِي إِشْخَاصِ عَلِيِّ بْنِ

مُوسَى عليه السلام مِنَ الْمَدِينَةِ ... فَكُنْتُ مَعَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرَوْ ، فَأَوَّلَهُ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ

أَتَقَى اللَّهَ تَعَالَى مِنْهُ ... وَكَانَ عليه السلام يَجَهَرُ بِـ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فِي جَمِيعِ صَلَوَاتِهِ ؛

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ .^٥

٦٩٢ . الإمام الصادق عليه السلام : اجْتَمَعَ آلُ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَلَى الْجَهْرِ بِـ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ .^٦

٦٩٣ . دعائم الإسلام: رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَعَنْ عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ

الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنَّهُمْ كَانُوا

١ . الكافي: ج ٣ ص ٣١٥ ح ٢٠ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٦٨ ح ٢٤٦ .

٢ . الأماشي للطوسي: ص ٢٧٣ ح ٥١٣ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٩ ح ١٧ .

٣ . قرب الإسناد: ص ١٢٤ ح ٤٢٦ ، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٨٩ ح ١١٥٨ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٥ ح ٢٥ و ص ٧٩ ح ١٦ .

٤ . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٢٣ ح ١ عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٥ ح ٦ .

٥ . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٨٠ ح ٥ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٧٩ ح ١٥ .

٦ . تفسير روض الجنان: ج ١ ص ٥٠ عن الإمام الرضا عن أبيه عليه السلام .

۶۸۷. کافی - به نقل از صفوان جمّال :- چند روز پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم. ایشان، در نمازی هم که بلند خوانده نمی شود، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می گفت، و در هر دو سوره، بلند می گفت.

۶۸۸. الأمالی، طوسی - به نقل از ابو حفص صائغ :- پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم، و او «بسم الله الرحمن الرحيم» را با صدای بلند گفت.

۶۸۹. قرب الإسناد - به نقل از حنّان بن سَدیر :- نماز مغرب را پشت سرِ امام صادق علیه السلام خواندم. بلند گفت: «به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده؛ و به خدا پناه می برم از این که شیاطین، نزد من بیایند». سپس «بسم الله الرحمن الرحيم» را هم با صدای بلند گفت.

۶۹۰. امام رضا علیه السلام: بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در همه نمازها، سنت [و مستحب] است.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۶۹۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از رجاء بن ابی ضحاک :- مأمون، مرا فرستاد تا علی بن موسی [الرضا علیه السلام] را از مدینه [به خراسان] بیاورم... من از مدینه تا مرو با ایشان بودم. به خدا سوگند، مردی خداترس تر از او ندیدم... در همه نمازهایش، در شب و روز، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می گفت.

۶۹۲. امام صادق علیه السلام: خاندان محمد صلی الله علیه و آله بر بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، هم داستان اند.

۶۹۳. دعائم الإسلام: برای ما روایت شده است که پیامبر خدا و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد - که درودهای خدا بر همه ایشان باد - در نمازهایی که قرائت در آنها بلند خوانده می شود، در آغاز «فاتحة

يَجْهَرُونَ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فيما يُجَهَرُ فِيهِ بِالْقِرَاءَةِ مِنَ الصَّلَوَاتِ فِي أَوَّلِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَأَوَّلِ السُّورَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ، وَيُخَافَتُونَ بِهَا فيما تُخَافَتْ فِيهِ تِلْكَ الْقِرَاءَةُ مِنَ السُّورَتَيْنِ جَمِيعاً.

وقال علي بن الحسين عليه السلام: اجتمعنا ولد فاطمة عليها السلام على ذلك^١.

هـ- الإجهارُ بها من علامات الإيمان

٦٩٢. رسول الله صلى الله عليه وآله - في حديثٍ ذكر فيه أن الله تعالى لما خلق إبراهيم عليه السلام كشف له عن بصره فنظر إلى أنوار محمد صلى الله عليه وآله وأهل بيته عليهم السلام في جانب العرش، إلى أن قال - قال [إبراهيم عليه السلام]: إلهي وسَيِّدي، وأرى عِدَّةَ أنوارٍ حولهم لا يحصي عدَّتُهم إلا أنت! قال: يا إبراهيم، هؤلاء شيعتُهم ومُحبُّوهم.

قال: إلهي وسَيِّدي، بِمَ يُعْرَفُ شِيعَتُهُمْ وَمُحِبُّوهُمُ؟ قال: يا إبراهيم، بِصَلَاةِ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ، وَالْجَهْرِ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وَالْقَنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ، وَسَجْدَتِي الشُّكْرِ، وَالتَّخْتُمِ بِالْيَمِينِ، سورة التوبة

٦٩٥. الإمام الصادق عليه السلام: إذا كان يومُ الْقِيَامَةِ يُقْبَلُ قَوْمٌ عَلَى نَجَائِبٍ^٢ مِنْ نُورٍ يُنَادُونَ بِأَعْلَى

١. قال العلامة الحلي رحمته الله في تذكرة الفقهاء: «يجب الجهر بالبسملة في مواضع الجهر، ويستحب في مواضع الإخفات في أول الحمد وأول السورة عند علمائنا... وقال الشافعي: يستحب الجهر بها قبل الحمد والسورة في الجهرية والإخفائية، وبه قال عمر وابن زبير وابن عباس وابن عمر وأبو هريرة وهو مذهب عطاء وطاووس وسعيد بن جبير ومجاهد... وقال الثوري والأوزاعي وأبو حنيفة وأحمد وأبو عبيد: لا يجهر بها بحال... وقال النخعي: الجهر بها بدعة. وقال مالك: المستحب أن لا يقرأها. وقال ابن أبي ليلى، والحكم وإسحاق: إن جهرت فحسن، وإن أخفيت فحسن» (ولمزيد الاطلاع على هذه الأقوال ومصادرها راجع تذكرة الفقهاء: ج ٣ ص ١٥٢ و ١٥٣).

٢. دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٦٠، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٨١ ح ٢٢.

٣. الفضائل: ص ١٣٣ عن عبد الله بن أبي وقاص، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ١٥١ ح ١٣١ و ج ٨٥ ص ٨٠ ح ٢٠.

٤. النجيب: الفاضل من كل حيوان، والجمع: النجباء؛ والأُنثى: النجيبية، والجمع: النجائب (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٧٤٩ «نجب»).

الکتاب» و آغاز سوره، در هر رکعتی، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می‌گفتند، و در نمازهایی که هر دو سوره در آنها آهسته خوانده می‌شود، آن را آهسته می‌گفتند.

و امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «ما فرزندان فاطمه علیها السلام بر این، هم داستانیست»^۱.

۵- بلند گفتن «بسم الله» از نشانه‌های ایمان است

۶۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در حدیثی که در آن فرمود: خداوند تعالی چون ابراهیم را آفرید، پرده از دیده‌اش کنار زد و او انوار محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را در کنار عرش دید، ... :- [ابراهیم علیه السلام] گفت: معبودا و سرورا! پیرامون ایشان، نورهایی می‌بینم که شمار آنها را کسی جز تو نمی‌داند.

خداوند فرمود: «ای ابراهیم! آنها پیروان و دوستان ایشان‌اند».

ابراهیم علیه السلام گفت: معبودا و سرورا! پیروان و دوستان ایشان، به چه شناخته می‌شوند؟

فرمود: «ای ابراهیم! به پنجاه و یک [رکعت] نماز،^۲ و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» و قنوت خواندن پیش از رکوع، و گزاردن سجده شکر [در پایان نماز]، و انگشتی را در دست راست کردن».

۶۹۵. امام صادق علیه السلام: چون روز رستاخیز شود، مردمانی سوار بر ماده شترانی نژاده از نور می‌آیند و بانگ برمی‌دارند که: ستایش، خدای را که به وعده‌اش با ما وفا کرد و

۱. علامه حلی رحمته الله علیه در تذکرة الفقهاء می‌گوید: در نمازهایی که با صدای بلند خوانده می‌شوند، بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، واجب است، و در نمازهای آهسته، از نظر علمای امامیه، بلند گفتن آن در اول حمد و اول سوره مستحب است ... شافعی می‌گوید: بلند گفتن «بسم الله» قبل از حمد و سوره در نمازهای بلند و آهسته، هر دو، مستحب است. عمر و ابن زبیر و ابن عباس و ابن عمر و ابو هریره و عطا و طاووس و ابن جبیر و مجاهد، همین نظر را دارند...؛ اما ثوری و أوزاعی و ابوحنیفه و احمد و ابو عبید گفته‌اند: در هیچ حال، نباید آن را با صدای بلند گفت ... نخعی گفته است: بلند گفتن آن، بدعت است. مالک می‌گوید: مستحب است که «بسم الله»، بلند قرائت نشود. ابن ابی لیلی، حکم و اسحاق گفته‌اند: چه بلند گفته شود و چه آهسته، در هر دو صورت، نیکوست (ر.ک: تذکرة الفقهاء: ج ۳ ص ۱۵۲).

۲. هفده رکعت واجب و سی و چهار رکعت نافله.

أصواتهم: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْرَثَنَا أَرْضَهُ نَتَّبِعُوا^١ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ: هَذِهِ زُمْرَةُ الْأَنْبِيَاءِ، فَإِذَا النُّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ ﷻ: هَؤُلَاءِ شِيعَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَهُمْ^٢ صَفَوَاتِي مِنْ عِبَادِي، وَخَيْرَتِي مِنْ بَرِيَّتِي، فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ: إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا، بِمَا نَالُوا هَذِهِ الدَّرَجَةَ؟ فَإِذَا النُّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ: بِتَخْتُمِهِم بِالْيَمِينِ، وَصَلَاتِهِمْ إِحْدَى وَخَمْسِينَ، وَإِطْعَامِهِمُ الْمِسْكِينَ، وَتَعْفِيرِهِمُ الْجَبِينِ، وَجَهْرِهِمْ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^٣.

٦٩٦. الإمام العسكري ﷺ: إِنَّ اللَّهَ ﷻ أَوْحَى إِلَيَّ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي خَصَصْتُكَ وَعَلَيَّأُ وَحُجَّجِي مِنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَشِيعَتُكُمْ بِعَشْرِ خِصَالٍ - إِلَى أَنْ قَالَ -: وَالْجَهْرُ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^٤.

٦٩٧. الإمام العسكري ﷺ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ الْخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ، وَتَعْفِيرُ الْجَبِينِ، وَالْجَهْرُ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^٥.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١. أي نزل منازلها حيث نهوى (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٠٠ بواء).
٢. في المصدر: «فهو»، والتصويب من بحار الأنوار.
٣. تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٥٢٤ ح ٣٨ نقلاً عن الكراجكي في كنز الفوائد، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٦٩ ح ١٦ وج ١٥ ص ٧٩ ح ١٩.
٤. مستدرک الوسائل: ج ٤ ص ١٨٨ ح ٤٤٥٤ نقلاً عن الهداية للحسين بن حمدان.
٥. تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٥٢ ح ١٢٢، المزار للمفيد: ص ٥٣، مصباح المنتهجد: ص ٧٨٨، الإقبال: ج ٣ ص ١٠٠، روضة الواعظين: ص ٢١٥ وفيها «صلاة إحدى وخمسين» بدل «صلاة الخمسين»، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٠٦ ح ١٧.

زمینش را به ما میراث داد تا در هر جای از بهشت که بخواهیم، ساکن شویم.
 پس خلیق می‌گویند: «اینان، گروه پیامبران‌اند»؛ اما از جانب خداوند ﷻ بانگ
 می‌آید که: «اینان، پیروان علی بن ابی طالب‌اند. اینان، بندگان برگزیده من و
 آفریدگانِ منتخب من هستند».

خلیق می‌گویند: ای معبود ما و ای سرور ما! از چه سبب به این مقام
 رسیده‌اند؟

از جانب خداوند، ندا می‌آید که: «از برای کردن انگشتی در دست راست،
 گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز، غذا دادن به مستمندان، نهادن پیشانی بر خاک
 [در سجده]، و بلند گفتن "بسم الله الرحمن الرحيم"».

۶۹۶. امام عسکری علیه السلام: خداوند ﷻ به جدم پیامبر خدا وحی فرمود که: «من، تو و علی را و
 حجّت‌هایم را از نسل او تا روز قیامت و [نیز] پیروان شما را، به ده خصلت،
 ممتاز گردانیدم» تا آن که فرمود: «و بلند گفتن "بسم الله الرحمن الرحيم"».

۶۹۷. امام عسکری علیه السلام: نشانه‌های مؤمن، پنج چیز است: [گزاردن] پنجاه رکعت نماز [در
 شبانه‌روز]، [خواندن] زیارت اربعین، انگشتی را در دست راست کردن،
 پیشانی بر خاک نهادن [در برابر خدا]، و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم».

پژوهشی دربارهٔ جهر به «بِسْمَلَه»

در مورد جهر به «بِسْمَلَه» (بلند گفتن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ») در نماز، چند نکته قابل توجه است:

۱. جهر به «بِسْمَلَه» در سنت نبوی ﷺ مستفاد از احادیث مستفیض^۱ و غیر قابل تردید اهل سنت و شیعیان اهل بیت ﷺ، این است که پیامبر خدا و اهل بیت او، «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را در همهٔ نمازها حتی نمازهای اخفاتی^۲، به جهر می خواندند.^۳ از این رو، همهٔ فقیهان امامیه بر وجوب جهر به بسمله در نمازهای صبح و شب و جمعه و بر مطلوبیت آن در نمازهای اخفاتی، اجماع دارند.

۲. سنت جهر به «بِسْمَلَه»، در عمل صحابه علاوه بر امیر مؤمنان، دیگر صحابه و حتی خلفای سه گانه نیز این سنت را رعایت می نمودند. در نقل های معتبر از جمعی از صحابه و تابعیان آمده است که پشت سر پیامبر خدا و امیر مؤمنان، ابو بکر و عمر و عثمان، نماز خواندند و آنان، همگی بسمله را به جهر می خواندند. از جمله صحابیانی که جهر به بسمله

۱. مستفیض، به حدیثی اطلاق می شود که پایین تر از حدّ «تَوَاتُر» است؛ اما راویان متعدّد در هر طبقه دارد.

۲. مقصود، نمازهایی هستند که باید با «اخفات» (آهستگی) خوانده شوند، نه با «جهر» (بلند خواندن).

۳. کثرت این احادیث، در حدّی است که بعید نیست به حدّ تَوَاتُر نیز برسند.

از آنان نقل شده، عمار، انس، عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عمر، عبد الله بن زبیر، عایشه، ابو بکر، عمر، عثمان، حکم بن عمیر، عامر بن واثله لیثی (ابو طفیل)، نعمان بن بشیر، عبید بن رفاعه و ابو هریره هستند.

در مقابل، باید برخی نقل ها را که به پیامبر ﷺ، امیر مؤمنان، انس، خلفای سه گانه و ابن عباس نسبت داده اند که اصلاً نماز را بدون بسمله و یا به اخفات می خوانده اند، تلاش هایی برای توجیه بدعت بنی امیه شمرد، چنان که در ادامه این تحلیل، روشن خواهد شد.

علاوه بر کثرت و قوت غیر قابل قیاس احادیث دسته اول، از جمله شواهد آن، روایاتی هستند که اعتراض عمومی اهل مدینه را در مقابل معاویه در تغییر سنت جهر و ترک بسمله نقل می کنند. وقتی معاویه در زمان حکومتش به ترک این سنت و سیره اقدام می کند، با اعتراض فراگیر صحابه و تابعیان حاضر در مدینه مواجه می گردد. شافعی در کتاب الام و دارقطنی و بیهقی در کتاب های سنن خود، در باره ترک سنت و سیره جهر به «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» توسط معاویه و اعتراض عمومی به این کار او، نقل کرده اند که:

معاویه به مدینه آمد و نماز جماعت را برای مردم خواند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نخواند و هر گاه به سجده می رفت و سر بر می داشت، تکبیر نمی گفت. چون نمازش را سلام داد، مهاجران و انصار، صدایی زدند که: «ای معاویه! از نمازت دزدیدی! بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و تکبیر، کجا رفت؟». از آن پس، چون نماز خواند، در أم القرآن (سوره حمد) و سوره بعد از آن، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گفت و هنگامی که برای رفتن به سجده خم شد، «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفت.^۱

حاکم نیشابوری نیز پس از نقل این روایت در کتاب مستدرک، آن را صحیح می شمارد.^۲

۱. رک: الدر المنثور: ج ۱ ص ۲۰.

۲. المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۲۳۳.

ملاحظه می‌کنید که با حذف «بسم الله الرحمن الرحيم» از سوره‌های نماز، صحابیان و تابعیان، فریاد بر می‌آورند. این، نشانگر آن است که علاوه بر این که جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» برای سوره حمد و دیگر سوره‌ها از مسلمات در نزد صحابیان بوده است، جهر به آن نیز از سنت مستمر شمرده می‌شده است؛ زیرا اگر خلفای پیشین نیز پایبند به جهر به بسمله نبودند، معاویه با چنان اعتراضی عمومی روبه‌رو نمی‌شد و هم بهانه‌ای برای توجیه عمل خود داشت.

۳. دگرگونی سنت جهر به «بسمله»

مطابق نقل محدثان شیعه و اهل سنت، التزام به جهر به بسمله تا اوایل زمان حکومت بنی امیه ادامه داشت و این بدعت در زمان حکومت سلاطین اموی پیدا شد. نخستین کسی که سنت جهر به بسمله را به اخفات تغییر داد، عمرو بن سعید بن عاص، حاکم اموی مدینه بود.

بیهقی از زهری نقل می‌کند که:

از سنت نماز، این بود که «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت شود و نخستین کسی که بسم الله الرحمن الرحيم را آهسته خواند، عمرو بن سعید بن عاص، حاکم مدینه بود. او فردی خجالتی بود.^۱

البته چنان که از روایت شافعی و دارقطنی و بیهقی دانستید، نخستین کسی که اقدام به ترک «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز کرد، معاویه بود؛ ولی پس از مواجهه با اعتراض عمومی صحابیان و تابعیان مدینه، عقب‌نشینی نمود؛ لیکن این سیاست، توسط زمامداران و حاکمان اموی ادامه یافت.

علامه امینی، پس از نقل خبر بالا می‌گوید:

این احادیث، نشان می‌دهند که از زمان نزول قرآن، بسمله همچنان جزئی

از سوره شمرده می‌شده است و اَمّت، با آن، این‌گونه رفتار می‌کرده‌اند و بدان، باور قلبی داشته‌اند. به همین دلیل، زمانی که معاویه آن را [در ذوقار] ترک کرد، مهاجران و انصار گفتند: «او از نماز، دزدیده است» و معاویه هم دلیلی بر این که بسمله جزئی از سوره نیست، نیاورد؛ بلکه نمازش را اعاده کرد و این بار بسم الله گفت، و یا در بقیهٔ نمازش به آن، پایبندی نشان داد. در صورتی که اگر در آن روز، قولی در خصوص این که بسمله جزئی از سوره نیست، وجود می‌داشت، قطعاً معاویه به آن احتجاج می‌کرد؛ اما چنین قولی بعدها ساخته شد تا عمل معاویه و دیگر امویان امثال او که با وجود روشن شدن راه از بیراهه، همچنان از او پیروی کردند، توجیه گردد.^۱

۴. ستیز اهل بیت علیهم‌السلام با این بدعت

از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به روشنی برمی‌آید که آنان برای ادای تکلیف خود در تبیین احکام الهی و نیز برای حراست از سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ستیز با بدعت حذف بسمله و یا اخفات (آهسته گفتن) آن، بر بیان حکم واقعی آن، تأکید و اصرار مضاعفی داشته‌اند. در این جهت، آنان، جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» را به عنوان یکی از شعارهای اهل بیت علیهم‌السلام و پیروانشان برشمردند؛ بلکه وضوح سنت بودن جهر به بسمله را (در مقابل بدعت حذف یا اخفات آن)، در حدّ وضوح حرمت خمر و باطل بودن مسح بر کفش (به جای مسح بر پا) دانستند و تقیه را در این موارد، روا نشمردند.^۲

۱. الغدير: ج ۱۰ ص ۲۰۱.

۲. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «التقیة دینی و دین آبائی، إلا فی ثلاث: فی شرب المسکر، والمسح علی الخفین، و ترک الجهر بسم الله الرحمن الرحيم؛ تقیه کردن، آیین من و آیین پدرانم است؛ مگر در سه چیز: در نوشیدن شراب، مسح کردن [هنگام وضو] بر کفش‌ها، و ترکی بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحيم [در نماز]» (دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۱۰).

مَجْمُوعَةُ كِتَابَةِ

- ٦٩٨ . رسول الله ﷺ: إِذَا كَتَبْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَبَيِّنِ السَّيْنَ فِيهِ. ١.
- ٦٩٩ . عنه ﷺ - فِي بَيَانِ آدَابِ كِتَابَةِ الْبَسْمَلَةِ - : لَا تَمُدُّ الْبَاءَ إِلَى الْمِيمِ حَتَّى تَرْفَعَ السَّيْنَ. ٢.
- ٧٠٠ . الإمام الصادق عليه السلام: أَكْتُبُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِنْ أَجْوَدِ كِتَابِكَ، وَلَا تَمُدُّ الْبَاءَ حَتَّى تَرْفَعَ السَّيْنَ. ٣.
- ٧٠١ . رسول الله ﷺ: إِذَا كَتَبْتَ أَحَدُكُمْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَلْيَمُدِّ الرَّحْمَنَ. ٢.
- ٧٠٢ . عنه ﷺ: مَنْ كَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَجَوَّدَهُ تَعْظِيمًا لِلَّهِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. ٥.
- ٧٠٣ . الإمام علي عليه السلام: تَنَوَّقْ رَجُلٌ فِي «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَغَفِرَ لَهُ. ٧.

مَرْكَزُ تَحْقِيقِ كَاتِبَةِ عِلْمِ رَسُوْلِي

- ١ . تاريخ بغداد: ج ١٢ ص ٣٤٠، تاريخ دمشق: ج ١٦ ص ٦٣٢٦، البداية والنهاية: ج ١٠ ص ١٩٥، الفردوس: ج ١ ص ٢٧٨ ح ١٠٨٧ كلها عن زيد بن ثابت، كنز العمال: ج ١٠ ص ٢٤٤ ح ٢٩٣٠٠؛ منية المرید: ص ٣٥٠ عن زيد بن ثابت، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤.
- ٢ . منية المرید: ص ٣٥٠ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤؛ الدر المنثور: ج ١ ص ٢٧ نقلاً عن السلفي في جزء له عن ابن عباس.
- ٣ . الكافي: ج ٢ ص ٦٧٢ ح ٢ عن سيف بن هارون مولى آل جعدة، مشكاة الأنوار: ص ٢٥٠ ح ٧٣٤ عن هارون مولى آل أبي جعدة.
- ٤ . منية المرید: ص ٣٥٠ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤؛ الفردوس: ج ١ ص ٢٩٦ ح ١١٦٨ عن أنس، كنز العمال: ج ١٠ ص ٢٤٤ ح ٢٩٢٩٩ نقلاً عن الخطيب في الجامع.
- ٥ . منية المرید: ص ٣٥١، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤؛ الدر المنثور: ج ١ ص ٢٧ نقلاً عن أبي نعيم في تاريخ أصبهان وابن اشته في المصاحف عن أنس.
- ٦ . تنوَّق وتنتق: تجوَّد وبألغ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٥٠ «نوق»).
- ٧ . شعب الإيمان: ج ٢ ص ٥٤٦ ح ٢٦٦٧ عن قيس بن أبي حازم، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٩٦ ح ٤٠٤٥؛ منية المرید: ص ٣٥١، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٥ ح ٤.

۲/۵

نیکو نوشتن «بسم الله»

۶۹۸. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» می نویسی، «سین» آن را واضح بنویس.

۶۹۹. پیامبر خدا ﷺ: در بیان شیوه نوشتن «بسم الله»: «باء» را تا «میم» نکش؛ بلکه «سین» را بالا ببر (دنداندار کن).

۷۰۰. امام صادق علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم» را به نیکوترین شکل بنویس، و بباء را [تا میم] نکش؛ بلکه سین را بالا ببر (دنداندار بده).

۷۰۱. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه یکی از شما «بسم الله الرحمن الرحيم» نوشت، «الرحمن» را بکشد.

۷۰۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس «بسم الله الرحمن الرحيم» بنویسد و آن را، به احترام خداوند، نیکو بنویسد، خدا او را می آمرزد.

۷۰۳. امام علی علیه السلام: مردی در نوشتن «بسم الله الرحمن الرحيم» دقت به خرج داد و نیکو نوشت و بدین سبب، آمرزیده شد.

٧٠٢. منية المرید: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ كُتَّابِهِ: أَلِيقِ الدَّوَاةَ، وَحَرِّفِ الْقَلَمَ،
وَأَنْصِبِ الْبَاءَ، وَفَرِّقِ السَّيْنَ، وَلَا تُعَوِّرِ الْمِيمَ، وَحَسِّنِ اللَّهَ، وَمُدَّ الرَّحْمَنَ، وَجَوِّدِ
الرَّحِيمَ، وَضَعِ قَلَمَكَ عَلَى أُذُنِكَ الْيُسْرَى؛ فَإِنَّهُ أَذْكَرُ لَكَ.^٣

٣/٥

إِكْرَامُ الْمَكْتُوبِ

٧٠٥. رسول الله ﷺ: مَنْ رَفَعَ قِرطاساً مِنَ الْأَرْضِ مَكْتُوباً عَلَيْهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
إِجْلالاً لِلَّهِ وَإِلْسامِهِ عَنِ أَنْ يُدَاسَ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ، وَخُفِّفَ عَنْ وَالِدَيْهِ وَإِنْ
كَانَا مُشْرِكِينَ.^٤

٧٠٦. الدر المنثور عن عمر بن عبد العزيز: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ مَرَّ عَلَى كِتَابٍ فِي الْأَرْضِ، فَقَالَ لِفَتَى
مَعَهُ: مَا فِي هَذَا؟ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، قَالَ: لِمَنْ مَن فَعَلَ هَذَا، لَا تَضَعُوا «بِسْمِ اللَّهِ» إِلَّا
فِي مَوْضِعِهِ.^٥

مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلام

١. لاقِ الدَّوَاةَ وَأَلْقَاهَا: أَصْلَحَ مِدَادُهَا [وَالْمِدَادُ: الْجَبْر] فَلَاقَتِ الدَّوَاةَ؛ لَصِقَتْ الْمِدَادُ بِصُوفِهَا (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٢٨١ لاق) .

٢. تحريفُ القلم: قَطْعُهُ مُخَرِّفًا (الصَّحاح: ج ٢ ص ١٣٤٣ حرف هـ) .

٣. منية المرید: ص ٣٣٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤ ح ٤؛ الشفا بتعريف حقوق المصطفى: ص ٤٤٨ ح ١٠٩٣،
أدب الإملاء والاستملاء: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٥٠٧، تفسير القرطبي: ج ١٣ ص ٣٥٣، كنز العمال: ج ١٠ ص ٣١٤ ح
٢٩٥٦٦ نقلًا عن الديلمي وكلها عن معاوية .

٤. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٣٢ عن أنس، إرشاد القلوب: ص ١٨٥؛ ربيع الأبرار: ج ٢ ص ٣٣٥، الدر المنثور:
ج ١ ص ٢٩ نقلًا عن الخطيب في تالي التلخيص وكلاهما عن أنس .

٥. الدر المنثور: ج ١ ص ٢٩ نقلًا عن أبي داود في مراسيله .

۷۰۴. منية المرید: از پیامبر ﷺ روایت شده است که به یکی از نویسندگانش فرمود: «دوات را لیفه کن و قلم را کج بُرش بزن، [سَر] باء را بالا بکش، سین را دنداندار بنویس، میم را کور مکن، الله را خوش بنویس، الرحمن را بکش و الرحیم را نیکو بنویس و قلمت را بر پشت گوشت بگذار، که این کار، برای به یاد ماندنت بهتر است.»

۳/۵

احترام نهادن به نوشته «بسم الله»

۷۰۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس کاغذی را که بر آن «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده و روی زمین افتاده است، به احترام خداوند و جلوگیری از پای مال شدن نام او، از زمین بردارد، نزد خداوند، از صدیقان به شمار می آید و [عذاب] برای پدر و مادرش سبک می شود؛ اگر چه مشرک بوده باشند.

۷۰۶. الدر المنثور - به نقل از عمر بن عبد العزیز - : پیامبر ﷺ به نوشته ای که روی زمین افتاده بود، برخورد. به جوانی که همراهش بود، فرمود: «در این، چه نوشته است؟»

گفت: بسم الله.

فرمود: «ملعون است کسی که این کار را کرده است. "بسم الله" را جز در جایگاهش قرار ندهید.»



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش سوم

تسبیح: «گفتن سبحان الله»

شامل:



درآمد

تفسیر تسبیح	فصل یکم
درنگ های تسبیح	فصل دوم
تثبوت تسبیح	فصل سوم
برکات تسبیح گفتن	فصل چهارم
اوقات تسبیح گفتن	فصل پنجم
تیسعت چهارگانه	فصل ششم
تیسعت رسیده از پیامبر ﷺ و اهل بیت	فصل هفتم
تیسعت فاطمه	فصل هشتم
تیسعتی موجود است	فصل نهم
تسبیح	فصل دهم
پیزانی که ثواب تسبیح کبری دارند	فصل یازدهم



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درآمد

واژه‌شناسی «تسبیح»

واژه «تسبیح»، مصدر است از ریشه «سبح». این کلمه، در اصل به معنای حرکت سریع در آب است و از آن جا که لازمه حرکت سریع، دور شدن از مبدأ حرکت و نزدیک شدن به مقصد است، این ماده در باره دور شدن چیزی نیز به کار می‌رود. از این باب، کاربرد «تسبیح» در مورد خداوند متعال، به معنای تنزیه و دور شمردن او از انواع کاستی‌ها و ناشایستگی‌ها، و نزدیکی تسبیحگو به خداوند متعال و سهولت فرمانبری از اوست. راغب اصفهانی، در این باره می‌گوید:

سَبَّحَ، به معنای حرکت سریع در آب و هواست، چنان که گفته می‌شود: «سَبَّحَ سَبْحًا وَسَبْحًا». این معنا، به عاریت گرفته شده است برای حرکت ستارگان در فلک، مانند: «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»^۱ و هر ستاره‌ای در فلکی [و مداری] می‌شتابد و نیز برای دویدن اسب، مانند: «وَأَلْسِنَتٍ مَّبِجًا»^۲ سوگند به اسبان دونده، و برای سرعت

۱. انبیا: آیه ۲۳.

۲. نازعات: آیه ۳.

حرکت در کار، مانند: ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾^۱ و برای تو در روز، تلاش بسیار است.

«تسبیح» به معنای وارسته دانستن خداوند متعال است و اصل آن، به معنای سرعت حرکت در عبادت خداوند متعال است.^۲

به نظر می‌رسد که کثرت استعمال تسبیح در تنزیه خداوند متعال، این واژه را در این معنا تثبیت نموده است. از این رو، ابن فارس، معنای اصلی ماده «سبح» را به دو اصل برگردانده است:

ماده «سبح» دو اصل دارد:

یکی از آن دو، به معنای عبادت است و دیگری به معنای تلاش و کوشش. اصل اول، سُبِحَ است به معنای «نماز» و به نماز نافله و نه واجب اختصاص دارد. فقها می‌گویند: «مسافر، دو نماز را جمع می‌کند و میان آن دو، سبحة نمی‌گزارد»؛ یعنی: میان آن دو، نماز نافله نمی‌خواند. از همین باب است «تسبیح» که به معنای پیراسته دانستن خداوند بزرگ از هر بدی و عیبی است. «تنزیه» به معنای «دور کردن» است. عرب می‌گوید: «سبحان من کذا»؛ یعنی: دور است از او فلان چیز... و قومی گفته‌اند: به معنای اظهار شگفتی از کسی است که فخر می‌کند. این، به معنای قبلی هم نزدیک است؛ زیرا در واقع، دور دانستن او از فخر فروشی است. یکی از صفات خداوند ﷻ «سُبُوح (تسبیح شده)» است که مشتق از همان معنایی است که گفتیم (وارسته دانستن خداوند از هر چیزی که شایسته او نیست). «سُبُحات» نیز که در حدیث آمده، به معنای شکوه و عظمت خداوند است.

۱. مزمل: آیه ۷.

۲. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۹۲.

اصل دیگر، سَبَّح و سَبَّاحه است به معنای شنا کردن در آب.^۱

و «سبحان»، علم جنس و اسم مصدر است به معنای تسبیح. خلیل بن احمد فراهیدی، در بیان معنای «سبحان الله» می گوید:

سبحان الله، یعنی: منزّه و وارسته دانستن خداوند از هر چیزی که سزاوار نیست به آن چیز وصف شود. منصوب بودن «سبحان»، به اعتبار قرار گرفتن در موضع فعل است، به معنای «تسبیحاً لله»؛ یعنی: خدا را پاک و منزّه می دارم.^۲

فیروزآبادی در القاموس آورده:

سبحان الله، یعنی: منزّه دانستن خداوند از این که زن و فرزندی داشته باشد. کلمه «سبحان»، معرفه است و نصب آن، بنا بر مصدر است. یعنی: خداوند را از هر عیب و بدی ای تبرئه می کنم. یا به معنای شتافتن به سوی او، یا چالاکی در عبادت اوست. «سبحان من کذا»، یعنی: تعجب می کنم از آن.^۳

تسبیح، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، ماده «سبح» و برگرفته های آن، ۹۲ بار به کار رفته است. در این کتاب آسمانی و نیز در احادیث اسلامی، کلمه «تسبیح» در معنای تنزیه استعمال شده است. ابن اثیر می گوید:

کلمه تسبیح، به صورت های مختلف، در حدیث، تکرار شده است. تسبیح در اصل، به معنای منزّه و پاک و مبرّا دانستن از نقایص و

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۳ ص ۱۲۵.

۲. ترتیب العین: ص ۳۵۷.

۳. القاموس المحيط: ج ۱ ص ۲۲۶.

کاستی هاست و سپس توسعاً، در موارد نزدیک به این معنائیز به کار رفته است. گاه تسبیح، مجازاً بر دیگر انواع ذکر (مانند: تحمید و تمجید و غیره) نیز اطلاق می‌شود. گاه به نماز نافله نیز «شبحه» می‌گویند و گفته می‌شود: «قَضَيْتُ سُبْحَتِي؛ نافله‌ام را به جا آوردم».^۱

در احادیث فصل نخست این بخش، ضمن تأیید مفهوم لغوی «تسبیح» در تفسیر این ذکر، به نکاتی قابل توجه اشاره شده است، مانند این که:

۱. عَلِمَ اللَّهُ ﷻ أَنَّ بَنِي آدَمَ يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ ﷻ، فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، بِرَأَاةٍ مِمَّا يَقُولُونَ.^۲

خداوند می‌دانست که آدمیان بر او دروغ می‌بندند. از این رو، برای تبرئه خود از آنچه آنها می‌گویند، فرمود: «سبحان الله».

۲. [سُبْحَانَ اللَّهِ]، أَنْفَةً ﷻ، أَمَا تَرَى الرَّجُلَ إِذَا عَجِبَ مِنَ الشَّيْءِ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ.^۳
سبحان الله، وارسته دانستن خداوند است. مگر نمی‌بینی که آدمی هر گاه از چیزی تعجب کند، می‌گوید: «سبحان الله!»؟

۳. إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» فَقَدْ أَنْفَى ﷻ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَنْصُرَهُ.^۴

هر گاه بنده بگوید: «سبحان الله»، خداوند را تنزیه کرده است و بر خداست که او را یاری کند.

۴. هُوَ تَعْظِيمٌ جَلَالِ اللَّهِ ﷻ، وَتَنْزِيهُهُ عَمَّا قَالَ فِيهِ كُلُّ مُشْرِكٍ، فَإِذَا قَالَهَا الْعَبْدُ صَلَّى عَلَيْهِ كُلُّ مَلَكٍ.^۵

۱. النهاية في غريب الحديث: ج ۲ ص ۳۳۱.

۲. ر.ک: ص ۴۴۴ ح ۷۰۹.

۳. ر.ک: ص ۴۴۶ ح ۷۱۲.

۴. ر.ک: ص ۴۴۲ ح ۷۰۸.

۵. ر.ک: ص ۴۴۶ ح ۷۱۳.

سبحان الله، بزرگداشت شکوه خداوند و وارسته دانستن او از هر آن چیزی است که هر مشرکی در باره او می گوید. پس هر گاه بنده این جمله را بگوید، هر فرشته ای بر او درود می فرستد.

۵. إِذَا قُلْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» رَفَعَتْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَمَّا يَقُولُ الْعَادِلُونَ بِهِ.^۱

هر گاه بگویی: «سبحان الله و بحمده»، در واقع، خداوند - تبارک و تعالی - راز آنچه مشرکان در حق او می گویند، برتر دانسته ای.

آنچه در این احادیث، در تبیین و تفسیر «تسبیح» آمده، در مجموع، حاکی از آن است که مفهوم این ذکر، تنزیه توأم با تعظیم خداوند متعال است.

تسبیحگوی حقیقی

بر پایه آنچه در تفسیر «تسبیح» بدان اشاره شد، هر کسی شایسته آن نیست که تسبیحگو شمرده شود. تسبیحگوی حقیقی، کسی است که باور کرده که خداوند متعال در ذات و صفات و افعال، هیچ گونه کاستی ای ندارد و عظمت این معنا را درک نموده است. بنا بر این، کسی که حتی در دل، بر مقدرات الهی اعتراض دارد، نمی تواند در گفتن ذکر تسبیح، صادق باشد.

راز همراهی «تسبیح» و «تحمید»

با تأمل در مفهوم حقیقی «تسبیح»، راز همراهی این ذکر و ذکر «تحمید» در قرآن^۲ و دعاها روشن می گردد و این که چرا فرشتگان، همراه تسبیح خداوند منان، او را حمد می کنند:

۱. ر.ک: ص ۴۴۸ ح ۷۱۵.

۲. ر.ک: بقره: آیه ۳۰، رعد: آیه ۱۳، حجر: آیه ۹۸ و اسراء: آیه ۴۴.

﴿وَقَرَى الْمَلَائِكَةُ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾^۱

و فرشتگان را می بینی که حلقه زنان بر گرد عرش، پروردگار خود را تسبیح می گویند و می ستایند.

و خداوند متعال به پیامبر ﷺ دستور می دهد:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾^۲

هر شام و بام، به سپاس، خداوندگارت را تسبیحگویی باش.

و نیز می فرماید:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ جِيْنًا تَقْوَمُ﴾^۳

و آن گاه که بر می خیزی، به سپاس، پروردگارت را تسبیح گوی.

همچنین قرآن، در مورد ذکر «رعد» آورده است:

﴿وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ﴾^۴

و رعد، او را به سپاس، تسبیح می گوید.

بلکه همه چیز در جهان آفرینش، در کنار تسبیح حق تعالی، او را تحمید نیز

می نماید:

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَأَنْفَقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾^۵

هیچ چیزی نیست، مگر آن که او را به سپاس، تسبیح می گوید؛ اما شما تسبیح آنها را نمی فهمید.

۱. زمر: آیه ۷۵. نیز، ر.ک: غافر: آیه ۷۰، شورا: آیه ۵، بقره: آیه ۳۰.

۲. غافر: آیه ۵۵.

۳. طور: آیه ۴۸.

۴. رعد: آیه ۱۳.

۵. اسراء: آیه ۴۴.

توضیح، این که تسبیح، تنزیه خداوند متعال در ذات و صفات و افعال، از همه کاستی‌ها و ناشایستگی‌هاست و تحمید، ستایش خداوند متعال است بر واجد بودن همه کمالات در ذات و صفات و افعال. تردیدی نیست که وجود همه کمالات در حضرت حق، به تنزیه او از همه کاستی‌ها باز می‌گردد. بنا بر این، تحمید، در واقع، نوع خاصی از تسبیح است، با این تفاوت که تسبیح، ستودن خداوند به صفات جلال است؛ ولی تحمید، ستودن او به صفات جمال است، و همراه شدن تسبیح و تحمید، ستودن خداوند متعال به صفات جلال و جمال در کنار هم است.

به بیان دیگر، تحمید، ملازم تسبیح است، همان گونه که صفات ثبوتیه حضرت حق، مستلزم صفات سلبيه او هستند و با قرار گرفتن تحمید در کنار تسبیح، تنزیه خداوند متعال از همه کاستی‌ها با توصیف او به همه کمالات، همراه می‌گردد.

نکته دیگر، این که نه تنها تحمید، نوع خاصی از تسبیح است، بلکه تهلیل و تکبیر نیز چنین‌اند؛ زیرا تهلیل، تنزیه خداوند متعال از شریک است و تکبیر، تنزیه او از توصیف افراد جاهل و از تحدید. لذا هنگامی که شخصی نزد امام صادق علیه السلام تکبیر گفت، امام علیه السلام از او پرسید: «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ؟» خدا بزرگ‌تر از چه چیز است؟

آن شخص پاسخ داد: از همه چیز.

امام علیه السلام فرمود: «خَدَدَتْهُ؟» او را محدود کردی؟

آن مرد گفت: چگونه بگوییم؟

امام علیه السلام فرمود: «قل: الله أكبر من أن يوصف؛^۱ بگو: خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود».

بنا بر این، تحمید و تهلیل و تکبیر، ریشه در تسبیح دارند و این اذکار، هر چند از نظر مفهوم متفاوت‌اند، لیکن از وحدت مصداقی برخوردارند و از این رو، به این چهار ذکر در نماز، «تسبیحات اربعه» اطلاق می‌گردد.^۲ همچنین در تسبیح فاطمه علیها السلام «تکبیر» و «تحمید»، تسبیح نامیده می‌شوند.^۳

اهمیت ذکر «تسبیح»

افزون بر آنچه در تبیین حقیقت تسبیح گذشت، آیات و احادیثی که در باره فضیلت تسبیح^۴ و اوقات^۵ و ویژگی‌های آن آمده‌اند،^۶ خصوصاً این ویژگی که تسبیح، جوهر و روح نماز،^۷ و خود، نماز همه موجودات^۸ است، حکایت از اهمیت و نقش ویژه‌ای دارند که این ذکر در نظام هستی و سازندگی انسان و نزدیک کردن او به آفریدگار جهان دارد.

آثار و برکات این ذکر، به قدری است که احادیث اسلامی برای تبیین اهمیت

۱. الکافی: ج ۱ ص ۱۱۷ ح ۸، التوحید: ص ۳۱۳ ح ۱، معانی الأخبار: ص ۱۲ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۳۶۶ ح ۲۰.

۲. ر. ک: ص ۵۱۷ (تسبیحات چهارگانه).

۳. ر. ک: ج ۲ ص ۸۷ (تسبیحات فاطمه).

۴. ر. ک: ص ۴۶۳ (فضیلت تسبیحگویی).

۵. ر. ک: ص ۴۸۹ (اوقات تسبیح گفتن).

۶. ر. ک: ص ۴۵۱ (ویژگی‌های تسبیح).

۷. ر. ک: ص ۴۵۳ (جوهر نماز).

۸. ر. ک: ص ۴۵۳ (نماز هر چیزی).

و ارزش اموری مانند: تعلیم علم، فضیلت روزه، اندوهگین شدن برای مصایب اهل بیت علیهم السلام و ...، پاداش آنها را به ثواب تسبیح، تشبیه کرده‌اند.^۱



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. ر.ک: ج ۲ ص ۱۷۳ (چیزهایی که ثواب تسبیح گویی دارند).

الفصل الأول

تفسير السَّبِيح

الكتاب

«سُبْحَنَ اللَّهُ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ»^١.

«سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ»^٢.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

الحديث

٧٠٧ . المستدرک علی الصحیحین عن طلحة بن عبید الله: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ تَفْسِيرِ:

«سُبْحَانَ اللَّهِ»، قَالَ: هُوَ تَنْزِيهُ اللَّهِ عَنِ كُلِّ سَوْءٍ^٣.

٧٠٨ . رسول الله ﷺ: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» فَقَدْ أَنْفَ اللَّهُ^٤، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَنْصُرَهُ^٥.

١ . الصافات: ١٥٩ و ١٦٠.

٢ . الصافات: ١٨٠.

٣ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٠ ح ١٨٤٨، كنز العمال: ج ١ ص ٢٧٤ ح ٢٠٦١ نقلاً عن الديلمي.

٤ . أَنْفٌ مِنَ الشَّيْءِ - من باب تعيب - يَأْنَفُ أَنْفًا: إِذَا كَرِهَهُ وَعَزَفَتْ نَفْسُهُ عَنْهُ... قَالَ بَعْضُ الشَّارِحِينَ: الْأَنْفَةُ فِي

الأصل: الضرب على الأنف ليرجع، ثم استعمل لتباعد الأشياء، فيكون هنا بمعنى رفع الله عن مرتبة

المخلوقين بالكناية، لأنه تنزيه عن صفات الرذائل والأجسام (مجمع البحرين: ج ١ ص ٨٩ «أنف»).

٥ . المحاسن: ج ١ ص ١٠٦ ح ٩٠ عن محمد بن مروان عن الإمام الباقر ﷺ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٣

فصل یکم تفسیر تیس

قرآن

«خدا منزّه است از آنچه در وصف می‌آورند، به استثنای بندگان پاکدل خدا».

«منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می‌کنند».

حدیث

۷۰۷. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از طلحة بن عبيد الله -: از پیامبر خدا، در باره معنای «سبحان الله» پرسیدم. فرمود: «یعنی وارسته دانستن خداوند از هر عیب [و بدی]».

۷۰۸. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه بنده بگوید: «پاکا خداوندا»، خدا را [از مرتبه مخلوق،] وارسته دانسته است و بر خداست که او را یاری بخشد.

٧٠٩ . الإمام الحسن عليه السلام: جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم، فَسَأَلَهُ أَعْلَمُهُمْ فَقَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ تَفْسِيرِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ». فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم: عَلِمَ اللَّهُ صلى الله عليه وسلم أَنَّ بَنِي آدَمَ يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ صلى الله عليه وسلم، فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ»؛ بَرَاءَةٌ مِمَّا يَقُولُونَ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ فَإِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُّونَ شُكْرَ نِعْمَتِهِ فَحَمِدَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْمَدَهُ الْعِبَادُ، وَهُوَ أَوَّلُ كَلَامٍ، لَوْلَا ذَلِكَ لَمَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَحَدٍ بِنِعْمَتِهِ. وَقَوْلُهُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَعْنِي وَحْدَانِيَّتَهُ، لَا يَقْبَلُ الْأَعْمَالَ إِلَّا بِهَا، وَهِيَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، يُثْقَلُ اللَّهُ بِهَا الْمَوَازِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، فَهِيَ كَلِمَةُ أَعْلَى الْكَلِمَاتِ وَأَحَبُّهَا إِلَى اللَّهِ صلى الله عليه وسلم؛ يَعْنِي أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرَ مِنْهُ، وَلَا تَصِحُّ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهَا لِكَرَامَتِهَا عَلَى اللَّهِ صلى الله عليه وسلم، وَهُوَ الْإِسْمُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی
 قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدٌ. فَمَا جَزَاءُ قَائِلِهَا؟

قَالَ: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، سَبَّحَ مَعَهُ مَا دُونَ الْعَرْشِ، فَيُعْطَى قَائِلُهَا عَشْرَ أَمْثَالِهَا. وَإِذَا قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمِ الدُّنْيَا مَوْصُولًا بِنِعْمِ الْآخِرَةِ، وَهِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي يَقُولُهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ إِذَا دَخَلُوهَا، وَيَنْقَطِعُ الْكَلَامُ الَّذِي يَقُولُونَهُ فِي الدُّنْيَا مَا خَلَا الْحَمْدَ لِلَّهِ؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «دَعُونَهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَانَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^١. وَأَمَّا قَوْلُهُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، فَتَمَنُّهَا الْجَنَّةُ؛ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^٢ قَالَ: هَلْ جَزَاءُ مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِلَّا الْجَنَّةُ.

١ . يونس: ١٠.

٢ . الرحمن: ٦٠.

۷۰۹. امام حسن علیه السلام: گروهی از یهود به نزد پیامبر خدا آمدند. داناترین آنان از ایشان سؤال کرد و گفت: مرا از معنای «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است (سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر)» آگاه کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند صلی الله علیه و آله می دانست که آدمی زادگان بر خداوند صلی الله علیه و آله دروغ می بندند. از این رو فرمود: «پاکا خدا!»، برای تبرئه کردن خود از آنچه [در باره او] می گویند.

و این که فرمود: «ستایش، خدای را» به این خاطر است که می دانست بندگان، نعمت های او را سپاس نمی گزارند. از این رو، پیش از آن که بندگان، او را سپاس گویند، خود، خویشتن را سپاس گفت، و این، آغازین سخن است. اگر نبود این سپاس گزاری، بی گمان، خداوند متعال، نعمت خویش را به هیچ کس ارزانی نمی داشت.

و عبارت «معبودی جز خدا نیست»، به معنای یکتایی اوست. اعمال را جز با این عقیده (توحید) نمی پذیرد، و این عبارت، کلمه پرهیزگاری است. در روز رستاخیز، خداوند با این عقیده، ترازوهای اعمال را سنگین می کند. و جمله «خدا بزرگ تر است»، عالی ترین سخن و محبوب ترین سخن در نزد خداوند صلی الله علیه و آله است؛ یعنی هیچ چیزی بزرگ تر از او نیست، و نماز، جز با آن، درست نیست؛ زیرا که این سخن، در نزد خداوند صلی الله علیه و آله سخنی ارجمند است، و عزیزترین و ارجمندترین نام است.

یهودی گفت: درست گفתי، ای محمد! پاداش گوینده اینها چیست؟ فرمود: «هر گاه بنده بگوید: «پاکا خدا!»، همه آفریدگان زیر عرش، هم صدا با او تسیح می گویند و ده برابر آن به گوینده اش پاداش داده می شود، و هر گاه بگوید: «ستایش، خدای را»، خداوند، نعمت های دنیا را و در پی آن، نعمت های آخرت را به او ارزانی می دارد. این، جمله ای است که اهل بهشت، هر گاه وارد آن شوند، می گویند، و همه سخنانی که در دنیا می گفتند، قطع می شود، بجز جمله «ستایش، خدای را». خدای متعال، در این باره فرموده است: «نیایششان در آن: پاکا تو - بار خدایا -، و درودشان در آن: سلام، و واپسین نیایششان این است که: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»، و اما جمله «معبودی جز خدا نیست»، بهایش بهشت است. خداوند متعال می فرماید: «آیا سزای نیکی کردن، جز نیکی کردن است؟». آیا سزای کسی که می گوید: «معبودی جز

فَقَالَ الْيَهُودِيُّ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدٌ ١.

٧١٠ . الإمام علي عليه السلام - بَعْدَ أَنْ بَيَّنَّ مَعْنَى الرُّكُوعِ - : وَمَعْنَى قَوْلِهِ : «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» ؛ فَ «سُبْحَانَ اللَّهِ» : أَنْفَةُ اللَّهِ ﷻ ، وَ «رَبِّي» : خَالِقِي ، وَ «الْعَظِيمِ» : هُوَ الْعَظِيمُ فِي نَفْسِهِ ، غَيْرُ مَوْصُوفٍ بِالصُّغَرِ ، وَعَظِيمٌ فِي مُلْكِهِ وَسُلْطَانِهِ ، وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَوْصَفَ ، تَعَالَى اللَّهُ ٢.

٧١١ . عنه عليه السلام - بَعْدَ أَنْ بَيَّنَّ مَعْنَى السُّجُودِ - : وَمَعْنَى قَوْلِهِ : «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» ؛ فَ «سُبْحَانَ» : أَنْفَةُ اللَّهِ ، وَ «رَبِّي» : خَالِقِي ، وَ «الْأَعْلَى» : أَي عَلَا وَارْتَفَعَ فِي سَمَاوَاتِهِ حَتَّى صَارَ الْعِبَادُ كُلُّهُمْ دُونَهُ ، وَقَهَرَهُمْ بِعِزَّتِهِ ، وَمِنْ عِنْدِهِ التَّدْبِيرُ ، وَإِلَيْهِ تَعْرُجُ الْمَعَارِجُ ٣.

٧١٢ . الإمام الصادق عليه السلام - لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَقَدْ سَأَلَهُ عَنْ تَفْسِيرِ سُبْحَانَ اللَّهِ - : أَنْفَةُ اللَّهِ ، أَمَا تَرَى الرَّجُلَ إِذَا عَجِبَ مِنْ الشَّيْءِ قَالَ : سُبْحَانَ اللَّهِ ٤.

٧١٣ . التوحيد عن يزيد بن الأصم: سَأَلَ رَجُلٌ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، مَا تَفْسِيرُ : سُبْحَانَ اللَّهِ؟ قَالَ : إِنَّ فِي هَذَا الْحَائِطِ رَجُلًا كَانَ إِذَا سُئِلَ أُنْبَأَ ، وَإِذَا سَكَتَ ابْتَدَأَ.

فَدَخَلَ الرَّجُلُ ؛ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ، فَقَالَ : يَا أَبَا الْحَسَنِ ، مَا تَفْسِيرُ : سُبْحَانَ اللَّهِ؟

قَالَ : هُوَ تَعْظِيمُ جَلَالِ اللَّهِ ﷻ ، وَتَنْزِيهُهُ عَمَّا قَالَ فِيهِ كُلُّ مُشْرِكٍ ، فَإِذَا قَالَهَا الْعَبْدُ

١ . علل الشرائع : ص ٢٥١ ح ٨ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه ، الأُمالي للصدوق : ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جده الحسن عليه السلام ، الاختصاص : ص ٣٤ عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جده عن أبيه عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩ ص ٢٩٤ ح ٥ .
٢ . بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ١١٦ ح ٢٥ نقلًا عن العليل لمحمد بن علي بن إبراهيم .
٣ . بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ١٣٩ ح ٢٤ نقلًا عن العليل لمحمد بن علي بن إبراهيم .
٤ . الكافي : ج ٣ ص ٣٢٩ ح ٥ ، معاني الأخبار : ص ٩ ح ١ عن هشام بن عبد الملك وفيه صدره إلى «أنفة لله» .

خدا نیست"، چیزی جز بهشت است؟».

یهودی گفت: درست گفתי، ای محمد!

۷۱۰. امام علی علیه السلام - پس از بیان معنای رکوع - : معنای جمله «پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایش، او را»، این است: «پاکا خدا»، و ارسته دانستن خداست. «پروردگار من»، یعنی: آفریدگار من. «بزرگ»، یعنی: ذاتاً بزرگ است و به خُردی وصف نمی‌شود، و پادشاهی و سلطنتش نیز با عظمت است، و بزرگ‌تر از آن است که به وصف در آید. خدا، برتر است.

۷۱۱. امام علی علیه السلام - پس از بیان معنای سجود - : معنای جمله «پاکا پروردگار برتر من!»، این است: «پاکا»، و ارسته دانستن خداست. «پروردگار من»، یعنی آفریدگار من. «برتر»، یعنی در آسمان‌هایش بلند مرتبه و رفیع است و همه بندگان، فرودست او و مقهور عزت اویند، و تدبیر [عالم] از جانب اوست، و همه صعودها به سوی اوست.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۷۱۲. امام صادق علیه السلام - در پاسخ پرسش هشام بن حکم از معنای «پاکا خدا» - : و ارسته دانستن خداست. نمی‌بینی که آدمی هر گاه از چیزی شگفت‌زده می‌شود، می‌گوید: «سبحان الله!»؟

۷۱۳. التوحید - به نقل از یزید بن اصم - : مردی از عمر بن خطاب سؤال کرد و گفت: ای امیر مؤمنان! معنای «پاکا خدا (سبحان الله)» چیست؟

عمر گفت: در این باغ، مردی است که هر گاه از او سؤالی شود، پاسخ می‌دهد، و هر گاه سکوت شود، او خود آغاز به پاسخگویی می‌کند.

مرد، وارد باغ شد. دید [که آن مرد،] علی بن ابی طالب علیه السلام است. گفت: ای

ابو الحسن! معنای «پاکا خدا» چیست؟

صَلَّى عَلَيْهِ كُلُّ مَلَكٍ ١.

٧١٣ . الكافي عن هشام الجواليقي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ﴾ ٢ مَا يَعْنِي بِهِ؟ قَالَ: تَنْزِيهَةٌ ٣.

٧١٥ . الإمام زين العابدين ع: إِذَا قُلْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» رَفَعَتْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْعَادِلُونَ بِهِ ٤.

٧١٦ . تفسير القمي عن إسماعيل الجعفي عن الإمام الباقر ع - فِي وَصْفِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - : فَلَمَّا انْتَهَى بِهِ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى تَخَلَّفَ عَنْهُ جَبْرَائِيلُ ع، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا جَبْرَائِيلُ، فِي هَذَا الْمَوْضِعِ تَخَذُلْنِي»!؟

فَقَالَ: تَقَدَّمَ أَمَامَكَ، فَوَاللَّهِ لَقَدْ بَلَغْتَ مَبْلَغًا لَمْ يَبْلُغْهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ قَبْلَكَ. «فَرَأَيْتُ مِنْ نُورِ رَبِّي، وَحَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ السُّبْحَةُ».



قُلْتُ: وَمَا السُّبْحَةُ ٥ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟

فَأَوْمَأَ بِوَجْهِهِ إِلَى الْأَرْضِ وَأَوْمَأَ يَدِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ: جَلَالُ رَبِّي - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ٦.

١ . التوحيد: ص ٣١٢ ح ١، معاني الأخبار: ص ٩ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ١٢١ ح ١٠.

٢ . جاءت كثيراً في القرآن الكريم، وبعنوان المثال أنظر: الأنبياء: ٢٢، المؤمنون: ٩١، النمل: ٨، القصص: ٦٨.

٣ . الكافي: ج ١ ص ١١٨ ح ١١، التوحيد: ص ٣١٢ ح ٣، معاني الأخبار: ص ٩ ح ٢، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٧ ح ٢.

٤ . الخصال: ص ٢٩٩ ح ٧٢ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٦.

٥ . في المصدر: «السُّبْحَةُ» في كلا الموضعين، والتصويب من بحار الأنوار وتفسير نور الثقلين وتفسير الصافي. وقال المجلسي ع: لعل المراد بالسُّبْحَةُ تنزهه وتقدسه تعالى؛ أي حال بيني وبينه تنزهه عن المكان والرؤية، وإلا فقد حصل غاية ما يمكن من القرب. قال الجزري: سُبْحَاتُ اللَّهِ: جلاله وعظمته، وهي في الأصل جمع سُبْحَةٍ (بحار الأنوار: ج ١٨ ص ٣٧٤).

٦ . تفسير القمي: ج ٢ ص ٢٤٣، بحار الأنوار: ج ١٨ ص ٣٧٣ ح ٧٩.

فرمود: «بزرگداشت عظمت خداوند ﷻ است، و وارسته دانستن او از آنچه هر مشرکی در باره‌اش بگوید. پس، هر گاه بنده این جمله را بگوید، هر فرشته‌ای بر او درود می‌فرستد».

۷۱۴. الکافی - به نقل از هشام جوالیقی - از امام صادق ﷻ در باره معنای این سخن خداوند ﷻ «پاکا خدا» پرسیدم. فرمود: «منزه دانستن اوست».

۷۱۵. امام زین العابدین ﷻ: هر گاه بگویی: «پاکا خدا، و ستایش، او را»، خداوند - تبارک و تعالی - را از آنچه مشرکان می‌گویند، برتر دانسته‌ای.

۷۱۶. تفسیر القمی - به نقل از اسماعیل جعفی، در وصف معراج پیامبر ﷺ - : امام باقر ﷻ فرمود: «چون جبرئیل ﷺ پیامبر ﷺ را به سِدْرَةُ الْمُتَهَيِّ (آخرین درخت سِدر) رساند، و او پس ایستاد. پیامبر خدا فرمود: «ای جبرئیل! در چنین جایی مرا تنها می‌گذاری؟!».

[جبرئیل ﷺ] گفت: تو پیش برو؛ زیرا به خدا سوگند، به جایی رسیده‌ای که هیچ مخلوقی پیش از تو به آن جا نرسیده است. پس، از نور پروردگار دیدم و شُبْحَه، میان من و او حایل گشت».

گفتم: شُبْحَه چیست، فدایت شوم؟

[امام ﷻ] با صورتش به زمین و با دستش به آسمان اشاره کرد و سه بار فرمود: «شکوهِ پروردگار».

۱. علامه مجلسی می‌گوید: شاید مراد از «شُبْحَه»، تنزه و تقدس خداوند متعال است؛ یعنی منزّه بودن او از مکان و دیده شدن، میان من و او حایل گشت، و گرنه حدّ اعلای قرب، حاصل شده است. جزری می‌گوید: «شُبْحَاتُ اللَّهِ»، یعنی جلال و عظمت خداوند. شُبْحَات، جمع «شُبْحَه» است.

القَصَلُ الثَّانِي

خَصَائِصُ التَّسْبِيحِ

١ / ٢

إِسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ

٧١٧ . رسول الله ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا ... وَهِيَ: اللَّهُ، الْإِلَهُ ...
السُّبُوحُ ٢.١

٧١٨ . تفسير العياشي عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّسْبِيحِ، فَقَالَ: هُوَ
اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ، وَدَعْوَى أَهْلِ الْجَنَّةِ ٣.

٧١٩ . كنز العمال عن ابن عباس: قَالَ عُمَرُ: أَمَّا الْحَمْدُ فَقَدْ عَرَفْنَا؛ فَقَدْ تَحَمَّدُ الْخَلَائِقُ بَعْضُهُمْ

١ . قال الشيخ الصدوق رحمه الله: السُّبُوحُ: هو اسم مبنَى على فَعُولٍ، وليس في كلام العرب فَعُولٌ إِلَّا سُبُوحٌ وَقُدُوسٌ، وَمَعْنَاهُمَا وَاحِدٌ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَنْزِيهًا لَهُ عَنِ كُلِّ مَا لَا يَنْبَغِي أَنْ يُوَصَفَ بِهِ، وَنَصِبَهُ لِأَنَّهُ فِي مَوْضِعِ فِعْلٍ عَلَى مَعْنَى تَسْبِيحًا لِلَّهِ؛ يُرِيدُ: سَبَّحْتَ تَسْبِيحًا لِلَّهِ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ نَصْبًا عَلَى الظَّرْفِ، وَمَعْنَاهُ: نَسَبْتَ لِلَّهِ وَسَبَّحُوا لِلَّهِ (التوحيد: ص ٢٠٧).

٢ . التوحيد: ص ١٩٤ ح ٨، الخصال: ص ٥٩٣ ح ٤٢٤ كلاهما عن سليمان بن مهران عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٨٦ ح ١.

٣ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ١٢٠ ح ٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٢.

قال العلامة الطباطبائي رحمه الله: مراده بالتسبيح قولنا: سبحان الله، ومعنى اسميته دلالة على تنزيهه تعالى (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٠ ص ٢٠).

فصل دوم

ویژگی های تسبیح

۱/۲

نامی از نام های خدا

۷۱۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند - تبارک و تعالی - نود و نه نام دارد... و آنها عبارت اند از:

الله، إله، ... سُبُوح.^۱

۷۱۸. تفسیر العیاشی - به نقل از زید شحام - از امام صادق علیه السلام در باره تسبیح پرسیدم.

فرمود: «[یادکرد] نامی از نام های خدا (سبحان) و [نیز] نیایش اهل بهشت

است».^۲

۷۱۹. کنز العمال - به نقل از ابن عباس -: عمر گفت: معنای «سپاس (حمد)» را می دانیم.

مردم، یکدیگر را سپاس می گویند. معنای «معبودی جز خدای یگانه نیست» را

هم می دانیم؛ چرا که خدایانی به جای خداوند یگانه، پرستیده می شدند. «خدا

۱. شیخ صدوق علیه السلام می گوید: «سُبُوح»، اسم است به وزن «فَعُول»، و در کلام عرب، جز سُبُوح و قُدُوس بر

این وزن نیامده است، و این هر دو به یک معناست. «سبحان الله»، یعنی منزّه و وارسته است خداوند، از

هر آنچه که شایسته نیست بدان وصف شود.

۲. علامه طباطبایی علیه السلام می گوید: مراد امام علیه السلام از «تسبیح»، عبارت «سبحان الله» است، که معنای اسمی آن،

دلالت بر منزّه بودن خداوند متعال دارد.

بعضاً، وأما «لا إله إلا الله» قد عَرَفْنَاها؛ فَقَدْ عُبِدَتِ الْإِلَهَةُ مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَأَمَّا «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَقَدْ يُكَبَّرُ الْمُصَلِّي، وَأَمَّا «سُبْحَانَ اللَّهِ» فَمَا هُوَ؟ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: اللَّهُ أَعْلَمُ، فَقَالَ عُمَرُ: قَدْ شَقِيَّ عُمَرُ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ، إِنْ اللَّهُ أَعْلَمُ.

فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِسْمٌ مَمْنُوعٌ أَنْ يَنْتَحِلَهُ أَحَدٌ مِنَ الْخَلَائِقِ، وَإِلَيْهِ مَفْرَعُ الْخَلْقِ، وَأَحَبُّ أَنْ يُقَالَ لَهُ.

فَقَالَ عُمَرُ: هُوَ كَذَلِكَ. ١

٢ / ٢

جَوْهَرُ الصَّلَاةِ

٧٢٠ . المناقب لابن شهر آشوب عن أبي حازم: قَالَ رَجُلٌ لِرَبِّهِ الْعَابِدِينَ عليه السلام: تَعْرِفُ الصَّلَاةَ؟ فَحَمَلْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ عليه السلام: مَهْلًا يَا أبا حازم فَإِنَّ الْعُلَمَاءَ هُمُ الْحُلَمَاءُ الرَّحَمَاءُ. ثُمَّ وَاجَهَ السَّائِلَ فَقَالَ: نَعَمْ أَعْرِفُهَا!

فَسَأَلَهُ عَنِ أفعالِهَا وَتُرُوكِهَا وَفرائِضِهَا وَنوافِلِهَا، حَتَّى بَلَغَ قَوْلَهُ: مَا افْتِتاحُهَا؟ قَالَ: التَّكْبِيرُ، قَالَ: مَا بُرْهانُهَا؟ قَالَ: الْقِرَاءَةُ، قَالَ: مَا خُشوعُهَا؟ قَالَ: النَّظَرُ إِلَى مَوْضِعِ السُّجُودِ، قَالَ: مَا تَحْرِيمُهَا؟ قَالَ: التَّكْبِيرُ، قَالَ: مَا تَحْلِيلُهَا؟ قَالَ: التَّسْلِيمُ، قَالَ: مَا جَوْهَرُهَا؟ قَالَ: التَّسْبِيحُ. ٢

٣ / ٢

صَلَاةُ كُلِّ شَيْءٍ

٧٢١ . رسول الله صلى الله عليه وسلم: إِنْ نَبِيٍّ اللَّهُ نوحاً عليه السلام لَمَّا حَضَرَتْهُ الْوفاةُ قَالَ لِإِبنِهِ: إِنِّي قاصُّ عَلَيْكَ

١ . كنز العمال: ج ٢ ص ٥٦٤ ح ٤٧٣٨ نقلاً عن ابن ماجه في تفسيره وابن أبي حاتم وابن مردويه.

٢ . المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ١٣٠، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٤٤ ح ٣٥.

بزرگ‌تر است» هم معلوم است. نمازگزار، «الله اکبر» می‌گوید؛ اما «پاکا خدا» (سبحان الله)، به چه معناست؟

مردی از میان جمعیت گفت: خدا، داناتر است.

عمر گفت: بدبخت عمر، اگر نداند که خدا داناتر است!

علی علیه السلام فرمود: «ای امیر مؤمنان! [سبحان الله] نامی است که هیچ یک از خلایق، حق ندارد آن را بر خود نهد. خلق به او پناه می‌برند، و [خدا] دوست دارد که این نام به او گفته شود».

عمر گفت: همین طور است.

۲ / ۲

کوبن‌از

۷۲۰. المناقب، ابن شهر آشوب - به نقل از ابو حازم - مردی به امام زین العابدین علیه السلام گفت: نماز می‌دانی؟! من به او حمله کردم. امام علیه السلام فرمود: «آرام باش، ای ابو حازم! عالمان، بردبار و مهربان‌اند». سپس، رو به پرسنده کرد و فرمود: «آری؛ می‌دانم!».

مرد از اعمال نماز و مبطلات و واجبات و مستحبات آن پرسید، تا به این جا رسید که گفت: شروع نماز چیست؟ فرمود: «تکبیر». گفت: برهانش چیست؟ فرمود: «قرائت». گفت: خشوعش چیست؟ فرمود: «نگاه کردن به محل سجده». گفت: وارد شدن به حریم نماز، چگونه است؟ فرمود: «با تکبیر [الإحرام]». گفت: خارج شدن از آن به چیست؟ فرمود: «به سلام دادن». گفت: گوهرش چیست؟ فرمود: «سبحان الله».

۳ / ۲

نماز هجره

۷۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون زمان رحلت پیامبر خدا نوح علیه السلام رسید، به پسرش گفت: به تو

الْوَصِيَّةُ: آمُرُكَ بِائْتِنِينَ، وَأَنْهَاكَ عَنِ اثْنَتَيْنِ:

آمُرُكَ بِـ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ لَوْ وُضِعَتْ فِي كَفَّةٍ، وَوُضِعَتْ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فِي كَفَّةٍ، رَجَحَتْ بِهِنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». وَلَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ كُنَّ حَلَقَةً مُبْهَمَةً، قَصَمْتَهُنَّ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

و «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ»؛ فَإِنَّهَا صَلَاةٌ كُلُّ شَيْءٍ، وَبِهَا يُرْزَقُ الْخَلْقُ. ١.

وَأَنْهَاكَ عَنِ الشَّرِكِ، وَالْكَبِيرِ. ٢.

٢ / ٢

طَعَامُ الْمَلَائِكَةِ

٧٢٢. الاختصاص عن ابن عباس - في مسائل عبد الله بن سلام للنبي ﷺ - : قَالَ : فَأَخْبِرْنِي

عَنْ جَبْرَائِيلَ فِي زِيِّ الْإِنَاثِ أَمْ فِي زِيِّ الذُّكُورِ؟

قَالَ ﷺ : فِي زِيِّ الذُّكُورِ لَيْسَ فِي زِيِّ الْإِنَاثِ.

قَالَ : فَأَخْبِرْنِي مَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ؟

قَالَ : طَعَامُهُ التَّسْبِيحُ، وَشَرَابُهُ التَّهْلِيلُ ٣. قَالَ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ. ٤.

١. قال العلامة الطباطبائي رحمه الله: قد ظهر مما قدمناه في معنى تسبيح الأشياء الارتباط المشار إليه في الرواية بين تسبيح كل شيء وبين رزقه، فإن الرزق يقدر بالحاجة والسؤال وكل شيء إنما يستبح الله تعالى بالإشارة بإظهار حاجته ونقصه إلى تنزهه تعالى من ذلك (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٣ ص ١٢٠).

٢. مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٧٥ ح ٦٥٩٤، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ١١٣ ح ١٥٤ نحوه وكلاهما عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٠٧ ح ٤٤٠٧٨.

٣. أي يتقوون بالتسبيح والتهليل كما يتقوى الإنسان بالطعام والشراب ولا يبقى بدونهما (بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٢٥٤).

وصیت می‌کنم. به دو چیز، فرمانت می‌دهم و از دو چیز، بازت می‌دارم. فرمانت می‌دهم به این که: «معبودی جز خدای یکتا نیست»؛ چرا که اگر هفت آسمان و هفت زمین را در یک کفه و «معبودی جز خدای یکتا نیست» را در کفه دیگر بگذارند، کفه «معبودی جز خدای یکتا نیست»، بر آنها می‌چربد. و اگر هفت آسمان و هفت زمین، حلقه‌ای در هم پیچیده باشند، [عقیده] «معبودی جز خدای یکتا نیست»، آن را در هم می‌شکند.

و [فرمانت می‌دهم به] «پاکا خدا، و ستایش، او را!»؛ زیرا این [جمله]، نماز هر موجودی است و خلق، به واسطه آن، روزی داده می‌شوند.^۱
و آن دو چیز که از آنها بازت می‌دارم: شرک و تکبر است.



۷۲۲. الاختصاص - به نقل از ابن عباس، در باره پرسش‌های عبد الله بن سلام از پیامبر ﷺ: [عبد الله پرسید:] مرا از جبرئیل، خبر ده که آیا در هیئت زنان است یا در هیئت مردان؟

پیامبر ﷺ فرمود: «در هیئت مردان است، نه در هیئت زنان».

گفت: مرا از خوراک و نوشاکش خبر ده.

فرمود: «خوراکش "سبحان الله" است، و نوشاکش "لا إله إلا الله"».^۲

گفت: درست گفתי، ای محمد!

۱. علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌گوید: روزی، بر پایه نیاز و درخواست، مقدر می‌شود و هر موجودی با اظهار نیازمندی و نقص خود، اشاره به این دارد که خداوند متعال، از این دو، منزّه و مبرا است و از این طریق، حق تعالی را تسبیح می‌گوید.

۲. یعنی فرشتگان با تسبیح و تهلیل، نیرو می‌گیرند، چنان که انسان با آب و غذا نیرو می‌گیرد و بدون این دو، زنده نمی‌ماند.

۵/۲

دُعَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ

الکتاب

﴿دَعْوَتُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ دَعْوَتِهِمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ۱.

۱. یونس: ۱۰.

۲. علامه طباطبائی رحمته الله در ذیل این آیه شریف می گوید: نخستین لطفی که خداوند سبحان در حق اولیای خود (یعنی آن کسانی که در دل هایشان جز خدا چیزی نیست و امور آنها را کسی جز خدا تدبیر نمی کند) نشان می دهد، این است که دل های آنها را از محبت جز خود، پاک می کند، به طوری که تنها خدا را دوست می دارند و جز به خدا و راه خدا به چیزی دیگر دل بستگی ندارند و او را از هر شریکی که دل هایشان را به خود جذب کند و یاد خدا را فراموش کنند و از همه عواملی که آنان را از پروردگارشان باز دارد، منزّه می دارد.

بدین ترتیب، پروردگار خویش را از هر گونه شریکی در اسم یا در معنا، یا از هر گونه نقص و عدم - که شایسته ساحت پاک او نیست - منزّه می دارند. همچنین او را تسبیح می گویند، آن هم نه تنها در گفتار و لفظ، بلکه در گفتار و کردار و زبان و دل و کمتر از اینها؛ چرا که در هر یک از اینها شائبه شرک است. خداوند متعال می فرماید: ﴿و بیشتر آنان به خدا ایمان نمی آورند، مگر این که [همچنان] مشرک اند﴾ (یوسف: آیه ۱۰۶).

اینان، کسانی هستند که خداوند، دل هایشان را از پلیدی محبت غیر او - که باز دارنده از یاد خداست - پاک کرده و از عشق و محبت خود، آکنده است، به طوری که جز او را نمی خواهند. او که خیر محض است و هیچ شرّ و بدی ای در وی نیست، چنان که می فرماید: ﴿و خدا، خیر است﴾ (طه: آیه ۷۳).

بنا بر این، اینان با دل های خود که آکنده از خوبی و سلامت است، جز با خوبی و سلامت و با دل پاک و سالم، با کسی مواجه نمی شوند، مگر آن کسی که با او مواجه می شوند و او خوبی و سلامت را به بدی و گزند تبدیل کند، چنان که قرآن برای کسی که از آن شفا جوید، شفاست؛ اقا به ستمکاران، جز زیان و خسران چیزی نمی افزاید.

این دل های پاک با هر چیزی مواجه شوند، آن را نعمت خدا و حاکی از صفات جمال و معانی کمال او و بیانگر عظمت و شکوه او می یابند و می بینند. بنا بر این، هر چیزی را که وصف و مدح کنند، در حالی که آن را نعمتی از نعمت های خدا می بینند و جمال و زیبایی نام ها و صفات خدا را در آن مشاهده می کنند و به هیچ روی از پروردگار خود غافل نیستند و او را از یاد نمی برند، وصف و مدح آنان از آن چیز، در واقع، وصف زیبایی افعال و صفات پروردگارشان است. بنا بر این، او را حمد و سپاس می گویند؛ چرا که حمد چیزی نیست، جز ستودن فعل زیبای اختیاری.

این است کار اولیای خداوند متعال در این سرای عمل. آنان در امروز خود برای فردا تلاش می کنند و

۵/۲ نیایش بهشتیان

قرآن

«نیایش آنان در آن جا «خدایا! تو منزّهی» و درودشان در آن جا سلام است، و پایان نیایش

آنان، این‌که: «ستایش، ویژه پروردگار جهانیان است».

« چون به دیدار پروردگارشان شتافتند و خداوند به وعده خود به آنان وفا کرد و در دریای رحمت خویش در آورد و در سرای کرامتش اسکانشان داد، آن نوری را که در دنیا به آنها اختصاص داده بود، برایشان کامل می‌گرداند؛ چنان‌که خود فرموده است: «نورشان از پیشاپیش و از سوی راستشان می‌رود و می‌گویند: ای پروردگار ما! نورمان را تمام دار» (تحریم: آیه ۱۸).

پس، خداوند، شرابی پاک به ایشان می‌نوشاند که با آن، درون آنها را از هر گونه شرک پیدا و پنهان، پاک می‌سازد و غرقه در نور علم و یقینشان گرداند و چشمه‌سار توحید را از دل‌هایشان بر زبان‌هایشان روان کند. پس، پیش از هر کس خدای را تنزیه و تسبیح می‌گویند و بر همراهان خود (یعنی پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان)، سلام می‌فرستند. سپس خدای سبحان را با رساترین ستایش و نیکوترین ثنا، ستایش و ثنا می‌گویند.

دو آیه زیر بر همین معنا منطبق می‌شود، و خدا بهتر می‌داند:

[۱] «و از زیر پای آنها جوی‌ها در بهشت‌های پر نعمت، روان می‌شود» (یونس: آیه ۹). در این آیه از بهشت ولایت و تطهیر دل‌های آنان، یاد شده است.

[۲] «نیایششان در بهشت پاک‌تر، ای خداوند! است» در این آیه، تسبیح و تنزیه خداوند است از هر گونه نقص و نیاز و شریک؛ تنزیه‌ی که گویا در حضور و رویاروی است؛ چراکه از پروردگار خویش در حجاب نیستند.

«و درودشان در آن جا سلام است»، توصیفی است از دیداری کاملاً در امن و آرامش، در صورتی که در غیر بهشت، امنیت، جز به صورت اندک و نسبی یافت نمی‌شود.

«و واپسین نیایش آنان، این است که: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است» (یونس: آیه ۱۰). در این بخش از آیه می‌فرماید که آنان، پس از تسبیح و تنزیه خداوند، او را بر زیبایی می‌ستایند و این، آخرین مرتبه از کمال دانش است که بهشتیان به آن می‌رسند.

پیش‌تر، در تفسیر «الحمد لله ربّ العالمین» (فاتحه: آیه ۲)، گفتیم که ستایش، توصیف است و هیچ یک از مخلوقات خداوند از عهده وصف او بر نمی‌آیند، جز بندگان برگزیده خدا که آنها را برای خود برگزیده و آنان را به افتخار قرب، نایل آورده است، به طوری که میان او و ایشان، هیچ واسطه‌ای نباشد. خداوند می‌فرماید: «پاک است خدا از آنچه وصف می‌کنند، مگر بندگان مخلص خدا» (صافات: آیه ۱۵۹ و ۱۶۰)...

آیه مورد بحث، دلالت دارد بر این که خداوند سبحان، مؤمنان اهل بهشت را در آخرت به بندگان مخلص خود ملحق می‌کند و در این نکته، خود، وعده‌ای زیبا و نویدی بزرگ به مؤمنان است.

الحديث

٧٢٣ . الإمام علي عليه السلام - فِي خُطْبَةٍ لَهُ - : جَعَلَ اللهُ الْعَاقِبَةَ لِلتَّقْوَى ، وَالْجَنَّةَ لِأَهْلِهَا مَاوَى ، دُعَاؤُهُمْ فِيهَا أَحْسَنُ الدُّعَاءِ «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» ، دُعَاؤُهُمُ الْمَوْلَى عَلِيٌّ مَا آتَاهُمْ «وَأَخِرُ دَعْوَانَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ١ .

٧٢٤ . الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَكُونُ لَهُ مِنَ الْجَنَانِ مَا أَحَبَّ وَاشْتَهَى ، يَتَنَعَّمُ فِيهِنَّ كَيْفَ يَشَاءُ ، وَإِذَا أَرَادَ الْمُؤْمِنُ شَيْئاً أَوْ اشْتَهَى إِنَّمَا دَعَاؤُهُ فِيهَا إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُولَ : «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» ، فَإِذَا قَالَهَا تَبَادَرَتْ إِلَيْهِ الْخُدَمُ بِمَا اشْتَهَى مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ طَلَبَهُ مِنْهُمْ أَوْ أَمَرَ بِهِ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ : «دَعْوَانَهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» يَعْنِي الْخُدَامَ ، قَالَ : «وَأَخِرُ دَعْوَانَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ١ .

٧٢٥ . رسول الله ﷺ : أَهْلُ الْجَنَّةِ ... يُلْهَمُونَ التَّسْبِيحَ وَالتَّحْمِيدَ كَمَا يُلْهَمُونَ النَّفْسَ ٢ .

٦ / ٢

الِنِدَاءُ أَهْلَ الْجَنَّةِ بِتَسْبِيحِ الْحَلِيِّ عَلَيْهِمُ

٧٢٦ . الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَنَعَّمُ بِتَسْبِيحِ الْحَلِيِّ عَلَيْهِ فِي الْجَنَّةِ ، فِي كُلِّ مَفْصَلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِ فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثَةُ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَلُؤْلُؤٍ ٣ .

- ١ . الكافي : ج ٨ ص ١٧٣ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٥٠ ح ٣٠ .
- ١ . الكافي : ج ٨ ص ١٠٠ ح ٦٩ عن محمد بن إسحاق المدني ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٦١ ح ٩٨ .
- ٢ . سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٩٢ ح ٢٧٢٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ١٢١ ح ١٢٧٧٥ نحوه وكلاهما عن جابر ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٩ ح ٣٩٢٩٤ .
- ٣ . ربيع الأبرار : ج ٤ ص ٢٦ .

حدیث

۷۲۳. امام علی علیه السلام - در یکی از خطبه‌هایش - : خداوند، فرجام را برای پرهیزگاری قرار داده است و بهشت را برای پرهیزگاران. نیایش آنان در بهشت، بهترین نیایش است: «پاکی تو، ای خداوند!». نیایششان به درگاه سرورشان برای آنچه به ایشان داده نیز این است: «و واپسین نیایش آنان، این است: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است».

۷۲۴. امام باقر علیه السلام: برای مؤمن از باغ‌های بهشت، هر آنچه دوست بدارد و دلش بخواهد، خواهد بود و از آنها هر گونه که بخواهد، بهره‌مند خواهد شد. هر گاه مؤمن، چیزی را اراده کند یا دلش بخواهد، سخنش در آن جا، در وقت خواستن آن چیز، این است که بگوید: «پاکی تو، ای خداوند!»، و چون این جمله را بگوید، خدمتکاران، آنچه را که هوس کرده است، برایش می‌آورند، بدون این که آن چیز را از آنان طلبیده یا دستورش را داده باشد. خداوند تعالی می‌فرماید: «نیایش آنان در آن جا پاکی تو، ای خداوند! است و درودشان در آن جا سلام است»؛ یعنی [درود] خدمتکاران. می‌فرماید: «و واپسین نیایش آنان، این است: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است».

۷۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان، ... همان گونه که نفس کشیدن به آنان الهام می‌شود، «سبحان الله» و «الحمد لله» به ایشان الهام می‌شود.

۶/۲

لذت بردن بهشتیان از تسبیح زیورایشان

۷۲۶. امام صادق علیه السلام: مؤمن در بهشت، از زیور تسبیح، برخوردار است. در بند بند مؤمن در بهشت، سه دستبند زرین و سیمین و مروارید است.

٧ / ٢

غِنَاءُ الْجَنَّةِ

٧٢٧ . الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي يُعْجِبُنِي الصَّوْتُ الْحَسَنُ، أَفِي الْجَنَّةِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ؟

قَالَ: نَعَمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ اللَّهَ لَيَأْمُرُ لِمَنْ أَحَبَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ بِشَجَرٍ يُسْمَعُهُ صَوْتًا بِالتَّسْبِيحِ، مَا سَمِعْتَ الْآذَانَ بِأَحْسَنَ مِنْهُ قَطُّ. ١

٧٢٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرًا يَتَصَفَّقُ بِالتَّسْبِيحِ بِصَوْتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ بِمِثْلِهِ، يُثْمِرُ ثَمْرًا كَالرُّمَّانِ. ٢

٨ / ٢

بِنَاءُ الْجَنَّةِ

٧٢٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ رَأَى الْجَنَّةَ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ، فَأَصْبَحَ فَقَصَّهَا عَلَى قَوْمِهِ، فَقَالَ: يَا قَوْمُ! إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ جَنَّةً عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِمُحَمَّدٍ وَأُمَّتِهِ، حَدَائِقُهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْجَارُهَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَثِمَارُهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. ٣

١ . الفغارات: ج ١ ص ٢٤٢، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٤٧ ح ٧٢٠.

٢ . المحاسن: ج ١ ص ٢٨٨ ح ٥٦٩ عن الحارث بن محمد الأحول عمَّن حدَّثه عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليه السلام، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٤٢١ ح ١ عن الحارث بن محمد الأحول عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٣٨ ح ٥٠.

٣ . كنز العمال: ج ١٢ ص ١٧٧ ح ٢٤٥٤٩ نقلاً عن مسند البزار عن أبي أمامة.

۷/۲ آواز بهشت

۷۲۷. امام علی علیه السلام: مردی گفت: ای پیامبر خدا! من، آواز خوش را دوست می‌دارم. آیا در بهشت هم آواز خوش هست؟

فرمود: «آری. سوگند به آن که جانم در دست اوست، خداوند، برای آن کس از اهل بهشت که آواز خوش را دوست دارد، به درختی فرمان می‌دهد تا آواز تسبیح بخواند، با صدایی چنان خوش که هرگز گوش‌ها زیباتر از آن را نشنیده‌اند».

۷۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، در بهشت، درختی است که با چنان صوتی آواز تسبیح سر می‌دهد که هیچ بشری، از آغاز تا پایان عالم، مانند آن را نشنیده است، و میوه‌هایی چون انار می‌دهد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۸/۲

میوه‌های بهشت

۷۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابراهیم خلیل الرحمان، بهشت را در عالم خواب دید. صبح که شد، آن را برای قوم خود تعریف کرد و گفت: ای قوم! دیشب در عالم خواب، بهشتی را دیدم که پهنای آن [به پهنای] آسمان‌ها و زمین بود و برای محمد و امت او آماده شده بود. باغ‌هایشان، گواهی دادن به یگانگی خداوند بود و درختانش، گواهی دادن به پیامبری محمد، و میوه‌هایش، «پاکا خدا، و ستایش، خدای را».

الفصل الثالث

الحث على التسييح

١ / ٣

فضل التسييح

٧٣٠ . رسول الله ﷺ - من كلام له يصف فيه إخوانه الذين يأتون من بعده - : لو أن أحداً منهم يُسبِّحُ تسييحاً خيراً له من أن يصير له جبال الدنيا ذهباً.^١

٧٣١ . عنه ﷺ: من سبَّح تسييحاً، ومنح منحة^٢ لبني، أو هدى زقاقاً^٣، كان له كعدل نسمة^٤.

٧٣٢ . عنه ﷺ: إذا قال العبد: «سبحان الله»، قال الله: صدق عبدي، سبحاني وبِحَمدي، لا ينبغي التسييح إلا لي.^٥

- ١ . التحصين لابن فهد: ص ٢٥ ح ٤٠.
- ٢ . منحة اللبن: أن يعطيه ناقة أو شاة يتفجع بلبنها ويعيدها. وكذلك إذا أعطاه ليتفجع بوبرها وصوفها زماناً ثم يردّها (النهاية: ج ٤ ص ٣٦٤ «منح»).
- ٣ . في المصدر: «... منحة منحة لبن أو هدى دفاقاً...»، والتصويب من كنز العمال. قال ابن الأثير: الزقاق - بالضم - : الطريق، يريد من دل الضال أو الأعمى طريقه (النهاية: ج ٢ ص ٣٠٦ «زقق»).
- ٤ . شعب الإيمان: ج ٢ ص ٥٠٧ ح ٢٥٤٤ عن أبي أيوب، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣١ ح ٣٨٩٠.
- ٥ . كنز العمال: ج ١ ص ٢٦٦ ح ٢٠٢٩ نقلاً عن الديلمي عن أبي الدرداء.

فصل سوم

تشویق به تسبیحی

۱ / ۳

فضیلت تسبیحی

۷۳۰. پیامبر خدا ﷺ - از گفتار ایشان در وصف برادرانش که پس از او می آیند - : اگر یکی از آنان، یک تسبیح بگوید، برایش بهتر از آن است که همه کوه‌های دنیا برای او طلا شود.

۷۳۱. پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک تسبیح بگوید، یا دَهِشِ شیری^۱ عطا کند، یا کوچه‌ای را نشان دهد،^۲ ثوابش برابر با آزاد کردن برده‌ای است.

۷۳۲. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه بنده بگوید: «سبحان الله»، خداوند می فرماید: راست گفت بنده‌ام. منزّه من و ستایش، مراست. تسبیح، جز مرا نسیزد.

۱. دَهِشِ شیر، به این معناست که شخصی ماده شتر یا گوسفندی در اختیار کسی بگذارد تا برای مدتی از شیر و کرک و پشم آن استفاده کند و سپس آن را به صاحبش برگرداند.
۲. یعنی گم شده‌ای یا نابینایی را راهنمایی کند.

٧٣٣ . الإمام الصادق عليه السلام: ما يَعْلَمُ عِظَمَ ثَوَابِ الدُّعَاءِ وَتَسْبِيحِ الْعَبْدِ فِيهَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ ، إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى .^١

٧٣٤ . عنه عليه السلام: ما مِنْ كَلِمَةٍ أَخْفَ عَلَى اللِّسَانِ مِنْهَا وَلَا أْبْلَغُ مِنْ «سُبْحَانَ اللَّهِ» .^٢

٧٣٥ . عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ مِثَّةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ ذَلِكَ الْيَوْمَ ، إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ قَوْلِهِ .^٣

٧٣٦ . عنه عليه السلام - لَمَّا قِيلَ لَهُ : إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْعَرَةِ خِفَّةُ عَارِضِيهِ^٤ - : وما في هذا مِنَ السَّعَادَةِ؟! إِنَّمَا السَّعَادَةُ خِفَّةُ مَا ضِغِيهِ^٥ بِالتَّسْبِيحِ .^٦

٧٣٧ . عِدَّة الدَّاعِي - فيما يُحْكِي عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عليه السلام - : إِنَّهُ مَرَّ بِحَرَاثٍ فَقَالَ : لَقَدْ أُوتِي ابْنُ دَاوُدَ مُلْكًا عَظِيمًا ! فَالْقَاهُ الرِّيحُ فِي أذُنِهِ ، فَنَزَلَ وَمَشَى إِلَى الْحَرَاثِ وَقَالَ : إِنَّمَا مَشَيْتُ إِلَيْكَ لِئَلَّا تَسْمَنِي مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ . ثُمَّ قَالَ : لَتَسْبِيحَةٌ وَاحِدَةٌ يَقْبَلُهَا اللَّهُ تَعَالَى خَيْرٌ مِمَّا أُوتِيَ آلُ دَاوُدَ .

وفي حَدِيثٍ آخَرَ : لِأَنَّ ثَوَابَ التَّسْبِيحَةِ يَبْقَى ، وَثَلَاثَةُ سُلَيْمَانَ يَفْنَى .^٧

٧٣٨ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيما وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام : ... يَا عَيْسَى ، تَبْتَظْ وَلَا تَيْأَسْ مِنْ رَوْحِي ، وَسَبِّحْنِي مَعَ مَنْ يُسَبِّحُنِي ، وَبِطَيْبِ الْكَلَامِ

- ١ . فلاح المسائل : ص ٩٢ ح ٢٦ عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابنا ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٩ ح ٢٥ .
- ٢ . الكافي : ج ٣ ص ٣٢٩ ح ٥ ، مستطرفات السرائر : ص ٩٦ ح ١٢ وليس فيه «منها» وكلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٣ .
- ٣ . المحاسن : ج ١ ص ١٠٧ ح ٩١ عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٠ .
- ٤ . قال ابن الأثير : العارض من اللحية : ما ينبثق على عرض اللحية فوق الذقن ، وقيل : أراد بخفة العارضين خفة اللحية ، وما أراه مناسباً (النهاية : ج ٣ ص ٢١٢ «عرض»).
- ٥ . الماصيفان : أصول اللحيين عند منبت الأضراس (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٧٠٢ «مضغ»).
- ٦ . علل الشرائع : ص ٥٨٠ ح ١١ ، معاني الأخبار : ص ١٨٣ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٥٣ ح ١٣ .
- ٧ . عِدَّة الدَّاعِي : ص ٢٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٤ ح ٢٦ .

۷۳۳. امام صادق علیه السلام: عظمت ثواب دعا و تسبیحی را که بنده میان خود و خودش انجام می‌دهد، جز خدای - تبارک و تعالی - کسی نمی‌داند.

۷۳۴. امام صادق علیه السلام: هیچ کلمه‌ای بر زبان، سُبُک‌تر و رساتر از «سبحان الله» نیست.

۷۳۵. امام صادق علیه السلام: هر کس صد مرتبه «سبحان الله» بگوید، در آن روز، برترین مردم است، مگر آن که کسی دیگر نیز هم اندازه او [سبحان الله] بگوید.

۷۳۶. امام صادق علیه السلام - چون به ایشان گفته شد: از خوش‌بختی مرد، این است که گونه‌هایش سُبُک باشد^۱ - در این، چه خوش‌بختی‌ای است؟! خوش‌بختی، در این است که دو فک او به تسبیح گفتن، سُبُک [و جنبان] باشد.

۷۳۷. عِدَّة الداعی: می‌گویند سلیمان بن داوود علیه السلام بر کشتگری گذشت. کشتگر [با خود]

گفت: چه سلطنت باشکوهی به پسر داوود داده شده است!

باد، سخن او را به گوش سلیمان رساند. سلیمان، پیاده شد و به نزد کشتگر رفت و گفت: «به نزد تو آمدم تا [بگویم] چیزی را که از توان تو بیرون است، آرزو نکنی».

سپس گفت: «گفتن یک تسبیح که خدای متعال آن را بپذیرد، از هر آنچه به خاندان داوود داده شده، بهتر است».

و در حدیثی دیگر آمده است [که گفت]: «زیرا ثواب تسبیح، باقی می‌ماند و مُلک سلیمان از میان می‌رود».

۷۳۸. امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند - تبارک و تعالی - به عیسی بن مریم علیه السلام

این بود که: «... ای عیسی! بیدار باش و از رحمت من، نومید مشو، و همراه با تسبیحگویان، مرا تسبیح گوی و با سخنان پاک، تقدیسم کن».

۱. یعنی «تُتک ریش» باشد، نه دارای ریش انبوه.

فَقَدَّسَنِي. ١.

٧٣٩. بحار الأنوار: في صَحِيفَةِ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ ﷺ : فَسُبْحَانِي سُبْحَانِي وَطَوْبِي لِمَنْ سَبَّحَنِي ، وَقُدُّوسٌ أَنَا وَطَوْبِي لِمَنْ قَدَّسَنِي. ٢.

٧٤٠. قصص الأنبياء - في ذِكْرِ الْعَشْرِ الْآيَاتِ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى مُوسَى ﷺ - : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : هَذَا كِتَابٌ مِنْ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ الْعَزِيزِ الْقَهَّارِ لِعَبْدِهِ وَرَسُولِهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ، أَنْ سَبَّحَنِي وَقَدَّسَنِي ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي ، وَلَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً ، وَاشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ. ٣.

٢ / ٣

كَلِمَةُ التَّسْبِيحِ



الكتاب

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى﴾. ٢.

الحديث

٧٣١. الإمام عليّ ﷺ - في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ... يَا أَحْمَدُ ، لَيْسَ كُلُّ مَنْ قَالَ : «أَحِبُّ اللَّهَ» أَحَبَّنِي ، حَتَّى يَأْخُذَ قُوْتاً ... وَيَشْغَلَ بِذِكْرِي اشْتِغَالاً ، وَيُكْتَبُ التَّسْبِيحُ دَائِماً. ٥.

١ . الأمالي للصدوق: ص ٦٠٦ - ٦١٠ ح ٨٢٢ عن أبي بصير، الكافي: ج ٨ ص ١٣٧ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط

عنهم ﷺ ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٤ ح ١٤.

٢ . بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٥٨.

٣ . قصص الأنبياء (عرانس المجالس): ص ٢٠٤.

٤ . طه: ١٣٠.

٥ . إرشاد القلوب: ص ١٩٩ - ٢٠٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٠ ح ٦.

۷۳۹. بحار الأنوار: در صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام، آمده است: «منزّه من، منزّه من، و خوشا به حال آن که مرا تسبیح گوید! مقدّس من، و خوشا به حال آن که مرا تقدیس کند!».

۷۳۰. قصص الأنبياء - در بیان آیات دهگانه‌ای که بر موسی علیه السلام نازل شد -: به نام خداوند مهرگستر مهربان. این نبشته‌ای است از سوی خداوند، آن پادشاه مقتدر شکست‌ناپذیر چیره [بر عالم هستی]، به بنده‌اش و فرستاده‌اش موسی بن عمران: مرا تسبیح گوی و تقدیس کن. معبودی جز من نیست. پس مرا بندگی کن و چیزی را انباز من مگردان، و از من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری نما. حرکت به سوی من است.



مرکز تحقیقات و پژوهش قرآنی
بسیار تسبیح گفتن

قرآن

«پس بر آنچه می‌گویند، شکیباباش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گو. و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز. باشد که خشنود گردی».

حدیث

۷۳۱. امام علی علیه السلام - در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله -: خدای متعال فرمود: «... ای احمد! نه هر که گفت: "خدا را دوست دارم" مرا دوست دارد، مگر آن گاه که خوراکی برگردد... و همواره به یاد من پردازد و پیوسته تسبیح بسیار گوید».

٧٢٢ . الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّمَا شِيعَتُنَا ... خُمُصُ الْبُطُونِ، ذُبُلُ الشُّفَاهِ، قَدْ هَيَّجَتِ الْعِبَادَةَ وَجُوهَهُمْ، وَأَخْلَقَ سَهْرُ اللَّيَالِي وَقَطَعُ الْهَوَاجِرِ جُثَّتَهُمْ، الْمُسْبِحُونَ إِذَا سَكَتَ النَّاسُ، وَالْمُصَلِّونَ إِذَا نَامَ النَّاسُ، وَالْمَحْزُونُونَ إِذَا فَرِحَ النَّاسُ.^١

٧٢٣ . ثواب الأعمال عن يونس بن يعقوب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، كَانَ مِثْلَ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؟ قَالَ: نَعَمْ.^٥

٧٢٤ . الإمام الصادق عليه السلام - في أوصاف المؤمنين الكاملين - : فَهَمُّ الْحَفِيِّ عَيْشُهُمْ، الْمُنتَقِلَةُ دِيَارُهُمْ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ، الْخَمِيصَةُ بَطُونُهُمْ مِنَ الصِّيَامِ، الذُّبْلَةُ شِفَاهُهُمْ مِنَ التَّسْبِيحِ، الْعُمَشُ عَالِيُونَ مِنَ الْبُكَاءِ.^٧

٧٢٥ . عنه عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: ... عَلَيْكَ بِالتَّسْبِيحِ مَا دُمْتَ عَامِلًا، وَعَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِيًا.^٨



مركز توثيق وتعمير علوم اسلامی

- ١ . رجل خُمصان وخميص: إذا كان ضامر البطن (النهاية: ج ٢ ص ٨٠ «خمص»). وقال المجلسي عليه السلام: خماص البطن كناية عن قلة الأكل، أو كثرة الصوم، أو العفة (بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٨٨).
- ٢ . قال العلامة المجلسي عليه السلام: في القاموس: هاج يهيج: نار، كاهتاج وتهيج، وأثار، وأهاج: أيبسته. وكان تحتل النسخة الباء الموحدة [هَيَّجَت]؛ من قولهم: هَيَّجَتْ تَهَيَّجًا: ورَمَتْ (بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٦٩ وأنظر: القاموس المحيط: ج ١ ص ٢١٣ «هاج» وص ٢١١ «هيج»).
- ٣ . خَلَقَ الثَّوْبُ: بَلِيَ، وَأَخْلَقَ الثَّوْبُ مِثْلَهُ، وَأَخْلَقَتْهُ أَنَا: بَتَعَدَّى وَلَا يَتَعَدَّى (الصَّحاح: ج ٤ ص ١٤٧٢ «خلق»).
- ٤ . صفات الشيعة: ص ١٠٣ ح ٤٠ عن حمزان بن أعين عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٦٩ ح ٣٠.
- ٥ . ثواب الأعمال: ص ٢٧ ح ١، عذة الداعي: ص ٢٤٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٢ ح ١٥.
- ٦ . العمَشُ: ضعف البصر مع سيلان الدمع في أكثر الأوقات (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٨٠ «عمش»).
- ٧ . الأصول الستة عشر: ص ٦ عن زيد الزرّاد، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣٥١ ح ٥٤.
- ٨ . الكافي: ج ٨ ص ٣٤٨ ح ٥٢٧، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٩٨ ح ٢٥٠٥، المحاسن: ج ٢ ص ١٢٦ ح ١٣٤٨ كلها عن حماد (بن عيسى أو ابن عثمان)، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٧٢ ح ٢٨.

۷۳۲. امام زین العابدین علیه السلام: پیروان ما ... شکم تهی و پزمرده لب‌اند. ^۱ عبادت، رخصاره‌های آنان را خشکانیده، و شب‌زنده‌داری و روزه‌داری در روزهای داغ، پیکرهایشان را فرسوده است. آن گاه که مردم خاموش‌اند، آنان تسبیح‌گویند، و آن زمان که مردم غنوده‌اند، آنان نمازگزارند، و آن هنگام که مردم شادند، آنان اندوهناک‌اند.

۷۳۳. ثواب الأعمال - به نقل از یونس بن یعقوب -: به امام صادق علیه السلام گفتم: هر کس صد مرتبه «سبحان الله» بگوید، از آنان است که خدا را بسیار یاد کرده است؟
فرمود: «آری».

۷۳۴. امام صادق علیه السلام - در اوصاف مؤمنان کامل -: آنان، پابرهنه [و درویشانه] می‌زینند، خانه به دوش‌اند، شکم‌هایشان از روزه‌داری خشکیده، لبانشان از تسبیحگویی تَرک خورده، و چشمانشان از گریه [به درگاه خدا] کم‌سو گشته است.

۷۳۵. امام صادق علیه السلام: لقمان به پسرش گفت: «... آن گاه که مشغول کاری هستی، همواره تسبیح گوی، و در خلوت (/ هنگام بیکاری) خویش به دعا مشغول شو».

التَّسْبِيحُ مَعَ التَّحْمِيدِ

الكتاب

﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّجِدِينَ * وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾^١.

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ * وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ﴾^٢.

﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ * وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ﴾^٣.

﴿إِذَا يَأْتِيَنَّكَ الَّذِينَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾^٤.
﴿دَعْوَانَهُمْ فِيهَا سَبَّحْتَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ دَعْوَانَهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ﴾^٥.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

الحديث

٧٣٦ . رسول الله ﷺ: ما أوحى إليّ أن أجمع المال وأكون من التاجرين، ولكن أوحى إليّ أن:

﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّجِدِينَ * وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾^٦.

١ . الحجر: ٩٧-٩٩.

٢ . ق: ٣٩ و ٤٠.

٣ . الطور: ٢٨ و ٢٩.

٤ . السجدة: ١٥.

٥ . يونس: ١٠.

٦ . تفسير القرطبي: ج ١٠ ص ٦٤، الدر المنثور: ج ٥ ص ١٠٥ كلاهما عن أبي مسلم الخولاني والأخير عن ابن مسعود أيضاً، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٤٥ ح ٦٣٧٤ نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن أبي ذر، الأمالي للطوسي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٧ ح ٥٧.

۳ / ۳

تسبیح همراه با تحمید

قرآن

﴿و قطعاً می‌دانیم که سینه‌تو از آنچه می‌گویند، تنگ می‌شود. پس با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش، و پروردگارت را پرستش کن تا این که مرگ تو فرا رسد﴾.

﴿و بر آنچه می‌گویند، شکیبا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، به ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی. و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی﴾.

﴿و در برابر دستور پروردگارت، شکیبایی پیشه کن که تو خود، در حمایت مایی؛ و هنگامی که [از خواب] بر می‌خیزی، به نیایش پروردگارت تسبیح گوی و [نیز] پاره‌ای از شب، و در [هنگام] فرو شدن ستارگان، تسبیح‌گویی او باش﴾.

﴿تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده‌کنان به روی در می‌افتند، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان، بزرگی نمی‌فروشند﴾.

﴿نیایش آنان در آن جا، «خدایا! تو منزّه‌ای» است و درودشان در آن جا سلام است، و واپسین نیایش آنان، این است که: «ستایش، ویژه پروردگار جهانیان است﴾.

حدیث

۷۴۶. پیامبر خدا ﷺ: به من وحی نشد که دارایی گرد آورم و از بازرگانان شوم؛ بلکه به من وحی شد که: ﴿با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش، و پروردگارت را پرستش کن تا این که مرگ تو فرا رسد﴾.

٧٢٧ . عنه عليه السلام: أَكْثَرُ مِنْ قَوْلِ الْقَرِينَتَيْنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ^١.

٧٢٨ . عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» فِي يَوْمٍ مِثَّةَ مَرَّةٍ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَيْدِ الْبَحْرِ^٢.

٧٢٩ . عنه عليه السلام: لَا يَدَعُ رَجُلٌ مِنْكُمْ أَنْ يَفْعَلَ لِلَّهِ أَفَّ حَسَنَةٍ حِينَ يُصْبِحُ؛ يَقُولُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِثَّةَ مَرَّةٍ فَإِنَّهُ أَفَّ حَسَنَةٍ، فَإِنَّهُ لَنْ يَعْمَلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ فِي يَوْمٍ مِنَ الذُّنُوبِ، وَيَكُونُ مَا عَمِلَ مِنْ خَيْرٍ سِوَى ذَلِكَ وَافِرًا^٣.

٧٥٠ . المستدرک علی الصحیحین عن أبي طلحة الأنصاري: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَوَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. وَمَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِثَّةً، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَفَّ حَسَنَةٍ وَأَرْبَعًا وَعِشْرِينَ حَسَنَةً.

قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِذَا لَا يَهْلِكُ مِنَّا أَحَدٌ!

قال: بَلَى، إِنْ أَحَدَكُمْ لَيَجِيءُ بِالْحَسَنَاتِ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جَبَلٍ أَنْقَلْتَهُ، ثُمَّ تَجِيءُ النَّعْمُ فَتَذْهَبُ بِتِلْكَ، ثُمَّ يَتَطَاوَلُ الرَّبُّ بَعْدَ ذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ^٤.

٧٥١ . مسند ابن حنبل عن ربيعة بن كعب: كُنْتُ أُخْدِمُ رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام وَأَقُومُ لَهُ فِي حَوَائِجِهِ نَهَارِي أَجْمَعُ، حَتَّى يُصَلِّيَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ، فَأَجْلِسُ بِسَابِئِهِ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ، أَقُولُ: لَعَلَّهَا أَنْ تَحْدُثَ لِرَسُولِ اللَّهِ عليه السلام حَاجَةً، فَمَا أزالُ أَسْمَعُهُ يَقُولُ عليه السلام:

١ . كنز العمال: ج ١ ص ٤٦١ ح ١٩٩٧ نقلًا عن الحاكم في تاريخه عن الإمام علي عليه السلام.

٢ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٢ ح ٦٠٤٢، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧١ ح ٢٨، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١١ ح ٣٢٦٦ وفيه «غفرت له ذنوبه» بدل «حطت خطاياها»، الموطأ: ج ١ ص ٢٠٩ ح ٢١ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٠ ح ١٩٩١، مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٢٤ ح ٥٩٩٦ نقلًا عن درر اللآلي.

٣ . مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٧٣ ح ٢١٨٠٠، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٦ ح ١٨٩٧ كلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٦ ح ٣٩٠٨.

٤ . المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٧٩ ح ٧٦٣٨، كنز العمال: ج ١ ص ٦١ ح ٢١٠.

۷۳۷. پیامبر خدا ﷺ: این دو کلمه به هم بسته را بسیار بگویید: «پاکا خدا، و ستایش، او را».

۷۳۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در یک روز صد مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را»، گناهانش فرو می‌ریزند، هر چند به اندازه کف دریا باشند.

۷۳۹. پیامبر خدا ﷺ: هیچ یک از شما این را ترک نکند که وقتی صبح خود را می‌آغازد، هزار کار نیک برای خداوند ﷻ انجام داده است؛ [این که] یک صد مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را». این، برابر با هزار کار نیک است؛ زیرا به خواست خدا، هرگز در یک روز، این اندازه گناه نخواهد کرد، و بجز این، کارهای نیک فراوان دیگری هم هست که انجام دهد.

۷۵۰. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو طلحة انصاری -: پیامبر خدا فرمود: «هر کس بگوید: "معبودی جز خدای یکتا نیست (لا إله إلا الله)"، به بهشت می‌رود و بهشت بر او واجب می‌گردد، و هر کس یکصد مرتبه بگوید: "پاکا خدا، و ستایش، او را"، خداوند برایش هزار و بیست و چهار ثواب می‌نویسد».

گفتند: ای پیامبر خدا! در این صورت، هیچ یک از ما هلاک [و جهنمی] نخواهد شد!

فرمود: «آری. فردی از شما چندان کار نیک به جای می‌آورد که اگر بر کوهی نهاده شوند، آن را گران‌بار می‌کنند؛ اما سپس نعمت‌ها می‌آیند و آنها را از بین می‌برند، و سپس بار دیگر، رحمت خداوند سر بر می‌دارد».

۷۵۱. مسند ابن حنبل - به نقل از ربیعة بن کعب -: من به پیامبر خدا خدمت می‌کردم و تمام روزم را به رفع نیازهای ایشان می‌پرداختم تا آن که پیامبر خدا، نماز عشا را می‌خواند، و چون به خانه‌اش می‌رفت، من جلو در می‌نشستم؛ چرا که

سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، حَتَّى أَمَلَّ فَأَرْجِعَ أَوْ تَغْلِيْتَنِي عَيْنِي، فَأَرْقُدُ. ١

٧٥٢. صحيح مسلم عن أبي ذر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ؟ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ! فَقَالَ: إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. ٢

٧٥٣. سنن الترمذي عن أبي ذر - أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: - يَا أَبِي أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْكَلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ ﷻ؟ قَالَ: مَا اصْطَفَى اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ؛ سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ. ٣

٧٥٤. رسول الله ﷺ: كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. ٤

٧٥٥. عنه ﷺ: قولوا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ؛ مَنْ قَالَهَا مَرَّةً كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا، وَمَنْ قَالَهَا عَشْرًا كُتِبَتْ لَهُ مِئَةٌ، وَمَنْ قَالَهَا مِئَةَ كُتِبَتْ لَهُ أَلْفًا، وَمَنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ، وَمَنْ اسْتَفْفَرَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. ٥

١. مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥٧١ ح ١٦٥٧٩، المعجم الكبير: ج ٥ ص ٥٧ ح ٤٥٧٦ نحوه، تاريخ دمشق: ج ٤ ص ٣١٩.

٢. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٣ ح ٨٥، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٧٦ ح ٣٥٩٣، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٢٦ ح ٢١٥٨٥ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٢٠٢٦.

٣. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٧٦ ح ٣٥٩٣، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٣ ح ٨٤، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٧٣ ح ٢١٣٧٨ وص ١٢٦ ح ٢١٥٨٥، الدعاء للطبراني: ص ٤٧٨ ح ١٦٧٧ و ١٦٧٨ كلها نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٠ ح ١٨٤٦، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١٠.

٤. صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٢ ح ٦٠٤٣ و ج ٦ ص ٢٤٥٩ ح ٦٣٠٤، صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٧٢ ح ٣١، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١٢ ح ٣٤٦٧، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥١ ح ٣٨٠٦، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٢ ح ٧١٧٠ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠٧.

٥. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١٣ ح ٣٣٧٠ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١٤.

می‌گفتم: شاید پیامبر خدا کاری داشته باشد. می‌شنیدم که ایشان، آن قدر «پاکا او، پاکا او، پاکا او و ستایش، او را! (سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله و بحمده)» می‌گفت که من، خسته می‌شدم و بر می‌گشتم، یا خواب مرا می‌گرفت و می‌خوابیدم.

۷۵۲. صحیح مسلم - به نقل از ابو ذر - : پیامبر خدا فرمود: «آیا تو را از محبوب‌ترین سخن نزد خداوند آگاه نکنم؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! مرا از محبوب‌ترین سخن نزد خداوند، آگاه ساز.

فرمود: «محبوب‌ترین سخن نزد خداوند، "پاکا خدا، و ستایش، او را!" است».

۷۵۳. سنن القرمذی - به نقل از ابو ذر - : به پیامبر خدا گفتم: پدرم به فدایت، ای پیامبر

خدا! کدام سخن نزد خداوند، محبوب‌تر است؟

فرمود: «همان که خدا برای فرشتگانش برگزید: "پاکا پروردگار من، و ستایش، او را! پاکا پروردگار من، و ستایش، او را!"».

۷۵۴. پیامبر خدا ﷺ: دو سخن است که بر زبان سبک‌اند، در ترازو [ای اعمال] سنگین‌اند و

نزد خداوند مهربان، محبوب‌اند: «پاکا خدای بزرگ! پاکا خدا و ستایش، او را!».

۷۵۵. پیامبر خدا ﷺ: صد بار بگویند: «پاکا خدا، و ستایش، او را!»، که هر کس یک بار این

سخن را بگوید، ده بار برایش نوشته می‌شود، و هر که ده بار بگوید، صد بار

برایش نوشته می‌شود، و هر کس صد بار بگوید، هزار بار برایش نوشته می‌شود،

و هر کس بیشتر بگوید، خداوند بیشتر برایش می‌نویسد، و هر کس آمرزش

بطلبد، خداوند او را می‌آمرزد.

٧٥٦ . عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ

أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَمَنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ، وَمَنْ اسْتَغْفَرَ غَفَّرَ اللَّهُ لَهُ. ١.

٧٥٧ . الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» مِنْ غَيْرِ تَعَجُّبٍ، كَتَبَ اللَّهُ

تَعَالَى لَهُ مِئَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ دَرَجَةٍ. ٢.

٧٥٨ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» كَتَبَ اللَّهُ

لَهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ حَسَنَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ ثَلَاثَةَ آلَافِ دَرَجَةٍ، وَخَلَقَ مِنْهَا طَائِرًا فِي الْجَنَّةِ

يُسَبِّحُ اللَّهَ وَكَانَ أَجْرُ تَسْبِيحِهِ لَهُ. ٣.

٧٥٩ . عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، مَحَا اللَّهُ

عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَأَثَبَتْ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَكَتَبَ لَهُ أَلْفَ شَفَاعَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ،

وَخَلَقَ لَهُ مِنْ تِلْكَ الْكَلِمَةِ طَائِرًا أبيض (يَطِيرُ) وَيَقُولُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ

اللَّهِ الْعَظِيمِ» إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَيُكْتَبُ لِقَائِهَا. ٤.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی
٣ / ٣

الْحَثُّ عَلَى فِرَاءِ الْمُسَبِّحَاتِ

٧٦٠ . الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحَاتِ ٥ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ، وَإِنْ

مَاتَ كَانَ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عليه السلام. ٦.

١ . معاني الأخبار: ص ٤١١ ح ٩٨ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٧.

٢ . كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣١٣، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٤.

٣ . ثواب الأعمال: ص ٢٧ ح ١ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٢ ح ١٧.

٤ . فلاح السائل: ص ٣٨٨ ح ٢٦٤ عن محمد بن طلحة، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٧٠ ح ٣٩.

٥ . هي سورة الحديد والحشر والصف والجمعة والتغابن.

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٦٢٠ ح ٣، ثواب الأعمال: ص ١٤٦ ح ٢ كلاهما عن جابر، بحار الأنوار: ج ٧٦

۷۵۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را»، خداوند، برایش هزار هزار نیکی [و پاداش] می‌نویسد و هزار هزار بدی را از او می‌زداید و او را هزار هزار درجه بالا می‌برد، و هر که بیشتر بگوید، خداوند به او بیشتر می‌دهد، و هر کس آمرزش بطلبد، خداوند او را می‌آمرزد.

۷۵۷. امام زین العابدین علیه السلام: هر کس نه از روی تعجب^۱ بگوید: «پاکا خدای بزرگ، و ستایش، او را»، خدای متعال برایش یک صد هزار نیکی می‌نویسد و سه هزار بدی از او می‌زداید و سه هزار درجه بالای او می‌برد.

۷۵۸. امام صادق علیه السلام: هر کس بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را پاکا خدای بزرگ، و ستایش، او را»، خداوند برایش سه هزار نیکی می‌نویسد و سه هزار درجه بالای او می‌برد، و از آن [جمله] پرنده‌ای در بهشت می‌آفریند که خدای را تسبیح گوید و مزد تسبیحش برای آن کس باشد.

۷۵۹. امام صادق علیه السلام: هر کس، نه از روی تعجب، بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را پاکا خدای بزرگ»، خداوند، هزار گناه را از او پاک می‌کند و هزار نیکی برایش ثبت می‌کند و هزار شفاعت برایش می‌نویسد و هزار درجه او را بالا می‌برد، و از آن جمله پرنده‌ای پدید می‌آفریند [که پرواز کند] و تا روز قیامت بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را پاکا خدای بزرگ» و اینها برای گوینده‌اش نوشته می‌شود.

۴ / ۳

تشویق به خواندن مسَبِّحات

۷۶۰. امام باقر علیه السلام: هر کس پیش از آن که بخوابد، همه مسَبِّحات^۲ را بخواند، نمی‌میرد تا آن که قائم علیه السلام را درک کند، و اگر بمیرد، در جوار محمد پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود.

۱. یعنی برای تسبیح و تحمید خدا بگوید، چون این جمله را در هنگام تعجب کردن از چیزی هم به زبان می‌آورند.

۲. یعنی سوره‌هایی که اول آنها «سَبِّح» یا «سَبِّحْ» است که عبارت‌اند از سوره‌های: حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن.

٧٦١ . سنن أبي داود عن العرياض بن سارية: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرُقُدَ. وَقَالَ: إِنَّ فِيهِنَّ آيَةً أَفْضَلَ مِنْ أَلْفِ آيَةٍ ١.



مركز تحقيقات كميوتير علوم إسلامي

۷۶۱. سنن ابی داوود - به نقل از عرباض بن ساریه :- پیامبر خدا، پیش از آن که به رخت خواب برود، مسَبِّحات را می خواند و می فرمود: «در این سوره ها آیه ای است که از هزار آیه برتر است».



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الفصل الرابع
بَرَكَاتُ التَّسْبِيحِ

١ / ٤

زَوَالُ الْحُزَنِ

الكتاب

﴿قَلُوا لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^١

﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي
الْمُؤْمِنِينَ﴾^٢

الحديث

٧٦٢ . رسول الله ﷺ: لَقَدْ كَانَ دُعَاءُ أَخِي يُونُسَ عَجَبًا أَوَّلُهُ تَهْلِيلٌ، وَأَوَاسِطُهُ تَسْبِيحٌ، وَآخِرُهُ

١ . الصافات: ١٢٣ و ١٢٤ .

قال العلامة الطباطبائي رحمه الله: الظاهر إن المراد بتسبيحه نداءه في الظلمات بقوله: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ الأنبياء: ٨٧، وقد قدم التهليل ليكون كالعلة المبينة لتسبيحه، كأنه يقول: لا معبود
بالحق يتوجه إليه غيرك، فأنت منزّه مما كان يشعر به فعلي أنني أبق منك معرض عن عبوديتك، متوجه إلى
سواك، إنني كنت ظالماً لنفسي في فعلي، فها أنا متوجه إليك متبرئ مما كان يشعر به فعلي من التوجه عنك
إلى غيرك (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٧ ص ١٦٤).

٢ . الأنبياء: ٨٧ و ٨٨ .

فصل چهارم

برکات تسبیح کفتن

۱/۳

رفع اندوه



قرآن

«و اگر او (یونس) از زمره تسبیح کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شوند، در شکم آن [ماهی] می‌ماند».

«و «ذو النون» را [یاد کن] آن گاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکی‌ها ندا در داد که: «معبودی جز تو نیست. پاک‌تو! راستی که من از ستمکاران بودم». پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می‌دهیم».

حدیث

۷۶۲. پیامبر خدا ﷺ: دعای برادرم یونس، [دعایی] شگفت بود: آغازش «لا إله إلا الله»، میانش تسبیح خدا، و پایانش اقرار به گناه بود: «معبودی جز تو نیست. پاک‌تو!

إقراراً بالذنب: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾.

ما دَعَا بِهِ مَهْمُومٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مَدْيُونٌ فِي يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ.^١

٧٦٣. عنه عليه السلام: هَذِهِ الْآيَةُ مَفْرَعٌ لِلْأَنْبِيَاءِ ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ نَادَى بِهَا يُونُسُ فِي ظُلْمَةٍ بَطْنِ الْحَوْتِ.^٢

٧٦٤. الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعٌ لِأَرْبَعٍ... وَالرَّابِعَةُ لِلْغَمِّ وَالْهَمِّ: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: ﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾.

٧٦٥. عنه عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ اغْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾.^٣



مرکز تحقیقات و پژوهش
٢/٣
زوال الفقر

٧٦٦. الإمام علي عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرَهَا الْفَقْرُ.^٥

١. الفردوس: ج ٣ ص ٤٣٢ ح ٥٣٢٥ عن ابن عباس، كتر العمال: ج ٢ ص ١٢١ ح ٣٤٢٨.
٢. الفردوس: ج ٤ ص ٣٣١ ح ٦٩٥٩، الدر المنثور: ج ٥ ص ٦٦٩ نقلاً عن ابن مردويه وكلاهما عن أبي هريرة.
٣. تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٧٠ ح ٣٢٩ عن كرام.
٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٢ ح ٥٨٣٦، الخصال: ص ٢١٨ ح ٤٣، الأمالي للصدوق: ص ٥٥ ح ١٩ كلها عن محمد بن حمران، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٧٨٤ ح ١.
٥. الخصال: ص ٥٠٥ ح ٢ عن سعيد بن علقمة، مشكاة الأنوار: ص ٢٣٠ ح ٦٤٥، روضة الواعظين: ص ٤٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٨ ح ٩.

راستی که من از ستمکاران بودم». هر نگران یا غمناک یا دردمند یا بدهکاری، سه بار در روز این دعا را بخواند، دعایش مستجاب می‌شود.

۷۶۳. پیامبر خدا ﷺ: این آیه، پناهگاه پیامبران بوده است: «معبودی جز تو نیست. پاکا تو! راستی که من از ستمکاران بودم». یونس در تاریکی شکم ماهی، این دعا را خواند.

۷۶۴. امام صادق علیه السلام: چهار آیه برای چهار چیز است... و آیه چهارم، برای غم و اندوه است: «معبودی جز تو نیست. پاکا تو! راستی که من از ستمکاران بودم». خداوند سبحان، فرموده است: «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می‌دهیم».

۷۶۵. امام صادق علیه السلام: در شگفتم از کسی که اندوهگین است، که چرا به این سخن خدای متعال پناه نمی‌برد: «معبودی جز تو نیست. پاکا تو! راستی که من از ستمکاران بودم»؛ چرا که شنیدم خداوند تعالی می‌فرماید: «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] این چنین نجات می‌دهیم».

۲ / ۲

رفع ناداری

۷۶۶. امام علی علیه السلام: هر کس هر روز، سی مرتبه خدا را تسبیح بگوید، خداوند، هفتاد نوع بلا را از او دفع می‌کند که آسان‌ترین آنها ناداری است.

٧٦٧ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً،
إِسْتَقْبَلَ الْغِنَى وَاسْتَدْبَرَ الْفَقْرَ، وَقَرَعَ بَابَ الْجَنَّةِ.^١

٣ / ٤

غُفْرَانُ الذُّنُوبِ

٧٦٨ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى صَلَاةً مَكْتُوبَةً، ثُمَّ سَبَّحَ فِي دُبُرِهَا ثَلَاثِينَ مَرَّةً، لَمْ يَبْقَ عَلَيْهِ
بَدَنِهِ شَيْءٌ مِنَ الذُّنُوبِ إِلَّا تَنَاءَتْ.^٢

٤ / ٤

الْجَنَّةُ

٧٦٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ.^٣
٧٧٠ . عنه عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِلَّا وَلَهُ وَكَيْلٌ فِي الْجَنَّةِ، إِنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ بَنَى لَهُ الْقُصُورَ،
وَإِنْ سَبَّحَ غُرِسَ لَهُ الْأَشْجَارَ، وَإِنْ كَفَّ كَفَّ.^٤

٧٧١ . عنه عليه السلام: قَالَ مُوسَى عليه السلام: ... إِلَهِي أُرِيدُ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ وَثِمَارِهَا.

قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَةً فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.^٥

٧٧٢ . عنه عليه السلام: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، مَرَرْتُ عَلَى قَصْرِ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ بَيْضَاءَ، فَقُلْتُ:

- ١ . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٣٥٥ ح ٢٣٦ عن حماد بن واقد، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٧ ح ٥.
- ٢ . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٣٤٥ ح ٢١٦ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢١ ح ١٩.
- ٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١١ ح ٣٤٦٤، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢٠٧ ح ١٠٦٦٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٠ ح ١٨٤٧ وليس فيهما «وبحمده»، صحیح ابن حبان: ج ٢ ص ١٠٩ ح ٨٢٦ كلها عن جابر، كنز العمال: ج ١ ص ٢٥٩ ح ١٩٨٨.
- ٤ . الفردوس: ج ٤ ص ٢٧ ح ٦٠٨٠ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٥٢٩ ح ٢٤٥٨.
- ٥ . الإقبال: ج ١ ص ٣٢٥، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٤٥ ح ٣.

۷۶۷. امام صادق علیه السلام: هر کس سی مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را» پاکا خداوند بزرگ، به توانگری روی می آورد و به ناداری پشت می کند و در بهشت را می گوید.

۳/۴

آمزش کناهان

۷۶۸. امام صادق علیه السلام: هر کس نماز واجبی را بخواند و سپس در پی آن، سی مرتبه «سبحان الله» بگوید، همه گناهان از بدن او فرو می ریزند.

۴/۴



۷۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «پاکا خدای بزرگ، و ستایش، او را»، یک خرمائین برایش در بهشت کاشته می شود.

۷۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آن که در بهشت نماینده ای دارد. هر گاه قرآن بخواند، آن نماینده برایش کاخ ها می سازد، و هر گاه تسبیح بگوید، برایش درختان می کارد، و هر گاه [از خواندن قرآن و تسبیح گوئی] باز ایستد، آن نماینده نیز [از ساختن و کاشتن] باز می ایستد.

۷۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام گفت: ... معبود! از درختان و میوه های بهشت می خواهم، خداوند فرمود: «اینها برای کسی است که در شب قدر، تسبیح بگوید».

۷۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون به آسمان چهارم برده شدم، بر کاخی گذشتم که از مروارید

لِمَنْ هَذَا يَا حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ؟

قَالَ: لِمَنْ يَقْرَأُ كُلَّ يَوْمٍ: «سُبْحَانَ اللَّهِ بِعَدَدِ مَا خَلَقَ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِعَدَدِ مَا هُوَ خَالِقٌ

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ١



مركز تحقيقات كميوتير علوم اسدي

سپید بود. گفتم: جبرئیل عزیزم! این، از آن کیست؟
گفت: از آن کسی که هر روز پانزده مرتبه بگوید: «پاکا خداوند، به شمار آنچه
آفرید! پاکا خداوند، به شمار آنچه تا روز رستاخیز می آفریند!». و ستایش،
خدای را که پروردگار جهانیان است.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

القَصْدُ الخَامِسُ

أَوْقَاتُ السَّبِيحِ

١ / ٥

الصَّبَاحُ وَالْمَسَاءُ

الكتاب

﴿فَسُبِّحْنَ اللَّهَ جِئْنَ تَفْسُونَ وَجِئْنَ تُصْبِحُونَ * وَلَهُ الْحَقُّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَجِئْنَ تَظْهَرُونَ﴾^١

﴿فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾^٢

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾^٣

﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعُ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ

١ . الروم: ١٧ و ١٨ .

٢ . مريم: ١١ .

٣ . أي نزهه سبحانه مصاحباً لحمده على جميع آلائه ، مستمراً متوالياً بتوالي الأيام ، أو في كل صباح ومساء ، وكونه بالعشي والإبكار على المعنى الأول من قبيل الكناية . وقيل : المراد به صلاتا الصبح والعصر (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٧ ص ٣٤١) .

٤ . غافر: ٥٥ .

فصل پنجم اوقات تسبیح گفتن

۱/۵

بامداد و شامگاه



قرآن

«پاکا خدا، آن گاه که شب را آغاز می‌کنید و آن گاه که صبح می‌کنید! و ستایش، از آن اوست در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید.»

«پس، از محراب، بر قوم خویش در آمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب، به نیایش بپردازید.»

«پس شکیبایی کن که وعده خدا حق است، و برای گناهت آمرزش بخواه و به ستایش پروردگارت، شامگاهان و بامدادان، ستایشگر باش.»

«در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت آنها] رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن [خانه]‌ها هر بامداد و شامگاه، مردانی او را نیایش می‌کنند که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌هراسند.»

وَالْأَبْصُرُ ٢.١

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ ٢.٣

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * لِيَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ
بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ ٥.

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَل لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْرًا وَاذْكُرَ رَبُّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ
بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾ ٦.

﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ ٧.

ولجع: ص ١٧٠ (أهم مواطن الذكر / الغداة والعشي).

١ . قوله تعالى: ﴿يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالًا﴾ إلى آخر الآية، تسبيحه تعالى: تنزيهه عن كل ما لا يليق بساحة قدسه، والغدو: جمع غداة وهو الصبح، والآصال: جمع أصيل وهو العصر... وكون التسبيح بالغدو والآصال كناية عن استمرارهم فيه، لأن التسبيح مقصور في الوقتين لا يسبح له في غيرهما. والاكتماء بالتسبيح من غير ذكر التحميد معه؛ لأنه تعالى معلوم بجميع صفاته الكمالية لا سترة عليه، إذ المفروض أنه نور، والنور هو الظاهر بذاته المظهر لغيره، وإنما يحتاج خلوص المعرفة إلى نفي النقائص عنه وتنزيهه عما لا يليق به. فإذا تم التسبيح لم يبق معه غيره وتمت المعرفة، ثم إذا تمت المعرفة وقع الثناء والحمد. وبالجملة: التوصيف بصفات الكمال موقعه بعد حصول المعرفة، كما قال تعالى: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ﴾ (الصافات: ١٥٩ و ١٦٠)، فنزّهه عما يصفونه به إلا ما وصفه به من أخلصهم لنفسه من عباده (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٥ ص ١٢٦).

٢ . النور: ٣٦ و ٣٧.

٣ . التسبيح هو التنزيه، وهو مثل الذكر لا يتوقف على اللفظ وإن كان التلقظ بمثل «سبحان الله» بعض مصاديق التسبيح. والبكرة: أول النهار، والأصيل: آخره بعد العصر، وتقييد التسبيح بالبكرة والأصيل لما فيهما من تحوّل الأحوال فيناسب تسبيحه وتنزيهه من التغيير والتحوّل، وكلّ نقص طار، ويمكن أن يكون البكرة والأصيل معاً كناية عن الدوام؛ كالليل والنهار في قوله: ﴿يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾ (فصلت: ٣٨) (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٦ ص ٣٢٨).

٤ . الأحزاب: ٤١ و ٤٢.

٥ . الفتح: ٨ و ٩.

٦ . آل عمران: ٤١.

٧ . ص: ١٨.

﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را یاد کنید، یادی بسیار. و صبح و شام، او را به پاکی بستایید﴾.

﴿[ای پیامبر!] ما تو را [به سِمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارج نهید، و خدا را بامدادان و شامگاهان، به پاکی بستایید﴾.

﴿گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده. فرمود: «نشانه‌ات این است که سه روز با مردم، جز به اشاره سخن نگویی؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن، و شبانگاه و بامدادان، [او را] تسبیح گوی﴾.

﴿ما کوه‌ها را با او مسخّر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان، خداوند را نیایش می‌کردند﴾.

ر.ک: من ۱۷۱ (مهم‌ترین اوقات یاد خدا / بامدادان و شامگاهان).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

الحديث

٧٧٣ . رسول الله ﷺ - في مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ - : يَا بْنَ مَسْعُودٍ ، اصْبِرْ مَعَ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ وَيُسَبِّحُونَهُ وَيُهَلِّلُونَهُ وَيَحْمَدُونَهُ وَيَعْمَلُونَ بِطَاعَتِهِ وَيَدْعُونَ بِكُرَّةٍ وَعَشِيًّا ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : ﴿ وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ ﴾^١ ﴿ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾^٢ .

٧٧٤ . عنه ﷺ : مَنْ سَبَّحَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ سَبْعِينَ تَسْبِيحَةً ، عُفِرَ لَهُ سَائِرُ عَمَلِهِ^٣ .

٧٧٥ . عنه ﷺ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ لِمَ سَمَّى اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَهُ الَّذِي وَفَى؟ لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ كُلَّمَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى : ﴿ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴾ حَتَّى يُتِمَّ الْآيَةَ^٤ .

٧٧٦ . الإمام علي عليه السلام : مَنْ قَالَ حِينَ يُمَسِّي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : ﴿ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿ لَمْ يَفْتَهُ خَيْرٌ يَكُونُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ ، وَصُرِفَ عَنْهُ جَمِيعُ شَرِّهَا .

وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُصْبِحُ ، لَمْ يَفْتَهُ خَيْرٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ، وَصُرِفَ عَنْهُ جَمِيعُ شَرِّهِ^٥ .

٧٧٧ . رسول الله ﷺ : مَنْ قَالَ : « سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ » مِثَّةً مَرَّةً قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ ، وَمِثَّةً قَبْلَ

١ . الكهف : ٢٨ .

٢ . الأنعام : ٥٢ .

٣ . مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٥٧ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ١٠٧ ح ١ .

٤ . الفردوس : ج ٣ ص ٥٢٣ ح ٥٦٣٤ عن معاوية بن حيدة ، كنز العمال : ج ١ ص ٢٧٣ ح ٢٠٥٧ .

٥ . مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٩٤ ح ٦١٧١ نقلاً عن درر اللآلي عن سهل .

٦ . ثواب الأعمال : ص ١٩٩ ح ١ ، الأمالي للصدوق : ص ٦٧٤ ح ٩١٢ كلاهما عن الحارث ، مكارم الأخلاق :

ج ٢ ص ٨١ ح ٢٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٢٥٣ ح ١٩ .

حدیث

۷۷۳. پیامبر خدا ﷺ - در اندرزش به ابن مسعود - : ای پسر مسعود! همگام با آنان که خدا را یاد می‌کنند و او را به پاکی و یگانگی می‌ستایند و ستایشش می‌کنند و فرمانش می‌برند و هر بام و شام، او را می‌خوانند، شکیبایی کن؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «و با آنان که بام و شام پروردگارشان را می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند، شکیبایی کن، و چشمانت از آنان در نگذرد (نادیده‌شان مگیر)»، «نه از حساب آنان بر عهده تو، چیزی است، و نه از حساب تو بر عهده آنان چیزی است تا آنها را برانی و از ستمکاران باشی».

۷۷۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس هنگام غروب آفتاب، هفتاد تسبیح بگوید، همه اعمالش آمرزیده می‌شود.

۷۷۵. پیامبر خدا ﷺ: آیا به شما خبر ندهم که چرا خداوند، ابراهیم را دوست و فادار خود نامید؟ چون هر بامداد و شامگاه می‌گفت: «پاکا خدا، آن گاه که شب می‌کنید و آن گاه که صبح می‌کنید!» تا پایان آیه.

۷۷۶. امام علی علیه السلام: هر کس زمانی که شب را می‌آغازد، سه مرتبه بگوید: «پاکا خدا، آن گاه که شب را می‌آغازید و آن گاه که صبح می‌کنید!» و ستایش، از آن اوست در آسمان‌ها و زمین و در شامگاهان و وقتی که به نیم‌روز می‌رسید، هیچ خیری را در آن شب از دست نمی‌دهد، و همه بدی‌های (گزنده‌های) آن شب، از او دفع می‌شود.

و هر کس زمانی که صبح خود را می‌آغازد، چنین بگوید، هیچ خیری را در آن روز از دست نمی‌دهد و همه بدی‌های (گزنده‌های) آن روز نیز از او دفع می‌شود.

۷۷۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس پیش از طلوع و غروب آفتاب، صد مرتبه بگوید: «پاکا

غروبها، كان أفضل من مئة بدنة^١.

٧٧٨. عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ، إِلَّا أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ^٢.

٧٧٩. عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» أَلْفَ مَرَّةٍ، فَقَدْ اشْتَرَى نَفْسَهُ مِنَ اللَّهِ، وَكَانَ آخِرَ يَوْمِهِ عَتِيقاً مِنَ النَّارِ^٣.

٧٨٠. عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» مَرَّةً إِذَا أَصْبَحَ وَمَرَّةً إِذَا أَمْسَى، بَعَثَ اللَّهُ مَلَكاً إِلَى الْجَنَّةِ مَعَهُ مِكْسَاحٌ^٥ مِنَ الْفِضَّةِ، وَيَكْسَحُ لَهُ مِنْ طِينِ الْجَنَّةِ، وَهُوَ مِسْكٌ أَذْفَرُ، ثُمَّ يَغْرِسُ لَهُ غَرْساً، ثُمَّ يُحِيطُ عَلَيْهِ حَائِطاً، ثُمَّ يُيَوِّبُ عَلَيْهِ بَاباً، ثُمَّ يُغْلِقُهُ، ثُمَّ يَكْتُبُ عَلَى الْبَابِ: هَذَا بُسْتَانُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ^٦.

٧٨١. الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي الْمُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ - : وَأُوْدِعْ نُفُوسَنَا خَوْفَ الْمُشْفِقِينَ مِنْ سِوَى الْحِسَابِ، وَرَجَاءِ الْوَائِقِينَ بِتَوْفِيرِ الثَّوَابِ، فَلَا نَغْتَرَّ بِالْإِمْهَالِ، وَلَا نُقْصِرَ فِي صَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَلَا نَفْتُرَ^٧ مِنَ التَّسْبِيحِ بِحَمْدِكَ فِي الْغُدُوِّ وَالْآصَالِ^٨.

راجع: ج ٢ ص ٢٢٠ (قبل طلوع الشمس وقبل غروبها) وص ٢٢٢ (الصباح والمساء).

١. البَدَنَةُ تقع على الجمل والناقة والبقرة، وهي بالليل أشبه. وسميت بدنة لعظمها ويسمونها (النهاية: ج ١ ص ١٠٨ «بدن»).

٢. كنز العمال: ج ٢ ص ١٦٦ ح ٣٥٩٤ نقلاً عن الديلمي عن ابن عمرو.

٣. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧١ ح ٢٩، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١٣ ح ٣٤٦٩، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٠٤ ح ٨٨٤٣ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٢ ص ١٣٩ ح ٣٤٩٩.

٤. بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨١ ح ٤٤ نقلاً عن الشهيد عليه السلام؛ كنز العمال: ج ٢ ص ١٥٨ ح ٣٥٦٨ نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق وليس فيه «وكان آخر يومه عتيقاً من النار» وكلاهما عن ابن عباس.

٥. كَسَحَ: كَتَسَ. وَالْمِكْسَاحَةُ: الْمَكْنَسَةُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٤٥ «كسح»).

٦. فلاح السائل: ص ٣٨٧ ح ٢٤٣ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٧٠ ح ٣٩.

٧. الْفُتْرَةُ: الْإِنْكَسَارُ وَالضَّعْفُ. وَفُتِرَ الشَّيْءُ وَالْحُرُّ وَفُلَانٌ: سَكَنَ بَعْدَ حِدَّةٍ، وَلَانَ بَعْدَ شِدَّةٍ (لسان العرب: ج ٥ ص ٢٣ «فتر»).

٨. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٧ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

خداوند، و ستایش، او را!»، [پاداشش] از صد شتر قربانی برایش بهتر است.

۷۷۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در آغاز روز و در آغاز شب، صد مرتبه «پاکا خدا، و ستایش، او را!» بگوید، در روز قیامت، هیچ کس عملی برتر از آنچه او آورده است، نمی آورد، مگر کسی که او نیز صد مرتبه یا بیشتر این جمله را گفته باشد.

۷۷۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس، چون صبح کند، هزار بار بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را!»، خویشتن را از خدا خریده است و واپسین روزش، [روز] آزادی از آتش خواهد بود.

۷۸۰. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در شروع صبح و شب، یک مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش، او را! پاکا خدای بزرگ!»، خداوند، فرشته‌ای را به بهشت می فرستد که جارویی از نقره دارد و [فرشته] از گِل بهشت - که مُشکی بسیار خوش بوست -، برای او جارو می کند و سپس نهالی برایش می کارد و بر گرد آن دیواری می کشد و بر آن دیوار، دری نصب می کند و سپس بر آن قفلی می زند و آن گاه بر آن در می نویسد: «این باغِ فلانی، پسر فلانی است».

۷۸۱. امام زین العابدین ﷺ - در «مناجات انجلیه» - : [ترسی چون] ترس ترسندگان از سختی حساب [قیامت] و [امیدی چون] امید آنان که به فراوانی پاداش [آخروی] اعتماد دارند، در جان ما قرار ده تا فریب مهلت [عمری که به ما داده‌ای] را نخوریم، و در کارهای نیک، کوتاهی نوزیم، و از تسبیح و ستایش در صبح و شام، سست نشویم.

آناء الليل أطراف النهار

الكتاب

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾ ٢.١

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ * وَمِنْ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ﴾ ٣.

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا * وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * وَمِنْ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ ٥.٢

١. هل المراد بأطراف النهار ما قبل طلوع الشمس وما قبل غروبها أو غير ذلك؟

اختلفت فيه كلمات المفسرين؛ كما اختلفوا أيضاً في المراد من التسبيح، وما ذكر في الآية من التسبيح مطلق لا دلالة فيها من جهة اللفظ على أن المراد به الفرائض اليومية من الصلوات، وإن أصر أكثر المفسرين على أن المراد بالتسبيح الصلاة (انظر: الميزان في تفسير القرآن: ج ١٤ ص ٢٣٥ وتفسير نمونه:

ج ١٣ ص ٣٣٧ والتفاسير الأخرى)، من تحتية كالتسبيح بطول يومه

٢. طه: ١٣٠.

٣. ق: ٣٩ و ٤٠.

٤. قوله تعالى: ﴿وَمِنْ آثَاءِ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ «من» للتبويض، والمراد بالسجود له: الصلاة، ويقبل ما في الآيتين - من ذكر اسمه بكرة وأصيلاً والسجود له بعض الليل - الانطباق على صلاة الصبح والعصر والمغرب والعشاء، وهذا يؤيد نزول الآيات بمكة قبل فرض الفرائض الخمس، بقوله في آية الإسراء: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ (الإسراء: ٧٨).

فالآيتان كقوله تعالى: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَعَايَ اللَّيْلِ﴾ (هود: ١١٤) وقوله: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ﴾ (طه: ١٣٠).

نعم قيل: على أن الأصيل يطلق على ما بعد الزوال، فيشمل قوله: ﴿وَأَصِيلًا﴾ وقتي صلاتي الظهر والعصر جميعاً، ولا يخلو من وجه.

وقوله: ﴿وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ أي في ليل طويل، ووصف الليل بالطويل توضيحي لا احترازي، والمراد بالتسبيح صلاة الليل، واحتمل أن يكون «طويلاً» صفة لمفعول مطلق محذوف، والتقدير: سبّحه في الليل تسبيحاً طويلاً (الميزان في تفسير القرآن: ج ٢٠ ص ١٤١).

٥. الإنسان: ٢٢ - ٢٦.

۲/۵

در اوقات شب و کرانه های روز

قرآن

﴿پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی. و پاره ای از ساعات شب و حوالی روز^۱ را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی﴾.

﴿و بر آنچه می گویند، شکبیا باش، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، به ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی. و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی﴾.

﴿پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن، و از آنان، گناهکار یا ناسپاس گزار را فرمان مَبْر، و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن، و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب [های] دراز، او را به پاکی بستای﴾.^۲



۱. آیا منظور از دو سوی روز، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن است، یا جز این است؟ سخنان مفسران درباره آن متفاوت است، همان گونه که آنان در باره مراد از «تسبیح» هم اختلاف دارند. تسبیحی که در آیه آمده، مطلق است و از جهت لفظی دلالت ندارد که مراد، نمازهای یومیه باشد، هر چند بسیاری از مفسران، اصرار دارند که مراد از تسبیح، نماز است. (ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۴ ص ۲۳۵ و تفسیر نمونه: ج ۱۳ ص ۳۳۷ و دیگر تفاسیر).

۲. مراد از سجده برای خدای در این سخن خداوند: ﴿پاره ای از شب را برای خدا سجده کن و شب هنگام به مدّت طولانی، تسبیح او گوی﴾، نماز است. آنچه در این دو آیه آمده، یعنی یادکرد نام خداوند در صبحگاهان و عصرگاهان و سجده برای او در ساعاتی از شب، قابل انطباق بر نمازهای صبح و عصر و مغرب و عشاء است. مؤید این است که این آیات، قبل از واجب شدن نمازهای پنجگانه، در مکه نازل شده اند، [قبل از] سخن خداوند در آیه سوره اسراء که ﴿نماز را به پا دار از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب و نیز نماز صبح را﴾.

پس دو آیه، همانند این سخن خداوند متعال است: ﴿نماز را در دو سوی روز و بخشی از شب به جا آور﴾ و ﴿پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی. و پاره ای از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز﴾.

آری، گفته شده: «أصیل» به مطلق پس از زوال خورشید گفته می شود. بنا بر این، شامل دو نماز ظهر و عصر می شود. و این، البته عالی از نکه نیست.

این که فرمود: ﴿شب را به مدّت طولانی تسبیح بگو﴾، یعنی در شب طولانی. و توصیف شب، به طولانی، توضیحی است و نه احترازی. مراد از تسبیح، نماز شب است. احتمال هم دارد که «طویلاً» صفت مفعول مطلق محذوف باشد. و تقدیر آن، چنین است: در شب، خداوند را تسبیح طولانی کن (المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۲۰ ص ۱۴۱).

الحديث

٧٨٢ . رسول الله ﷺ - في قوله تعالى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾ -:

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ: صَلَاةُ الصُّبْحِ، وَقَبْلَ الْغُرُوبِ: صَلَاةُ الْعَصْرِ.^١

٧٨٣ . الخصال عن إسماعيل بن الفضل: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾، فَقَالَ: فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَقُولَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

قَالَ: فَقُلْتُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ،

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي.

فَقَالَ: يَا هَذَا، لَا شَكَّ فِي أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا

أَقُولُ.^٢

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

٧٨٤ . الإمام الصادق ع - لَمَّا سُئِلَ عَنِ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ

الْغُرُوبِ﴾ -: تَقُولُ حِينَ تُصْبِحُ وَحِينَ تُمَسِي عَشْرَ^٣ مَرَّاتٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^٤

٧٨٥ . عنه ع - فِي قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ -: أَمْرُهُ أَنْ يُصَلِّيَ فِي

سَاعَاتٍ مِنَ اللَّيْلِ، فَقَعَلَ ﷻ.^٥

١ . المعجم الأرسط: ج ٧ ص ١١٤ ح ٧٠١٤ عن جرير بن عبد الله.

٢ . الخصال: ص ٤٥٢ ح ٥٨، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٥٠ ح ١٥.

٣ . في المصدر: «عشرات»، والتصويب من بحار الأنوار.

٤ . مجمع البيان: ج ٩ ص ٢٢٥، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٣٢٨.

٥ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢١١، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٥٩ ح ٤٧.

حدیث

۷۸۲. پیامبر خدا ﷺ - در باره این سخن خداوند: «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی» :- «پیش از بر آمدن آفتاب»، نماز صبح، و «پیش از فرو شدن آن»، نماز عصر است.

۷۸۳. الخصال - به نقل از اسماعیل بن فضل :- از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند تعالی پرسیدم: «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی».

فرمود: «بر هر مسلمانی واجب است که پیش از طلوع آفتاب و نیز پیش از غروب آن، ده مرتبه بگوید: "معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی‌انباز است. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند، و خود، زنده نامیراست. خوبی، همه در دست اوست و او بر هر چیز، چیره است"».

من گفتم: معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی‌انباز است. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند.^۱
فرمود: «ای مرد! شکی نیست که خدا، زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند؛ اما چنان بگو که من می‌گویم».

۷۸۴. امام صادق علیه السلام - در پاسخ سؤال از این سخن خداوند متعال: «و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی» :- چون صبح کردی و نیز آن گاه که وارد شب شدی، ده مرتبه بگو: "معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی‌انباز است. پادشاهی و ستایش، از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند، و او بر هر چیز، چیره است"».

۷۸۵. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خداوند تعالی: «و لختی از شب، او را سجده کن و شبی دراز، تسبیحش گوی» :- به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که در ساعاتی از شب، نماز بخواند و پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد.

۱. یعنی «می‌میراند و زنده می‌کند» را من اضافه کردم.

- ٧٨٦ . مجمع البيان - في قوله تعالى: ﴿وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ - : رُوِيَ عَنِ الرَّضَاءِ أَنَّهُ سَأَلَهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ وَقَالَ: مَا ذَلِكَ التَّسْبِيحُ؟ قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ.^١
- ٧٨٧ . بحار الأنوار: في صُحُفِ إِدْرِيسٍ عليه السلام: سَأَلَتْ يَا أَخْنُوخُ عَمَّا يَقْرُبُكَ مِنَ اللَّهِ، ذَلِكَ أَنْ تُؤْمِنَ بِرَبِّكَ مِنْ كُلِّ قَلْبِكَ، وَتَبُوءَ^٢ بِذَنْبِكَ، وَبَعْدَ ذَلِكَ تَلْزَمَ رَحْمَةَ الْخَلْقِ، وَحُسْنَ الْخُلُقِ، وَإِيثَارَ الصَّدَقِ، وَأَدَاءَ الْحَقِّ، وَالْجُودَ مَعَ الرَّضَا بِمَا يَأْتِيكَ مِنَ الرِّزْقِ، وَإِكْتِازَ التَّسْبِيحِ بِالْعَشَايَا وَالْأَسْحَارِ وَأَطْرَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ.^٣

٣/٥

إِبَارَةُ النُّجُومِ

الكتاب

﴿وَأَضْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ * وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ
النُّجُومِ﴾^٤.



مركز البحوث والدراسات الإسلامية

- ١ . مجمع البيان: ج ١٠ ص ٦٢٦، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٣٢٩ وج ٨٧ ص ١٣٥.
- ٢ . أبوء بذنبي: أي التزيم وأرجع وأقر، وأصل البواء: اللزوم (النهاية: ج ١ ص ١٥٩ «بواء»).
- ٣ . بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٥٩.
- ٤ . الطور: ٤٨ و ٤٩.

قوله تعالى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ * وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ﴾ الباء في «بعمده للمصاحبة، أي سبِّح ربك ونزهه حال كونه مقارناً لعمده.

والمراد بقوله: ﴿حِينَ تَقُومُ﴾ قيل: هو القيام من النوم، وقيل: هو القيام من القنالة فهو صلاة الظهر، وقيل: هو القيام من المجلس، وقيل: هو كل قيام، وقيل: هو القيام إلى الفريضة، وقيل: هو القيام إلى كل صلاة، وقيل: هو الركعتان قبل فريضة الصبح، سبعة أقوال كما ذكره الطبرسي، وقوله: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ﴾ أي من الليل فسبِّح ربك فيه، والمراد به صلاة الليل، وقيل: المراد صلاتنا المغرب والعشاء الآخرة. وقوله تعالى: ﴿وَإِدْبَرَ النُّجُومِ﴾ قيل: المراد به وقت إدهار النجوم، وهو اختفائها بضوء الصبح، وهو الركعتان قبل فريضة الصبح، وقيل: المراد فريضة الصبح، وقيل: المراد تسبيحه تعالى صباحاً ومساءً من غير غفلة عن ذكره (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٩ ص ٢٤). ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ من أي مكان قمت، أو من منامك، أو إلى الصلاة ... ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ﴾ لأن العبادة فيه أشق على النفس وأبعد من الرأاء ... ﴿وَإِدْبَرَ النُّجُومِ﴾ وإذا أدبرت النجوم من آخر الليل (تفسير البيضاوي: ج ٢ ص ٢٠١ ح ٢٨ و ٢٩، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٠٨).

۷۸۶. مجمع البیان - در باره سخن خداوند متعال: ﴿و شبی دراز، تسبیحش گوی﴾ - روایت شده است که احمد بن محمد، از امام رضا علیه السلام در باره این آیه پرسید و گفت: مراد از این تسبیح چیست؟ فرمود: «نماز شب».

۷۸۷. بحار الأنوار: در صحف ادریس علیه السلام آمده است: «ای اخنوخ! از آنچه تو را به خدا نزدیک می گرداند، پرسید. پاسخ این است که: با تمام قلبت به پروردگارت ایمان آورده، به گناهات اعتراف کنی و پس از آن به این صفات، آراسته باشی: مهربانی با خلق، نیک خوئی، ترجیح دادن راستی و راستگویی، گزاردن حق، و بخشیدن رضایت مندانه از رزقی که به تو می رسد، و بسیار تسبیح گفتن در شامگاهان و سحرگاهان و کرانه های شب و روز (در طول شب و روز)».

۳/۵

پس از فروشدن ستارگان

قرآن

﴿و در برابر دستور پروردگارت، شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی، و هنگامی که [از خواب] بر می خیزی، به نیایش پروردگارت تسبیح گوی و [نیز] پاره های از شب در پی فروشدن ستارگان، تسبیح گوی او باش﴾.

مركز تحقيقات كويتيه علوم دينيه

۱. ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ جِئِينَ تَقُومٌ * وَ مِنْ أَيْلٍ فَسَبِّحْهُ وَادْبُرَ النُّجُومِ﴾: «بهاء» در «بحمد» برای همراهی و مصاحبت است؛ یعنی پروردگارت را تسبیح و تنزیه کن و همراه با آن، او را سپاس و ستایش گوی.

مراد از «جِئِينَ تَقُومٌ»، به قولی، برخاستن از خواب است. به قولی، برخاستن از خواب قیلوله یا نیمروزی است که در واقع، وقت نماز ظهر است. به قولی، برخاستن از مجلس است. به قولی، هر نوع برخاستن و از جا بلند شدنی است و بنا به قولی، برخاستن برای ادای نماز واجب است و به قولی، برخاستن برای گزاردن هر نمازی است و به قولی: [گزاردن] در رکعت نماز قبل از نماز صبح است. این هفت قول را طبرسی آورده است.

﴿و مِنْ أَيْلٍ فَسَبِّحْهُ﴾ در پاره های از شب، پروردگارت را تسبیح گوی، مراد، نماز شب است. به قولی هم مراد، نماز مغرب و عشاء است.

﴿وَادْبُرَ النُّجُومِ﴾، به قولی، مراد از آن، هنگام ناپدید شدن نور ستارگان بر اثر پرتو صبح است و مقصود، [گزاردن] در رکعت پیش از نماز صبح است. به قولی، مراد، نماز صبح است و به قولی، مراد، تسبیح گفتن خدای متعال در صبح و شام و غفلت نکردن از یاد اوست (المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۹ ص ۲۴).

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ جِئِينَ تَقُومٌ﴾، یعنی از هر مکانی که برخاستی، یا از خوابت، یا برای نماز برخاستی ... ﴿و مِنْ أَيْلٍ فَسَبِّحْهُ﴾؛ زیرا عبادت در شب برای نفس، سخت تر و از ریا، دورتر است ... ﴿وَادْبُرَ النُّجُومِ﴾، یعنی آخر شب که ستارگان، ناپدید می شوند (تفسیر الیضاوی: ج ۲ ص ۲۰۱ ح ۲۸ و ۲۹؛ بحار الأنوار: ج ۱۶ ص ۲۰۸).

الحديث

٧٨٨ . الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ - : هُوَ الْوَتْرُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ. ١

٧٨٩ . عنه عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ - : أَمْرُهُ أَنْ يُصَلِّيَ مِنَ اللَّيْلِ. ٢

٧٩٠ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِدْبَارُ النُّجُومِ : الرَّكْعَتَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَإِدْبَارُ السُّجُودِ : الرَّكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ. ٣

٧٩١ . الإمام علي عليه السلام: أوتر رسول الله صلى الله عليه وآله أَوَّلَ اللَّيْلِ وَأَوْسَطَ اللَّيْلِ وَآخِرَ اللَّيْلِ، فَتَبَّتْ الْأَمْرُ وَاسْتَقَرَّ عَلَى إِدْبَارِ النُّجُومِ. ٤

مرکز تحقیقات کتب ویراث علوم اسلامی

١ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٠٤، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ١٣٤ ح ١٠٥.

٢ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢١٠، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٥٩ ح ٤٧.

٣ . سنن الترمذي: ج ٥ ص ٣٩٣ ح ٣٢٧٥، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٤٦٦ ح ١١٩٨ كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٢ ص ١١ ح ٢٩٢٩؛ الكافي: ج ٣ ص ٤٤٤ ح ١١ عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام، تفسير القمي: ج ٢ ص ٣٣٣ عن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «أربع ركعات بعد المغرب» بدل «الركعتان بعد المغرب»، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٨٨ ح ٥.

٤ . كنز العمال: ج ٨ ص ٦٥ ح ٢١٨٩٥ نقلاً عن المصنف لابن أبي شيبة.

حدیث

۷۸۸. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خدای متعال: ﴿و [نیز] پاره‌ای از شب و در پی فرو شدن ستارگان، تسبیحگویی او باش﴾ - : مقصود، تک رکعتِ آخر شب است.

۷۸۹. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خدای متعال: ﴿و [نیز] پاره‌ای از شب و در پی فرو شدن ستارگان، تسبیحگویی او باش﴾ - : به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که نماز شب بخواند.

۷۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [مقصود از] ﴿در پی فرو شدن ستارگان﴾، دو رکعت نمازِ پیش از سپیده دم است و [مقصود از] ﴿و در پی سجود﴾، دو رکعتِ پس از مغرب است.

۷۹۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، در آغاز شب و در میان شب و در پایان شب، یک رکعت [نماز] خواند؛ اما این نماز، در نهایت، محدود به زمان فرو شدن ستارگان شد.

الرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ

٧٩٢ . تهذيب الأحكام عن عقبة بن عامر الجهني: لَمَّا نَزَلَتْ: ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ، فَلَمَّا نَزَلَتْ ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ. ١.

٧٩٣ . الدعاء للطبراني عن حذيفة: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى. ٢.

٧٩٤ . صحيح مسلم عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. ٣.

٧٩٥ . سنن أبي داود عن عوف بن مالك الأشجعي: قُتِبَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَيْلَةً فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ؛ لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ رَحْمَةٍ إِلَّا وَقَفَ فَسَأَلَ، وَلَا يَمُرُّ بِآيَةٍ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ فَتَعَوَّذَ، قَالَ: ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: «سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكَوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ»، ثُمَّ سَجَدَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ، ثُمَّ قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ قَامَ فَقَرَأَ بِآلِ عِمْرَانَ، ثُمَّ قَرَأَ سُورَةَ سُورَةَ. ٢.

١ . تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٣١٣ ح ١٢٧٣، علل الشرائع: ص ٣٣٣ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١٠٥ ح ١٢، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٨٧ ح ٨٨٧، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣١٨ ح ١٢٨٠، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٤١ ح ١٧٤١٩.

٢ . الدعاء للطبراني: ص ١٩١ ح ٥٨٩ و ٥٨٦ عن جبير بن مطعم، سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٣٠ ح ٨٧١، سنن الترمذي: ج ٢ ص ٤٨ ح ٢٦٢، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣١٨ ح ١٢٨١، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٧٣ ح ٢٣٣٠٠.

٣ . صحيح مسلم: ج ١ ص ٣٥٣ ح ٢٢٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٧٧ ح ٢٤١١٨، السنن الكبرى: ج ٢ ص ١٥٨ ح ٢٦٨٣، كنز العمال: ج ٨ ص ٢٢٧ ح ٢٢٦٧٢ نقلاً عن المصنف لعبد الرزاق.

٤ . سنن أبي داود: ج ١ ص ٢٣١ ح ٨٧٣، سنن النسائي: ج ٢ ص ٢٢٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٥٦ ح ٢٤٠٣٥، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٣٦٨٩، كنز العمال: ج ٨ ص ١٦٠ ح ٢٢٣٨٤.

۴/۵

در رکوع و سجود

۷۹۲. تهذیب الأحکام - به نقل از عقبه بن عامر جُهَنی :- چون «نام پروردگار بزرگت را به پاکی بستای» نازل شد، پیامبر خدا به ما فرمود: «آن را در رکوع خود قرار دهید. و چون «نام پروردگار برترت را به پاکی بستای» نازل شد، پیامبر خدا به ما فرمود: «این را در سجود خود قرار دهید».

۷۹۳. الدعاء، طبرانی - به نقل از حدیفه :- پیامبر ﷺ در سجده اش می گفت: «پاکا پروردگار برتر من!».

۷۹۴. صحیح مسلم - به نقل از عایشه :- پیامبر خدا، در رکوع و سجده اش می گفت: «پاک و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح!».

۷۹۵. سنن أبی داوود - به نقل از عوف بن مالک اشجعی :- شبی با پیامبر خدا [برای نماز] برخاستم. ایشان، سوره بقره را خواند و به هر آیه رحمتی که می رسید، درنگ می کرد و از خداوند درخواست [رحمت] می کرد، و بر هر آیه عذابی که می رسید، درنگ می کرد و [از آن به خدا] پناه می برد. سپس به اندازه قیامش در رکوع می ماند و می گفت: «پاکا پروردگار جبروت و پادشاهی و بزرگی و عظمت!» . سپس به سجده می رفت و به اندازه قیامش در سجود می ماند و در آن نیز همین را می گفت. سپس بر می خاست و [در قرائت رکعت دوم، سوره] آل عمران را و آن گاه، سوره ای را از پی سوره ای می خواند.

٧٩٦ . رسول الله ﷺ: أَمَرَنِي جَبْرَائِيلُ ﷺ عَنْ رَبِّي ﷻ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ قَائِمًا، وَأَنْ أَحْمَدَهُ رَاكِعًا، وَأَنْ أَسْبِّحَهُ سَاجِدًا، وَأَنْ أَدْعُوهُ جَالِسًا. ١

٧٩٧ . الإمام الصادق ﷺ: إِنَّ اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ عَزَجَ بِنَبِيِّهِ ﷺ إِلَى سَمَائِهِ... فَقَالَ اللَّهُ: ... طَاطِيئُ يَدَيْكَ وَاجْعَلْهَا عَلَيَّ رُكْبَتَيْكَ فَانظُرْ إِلَيَّ عَرَشِي.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَنَظَرْتُ إِلَى عَظْمَةٍ ذَهَبَتْ لَهَا نَفْسِي وَعُشْيِي عَلَيَّ، فَأَلْهِمْتُ أَنْ قُلْتُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» لِعِظَمِ مَا رَأَيْتُ، فَلَمَّا قُلْتُ ذَلِكَ تَجَلَّى الْعَشِيُّ عَنِّي، حَتَّى قُلْتُهَا سَبْعًا أَلْهِمُ ذَلِكَ، فَرَجَعْتُ إِلَيَّ نَفْسِي كَمَا كَانَتْ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ فِي الرُّكُوعِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ.

فَقَالَ: اِرْفَعْ رَأْسَكَ، فَارْفَعْتُ رَأْسِي فَنَظَرْتُ إِلَى شَيْءٍ ذَهَبَ مِنْهُ عَقْلِي، فَاسْتَقْبَلْتُ الْأَرْضَ بِوَجْهِي وَيَدَيَّ، فَأَلْهِمْتُ أَنْ قُلْتُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» لِعُلُوِّ مَا رَأَيْتُ، فَقُلْتُهَا سَبْعًا فَرَجَعْتُ إِلَيَّ نَفْسِي، كُلَّمَا قُلْتُ وَاحِدَةً مِنْهَا تَجَلَّى عَنِّي الْعَشِيُّ فَفَعَدْتُ. ٢

٧٩٨ . الكافي عن ابان بن تغلب: دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يُصَلِّي، فَعَدَدْتُ لَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سِتِينَ تَسْبِيحَةً. ٣

٧٩٩ . الكافي عن أبي بكر الحضرمي: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ حَدُّ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؟ قُلْتُ: لَا.

قَالَ: تُسَبِّحُ فِي الرُّكُوعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، وَفِي السُّجُودِ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَمَنْ نَقَصَ وَاحِدَةً نَقَصَ ثُلُثَ صَلَاتِهِ،

١ . الدعوات: ص ٤٧ ح ١١٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٧.

٢ . علل الشرائع: ص ٣١٢ و ٣١٥ ح ١ عن الصباح المزني (السدي) وسدير الصيرفي ومحمد بن النعمان الأحول وعمر بن أذينة، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٢٤١ ح ١.

٣ . الكافي: ج ٣ ص ٣٢٩ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ١٢٠٥، عوالي اللآلي: ج ٣ ص ٩٣ ح ٩٩، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٥٠ ح ٨٠.

۷۹۶. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل علیه السلام از جانب پروردگارم به من دستور داد که قرآن را ایستاده [در قیام نماز] بخوانم، و در رکوع، او را ستایش گویم، و در سجده، تسبیحش گویم، و نشسته [در قعود]، او را بخوانم.

۷۹۷. امام صادق علیه السلام: خداوند عزیز جبار، پیامبرش را به سوی آسمان خود، بالا برد... و خدا فرمود: «... دو دست خود را خم نما و بر زانوانت بگذار و بر عرش من بنگر».

پیامبر خدا فرمود: «پس، چنان عظمتی دیدم که جانم برفت و از هوش رفتم. پس، به من الهام شد و گفتم: "پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایش، او را!"، از عظمتی که دیدم. چون این را گفتم، به هوش آمدم و باز به من الهام شد و این جمله را هفت بار گفتم و جانم، چونان قبل، به من باز گشت. از همین رو، در رکوع گفته می شود: "پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایش، او را!"».

سپس خداوند فرمود: "سرت را بالا بگیر". و من، سرم را بلند کردم و چیزی دیدم که عقل از سرم برفت. پس با صورت و دستانم به زمین افتادم. به من الهام شد و گفتم: "پاکا پروردگار برین من، و ستایش، او را!"، از بلندای مرتبتی که دیدم. این جمله را هفت بار گفتم و جانم به من باز گشت. هر بار که آن را می گفتم، بیهوشی، بیشتر از من برطرف می شد. پس نشستم».

۷۹۸. الکافی - به نقل از ابان بن تغلب -: بر امام صادق علیه السلام در آمدم. به نماز ایستاده بود. شمردم. دیدم در رکوع و سجود، شصت تسبیح گفت.

۷۹۹. الکافی - به نقل از ابو بکر حَضْرَمی -: امام باقر علیه السلام فرمود: «می دانی حد رکوع و سجود چیست؟».

گفتم: خیر.

فرمود: «در رکوع، سه مرتبه می گویی: "پاکا پروردگار بزرگ من، و ستایش، او را!" و در سجود نیز سه مرتبه می گویی: "پاکا پروردگار برین من، و ستایش، او را!"». پس هر که یکی کم بگوید، یک سوم نمازش را کم کرده است، و هر که

وَمَنْ نَقَصَ ثِنْتَيْنِ نَقَصَ ثُلَاثِي صَلَاتِهِ، وَمَنْ لَمْ يُسَبِّحْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. ١.

٥/٥

إِدْبَارُ السُّجُودِ

الكتاب

﴿فَاضْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ * وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبِرَ السُّجُودِ﴾ ٣.٢

الحديث

٨٠٠. الإمام عليؑ - لَمَّا سُئِلَ عَن قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَأَدْبِرَ السُّجُودِ﴾ -: هِيَ السُّنَّةُ بَعْدَ صَلَاةِ



عِنْدَ الْفِيَا مَنِ الْمَجْلِسِ

٨٠١. سنن أبي داود عن أبي برزة الأسلمي: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ بِأَخْرَةِ ٥ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ

١. الكافي: ج ٣ ص ٣٢٩ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٥٧ ح ٦١٥، الاستبصار: ج ١ ص ٣٢٤ ح ١٢١٣.
٢. قوله: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ...﴾ أمر بتنزيهه تعالى عما يقولون مصاحباً للحمد، ومحضه إثبات جميل الفعل له ونفي كل نقص وشين عنه تعالى، والتسبيح قبل طلوع الشمس يقبل الانطباق على صلاة الصبح، والتسبيح قبل الغروب يقبل الانطباق على صلاة العصر أو عليها وعلى صلاة الظهر... قوله تعالى: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبِرَ السُّجُودِ﴾ أي: ومن الليل فسبحه فيه، ويقبل الانطباق على صلاتي المغرب والعشاء، قوله تعالى: ﴿وَأَدْبِرَ السُّجُودِ﴾ الأدبار: جمع دبر؛ وهو ما ينتهي إليه الشيء وبعده، وكأن المراد بأدبار السجود: بعد الصلوات، فإن السجود آخر الركعة من الصلاة فينطبق على التعقيب بعد الصلوات (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٨ ص ٣٦٠).

٣. ق: ٣٩ و ٤٠.

٤. دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٠٩، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٨٧ ح ١.

٥. بأخره: أي في آخر جلوسه. ويجوز أن يكون في آخر عمره (النهاية: ج ١ ص ٢٩ أخره).

دو تا را کم بگویند، دو سوم نمازش را کم کرده است، و هر که اصلاً تسبیح نگوید، او را نمازی نیست».

۵/۵ در پی سجود

قرآن

«و بر آنچه می‌گویند، شکیبایی کن، و پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن، به ستایش پروردگارت، [او را] تسبیح گوی. و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله]، او را تسبیح گوی»^۱.

حدیث

۸۰۰. امام علی علیه السلام - در پاسخ پرسش از این سخن خداوند تبارک و تعالی: «و در پی سجود» - این [تسبیح گفتن پس از سجود]، بعد از نماز مغرب، سنت است، و آن را در سفر و غیر سفر، ترک مکن.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
۶۱۵ هجری

هنگام برخاستن از مجلس

۸۰۱. سنن ابی داوود - به نقل از ابو برزّه اسلمی - : پیامبر خدا، در پایان^۲ هر گاه

۱. «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ...»، امر است به تنزیه خدا از آنچه در وصفش می‌گویند؛ تنزیهی همراه با سپاس و ستایش. خلاصه‌اش، اثبات افعال نیکو برای خداوند و نفی هر گونه عیب و نقصی از اوست. تسبیح پیش از طلوع آفتاب، قابل انطباق بر نماز صبح است. تسبیح پیش از غروب، قابل انطباق بر نماز عصر یا بر نماز عصر و ظهر، هر دو، است... «وَمِنْ أَلْيَلٍ فَسَبِّحْهُ وَإِذْبَنْزِرَ السُّجُودِ؛ یعنی پاسمی از شب، او را تسبیح گوی»، بر نماز مغرب و عشا، قابل انطباق است.

۲. «در پایان»، جمع «دبر» است و «دبر»، نقطه پایانی یک چیز و پس از آن را گویند. گویا مراد از «إِذْبَنْزِرَ السُّجُودِ»، بعد از نمازهاست؛ زیرا سجود، آخر رکعت نماز است. بنا بر این، بر تعقیبات پس از نماز، منطبق است.

۲. «در پایان»، یعنی در پایان نشستنش. احتمال هم دارد که به معنای «پایان عمرش» باشد.

مِنَ الْمَجْلِسِ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ. ١.

٨٠٢. المستدرک علی الصحیحین عن عائشة: ما كان رسول الله ﷺ يقوم من مجلسٍ إلا قال:
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّي وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.
فَقُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَكْثَرَ مَا تَقُولُ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ إِذَا قُمْتَ!
قال: لَا يَقُولُهُنَّ مِنْ أَحَدٍ حِينَ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسِهِ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ مِنْهُ فِي ذَلِكَ
الْمَجْلِسِ. ٢.

٨٠٣. رسول الله ﷺ: كَفَّارَةُ الْمَجْلِسِ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ. ٣.

٨٠٤. عنه ﷺ: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» فَقَالَهَا فِي مَجْلِسٍ ذَكَرَ كَانَتْ كَالطَّابِعِ يُطْبَعُ عَلَيْهِ، وَمَنْ
قَالَهَا فِي مَجْلِسٍ لَغَوٍ، كَانَتْ كَفَّارَةً لَهُ. ٤.

٨٠٥. عنه ﷺ: مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثَرَ فِيهِ لَغَطُهُ^٥، فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ

١. سنن أبي داود: ج ٤ ص ٢٦٥ ح ٤٨٥٩، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٣٦ ح ٢٥٥٩، مسند ابن حنبل: ج ٧
ص ١٩٠ ح ١٩٨٣٣، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٤٦١ ح ٧٣٨٩، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٤٩ ح ١،
كنز العمال: ج ٩ ص ٢٢٥ ح ٢٥٧٦٠.

٢. المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٢ ح ١٨٢٧، كنز العمال: ج ٧ ص ١٥٣ ح ١٨٤٧٩.

٣. المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٦٤ ح ١٠٣٣٣ عن عبد الله بن مسعود، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٠٠ ح ٨٨٢٦
عن أبي هريرة وليس فيه «أشهد أن لا إله إلا الله»، كنز العمال: ج ٩ ص ١٤١ ح ٢٥٤١٧، عوالي اللآلي: ج ٢
ص ٢٦ ح ٦٠ عن سعيد بن جبيرة نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٧ ح ١٧ نقلاً عن خط الشهيد.

٤. المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٢٠ ح ١٩٧٠، المعجم الكبير: ج ٢ ص ١٣٩ ح ١٥٨٦ كلاهما عن
جبيرة، كنز العمال: ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٤١٩.

٥. أراد به الهواء من القول وما لا طائل تحته من الكلام، فأحل ذلك محل الصوت والجلبة الخالية عن الفائدة
(مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٦ لفظه).

می خواست از مجلس برخیزد، می گفت: «پاکا تو - ای خداوند - و ستایش، تو را! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می کنم».

۸۰۲. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از عایشه -: پیامبر خدا، از هیچ مجلسی بر نمی خاست، مگر آن که می گفت: «پاکا تو - ای خداوند و ای پروردگار من - و ستایش، تو را! معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می آورم».

من به ایشان گفتم: ای پیامبر خدا! چه بسیار این کلمات را هنگام برخاستن از جا می گویی!

فرمود: «هر کس هنگامی که از جایش بر می خیزد، این کلمات را بگوید، هر خطایی که از او در آن مجلس سر زده است، آمرزیده می شود».

۸۰۳. پیامبر خدا ﷺ: کفارة مجلس، این است که بنده بگوید: «پاکا تو - ای خداوند - و ستایش، تو را! گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می کنم».

۸۰۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس جملات «پاکا خدا، و ستایش، او را! پاکا تو - ای خداوند - و ستایش، تو را! گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می طلبم و به درگاہت توبه می کنم» را در مجلسی که در آن ذکر خداست، بگوید، همانند مہری است که بر آن مجلس زده می شود، و هر کس آن را در مجلسی که به بیهودگی می گذرد، بگوید، کفارة آن مجلس خواهد بود.

۸۰۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن بیهوده گویی بسیار شود، چنانچه پیش از آن که از آن مجلس برخیزد، بگوید: «پاکا تو - ای خداوند -

ذَلِكَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»؛ إِلَّا غَفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ.^١

٨٠٦. الإمام الباقر عليه السلام: من أراد أن يكتال بالمِكْيَالِ الأَوْفَى، فَلْيَقُلْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ: سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^٢

٧/٥

عِنْدَ الْهَبْطِ فِي السَّفَرِ

٨٠٧. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي سَفَرِهِ إِذَا هَبَطَ سَبَّحَ، وَإِذَا صَعِدَ كَبَّرَ.^٣

٨/٥

عِنْدَ دُخُولِ السُّوقِ

٨٠٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: السُّوقُ دَارُ سَهْوٍ وَعَقْلِيَّةٍ، فَمَنْ سَبَّحَ فِيهَا تَسْبِيحَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كَانَ فِي جِوَارِ اللَّهِ حَتَّى يُعْسَى.^٤

٨٠٩. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ السُّوقَ فَقُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ مَا يَنْطِقُونَ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، «سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا يَلْفُونَ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا

١. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٩٤ ح ٣٢٣٣، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٥٤ ح ١٠٢٢٠ كلاهما عن أبي هريرة،

كنز العمال: ج ٩ ص ١٤٢ ح ٢٥٤١٨.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٤٩٦ ح ٣ عن أبي بصير، عده الداعي: ص ٢٤١ عن الإمام الصادق عليه السلام، عوالي اللآلي: ج ٢

ص ٢٦ ح ٦١ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٦٨ ح ٢٠.

٣. الكافي: ج ٤ ص ٢٨٧ ح ٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٧٣ ح ٢٢٢٠ كلاهما عن معاوية بن عمار،

مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٥٣ ح ١٩٠٩، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٤ ح ٤٨.

٤. الفردوس: ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٣٥٥٧ عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ٤ ص ٢٨ ح ٩٣٣٠.

و ستایش، تو را! گواهی می‌دهم که معبودی جز تو نیست. از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاہت توبه می‌کنم»، آنچه از او در آن مجلس سر زده است، آمرزیده می‌شود.

۸۰۶. امام باقر علیه السلام: هر که می‌خواهد که با پیمانۀ پُر [مزد] بگیرد، هر گاه خواست از جای خود بلند شود، بگوید: «پاکا پروردگار تو، پروردگار عزّت، از آنچه در وصف او می‌گویند! و درود بر فرستادگان [الهی]! و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است».

۷/۵

هنگام بار افکندن در سفر

۸۰۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در سفرش هر گاه بار می‌افکند، تسبیح می‌گفت و چون

راه می‌افتاد، تکبیر می‌گفت

۸/۵

هنگام در آمدن به بازار

۸۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بازار، سرای فراموشی و غفلت است. پس، هر که در آن یک تسبیح بگوید، خداوند در برابر آن، برایش هزار هزار ثواب می‌نویسد، و هر که بگوید: «هیچ توش و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، تا شب در پناه خداوند خواهد بود.

۸۰۹. امام صادق علیه السلام: هر گاه به بازار وارد شدی. سه بار بگو: «معبودی جز خدا نیست، به شمار آنچه می‌گویند. آفرین بر خداوند، که بهترین آفرینندگان است!»، «پاکا خداوند، به شمار آنچه به زبان می‌آورند! پاکا خداوند، به شمار

يَنْطِقُونَ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا يَسُومُونَ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»^١.

٩ / ٥

عِنْدَ سَمَاعِ الرَّعْدِ

٨١٠. رسول الله ﷺ: إِذَا سَمِعْتُمُ الرَّعْدَ فَسَبِّحُوا وَلَا تُكَبِّرُوا.^٢

٨١١. الإمام علي عليه السلام - كَانَ إِذَا سَمِعَ الرَّعْدَ قَالَ - : سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ.^٣

٨١٢. شرح الأخبار عن عيسى بن عبد الله بن عمر: كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ

مُحَمَّدٍ عليه السلام، فَسَمِعَ الرَّعْدَ، فَقَالَ: سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ.^٤

٨١٣. تفسير العياشي عن يونس بن عبد الرحمن عن داود: كُنَّا عِنْدَهُ [عليه السلام] فَارْتَعَدَتِ السَّمَاءُ فَقَالَ

هُوَ: سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ.^٥

٨١٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: رُوِيَ: يَنْبَغِي لِمَنْ سَمِعَ صَوْتَ الرَّعْدِ أَنْ يَقُولَ: سُبْحَانَ مَنْ

يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ.^٦

١. مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢٦٣ ح ١٥٣٠٣ نقلاً عن كتاب عبد الله بن يحيى الكاهلي.

٢. كنز العمال: ج ٦ ص ١٥٦ ح ١٥٢٠٨ نقلاً عن أبي داود في مراسيله عن عبد الله بن جعفر.

٣. كنز العمال: ج ٦ ص ١٧٠ ح ١٥٢٣٨ نقلاً عن ابن جرير.

٤. شرح الأخبار: ج ١ ص ٢٣١ ح ٢٢٠، المناقب للكوفي: ج ١ ص ٢٢١ ح ١٤٠ و ج ٢ ص ٣٨٤ ح ١٥٨١ كلاهما عن عبد الله.

٥. تضمين للآية ١٣ من سورة الرعد.

٦. تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٢٢، بحار الأنوار: ج ٥٩ ص ٣٧٩ ح ١٩ و ج ٩٥ ص ٣٤٨ ح ٤.

٧. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٤٩٨.

آنچه می گویند! پا کا خداوند، به شمار آنچه نشان می نهند! آفرین بر خداوند، که پروردگار جهانیان است!.

۹/۵

بِکام شنیدن رعد

۸۱۰. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه صدای رعد شنیدید، تسبیح بگویید و تکبیر نگوید.

۸۱۱. امام علی ﷺ - هر گاه صدای رعد می شنید، می گفت: - پا کا آن که تو [ای رعد] او را به پاکی ستودی!

۸۱۲. شرح الأخبار - به نقل از عیسی بن عبد الله بن عمر: - نزد امام صادق ﷺ نشسته بودم که صدای رعد شنید. گفت: «پا کا آن که تو او را به پاکی ستودی!».

۸۱۳. تفسیر العیاشی - به نقل از یونس بن عبد الرحمان، از داوود: - نزد ایشان (امام صادق ﷺ) نشسته بودیم که آسمان، غرش کرد. فرمود: «پا کا آن خدایی که رعد و فرشتگان، از ترس او، تسبیح و ستایشش می کنند!»^۱.

۸۱۴. کتاب من لایحضره الفقیه: روایت شده است که: سزاوار است کسی که صدای رعد را می شنود، بگوید: «پا کا آن خدایی که رعد و فرشتگان، از ترس او، تسبیح و ستایشش می کنند!».

الفصل السادس

التسبيحات الأربعة

١ / ٦

الحث على التسبيحات

٨١٥ . رسول الله ﷺ: ما سَبَّحْتُ ولا سَبَّحَ الأنبياء قبلي بأفضل من: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر. ١

٨١٦ . المعجم للكبير عن عمران بن الحصين: قال رسول الله ﷺ: أما يستطيع أحدكم أن يعمل كل يومٍ مثل أحدٍ عملاً؟ قالوا: يا رسول الله، ومن يستطيع أن يعمل كل يومٍ مثل أحدٍ عملاً؟

قال: كلُّكم يستطيعُه. قالوا: يا رسول الله، ماذا؟

قال: «سبحان الله» أعظم من أحدٍ، و«لا إله إلا الله» أعظم من أحدٍ، و«الحمد لله» أعظم من أحدٍ، و«الله أكبر» أعظم من أحدٍ. ٢

٨١٧ . مكارم الأخلاق عن عبد الله بن مسعود عن رسول الله ﷺ: يابن مسعود، والذي بعثني بالحق نبياً، إن من يدع الدنيا ويقبل على تجارة الآخرة، فإن الله تعالى يتجر له من وراء

١ . الفردوس: ج ٤ ص ٧٠ ح ٦٢١٩ عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠١٥ .

٢ . المعجم الكبير: ج ١٨ ص ١٧٥ ح ٣٩٨، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٠ ح ٢٠٤٦ .

فصل ششم

تسبیحات چهارگانه

۱/۶

تثویق بگفتن تسبیحات چهارگانه

۸۱۵. پیامبر خدا ﷺ: نه من و نه پیامبران پیش از من، تسبیحی نگفته‌ایم که برتر از: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است» باشد.

۸۱۶. المعجم الكبير - به نقل از عمران بن حصین -: پیامبر خدا فرمود: «آیا هر یک از شما نمی‌تواند هر روز، عملی به بزرگی [کوه] اُحُد انجام دهد؟»
گفتند: ای پیامبر خدا! چه کسی می‌تواند هر روز عملی به اندازه اُحُد انجام دهد؟!

فرمود: «همه شما می‌توانید».

گفتند: چگونه، ای پیامبر خدا؟!

فرمود: «پاکا خدا»، بزرگ‌تر از اُحُد است. «معبودی جز خدا نیست»، بزرگ‌تر از اُحُد است. «ستایش، خدای را»، بزرگ‌تر از اُحُد است، و «خدا بزرگ‌تر است»، بزرگ‌تر از اُحُد است.

۸۱۷. مکارم الأخلاق - به نقل از عبد الله بن مسعود -: پیامبر خدا فرمود: «ای پسر مسعود! سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت، هر کس دنیا را وا نهد و به تجارت

تِجَارَتِهِ، وَيُرِيحُ اللَّهُ تِجَارَتَهُ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^١.

فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ لِي بِتِجَارَةِ الْآخِرَةِ؟
فَقَالَ ﷺ: لَا تُرِيحَنَّ لِسَانَكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَذَلِكَ أَنْ تَقُولَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ^٢، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، فَهَذِهِ التِّجَارَةُ الْمُرِيحَةُ. وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَزْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ • لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ»^٣.

٨١٨. مسند ابن حنبل عن ابن أبي أوفى: جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال: يا رسول الله، إني لا أستطيع أخذ شيء من القرآن، فعلمني ما يجزئني.

قَالَ: قُلْ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.^٥

٨١٩. سنن الترمذي عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا.^٦

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟
قَالَ: الْمَسَاجِدُ.

قُلْتُ: وَمَا الرَّتْعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

١. النور: ٣٧.

٢. في المصدر: «سبحانه»، وهو تصحيف ظاهر.

٣. فاطر: ٢٩ و ٣٠.

٤. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٦ ح ٢٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١.

٥. مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٤٧ ح ١٩١٣٢، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٥٣٢ ح ٣٩٧٨ وح ٣٩٧٧ وفيه «لا أحسن القرآن» بدل «لا أستطيع أخذ شيء من القرآن»، كتر العمال: ج ٢ ص ٦٢٠ ح ٤٩٠٧ نقلاً عن المصنف لعبد الرزاق.

٦. الرتّع: التنعم. أراد برياض الجنة ذكر الله، وشبه الخوض فيه بالرتع في الخضب (النهاية: ج ٢ ص ١٩٤ «رتع»).

آخرت، روی آورد، خداوند متعال، تاجر او خواهد بود و به تجارتش سود می‌دهد. خداوند متعال می‌فرماید: «مردانی که هیچ تجارتی و داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات، باز نمی‌دارد و از آن روزی می‌ترسند که در آن روز، دل‌ها و دیدگان بر می‌گردند».

گفت [م]: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! چگونه تجارت آخرت کنم؟ فرمود: «زیانت را از یاد خدا آسوده مدار و پیوسته بگو: "پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است". این است تجارت سودآور. خدای متعال فرموده است: «امید به تجارتی دارند که نابود نمی‌شود. تا مزدشان را درست دهد و از فزونی خویش بر آنها بیفزاید».

۸۱۸. مسند ابن حنبل - به نقل از ابن ابی آوفی -: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من نمی‌توانم چیزی از قرآن بخوانم. پس مرا چیزی بیاموز که آن را جبران کند.

فرمود: «بگو: "پاکا خدا، و سپاس خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا"».

۸۱۹. سنن القرمذی - به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا فرمود: «چون بر باغ‌های بهشت گذشتید، بچرید».

گفتم: ای پیامبر خدا! باغ‌های بهشت کدام‌اند؟

فرمود: «مسجدها».

گفتم: چریدن چیست، ای پیامبر خدا؟

قال: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. ١

٨٢٠. رسول الله ﷺ: قولوا: «لا إله إلا الله والله أكبر»، وقولوا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ»، وقولوا: «تَبَارَكَ اللَّهُ»؛ فَإِنَّهُنَّ خَمْسٌ لَا يَعْدِلُهُنَّ شَيْءٌ، عَلَيْهِنَّ فَطَرَ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ، وَمِنْ أَجْلِهُنَّ رَفَعَ سَمَاءَهُ، وَدَحَا أَرْضَهُ، وَبَيَّنَّ جَبَلَ ٢ إِنْسَهُ وَجَنَّتَهُ، وَفَرَضَ عَلَيْهِمْ فَرَائِضَهُ. ٣

٨٢١. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ بَخَلَ مِنْكُمْ بِمَالٍ أَنْ يُنْفِقَهُ، وَبِالْجِهَادِ أَنْ يَحْضُرَهُ، وَبِاللَّيْلِ أَنْ يُكَابِدَهُ، فَلَا يَبْخُلُ بِسُبْحَانَ اللَّهِ، [وَالْحَمْدُ لِلَّهِ] ٤ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ٥

٨٢٢. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحاک - في خبر مسير الإمام الرضا عليه السلام إلى خراسان - : كَانَ فِي الطَّرِيقِ يُصَلِّي فَرَائِضَهُ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ إِلَّا الْمَغْرِبَ... وَكَانَ يَقُولُ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ يُقْصِرُهَا: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً، وَيَقُولُ: هَذَا تَمَامُ الصَّلَاةِ. ٦

٨٢٣. الإمام العسكري عليه السلام: يَجِبُ ٧ عَلَى الْمُسَافِرِ أَنْ يَقُولَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ يُقْصِرُ فِيهَا: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً؛ لِتَمَامِ الصَّلَاةِ. ٨

١. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٢ ح ٣٥٠٩، الفردوس: ج ٥ ص ٣٠٥ ح ٨٢٦٧ نحوه، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٥١ ح ٢٠٧٣٩.

٢. جَبَلَ اللهُ الخلق: خَلَقَهُمْ. وَجَبَلَهُ عَلَى الشَّيْءِ: طَبَعَهُ (لسان العرب: ج ١١ ص ٩٨ وجبل).

٣. كنز العمال: ج ٢ ص ٢٤٣ ح ٣٩٣١ نقلاً عن ابن صصري في أماليه وص ٢٢٤ ح ٣٨٥٨ نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن معاذ.

٤. ما بين المعقولين سقط من الطبعة المعتمدة للمصدر، وأثبتناه من بحار الأنوار.

٥. المحاسن: ج ١ ص ١٠٧ ح ٩٣ عن داوود بن الحصين، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٢ ح ١٦.

٦. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٨٢ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٥٩ ح ٢٨.

٧. قوله: «يجب» يريد به شدة الاستحباب (المعتبر: ج ٢ ص ٤٨٤).

٨. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٣٠ ح ٥٩٤ عن سليمان بن حفص المروزي.

فرمود: «گفتن [پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ تر است».

۸۲۰. پیامبر خدا ﷺ: بگویید: «معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر است». بگویید: «پاکا خدا و ستایش، خدای را»، و بگویید: «بلندمرتبه است خدا»؛ زیرا اینها پنج کلمه اند که هیچ چیز با آنها برابری نمی کند. خداوند، فرشتگانش را بر اینها سرشته است، و برای اینها آسمانش را برافراشت و زمینش را گسترانید، و آدمیان و جنیان خویش را بر اینها سرشت، و واجباتش را بر آنان، واجب گردانید.

۸۲۱. امام صادق ﷺ: هر کس از شما از انفاق کردن مالی، و شرکت کردن در جهاد، و شب زنده داری دریغ ورزد، [لا اقل] از گفتن «پاکا خدا، [و ستایش خدای را]، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، دریغ نورزد.

۸۲۲. عیون اخبار الرضا ﷺ - به نقل از رجاء بن ابی ضحاک، در خبر عزیمت امام رضا ﷺ به خراسان -: در راه، نمازهای واجبش را دورکعتی (یعنی شکسته و به قصر) می خواند، بجز نماز مغرب را... و بعد از هر نمازی که شکسته می خواند، سی مرتبه می گفت: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است» و می فرمود: «این، کامل کننده نماز است».

۸۲۳. امام عسکری ﷺ: بر مسافر است^۱ که در پی هر نمازی که شکسته می خواند، برای آن که نماز کامل شود، سی مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ تر است».

فَضْلُ التَّسْبِيحَاتِ

٨٢٢ . رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ الْكَلَامِ أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.^١
 ٨٢٥ . عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اخْتَارَ مِنَ الْكَلَامِ أَرْبَعَةً، وَمِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةً... فَأَمَّا خَيْرُتُهُ مِنَ الْكَلَامِ: فَ«سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، فَمَنْ قَالَهَا عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ.^٢

٨٢٦ . عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مِنَ الْكَلَامِ أَرْبَعًا: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، فَمَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حَسَنَةً، أَوْ حُطَّ عَنْهُ عِشْرِينَ سَيِّئَةً، وَمَنْ قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَمِثْلُ ذَلِكَ، وَمَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَمِثْلُ ذَلِكَ، وَمَنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» مِنْ قَبْلِ نَفْسِهِ، كُتِبَتْ لَهُ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً، وَحُطَّ عَنْهُ ثَلَاثُونَ سَيِّئَةً.^٣

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

٨٢٧ . عنه ﷺ: مَا سَبَّحْتُ وَلَا سَبَّحَ الْأَنْبِيَاءُ قَبْلِي بِأَفْضَلٍ مِنْ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.^٤

٨٢٨ . عنه ﷺ: لَأَنْ أَقُولَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا

١ . صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٤٥٩ ح ٦٣٠٢، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٢ ح ٢٨١١ عن سمرة بن جندب وزاد فيه «لا يضرك بأيهن بدأت» قبل «سبحان الله»، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٥٢٥ ح ١٦٤١٢ عن أبي صالح عن بعض أصحاب رسول الله ﷺ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٠ ح ١٩٩٢.
 ٢ . النوادر للراوندي: ص ٢٦٠ ح ٥٢٦ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٤٧ ح ٣٤؛ كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠١١ نقلاً عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء نحوه وفيه صدره فقط.
 ٣ . مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٦٦ ح ٨٠١٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٣ ح ١٨٨٦ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦١ ح ١٩٩٩.
 ٤ . الفردوس: ج ٤ ص ٧٠ ح ٦٢١٩ عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠١٥.

فضیلت تسبیحات چهارگانه

۸۲۲. پیامبر خدا ﷺ: برترین سخنان، این چهار کلمه است: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است».

۸۲۵. پیامبر خدا ﷺ: خداوند - تبارک و تعالی - از میان سخنان، چهار سخن را برگزید، و از فرشتگان، چهار فرشته را ... آن چهار سخن برگزیده اش، عبارت اند از: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است». پس هر که این چهار کلمه را در تعقیب هر نمازی بگوید، خداوند برایش ده ثواب می نویسد و ده گناه از او پاک می کند و ده درجه او را بالا می ببرد.

۸۲۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، از میان سخنان، چهار سخن را برگزید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است». پس، هر که بگوید: «پاکا خدا»، خداوند، بیست کار نیک برایش می نویسد یا بیست گناه از او می ریزد. به همین سان، هر که بگوید: «خدا بزرگتر است»، و به همین سان، هر که بگوید: «معبودی جز خدا نیست»، و هر که از پیش خود بگوید: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»، سی کار نیک برایش نوشته می شود و سی گناه از او فرو می ریزد.

۸۲۷. پیامبر خدا ﷺ: نه من و نه پیامبران پیش از من، خداوند را به تسبیحی برتر از «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است»، تسبیح نگفته ایم.

۸۲۸. پیامبر خدا ﷺ: گفتن «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است»، نزد من محبوبتر از تمام آن چیزی است که خورشید

طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ ١.

٨٢٩. عنه عليه السلام: التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ، وَالْحَمْدُ يَمَلُؤُهُ، وَ«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لَيْسَ لَهَا دُونَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّى تَخْلُصَ إِلَيْهِ ٢.

٨٣٠. عنه عليه السلام: التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ، وَالْحَمْدُ يَمَلُؤُهُ، وَالتَّكْبِيرُ يَمَلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ٣.

٨٣١. عنه عليه السلام: خَمْسٌ مَا أَثْقَلُنَّ فِي الْمِيزَانِ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ يَتَوَفَّى لِمُسْلِمٍ فَيَصْبِرُ وَيَحْتَسِبُ ٤.

٨٣٢. عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ مِثَّةَ مَرَّةٍ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» كُتِبَ اسْمُهُ فِي دِيوَانِ الصُّدِّيقِينَ، وَلَهُ ثَوَابُ الصُّدِّيقِينَ، وَلَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ نُورٌ عَلَى الصُّرَاطِ، وَيَكُونُ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ الْخَضِرِ عليه السلام ٥.

٨٣٣. عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَ اللَّهُ: أَسْلَمَ عَبْدِي وَأَسْتَسْلِمَ ٦.

١. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٢ ح ٣٢، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٧٨ ح ٣٥٩٧ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٢٠٠٨.

٢. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٨ عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠١.

٣. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٣٦ ح ٣٥١٩، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٧ ح ٢٣١٢٥، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠١٩؛ الكافي: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليه السلام، الجعفریات: ص ١٦٩ عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام، الدعوات: ص ٥٤ ح ١٣٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢١.

٤. الخصال: ص ٢٦٧ ح ١ عن أبي سالم راعي رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١١٥ ح ٤؛ مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٢٠ ح ١٥٦٦٢ عن أبي سلام عن مولى رسول الله صلى الله عليه وآله، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٢ ح ١٨٨٥ عن أبي سلمى وليس فيهما فيصبر، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٨٥ ح ٦٥٧٩.

٥. جامع الأخبار: ص ١٤٠ ح ٢٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٣ ح ١٩.

٦. المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨١ ح ١٨٥٠ عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٨ ح ٢٠٣٦.

بر آن طلوع می‌کند.

۸۲۹. پیامبر خدا ﷺ: تسبیح، نصف ترازوی اعمال است و حمد، آن را پُر می‌کند، و میان «معبودی جز خدا نیست» و خداوند، هیچ حجابی (مانعی) نیست و به خدا می‌رسد.

۸۳۰. پیامبر خدا ﷺ: تسبیح، نصف ترازوی اعمال است، و حمد، آن را پُر کند، و تکبیر، از زمین تا آسمان را می‌آکند.

۸۳۱. پیامبر خدا ﷺ: پنج چیز است که در ترازوی اعمال بسی سنگینی می‌کند: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است، و فرزند شایسته‌ای که از مسلمانی بمیرد و او شکیب ورزد و در راه خدا حساب کند.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۸۳۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس صد مرتبه بگوید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است»، نامش در دفتر مؤمنان راستین نوشته می‌شود، و پاداش مؤمنان راستین برایش خواهد بود، و به ازای هر حرفی [از این جملات]، او را در [هنگام گذشتن از] صراط، نوری خواهد بود، و در بهشت، هم‌نشین خضر ﷺ است.

۸۳۳. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بگوید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند می‌فرماید: «بنده‌ام تسلیم شد و گردن نهاد».

٨٣٣ . الإمام الحسن عليه السلام - في ذكر أسئلة اليهودي للنبي صلى الله عليه وآله - : قَالَ : أَخْبِرْنِي - يَا مُحَمَّدٌ - عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي اخْتَارَهُنَّ اللَّهُ لِإِبْرَاهِيمَ حَيْثُ بَنَى الْبَيْتَ ؟

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : نَعَمْ ؛ سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ .^١

٨٣٥ . علل الشرائع: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ : لِمَ سُمِّيَتِ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً ؟ قَالَ : لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ .

فَقِيلَ لَهُ : وَلِمَ صَارَتْ مُرَبَّعَةً ؟ قَالَ : لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَهُوَ مُرَبَّعٌ .

فَقِيلَ لَهُ : وَلِمَ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعًا ؟ قَالَ : لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَهُوَ مُرَبَّعٌ .

فَقِيلَ لَهُ : وَلِمَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعًا ؟ قَالَ : لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي يُنْبِئُ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ

أَرْبَعٌ ، وَهِيَ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ .^٢

٨٣٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله : أَلَا أَخْبِرُكُمْ عَنِ وَصِيَّةِ نُوْحٍ ابْنَةِ حَيْنَ حَضَرَهُ الْمَوْتُ ؟

قَالَ : إِنِّي وَاهِبٌ لَكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ ، هُنَّ قِيَامُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَهُنَّ أَوَّلُ

كَلِمَاتِ دُخُولِ عَلَيَّ ، وَآخِرُ كَلِمَاتِ خُرُوجِ^٣ مِنْ عِنْدِي ، وَلَوْ وُزِنَ بِهِنَّ أَعْمَالُ بَنِي

آدَمَ لَوَزَنَتْهِنَّ ، فَاعْمَلْ بِهِنَّ ، وَاسْتَمْسِكْ بِهِنَّ حَتَّى تَلْقَانِي : سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، وَلَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ .

وَالَّذِي يُقْسِمُ بِهِ نُوْحٌ ، لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ يوزنُ بِهِنَّ

هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ لَوَزَنَتْهِنَّ .^٤

٨٣٧ . عنه عليه السلام : إِذَا قُلْتَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ» فَقَدْ ذَكَرْتَ اللَّهَ فَذَكَرَكَ ، وَإِذَا قُلْتَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» فَقَدْ

شَكَرْتَ اللَّهَ فَزَادَكَ ، وَإِذَا قُلْتَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَهِيَ كَلِمَةُ التَّوْحِيدِ الَّتِي مَنْ قَالَهَا غَيْرَ

١ . الأملی للصدوق: ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ عن عبد الله ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٦ ح ١ .

٢ . علل الشرائع: ص ٢٩٨ ح ٢ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٩٠ ح ٢١١٠ من دون إسناد إلى أحد من

أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٥٨ ص ٥ ح ٢ .

٣ . في كنز العمال: ... أول كلمات دخولا على الله ، وآخر كلمات خروجا

٤ . الفردوس: ج ١ ص ١٣٢ ح ٤٦٦ عن معاذ بن أنس ، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧١ ح ٢٠٤٧ .

۸۳۳. امام حسن علیه السلام - در بیان پرسش‌های مرد یهودی از پیامبر صلی الله علیه و آله - گفت: ای محمد! مرا از آن کلماتی خبر ده که وقتی ابراهیم علیه السلام کعبه را ساخت، خداوند، آنها را برای او برگزید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری. پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است».

۸۳۵. علل الشرائع: روایت شده است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا کعبه را کعبه نامیده‌اند؟

فرمود: «چون چهارگوش است».

گفته شد: چرا چهارگوش ساخته شده است؟

فرمود: «چون رو به روی بیت المعمور است و بیت المعمور، چهارگوش است».

گفته شد: چرا بیت المعمور، چهارگوش شده است؟

فرمود: «چون کلماتی که اسلام بر آنها بنا شده، چهار تاست و آنها عبارت‌اند از: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۸۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شمارا از وصیت نوح علیه السلام به فرزندش در هنگام وفات، خبر ندهم؟ او گفت: «من، چهار کلمه به تو می‌بخشم که بر پای آسمان‌ها و زمین به آنهاست، و نخستین کلمات برای وارد شدن بر خداوند و آخرین کلمات خارج شدن از نزد او هستند، و اگر اعمال [همه] آدمیان با آنها وزن شود، باز، اینها سنگین‌ترند. پس، این کلمات را به کار بپند و به آنها چنگ در زن تا آن گاه که مرا دیدار کنی (یعنی تا پایان عمر): پاکا خدا، و ستایش او را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است».

سوگند به آن کسی که نوح علیه السلام بدو سوگند می‌خورد، اگر آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنها و در زیر آنهاست، با این کلمات وزن شوند، این کلمات از آنها سنگین‌تر (/ هموزن آنها) خواهند بود.

۸۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بگویی: «پاکا خدا»، در واقع، خدا را یاد کرده‌ای. پس او هم تو را یاد می‌کند. و هر گاه بگویی: «ستایش، خدای را»، در واقع از خدا

شاكٌ ولا مُرتابٍ ولا مُتكبرٍ ولا جبارٍ أعتقه اللهُ مِنَ النَّارِ.^١

٨٣٨. رسول الله ﷺ: كَلِمَاتٌ إِذَا قَالَهُنَّ الْعَبْدُ وَضَعَهُنَّ الْمَلَكُ فِي جَنَاحِهِ ثُمَّ عَرَجَ بِهِنَّ، فَلَا يَمُرُّ عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِنَّ وَعَلَى قَائِلِهِنَّ، حَتَّى تَوْضَعَ بَيْنَ يَدَيِ الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. و«سُبْحَانَ اللَّهِ» بَرَاءَةٌ عَنِ الشُّوْءِ.^٢

٨٣٩. عنه ﷺ: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» صَعِدَ بِهَا مَلَكٌ إِلَى السَّمَاءِ، فَلَا يَمُرُّ بِهَا عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا اسْتَغْفَرُوا لِقَائِلِهَا، حَتَّى يَجِيءَ بِهَا إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ.^٣

٨٤٠. شعب الإيمان عن أنس: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي خَيْرًا. فَأَخَذَ النَّبِيُّ ﷺ بِيَدِهِ فَقَالَ: قُلْ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ: فَعَقَّدَ الْأَعْرَابِيُّ عَلَى يَدِهِ وَمَضَى، فَتَفَكَّرَ، ثُمَّ رَجَعَ فَتَبَسَّمَ النَّبِيُّ ﷺ، قَالَ: تَفَكَّرَ الْبَائِسُ فَبَاءَ! فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» هَذَا لِلَّهِ، فَمَا لِي؟

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَعْرَابِيُّ، إِذَا قُلْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» قَالَ اللَّهُ: صَدَقْتَ. وَإِذَا قُلْتَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» قَالَ اللَّهُ: صَدَقْتَ. وَإِذَا قُلْتَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» قَالَ اللَّهُ: صَدَقْتَ. وَإِذَا قُلْتَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» قَالَ اللَّهُ: صَدَقْتَ. وَإِذَا قُلْتَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» قَالَ اللَّهُ: قَدْ فَعَلْتُ. وَإِذَا قُلْتَ: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي» قَالَ اللَّهُ: فَعَلْتُ. وَإِذَا قُلْتَ: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي» قَالَ اللَّهُ: قَدْ فَعَلْتُ.

١. كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٢٠٣٠ نقلًا عن الحاكم في تاريخه عن الحكم بن عمير الشمالي.
٢. المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٩٣ ح ١ عن موسى بن طلحة، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٨ ح ٢٠٣٧.
٣. مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٢٧ ح ٦٠٠٧ نقلًا عن درر الاكبي عن عبد الله بن معبود.

سپاس‌گزاری کرده‌ای. پس او هم بر نعمت تو می‌افزاید. و هر گاه بگویی: «معبودی جز خدا نیست»، این گفتار توحید است و هر کس آن را بگوید و دچار شک و دودلی و تکبر و غرور نباشد، خداوند، او را از آتش دوزخ می‌رهاند.

۸۳۸. پیامبر خدا ﷺ: چند کلمه است که هر گاه بنده بگوید، فرشته آنها را بر بال خویش می‌نهد و بالایشان می‌برد و بر هر گروهی از فرشتگان که بگذرد، بر آن کلمات و بر گوینده‌شان درود می‌فرستند، تا آن که در برابر خدای مهربان، نهاده می‌شوند. آن کلمات اینهاست: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا». «پاکا خدا»، وارسته دانستن [او] از بدی [و نقص] است.

۸۳۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بگوید: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است»، فرشته‌ای این کلمات را به آسمان می‌برد، و بر هر گروهی از فرشتگان که می‌گذرد، برای گوینده آنها آمرزش می‌طلبند، تا آن که فرشته، آن کلمات را به نزد پروردگار جهانیان ببرد.

۸۴۰. شُعَبُ الْإِيمَانِ - به نقل از آنس - بادیه‌نشینی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا!

به من کار نیکی بیاموز. *مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی*
پیامبر ﷺ دست او را گرفت و فرمود: «بگو: پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است».

بادیه‌نشین [این چهار جمله را] با انگشتانش شمرد و رفت؛ اما به فکر فرو رفت و سپس برگشت. پیامبر ﷺ لبخندی زد و فرمود: «بینوا، فکر کرد و آمد».

[بادیه‌نشین] گفت: ای پیامبر خدا! «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است»، اینها از آن خدایند. برای من چیست؟

پیامبر ﷺ فرمود: «ای بادیه‌نشین! هر گاه بگویی: «پاکا خدا»، خداوند می‌فرماید: «راست گفتی». و هر گاه بگویی: «ستایش خدای را»، خداوند می‌فرماید: «راست گفتی». و هر گاه بگویی: «معبودی جز خدا نیست»، خداوند می‌فرماید: «راست گفتی». و هر گاه بگویی: «خدا بزرگ‌تر است»، خداوند می‌فرماید: «راست گفتی». و هر گاه بگویی: «بار خدایا! مرا بیامرز»، خداوند می‌فرماید: «آمرزیدم». و هر گاه بگویی: «بار خدایا! بر من رحمت آور»، خداوند

قال: فَقَعَدَ الْأَعْرَابِيُّ عَلَى سَبْعٍ فِي يَدِهِ ثُمَّ وَلَّى ١.

٣ / ٦

بَرَكَاتُ التَّسْبِيحَاتِ

٨٢١. رسول الله ﷺ: ما على الأرض رجل يقول: «لا إله إلا الله، والله أكبر، وسبحان الله، والحمد لله، ولا حول ولا قوة إلا بالله» إلا كفرت عنه ذنوبه، ولو كانت أكثر من زيد البحر. ٢.

٨٢٢. سنن ابن ماجه عن أبي الدرداء: قال لي رسول الله ﷺ: عليك بـ «سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر» فإنها - يعني - يحططن^٣ الخطايا كما تحط الشجرة ورقها. ٤.

٨٢٣. تاريخ دمشق عن أبي سلمة بن عبد الرحمن: جلس رسول الله ﷺ ذات يوم فأخذ عوداً يابساً فحط ورقه، ثم قال: إن قول: «لا إله إلا الله، والله أكبر، والحمد لله، وسبحان الله» تحط الخطايا كما يحط ورق هذه الشجرة. خذهن يا أبا الدرداء قبل أن يحال بينك وبينهن، فإنهن الباقيات الصالحات، وهن من كنوز الجنة. ٥.

٨٢٤. مسند ابن حنبل عن أنس: إن رسول الله ﷺ أخذ غصناً فنفضه فلم ينتفض، ثم نفضه فلم ينتفض، ثم نفضه فانتفض، فقال رسول الله ﷺ: إن «سبحان الله، والحمد لله، ولا إله

١. شعب الإيمان: ج ١ ص ٢٣١ ح ٦١٩، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٣٦ ح ٣٩١١.

٢. مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٥١ ح ٦٤٨٩، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨٢ ح ١٨٥٣ كلاهما عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ٣٨٧٣ نقلاً عن الفارسي في الأربعين عن أبي هريرة نحوه.

٣. في كنز العمال: «فإنهن يحططن».

٤. سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥٣ ح ٣٨١٣، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٢ ح ٢٠٠٤ وفيه «فإنهن» بدل «فإنها يعني».

٥. تاريخ دمشق: ج ٢٧ ص ١٥٠، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٢٧ ح ٤٣٢٤ وج ١ ص ٤٦٧ ح ٢٠٣٣ كلاهما عن أبي الدرداء.

می فرماید: "آوردم". و هر گاه بگویی: "بار خدایا! به من روزی ده"، خداوند می فرماید: "دادم".

بادیه نشین، با انگشتانش هفت تا [جمله را] شمرد و سپس رفت.

۳/۶

برکات تسبیحات چهارگانه

۸۴۱. پیامبر خدا ﷺ: هیچ مردی در روی زمین نیست که بگوید: «معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و پاکا خدا، و ستایش خدای را، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، مگر آن که گناهانش آمرزیده می شود، حتی اگر از کف دریا بیشتر باشد.

۸۴۲. سفن ابن ماجه - به نقل از ابو درداء: پیامبر خدا به من فرمود: «بر تو باد گفتن "پاكا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است"؛ زیرا اینها گناهان را می ریزند، آن سان که برگ های درخت می ریزند».

۸۴۳. تاریخ دمشق - به نقل از ابو سلمه بن عبد الرحمان -: روزی پیامبر خدا نشسته بود و شاخه ای خشکیده برداشت و برگ های آن را فرو ریخت. سپس فرمود: «گفتار "معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ تر است، و ستایش خدای را، و پاكا خداوند!"، گناهان را فرو می ریزد، همچنان که برگ های این شاخه فرو می ریزد. ای ابو درداء! پیش از آن که از گفتن این کلمات محروم شوی (از دنیا بروی)، آنها را بگیر؛ زیرا اینها اعمال نیک ماندگارند و از گنج های بهشت اند».

۸۴۴. مسند ابن حنبل - به نقل از انس -: پیامبر خدا، شاخه ای برداشت و آن را تکان داد؛ اما برگ هایش نریخت. دوباره تکان داد. باز برگ هایش نریخت. سه باره تکانش داد و این بار، برگ هایش ریخت. پس فرمود: «گفته "پاكا خدا، و ستایش خدای

إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» تَنْفُضُ الْخَطَايَا كَمَا تَنْفُضُ الشَّجَرَةَ وَرَقَهَا. ١

٨٢٥. رسول الله ﷺ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فِي ذَنْبِ الْمُسْلِمِ
مِثْلُ الْأَكِيلَةِ^٢ فِي جَنْبِ ابْنِ آدَمَ.^٣

٨٢٦. عنه ﷺ: لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَقْرَى أُمَّتِكَ مِنِّي السَّلَامَ،
وَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ، وَأَنَّهَا قِيَعَانُ^٤، وَأَنَّ غِرَاسَهَا: سُبْحَانَ اللَّهِ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.^٥

٨٢٧. سنن ابن ماجه عن عثمان بن أبي سودة عن أبي هريرة: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ بِهِ وَهُوَ يَغْرِسُ
غَرَسًا، فَقَالَ: يَا أَبَا هُرَيْرَةَ! مَا الَّذِي تَغْرِسُ؟ قُلْتُ: غِرَاسًا لِي، قَالَ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى
غِرَاسٍ خَيْرٍ لَكَ مِنْ هَذَا؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ: قُلْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» يُغْرِسُ لَكَ بِكُلِّ
وَاحِدَةٍ شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ.^٦

٨٢٨. الإمام الباقر عليه السلام: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَجُلٍ يَغْرِسُ غَرَسًا فِي حَائِطٍ لَهُ، فَوَقَّفَ لَهُ وَقَالَ:
أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى غَرَسٍ أَثْبَتَ أَصْلًا، وَأَسْرَعَ إِيْنَاعًا، وَأَطْيَبَ ثَمْرًا وَأَبْقَى؟ قَالَ: بَلَى،
فَدُلَّنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ!

١. مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٠٤ ح ١٢٥٣٦.

٢. الْأَكِيلَةُ - كَفْرِخَةٌ -: دَاءٌ [يَقَعُ] فِي الْعَضْوِ يَأْكُلُ مِنْهُ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٢٩ «أكل»).

٣. الفردوس: ج ٢ ص ٣٣٧ ح ٣٥٢٤ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٤ ح ٢٠٢٠.

٤. قِيَعَانٌ: جَمْعُ قَاعٍ، وَهُوَ الْمَكَانُ الْمَسْتَوِي الْوَاسِعُ فِي وَطَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ (النهاية: ج ٤ ص ١٣٢ «قيع»).

٥. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥١٠ ح ٣٤٦٢ عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٠ ح ١٩٨٩؛
الدعوات: ص ٢٦ ح ١١٣ وزاد في آخره «ولا حول ولا قوة إلا بالله»، فأمر أمتك فليكثروا من غرسها، بحار
الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٤ ح ٢١.

٦. سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٥١ ح ٣٨٠٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٣ ح ١٨٨٧، تاريخ بغداد:
ج ٤ ص ٤٠٠ وليس فيه «ولا إله إلا الله».

را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است، گناهان را فرو می‌ریزد، همچنان که درخت، برگ‌های خود را فرو می‌ریزاند».

۸۴۵. پیامبر خدا ﷺ: [تأثیر جملات] «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است» در گناهان مسلمان، همانند خوره در بدن آدمیزاد است.

۸۴۶. پیامبر خدا ﷺ: شبی که به معراج برده شدم، ابراهیم را دیدم. به من گفت: «ای محمد! از جانب من به امت سلام برسان و به آنان بگو که: بهشت، خاکی پاک و آبی گوارا دارد و دشتستانی است که نهال‌هایش عبارت اند از: "پاکا خدا! و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است"».

۸۴۷. سفن ابن ماجه - به نقل از عثمان بن ابی سوده، از ابو هریره - من مشغول نهالکاری بودم که پیامبر خدا بر من گذشت. فرمود: «ای ابو هریره! چه می‌کاری؟»

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

گفتم: برای خودم نهال می‌کارم.

فرمود: «آیا تو را به نهالی راه‌نمایی نکنم که برایت از این نهال‌ها بهتر باشد؟».

گفت [م]: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگو: "پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است". به ازای هر یک از اینها یک درخت در بهشت برایت کاشته می‌شود».

۸۴۸. امام باقر ﷺ: پیامبر خدا بر مردی که در بوستانش مشغول نهالکاری بود، گذشت. ایستاد و فرمود: «آیا تو را به نهالی رهنمون نشوم که ریشه‌اش استوارتر است و زودتر به بار می‌نشیند و میوه‌اش خوش‌تر و ماندگارتر است؟».

مرد گفت: چرا، راه‌نمایی‌ام کن، ای پیامبر خدا!

فَقَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّ لَكَ مِنْ قُلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ، وَهُنَّ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ ١.

٨٣٩. عنه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ شَجَرَنَا فِي الْجَنَّةِ لَكَثِيرٌ! قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِنْ إِيَّاكُمْ أَنْ تُرْسِلُوا عَلَيْهَا نيراناً فَتُحْرِقُوهَا، وَذَلِكَ أَنْ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾ ٢.

٨٥٠. رسول الله ﷺ: مَنْ سَبَّحَ لِلَّهِ ﷻ ٢ تَسْبِيحَةً، أَوْ حَمِدَهُ تَحْمِيدَةً، أَوْ هَلَّلَهُ تَهْلِيلَةً، أَوْ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا، غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ، أَصْلُهَا يَأْقُوثٌ أَحْمَرٌ، مُكَلَّلَةٌ بِالذُّرِّ، طَلْعُهَا كَنْدِي الْأَبْكَارِ، أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَاللَّيْنُ مِنَ الزُّبْدِ ٥.

٨٥١. عنه ﷺ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ، دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ فِيهَا قِيعَانًا يَقْقَأُ ٦ مِنْ مِسْكِ، وَرَأَيْتُ فِيهَا مَلَائِكَةً يَبْنُونَ لِبَنَةِ مِنْ ذَهَبٍ وَلِبِنَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَرُبَّمَا أَمْسَكُوا.

١. الكافي: ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٤، المحاسن: ج ١ ص ١٠٧ ح ٩٢ كلاهما عن ضريس الكناسي، روضة الواعظين: ص ٤٠٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٥٧ ح ٢٧.

٢. محمد: ٣٣.

٣. نواب الأعمال: ص ٢٦ ح ٣ عن أبي الجارود، الأمالي للصدوق: ص ٧٠٥ ح ٩٦٨ عن أبي الجارود عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٨ ح ٣.

٤. في كنز العمال: «الله» وهو الأنسب.

٥. المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٦٦ ح ٦١٧٦ عن سلمان الفارسي، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٤ ح ٢٠٥٩.

٦. اليقوت: المتناهي في البياض (النهاية: ج ٥ ص ٢٩٩ «يقوت»).

پیامبر ﷺ فرمود: «چون صبح و شب خود را آغاز کردی، بگو: "پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است؛ چرا که اگر اینها را بگویی، برای هر تسبیحی، ده درخت از انواع میوه‌ها در بهشت برایت خواهد بود، و اینها کارهای نیک ماندگارند».

۸۳۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس بگوید: "پاکا خدا!"، خدا به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس بگوید: "ستایش، خدای را"، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس بگوید: "معبودی جز خدا نیست"، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس بگوید: "خدا بزرگتر است"، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایش می‌کارد».

مردی از قریش گفت: ای پیامبر خدا! پس درختان بسیاری در بهشت خواهیم داشت.

فرمود: «آری؛ اما زنهاری که آتش‌هایی نفرستید و آنها را نسوزانید؛ چرا که خداوند ﷻ می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا فرمان ببرید و از پیامبر، فرمان ببرید و اعمال خود را باطل مگردانید».

۸۵۰. پیامبر خدا ﷺ: هر کس خداوند ﷻ را یک تسبیح یا یک حمد بگوید یا یک «لا إله إلا الله» یا یک «الله أكبر» بگوید، خداوند به ازای آن، برای او در بهشت، درختی می‌کارد که ریشه‌اش یاقوت سرخ است و خودش مزین به مروارید، و شکوفه‌هایش، چونان پستان دخترکان: شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از مُشک.

۸۵۱. پیامبر خدا ﷺ: شبی که به معراج برده شدم، به بهشت در آمدم و در آن، دشت‌هایی بسیار سپید از مُشک دیدم، و در آن دشت‌ها فرشتگانی را دیدم که خشتی از زرو خشتی از سیم بر هم می‌نهند، و گاه دست از کار می‌کشند. به آنان گفتم: «از چه

فَقُلْتُ لَهُمْ: مَا لَكُمْ زُبْمًا بَنَيْتُمْ وَزُبْمًا أَمْسَكْتُمْ؟ قَالُوا: حَتَّى تَأْتِيَنَا النَّفَقَةُ.
قُلْتُ: وَمَا نَفَقَتُكُمْ؟ قَالُوا: قَوْلُ الْمُؤْمِنِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ فَإِذَا قَالَهُنَّ بَنَيْنَا، وَإِذَا سَكَتَ وَأَمْسَكَ أَمْسَكْنَا. ١

٨٥٢. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ، فَرَأَيْتُ
قَصْرًا مِنْ ياقوتة حمراء يُرَى دَاخِلُهَا مِنْ خَارِجِهَا، وَخَارِجُهَا مِنْ دَاخِلِهَا؛ مِنْ
ضِيَائِهَا، وَفِيهَا بَيْتَانِ مِنْ دُرٍّ وَزَبْرَجِدٍ، فَقُلْتُ: يَا جِبْرِئِيلُ، لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ؟ فَقَالَ: هَذَا
لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَتَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامًا.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَفِي أُمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا؟ فَقَالَ: أَدْنُ مِنِّي
يَا عَلِيُّ، فَدَنَا مِنْهُ، فَقَالَ: أَتَدْرِي مَا إِطَابَةُ الْكَلَامِ؟ قَالَ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: مَنْ
قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. ٢



بِقَاءُ النَّسَبِيَّاتِ

٨٥٣. رسول الله ﷺ: أَكْثَرُوا مِنْ قَوْلِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ فَإِنَّهُنَّ
يَأْتِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُنَّ مَقَدِّمَاتٌ وَمَوْخِرَاتٌ وَمُعَقَّبَاتٌ، وَهُنَّ الْبَاقِيَّاتُ الصَّالِحَاتُ. ٢

١. الأمالي للطوسي: ص ٢٧٤ ح ١٠٣٥، عدة الداعي: ص ٢٤٩ كلاهما عن حماد بن عثمان عن الإمام الصادق
عن آبائه عليه السلام، تفسير القمي: ج ٢ ص ٥٣ عن جميل وج ١ ص ٢١ عن حماد وفيه «تفق» بدل «يقفأ» وكلاهما
عن الإمام الصادق عليه السلام عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٨٣ نقلًا عن تفسير النعماني.

٢. تفسير القمي: ج ١ ص ٢١ عن حماد، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٨٢ نقلًا عن تفسير النعماني؛ كنز العمال: ج ١٥
ص ٨٨٥ ح ٢٢٥٠٨ نقلًا عن الخطيب عن ابن عباس نحوه.

٣. ثواب الأعمال: ص ٢٣ ح ١ و ص ٢٦ ح ٢، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٣٢ وليس فيه «أكثر» من قول
وكُلُّهَا عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، جَامِعُ الْأَخْبَارِ: ص ١٤١ ح ٢٩٩ كُلُّهَا عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣
ص ١٧١ ح ١٢؛ شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج ١ ص ٤٢٦ ح ٦٠٧ عن عبد الله بن مسعود نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٧
ح ٢٠٣٢.

رو، گاه می‌سازید و گاه می‌ایستید؟». گفتند: تا این که هزینه به ما برسد.
گفتم: «هزینه‌تان چیست؟».

گفتند: این سخن مؤمن: «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است». هر گاه اینها را بگویند، ما مشغول ساختن می‌شویم، و چون ساکت شود و از گفتن باز ایستد، ما نیز [از ساختن] باز می‌ایستیم.

۸۵۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «شب‌ی که به آسمان برده شدم، به بهشت در آمدم. کاخی دیدم از یاقوت سرخ و از بس نورانی بود، درونش از بیرون دیده می‌شد و بیرونش از درونش. در آن، دو اتاق از مروارید و زبرجد بود. گفتم: ای جبرئیل! این کاخ، از آن کیست؟

گفت: این، از آن کسی است که سخن نیک بگوید و پیوسته روزه بدارد و اطعام کند و شب‌ها که مردم خواب‌اند، او به عبادت پردازد».
امیر مؤمنان گفت: ای پیامبر خدا! در امت تو کیست که تاب این کارها را داشته باشد؟

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

فرمود: «نزدیک من بیا، ای علی!».

علی علیه السلام نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. به او فرمود: «آیا می‌دانی سخن نیک چیست؟».
علی علیه السلام گفت: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند.

فرمود: «گفتن پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است».

۲/۶

ماندگاری تسبیحات چهارگانه

۸۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جمله «پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است» را بسیار بگویید؛ زیرا در روز قیامت، این کلمات [چونان لشکری] با مقدمه و مؤخره و دنباله می‌آیند؛ و اینها ماندگارهای نیک‌اند.

٨٥٢ . المستدرک علی الصحیحین عن ابي سعید الخدری: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: اسْتَكْبَرُوا مِنِّي الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ .

قيل: وما هُنَّ يا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمَلَّةُ .

قيل: وما هِيَ؟ قَالَ: التَّكْبِيرُ، وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّسْبِيحُ، وَالتَّحْمِيدُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ١ .

٨٥٥ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَالْأَيِّتِ، ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ أَكُنْتُمْ تَزْوَنُهُ يَبْلُغُ السَّمَاءَ؟ قَالُوا: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعُهُ فِي السَّمَاءِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ: يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ الْفَرِيضَةِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً؛ فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعُهُنَّ فِي السَّمَاءِ، وَهُنَّ يَدْفَعْنَ الْهَدْمَ، وَالْحَرَقَ، وَالْفَرَقَ، وَالتَّرْدِيَّ فِي الْبِئْرِ، وَأَكَلَ السَّبْعِ، وَمِيتَةَ السَّوِّءِ، وَالبَلِيَّةَ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ ٢ .

٨٥٦ . المستدرک علی الصحیحین عن ابي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خُذُوا جُنَّتَكُمْ. قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ عَدُوٍّ قَدْ حَضَرَ؟

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

قَالَ: لَا، جُنَّتَكُمْ مِنَ النَّارِ. قَالُوا: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ فَإِنَّهُنَّ ٣ يَأْتِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنْجِيَاتٍ وَمُقَدِّمَاتٍ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ ٥ .

١ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٩٤ ح ١٨٨٩، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٣ نحوه، مسند ابي يعلى: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٣٧٩، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٥١ ح ٤٣٦٥٤ .

٢ . في المصدر: «تبلغ»، والتصويب من المصادر الأخرى .

٣ . نواب الأعمال: ص ٢٦ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤٠٦ نحوه وكلاهما عن ابي بصير، معاني الأخبار: ص ٣٢٤ ح ١، عوالي اللآلي: ج ١ ص ٣٥٠ ح ٢ عن رسول الله ﷺ وفيهما زيادة «الصالحات» بعد «الباقيات»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٣٠ ح ٣٥ .

٤ . في المصدر: «فإنها»، والتصويب من المصادر الأخرى .

٥ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٢٥ ح ١٩٨٥، شعب الإيمان: ج ١ ص ٤٢٥ ح ٦٠٦ وزاد فيه «معقبات» بعد «مقدمات» وفيه «محببات» بدل «منجيات»، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٤٨ ح ٤٤٣٢٦؛ تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٣٢ عن ابي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٢ ح ١٨ .

۸۵۲. المستدری علی الصحیحین - به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا فرمود:
«ماندگارهای نیکِ خود را بسیار نمایید».

گفته شد: اینها چیستند، ای پیامبر خدا؟
فرمود: «مَلت».

گفته شد: مَلت چیست؟

فرمود: «الله أكبر، ولا إله إلا الله، و سبحان الله، و الحمد لله، و لا حول و لا قوّة إلا بالله».

۸۵۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، روزی به یارانش فرمود: «به نظر شما، اگر آنچه از پوشاک و ظروف دارید، گرد آورید و سپس هر یک از آنها را بر روی دیگری بگذارید، آیا فکر می‌کنید به آسمان برسد؟».

گفتند: خیر، ای پیامبر خدا!

فرمود: «آیا شما را به چیزی زهنمون نشوم که ریشه‌اش در زمین و شاخسارش در آسمان است؟».

گفتند: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «هر یک از شما پس از به جا آوردن نماز واجبش، سی مرتبه بگوید: "پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است". ریشه اینها در زمین و شاخسارشان در آسمان است. اینها از رفتن زیر آوار، و سوخته شدن، و غرق شدن، و افتادن در چاه، و طعمه درنده شدن، و مرگ دل خراش، و بلایی که در آن روز از آسمان بر بنده نازل می‌شود، جلوگیری می‌کنند. اینها همان ماندگارهایند».

۸۵۶. المستدری علی الصحیحین - به نقل از ابو هُرَیره - : پیامبر خدا فرمود: «سپر خود را برگیرید».

گفتند: ای پیامبر خدا! دشمنی حمله کرده است؟

فرمود: «نه، سپر در برابر آتش است. بگویید: "پاکا خدا، و ستایش خدای را، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگ‌تر است"؛ زیرا اینها روز قیامت، نجاتبخش و پیش‌برنده‌اند. اینها ماندگارهای نیک‌اند».



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست تفصیلی

۷	پیش‌گفتار.....
۸	روش تدوین کتاب.....
۱۲	سپاس و تقدیر.....

بخش یکم: یاد کردن و فراموش کردن خدا

۱۵	درآمد.....
۱۵	واژه‌شناسی «ذکر».....
۱۶	ذکر، در قرآن و حدیث.....
۱۹	معنای ذکر.....
۲۰	دشوارترین فریضه.....
۲۱	انواع ذکر.....
۲۲	عوامل ذکر.....
۲۲	۱. پیکار با موانع یاد خدا.....
۲۲	۲. تقویت خداشناسی.....
۲۳	۳. یاد مرگ.....
۲۳	۴. دعا برای الهام شدن ذکر.....
۲۴	آداب ذکر.....

۲۴ مهم ترین موارد ذکر

۲۵ آثار و برکات ذکر گفتن انفرادی و اجتماعی

۲۷ فصل یکم: تشویق به یاد کردن از خدا

۲۷ ۱/۱ خدا را بسیار یاد کنید

۴۳ ۲/۱ ترغیب به یاد خدا در همه احوال

۵۵ ۳/۱ تشویق به یاد خدا در همه جا

۵۷ ۴/۱ یاد خدا، در همه حال، نیکوست

۵۹ ۵/۱ جایگاه یادکننده خدا

۷۷ ۶/۱ مردان یاد خدا

۸۷ ۷/۱ کلیدهای یاد خدا

۹۱ ۸/۱ گوناگون

۹۵ فصل دوم: ویژگی های یاد خدا

۹۵ ۱/۲ حکمت عبادت

۹۷ ۲/۲ وظیفه دل و زبان

۹۹ ۳/۲ وظیفه آسمانیان و زمینیان

۹۹ ۴/۲ برترین اعمال

۱۰۳ ۵/۲ پُراج ترین سخن

۱۰۵ ۶/۲ روشنایی ایمان

۱۰۵ ۷/۲ خوی پرهیزگاران

۱۰۵ ۸/۲ لذت عاشقان خدا

۱۰۹ فصل سوم: معنای یاد خدا

۱۰۹ ۱/۳ حقیقت یاد خدا

۱۱۳ ۲/۳ کسانی که یادکننده خدا به شمار می آیند

۱۱۳ ۳/۳ کسانی که بسیار یادکننده خدا به شمار می آیند



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۵۴۳ فهرست تفصیلی	
۱۱۷ کسانی که یاد کردن از آنان، عبادت است	۴/۳
۱۲۱ فصل چهارم: اقسام یاد خدا	
۱۲۱ یاد کردن زبانی، یاد کردن در مصیبت، و یاد کردن در مواجهه با حرام‌های خدا	۱/۴
۱۲۳ یاد کردن خالص و یاد کردن صارف	۲/۴
۱۲۳ هفت گونه یاد کردن	۳/۴
۱۲۵ یاد کردن نهانی	۴/۴
۱۲۹ یاد کردن آشکار	۵/۴
۱۳۵ فصل پنجم: عوامل یاد خدا	
۱۳۵ شناخت	۱/۵
۱۳۵ دوست داشتن	۲/۵
۱۳۷ الهام	۳/۵
۱۳۹ به یاد آوردن قبر	۴/۵
۱۳۹ کار کردن برای خشنودی خدا	۵/۵
۱۴۱ چند عامل دیگر	۶/۵
۱۴۳ فصل ششم: آفت‌های یاد خدا	
۱۴۳ وسوسه شیطان	۱/۶
۱۴۵ عالم فریفته دنیا	۲/۶
۱۴۵ دنیا دوستی	۳/۶
۱۴۷ بدی کردار	۴/۶
۱۴۹ درازی آرزو	۵/۶
۱۴۹ پیروی از هوس	۶/۶
۱۴۹ نگاه بیهوده	۷/۶
۱۴۹ پرداختن به یاد مردم	۸/۶
۱۵۱ ستیزه‌گری	۹/۶

۱۵۱	عمل نکردن به علم	۱۰/۶
۱۵۱	سرگرمی ها	۱۱/۶
۱۵۱	نادانی	۱۲/۶
۱۵۳	پُرخوری و غرور	۱۳/۶
۱۵۵	فصل هفتم: آداب یاد خدا	
۱۵۵	پاک بودن	۱/۷
۱۵۷	خشوع	۲/۷
۱۵۹	خلوص	۳/۷
۱۵۹	پرهیزگاری	۴/۷
۱۶۱	بزرگداشت	۵/۷
۱۶۱	نشاط	۶/۷
۱۶۳	فراموش کردن خود	۷/۷
۱۶۳	شوق داشتن به دیدار	۸/۷
۱۶۵	گونگون	۹/۷
۱۷۱	فصل هشتم: مهم ترین اوقات یاد خدا	
۱۷۱	بامدادان و شامگاهان	۱/۸
۱۷۵	از اول تا سیزدهم ذی حجه	۲/۸
۱۸۱	ماه رمضان	۳/۸
۱۸۱	روز جمعه	۴/۸
۱۸۳	هنگام جنگ	۵/۸
۱۸۵	هنگام آهنگ کاری کردن و داوری و قسمت کردن	۶/۸
۱۸۵	هنگام رعد و برق	۷/۸
۱۸۷	هنگام غافل بودن مردم	۸/۸
۱۹۱	در تنهایی	۹/۸



۵۴۵ فهرست تفصیلی	
۱۹۵ هنگام گفتن	۱۰/۸
۱۹۷ هنگام خوردن	۱۱/۸
۱۹۹ هنگام خوابیدن	۱۲/۸
۱۹۹ دل شب	۱۳/۸
۲۰۱ هنگام برخاستن	۱۴/۸
۲۰۳ در مسجد	۱۵/۸
۲۰۵ در مکه	۱۶/۸
۲۰۵ در خانه	۱۷/۸
۲۰۷ در بازار	۱۸/۸
۲۰۹ در سفر	۱۹/۸
۲۰۹ هنگام گذر از کوه یادشت	۲۰/۸
۲۱۱ با هر یادکننده خدا	۲۱/۸
۲۱۳ فصل نهم: برکت‌های یاد خدا	
۲۱۳ یاد کردن خدا از یادکننده اش	۱/۹
۲۲۵ راندن شیطان	۲/۹
۲۳۳ آرامش دل	۳/۹
۲۳۵ گشایش سینه	۴/۹
۲۳۵ جلای دل	۵/۹
۲۳۹ شفای دل	۶/۹
۲۳۹ بهبود دل	۷/۹
۲۴۱ زنده شدن دل	۸/۹
۲۴۳ آبادی دل	۹/۹
۲۴۳ روشنائی دل	۱۰/۹
۲۴۵ حکمت دل	۱۱/۹

۲۴۷ راهنمای خیزدها	۱۲/۹
۲۴۷ موفقیت در کارها	۱۳/۹
۲۴۹ روزی بدون سرمایه	۱۴/۹
۲۴۹ رهیدن از سختی‌ها و گرفتاری‌ها	۱۵/۹
۲۵۱ نیک‌نامی	۱۶/۹
۲۵۳ نیک‌کرداری	۱۷/۹
۲۵۳ زدودن گناهان	۱۸/۹
۲۵۳ تقویت ایمان	۱۹/۹
۲۵۵ نزدیک شدن به خدا	۲۰/۹
۲۵۷ همدمی با خدا	۲۱/۹
۲۵۷ محبوبیت در نزد خداوند	۲۲/۹
۲۵۹ دیدار خدا	۲۳/۹
۲۶۱ مصونیت از اشتباه	۲۴/۹
۲۶۱ فرود آمدن فرشتگان	۲۵/۹
۲۶۹ فرود آمدن رحمت	۲۶/۹
۲۶۹ فرود آمدن آرامش	۲۷/۹
۲۷۱ آمرزش خداوند	۲۸/۹
۲۷۱ تبدیل شدن بدی‌ها به خوبی‌ها	۲۹/۹
۲۷۳ مباحثات کردن خداوند	۳۰/۹
۲۷۳ در آمدن به باغ‌های بهشت	۳۱/۹
۲۷۵ روشنایی در روز قیامت	۳۲/۹
۲۷۷ پیشتازی در روز قیامت	۳۳/۹
۲۷۹ خیر دنیا و آخرت	۳۴/۹
۲۸۱ فصل دهم: زیان‌های فراموش کردن خدا	
۲۸۱ فراموش شدن از جانب خدا	۱/۱۰

فهرست تفصیلی ۵۴۷

۲۸۳	خود فراموشی	۲/۱۰
۲۸۳	مسلط شدن شیطان	۳/۱۰
۲۸۵	سنگ دلی	۴/۱۰
۲۸۷	مردن دل	۵/۱۰
۲۸۷	زندگی فلاکت بار	۶/۱۰
۲۸۹	بدی دنیا و آخرت	۷/۱۰
۳۰۱	تحلیلی درباره برکات یاد خدا و زبان های فراموش کردن او	
۳۰۱	۱. جامع ترین برکات یاد خدا	
۳۰۲	۲. نقش یاد خدا در آفتزدایی از زندگی	
۳۰۲	۳. نقش یاد خدا در سازندگی جان	
۳۰۳	۴. نقش یاد خدا در پیدایی علم و حکمت و عصمت روانی	
۳۰۳	۵. نقش ذکر در نیکوکاری و خوش نامی	
۳۰۳	۶. نقش ذکر در تأمین رفاه مادی و حل مشکلات زندگی	
۳۰۴	۷. نقش ذکر در محبت	
۳۰۴	۸. نقش ذکر در تأمین خیر دنیا و آخرت	
۳۰۵	۹. زبان های فراموش کردن خدا	

بخش دوم: بسمله (گفتن «بسم الله»)

۳۰۹	درآمد	
۳۰۹	واژه شناسی «بسمله»	
۳۱۰	۱. معنای «اسم»	
۳۱۰	۲. فرق اسم و صفت	
۳۱۰	۳. اتحاد اسم و صفت در باره خداوند	
۳۱۱	۴. معنای اسما و صفات الهی	
۳۱۲	۵. معنای ذکر «بسم الله»	

۳۱۴	۶. عظمت ذکر «بسم الله»	
۳۱۵	۷. فضیلت تعلیم «بسم الله»	
۳۱۵	۸. برکات ذکر «بسم الله»	
۳۱۶	۹. چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟	
۳۱۹	فصل یکم: تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم»	
۳۱۹	معنای «اسم»	۱/۱
۳۲۵	معنای الله	۲/۱
۳۳۱	معنای «بسم الله الرحمن الرحيم»	۳/۱
۳۳۷	فصل دوم: ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحيم»	
۳۳۷	نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است	۱/۲
۳۳۹	سر آغاز هر کتاب آسمانی است	۲/۲
۳۴۲	سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله»	
۳۴۵	نخستین چیزی که بر پیامبر ﷺ نازل شد	۳/۲
۳۴۵	با عظمت ترین آیه در کتاب خدا	۴/۲
۳۴۵	تاج سوره ها	۵/۲
۳۴۹	آغاز نماز	۶/۲
۳۵۷	فصل سوم: جایگاه های ذکر «بسم الله»	
۳۵۷	نگارش	۱/۳
۳۶۱	بامداد و شامگاه	۲/۳
۳۶۳	هنگام خارج شدن از منزل، یا وارد شدن به آن	۳/۳
۳۶۵	هنگام وضو گرفتن	۴/۳
۳۶۷	هنگام ایستادن برای نماز	۵/۳
۳۶۹	هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن	۶/۳
۳۷۱	هنگام ذبح کردن حیوان	۷/۳
۳۷۳	هنگام خوردن و آشامیدن	۸/۳

۵۴۹	فهرست تفصیلی
۳۷۵ هنگام خوابیدن	۹/۳
۳۷۷ هنگام پوشیدن	۱۰/۳
۳۷۹ هنگام قضای حاجت	۱۱/۳
۳۷۹ هنگام هم‌بستر شدن	۱۲/۳
۳۸۱ هنگام گرفتن سیل	۱۳/۳
۳۸۳ هنگام نشستن بر مرکب	۱۴/۳
۳۸۵ هنگام سفر	۱۵/۳
۳۸۷ در هر کاری	۱۶/۳
۳۹۳	فصل چهارم: آثار «بسم الله»
۳۹۳ برکت یافتن	۱/۴
۳۹۳ قرار گرفتن در پناه خدا	۲/۴
۳۹۷ شفا بخشی	۳/۴
۳۹۹ مستجاب شدن دعا	۴/۴
۳۹۹ تسبیحگویی کوه‌ها همراه کسی که «بسم الله» گوید	۵/۴
۳۹۹ کوچک شدن شیطان	۶/۴
۴۰۱ محفوظ ماندن از اشرار	۷/۴
۴۰۳ در امان ماندن از غرق شدن	۸/۴
۴۰۵ گرداندن بلا	۹/۴
۴۰۵ برطرف شدن وحشت	۱۰/۴
۴۰۵ سنگین شدن ترازوی اعمال	۱۱/۴
۴۰۷ رهیدن از آتش دوزخ	۱۲/۴
۴۰۹	فصل پنجم: آداب «بسم الله» گفتن
۴۰۹ بلند گفتن	۱/۵
۴۰۹ الف - سزاوارترین آیه به خواننده شدن با صدای بلند	

- ب - بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» توسط پیامبر خدا ﷺ ۴۰۹
- ج - بلند گفتن آن در نماز، توسط پیامبر خدا ﷺ ۴۱۳
- د - بلند گفتن «بسم الله» در نماز، توسط اهل بیت علیهم السلام ۴۱۵
- ه - بلند گفتن «بسم الله» از نشانه های ایمان است ۴۱۹
- پژوهشی در باره جهر به «بسمله» ۴۲۲
۱. جهر به «بسمله» در سنت نبوی صلی الله علیه و آله ۴۲۲
۲. سنت جهر به «بسمله»، در عمل صحابه ۴۲۲
۳. دگرگونی سنت جهر به «بسمله» ۴۲۴
۴. ستیز اهل بیت با این بدعت ۴۲۵

۴۲۷ نیکو نوشتن «بسم الله» ۲/۵

۴۲۹ احترام نهادن به نوشته «بسم الله» ۳/۵

بخش سوم: تسبیح (گفتن «سبحان الله»)



- درآمد ۴۳۳
- واژه شناسی «تسبیح» ۴۳۳
- تسبیح، در قرآن و حدیث ۴۳۵
- تسبیحگوی حقیقی ۴۳۷
- راز همراهی «تسبیح» و «تحمید» ۴۳۷
- اهمیت ذکر «تسبیح» ۴۴۰
- فصل یکم: تفسیر تسبیح** ۴۴۳
- فصل دوم: ویژگی های تسبیح** ۴۵۱
- نامی از نام های خدا ۱/۲ ۴۵۱
- گوهر نماز ۲/۲ ۴۵۳
- نماز هر چیزی ۳/۲ ۴۵۳

۵۵۱	فهرست تفصیلی
۴۵۵ خوراک فرشتگان	۴/۲
۴۵۷ نیایش بهشتیان	۵/۲
۴۵۹ لذت بردن بهشتیان از تسبیح زیورهایشان	۶/۲
۴۶۱ آواز بهشت	۷/۲
۴۶۱ میوه‌های بهشت	۸/۲
۴۶۳	فصل سوم: تشویق به تسبیح‌گویی
۴۶۳ فضیلت تسبیح‌گویی	۱/۳
۴۶۷ بسیار تسبیح گفتن	۲/۳
۴۷۱ تسبیح همراه با تحمید	۳/۳
۴۷۷ تشویق به خواندن مسبّحات	۴/۳
۴۸۱	فصل چهارم: برکات تسبیح گفتن
۴۸۱ رفع اندوه	۱/۴
۴۸۳ رفع ناداری	۲/۴
۴۸۵ آمرزش گناهان	۳/۴
۴۸۵ بهشت	۴/۴
۴۸۹	فصل پنجم: اوقات تسبیح گفتن
۴۸۹ بامداد و شامگاه	۱/۵
۴۹۷ در اوقات شب و کرانه‌های روز	۲/۵
۵۰۱ پس از فرو شدن ستارگان	۳/۵
۵۰۵ در رکوع و سجود	۴/۵
۵۰۹ در بی سجود	۵/۵
۵۰۹ هنگام برخاستن از مجلس	۶/۵
۵۱۳ هنگام بار افکندن در سفر	۷/۵
۵۱۳ هنگام درآمدن به بازار	۸/۵

